

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتصابات کارگران در ایران! روزشمار خرداد سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآورنده و تدوین:

امیر جواهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

تیر ۱۳۸۹

پادداشت :

با پشت سر گذاشته شدن اردیبهشت ماه وحدت یابی حضور کارگران خاصه بمناسبت روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) اول ماه مه، از آغاز خرداد ماه ۱۳۸۹ ما شاهد یورش مزدوران و آدم فروشان دستگاه ولایت به فعالین کارگری در محیط کار، خیابان و خانه های آنان شدت بیشتری یافت. با برگزاری مراسم اول ماه مه امسال، انتظار می رفت که ماموران امنیتی واکنش نشان دهند. نگاهی به موج دستگیری ها در روز شمار کارگری خرداد ۸۹، نشان از این سیاست سرکوبگرانه دارد:

مهدی فرحی شاندیز ۵۰ ساله فعال کارگری و معلم حق التدریسی روز سه شنبه ۱۱ خرداد برای گرفتن وسائل خود به دادگاه انقلاب مراجعه می کند رئیس شعبه ۸ دادگاه انقلاب که شاندیز نسبت به رفتارهای توهین آمیز و وحشیانه او اعتراض کرده بود او را به اتهام اخلاف در نظم عمومی دستگیر و به اردوگاه مرگ کهریزک می فرستد. شاندیز از دستگیر شدگان اول ماه مه پارک لاله تهران سال ۸۸ هم بود که ۹ ماه در بازداشت و در سلول انفرادی بسربرده و به تازگی از زندان آزاد شده بود که دیگر بار دستگیر شد.

علیرضا اخوان عضو "کانون مدافعان حقوق کارگر" نیمه شب ۱۳ خرداد در منزل خود دستگیر می شود.

سعید ترابیان مسوول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صبح روز ۱۹ خرداد ساعت ۹ صبح در منزل شخصی خود دستگیر می شود

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۲ خرداد بر سرکار خود دستگیر می شود رضا شهابی و سعید ترابیان از اعضا هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هستند که تا مدت ها از محل بازداشت آنان اطلاعی به خانواده شان نداده اند تا اینکه روز شنبه ۲۹ خرداد ماموران وزارت اطلاعات تحت عنوان حراست شرکت واحد و حومه به منزل مادر سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای شرکت واحد یورش برده و مادر سالخورده و بیمار او را مورد آزار و اذیت و توهین قرار می دهند. در رابطه با دستگیری این دو فعال کارگری در خرداد ماه سازمان عفو بین الملل در تاریخ ۱۴ ژوئن با کمپین و اقدامی فوری در سراسر جهان خواهان آزادی آنان گشته و یاد آور شده است : " ... این دو شخص (رضا شهابی و سعید ترابیان) بطور کاملاً محتمل زندانیان عقیدتی هستند که تنها بخاطر فعالیت های مسالمت آمیز سندیکایی خود

دستگیر شده اند و نگران است آنها با توجه به شرایطی که با زور ناپدیدشان کرده اند، ممکن است مورد شکنجه و سایر بدرفتاریها قرار بگیرند...."

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری روز ۲۲ خرداد در تهران دستگیر و به زندان اوین منتقل می شود. ابراهیم زاده کارگر لوله سازی پلپ تکنیک شور آباد شهر ری است که او نیزسال پیش در پارک لاله تهران روز اول ماه مه جز ۱۵۰ نفر از دستگیر شدگان بود و تا کنون دادگاه او به اتمام نرسیده بود..

پدرام نصراللهی فعال کارگری روز ۳۱ خرداد در مراجعه به دادگستری سنندج برای پی گیری پرونده قبلیش، توسط ماموران دادگستری دستگیر می شود .

این موج هجوم به فعالان کارگری در ارتباط با برگزاری روز کارگر امسال بشکل عام و به فعالان سندیکا، بشکل خاص عمدتاً برای فشار بر سندیکای شرکت واحد تهران و حومه - که یکی از ۱۰امضاء کننده قطعنامه مشترک اول ماه مه امسال بوده - متمرکز شده است. تمرکز شدید روی اعضای هیئت مدیره شرکت واحد تهران و حومه به آن علت است که این سندیکا، اولین تشکل مستقل کارگری سال های اخیر هست که توانسته است نه تنها بیانگر خواست های کارگران این شرکت باشد بلکه در قلوب کارگران و مدافعین آنان و بخش گسترده مردم تهران نیز جایی ویژه بیابد. همین محبوبیت و جا بازکردن هست که نیروهای سرکوبگر و ضد کارگری رژیم را بشدت نگران کرده است. از سوی دیگر شکل گیری سندیکای شرکت واحد تهران و حومه توانسته الگوی بسیار روشن و تجربه گرانبغی برای دیگر بخش های کارگری بوجود آورد. بطوری که علیرغم مخالفت تمامی دستگاه سرکوب و شورای اسلامی کار، شکل گیری سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه خوزستان، به تاسی از همین تجربه توانست شکل بگیرد. بی جهت نیست که دستگاه سرکوب ولایت، منصوراسالو رئیس هیئت مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را مدام از این بند زندان به بند دیگری منتقل کرده و او را زیر فشارهای شدید جسمی و روحی قرار می دهد. آن ها قصد دارند به فعالین کارگری واحد های تولیدی و خدماتی این پیام را بدهند که هر کس که قصد سازماندهی سندیکا و تشکل مستقل کارگری داشته باشد، سرنوشتی همچون **منصور اسالو**، **ابراهیم مددی** و **علی نجاتی** خواهد داشت.

اما اگر یکی از علل دستگیری های دور اخیر، انتقام از برگزاری مراسم اول ماه مه امسال است، نباید از خاطر برد که با اجرای طرح حذف یارانه ها، و رشد زمینه شکل گیری اعتراضات توده ای و کارگری در اعتراض به فقر رشد یابنده و تورم و گرانی لجام گسیخته، خطر شورش ها و اعتراضات توده ای کاملاً محتمل است. در چنین شرایطی، تشکل های کارگری و فعالین جنبش کارگری در سازماندهی این اعتراضات نقش بسزائی خواهند داشت. برای جلوگیری از این نقش هم هست که دستگاه سرکوب تلاش دارد با دستگیری فعالین کارگری و درهم شکستن تشکل های کارگری مانع تلاش آن ها برای سازماندهی این اعتراضات شوند. نباید از خاطر بود که جمهوری اسلامی که مدام سنگ مستضعف پناهی به سینه می زند و دولت منفور احمدی نژاد خود را دولت "عدالت گستر" می نامد، در تمامی طول حیات این رژیم و بویژه در دوره دولت احمدی نژاد، به سرکوب بی مهابای تشکل های کارگری همت گماشته است. آن ها بخوبی می دانند که متحد شدن نیروی کار و زحمت و ایجاد تشکل های کارگران شاغل و حتی بیکار می تواند قدرت نیروی کار در چانه زنی ها بر سر خواست های کارگران را بشدت بالا ببرد. این تشکل های وقتی بتوانند نیروی حاشیه تولید را نیز به سوی خود جذب کنند، آنگاه دارای نیروی کوبنده ای خواهند شد که می توانند ارکان دستگاه فساد و چپاول ولایت را در هم بشکنند.

همانطوری که گفتیم؛ در حالی که دولت احمدی نژاد تمام امکانات خود را برای اجرای قانون هدفمند سازی یارانه هاسازمان داده و مدام او و وزیر کارش (شیخ اسلامی) درگفتگو های رسانه ای و مجامع جهانی (سازمان جهانی کار) از کاهش نرخ بیکاری و رونق تولید دم می

زند، اما بحران حاد در صنایع و کاهش ظرفیت تولید داخلی در برابر واردات بیرویه در اغلب واحدهای صنعتی و تولیدی، مسئله سختی معیشت و تامین امنیت شغلی را به امری حیاتی برای کل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما بدل ساخته است.

خبرگزاری دولتی ایلنا چندی پیش ضمن انتشار همایش هم اندیشی تشکل های کارگری، کارفرمایی و اقتصاد دانان، با اشاره به اینکه تولید ملی صرفه اقتصادی خود را از دست داده است از جمله نوشت: "مناسفانه اقتصاد کشور همواره برپایه فروش نفت و واردات بوده است و واردات به معنای اقتصاد غیر تولیدی است و اقتصاد غیر مولد رشد سرطانی در کشور داشته ... سرمایه درتولید به سوی فعالیت های غیر تولیدی می رود و این موضع تاثیر بسیار نامطلوبی بر اقتصاد کشور دارد ... استفاده از کالای خارجی بدون اینکه شرمندگی در آن باشد، به راحتی تبلیغ می شود . بدترین نسخه برداری از نظریه های غربی در کشور ایجاد شده است. ۶ هزار تولید کننده صنایع بزرگ و ۴۰۰ هزار نفر در صنایع کوچک کشور فعال هستند و همه در حال حاضر در شرایط نامناسب قرار دارند. ... علاوه بر این، کمیسیون صنایع مجلس گزارش داده است که، در سراسر کشور صنایع با ظرفیت کمتر از ۴۰ درصد کار می کنند و اخراج کارگران تحت عنوان تعدیل نیرو با شدت جریان دارد. وضعیت چنان وخیم است که یک کار گروه مشورتی با نام کمیته رفع موانع تولید مرکب از مسئولان وزارت صنایع و معادن و اعضای اتاق بازرگانی تشکیل شده است و درصدد تهیه گزارشی جامع برای برون رفت از اوضاع بحرانی کنونی است.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ خرداد ماه امسال، گزارش داد: "۲۰ هزار واحد نیمه تمام معطل ۵۲ هزار میلیارد تومان سرمایه است. معاون وزیر صنایع از وجود ۲۰ هزار واحد صنعتی نیمه تمام در کشور خبر داد و گفت، حل مشکل نقدینگی مورد نیاز این واحدها را در دستور کار داریم. ... همچنین از قول دبیر اجرایی خانه کارگر در همین ماه گزارش شده است که میزان بیکاری کارگران در عسلویه ۵۲ هزار تن اعلام شده است .

اتاق بازرگانی نیز در گزارش کمیسیون صنعت خود خاطر نشان می سازد که، ۵۰ درصد واحد های تولیدی در اکثر مناطق در حالت رکود قرار داشته و هزاران تن بیکار شده اند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۹ خرداد ماه ، در گزارشی با عنوان: "نگاهی به گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی، روزهای بحرانی برای تولید ایرانی" با ذکر آمار به بررسی وضعیت ناگوار تولید پرداخته و از جمله یادآور شده است: "... در زمان حاضر تولید در کشور بدترین روزهای خود را سپری می کند بر اساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور در حال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند ... اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار هستند ... برخی واحدهای تولیدی به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به تعدیل نیروی انسانی هستند. " تعدیل نیروی انسانی همان بیکار سازی بیرویه کارگران رسمی و جایگزین سازی کارگران قراردادی را معنی می بخشد . مطابق همین گزارش منتشره در پایگاه اینترنتی کلمه، کاهش ظرفیت تولید، رکود بازار و کمبود منابع مالی مهم ترین عوامل ورشکستگی و رکود صنایع و واحدهای تولیدی به شمار آمده و با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها و افزایش نرخ گاز، برق و به طور کلی سوخت که با یارانه های کنونی از مزیت نسبی در تولید و رقابت برخوردارند، واحدهای تولیدی با بازدهی بیش از ۷۰ درصد، واحدهایی مانند داروسازی، فولاد، سیمان و جز اینها با مشکل جدی روبه رو خواهند شد که نتیجه کاهش ظرفیت تولید و اخراج کارگران بویژه کارگران با سابقه و ماهر است. پایگاه اینترنتی کلمه در این باره می نویسد: "در همین حال در بخش دیگری از این نمونه به کاهش تعداد کارگران این بخش های تولیدی طی سال های ۸۶ تا ۸۷ اشاره شده است. در این بررسی مشخص شده است که جمع تعداد کارگران شاغل در این واحدهای تولیدی در سال ۸۶ برابر ۴۷ هزار و ۲۱۸ نفر بوده است که در سال ۸۷ با ۲ هزار و ۸۹۳ نفر کاهش، تعداد کل کارگران شاغل در این بخش به ۴۴ هزار و ۳۲۵ نفر رسیده." است. در ادامه این گزارش تاکید شده میانگین اخراج کارگران در واحدهای تولیدی بین سال های ۸۶ و ۸۷ خورشیدی ۴۰ درصد بوده است که به طور مثال در برخی واحدهای بزرگ و راهبردی مانند کارخانه های مخابراتی ایران و ایران خودرو دیزل ابعاد وسیع و

عمیقی داشته و در جامعه اثرات منفی باقی گذاشته است، علاوه بر اخراج های گسترده و دستجمعی باید پدیده دستمزدهای معوقه و رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء را نیز از پیامدهای این اوضاع ارزیابی کرد که همچنان در بی سیاستی مطلق اقتصادی دولت احمدی نژاد دنبال می گردد.

در این ماه (خرداد ۸۹) ما با اعتراض کارگران بیکار خرمشهر در برابر شخص احمدی نژاد روبرو می باشیم . کارگرا اجتماع کننده با داشتن پلاکادر یکصدا فریاد می زدند : " بیکاریم ، بیکاریم " ، در همین ماه با واگذاری مخابرات به سپاه توسط دولت روبرویم بطوریکه وزیر اقتصاد شمس الدین حسینی ، مجبور به پاسخ به سئوالات فراکسیون اقلیت مجلس می شود. در این بین واگذاری ۱۰ میلیارد دلاری پروژه نفتی به قرار گاه خاتم الانبیا بدون مناقصه و امضاء قرارداد فاز سه پارس جنوبی و جزئیات شرکت گاز با این قرار گاه می شویم . در حوزه تعطیلی مراکز پزشکی گزارش شده است که ۴۵ مرکز پزشکی قانونی در کشور بدلیل کمبود بودجه بسته می شود. این در حالی ایستکه ؛ خدمات درمانی نیاز ضروری تمامی افراد جامعه ایران است که دولت ها باید آن را برای تمامی اقشار جامعه به صورت رایگان مهیا کنند. دولت ضد مردمی احمدی نژاد نه تنها از چنین امر مهمی دوری می جوید بلکه در صدد است امکانات متعلق به کارگران و کارمندان وتوجه به بیمه آنان که حاصل دسترنج سالیان رنج و زحمت خود آنان است را به نفع خویش مصادره کند.

دشواری وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ ۱۶ خرداد آمده است : "با نگاهی اجمالی به وضعیت خط فقر در کشور، شاید نیاز به تشریح وضعیت زنان سرپرست خانوار در کشور نباشد. مستمری های ۵۰-۴۰ هزار تومانی مرهم درد نزدیک به ۲ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور نبوده است." لازم به تذکر است ؛ چندی پیش یک گزارش علمی و درخور توجه در خصوص رابطه تورم و گرانی با تشدید فقر در جامعه خصوصا در میان زنان سرپرست خانوار منتشر شد. این گزارش که توسط تعدادی از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران تهیه گردیده است با صراحت اعلام می دارد : "در تحقیقات بر روی زنان سرپرست خانوار این نکته برجسته است که آنها فقیرترین فقرا هستند، زیرا به جز درد نداری و بی پولی از دردهای دیگر از جمله تبعیض جنسیتی رنج می برند. در حالیکه بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست، جزو فقیرترین گروه ها قرار گرفته اند. این رقم در خانوارهای مرد سرپرست، ۱۶ درصد است. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا را تشکیل می دهند. زنان سرپرست خانوار در سراسر کشور زودتر از دیگران از کار اخراج و دیرتر از همه استخدام می شوند، به عبارتی درصاف اول اخراج و در صف آخر اشتغال قرار دارند. فقر اقتصادی در کنار نابرابری در دسترسی به امکانات اجتماعی به دلیل زن بودن، زندگی آنان و خانواده هایشان را آسیب پذیر ساخته و بی شک در برنامه ریزی برای اختصاص کمک های پس از اجرای لایحه هدفمند سازی یارانه ها می باید مورد توجه جدی قرار بگیرند...." لازم به ذکر است ؛ در حال حاضر وزارت رفاه جمهوری اسلامی تعداد خانوارهایی را که زنان سرپرستی آن را برعهده دارند، بیش از ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار خانوار اعلام کرده است . مطابق همین آمار رسمی حکومتی، طی ۴ سال اخیر تعداد زنان سرپرست خانوار ۳۵ درصد افزایش یافته است. در حوزه مسائل زنان می توان مشکلات پرستاران را نیز مورد توجه قرار داد . بطوری که خبرگزاری دولتی ایلنا، در تاریخ ۱۱ خرداد ماه، متن گفتگوی دبیر کل خانه پرستار ایران را منتشر ساخت که گفته است: " متأسفانه طرح کارانه پرستاران (که نتیجه خود گردانی بیمارستان هاست) که قبلا با تاخیر نهایتا شش ماهه مواجه بود، هم اکنون یک سال است که پرداخت نشده است ... در بعضی از بیمارستان ها این تاخیر تا ۱۶ ماه نیز بوده، این درحالی است که طرح کارانه بعنوان کمک دریافتی به حقوق پرستاران بوده و قرار بود زندگی و وضعیت معیشت آنان را تحت الشعاع قرار دهد ... پرستاری که یک سال است کارانه دریافت نکرده چگونه می تواند قسط وام مسکن یا اجاره بهای مسکن خود را بپردازد ... اساس پرداخت کارانه ناعادلانه است . . . " کارانه نام روشی است که مطابق آن با خود گردانی و کسب درآمد توسط بیمارستان ها، این درآمد میان

پزشکان، خدمات و امور اداری بیمارستان و مابقی کارکنان اعم از پرستار، کارکنان آزمایشگاهی و جز این ها، تقسیم می شود. دبیر کل خانه پرستار ایران در این باره معتقد است: " ۶۵... درصد از درآمد بیمارستان ها به پزشکان عضو هیات علمی که حضور کم رنگی در بیمارستان ها دارند پرداخت می شود، ۱۰ درصد به بیمارستان و ۲۰ درصد بقیه، میان تمام کارکنان بیمارستان اعم از پرستار، کارآمد آزمایشگاه، نگهبان، حسابدار و غیره اختصاص دارد که همین رقم ناچیز نیز با تاخیر (تاکنون یک ساله) مواجه است، پرداخت کارانه بسیار ناعادلانه است."

پرستاران کشور مان ایران به دلیل اجرای برنامه های ورشکسته اقتصادی به ویژه خصوصی سازی و مقررات زدایی و نیز حذف و قطع یارانه ها با مشکلات بی شماری مواجه هستند. لغو قراردادهای موقت و پیمانی، مشکلات خصوصی سازی بیمارستان ها و بخش بهداشت، عدم پرداخت دستمزد واقعی مطابق با نرخ بالای تورم، حق برخورداری از اجتماعات و شکل پذیری تشکل های مستقل صنفی و مطالباتی پرستاران که از پایه ای ترین خواست های پرستاران است در برابر تمامیت این نظام خودنمایی می کند.

آماري از وضعیت کودکان کار خیابانی

سایت خبری و دولتی ایلنا ۲۱ خرداد از قول سایت جهان نیوز، نوشت: پژوهشی میدانی در مورد ۵۸۵ کودک کار خیابانی در گروه سنی ۱۶ تا ۱۸ نشان می دهد که ۵۰ درصد این کودکان توسط صاحبان کار خود مورد آزار قرار می گیرند. فرشید یزدانی، مدیر عامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان، در ارتباط با آخرین آمارگیری سال ۸۵ در کشور اظهار می دارد: "مطابق با این سرشماری نزدیک به یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک کار در رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال در کشور وجود دارد که در این میان حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر از آنها زیر ۱۵ سال سن دارند و به مشاغل پیش پا افتاده یا سخت مبادرت می کنند" همچنین وضعیت کودکان کار در کوچه و پس کوچه های خیابان ناصرخسرو وحشتناک و اسفبار است. در این زمینه خبرگزاری مهر در روزنامه و سایت مهر به تاریخ ۱۶ خرداد، گزارشی دارد: این گزارش که گوشه هایی، هر چند کوچک، از وضعیت رقت بار کودکان کار در ایران را نشان می دهد. گزارش مربوط به کودکان فلسطینی نیست، بلکه به کودکانی مربوط است که در خیابان ناصر خسرو تهران، یکی از مرکزی ترین خیابان های کلان شهر تهران به استثمار گرفته شده اند. این گزارش می نویسد: "با ترفند رئیس خانه ناصر خسرو که انتهای همین کوچه قرار دارد به بهانه اینکه با بچه های کارگاه برای آمدن به کلاس های درس خانه کودک صحبت کنیم، وارد یکی از کارگاه ها می شویم. اتاق ۲۰ متری با دیوارهای بلند که روزنه نوری بجز در ورودی اتاق ندارد، ۶۰ کودک ۱۰ تا ۱۳ ساله ایرانی و افغانی به سرعت مشغول به کار کردن هستند." بنابر این گزارش، ساعات کاری از ۸ صبح تا ۱۲ شب است. حقوق ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه است. این فقط قسمتی از گزارش سرکشی به یکی از کارگاه ها است. کودک ۸ ساله ای در یکی دیگر از کارگاه ها روزی ۵۰ کیف چرمی درست می کند. بچه های ۱۰ و ۱۱ ساله هم در این کارگاه مشغول به کار هستند. گزارش با اشاره به کنوانسیون حقوق کودک - که ایران در سال ۷۲ به آن پیوسته و در آن کار کودکان ممنوع شده است - آورده است: "یاد این می افتم که در بند الف ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه کشور تاکید بر ممنوعیت کار کودکان شده ولی گویا در این کوچه پس کوچه های ناصر خسرو و مرکز تجاری تهران در مقابل چشمان وزارت کار، کم نیستند کارگاه های نساجی و تولید مواد شیمیایی که چرخشان با دستان کوچک نحیفی می چرخد. کودکانی که از امکانات اولیه بهداشتی مانند حمام، تغذیه مناسب و مدرسه رفتن محرومند. تعداد این کارگاه های غیر مجاز در حاشیه امن بی نظارتی مسئولان، هر روز بیشتر می شود. صاحبان این کارگاه ها نیز با وجود کم توانی کودکان ولی به دلیل اینکه کم توقع هستند و حقوق کمتری طلب می کنند و در دسر کمتر و حرف شنوایی بیشتری دارند برای رسیدن به اهداف مالی شان برای این نان آوران کوچک اشتغالزایی می کنند." آمار ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک به طور مستقیم درگیر کار بوده اند. حدود ۸۰ درصد کودکان کار را، کودکان خیابانی تشکیل می دهند.

مقاومت معلمان و دانشجویان و روزنامه نگاران و فعالین اقلیت ملی در آذربایجان - کردستان - بلوچستان

به گزارش سایت ادوارد نیوز در تاریخ 13 خرداد آمده است: دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز با صدور بیانیه ای در سالگرد هجوم وحشیانه به دانشجویان و کوی دانشگاه، برادامه مبارزه با استبداد ولایی تاکید کردند. متن این بیانیه را منتشر کرده است. در بخشی از آن آمده است: "... از خاک سکوت آتش فریاد بسازیم ... بازداشت کلیه دانشجویان کشور را که در تجمعات دانشگاه ها شرکت کرده اند نقض صریح قانون دانسته و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان هستیم ... با تمام اسیران در بند دیکتاتوری و عزیزانمان که کشته شدند عهد می بندیم تا ویران کردن تمامی دیوارهای ظلم و جور، دست از مبارزه نخواهیم کشید " در این میان ها چندین فعال سرشناس دانشجویی مانند محمد پور عبدالله، بهزاد باقری، مجید توکلی، بهاره هدایت، بهمن خدادادی و دیگران همچنان در سلول های زندان اوین، قزل حصار و گوهردشت و یا در زندان های دیگر شهرها محبوس هستند. همچنین در دانشگاه علم و صنعت تهران کارت دانشجویی افراد به عنوان بدحجابی ضبط شده واز ورود دانشجویان به دانشگاه جلوگیری می کنند. دردانشگاه تبریز دانشجویان داوطلب ورود به کارشناسی ارشد تحت عنوان توهین به رهبری، از تحصیل محروم و ستاره دار گردیدند.

ما در این ماه با برجستگی حمایت ها و همبستگی های بین المللی با کارگران ایران و محکومیت دستگیری کارگران ، زنان ، روزنامه نگاران ، معلمان و دانشجویان و خواست آزادی دستگیر شده گان روبرو هستیم . از جمله " رئیس کمیسیون همبستگی بین المللی کارگران صنعتی جهان " در برابر اعدام فرزند کمانگر و چهارتن دیگر اعتراض کردند .

در بیان آنچه در این یادداشت آمده است . خاصه دستگیری های فعالان کارگری ، زنان ، دانشجویان ، معلمان ، فعالین اقلیت های ملی ، روزنامه نگاران و غیره، یگانه وظیفه همه مدافعین به حقوق کارگران و باورمند به مبارزه طبقاتی ، این می باشد که برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ، در کمپینی بزرگ قدم بردارند و همه مجامع حقوقی ، احزاب و سازمان ها و سندیکاهها و جنبش های اتحادیه ای کشورهای میزبان را به همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و فعالین کارگری فرا خوانند . این کار از همه ما بر می آید .

دراین مجموعه آنچه به نظرتان می رسد، گردآمده ازمنابع گوناگون ازجمله : خبرگزاری های ایران (ایلنا ، ایسنا ، مهر،سایت آفتاب، کلمه، مردمک وسایت سفیر...) وتشکل ها،نهادهای وسایت های مستقل مانند : (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری،سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه،جمعی ازفعالان کارگری ایران خودرو،کانون مدافعان حقوق کارگر، وبلاگ دانشجویان مدافع حقوق کارگر،کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، وبلاگ کارگرفلز کار، خبرنامه امیرکبیر،خبرنامه مازندران،سایت میدان زنان ، کانون صنفی معلمان تهران،کردستان میدیا، ساوالان سسی، سخام نیوز، پارلمان نیوز، جرس ، کلمه وغیره) درداخل وهمینطورامکانات خبررسانی های خارج ازکشور(تارنمای چشم انداز کارگری - اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سایت روشنگری - پیام ،وبلاگ کارگری راه کارگوغیره ...) وخبرهای دریافتی به ایمیل آدرس هایم فراهم آمده و به نظرتان می رسد.

امید آنکه بتوان مجموعه ماهیانه روز شمار را طی تمامی سال ۸۹ انتشار داد و در آینده با گشایش وبلاگ روزشمار به طبقه بندی اخبار و آرشیو کردن آن دست یابیم
یاد آور گردیم : علاقمندان به جمع بندی " مرورآماري براعتصابات واعتراضات کارگران ایران درسالی که گذشت!

جنبش کارگری ایران پُرجوش و پُرتوان اما پراکنده و پراکنده " می توانند به لینک زیر مراجعه نمایند:

http://www.rahekargar.net/articles_2010/2010-07-13_290_jambande88.pdf

همچنین می توان روزشمار کارگری ماههای فروردین و اردیبهشت سال ۸۹ را در لینک های زیر مورد مطالعه قرارداد :

<http://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1033&Id=45&pgn=2>

http://www.rahekargar.net/labor_iran/20100705_71_rsk-amir.pdf

اخبار و گزارشات کارگری خرداد ماه سال 89

سی سال و یک سالی که گذشت!

در آستانه ی 22 خرداد سالروز خروش و خیزش مردم مان هستیم. تجارب چند سال گذشته و بخصوص سال پیش نشان داد که انبوه مردم در مقابل قدرتی از درون پاشیده ولی به ظاهر منسجم و یکدست، توان هر کاری را دارند. خیابان های تهران و چندین شهر بزرگ صحنه ی رویارویی نیروهایی شد که از مدت ها قبل با سکوتی معنی دار از کنار هم می گذشتند ولی هر یک می دانستند که روزهایی این چنین در پیش روی خواهد بود. "زنان دیگر" به عنوان صدای بخشی از زنان چپ جنبش مردمی ایران، ضمن پشتیبانی بی دریغ از اعتصابات، اعتراضات و مطالبات سیاسی و صنفی و مدنی زنان، کارگران، دانشجویان و تمامی زحمتکشان، لازم می داند به چند نکته اشاره نماید:

- 1 - جنبش خرداد سال 88 و وقایع متعاقب آن یکبار دیگر نشان داد که اعتماد و همراهی با هر نیرویی از هر جناح حکومتی و غیرحکومتی که خواهان حفظ ساختار نظام جمهوری اسلامی (با اصلاحاتی بی مایه یا تغییراتی در همین قانون اساسی) است، کاری عبث است و جز به هدر دادن توان جنبش، ثمری دیگر نخواهد داشت.
- 2 - نیروهای درون جنبش (زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان، کارمندان، کسبه و ...) به ابزار آگاهی و دانش سیاسی نیاز دارند تا بتوانند هم افق های بزرگ را ترسیم کنند و هم اینکه در هر مقطع حرکت انقلابی به ارزیابی درست از نیروهای متفاوت و اتخاذ سمت و سوی مناسب دست یابند. دانش سیاسی نیروهای درون جنبش به آنان کمک خواهد کرد که از نظر سیاسی جهت گم کرده نشوند و بر پایه ی جهتگیری صحیح سیاسی شکل های متنوع اعتراض و مقاومت را دست مایه ی کار خود کنند. فقط به اعتراضات خیابانی (آن هم فقط در تهران و چند شهر دیگر) بسنده نکنند. دست زدن به اعتصابات گسترده و یا حتی کوچک، پخش شب نامه، شعار نویسی، استفاده از اینترنت، اجتماعات محله ای و ... راههای مختلف ادامه و تعمیق جنبش مردمی است.
- 3 - هر نیروی مردمی موظف است از تمامی حرکات اعتراضی نیروهای دیگر درون جنبش حمایت و پشتیبانی کند. متأسفانه جنبش زنان همیشه جای خالی دوستان کارگر و دانشجو را در کنار خود احساس کرده است. گرچه جنبش دانشجویی در این زمینه از خود همراهی هایی نشان داده است اما این امر نیاز به تکامل بیشتری دارد. نادیده گرفتن جنبش زنان که با اطمینان می توان گفت یکی از مقاوم ترین بخش های حرکت های مبارزاتی سی ساله ی اخیر بوده، یک ضعف اساسی بوده و هست. دلایل این امر قابل بررسی و گفتگو است و در جای آن به این کاستی پرداخته خواهد شد.
- 4 - نیروهای درون جنبش باید دوست را از غیر دوست درست تشخیص داده و ساختار نظام سرمایه داری جهانی و تبعات حاکمیت آن را افشا کنند. مردم نیاز دارند با کارکرد سرمایه داری و همچنین لابی های پشت پرده ی دولت جمهوری اسلامی یا نمایندگان آمریکا، اروپا، چین و روسیه که هدفشان به جز سهم بری بیشتر از این خوان یغما نیست، بیشتر آشنا شوند و بدانند که اینان همگی دستشان در یک کاسه است و به اصطلاح "حمایت" مقطعی برخی از این قدرت های سرمایه داری از جنبش به اصطلاح "سبز" چیزی بجز حفظ نظام

جمهوری اسلامی و جلوگیری از تعمیق و رادیکالیزه شدن جنبش مردمی نیست. چرا که تعمیق این جنبش میتواند دیر یا زود به منافع این قدرت های سرمایه داری در ایران ضربات جدی وارد کند و بساط غارت و چپاول آنان را از این کشور برچیند.

5 - سال 89 سال بیکاری، تورم، فشارهای اقتصادی و همزمان سرکوب شدید تر مردم است. رهبران جمهوری اسلامی دو سیاست را همراه با هم به پیش می برند. از یک طرف رسانه های سرکوب و فریب سعی در لاپوشانی و فرافکنی این مصیبت ها دارند. آنان ریشه های فقر و فلاکت مردم را که همانا چپاول و غارت و فساد حکومتی همه ی جناح های جمهوری اسلامی است لاپوشانی می کنند. آنان با وعده وعیدهای مضحک برای خود زمان می خردند تا مولتی میلیاردر های عمامه دار یا بدون عمامه، استراتژی جدیدتری برای ادامه ی حیات خود بیابند. نیروهای انقلابی باید مردم فریبی های حکومت اسلامی را افشا کنند و خصیصه ی گدا پروری حکومت را که جز توهین به ارج و قرب انسانی نیست را افشا کنند. از طرف دیگر حکومت سیاست سرکوب گسترده را به پیش می برد. در آستانه ی 22 خرداد، دیکتاتوری خون آشام برای ایجاد فضای رعب و وحشت و به اصطلاح پیشگیری از برگزاری هرگونه مراسم سالگرد 22 خرداد، قتل های زنجیره ای را در دستور کار خود قرار داده است. اما اعدام شیرین ها و فرزاد ها نه تنها مطالبات آزادیخواهانه ی مردم را سرکوب نخواهد کرد بلکه آتش زیر خاکستر را هر لحظه فروزان تر خواهد کرد. بنابراین سال 89 فقط سال آنها نیست، بلکه می تواند و باید سال تعمیق و گسترش جنبش مردم در راه دستیابی به رهایی باشد. آزادی خواهان و نیروهای انقلابی درون جنبش یاد فرزاد ها و شیرین ها و هزاران جانباخته ی راه رهایی را گرمی داشته و تا رسیدن به جامعه ای انسانی و برابر از پای نخواهند نشست.

زنان دیگر

اول خرداد 1389

اخراج کارگران "شرکت شمس ساوه"

آژانس ایران خبردر اول خرداد 89 آمده است : شرکت "شمس ساوه" سی نفر از کارگران خود را اخراج کرد. کارفرمای این شرکت دو ماه از دستمزد این کارگران را نیز پرداخت نکرده است و در موردی اقدام به جعل قرارداد یکی از کارگران اخراجی نموده است. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه، این کارگر که کارفرما اقدام به جعل قرارداد وی کرده است پس از اتمام قرارداد سه ماهه خود، شش ماه بدون قرارداد مشغول بکار بوده است که این امر میتواندست به منزله دائمی بودن این کارگر به لحاظ قانونی تلقی بشود. به همین دلیل کارفرما با ترفند این کارگر را وادار به امضای قراردادی کرده است که تا پایان اسفند ماه سال گذشته معتبر بوده و پس از پایان اسفند ماه از پذیرش وی بر سر کار سرباز زده است.

مدیرکل تامین اجتماعی شهرستانهای تهران:

معلمان حق التدریس می توانند در تابستان به صورت اختیاری بیمه شوند

ایلنا: معلمان حق التدریس ادارات آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران می توانند با استفاده از بیمه اختیاری در طول 3 ماه تعطیلات تابستانی، از ایجاد فاصله بین سوابق بیمه ای خود جلوگیری کنند. به گزارش ایلنا، حجت اله رضا ئی مدیر کل تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران با اعلام این خبر گفت : با توجه به این موضوع که طبق دستورالعمل سازمان تامین اجتماعی مدت بیمه معلمان حق التدریس، حداکثر تا پایان سال تحصیلی تعیین گردیده و اعتبار دفترچه های درمانی این گروه از معلمان نیز با اتمام سال تحصیلی 89-88 به اتمام می رسد، به معلمان حق التدریس پیشنهاد می کنیم با مراجعه به شعب تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران در مدت تعطیلات تابستانی بیمه خود را به شکل اختیاری ادامه دهند تا از ایجاد فاصله بین سوابق بیمه ای آنها جلوگیری شود.

وی افزود: تمامی معلمان حق التدریس می توانند با واریز 26 درصد حقوق ماهانه خود به عنوان حق بیمه، تحت پوشش بیمه اختیاری سازمان تامین اجتماعی قرار گیرند.

رضائی خاطر نشان کرد: مبنای پرداخت حق بیمه اختیاری آن دسته از معلمان است که دارای سابقه بیمه پردازی بیش از 10 سال هستند عبارت است از میانگین دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه آخرین 360 روز قبل از تاریخ ثبت تقاضای بیمه اختیاری آنها که البته این مبلغ نباید کمتر از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار در زمان تقاضا باشد. تمام کسانی هم که سابقه پرداخت حق بیمه آنها کمتر از 10 سال است در انتخاب دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه بین حداقل و حداکثر دستمزد مخیر هستند.

مدیر کل تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران با اشاره به حمایت های پیش بینی شده برای بیمه شدگان اختیاری گفت : بیمه شدگان اختیاری از مزایای مستمری بازنشستگی، مستمری ازکار افتادگی کلی و مستمری بازمندگان بهره مند می شوند و می توانند مانند بیمه شدگان اجباری از خدمات درمانی مراکز درمان ملکی و طرف قرارداد سازمان تامین اجتماعی استفاده کنند. بیمه شدگان اختیاری همچنین از کمک هزینه کفن و دفن و کمک هزینه وسایل کمک پزشکی مطابق مقررات بهره مند می شوند. رضائی افزود: بر اساس قرارداد بیمه اختیاری، پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری و مقرری بیمه بیکاری،

کمک هزینه بارداری، کمک هزینه ازدواج، کمک هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه او به بیمه شدگان اختیاری ممنوع است.

وی یاد آور شد: تمامی بیمه شدگان اختیاری باید حق بیمه همراه را حد اکثر تا آخرین روز 2 ماه بعد به شعب تأمین اجتماعی پرداخت کنند، در غیر این صورت قرارداد بیمه اختیاری آنها لغو و ادامه بیمه موکول به ارائه تقاضای جدید و موافقت سازمان تأمین اجتماعی با رعایت مقررات مربوطه خواهد بود. پایان پیام.

راه اندازی سیستم رسیدگی به شکایات در تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری ایران - ایلنا در تاریخ 1 خرداد 89 آمده است: مدیر درمان تأمین اجتماعی استان زنجان از نصب نرم افزار رسیدگی و پاسخگویی به شکایات مشتریان، در کلیه واحدهای درمانی تابعه این استان خبر داد. به گزارش ایلنا، دکتر علی محمدی در این رابطه اظهار داشت: از مهمترین اهداف و برنامه های راهبردی مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان زنجان، رسیدگی دقیق و پاسخگویی سریع و شفاف به بیماران و بیمه شدگان، در سال همت مضاعف و کار مضاعف است.

وی پویایی و ماندگاری سازمانها را بر اساس مشتری مداری عنوان کرد و افزود: طبق دستورالعملهای سازمان تأمین اجتماعی، کلیه نظرات و شکایات بیمه شدگان و بیماران بررسی شده و در اسرع وقت به آنان پاسخ داده می شود.

این مقام مسئول تأکید کرد: کانالهای وصول شکایات و نظرات مردمی از طریق پیام صوتی مدیریت درمان این استان به شماره پیامگیر 4221200، ملاقات حضوری در روزهای یکشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه، انعطاف شکایات و نظرات به صورت کتبی، سیستم سامد (دولت الکترونیک)، پست صوتی مدیرعامل و صدا و سیما و ... امکان پذیر است.

وی در ادامه افزود: در سال گذشته بیش از 56 مورد از شکایات مراجعین تجزیه و تحلیل و بررسی و در برخی موارد در قالب کمیته شکایات اقدامات مؤثری در جهت بهبود و اصلاح فرآیند به انجام رسید. مدیر درمان استان زنجان همچنین گفت: به نظرات و شکایاتی که باعث اصلاح فرآیند در سیستم شود، هدایایی نیز اهدا می شود.

نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت و گو با ایلنا:

هیات تحقیق و تفحص تأمین اجتماعی اطلاع رسانی خواهد کرد

به گزارش خبرگزاری ایران - ایلنا در تاریخ 1 خرداد 89 آمده است: نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: دغدغه نمایندگان مجلس درباره تأمین اجتماعی و 30 میلیون بیمه شده آن جدی است. هادی مقدسی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا افزود: این شائبه در ذهن نمایندگان وجود دارد که مدیریت های نسنجیده و غیر قابل انطباق با مسائل مالی، تأمین اجتماعی را به خط قرمز از لحاظ اقتصادی برساند.

نماینده بروجرد در مجلس با بیان اینکه تأمین اجتماعی در حال حاضر بدون دریافت ریالی کمک از بودجه دولت به فعالیت خود ادامه می دهد، خاطرنشان کرد: تأمین اجتماعی میلیاردها دلار سرمایه دارد که به دلیل مدیریت غلط آن، ممکن است در آینده نزدیک این سازمان با بحران مواجه شود که به طور قطع بحران در این سازمان دامنه دار خواهد بود و جمعیت زیادی از کشور را فرا خواهد گرفت.

وی در پاسخ به این سوال که اظهارات مدیرعامل تأمین اجتماعی درست برخلاف اظهارات شماسست زیرا آقای ذبیحی وجود بحران مالی در این سازمان را قبول ندارد، گفت: شواهد و قرائن اظهارات آقای ذبیحی را تأیید نمی کند.

مقدسی با اشاره به اینکه رای بسیار بالایی نمایندگان مبنی بر موافقت با تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی بیانگر ادامه نگرانی های مجلس به ناکارآمدی های مدیریتی این سازمان تأکید دارد، افزود: طرح دو فوریتی مجلس برای الحاق تأمین اجتماعی به وزارت رفاه نتوانسته است موجب اصلاح و تحول در امور تأمین اجتماعی شود.

نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس تصریح کرد: در هفته جاری اعضای هیات تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی و شرایط کار آنها طبق آیین نامه موجود مشخص خواهد شد.

مقدسی خاطرنشان کرد: هیات تحقیق و تفحص اطلاع رسانی لازم را درباره دریافت اطلاعات از افرادی که مستندات در اختیار دارند را انجام خواهد داد.

وی در پاسخ به این سوال که یکی از سایت های خبری از نفوذ یک حزب سیاسی به تأمین اجتماعی خبر داده است شما چه اطلاعاتی در این باره دارید گفت: این موضوع را تازه می شنوم بنابراین باید مورد بررسی قرار دهم. پایان پیام

تشکیل کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران در آینده نزدیک

به گزارش خبرگزاری ایران - ایلنا در تاریخ 1 خرداد 89 آمده است: یک فعال کارگری از تشکیل یک هیات موسس برای راه اندازی کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران خبر داد.

حمید حاج اسماعیلی در گفت و گو با ایلنا گفت: به تازگی کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران با هدف کارآمدی بیشتر تشکلهای صنفی کارگری در حال شکل گیری است.

وی گفت: یک هیات موسس متشکل از صنف رانندگان اتوبوس های برون شهری، کارگران خباز و کارگران شاغل در صنعت ذوب آهن سرگرم فراهم کردن مقدمات برگزاری مجمع عمومی هیات موسس کانون عالی انجمن های صنفی کارگری ایران هستند.

این فعال کارگری گفت: به احتمال قوی این مجمع تا 2 ماه آینده برگزار می شود. به گفته حاج اسماعیلی این اقدام با اطلاع و استقبال وزارت کار و امور اجتماعی ایران در حال شکل گیری است.

مطابق قانون کار ایران انجمن‌های صنفی کارگری یکی از سه تشکل صنفی به رسمیت شناخته شده هستند. حاج اسماعیلی از فعال کارگری در واحدهای صنفی و صنعتی خواست تا از تاسیس کانون‌های انجمن‌های صنفی کارگری استقبال کند. وی افزود: با توجه به نواقصی که در ساختار شورایی اسلامی کار وجود دارد انجمن‌های صنفی کارگری می‌توانند موقعیت کارگران را در گفت و گوهای اجتماعی سه جانبه بهبود ببخشند.

پایان پیام

یک گزارش و دو خبر شرکت فولاد گیلان

این شرکت در شهر صنعتی رشت واقع است. کارخانه وابسته به بخش خصوصی است. سهامداران عمده آن آقازاده های خاندان هاشمی رفسنجانی هستند. فردی به نام دانیال زاده از سهامداران و مدیر عامل این شرکت است. از فعالیت این کارخانه بیش از 5 سال می گذرد. در این شرکت جمعاً حدود 1200 کارگر با قرارداد موقت مشغول به کار هستند. قسمت تولید کارخانه شامل دو قسمت تولید فولاد گرم با حدود 550 کارگر و فولاد سرد با حدود 450 کارگر است. بقیه کارکنان شامل پرسنل اداری و نگهداری و راننده های تریلر و کارگران خدماتی می شود. محصول شرکت، ورق فولادی است. مواد خام آن از کشورهای روسیه و اوکراین وارد شده در گمرک انزلی تخلیه و توسط تریلرهای شرکت بیشتر به کارخانه های شهر صنعتی ساوه حمل می شود. پایه حقوق کارگران مصوبه اداره کار است. کارخانه در سه شیفت کاری فعال است. از غذاخوری کسانی می توانند برای صرف شام و نهار استفاده کنند که حتماً در آن روز اضافه کاری کرده باشند. کارخانه فاقد هرگونه تشکل کارگری است. قراردادهای کارگران یکساله است و کارگران با کوچک ترین اعتراض نسبت به شرایط کار و دستمزد توسط کارفرما، دانیال زاده ضدکارگر، به سرعت اخراج می گردند.

کشته شدن کارگر اداره برق بر اثر برق گرفتگی

رابر (در استان کرمان) - احمد افضلی کارگر اداره برق که 26 سال سابقه کار در این اداره را داشت بر اثر برق گرفتگی کشته شد. احمد افضلی چند روز قبل هنگام وصل کردن برق به یک دکل مخابرات دچار برق گرفتگی شدید شد و درمحل حادثه جان باخت. (منبع: روزنامه اطلاعات) 30 اردیبهشت 1389

شرکت کارگران سبز زیور در مراسم سوم علی خوشبخت

در عصر روز پنج شنبه 89/2/30 - یک روز پس از خاک سپاری علی خوشبخت - کارگری که بر اثر سقوط از روی ماشین حمل زباله کشته شد - کارگران شهرداری منطقه یک تحت پوشش شرکت سبز زیور در مراسم وی شرکت کردند و با خانواده وی اظهار همدردی نمودند. از نکات قابل توجه این که جمشیدی ضدکارگر، کارفرمای شرکت سبز زیور، حاضر نشد مینی بوس جهت ایاب و ذهاب کارگران شرکت کننده در مراسم در اختیار آن ها قرار دهد و کارگران در پشت و انتهای وانت نیشان شهرداری سر پا ایستاده و در گورستان محل دفن پیاده شدند و ضمن تسلیت به خانواده کارگر جان باخته دسته گلی با نام شرکت سبز زیور بر روی قبر وی نهادند. در میان زرمه های کارگران رسیدگی به وضعیت و علت حادثه به گوش می رسید. کارگران همچنین آزادی راننده نیشان را خواستار بودند که به دنبال شکایت کارفرمای شرکت دستگیر شده بود و شایع بود جمشیدی ضدکارگر گفته وی پس از آزادی از زندان باید برای تنبیه به رفتگری بپردازد. در حالی که از نظر کارگران، راننده مقصر نیست و مقصر اصلی جمشیدی است. کارگران همچنین خواستار تحت پوشش قرار گرفتن تعاونی شهرداری رشت مانند دو منطقه 2 و 3 و نیز خواستار دریافت اضافه کاری عقب مانده 4 ماه خویش معادل 800 هزار تومان هستند. فعالان ضدسرمایه داری گیلان خرداد 1389

تعطیلی ۵۰ مرکز پزشکی قانونی به علت پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی کارکنان و کارشناسان

سایت جام جم در تاریخ 1 خرداد 89 نوشت: خبر تعطیلی ۵۰ مرکز پزشکی قانونی کشور به علت ریزش نیرو، وقتی تاسفبارتر به نظر می‌رسد که بدانیم سالانه برای بیش از ۲ میلیون پرونده قضایی، نظر کارشناسی پزشکی قانونی صادر می‌شود و به گفته کارشناسان، تعلل و خلل در این روند باعث بروز مشکلات عدیده در ارائه خدمت مناسب به مراجع قضایی و مردم خواهد شد. رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور، پایین بودن حقوق و مزایای دریافتی کارکنان و کارشناسان پزشکی قانونی در ایران را علت تعطیلی حداقل ۵۰ مرکز در کشور اعلام کرده است. به گفته احمد شجاعی، کارکنان و کارشناسان این سازمان با وجود مشکلات معیشتی، پایین بودن میزان حقوق و مزایای دریافتی و شرایط سخت محیط کاری در تمام نقاط کشور و در تمامی اوقات شبانه‌روز با دقت و تلاش مستمر مشغول انجام معاینات بالینی، آزمایش‌های تخصصی، صدور نظریه‌های کارشناسی، بررسی صحنه جرم، مشارکت مستقیم در روند رسیدگی به حوادث دسته‌جمعی و بلایای طبیعی سیل، زلزله، سقوط هواپیما و ارائه خدمت به ارباب رجوع هستند. بر اساس قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور، حقوق و مزایای پزشکان و کادر فنی سازمان حسب مورد معادل حقوق پزشکان و کادر فنی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود اما اظهارات دیروز رئیس این سازمان از نامساعد بودن شرایط کارکنان آن خبر می‌دهد.

پزشکی قانونی در قالب نوین آن حدود ۹ دهه پیش فعالیت خود را به صورت اداره وابسته به دادگستری آن زمان آغاز کرد و متعاقب آن با توسعه روش‌های کشف جرم و گسترش این فعالیت‌ها این اداره، به اداره کل تبدیل شد. در سال ۱۳۷۲ با توجه به توسعه کمی و تخصصی شدن اقدامات پزشکی قانونی، مجلس تاسیس این سازمان را مشتمل بر ۱۱ ماده و یک تبصره تصویب کرد که از لحاظ شکلی و بعد فنی نیز موجب توسعه فعالیت‌ها و خدمات این سازمان شد.

کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، دادرسی و اجرای حکم بر اساس قانون آیین دادرسی از جمله وظایف پزشکی قانونی در فرآیند دادرسی است. حتی صدور مجوز برای افراد متوفی نیز گاه باید به تأیید این سازمان برسد. داریوش نیاپور، کارشناس حقوقی، نقش پزشکی قانونی در بهبود اطلاع دادرسی و رفع بسیاری از مشکلات را بسیار مهم می‌داند و به «جام‌جم» می‌گوید: پزشکی قانونی کمک موثری برای احکام قضایی محسوب می‌شود و گزارش‌های این سازمان در رعایت عدالت در اعلام و اجرای رای بسیار مهم است. او با بیان این‌که بین کشف جرایم و پزشکی قانونی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، ادامه می‌دهد: سیستم قضایی به اظهار نظرهای فوری و تخصصی برای برطرف کردن اطلاع دادرسی نیاز دارد.

به گفته نیاپور با توجه به گستردگی جرایم و استفاده از شیوه‌های بدیل و نو در این جرایم، به جای تعطیلی مراکز این سازمان باید در جهت تأمین سازوکارهای بهتری در این حوزه گام برداریم.

- حداقل حقوق و مزایا

اشتغال در پزشکی قانونی به علت مسوولیت سنگین، نوع کار، عوارض جسمانی، روانی و مشکلات اجتماعی آن جذابیت چندانی ندارد و در تمام دنیا برای جذب کارشناسان خیره، ایجاد انگیزه و اشتغال در پزشکی قانونی تسهیلات مالی و رفاهی خاصی در نظر گرفته می‌شود به گونه‌ای که در اغلب کشورها حقوق و مزایای کارکنان شاغل در این مجموعه با کارکنان سایر دستگاه‌ها تفاوت قابل توجهی دارد.

این در حالی است که محمدحسن عابدی، رئیس سابق سازمان پزشکی قانونی کشور اسفند ماه گذشته در مراسم تودیع خود در این سازمان گفته بود: حقوق و مزایای دریافتی کارکنان و کارشناسان پزشکی قانونی در ایران علی‌رغم اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری نه تنها با دیگر کارکنان تمایزی ندارد و افزایش نیافته است، بلکه در موارد متعددی کارشناسان و پزشکان شاغل در سایر ارگان‌ها، حقوق و مزایای بالاتری دارند. شجاعی، رئیس کنونی این سازمان نیز دیروز در بیست و سومین نشست فصلی روسای پزشکی قانونی کشور در ارومیه گفت: از ابتدای سال ۸۴ تاکنون حداقل ۵۰ مرکز پزشکی قانونی در سطح کشور تعطیل شده است که ضمن ایجاد مشکلاتی در خدمات‌رسانی بهینه به ارباب‌رجوع، مشکل جذب نیروهای فنی و تخصصی سازمان را تشدید کرده و ادامه بهره‌مندی از نیروهای فنی را در میان مدت و دراز مدت با تهدیدات جدی مواجه ساخته است.

- پزشکی قانونی، استیجاری و امانی

رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور، با انتقاد از نامطلوب بودن فضاهای اداری و آزمایشگاهی پزشکی قانونی کشور خاطرنشان کرد: هم اکنون بسیاری از پزشکی قانونی‌ها در استان‌ها استیجاری و امانی هستند. شجاعی با بیان این‌که این نهاد به تجهیزات بیشتری نیاز دارد، افزود: کار پزشکی قانونی کاری تخصصی است و از جایی که تجهیزات مورد نیاز در این حرفه گران هستند به‌همین دلیل آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی از نظر تجهیزات در حد مطلوب و ایده‌آل نیستند.

رئیس پزشکی قانونی کشور با بیان این‌که در سال گذشته فقط ۳۰ درصد از درآمد سازمان برگشت داده شده است، اضافه کرد: این در حالی است که قانون، تخصیص صد درصدی درآمدها را برای برگشت به سازمان پیش‌بینی کرده است.

این مقام مسوول فعالیت پزشکی قانونی در کشور را تخصصی و جزو مشاغل سخت و زیان‌آور اعلام و تصریح کرد: کار پزشکی قانونی با قوانین پیچیده و مسائل انسانی و شرعی است و از این رو نیاز به دقت بیشتری دارد. شجاعی با اشاره به این‌که یک سوم پرونده‌های قضایی کشور مستلزم نظریات پزشکی قانونی هستند، خاطرنشان ساخت: تعلل و خلل در این روند باعث مشکلات زیادی در ارائه خدمت‌رسانی مناسب به مراجع قضایی و مردم می‌شود.

شورای عالی تأمین اجتماعی ماندگار خواهد شد؟

هشدار عضو هیات مدیره کانون عالی شوراها نسبت به واکنش احتمالی کارگران

به گزارش خبرگزاری ایران- ایلنا در تاریخ ۲ خرداد ۸۹ آمده است: عضو هیات‌مدیره کانون عالی شوراها اسلامی کارکشور با بیان اینکه همه تشکلهای کارگری در خصوص تعرض به سازمان تأمین اجتماعی و نادیده گرفتن اصل سه‌جانبه‌گرایی در این سازمان اتفاق نظر دارند، گفت: اگر روند فعلی ادامه داشته باشد در سالروز تأمین اجتماعی کارگران سراسر کشور واکنش لازم را به این موضوع ابراز خواهند کرد. محمد احمدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: برخی‌ها می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و به بهانه طرح دو فوریتی مجلس، شورای عالی تأمین اجتماعی را منحل و آزادانه به کار خود ادامه دهند.

رئیس کانون هماهنگی شوراها اسلامی کار استان قزوین تصریح کرد: از رئیس مجلس و وزیر رفاه و تأمین اجتماعی می‌خواهیم که مانع از بین رفتن اصل سه‌جانبه‌گرایی در تأمین اجتماعی شوند.

این مقام کارگری با اشاره به اعلام آمادگی هیات‌رئیس و کمیسیون اجتماعی مجلس برای شنیدن نظرات اعضای شورای عالی تأمین اجتماعی، خاطرنشان کرد: به زودی نقطه نظرات خود را به آنها اعلام خواهیم کرد. احمدی تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی را مطلوب ارزیابی کرد و اظهار داشت: باید به مسائل این سازمان رسیدگی شود.

پایان پیام

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کارتهران:

2 نغراز اعضای هیات مدیره کانون عالی شوراهای بازنشسته شده اند

به گزارش خبرگزاری ایران - ایلنا در تاریخ 2 خرداد 89 آمده است: عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران می گوید در پی ترک کار دو عضو اصلی هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور باید اعضای علی البدل جایگزین این افراد شوند.

داود قادری در گفت و گو با ایلنا گفت: در حال حاضر دو نفر از اعضای هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور ترک کار کرده و بازنشسته شده اند و بنابراین دیگر صلاحیت حضور در هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور را ندارند.

وی یادآور شد: صرفه نظر از مهلت دو ساله فعالیت هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، اعتبارنامه اعضای این هیات مدیره تا زمان داشتن رابطه کاری معتبر است.

به گفته قادری به دنبال بازنشسته شدن غفور عبیدی و ترک کار ولی الله صالحی نوبت حضور اعضای علی البدل در ترکیب اصلی هیات مدیره کانون عالی شورای اسلامی کار رسیده است.

وی یادآور شد: برابر اطلاعات به دست آمده آقای غفور عبیدی از تبریز هم اکنون به عنوان کارگر بازنشسته، مستمري بگير سازمان تامین اجتماعی است.

این فعال کارگری همچنین در خصوص ولی الله صالحی که تا پیش از این به عنوان کارگر و عضو شورای اسلامی کار کارخانه لاستیک البرز در مجامع صنفی کارگری حضور داشت، گفت: از یک سو برابر رای اخراج اداره کار و امور اجتماعی از تاریخ 16 شهریورماه سال گذشته ترک کار آقای صالحی اعلام شده و از سوی دیگر شعبه سازمان تامین اجتماعی نیز از قطع پرداخت حق بیمه وی خبر می دهد.

وی همچنین با اشاره به اتمام اعتبار شورای اسلامی کار کارخانه لاستیک البرز و اینکه هیچ نامی از ولی الله صالحی در لیست کاندیداهای شورای اسلامی کار جدید این واحد تولیدی وجود ندارد یادآور شد: مدیریت وقت لاستیک البرز خردادماه گذشته این کارگر سابق را مطابق قانون نوسازی بازنشسته کرده بود.

وی با بیان اینکه کانون عالی شوراهای اسلامی کار با اطلاع از وضعیت دو عضو اصلی خود برای جایگزین کردن آنها از سازمان کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی استعلام کرده است، افزود: هرچند وزارت کار تاکنون به این استعلام پاسخ نداده است اما برابر مورد مشابهی که چند سال پیش اتفاق افتاد مسوولان وزارت کار با حضور اعضای بازنشسته در نهادهای صنفی کارگری مخالفت کردند.

پایان پیام

مدیرکل تامین اجتماعی شهرستانهای تهران:

معلمان حق التدریس می توانند در تابستان به صورت اختیاری بیمه شوند

به گزارش خبرگزاری ایران - ایلنا در تاریخ 2 خرداد 89 آمده است: معلمان حق التدریس ادارات آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران می توانند با استفاده از بیمه اختیاری در طول 3 ماه تعطیلات تابستانی، از ایجاد فاصله بین سوابق بیمه ای خود جلوگیری کنند.

به گزارش ایلنا، حجت اله رضائی مدیر کل تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران با اعلام این خبر گفت: با توجه به این موضوع که طبق دستورالعمل سازمان تامین اجتماعی مدت بیمه معلمان حق التدریس، حداکثر تا پایان سال تحصیلی تعیین گردیده و اعتبار دفترچه های درمانی این گروه از معلمان نیز با اتمام سال تحصیلی 89-88 به اتمام می رسد، به معلمان حق التدریس پیشنهاد می کنیم با مراجعه به شعب تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران در مدت تعطیلات تابستانی بیمه خود را به شکل اختیاری ادامه دهند تا از ایجاد فاصله بین سوابق بیمه ای آنها جلوگیری شود.

وی افزود: تمامی معلمان حق التدریس می توانند با واریز 26 درصد حقوق ماهانه خود به عنوان حق بیمه، تحت پوشش بیمه اختیاری سازمان تامین اجتماعی قرار گیرند.

رضائی خاطر نشان کرد: مبنای پرداخت حق بیمه اختیاری آن دسته از معلمانی که دارای سابقه بیمه پردازی بیش از 10 سال هستند عبارت است از میانگین دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه آخرین 360 روز قبل از تاریخ ثبت تقاضای بیمه اختیاری آنها که البته این مبلغ نباید کمتر از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار در زمان تقاضا باشد. تمام کسانی هم که سابقه پرداخت حق بیمه آنها کمتر از 10 سال است در انتخاب دستمزد مبنای پرداخت حق بیمه بین حداقل و حداکثر دستمزد مخیر هستند.

مدیر کل تامین اجتماعی شهرستانهای استان تهران با اشاره به حمایت های پیش بینی شده برای بیمه شدگان اختیاری گفت: بیمه شدگان اختیاری از مزایای مستمری بازنشستگی، مستمری از کار افتادگی کلی و

مستمری بازمندگان بهره مند می شوند و می توانند مانند بیمه شدگان اجباری از خدمات درمانی مراکز درمان ملکی و طرف قرارداد سازمان تامین اجتماعی استفاده کنند. بیمه شدگان اختیاری همچنین مشمول کمک هزینه کفن و دفن و کمک هزینه وسایل کمک پزشکی مطابق مقررات می شوند.

رضائی افزود: بر اساس قرارداد بیمه اختیاری، پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری و مقرری بیمه بیکاری، کمک هزینه بارداری، کمک هزینه ازدواج، کمک هزینه سفر و اقامت بیمار و همراه او به بیمه شدگان اختیاری قابل پرداخت نیست.

وی یاد آور شد: تمامی بیمه شدگان اختیاری باید حق بیمه همراه را حد اکثر تا آخرین روز 2 ماه بعد به شعب تامین اجتماعی پرداخت کنند، در غیر این صورت قرارداد بیمه اختیاری آنها لغو و ادامه بیمه موکول به ارائه تقاضای جدید و موافقت سازمان تامین اجتماعی با رعایت مقررات مربوطه خواهد بود.

پایان پیام

از سوی سازمان تامین اجتماعی:

نحوه و حق عضویت مستمری‌بگیران در کانونهای بازنشستگی تعیین شد

به گزارش ش خبرگزاری ایران- ایلنا در تاریخ 2 خرداد 89 آمده است: سازمان تأمین اجتماعی طی دستورالعملی میزان حق عضویت مستمری‌بگیران این سازمان، در کانونهای بازنشستگی را معادل یک درصد کمک هزینه مسکن آنان تعیین کرد.

به گزارش ایلنا، براساس دستورالعملی که از سوی حوزه فنی و درآمد این سازمان تهیه و پس از امضاء مشاور رئیس‌جمهور و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی به واحدهای اجرایی ابلاغ شده است؛ میزان حق عضویت این مستمری‌بگیران را معادل یک درصد (1%) کمک هزینه مسکن آنان تعیین کرده و از ابتدای خردادماه سال 89 کسر مبلغ مذکور منوط به موافقت مستمری‌بگیر جهت عضویت شده است. در این راستا کانونهای بازنشستگی علاوه بر شعب سازمان تأمین اجتماعی، جهت تکمیل و اخذ فرمهای درخواست، همکاری‌های لازم را با این متقاضیان ارائه خواهند نمود. بدیهی است از افرادی که فرمهای موافقت با کسر حق عضویت را تکمیل نکرده باشند، هیچگونه مبلغی کسر نشده و مبلغ حق مسکن عیناً طبق ضوابط مقرر پرداخت خواهد شد.

پایان پیام

هنرمند مریوانی دستگیر شد

مختار هوشمند هنرمند و فعال مدنی شهر مریوان روز یکشنبه دوم خرداد ماه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. هرانا؛ روز گذشته دوم خردادماه، مختار هوشمند از فعالین مدنی شهر مریوان توسط نیروهای اطلاعاتی این شهر دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده است. نیروهای امنیتی ضمن تفتیش منزل نامبرده کامپیوتر و مجموعه ای از مدارک شخصی و کتابهای ایشان را با خود برده اند. همچنین خانواده نامبرده تهدید شده اند که نباید خبر دستگیری ایشان به رسانه ها و افکار عمومی درز کند. گفتنی است، نامبرده در ارتباط با اعتراض علیه اعدام فعالین کرد و قبل از اعتصاب عمومی روز پنجشنبه مردم کردستان نیز از سوی نهادهای امنیتی تهدید به بازداشت شده بود. شایان ذکر است، وی از جمله فعالان عرصه هنرهای تجسمی است که مدتها نیز مسئولیت انجمن هنرهای تجسمی مریوان را بر عهده داشته است.

مادر احمد نجاتی کارگر؛ از قربانیان کهریزک: فرزندم را کشتند بعد فیلم ساختند که زنده است

به گزارش سخام نیوز در تاریخ 2 خرداد 89 آمده است: مادر احمد نجاتی کارگر، یکی از جان باختگان وقایع بعد از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد در مصاحبه با "روز" اعلام کرد که تا معرفی قاتلان و عوامل شکنجه فرزندش از پای نمی نشیند. احمد نجاتی کارگر یکی از بازداشت شدگان بعد از انتخابات بود که بعد از آزادی از بازداشتگاه کهریزک، به دلیل عفونت شدید ریه ها و از کار افتادن کلیه هایش که حاصل شکنجه های این بازداشتگاه مخوف بود، جان باخت. قبل از او رامین آقازاده قهرمانی، دو روز بعد از آزادی از کهریزک، به دلیل شکنجه های صورت گرفته در این بازداشتگاه، جان باخته بود.

برنامه ۲۰:۲۰ تلویزیون جمهوری اسلامی با سناریو پردازی و برای زیر سنوآل بردن لیست منتشر شده از شهدا، همصدا با روزنامه کیهان، مدعی شد که احمد کارگر نجاتی زنده است. همزمان ماموران امنیتی وبلاگی به اسم این شهید ساختند و با انتشار دروغ هایی به نقل از او، اقدام به زیر سنوآل بردن اسامی شهدای وقایع بعد از انتخابات کردند.

خانواده احمد نجاتی کارگر همان زمان در نامه ای با تکذیب خبر صدا و سیما اعلام کردند که فرزندشان "در قطعه ۲۱۳ ردیف ۱۵ شماره ۲۵ بهشت زهرا روی مهدی نجاتی کارگر که در سال ۱۳۸۱ فوت نموده دفن شده است و خبر منتشر شده در صدا و سیما مبنی بر زنده بودن احمد کذب محض است". و اکنون منزلت محمدی، مادر احمد نجاتی کارگر به "روز" می گوید که شکایت او از عوامل شکنجه و قتل فرزندش را مختومه کرده اند اما او به هیچ عنوان از پی گیری شکایت خود کوتاه نخواهد آمد. مصاحبه "روز" با منزلت محمدی، مادر شهید احمد نجاتی کارگر را در ذیل بخوانید.

خانم محمدی، احمد چه روزی و کجا بازداشت شد؟

احمد روز ۲۴ خرداد ماه در مقابل دانشگاه بوعلی در خیابان تهران نو بازداشت شد. ما نمیدانستیم و وقتی شب به خانه نیامد دلم آشوب شد احتمال میدادم که بازداشت شده باشد. روز بعد به کلانتری رفتم و گفتم که پسر من ناپدید شده. هر روز مقابل اوین می رفتم اسامی زندانیان را که به صورت لیست به دیوار می زدند میدیدم شاید اثری از بچه ام پیدا کنم اما خبری نبود تا اینکه دقیقا یک هفته بعد از ناپدید شدن احمد، دو نفر به خانه ما آمدند و خانه را زیر و رو کردند. تمام وسایل احمد را گشتند و گفتند که احمد بازداشت شده است اما هیچ خبر دیگری به ما ندادند هر چی پرسیدیم کجا هست گفتند بعدا می فهمید. چند روز بعد اسمش را در لیستی که به دیوار زندان اوین زده بودند دیدم و به دادگاه انقلاب که رفتم گفتند با کفالت او را آزاد میکنند. شناسنامه من و احمد و فیش حقوقی پدر احمد را گرفتند و احمد آزاد شد و بعد از شهادت احمد شناسنامه ها را پس دادند اما تاکنون فیش حقوقی همسر را پس نداده اند و در حالیکه بچه من در بهشت زهرا خوابیده، سند کفالت او هنوز در دادگاه انقلاب است.

وقتی آزاد شد چه وضعیتی داشت و درباره دوران بازداشت اش حرفی میزد؟
صورتش به شدت کبود بود و پهلوها و کمر و کلیه هاش به شدت درد میکرد وقتی لباسش را بالا زدیم تمام کمر و

پهلوا کیود بود. نمیدانست در کدام بازداشتگاه بوده و می گفت که دو روز قبل از آزادی به اوین منتقل شده بود. می گفت چشمانمان بسته بود و نمیدانیم کجا بردند اما با چشم بسته یکباره می ریختند و با پوتین به جانمان می افتادند و شروع به زدن میکردند. می گفت که یک سری فیلم از درگیری ها پخش میکردند و با باتوم به جان ما می افتادند و اینقدر می زدند و می گفتند که باید اعتراف کنید و بگویید که فلان جا را آتش زده اید اما ما قبول نمی کردیم چون کاری نکرده بودیم. احمد می گفت در تمام مدتی که در آن بازداشتگاه بودیم در شبانه روز فقط یک سیب زمینی به ما میدادند که آن را هم پرت میکردند و می افتاد روی زمینی که پر از کثافت و خون بود و ما برای اینکه از گرسنگی نمیریم ناچار می شدیم آن را بخوریم و او بعد از انتقال به اوین فهمیده بود که در کهریزک بوده است اما زیاد حرف نمی زد. برای اینکه ما ناراحت نشویم کمتر حرف میزد و اما شب ها مدام کابوس می دید و فریاد می کشید از همه چیز وحشت داشت و می گفت دنبال هستند و احمد چه روزی به شهادت رسید و

مدام درد می کشید و هر چه اصرار میکردم به دکتر برویم برای اینکه من متوجه چیزی نشوم و ناراحت نشوم می گفت چیزی نیست تا اینکه دقیقا ده روز بعد از آزادی بیرون رفته بود و با ما تماس گرفتند که احمد در بیمارستان لقمان بستری است. در خیابان از هوش رفته بود و مردم او را به بیمارستان لقمان رسانده بودند. رفتیم بیمارستان گفتند در کما است و ۹ روز در کما بود و هر روز دیالیز می شد. دکترها گفتند که کلیه هایش از کار افتاده و ریه هایش عفونت شدیدی دارد. روز نهم به هوش آمد اما نمی توانست حرف بزند و روز دهم جان باخت و در حالیکه هر روز دیالیز می شد و ریه هایش عفونت داشت؛ در برگه بیمارستان علت مرگ را نوشتند نامعلوم. این در حالیست که یکی از پزشکان بیمارستان به همسرم زنگ زده بود و گفته بود که پسران به شدت کتک خورده و این وضعیت کلیه ها نشان از کتک شدید دارد. در برگه پزشکی قانونی نیز علت مرگ، نامعلوم ذکر شده است؟

نه تا ۷ ماه پزشکی قانونی جوابی به ما نمیداد اینقدر پی گیری کردیم و پدر احمد اینقدر رفت و پی گیر شد که بالاخره برگه پزشکی قانونی را دادند؛ اما در این برگه علت مرگ را مسمومیت نوشته اند.

وقتی پیکر فرزندان را تحویل گرفتید چه وضعیتی داشت؟

من ندیدم یعنی نتوانستم ببینم اما گفتند که از کلیه هایش خون می آمد یعنی وقتی بچه ام را در قبر می گذاشتند کلیه هایش خون ریزی داشت.

شما برای گرفتن پیکر فرزندان، مشکلی نداشتید؟

وقتی جنازه را میخواستند تحویل دهند پرسیدند که از کسی شکایتی دارید؟ پدر احمد از ترس اینکه جنازه بچه ام را ندهند گفت نه اما دامادم گفته بود که ایشان شرایط روحی مناسبی ندارند و قطعاً شکایت خواهیم کرد. حرفی نزدند جنازه را دادند و گفتند که پرونده باز است. اما بعد از شب هفتم احمد، همسرم رفت شکایت کند اما گفته بودند که پرونده بسته شده و نمی توانید شکایت کنید. ما هم رفتیم وکیل گرفتیم و شروع به پی گیری کردیم رفتیم دادسرای جنایی و شکایت کردیم.

شکایت شما به کجا رسید و اکنون در چه مرحله ای است؟

در دادسرای جنایی شکایت کردیم و خواهان معرفی شکنجه گران پسر و قاتلان او شدیم. مدام پی گیری میکردیم تا اینکه قاضی دادگاه گفت پزشکی قانونی علت مرگ را مسمومیت نوشته و شکایت شما مختومه شده است. اعتراض کردیم و گفتیم مسمومیت چه ربطی به کلیه ها و عفونت ریه دارد؛ پزشکی قانونی باید جواب دهد اما قاضی اعتراض ما را رد کرد و نگذاشت شکایت مطرح شود. گفتیم اگر مسمومیت بوده چرا هر روز دیالیز می شد و بعد به وکیلان گفته بودند که تو چرا سنگ اینها را به سینه میزنی. من هم گفتم باشد از این به بعد خودم می روم و پی گیری میکنم اما نمی گذارند شکایت کنیم و اما من هم کوتاه نمی آیم بچه من چیزی نمی خواست، کاری نکرده بود، او فقط مثل همه جوان ها به خیابان رفت و اعتراض داشت. حق خودش را میخواست وقتی آزاد شد به او می گفتم که دیدی گفتم بیرون نرو، حالا گوش کن حالا نرو اما می گفت این همه ملت رفتند و می روند من هم یکی از آنها

و بعد قضیه صدا و سیما و برخی رسانه های حکومتی شروع شد که گفتند احمد زنده است و

برادر بزرگتر احمد قبلاً فوت کرده بود رفتند بهشت زهرا از قبر او فیلم گرفتند و در برنامه ۲۰:۳۰ پخش کردند و گفتند که کسی به اسم احمد نمرده و مهدی در سال ۸۱ مرده و این هم قبرش است و دروغ گفته اند و ما احمد را در قطعه ۲۱۳ ردیف ۱۵ شماره ۲۵ بهشت زهرا دفن کرده بودیم. بعد هم نوشتند احمد زنده است. یعنی از قبر پسر بزرگم فیلم گرفتند و نشان دادند و گفتند احمد زنده است. ما شوکه شدیم؛ خودمان بچه مان را دفن کرده بودیم. وکیلان شکایت کرد و ما هم نامه دادیم که آقای ضرغامی، بچه ما را کشته اند و حالا شما چرا دروغ پردازی می کنید؟ چرا اینکار را کردید؟ پدر احمد که حالش خیلی بد شد. تا مدت ها هر روز سر قبر احمد بود؛ می گفت از اینجا تکان نمی خورم. می ترسید جنازه پسر را بدزدند و تا مدت ها حال و روزمان همین بود و با توجه به اینکه به خانواده شما اجازه حتی طرح شکایت نیز نمی دهند چگونه میخواهید پی گیری کنید؟

من فقط میخوام مسبب را معرفی کنند. کسی راکه بچه مرا به آن روز انداخت معرفی کنند. ما نمی خواهیم کسی را اعدام کنند و بعد بگویند قاتل فرزند شما اعدام شد و نه ما فقط میخواهیم به ما معرفی کنند بیاورند در دادگاه و محاکمه کنند و به من جواب دهند چرا بچه مرا اینقدر زدند که کلیه هایش از کار افتاد. چه بلایی سر بچه من آوردند که ریه هایش عفونت کرد و شهید شد. وقتی پزشکی قانونی بعد از ۷ ماه، برگه داد و نوشت مسمومیت، فهمیدیم که پی گیری نخواهند کرد؛ اجازه پی گیری به ما نخواهند داد. مگر اینکه خدایی که آن بالا نشسته کاری بکند. هر موقع به بهشت زهرا می روم به خود احمد می گویم که خون بی گناه تو دامنشان را خواهد گرفت. گاهی می گویم می روم و جلوی احمدی نژاد را می گیرم و از او می پرسم. می گویند تو را نیز می کشند. اما چه اهمیتی دارد بکشند. جگر گوشه ام را اینقدر زدند که شهید شد مرا نیز بکشند. اما میخواهم

به احمدی نژاد بگویم جوان ۲۲ ساله مرا چرا این همه شکنجه کردید چرا کشتید؟ بچه من خیلی چیزها را به ما نگفت به خاطر اینکه ما اذیت نشویم. نگفت چه بلاهایی سر او آورده اند اما آیا با کسی که در خیابان می گیرید باید اینکار را بکنید؟ گناهایش چی بود؟ حقیقتش را می خواستند سزای حق خواهی، این همه شکنجه است؟ فقط بچه من نیست که این همه جوان را پرپر کردند همه عزیز بودند همه مثل گل پاک بودند .

جو پلیسی-امنیتی فوق العاده در خرمشهر برای مقابله با اعتراضات مردمی - کارگری

به گزارش سایت جرس در تاریخ 2 خرداد آمده است : با فرا رسیدن سوم خرداد و در آستانه سفر محمود احمدی نژاد برای سخنرانی در خرمشهر، دستگاه های امنیتی و دولتی رژیم در استان خوزستان، جهت جلوگیری از اعتراضات مردمی -کارگری، جو پلیسی - نظامی فوق العاده در آن شهر ایجاد کردند. سایت جرس در این باره می نویسد: در آستانه سالروز آزادسازی خرمشهر(در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق)، قرار است مراسمی با حضور و سخنرانی محمود احمدی نژاد در آن شهر برگزار شود و تصمیمات مسئولین استانی جهت کنترل تحرکات کارگران واحدهای مختلف تولیدی- خدماتی و کارکنان اخراجی کارخانه نوشابه سازی و بنادر می باشد که قصد تظاهرات و اعتراض دارند.

این گزارش خاطرنشان کرد نگرانی از اعتراضات مردم خرمشهر نیز، با توجه اینکه وعده های انتخاباتی احمدی نژاد در مورد آب آشامیدنی شهر هنوز عملی نشده و کماکان اعتراضات نسبت به وضعیت آب آن شهر ادامه دارد، مسئولین استان را نگران کرده است.

سال گذشته احمدی نژاد در جریان سفر انتخاباتی خود به آن شهر، در تاریخ سوم خرداد گفته بود "بنده شخصا امروز در جمع شما تصمیم گرفته‌ام که به عنوان فرماندار یا معاون فرماندار در خدمت شما باشم تا شخصا پیگیر امور برای اجرایی شدن هر چه سریع‌تر آن باشیم".

یک شاهد عینی گفته است در خرمشهر آب آشامیدنی با بشکه خرید و فروش می شود و فاضلابها در شهر جاری می باشند و احمدی نژاد در سفر سوم خرداد سال گذشته به خرمشهر که با استقبال سرد و حمل پلاکاردهای "فقط دروغ" از سوی مردم همراه بود، قول داد که پروژه انتقال آب از کرخه به این منطقه با سرعت خوبی در حال انجام است.

معلم و شاعر آذربایجانی در ماکو دستگیر شد

به گزارش ساوالان سسی در تاریخ 2 خرداد آمده است : بهمن نصیرزاده معلم و شاعر آذربایجانی شنبه ۱ خرداد ۸۹ توسط ماموران امنیتی ماکو در منزلش بازداشت شد. بنا بر این گزارش ؛ ماموران امنیتی ساعت ۲ بامداد شنبه ۱ خرداد ۸۹ بدون در دست داشتن حکم به منزل این معلم آذربایجانی مراجعه و وی را بازداشت کرده اند. ماموران پس از بازداشت نصیرزاده اقدام به تفتیش منزل نموده و دوربین فیلمبرداری، سی دی ها، کتابها و اشعار و دست نوشته های او را با خود بردند. به گفته نزدیکان خانواده نصیرزاده مسئولین قضایی و امنیتی از پذیرفتن مسئولیت بازداشت این فعال مدنی آذربایجانی امتناع می کنند و از محل نگهداری وی ابراز بی اطلاعی می کنند. منابع محلی احتمال می دهند بازداشت این معلم و شاعر آذربایجانی بدنبال پخش گسترده اعلامیه هایی در رابطه با ۱ خرداد سالروز قیام آذربایجانیها پس از چاپ کاریکاتور توهین آمیز در روزنامه ایران و دستگیری گروهی از فعالان مدنی باسابقه در شهرهای مختلف آذربایجان صورت گرفته باشد.

فعالان کارگری شرکت واحد و کار مشروط

تلاش قانونی ۲۱ نفر از فعالان سندیکای شرکت واحد برای بازگشت به کار، با موافقت دیوان عدالت اداری به نتیجه رسید. کار آنها اما با دخالت حراست یا شروطی از سوی کارفرما همراه است. فعالان را به سکوت و انفعال صنفی دعوت می‌کنند.

یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۲۳ مه ۲۰۱۰

دوپیچه‌وله: سه‌تن از فعالان سندیکایی شرکت واحد هنوز بلاتکلیف‌اند و پرونده‌هایشان همچنان در دیوان عدالت اداری مفتوح است. این سه، منصور حیات غیبی، هادی کویری و داود نوروزی نام دارند. عطا باباخانی، بازرس سندیکا توانسته پس از ۴ سال تعلیق و فشار مالی، رای دیوان برای بازگشت به کار را دریافت کند. اما حراست با جلوگیری از حضور او در محل کار، وی را در فشار بازخریدی گذاشته است. پیش‌از این نیز، کارفرما برای سایر فعالان سندیکایی، بازگشت به کار را مشروط به سربیزی و عدم راهنمایی دیگران کرده بود. رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای واحد و نماینده کارگران در هیات حل اختلاف، در مصاحبه با دوپیچه‌وله از آخرین خبرهای مربوط به شرکت اتوبوسرانی واحد می‌گوید.

دوپیچه‌وله: دیوان عدالت اداری به چه صورتی در مورد شکایت‌های شما رای داد؟ چند نفر به

کار بازگشتند؟

رضا شهابی: اعتراضات ما در سال ۸۴ موجب شد که بسیاری از اعضای سندیکای شرکت واحد از کار بیکار

شوند و تعداد دیگری دستگیر یا احضار شوند. با گذشت زمان، دستگیر شدگان با سند یا وثیقه آزاد شدند. همه‌ی این افراد از شرایط خود به اداره کار شکایت بردند. دو سال طول کشید تا این شکایت‌ها به ثبت رسید و در نهایت، هیات حل اختلاف در اداره کار، رای به اخراج همکاران ما داد. پیگیری‌های ما یکسال دیگر طول کشید تا این‌بار دیوان عدالت اداری رای به ورود عده‌ای و اخراج تعدادی دیگر داد.

چند نفر رای بازگشت به کار گرفتند؟

آن زمان شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد توانستند رای بازگشت به کار بگیرند و ۲۵ نفر دیگر رای اخراج دریافت کردند. همین باعث شد که ما دوباره شکایت کردیم و گفتیم پرونده‌های همه ما مشابه هم بوده اما چرا شعبه‌های شما تصمیم‌های متفاوتی گرفته‌اند. این پرونده‌ها دوباره بررسی شدند و بالاخره نتیجه گرفتند که همه باید به کار بازگردند. با این همه، هنوز ۷ نفر از ما بلا تکلیف مانده‌اند و دیوان عدالت اداری در موردشان رای قطعی نداده است: اکبر پیرهادی، منصور حیات غیبی، ناصر غلامی، حسن میرزایی، حسن کریمی، حسین کریمی سبزواری و هادی سلیمی.

از قرار آنها هم که بازگشت به کار گرفته‌اند، با مشکلاتی از سوی حراست روبرو شده‌اند؟ متأسفانه کارفرما به رای دیوان احترام نمی‌گذاشت. از من و داود رضوی و سعید ترابیان که اعضای هیات مدیره سندیکا بودیم، می‌خواستند که تعهد عدم فعالیت صنفی بدهیم. ما هم گفتیم اگر قرار به این بود، چند سال هزینه و گرفتاری و مشکل تحمل نمی‌کردیم. ما گفتیم که اگرچنین شرطی لازم بود، دیوان عدالت اداری و اداره کار به ما می‌گفت که رای بازگشت به کار ما را داده است. به تصریح قانون، استنکاف کارفرما از پذیرش کسی که دیوان عدالت اداری برایش رای داده، پنج سال انفعال خدمت و پرداخت خسارت در بر دارد.

به این ترتیب به کار برگشتید و کارفرما متقاعد شد؟

بله، خوشبختانه قبول کردند. اما خواستند که وقتی نزد سایرین هستیم، موقع تعویض شیفت‌ها و شروع کار، برای کارگران سخنرانی نکنیم، میتینگ نگذاریم و به کسی مشاوره صنفی ندهیم. ما هم گفتیم ما چون از قانون کار اطلاع کامل داریم، به سوال‌ها در این زمینه جواب می‌دهیم و دیگران را راهنمایی می‌کنیم. من خودم گفتم من از فردا یک چسب به دهانم می‌زنم و هرکس هر چیز پرسید، به آن اشاره می‌کنم که خواست کارفرماست. در نهایت با هم کنار آمدیم و به کار برگشتیم.

من الان به‌عنوان یک فعال کارگری، عضو هیات مدیره و نماینده کارگران اخراجی، پیوسته در وزارت کار و هیات حل اختلاف حاضر می‌شوم. تا امروز توانسته‌ام برای ۱۲۰ کارگر اخراجی، حکم برگشت به کار بگیرم. برای همین کارفرما از من شاکی است. می‌گوید در زمانی که در شرکت واحد کار می‌کنید، حق وکالت و نمایندگی کارگران را ندارید.

در خبرها هست که حراست شرکت واحد، جلوی کار آقای باباخانی همکار شما را گرفته است.

چرا؟

آقای عطا باباخانی حکم برگشت به کار دارد و حتی یک‌روز هم کار کرده است. نامه ایشان در اداره مرکزی صادر شده اما مسئول منطقه شش واحد جلوی ادامه کار او را گرفته و گفته که از بالا دستور رسیده است. به باباخانی گفته‌اند چون سندیکایی هستی، حق کار در شرکت واحد را نداری. یا باید باز خرید شوی یا دوباره از کار تعلق شوی. گفته‌اند ما به رای دیوان عدالت اداری کاری نداریم. باباخانی هم دارد پیگیری قانونی می‌کند تا ماده مربوط به استنکاف کارفرما را به جریان بیندازد. کارفرما هم ابراز بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید مشکل از حراست است.

حراست اصلاً از نظر اداری و اختیارات چه موقعیتی دارد؟

حراست تنها مسئول مراقبت از اموال شرکت واحد است. ابداً نمی‌تواند در مورد استخدام یا اخراج و شرایط کاری کارگران تصمیم بگیرد اما فعلاً جلوتر از همه حرکت می‌کند و رای دیوان عدالت اداری را به هیچ می‌گیرد.

حراست زیر مجموعه چه نهادی است؟

در گذشته، زیرمجموعه کارمندان و کارگران شرکت واحد بوده است. اما از سال ۸۳ به بعد، کلیه حراست‌های ادارات بر اساس مصوبه مجلس، زیر نظر وزارت کشور و وزارت اطلاعات کار می‌کنند. ما اصلاً افراد حراست‌های ده گانه شرکت واحد را نمی‌شناسیم. آنها در ساختمان اداره مرکزی شرکت واحد مستقرند و در طبقه‌ای هستند که کاملاً محرمانه است. تنها یک نفر را می‌بینیم که منشی است و سوال و جواب‌ها یا کتبی هستند یا از طریق بلندگو انجام می‌شوند. هیچکس چهره کارکنان حراست را ندیده است. مشخص نیست حقوق آنها از کجا تامین می‌شود و به چه کسی جوابگو هستند. فعلاً حرف اول و آخر در شرکت واحد را این‌ها می‌زنند و مدیریت، تابع آنهاست.

از وضعیت آقایان اسانلو و مددی، رییس و نایب رییس سندیکای واحد چه خبر جدید دارید؟

آقای اسانلو در زندان گوهردشت در مزیقه درمانی است. وی باید در خارج از زندان معالجه شود اما کسی

توجهی به این نیاز ندارد. آقای مددی نیز در اوین با مشکلات روحی و جسمی مواجه است. ناراحتی معده و پروستات دارد. حکم پنج ساله آقای اسانلو، ۱۲ ماه دیگر تمام می‌شود و آقای مددی هم نیمی از محکومیت خود را سپری کرده است. با توجه به گذشتن نیمی از محکومیت هر دو همکار ما، آنها قانوناً می‌توانند آزاد شوند یا به مرخصی بیایند. اما این حق نیز به آنها داده نمی‌شود.
مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح
تحریریه: شیرین جزایری

شعار "بیکاری بیکاری" در سفر احمدی نژاد به خرمشهر

خبرگزاری ایسنا در تاریخ 3 خرداد 89 نوشت: قبل از سخنان رییس‌جمهور تعدادی از مقامات محلی خرمشهر و استان خوزستان سخنرانی کردند.
در این مراسم شرکت‌کنندگان شعار "بیکاری بیکاری" را سر دادند و از دولت می‌خواستند در جهت رفع بیکاری در این شهرستان تلاشی کند که رییس‌جمهور نیز در برابر این خواسته مردم خرمشهر، گفت: دولت در خدمت شماست و ان‌شاءالله با برنامه‌ریزی گسترده با همت جوانان خرمشهر و خوزستان ریشه بیکاری در خوزستان از بین خواهد رفت

3 خرداد: آلودگی 8 نمونه برنج وارداتی

نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از تایید آلودگی هشت نمونه از برنج‌های وارداتی خبر داد و گفت: قرار است نام این برنج‌ها در صحن علنی مجلس قرائت شود.
حسینعلی شهریاری در مورد جمع‌بندی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از آخرین بررسی وضعیت آلودگی برنج‌های وارداتی که روز گذشته (یکشنبه) انجام شد به خبرنگار مهر گفت: نتیجه جلسه کمیسیون این بود که سرب موجود در هشت نمونه از برنج‌های وارداتی بالاتر از حد مجاز بوده و آلوده هستند.
وی با اعلام اینکه قرار است اسامی این برنج‌ها در صحن علنی مجلس قرائت شود، افزود: در مورد آرسینک موجود در برنج‌های وارداتی نیز قرار شده یک گروه کارشناسی بر اساس مقدار مصرف روزانه برنج در هر استان، موضوع را بررسی و استانداردهای آن را با همکاری وزارت بهداشت و سازمان استاندارد تعیین کند.
شهریاری با تأکید بر اینکه در همه کشورها میزان استاندارد آرسینک موجود در برنج‌ها بر اساس مقدار مصرف روزانه تعیین می‌شود، گفت: مسئولان وزارت بهداشت موضوع غیرآلوده بودن برنج‌های وارداتی را تکذیب کرده و عنوان داشتند که چنین مباحثی را مطرح نکرده‌اند.
نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در خصوص زمان قرائت اسامی برنج‌های آلوده در صحن مجلس، گفت: گزارش کمیسیون به هیئت رئیسه داده می‌شود و آنها تصمیم می‌گیرند چه زمانی آن را اعلام کنند.
شهریاری اظهار امیدواری کرد اسامی هشت نمونه از برنج‌های آلوده بعد از تعطیلات مجلس اعلام شود.

شعار "بیکاری بیکاری" در سفر احمدی نژاد به خرمشهر

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: قبل از سخنان رییس‌جمهور تعدادی از مقامات محلی خرمشهر و استان خوزستان سخنرانی کردند.
در این مراسم شرکت‌کنندگان شعار "بیکاری بیکاری" را سر دادند و از دولت می‌خواستند در جهت رفع بیکاری در این شهرستان تلاشی کند که رییس‌جمهور نیز در برابر این خواسته مردم خرمشهر، گفت: دولت در خدمت شماست و ان‌شاءالله با برنامه‌ریزی گسترده با همت جوانان خرمشهر و خوزستان ریشه بیکاری در خوزستان از بین خواهد رفت

کارگران صنایع فلزی بابت دریافت نکردن مطالبات معوقه خود علیه کارفرما اقامه دعوی کردند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: سرانجام کارگران صنایع فلزی (1) بابت دریافت نکردن مطالبات معوقه خود علیه کارفرما در اداره کار اسلامشهر اقامه دعوی کردند.
به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه صنایع فلزی (1) می‌گویند: هنوز هیچ اقدامی از سوی کارفرما در جهت پرداخت مطالبات معوقه آنها صورت نگرفته و نارضایتی‌ها همچنان ادامه دارد.
کارگران می‌گویند: با شکایتی که علیه کارفرما در هیات تشخیص اداره کار انجام شده می‌توانند در صورت بحرانی‌تر شدن وضع کارخانه صنایع فلزی نسبت به احقاق حقوق خود امیدوارتر باشند.
از هفته گذشته تاکنون 250 کارگر کارخانه صنایع فلزی (1) به دلیل پرداخت نشدن 6 ماه مطالبات معوقه نارضایتی خود را به کارفرمای این واحد تولیدی نشان دادند.

کارگران می‌گویند: بابت حقوق فروردین و اردیبهشت سال جاری و مطالبات خردارد، تیر، بهمن و اسفند سال 88 از کارفرما طلب کار هستند.
به گفته کارگران احتمال دارد برای فردا (سه شنبه) در رابطه با وضعیت خود با کارفرما و اعضای شورای تامین ملاقات کنند.

به منظور حل شدن مشکل بازنشستگی پیش از موعد در شرکت واحد نمایندگان کارگران خواهان دیدار با رئیس شورای شهر هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: اعضای شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قصد دارند تا به منظور پیگیری برای اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور در مورد کارگران و رانندگان واجد شرایط این شرکت با رئیس شورای اسلامی کار شهر تهران ملاقات کنند.

علی‌اکبر عیوضی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: 110 عضو شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قصد دارند تا در خصوص متوقف شدن اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور در شرکت واحد با مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفتگو کنند.

وی افزود: با وجود آنکه در اساسنامه شرکت واحد سهم دولت 49 درصد تعیین شده است؛ اما سازمان تامین اجتماعی همچنان با این استدلال که شرکت واحد یک شرکت دولتی است با بازنشستگی پیش از موعد رانندگان و کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور مخالفت می‌کند.

مطابق آیین نامه جدید قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، کارکنان واحدهای دولتی از مزایای بازنشستگی پیش از موعد محروم هستند.

به گفته عیوضی 51 درصد (بیشترین) سهام شرکت واحد تهران و حومه جزء اموال عمومی غیردولتی است که اداره آن تحت اختیار شورای شهر قرار دارد.

رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد گفت: با وجود اطلاع سازمان تامین اجتماعی از این موضوع هنوز کارگران شرکت واحد برای استفاده از بازنشستگی پیش از موعد با مشکل مواجه هستند.

پایان پیام

به منظور حل شدن مشکل بازنشستگی پیش از موعد در شرکت واحد نمایندگان کارگران خواهان دیدار با رئیس شورای شهر هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: اعضای شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قصد دارند تا به منظور پیگیری برای اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور در مورد کارگران و رانندگان واجد شرایط این شرکت با رئیس شورای اسلامی کار شهر تهران ملاقات کنند.

علی‌اکبر عیوضی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: 110 عضو شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه قصد دارند تا در خصوص متوقف شدن اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور در شرکت واحد با مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفتگو کنند.

وی افزود: با وجود آنکه در اساسنامه شرکت واحد سهم دولت 49 درصد تعیین شده است؛ اما سازمان تامین اجتماعی همچنان با این استدلال که شرکت واحد یک شرکت دولتی است با بازنشستگی پیش از موعد رانندگان و کارگران شاغل در کارهای سخت و زیان‌آور مخالفت می‌کند.

مطابق آیین نامه جدید قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، کارکنان واحدهای دولتی از مزایای بازنشستگی پیش از موعد محروم هستند.

به گفته عیوضی 51 درصد (بیشترین) سهام شرکت واحد تهران و حومه جزء اموال عمومی غیردولتی است که اداره آن تحت اختیار شورای شهر قرار دارد.

رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد گفت: با وجود اطلاع سازمان تامین اجتماعی از این موضوع هنوز کارگران شرکت واحد برای استفاده از بازنشستگی پیش از موعد با مشکل مواجه هستند.

پایان پیام

وب سایت تامین اجتماعی استان گیلان افتتاح شد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: وب سایت تخصصی اداره کل و مدیریت درمان تامین اجتماعی استان گیلان با هدف آشنایی کاربران با تازه‌ترین اخبار، برنامه‌ها و دستاوردهای این استان راه‌اندازی شد.

به گزارش ایلنا، این وب سایتها ضمن ارائه جدیدترین اخبار به معرفی بخشهایی از جمله مدیریتهای درمان، مدیران واحدهای اجرایی، گستره فعالیت، خدمات، فرمهای دستگاههای اجرایی، پرسش و پاسخ، اطلاعات پذیرش و توزیع بیمار، اداره کمیسیونهای پزشکی، دفتر رسیدگی به اسناد پزشکی، نشانی مراکز درمانی و تخصص‌های موجود در آن و ... می‌پردازد.

شایان ذکر است، این سایتها با همکاری و مشارکت شرکت مشاور مدیریت و خدمات ماشینی تأمین، دفتر راهبری سیستمها و دبیرخانه سایت رسمی راه‌اندازی شده است.

براساس این گزارش، نشانی اینترنتی وب سایت اداره کل تامین اجتماعی گیلان www.edarekolgilan.sso.ir و مدیریت درمان تامین اجتماعی این استان به نشانی www.darmangilan.sso.ir است.

پایان پیام

حکمی از سوی مدیر کل روابط عمومی تامین اجتماعی؛

سردبیر تامین منصوب شد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 خرداد 89 آمده است: هادی صفری طی حکمی از سوی ابراهیم دربانیان، مدیر کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان تامین اجتماعی به عنوان سردبیر نشریه تامین (نشریه داخلی سازمان تامین اجتماعی) منصوب شد.

به گزارش ایلنا، صفری که در حال حاضر رئیس روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی است با حفظ سمت سردبیر نشریه تامین شد.

تیراژ تامین در سال 1388 به 15 هزار نسخه می‌رسید که در سال 89 این تیراژ به 50 هزار نسخه افزایش یافته است.

پایان پیام

فریاد اعتراض بیکاران خرمشهر برابر احمدی نژاد

سایت مردمک در تاریخ 3 خرداد نوشت: سخنرانی محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری ایران در خرمشهر با فریاد اعتراض صدها کارگر بیکار در این شهر مواجه شد.

به گزارش آسوشیتدپرس، شماری از مردم خرمشهر، امروز در جریان بازدید آقای احمدی نژاد از این شهر و سخنرانی در میان جمع، با فریاد «بیکاریم، بیکاریم»، سخنرانی او را مختل کردند. محمود احمدی نژاد به مناسبت سالگرد آزادسازی خرمشهر از اشغال نیروهای عراقی، امروز (دوشنبه) به این شهر سفر کرده است.

بر اساس این گزارش، این گونه اعتراضات در جریان دیدارهای استانی آقای احمدی نژاد، خیلی به ندرت پیش می‌آید، چرا که این بازدیدها اغلب در فضایی به شدت «کنترل شده و امنیتی» صورت می‌گیرد.

آسوشیتدپرس گزارش کرده که ایران در حال حاضر با 25 درصد نرخ بیکاری و تورم فزاینده دست و پنجه نرم می‌کند که این مساله باعث نارضایتی مردم شده است. در مقابل دولت آقای احمدی نژاد اعلام کرده که نرخ بیکاری در ماه‌های اخیر حداکثر 12 درصد بوده است.

از سوی دیگر، آمریکا و کشورهای غربی متحد آن درصدد اعمال تحریم‌های شدیدتر و گسترده‌تر علیه برنامه هسته‌ای دولت ایران‌اند که به باور آنها، قصد تولید بمب اتمی را دارد. تحریمی که می‌تواند موجب افزایش نارضایتی مردم شود. دولت ایران همواره ادعای دولت‌های غربی را در مورد تولید بمب اتمی رد کرده است.

همچنین سایت جرس از هواداران «جنبش سبز»، نیز روز گذشته مدعی شد که در آستانه سفر محمود احمدی نژاد به خرمشهر، مقامات امنیتی و دولتی استان خوزستان، جهت جلوگیری از اعتراضات مردمی و کارگری، جو پلیسی - نظامی شدیدی در این شهر ایجاد کردند.

به گزارش جرس، «نگرانی مقام‌های امنیتی استان خوزستان، از اعتراض‌های مردمی به وعده‌های تحقق نیافته انتخاباتی آقای احمدی نژاد در مورد آب آشامیدنی این شهر است.»

در خواست انحلال شوراهای شهر بوکان و مهاباد

خودنویس در تاریخ 3 خرداد نوشت: عبدالحسین ناصری، سخنگوی کمیسیون سیاست و شوراهای اسلامی مجلس در گفتگو با خبرگزاری مهر گفت که کمیسیون شوراهای مجلس پس از اعزام تیمی مرکب از نمایندگان مجلس و نمایندگان شورای عالی استان‌ها به شهرهای بوکان و مهاباد که در پی شکایت نمایندگان این حوزه‌ها از شورای اسلامی شهرها صورت گرفته بود، گزارش تیم اعزامی را در جلسه روز گذشته بررسی کرد و تخلفات مطرح شده را به این شوراها وارد دانست. کمیسیون شوراها با اتفاق آرا پیشنهاد انحلال شورای شهر بوکان و تعلیق شورای شهر مهاباد را ارائه داد.

ناصری در ستوال دیگری به حضور نیروی کارشناسان نیروی مقاومت بسیج و نیروی انتظامی در جلسه دیروز اشاره کرد.

لازم به یاد آوری است که شهرهای کرد نشین آذربایجان غربی نیز مانند شهرهای کردستان، بعد از اعدام‌های اخیر دستخوش نا آرامی‌هایی شده بودند و موج اعتصابات این شهرها را نیز فرگرفته بود. شوراهای اسلامی شهرهای بوکان و مهاباد، عمدتاً متشکل از شهروندان کرد بودند.

اجرای طرح پوشش یکسان برای زنانی که در مشاغل آزاد فعالیت می‌کنند

خبرگزاری مهر در تاریخ 3 خرداد می‌نویسد: رئیس مجمع امور صنفی، توزیعی و خدماتی شهر تهران از بررسی طرحی خبر داد که در صورت تصویب و اجرای آن تمام زنهایی که در مشاغل آزاد فعالیت می‌کنند باید از لباسهای فرم و حجاب اسلامی استفاده کنند. رژیم بعد از خیزش اخیر مردم، قصد دارد برای جلوگیری از هر اقدام مردمی دیگری، جامعه را محدود و محدودتر و مردم را درگیر مسائل روزمره کند. خبرگزاری حکومتی مهر در ادامه این خبر می‌نویسد: قاسم نوده فراهانی با تاکید بر اینکه اجرای طرح عفاف و حجاب وظیفه تمامی دستگاهها و وزارتخانه هاست گفت: یکی از مهمترین برنامه‌های اجرا شده توسط مجمع امور صنفی تهران ایجاد فروشگاههای جلوه حجاب در سطح شهر بوده ولی این اقدامات هنوز هم کافی نیست. فراهانی گفت: به زودی دستورالعملی به

اتحادیه های صنفی ابلاغ می شود مبنی بر اینکه در فروشگاههای عرضه لباسهای زیر زنانه حتما باید از فروشندگان خانم همراه با پوشش ویتترین استفاده شود.

قتل یک روستائی کرد بر اثر تیراندازی مأمور حکومتی

آژانس خبری موکریان/سرویس حقوق بشر در تاریخ 3 خرداد می نویسد: یک شهروند کرد اهل روستای برده رش از توابع شهر بانه به نام خدر عبدالهی بر اثر تیراندازی یکی از مأمورین نیروی انتظامی کشته شد. این شهروند که متأهل و دارای چند فرزند می باشد به ظن حمل کالای قاچاق در منطقه مرزی بانه هدف تیراندازی قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد.

گفتنی است که طی ماههای اخیر تعداد زیادی از شهروندان مناطق مرزی به ظن داشتن کالای قاچاق مورد تیراندازی مأمورین قرار گرفته اند که در بسیاری از موارد منجر به مرگ این شهروندان شده است.

اعتراضات گسترده جوانان بعد از مسابقه فوتبال: فوتبال بهونه همیشه خرداد قیامت همیشه

بنابه گزارشات رسیده از ایران "صدها نفر از جوانان پس مسابقه فوتبال هنگام خروج از استادیوم آزادی اقدام به سر دادن شعارهای ضد دولتی نمودند.

دوشنبه غروب 3 خرداد ماه حوالی ساعت 21:15 تماشاگران مسابقه فوتبال هنگام خروج از استادیوم ورزشی آزادی اقدام به سر دادن شعارهای ضد دولتی نمودند. جوانان در حین خروج از ضلع شرقی استادیوم شعارهایی مانند، خس و خاشاک تویی / دشمن این خاک تویی/ فوتبال بهونه همیشه خرداد قیامت همیشه / همچنین مرگ بر دیکتاتور و شعارهای دیگر سر دادند.

همچنین جوانانی که سوار بر اتوبوس های شرکت واحد بودند در طی مسیر اقدام به سر دادن شعار نمودند. همزمان با شعار دادن جوانها خودروها با بوق زدن ممتد با اعتراضات جوانان همراهی می کردند. این اعتراضات تا ساعت 10:30 ادامه داشت.

گزارشات تایید نشده ای حاکی از آن است که تعدادی از جوانان دستگیر و به داخل استادیوم ورزشی منتقل شدند.

از طرفی دیگر از ساعت 15:00 نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، نیروی انتظامی و لباس شخصیها بصورت گسترده در درون و بیرون استادیوم مستقر شده بودند. افراد ویژه سپاه پاسداران (لباس شخصیها) و اطلاعاتیها با در دست داشتن دوربین های فیلم برداری از جوانان برای ایجاد رعب و وحشت فیلم می گرفتند. بیش از چهل خودروی نیروی انتظامی و خودروهای خاص دستگیری در آنجا مستقر بودند. نیروهای سرکوبگر با جوانان موتورسوار برخورد وحشیانه ای داشتند.

حمایت بازنشستگان تحت پوشش تامین اجتماعی از بخشنامه اخیر این سازمان

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 89 آمده است: از اقدام اخیر مدیرعامل تامین اجتماعی در تعیین نحوه و میزان حق عضویت کارگران بازنشسته تحت پوشش این سازمان حمایت می کنیم.

جمعی از کارگران بازنشسته تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی درگفت وگو با خبرنگار ایلنا افزودند: حق عضویت یک درصدی که از حق مسکن کارگران بازنشسته کسر می شود اگر برای یک میلیون و 300 هزار بازنشسته تامین اجتماعی محسوب شود رقم میلیاردی می شود اما متأسفانه برخی کانون های بازنشستگی مشخص نیست که این پولها را چه کرده و چه می کند.

آنان تصریح کرد: دستورالعمل اخیر تامین اجتماعی کافی نیست بلکه باید افرادی که در این زمینه تخلف کرده اند به مراجع قضایی معرفی شوند و حتی در صورت امکان کار آنها به هیات تحقیق و تفحص از تامین ارائه شود.

این افراد همچنین از مدیران تامین اجتماعی خواسته که هرچه سریعتر میزان افزایش حقوق آنها را در سال 89 مشخص و اجرایی کنند.

پایان پیام

سپاه پاسداران همچنان بر صنعت نفت چنگ می اندازد

روزنامه دنیای اقتصاد، ۴ خرداد ماه، در گزارشی با عنوان: "مشارکت ۱۵ میلیارد دلاری قرارگاه خاتم در پروژه های نفت و گاز" با اشاره به نقش فزاینده این نهاد نظامی-امنیتی در بخش نفت از جمله نوشت: "... قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (سپاه پاسداران) توانسته نقش موثری در جلب و جذب و مشارکت پروژه های داخلی ایفا کند... براساس گزارشی که... دیروز منتشر کرده است، مذاکره برای نهایی کردن بیش از ۱۰ میلیارد دلار قرارداد طرح های مختلف... میان وزارت نفت و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء در حال انجام است... مسئولان صنعت نفت با در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی کشور، پروژه های مختلف را با اولویت قرار دادن مجموعه های داخلی یکی پس از دیگری واگذار می کنند. این رقم ۱۰ میلیارد دلار جدای از بیش از ۵ میلیارد دلار قراردادی است که از سوی وزارت نفت با قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء نهایی شده است...".

در ادامه گزارش سپس اضافه شده: "مهم ترین قراردادهای منعقد (میان وزارت نفت) با خاتم (قرارگاه سپاه پاسداران) که شماری از آنها با ترک تشریفات مناقصه انجام شده به ترتیب زیر است، امضای قرارداد توسعه

فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی به ارزش تقریبی ۶ تا ۷ میلیارد دلار، قرار داد ساخت قطعه سوم خط لوله ششم سراسری به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار، توسعه پالایشگاه ایلام به ارزش ۱۲۰ میلیون دلار، طرح توسعه میدان نفتی سوسنگرد به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار، ساخت شاه لوله نکا- جاسک (ارزش این قرارداد هنوز اعلام نشده) توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی به ارزش ۲ میلیارد دلار، ساخت فاز اول خط لوله هفتم سراسری-خط لوله صلح- به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار، قرارداد تولید گاز مایع - ایران ان- ان- جی - به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار و ساخت سه خط لوله نفتی در سه نقطه کشور...."

در همین گزارش تاکید گردیده که علاوه بر این قراردادها، ۳۰ پروژه دیگر نیز در دست سپاه پاسداران قرار دارد که برخی از آنها از مهم ترین پروژه های اقتصادی کشور در زمینه نفت و گاز و سد سازی هستند.

دستمزد کارکنان شرکت مخابرات لرستان شرکت کاهش یافت

به گزار ش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 89 آمده است : کارکنان شرکت مخابرات استان لرستان که در چارچوب قانون کار و به صورت قراردادی و پیمانکاری مشغول به کار هستند می گویند دستمزدهای آنان با تصمیم هیات مدیره شرکت به طور چشمگیری کاهش یافته است. یکی از این کارگران در گفت و گو با خبرنگار ایلنا گفت: به موجب بخشنامه صادره شده از ابتدای خردادماه دستمزد کارکنان شرکت مخابرات استان لرستان به میزان 15 درصد کمتر از تعرفه های سال 88 محاسبه و پرداخت خواهد شد.

وی افزود: از میان کارگران شايع است که این تصمیم با هدف صرفه جویی و کاهش هزینه های اضافی توسط اعضای هیات مدیره اتخاذ شده است و به همین دلیل از ابتدای هفته جاری تمامی کارکنان به صورت پاره وقت مشغوب به کار شده اند.

حداقل 999 نفر در چارچوب قانون کار به عنوان کارگر در استخدام پیمانکار طرف قرارداد شرکت مخابرات استان لرستان هستند که مطابق بخشنامه حقوق و دستمزد شورای عالی کار دستمزد حقوق آنها باید بر مبنای دستمزد پایه 303 هزار تومان در هر ماه محاسبه و پرداخت شود.

هیات مدیره شرکت مخابرات استان لرستان در حالی تصمیم به کاهش دستمزد کارکنان قراردادی و پیمانی مشاغل در این شرکت گرفته است که به موجب قانون کار خودداری کارفرما از اجرای مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار و پرداخت مزد کمتر از حداقل تعیین شده تخلف تلقی شده و مستوجب مجازات است. پایان پیام

وزیرکار و امور اجتماعی در گفت و گو با ایلنا خبر داد: تدوین سند ملی اشتغال تا پایان شهریور

به گزار ش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 4 خرداد 89 آمده است : وزیر کار و امور اجتماعی از تدوین سند ملی توسعه اشتغال تا پایان نیمه اول سال جاری خبر داد.

عبدالرضا شیخ الاسلام در گفت و گو با خبرنگار ایلنا درباره برنامه های در دست اجرا وزارت کار و امور اجتماعی برای توسعه اشتغال گفت: سند ملی توسعه اشتغال در سطح ملی، استانی، شهرستان و بخش براساس برنامه ریزی انجام شده و تا نیمه اول 89 تهیه می شود.

وی با بیان این که قراردادهای مربوط به تهیه این سند با مشاوران بسته شده و سازمان های استانی نیز در تهیه این سند مشارکت دارند، تصریح کرد: با فعال شدن شورای عالی اشتغال که جلسات آن به صورت مرتب تشکیل جلسه می دهد، تصمیم های خوبی برای روان سازی و توسعه فعالیت های مربوط به اشتغالزایی و سیاست های آن اخذ می شود.

وزیرکار و امور اجتماعی از دیگر برنامه های این وزارتخانه را محوریت استانداران به عنوان مدیران عالی دولت در مناطق ذکر کرد و گفت: استانداران به عنوان مسئول اشتغال استان ها فعالیت های استان را با موضوع اشتغال سامان می دهند. وظیفه دیگر استانداران براساس برنامه جدید وزارت کار مدیریت منابع نیروی انسانی و ساماندهی ظرفیت های اشتغال است.

وی خاطرنشان کرد: قانون مشاغل خانگی امکان خوبی برای توسعه اشتغال ایجاد می کند که منتظر ابلاغ قانون از سوی مجلس هستیم تا با نهایی شدن آن ستاد مشاغل خانگی را تشکیل دهیم.

شیخ الاسلام درباره آخرین اقدامات برای تهیه لایحه کارشایسته با بیان این که کارهای تهیه این لایحه در حال انجام است، عنوان کرد: البته کارهای متفرقه ای در این باره در گذشته انجام شده بود، حتی برخی موارد مسیر قانونی شدن سپری هم کرده اند اما ما دنبال این هستیم که در قالب یک مجموعه سیاست های اشتغالزایی این موضوع نیز دنبال شود.

پایان پیام

تأثیرات تحریم های سازمان ملل بر صنایع نفت و گاز ایران

سحام نیوز در 4 خرداد می نویسد : روزنامه بریتانیایی فاینانشیال تایمز در گزارشی نوشته است تولید نفت ایران در اثر تحریم های اقتصادی و عدم سرمایه گذاری در صنایع نفت و گاز دست کم ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز

کاهش یافته است.

این روزنامه ضمن بررسی تأثیرات تحریم‌های سازمان ملل بر صنایع نفت و گاز ایران، می‌نویسد توسعه آهسته و کند میدان‌های نفتی جدید از یکسو و وضعیت بد چاه‌های قدیمی نفت از دلایل عمده این افت تولید است. فاینشپال تایمز به نقل از یکی از مقام‌های پیشین ایران نوشته است که روزانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه از تولید نفت ایران کاسته شده است؛ به نوشته این روزنامه آمار و ارقام داده شده از سوی این مقام پیشین ایرانی با داده‌های غربی‌ها درباره تولید نفت ایران همخوانی دارد. بر پایه این گزارش اگرچه زمان مشخصی از آغاز این افت تولید اعلام نشده، با این حال کارشناسان امور نفتی بر این باورند که از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ تولید نفت ایران کاهش محسوسی داشته است.

این گزارش می‌افزاید در آغاز کار دولت نهم در ایران، تولید نفت ۴.۲ میلیون بشکه در روز بوده که در حال حاضر این میزان به ۲.۸ یا ۲.۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

به نوشته فاینشپال تایمز تصمیم دولت محمود احمدی‌نژاد مبنی بر اخراج مدیران باتجربه در صنعت نفت و گاز از دیگر عوامل این کاهش تولید است.

در حالیکه وزیر نفت ایران هر گونه کاهش ظرفیت تولید نفت را رد می‌کند، تازه‌ترین آمار انتشار یافته از سوی بانک مرکزی ایران حاکی از آن است که ایران در سه ماهه دوم سال گذشته روزانه ۳.۵۳ میلیون بشکه نفت تولید کرده است در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۵ رقم ۴.۱ میلیون بشکه در روز بوده است.

این گزارش به نقل از این مقام ایرانی که نامی از وی نبرده می‌افزاید دولت ایران با افزایش میزان صادرات گاز طبیعی تلاش کرده تا کاهش صادرات نفت خود را جبران کند.

مقام پیشین ایرانی به فاینشپال تایمز می‌گوید صادرات روزانه ۳۲۰ هزار بشکه گاز مایع باعث شده تا افت صادرات نفت آنچنان محسوس نباشد.

در حالیکه ایران دومین کشور دارنده ذخایر نفت و گاز طبیعی در جهان است اما برای بهره‌برداری از این ذخایر به شدت به سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند است.

دولت ایران اعلام کرده است که تا سال ۲۰۱۵ صادرات نفت خود را به ۵ میلیون بشکه در روز و صادرات گاز را به یک میلیارد متر مکعب افزایش دهد.

مسعود میرکاظمی، وزیر نفت ایران، در پاسخ به نمایندگان مجلس ایران گفته است که دولت ایران باید سالانه ۲۵ میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز خود سرمایه‌گذاری کرده، در غیر این صورت خود به وارد کننده نفت تبدیل خواهد شد.

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از سرمایه‌گذاری کشورهای غربی در صنعت نفت گاز ایرانانه جلوگیری کرده است. شرکت‌های نفتی غربی نظیر رویال داچ‌شل و توتال از توسعه بیشتر صنعت نفت ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا صرف‌نظر کرده‌اند.

این روزنامه می‌نویسد کارشناسان معتقدند با اینکه شرکت‌های چینی که در غیاب کمپانی‌های غربی، قراردادهای چندین میلیارد دلاری در صنعت نفت و گاز ایران بسته‌اند، هنوز به پیشرفت قابل توجهی در این زمینه دست نیافته‌اند.

فاینشپال تایمز، به نقل از این مقام پیشین ایرانی در پایان آورده است: «چین از ایران به اندازه غربی‌ها پول می‌گیرد اما به ما محصولاتی با کیفیت پایین می‌دهد و سیاست دیرآشنای کند کار کردن کمونیستی را دنبال می‌کند.»

اعتراض "کارگران صنعتی جهان" به مقامات جمهوری اسلامی به خاطر اعدام‌ها

خطاب به مقامات جمهوری اسلامی ایران:

کمیسیون همبستگی بین‌المللی "کارگران صنعتی جهان" اعدام فرزاد کمانگر، معلم و فعال کارگری و حقوق انسانی و چهار زندانی سیاسی دیگر توسط جمهوری اسلامی ایران را قویا محکوم می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران، کارگر آموزش و پرورش، معلم و فعال حقوق بشر، فرزاد کمانگر، و چهار زندانی سیاسی دیگر را در ۹ مه ۲۰۱۰ اعدام کرده است. طبق آخرین گزارشات، آقای فرزاد کمانگر، آقای علی حیدریان، آقای فرهاد وکیلی، خانم شیرین علم‌هولی و آقای مهدی اسلامیان همگی در تاریخ ۹ مه اعدام شده‌اند. هیچیک از وکلا و یا خانواده‌های این زندانیان از این اعدام‌ها با خبر نشده بودند.

کمیسیون همبستگی بین‌المللی تداوم تهاجم لجام‌گسیخته علیه حقوق کارگران و انسان در ایران را محکوم میکند. کمیسیون همبستگی بین‌المللی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، و کارگران و دانشجویان زندانی می‌باشد.

کمیسیون همبستگی بین‌المللی از دولت ایران می‌خواهد که حقوق کارگری و انسانی، از جمله آزادی بیان و ابراز وجود و حق تشکل، تجمع و اعتراض را کاملا محترم شمرد. کمیسیون همبستگی بین‌المللی از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد که به تعقیب و اذیت و آزار فعالین کارگری و حقوق بشر و سازمانهای سیاسی و عدالت اجتماعی پایان دهد و مانع فعالیتهای آنان نگردد.

دی ام کلوکر

رئیس کمیسیون همبستگی بین‌المللی کارگران صنعتی جهان

the I.W.W D.M. Kloker, Chair of the International Solidarity Commission of

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

(International Alliance in Support of Workers in Iran (IASWI

info@workers-iran.org

زنانی که به اتهام محاربه در وضعیت نامساعدی در زندان به سر می برند

سایت کلمه در تاریخ 4 خرداد نوشت: کبری زاغه دوست، بدر السادات مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران و فاطمه خرمجو نیزهر کدام ماه هاست که در بلاتکلیفی کامل در زندان اوین به سر می برند. بدون اینکه از نظر قانونی رویه های بازداشت یا قرار بازداشت موقت شان رعایت شده باشد.

تعدادی از زندانیان سیاسی بند نسوان زندان اوین در شرایط نامناسبی به سر می برند و از کوچکترین امکانات رفاهی و بهداشتی بی بهره اند.

به گزارش کلمه، خیرهای دقیق از زندان اوین درباره برخی از این زندانیان زن همچنین حاکی از آن است که آنها در شرایط کاملاً بلاتکلیف با اتهام های سنگینی که هیچ ربطی به عملکردشان ندارد ماه هاست که زندانی هستند.

مریم اکبری منفرد یکی از این زندانیان است که ۱۰ دی ماه سال جاری در جریان حوادث عاشورا ی حسینی بازداشت و راهی زندان اوین شده است.

وی سه فرزند دارد که کوچکترین آنها پنج ساله است. اما مسولان بدون توجه به این موضوع از زمان عاشورا تاکنون وی را به اتهام محاربه از طریق عضویت در سازمان منافقین درشرایطی کاملاً غیر قانونی در زندان نگه داشته اند.

منفرد با اینکه ماههاست زندانی است هرگز قرار بازداشت اش تمدید نشده است. این در حالی است که این زن بارها گفته است که هیچ وابستگی به سازمان منافقین ندارد و تنها نگران فرزندان اش است که اکنون دور از او به سختی روزگار می گذرانند.

پروین جوادزاده یکی دیگر از زنان زندانی بند نسوان اوین است. که در شرایط بسیار دشواری به سر می برد.

جواد زاده ۲۲ ساله نیز عصر عاشورا توسط نیروهای سپاه هنگام تردد در خیابان بازداشت و اکنون در بلاتکلیفی کامل در زندان اوین به سر می برد.

وی که اکنون جوانترین زندانی سیاسی زن بند نسوان اوین است. سه ماه اول بازداشت خود را به صورت کامل در یکی از سلول های انفرادی بازداشتگاه اطلاعات سپاه محبوس بوده است که این موضوع موجب لطمه های شدید روحی و جسمی به او شده است. طبق اخباری که از بند نسوان زندان اوین می رسد اتهام این دختر جوان نیز محاربه است و به تازگی پرونده وی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب ارسال شده است.

همچنین اخبار دیگری نیز حاکی از وضعیت نامناسب جسمی و روحی ۳ تن دیگر از زندانیان بند نسوان اوین است.

کبری زاغه دوست، بدر السادات مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران و فاطمه خرمجو نیزهر کدام ماه هاست که در بلاتکلیفی کامل در زندان اوین به سر می برند. بدون اینکه از نظر قانونی رویه های بازداشت یا قرار بازداشت موقت شان رعایت شده باشد

رشد اقتصادی؛ نزدیک به صفر

سایت کلمه در تاریخ 4 خرداد 89 نوشت: رشد اقتصادی ایران در سال ۸۷؛ ۰٫۵ درصد بوده است، در حالی که این رقم بناست در پایان برنامه پنجم توسعه به ۸ درصد برسد. معاون اقتصادی بانک مرکزی در حالی این آمار را اعلام نموده است که سعی کرده تا با قیاس این آمار با کشورهای پیشرفته، آن را موجه جلوه دهد. حال آن که چنین قیاسی مبنای صحیحی ندارد.

به گزارش فرارو؛ رشد اقتصادی به تعبیر ساده عبارت است از افزایش تولید یک کشور در یک سال در مقایسه با سال گذشته. رشد اقتصادی شاخص مناسبی برای اندازه گیری وضعیت اقتصادی یک کشور به شمار می رود.

شاخص رشد اقتصادی، تا حد زیادی نسبی است، یعنی نمی توان شاخص رشد اقتصادی کشور توسعه یافته ای مثل آمریکا را با کشوری در حال توسعه مثل چین مقایسه کرد و حکم به بهتر بودن وضعیت چین کرد.

یک کشور در حال توسعه هنوز ظرفیت های بالایی برای افزایش تولید خود دارد، در حالی که این کار در کشور توسعه یافته دشوارتر است، چرا که طبیعتاً فرصت های تولیدی که در یک کشور در حال توسعه هنوز کاملاً اشباع نشده، در کشور توسعه یافته اشباع شده و در حال تولید است. به عبارتی وقتی شما از ۹۰ درصد ظرفیت تولید خود استفاده می کنید، رشد تولید برایتان سخت تر است تا زمانی که از ۱۰ درصد آن بهره می برید. این مسئله به قانون بازدهی نزولی هم ارتباط دارد. (درباره این قانون در اینجا بخوانید).

مسئله رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه ای مثل ایران بسیار حائز اهمیت است. ما نمی توانیم با مقایسه شاخص رشد خود با کشورهای توسعه یافته ای نظیر آمریکا و انگلستان و آلمان، فکر کنیم که چندان هم عقب نیستیم. ایران باید خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای جنوب شرق آسیا و از همه مهم تر با مدل هایی مثل ترکیه مقایسه کند. اما بر سر همین قضیه هم اختلافات جدی وجود دارد.

در ایران پس از انتشار پیش بینی رشد اقتصادی سال ۲۰۱۰ توسط صندوق بین المللی پول، با افتخار بر سر آن تبلیغات فراوانی صورت گرفت. این پیش بینی برای ایران حدود سه درصد بود. این آمار را با کشورهای در حال توسعه دیگر مقایسه کنید: «متوسط رشد اقتصادی منطقه اروپای شرقی و مرکزی در سال ۲۰۱۰؛ ۲٫۸ درصد و این رقم برای کشورهای مستقل مشترک المنافع ۴ درصد، برای آسیای در حال توسعه ۸٫۷ درصد، برای خاورمیانه و شمال آفریقا ۴٫۵ درصد، برای آفریقای زیر صحرا ۴٫۷ درصد و برای امریکای لاتین ۴ درصد پیش بینی شده است.»

دل بستن به پیش بینی های اکونومیست و صندوق بین المللی پول وقتی دشوارتر می شود که آمار ارائه شده توسط معاون بانک مرکزی را بخوانیم: «رشد اقتصادی سال ۸۷ با تلفیق آمارهای واقعی بخش های نفت،

کشاورزی و خدمات، بدون نفت ۰,۸ درصد و با نفت ۰,۵ درصد بوده است.» یک ماه پیش از این سخنگوی اقتصادی دولت، رشد اقتصادی بدون نفت دولت را ۲,۷ درصد اعلام کرده بود!

حسین قضاوی در عین حال درباره آمار رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته جهان گفته بود: «رشد اقتصادهای پیشرفته جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی معادل ۰,۵ درصد و در سال ۲۰۰۹ معادل منفی ۲,۲ درصد بوده است.» صرف نظر از این که قیاس رشد اقتصادی با کشورهای پیشرفته، تا چه میزان فریب‌دهنده است، باید به وجود بحران اقتصادی در غرب اشاره کرد و پرسید، ایران که مدعی است اقتصادی جدای از اقتصاد غرب دارد و به آن بحران گرفتار نیامد، تا چه حد از این فرصت استفاده نمود؟

وی همچنین اعلام نموده است: «به نظر می‌رسد رشد اقتصادی در سال ۸۸ عملکرد بهتری داشته باشد و در سال ۸۹ با توجه به این که قیمت نفت روی ۶۰ دلار بسته شده است و پیش‌بینی‌ها ۷۰ دلار میانگین هر بشکه را نشان می‌دهد وضع بهتری خواهیم داشت و می‌توان انتظار داشت مازاد درآمد ارزی موجب رشد اقتصادی شود.»

در عین حال مسئله رکود اقتصادی در ایران به تورم گره خورده است. جمشید انصاری نماینده مردم زنجان در این باره اعتقاد دارد: «با ایجاد رونق قادر خواهیم بود در میان‌مدت بر تورم غلبه کنیم. سیاست دولت، کنترل تورم بوده است و به همین دلیل به سمت ایجاد رونق در اقتصاد نرفته، واحدهای تولیدی با مشکل جدی مواجه هستند و در نتیجه نیروهای کاری از واحدهای تولیدی اخراج می‌شوند.»

وضعیت رشد اقتصادی ایران اصلاً مناسب نیست، در عین این که رویاهای دور و درازی هم برای این رشد در سر پرورانده می‌شود. از جمله این که رشد ایران در پایان برنامه پنجم باید به هشت درصد برسد. در حالی که مسعود نیلی اعتقاد دارد: «با اقتصادی که نیم درصد رشد دارد، با کمبود انرژی مواجه می‌شویم چگونه می‌توانیم برای رسیدن به رشد ۸ درصدی، سوخت تامین کنیم؟»

کارگران گندله سازی سیرجان اعتصاب کردند

در تاریخ ۴ خرداد در سایت گفتارنو آمده است: جمعی از کارگران کارخانه گندله سازی سیرجان دست به اعتصاب و اعتراض زده اند.

به گزارش گفتارنو يك منبع آگاه با تائید این خبر گفت: بعد از اعلام نتایج آزمون استخدامی کارخانه گندله سازی که در آن تنها ۲۰ نفر از کارگران فعلی پذیرفته شده اند تعدادی از کارگران دست به اعتصاب زده اند. برپایه این گزارش مسئولان به کارگران قول داده بودند که اولویت در پذیرش نیرو با کسانی باشد که دارای تجربه عملی هستند.

کارخانه گندله سازی که چندی پیش توسط رئیس جمهوری افتتاح شد ۴۲۰ نیروی جدید می پذیرفته که از بین کاراگران فعلی تنها ۲۰ نفر پذیرش شده اند و چنانچه در این روند تغییری ایجاد نشود تعدادی زیادی از کارگران اخراج خواهند شد.

شنیده های گفتارنو حاکی از آن است که مسئولان در حال مذاکره با اعتراض کنندگان برای حل مشکل هستند. همچنین قرار بود محمد جلال مآب مدیرعامل گل گهر سیرجان پنجشنبه گذشته در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کند اما این مصاحبه چند ساعت قبل از برگزاری لغو شد.

يك ساعت کار در هفته بیکار محسوب نمی شود

به گزار ش خبرگزاری کارایران - ایلنا در تاریخ ۴ خرداد۸۹ آمده است: استاندار لرستان گفت: آمارهای ارایه شده از میزان نرخ بیکاری لرستان مانند نرخ بیکاری بیش از ۱۷ درصد در استان، غیرواقعی است.

به گزارش ایلنا، "سیدحسین صابری" افزود: طبق قوانین بین المللی کار، هر فردی که در هفت روز، روزانه یک ساعت کار مفید داشته باشد، دیگر فردی بیکار قلمداد نمی شود.

وی اظهار داشت: باید تلاش کرد رشته تحصیلات دانشگاهی استان با توجه به استعدادهای منطقه نیاز سنجی شود تا بتوان آمار بیکاری در لرستان را کاهش داد.

وی یادآور شد: متأسفانه اغلب دانش آموختگان استان لرستان در رشته های علوم سیاسی، اجتماعی، معارف و علوم اسلامی و حقوق هستند این در حالی است که نیازهای استان اغلب در بخش های کشاورزی، صنایع تبدیلی و صنعت است.

صابری با اشاره به اینکه وجود یک فرد بیکار در استان نیز باعث بروز مشکل می شود، افزود: این نرخ قابل قبول نیست چرا که بیکاری و اشتغال تعریف خاص خودش را دارد و آنچه که امروز به عنوان بیکاری در لرستان وجود دارد، واقعیت ندارد.

وی تصریح کرد: اکنون بسیاری از فرصت های شغلی استان لرستان توسط افرادی از استان های دیگر اشغال شده که باید در این زمینه تجدید نظر شود تا فرصت های شغلی استان در اختیار افراد بومی قرار گیرد.

استاندار لرستان گفت: باید در استان به سمت ایجاد صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی پیش رفت تا بتوان ضمن حل مشکلات بخش بیکاری، زمینه ایجاد شغل پایدار را نیز فراهم کنیم.

وی اضافه کرد: با این وجود مدیریت ارشد لرستان تمام توان خود را برای رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به کار گرفته و در زمینه رفع معضل بیکاری جوانان از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

يك مقام کارگري:

5 عضو هیات مدیره تامین اجتماعی چند شغله محسوب می‌شوند

به گزارش خبرگزاری کارایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 89 آمده است: عضو هیات‌رییسه کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار محورجاده قدیم کرج گفت: پنج عضو هیات‌مدیره سازمان تامین اجتماعی چند شغله محسوب می‌شوند بنابراین مجلس و دولت باید با این کار غیرقانونی مقابله کند. حسن‌کوه‌خواهی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: سه عضو هیات‌مدیره تامین اجتماعی از معاونان وزیر رفاه و تامین اجتماعی و دو عضو دیگر آن نیز از روسای سازمان‌های تحت پوشش این وزارتخانه هستند بنابراین مشاهده می‌شود که این اعضا غیرموظف هستند در صورتی که طبق قانون اعضای هیات‌مدیره تامین اجتماعی باید موظف باشند. وی تصریح کرد: در قانون پیش‌بینی شده که اعضای هیات‌مدیره تامین اجتماعی موظف و فاقد شغل اجرایی باشند در صورتی‌که این مهم نادیده‌گرفته شده است. کوه‌خواهی شورای عالی تامین اجتماعی را رکن نظارتی بر این سازمان دانست و گفت: در این شورا سه‌جانبه‌گرایی به صورت نسبی رعایت شده است. پایان پیام

ویدئو کلیپ: در پی آتش سوزی در نمایشگاه جنگ، یک دانشجوی ماهشهر کشته شد

[feature=player_embedded&http://www.youtube.com/watch?v=35k4SDq0j7w](http://www.youtube.com/watch?v=35k4SDq0j7w)

سایت دانشجویوز در تاریخ 4 خرداد نوشت: در پی آتش سوزی در دانشگاه آزاد واحد ماهشهر در نمایشگاه مربوط به یادمان جنگ، یک دانشجوی این دانشگاه کشته شد.

به گزارش دانشجویوز این نمایشگاه با نام "یاد یاران" و به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر توسط بسیج امام صادق برپا شده بود که عدم رعایت مسائل ایمنی موجب آتش سوزی در این نمایشگاه شده است. در این آتش سوزی غلامرضا قنبری دانشجوی مهندسی کامپیوتر کشته و چهار دانشجو نیز زخمی شده اند. بنابر گفته‌ها این دانشجو دارای معلولیت جسمی بوده و نتوانسته است از آتش سوزی جان سالم به در برد. در پی این حادثه دردناک دانشجویان دانشگاه آزاد ماهشهر دست به اعتصاب و تحصن زده و خواستار پاسخگویی مسئولین دانشگاه شدند.

توضیح وزیر اقتصاد ایران به مجلس درباره واگذاری مخابرات به سپاه

رادیوی بی بی سی بخش فارسی در تاریخ 4 خرداد 89 نوشت: وزیر اقتصاد ایران در پاسخ به یکی از نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس این کشور، علت رد صلاحیت شرکت‌های رقیب سپاه برای واگذاری سهام شرکت مخابرات را اعمال نظر "نهاد‌های امنیتی" اعلام کرد. شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد ایران روز سه‌شنبه ۴ خرداد (۲۵ مه) برای پاسخ به سوالات مصطفی کواکبیان، نماینده فراکسیون اقلیت مجلس ایران درباره نحوه واگذاری نیمی از سهام شرکت مخابرات ایران به شرکت‌های سپاه پاسداران در مجلس حاضر شد. در بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران، پنجاه درصد شرکت مخابرات ایران، به ارزش حدود هشت میلیارد دلار به چند شرکت وابسته به سپاه پاسداران فروخته شد. آقای کواکبیان از "عجله بسیار" در واگذاری سهام شرکت مخابرات انتقاد کرد و گفت که شرکت‌های برنده در واگذاری سهام مخابرات، "وابسته به بنیاد تعاون سپاه و ستاد اجرای فرمان امام" هستند. او افزود: "خود وزیر هم تصدیق می‌کند که مدیران این سه شرکت توسط سهامداران خصوصی تعیین نمی‌شود. پس این نوع واگذاری یک شرکت دولتی به یک شرکت دولتی دیگر و از این جیب به آن جیب است." او همچنین این پرسش را مطرح کرد که اگر واگذاری سهام مخابرات مشکل امنیتی دارد، اصلاً چرا این واگذاری انجام شده است؟ آقای حسینی در پاسخ به آقای کواکبیان با تأکید بر اینکه باید صلاحیت مالی، فنی و امنیتی شرکت‌های متقاضی خرید مخابرات تأیید می‌شود، گفت که به او به شکل کتبی و رسمی ابلاغ شده بود که لازم است مسائل امنیتی هم لحاظ شود و "صلاحیت امنیتی" شرکت تعاونی پیشگامان کویر یزد، شرکت رقیب خریدار سهام مخابرات توسط مقامات امنیتی تأیید نشده بود. به گفته او واگذاری شرکت مخابرات بر اساس جدول واگذاری شرکت‌های دولتی انجام گرفته است. او خطاب به نمایندگان مجلس گفت: "اگر مخالف خریداری بنگاه‌ها از سوی شرکت‌های عمومی غیر دولتی هستید قانونی تصویب کنید و شرکت‌های عمومی غیر دولتی را از خرید بنگاه‌ها منع کنید." آقای کواکبیان با اشاره به اظهارات وزیر اقتصاد، از سوالش صرف نظر کرد و اعلام کرد که نیازی به رای‌گیری نمی‌بیند. کنسرسیوم "توسعه اعتماد مبین" خریدار سهام شرکت مخابرات، از سه شرکت تشکیل شده است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری "توسعه اعتماد" و "شهریار مهستان" که از شرکت‌های زیر مجموعه بنیاد تعاون سپاه هستند و شرکت "گسترش الکترونیک مبین ایران" که از شرکت‌های زیر مجموعه "ستاد اجرایی فرمان امام"

است.

کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین در حالی توانست سهام شرکت مخابرات را از آن خود کند که ساعاتی پیش از انجام معامله گروه "پیشگامان کویر یزد" که رقیب این کنسرسیوم بود، به دلیل نداشتن "صلاحیت امنیتی" از سوی سازمان خصوصی سازی از رقابت کنار گذاشته شده بود. بنا بر تازه ترین آمار که شرکت مخابرات ایران منتشر کرده این شرکت هم اکنون نزدیک به ۲۵ میلیون مشترک تلفن ثابت و بیشتر از ۳۱ میلیون مشترک تلفن همراه دارد و برخی کارشناسان می گویند که این شرکت از جمله شرکت هایی است که سود تضمین شده ای دارد.

واگذاری ۱۰ میلیارد دلار پروژه نفتی به قرارگاه خاتم الانبیا بدون مناقصه

سایت جرس در تاریخ ۴ خرداد ۸۹ نوشت: مذاکرات وزارت نفت و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا برای نهایی کردن بیش از ۱۰ میلیارد دلار قرارداد طرحهای مختلفی همچون طرح توسعه سه فاز پارس جنوبی، ساخت خطوط انتقال نفت و گاز، توسعه پالایشگاه گاز ایلام و توسعه میدان بزرگ نفتی در حال انجام است. به گزارش مهر، معطل نگذاشتن طرحهای در دست اجرای صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به یکی از سیاستهای ماههای اخیر وزارت نفت تبدیل شده است و از این رو مسئولان صنعت نفت با در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی کشور، پروژه های مختلف را با اولویت قرار دادن مجموعه های داخلی یکی پس از دیگری واگذار می کنند.

بر اساس این سیاستهای جدید، مذاکرات وزارت نفت و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا برای نهایی کردن بیش از ۱۰ میلیارد دلار قرارداد طرحهای مختلفی همچون طرح توسعه سه فاز پارس جنوبی، ساخت خطوط انتقال نفت و گاز، توسعه پالایشگاه گاز ایلام و توسعه یک میدان بزرگ نفتی در حال انجام است.

امضای قرارداد سه فاز پارس جنوبی تا شهریور

پس از کنارگذاشتن ترکیه از طرح توسعه فازهای ۲۲ تا ۲۴ میدان مشترک پارس جنوبی، مذاکرات با قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا برای واگذاری قرارداد این سه فاز گازی مراحل پایانی خود را پشت سر می گذارد. از سوی دیگر اخیرا با موافقت نمایندگان ویژه رئیس دولت در امور نفت مجوزی برای برگزاری با روش ترک تشریفات مناقصه فازهای پارس جنوبی بدست آمده است که دست شرکت نفت را برای توسعه این میدان مشترک گازی باز گذاشته است.

در همین حال موسی سوری مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی پارس نیز با تایید واگذاری قرارداد فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی به قرارگاه خاتم الانبیا، گفته است: پیش بینی می کنیم تا شهریورماه امسال مذاکرات این سه فاز پارس جنوبی نهایی و عملیات اجرایی این مگا پروژه گازی آغاز شود. بر اساس برآوردهای جدید انجام گرفته در شرکت ملی نفت، ارزش تقریبی طرح توسعه فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار تعیین شده که در صورت توافق دو طرف برای اولین بار قرار است قرارداد این طرح گازی به روش EPPSC شامل طراحی، تدارک و تامین، ساخت و راه اندازی امضا شود. هدف از طرح توسعه فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ پارس جنوبی تولید روزانه ۴۰ میلیون متر مکعب گاز، ۵۷ هزار بشکه مایعات گازی، ۳۰۰ تن گوگرد و سالانه ۷۵۰ هزار تن اتان، ۸۰۰ هزار تن گاز مایع است.

جزئیات تفاهم نامه جدید شرکت گاز و قرارگاه خاتم الانبیا

به گزارش مهر، شرکت ملی گاز و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا هفته گذشته تفاهم نامه ای به ارزش تقریبی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برای ساخت قطعه سوم خط لوله ششم سراسری امضا کرده اند. در صورت توافق نهایی دو طرف، ساخت این خط لوله ۶۰۰ کیلومتری (اهواز تا دهگلان کردستان) که از آن به عنوان خط لوله صادرات گاز ایران به اروپا یاد می کنند همچون خط لوله صلح، توسط قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا انجام می شود.

تاکنون مسئولان شرکت گاز و قرارگاه خاتم الانبیا بر روی مسائل فنی اجرای این طرح گازی به روش EPCF به توافق رسیده اند اما هنوز مذاکرات دو طرف برای حصول توافق مالی نهایی نشده است.

تاکنون قطعات اول و دوم خط لوله ششم سراسری به طول تقریبی ۶۱۱ کیلومتر از عسلویه تا اهواز به پایان رسیده است، ضمن آنکه در مسیر قطعه سوم این خط لوله گاز ساخت ۷ تاسیسات تقویت فشار پیش بینی شده که با تکمیل ساخت آن امکان انتقال روزانه ۱۱۰ میلیون متر مکعب گاز پارس جنوبی به شمالغرب کشور فراهم خواهد شد.

طرح توسعه فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام هم از دیگر طرحهایی است که در شرایط فعلی مذاکرات شرکت گاز و قرارگاه خاتم الانبیا برای نهایی کردن قرارداد آن در حال انجام است.

ارزش تقریبی این پروژه گازی حدود ۱۲۰ میلیون دلار برآورد می شود که با اجرای آن ظرفیت تولید گاز پالایشگاه ایلام را به ۱۰ میلیون متر مکعب در روز افزایش می یابد.

گفته می شود قرار است بخشی از منابع مالی مورد نیاز ساخت فاز دوم پالایشگاه گاز ایلام و ادامه خط لوله ششم سراسری توسط بانک صادرات تامین شود.

پیش از این نیز ساخت خط لوله دهم سراسری (حداصل پتاهو پل کله) به طول ۱۷۵ کیلومتر، خط لوله دوم خرم آباد به طول ۱۶۹ کیلومتر، خط لوله طرح توسعه میدان گازی کیش به طول ۹۲ کیلومتر، خط لوله زیردریایی کیش به طول ۱۷ کیلومتر و ساخت دو ایستگاه تقویت فشار گاز در مسیر قطعه دوم خط لوله ششم به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار شده بود.

به گزارش مهر، طرح توسعه میدان نفتی سوسنگرد از دیگر پروژه هایی است که اخیرا تفاهم نامه آن بین شرکت ملی نفت و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا امضا شده است.

سلیبلی کریمی مدیرعامل شرکت نفت گاز اروندان هم با اشاره به امضای تفاهم نامه توسعه میدان سوسنگرد با خاتم الانبیا، ارزش این پروژه نفتی را حدود ۵۰۰ میلیون دلار اعلام کرده و گفته بود: تاکنون ارزیابی اولیه توسعه این میدان توسط خاتم الانبیا انجام شده اما یکی از شروط واگذاری طرح توسعه این میدان نفتی تامین منابع مالی آن است.

میدان سوسنگرد با در اختیار داشتن بیش از ۸,۸ میلیارد بشکه ذخیره نفت یکی از بزرگترین اکتشافات سالهای اخیر وزارت نفت بوده که پیش بینی می شود با توسعه آن حدود ۳۰ هزار بشکه به ظرفیت تولید نفت ایران اضافه شود.

خاتم الانبیا مشتری جدید خط لوله نکا ، جاسک

اسفند ماه سال گذشته شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی و قرارگاه خاتم الانبیا تفاهم نامه ای به ارزش تقریبی ۸۵۰ میلیون دلار برای ساخت سه خط لوله نفتی در مجموع به طول یک هزار و ۸۱۰ کیلومتر امضا کردند.

اما اخیرا این مجموعه برای ساخت خط لوله یک هزار و ۶۸۰ کیلومتری نفت نکا به بندر جاسک نیز مذاکراتی را با وزارت نفت آغاز کرده است.

ارزش تقریبی این پروژه نفتی نیز بیش از سه میلیارد دلار برآورد می شود که با اجرای آن امکان انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت از کشورهای حاشیه دریای خزر به خلیج فارس فراهم خواهد شد.

تعطیلی 45 مرکز پزشکی قانونی در کشور بدلیل کمبود بودجه

خبرگزاری مهر در تاریخ 4 خرداد 89 نوشت : معاون آموزش و پژوهش پزشکی قانونی کشور از تعطیلی 45 مرکز پزشکی قانونی به علت کمبود بودجه خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر در بنجورد، علی کاظمیان ظهر سه شنبه در مراسم تودیع و معارفه مدیر کل پزشکی قانونی خراسان شمالی موج تعطیلی سایر مراکز پزشکی قانونی های کشور را رو به افزایش اعلام کرد و افزود: دولت در این باره باید بودجه و امکانات لازم را به پزشکی قانونی های کشور سرازیر کند.

وی تصریح کرد: هم اکنون هیچ یک از پزشکان به علت مشکلات متعدد پزشکی قانونی قادر به همکاری نیستند. وی تشکیل پزشکی قانونی را در سطح کشور مهم ارزیابی کرد و اظهار داشت: از همان سال تاسیس تاکنون بودجه و امکاناتش افزایش نیافته و این مورد باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده ای شده است.

کاظمیان گفت: سالانه در مواردی همچون همسر آزاری، دعوا و ... افراد زیادی در سطح کشور قربانی می شوند که این مهم نیازمند یک ریشه یابی اجتماعی، فرهنگی و آسیب شناسی جدی است.

وی پزشکی قانونی کشور را نیازمند همدلی، همیاری و کمک مسئولان دانست و گفت: بی شک پزشکی قانونی با مساعدت مسئولان از وضعیت نامطلوب، تا حدی به وضعیت مطلوب دست می یابد.

وی بیان داشت: استاندارد سازی خدمات پزشکی و ارتقاء سطح پژوهش و آموزش از اهداف مهم پزشکی قانونی در سطح کشور است.

کاظمیان همچنین از مرکز تحقیقاتی پزشکی در کشور خبر داد و گفت: به زودی رشته های تحقیقاتی پزشکی در شهرستان بنجورد نیز فعال می شود.

معاون آموزش و پژوهش پزشکی قانونی کشور در خاتمه گفت: سالانه 12 میلیون پرونده به دادگستری های کشور ارجاع داده می شود که نیمی از آنها برای معاینه، کالبد شکافی و سایر موارد به پزشکی قانونی ارجاع داده می شود.

مدیرکل سابق پزشکی قانونی خراسان شمالی نیز در این مراسم به عملکرد پنج ساله خود اشاره کرد و گفت: تشکیل کمیسیونهای پزشکی با بیش از 40 پزشک، تأیید 95 درصد در بررسیهای پزشکان و ارائه به دادگستری، پاسخگویی به مراجعین در کمترین زمان، تأمین نیرو در کلیه ردههای مشخص اداری، خرید و تجهیز ساختمان پزشکی قانونی را از اهم فعالیت های خود ذکر کرد.

جواد سالاری در ادامه با اشاره به بحث آموزش و پژوهش در پزشکی قانونی خراسان شمالی اظهار داشت: این بخش با همکاری دانشگاهها با بیش از 40 دانشجو در رشته های مامایی اقدام می نماید.

در پایان این مراسم علی هادی زادگان به عنوان مدیر کل جدید پزشکی قانونی خراسان شمالی منصوب و از خدمات جواد سالاری تقدیر شد.

کانون عالی کارفرمایی به دنبال احیای شورای عالی تامین اجتماعی

به گزار ش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 89 آمده است : دبیرکل کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران از پیگیری های تشکل متبوعش برای جلوگیری از انحلال شورای عالی تامین اجتماعی خبر داد.

محمد عطاردیان در گفت وگو با ایلنا گفت: بدون شورای عالی تامین اجتماعی نمی توان این سازمان عریض و طویل بیمه ای را هدایت و بر آن نظارت کرد.

وی گفت: شنیده ایم در ساختار جدید قرار است هیات امنایی که در آن نه برای کارگران و نه برای کارفرمایان بخش خصوصی جایی منطقی در نظر گرفته شده است جایگزین شورای عالی شود.

این فعال بخش خصوصی با تأکید بر اینکه شرکای سه جانبه به ویژه کارفرمایان و کارگران که تامین کننده اصلی منابع سازمان تامین اجتماعی هستند باید به طور برابر بر نحوه اداره سازمان نظارت داشته باشند، گفت: در حال حاضر کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی سرگرم پیگیری این مساله است.

پایان پیام

یادداشت؛

گم شدن وحدت رویه در راهروهای وزارت کار

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 89 آمده است: نزدیک به پنج سال پیش انتخابات پنجمین دوره هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، تشکلی که اعضایش آن را فراگیرترین و مقتدرترین نهاد صنفی کارگران ایران می‌دانند در 24 آبان سال 84 و در محل خانه کارگرافهان برگزار شد اما نتیجه آن هیچگاه از سوی وزارت کار و امور اجتماعی دولت نهم به رسمیت شناخته نشد.

حضور پرویز احمدی پنجکبی، کارگر سابق کارخانه بافت آزادی و رییس وقت کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران به عنوان یکی از نامزدها اصلی‌ترین دلیلی بود تا سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار به عنوان ثبت‌کننده نتایج مجامع صنفی کارگری و کارفرمایی با این استدلال که برخی نامزدها پیش از برگزاری انتخابات بازنشسته شده‌اند و دیگر کارگر نیستند نتیجه انتخابات را باطل کند. اقدامی که در مقابل صف گسترده مخالفانش، موافقانی را در میان کارگران شورایی به ویژه هیات‌مدیره وقت کانون هماهنگی شورایی اسلامی کار استان تهران داشت.

مخالفان این اقدام وزارت کار وقت هرچه در جمع‌های خود استدلال کردند که حتی کارگر بازنشسته به شرط داشتن اعتبارنامه معتبر شورایی می‌تواند به عنوان نامزد در انتخابات هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار شرکت کند نه تنها نتیجه این انتخابات باطل اعلام شد که حتی در نهایت وزارت کار و امور اجتماعی با رای دستگاه قضایی، کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور را منحل اعلام کرد و تا برگزاری مجمع عمومی مجدد به مدت نزدیک به یک سال از ادامه فعالیت آن جلوگیری کرد.

هرچند با پایان ماجرای هفتمین انتخابات هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور تصور می‌شد که شرایط و حضور در هیات‌مدیره کانون عالی شورایی اسلامی کار بیش از پیش شفاف و روشن شده است اما به نظر می‌رسد که هنوز در خصوص رابطه شغلی و اعتبارنامه شورایی موارد ابهامی وجود داشته باشد و وزارت کار نیز نسبت به ادامه وحدت رویه‌ای که خود آغازگر آن بوده است اصرار چندانی ندارد.

با وجود قطعی شدن ترک کار حداقل دو عضو هیات‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور هنوز این اعضا در ترکیب هیات‌مدیره حضور دارند و تاکنون هیچ اقدامی برای جایگزینی آنها با اعضای علی‌البدل هیات‌مدیره صورت نگرفته است.

غفورعبیدی و ولی... صالحی در حالی بر کرسی‌های هیات‌مدیره هفتمین کانون عالی شوراهای اسلامی کار تکیه زده‌اند که به گفته اعضای همین کانون رابطه استخدامی این دو با محل کارشان قطع شده و آنها دیگر نمی‌توانند در ترکیب این شورا حضور داشته باشند چون با همین استدلال سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار و امور اجتماعی در 24 آبان سال 84 حاضر به ثبت نتیجه انتخابات مجمع کارگری نشد.

هرچند ولی‌الله صالحی به عنوان یکی از طرف‌های درگیر در پاسخ به ترک کار خود واکنش داده و مدعی است که هنوز روابطش به عنوان کارگر با کارخانه لاستیک البرز قطع نشده اما دیگر اعضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نظری غیر این دارند و می‌گویند با وجود یادآوری ماجرای 5 سال پیش به سازمان کارگری و کارفرمایی وزارت کار هنوز این سازمان برای ثبت تغییرات هیات‌مدیره اقدامی نکرده است.

پانید فاضلیان

پایان پیام

در جلسه بعد از ظهر مجلس انجام می‌شود؛

انتخاب اعضای هیات‌رئیس هیات تحقیق و تفحص از تامين اجتماعي

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 89 آمده است: برابر تصمیم متخذه در جلسه امروز کمیسیون اجتماعی مجلس، اعضای هیات‌رئیس هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و سازمان بازنشستگی کشور در جلسه بعد از ظهر این کمیسیون مشخص خواهند شد.

به گزارش ایلنا، آقایان موسوی مبارکه، نصرالله ترابی، علی زنجانی، هادی مقدسی، صمد فدایی، محمدمهدی پورفاطمی، علیرضا محجوب، داریوش قنبری، مهدی عیسی‌زاده، جواد صبور، مرادعلی منصور ری، محمدحسین فرهنگی، غلامرضا دهقان ناصرآبادی و موسی‌الرضا ثروتی متقاضی عضویت در هیات‌رئیس هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و سازمان بازنشستگی هستند.

پایان پیام

50 میلیون ایرانی گوشیهایی را در دست می‌گیرند که بیش از 90 درصد آن

قاچاقی وارد کشور می‌شود

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 5 خرداد 89 آمده است: فقدان استاندارد برای گوشیهای موبایل / 50 میلیون ایرانی در معرض خطر

50 میلیون ایرانی روزانه گوشیهایی را در دست می‌گیرند که بیش از 90 درصد آن به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود بنابراین هیچ اطمینانی از استاندارد بودن آنها وجود ندارد و کاربران نیز آنچنان که باید نسبت به عواقب ناگوار امواج و غیر استاندارد بودن این وسیله اطلاعی ندارند.

به گزارش خبرنگار مهر، سالانه اخبار بسیاری از جدی بودن خطر استفاده از گوشیهای غیراستاندارد و امواج مضر آن به گوش می‌رسد و حتی برخی اخبار از بروز مشکلات جسمی و روانی متعدد استفاده از گوشیهای همراه منتشر می‌شود.

مواردی از قبیل انفجار ناگهانی بر اثر داغ شدن باتری گوشی، افزایش دما و شکسته شدن شیشه گوشی حین مکالمه به همراه هشدارهای سازمان های بهداشت جهانی در مورد خطر و آسیب امواج ساطع شده از گوشیهای موبایل به حدی رسیده است که تلاش برای بررسی جدی بودن این خطرات در دنیا ادامه دارد و هم اینک نیز بسیاری از کمپانی های مطرح تولید گوشی برای بررسی این مقوله، تیمهای مطالعاتی خود را بکار گرفته اند.

به نظر می رسد در کشور ما نیز لزوم بررسی این امر احساس شده و مسئولان تلاش برای بررسی تشعشعات مضر گوشیهای وارداتی و اندک تولیدی در کشور را آغاز کرده اند.

هم اکنون سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی براساس مصوبه ای رعایت مقررات حدود تشعشعی (SAR) را برای واردکنندگان گوشی موبایل در سال جاری الزامی کرده و موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی نیز تاکنون چهار مورد استاندارد برای گوشیهای موبایل تدوین کرده است. همچنین آزمایشگاه سنجش استاندارد گوشی موبایل در مرکز تحقیقات صنایع انفورماتیک تاسیس شده تا تولید کنندگان داخلی گوشی تلفن همراه از طریق این مرکز استاندارد بودن گوشی تولیدی خود را در معرض آزمایش قرار دهند که به گفته مسئولان این مرکز این امر می تواند نقش موثری در ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی داشته باشد. همکاری برای کشف امواج مضر گوشی

محمد کرم پور رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی تاکید دارد که تاکنون گوشیهای موبایلی که تشعشعات آن مضر و غیر استاندارد باشند شناسایی و گزارش نشده است.

وی در گفتگو با خبرنگار مهر از همکاری با برخی سازمانهای مرتبط در بحث استانداردسازی تشعشعات الکترومغناطیسی خبر می دهد و می گوید: معاونت نظارت بر اعمال مقررات سازمان تنظیم مقررات با گروههای مطالعاتی در موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و سازمان انرژی اتمی، جلسات مشترک بسیاری داشته اند و برای نمونه سنجی استاندارد گوشی تلفن همراه وارداتی به کشور و نیز گوشیهای که داخل کشور تولید می شود به توافق رسیده اند.

کرم پور می گوید: مقوله استاندارد در اکثر گوشیهای تلفن همراه که از مبادی رسمی وارد کشور می شوند رعایت شده و تاکنون مواردی که مورد اشکال بسیاری بوده و ضرر کلانی در پی داشته باشد گزارش نشده است.

وی توضیح می دهد که گوشیهای که از مبادی رسمی کشور وارد می شوند در آزمایشگاههای تایید نمونه مورد تست و آزمایش از لحاظ تشعشعات مضر و دیگر موارد امنیتی برای سلامتی کاربران قرار می گیرد اما اگر این محموله ها از دیگر مبادی به غیر از گمرک وارد شود، مسئول آن سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی نیست.

این در شرایطی است که طبق آمارهای اعلام شده از سوی مسئولان بیش از 90 درصد گوشیهای موبایل به صورت قاچاق و غیرقانونی وارد کشور می شوند که با توجه به این اظهارات به طور قطع مورد ارزیابی استاندارد قرار نمی گیرد.

31 آزمایشگاه برای تست گوشیهای موبایل

رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی با بیان اینکه تاکنون هشت آزمایشگاه تایید نمونه کالاهای دیجیتال مانند تلفن همراه در دانشگاههای بزرگ کشور ایجاد شده است از راه اندازی 23 آزمایشگاه دیگر در ماههای نزدیک برای بررسی کامل تشعشعات گوشی های موبایل خبر می دهد.

وی با اشاره به مصوبه این سازمان مبنی بر الزام گوشیهای وارداتی به رعایت حدود مقررات تشعشعات SAR به مهر می گوید: علاوه بر سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی کشور و سازمان انرژی اتمی نیز دارای آزمایشگاه تایید نمونه استانداردهای گوشی هستند و این مصوبه به صورت مشترک در حال اجرا است.

گوشی در انتظار استاندارد اجباری

در همین حال مرتضی امامی معاون برنامه ریزی تدوین استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران از تدوین چهار استاندارد در حوزه گوشی موبایل خبر می دهد و به مهر می گوید: این استانداردها تدوین شده است اما تصمیم برای اینکه اجرای آن اجباری باشد یا اختیاری، زیرنظر شورایی عالی استاندارد خواهد بود. وی با تاکید بر اینکه پیشنهاد و تصمیمگیری در زمینه اجباری کردن استانداردهای تدوین شده باید از سوی مسئولان به شورایی عالی استاندارد ارائه شود می افزاید: استاندارد تدوین شده برای گوشیهای موبایل باید در دبیرخانه شورایی عالی استاندارد تصویب و ابلاغ شود اما بعید به نظر می رسد که گوشی موبایل مشمول استاندارد اجباری شود.

امامی با اشاره به تدوین استاندارد ملی برای برخی کالاهای مصرفی در کشور نیز می گوید: استاندارد ملی، کالا را به یک کد ملی مجهز می کند اما گوشی موبایل هنوز مشمول این استاندارد هم نشده است.

معاون برنامه ریزی تدوین استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران خاطرنشان می کند که استاندارد برخی اقلام خارجی و وارداتی مورد قبول موسسه استاندارد است اما بعضی استانداردها نیز توسط این موسسه تدوین می شود که به آن استاندارد ملی می گویند.

به گفته وی تاکنون 15 هزار استاندارد ملی برای اقلام مصرفی در کشور تدوین شده که حدود 600 کالا مشمول استاندارد اجباری هستند اما استاندارد تعریف شده برای گوشیهای موبایل تاکنون ملی و یا اجباری نبوده است. امامی اضافه می کند که تمامی اقلام کامپیوتر وارداتی و تولیدی در کشور بر مبنای استانداردهای بین المللی مشمول استاندارد اجباری هستند.

موبایل تهدیدی بر سلامت ایرانیان

کارشناسان معتقدند که نه تنها گوشیهای وارداتی بلکه کالاهای تولیدی نیز باید با استاندارد دنیا مطابقت داشته

باشند و اگرچه مسئولان تمامی سعی خود را به کار می بندند که هیچ گوشی بدون انجام عملیات کنترل کیفی مجوز عرضه دریافت نکنند اما نباید این نکته را فراموش کرد که اکثر گوشی هایی که هم اکنون در دست کاربران موبایل است به صورت غیرقانونی وارد کشور شده و هیچ نظارتی از لحاظ استاندارد بودن روی آن صورت نگرفته است.

به این دلیل زمانی این توجه مسئولان به سلامت کاربران موبایل در کشور ستودنی خواهد بود که به تمامی ابعاد ورود این کالای پرمصرف که تمامی اقشار جامعه به طور مستقیم با آن درگیر هستند توجه شده و لزوم نظارت بر این بخش احساس شود.

به هر ترتیب تشعشعات مغناطیسی سلامت ایرانیان را تهدید می کند و مسئولان بر محاصره انواع امواج مغناطیسی بر مردم جامعه هشدار می دهند اما به نظر می رسد تاکنون هیچگونه راه حل مفیدی برای درمان ماندن از این اثرات مخرب به کار گرفته نشده است. گزارش: معصومه بخشی پور

***کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری: منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران**

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران - متن نهایی
هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی و سرکوب و توحش در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نگذاشته است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری نباشیم. افزون بر این، کارگران به صورت گسترده در جنبش سیاسی جاری علیه جمهوری اسلامی که به دنبال انتخابات 22 خرداد 1388 آغاز شده است، فعالانه شرکت دارند.

با این همه و به رغم شرکت وسیع - هرچند پراکنده و نامتشکل - کارگران در جنبش جاری و با آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری و ضدسرمایه داری واحد گرد نیامده است. و یکی از مهم ترین علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی و سراسری واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای و ضدسرمایه داری طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح ابتدایی و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان سرمایه داری و دوم به این معنا که این مطالبات صرفا کف و حداقل خواسته های طبقه کارگر ایران را تشکیل می دهند. اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه و با چه رویکردی مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود درواقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما دیگری بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را برمیبنای آن تدوین کرده ایم. ما بر این باوریم که تحقق مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در گرو ارتقای این رویکرد خودانگیخته سرمایه ستیز به افق خودآگاهانه مبارزه متشکل و شورایی طبقه کارگر برای الغای کار مزدی است. از سوی دیگر، به نظر ما، طرح مطالبات پایه ای و مبارزه جنبش طبقه کارگر برای دستیابی به آن ها صرفا با هدف افزایش توان مادی و فکری کارگران برای جامه عمل پوشیدن به این افق انجام می گیرد.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- 1- جدایی کامل دین از حکومت به معنای سکولار(غیردینی) شدن کامل حکومت و درنظرگرفتن دین به عنوان امر خصوصی افراد

- 2- برخورداری بی قید و شرط تمام افراد جامعه از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، تشکل، اعتصاب، تجمع، تحصن، تظاهرات و راه پیمایی و نهادینه شدن تمام این آزادی ها

- 3- آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، ممنوعیت هرگونه شکنجه اعم از جسمی و روحی برای درهم شکستن و واداشتن متهمان به اعتراف علیه خود یا دیگری، و انحلال تمام نهادهای سرکوب

- 4- ایتناک تمام امور قضایی بر موازین حقوقی مدرن و سکولار، ممنوعیت تعمیم مفهوم جرم به فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی، انحلال دادگاه های ویژه، علنی بودن محاکمات با حضور هیئت منصفه، انتخاب آزادانه وکیل دلخواه و رایگان بودن امور دادرسی

- 5- الغای مجازات اعدام
- 6- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی در مورد زنان. برای تحقق این خواست باید :
- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط زن و مرد یا دختر و پسر ممنوع شود.
 - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن 18 سالگی ممنوع شود.
 - حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم سازی به رسمیت شناخته شود.
 - کار خانگی از میان برود، اما تا آن زمان به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل پرداخت شود.
 - با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت، زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
 - با ایجاد خانه های امن دارای امکانات مناسب همراه با آموزش و درمان و پرداخت مستمری کافی تا فراهم شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه مورد حمایت مادی، معنوی و قانونی قرار گیرند.
- 7- الغای کار کودکان و نوجوانان زیر 18 سال
- 8- به رسمیت شناسی حقوق تمام اقلیت های قومی ساکن ایران با هدف زمینه سازی برای رفع محرومیت آن ها در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- 9- برخورداری همه مردم از مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر درگرو آن است که:
- از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن مردم استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.
 - 10- بهداشت و دارو و درمان رایگان برای عموم مردم
 - 11- آموزش و پرورش رایگان عمومی در تمام سطوح
 - 12- حمل و نقل رایگان برای عموم مردم در سراسر جامعه
 - 13- مهد کودک رایگان برای تمام مردم
 - 14- مراقبت رایگان از همه سالمندان و معلولان و فراهم ساختن تمام تسهیلات لازم برای جلوگیری از انزوای آنان و استفاده هرچه بهتر از امکانات عمومی جامعه
 - 15- ایجاد امکانات رفاهی لازم مانند جاده، آب، برق، گاز، تلفن و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی در تمام روستاها
 - 16- تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی» و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران
 - 17- پرداخت حقوق ثابت ماهانه به تمام افراد زیر 18 سال از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند
 - 18- برخورداری تمام افراد جامعه از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، ازکارافتادگی و بیکاری. این حقوق نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
 - 19- الغای هر نوع قرارداد استخدام موقت
 - 20- برخورداری همه شاغلان در تمام مراکز کار و تولید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان
 - 21- پرداخت حقوق تمام شاغلان، بیکاران، بازنشستگان، ازکارافتادگان، زنان خانه دار و افراد زیر 18 سال قبل از پایان هر ماه

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
خرداد 1389

اطلاعیه ت. ژ. ت.

فراخوان روز 27 مه توسط سندیکاهای فرانسه (ت. ژ. ت.)، ت. اف. د. ت. (ت. اف. ت.)، اف. اس. او، سولیدر، (او. ان. اس. آ. برای اشتغال، افزایش مزد، بازنشستگی، خدمات عمومی موجب بسیج 1 میلیون نفر در 176 تظاهرات گردید .

امروز نه حالت تسلیم و رضا بلکه روحیه ای مبارزه جویانه پرقدرتی در شرکت ها و ادارات حاکم بود که در هزاران مورد توقف کار خود را نشان داد .

این روز نشان دهنده افزایش بالای بسیج کارگران و کارمندان نسبت به بسیج های متحدانه قبلی در روزهای 23 مارس و اول ماه مه بود . این امر اراده کارگران و کارمندان را در مخالفت با اقدامات حکومت در زمینه نظام بازنشستگی، که هدف مرکزی آن راضی کردن بازارهای مالی است، به اثبات رساند و به عکس پافشاری کارگران و کارمندان را برای ارج نهادن حقیقی به کار ثابت کرد .

این بسیج بهترین پاسخ به چالشی است که حکومت در زمینه تغییر نظام بازنشستگی به راه انداخته و در روزهای آینده در صدد رسمیت دادن به آن است. اگر حکومت اهمیت این بسیج را نادیده بگیرد یا بدان کم بها دهد خود را با خطر برخوردی پردامنه روبرو خواهد کرد.

حکومت باید کمتر به مدف [سندیکا کارفرمایان فرانسه] و سهامداران گوش کند تا سرانجام صدای کارگران را بشنود. کارفرمایان باید گشایش مذاکرات در باره مطالبات کارگران و کارمندان، به ویژه در مورد مزد و حقوق، اشتغال و شرائط کار را بپذیرند.

ارزیابی ت. ژ. ت. که موفقیت بسیج امروز باعث تقویتش شده، این است که اتحاد سندیکاها از سوی کارگران مجاز است که یک روز بسیج دیگر پیش از تعطیلات تابستانی اعلام کند. ت. ژ. ت. پیشنهاد خود در این مورد را در گردهمایی روز 31 مه به اطلاع خواهد رساند.

ت. ژ. ت. همه سازمان های خود را فرا می خواند تا بی درنگ به پخش درخواست ملی برای بازنشستگی ادامه دهند. هم اکنون این درخواست بازتاب بزرگی داشته است. روز 15 ژوئن این درخواست به حکومت داده خواهد شد.

مونتری 27 مه 2010

ترجمه: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

کودکان کار در ایران: ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک به طور مستقیم درگیر کار

سایت خودنویس در تاریخ 6 خرداد 89 می نویسد: در ایران مطابق آمارهای رسمی انتشار یافته سال 85 توسط مرکز آمار ایران، از مجموع 13 میلیون و 253 هزار کودک رده سنی 10 تا 18 سال کشور در سال 85، 3 میلیون و 600 هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و 670 هزار کودک به طور مستقیم درگیر کار بوده اند. حدود 80 درصد کودکان کار را، کودکان خیابانی تشکیل می دهند.

بسیاری کودکان را نخستین قربانیان نقض بشر به شکل های مختلف، در دنیا می دانند. گرچه بسیاری از مواردی که باعث نقض حقوق کودکان شده، به طور غیرمستقیم به آن ها مربوط می شود، اما پدیده جهانی «کودکان کار» از مسائلی است که به طور مستقیم با نقض حقوق کودکان مرتبط است.

براساس برخی آمار، حدود 200 میلیون کودک کار در دنیا وجود دارد که قسمت اعظم آن ها را دختران تشکیل می دهند. همچنین بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه 250 میلیون کودک 5 تا 14 ساله در جهان از کودکی محروم می شوند. طبق این آمار 120 میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام وقت هستند. 61 درصد این کودکان در آسیا، 32 درصد در آفریقا و 7 درصد در آمریکای لاتین زندگی می کنند. قاچاق انسان از راه های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده وار، روسپی گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت های کودکان قاچاق است.

دانش نامه ویکی پدیا کودکان کار را چنین معرفی می کند: «کودکان کار به کودکان کارگری گفته می شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می شوند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان های بین المللی فعالیتی استثمارگری تلقی می شود. کار کودکان بسیار معمول است و می تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی ترین شکل های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن فروشی کودکان است. موارد کمتر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می باشد.»

در ایران اما مطابق با آمارهای رسمی انتشار یافته سال 85 توسط مرکز آمار ایران، از مجموع 13 میلیون و 253 هزار کودک رده سنی 10 تا 18 سال کشور در سال 85، 3 میلیون و 600 هزار کودک، خارج از چرخه تحصیل و یک میلیون و 670 هزار کودک به طور مستقیم درگیر کار بوده اند. حدود 80 درصد کودکان کار را، کودکان خیابانی تشکیل می دهند.

این آمار، توسط برخی از فعالان حقوق کودک اما غیر واقعی ارزیابی می شود و آن ها آمار واقعی کودکان کار را بسیار بیشتر از آمار رسمی ارائه شده می دانند. بسیاری از فعالان حقوق کودک در ایران، علاوه بر فقر اقتصادی، نقص قوانین جمهوری اسلامی را نیز دلیل دیگری برای افزایش تعداد کودکان کار در ایران می دانند.

در حالی که ماده 79 قانون کار، اشتغال به کار افراد زیر 15 سال را ممنوع می کند، این قانون شامل تبصره ای است درباره کارهایی که ماهیت شان برای کودکان زیر هجده سال زیان آور است و همچنین شامل تبصره قانونی 188 که بنابر آن، افراد مشمول استخدام کشوری، کودکانی که برای دولت کار می کنند و کودکانی که در کارگاه های خصوصی خانوادگی به کار مشغولند، در دایره این قانون قرار نمی گیرند.

در عین حال اگر والدین يك کودک با کارفرمای او قرارداد ببندند، چون ولی کودک به شمار می آیند، حق واگذاری و اجازه دادن فرزند خود به صاحبان کارگاه های خصوصی را دارند ولی جدا از ممنوعیت کار کودکان که روی کاغذ قانون کار کودکان نوشته شده و در میثاق های جهانی به آن تاکید شده است، ما شاهد عمق پیشرفتگی پدیده کار خیابانی در ایران هستیم.

استان های خراسان، تهران، لرستان و کردستان، استان هایی هستند که به ترتیب بیشترین تعداد کودکان کار در آن ها وجود دارد.

بر طبق آمار رسمی، 90 درصد این کودکان دارای والدین هستند، 80 درصدشان مهاجرند که 42 درصد آنها از

روستاها و شهرهای دیگر کشور و ۲۸ درصد از کشورهای دیگر آمده‌اند و از نظر جنسیت نیز ۷۸ درصد آنها مذکر و در فاصله ۵ تا ۱۸ سالگی قرار دارند.

از مجموع ۲ میلیون کارگاه سطح استان تهران، تنها کارفرمایان ۵۰۰ هزار کارگاه حق بیمه می‌پردازند. خود این اظهارنظر نشان می‌دهد و یک و نیم میلیون کارگاه فقط در سطح استان تهران وجود دارند که وزارت کار نظارت و کنترلی بر آنها ندارند بنابراین بیشتر کودکان و نوجوانان کارگر زیر پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند. ضمن این که در ایران به دلیل غیرقانونی بودن کار کودکان و نیز اشتغال آنها در کارگاه‌ها که جزو مشاغل تعریف شده به حساب نمی‌آیند، این مساله به صورت پنهان وجود دارد. برخی آمارهای غیررسمی حکایت از آن دارد که کودکان کار به ازای روزانه ۱۲ ساعت کار، دستمزی معادل یک صد تا یک و پنجاه هزار تومان دریافت می‌کنند. علاوه بر تمام مواردی که نقض حقوق بنیادی کودکان است، بسیاری از این کودکان در محل کار خود و یا در خیابان‌ها، مورد آزار و سواستفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند.

در ایران چندین انجمن و جمعیت مختلف برای دفاع و حمایت از کودکان کار تشکیل شده است. برای نمونه می‌توان از «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» و همچنین «انجمن حمایت از کودکان کار» نام برد. لازم به ذکر است که نیروهای پلیس امنیت تهران در دوم آبان ۱۳۸۷ دفتر «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» را با حکم اداره اتباع خارجی پلمب کردند. سال قبل پلیس امنیت به این موسسه اخطار داده بود که مدت مجوز فعالیت موسسه باطل شده است و باید از پلیس امنیت مجوز گرفته شود. همچنین ایراداتی از جمله برگزاری کلاس‌های آموزشی مختلط و برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کودکان مهاجر بر انجمن گرفته بودند. غرفه این نهاد در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به دستور مدیر ستاد هماهنگی نمایشگاه، تخلیه شد و اعضای آن مجبور به خروج از نمایشگاه شدند.

مسمومیت وارداتی: پرونده برنج‌های آلوده جایی میان مجلس و دولت

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۶ خرداد ۸۹ آمده است: کابینه دهم مردادماه چیده شد و از یک ماه پس از آن شایعه آلودگی برنج‌های وارداتی با منشاء هند، مطرح شد. شایعه‌ای که تنها وزیر زن دولت به عنوان وزیر بهداشت اول مهرماه آن را قاطعانه رد کرد اما در همان روز مدیرکل استاندارد تهران اعلام کرد که این برنج‌های وارداتی آلوده است.

به گزارش ایلنا، ۱۰ روزی از مهرماه سال گذشته سپری شده بود که پای برنج‌های آلوده به مجلس باز شد. ابتدا حسینعلی شهبازی نایب رییس کمیسیون بهداشت از بررسی وضعیت این برنج‌ها در کمیسیون متبوعش خبر داد و به این ترتیب رییس سازمان استاندارد و مسئولان وزارت بهداشت به مجلس فراخوانده شدند. کمیسیون کشاورزی نیز همزمان بررسی وضعیت برنج‌های وارداتی را در دستور کار خود قرار داد و در شرایطی که مسئولان وزارتخانه‌های بازرگانی و بهداشت و کشاورزی برای تایید سلامت این برنج‌ها با یکدیگر رقابت می‌کردند، رییس این کمیسیون اعلام کرد که آلوده نبودن برنج‌های وارداتی برای مجلس مسجل نشده است. چرا که از یکسو وزارت بهداشت، در جلسات این کمیسیون اعلام کرده بود که هیچ‌گونه آزمایشی را بر روی آرسنیک قبل از اعلام موضوع آلودگی برنج‌های وارداتی انجام نمی‌داده و این‌که بدون آزمایش اعلام شود انواع برنج‌های وارداتی فاقد آرسنیک بوده است، جای سوال داشت و از سوی دیگر موسسه استاندارد هم رسماً در گزارشات مکتوب خود آلودگی را تایید کرده است. نهایتاً عباس رجایی پیشنهاد تشکیل کارگروهی متشکل از همه دستگاه‌های اجرایی را ارائه داد تا درباره موضوع آلودگی برنج‌های وارداتی تحقیق صورت گیرد. به این ترتیب مقرر شد تا صد نمونه برنج با مارک‌های مشخص از مبادی ورودی سراسر کشور جمع‌آوری شود و تحت آزمایش قرار گیرد. (البته بعداً مشخص شد که در گزارش‌های ارسالی از سوی رئیس سازمان استاندارد به جای ۱۰۰ نمونه برنج ۶۷ نمونه آزمایش شده و همچنین به جای نمونه‌گیری از سراسر کشور و انبارهای گمرکات، صرفاً برنج‌ها از بازار مولوی تهران خریداری و آزمایش شده است که این موضوع خلاف مصوبات کمیسیون کشاورزی بود).

تهیه گزارش نهایی کمیسیون کشاورزی مجلس درباره برنج‌های آلوده وارداتی دوماهی طول کشید تا این‌که بالاخره در ۲۰ آذرماه سال گذشته رییس کمیسیون کشاورزی با تاکید بر این که کمیسیون نه تنها از توضیحات مسئولان ذریبط قانع نشده، بلکه با ابهامات بیشتری روبرو شده، طی نامه‌ای به رییس مجلس از تناقضات در گزارش‌های ارائه شده از سوی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مسئول خبر داد و از لاریجانی در این باره کسب تکلیف کرد.

رئیس مجلس هم دستور داد تا گزارش رسمی این کمیسیون تهیه و جهت تنویر افکار عمومی از تریبون مجلس قرائت شود. این‌گونه بود که رجایی روز ۱۰ اسفندماه پشت تریبون علنی مجلس قرار گرفت و گزارش نهایی کمیسیون کشاورزی را قرائت کرد. گزارشی که آلوده بودن برنج‌های وارداتی و عدم همکاری دستگاه‌های اجرایی با مجلس را عیان می‌کرد. او در پایان این گزارش خواستار تشکیل هیاتی از سوی مجلس جهت رسیدگی قطعی در مبادی ورودی و بررسی وضعیت ورود کالاها شد و پیشنهاد داد تا گروه دیگری هم راساً به انجام آزمایشاتی در یک آزمایشگاه مستقل از دستگاه‌های اجرایی بپردازند و نهایتاً در صورتی که گزارشات صحت آلودگی به فلزات سنگین را تایید کرد، مراتب جهت رسیدگی بیشتر به قوه قضاییه ارجاع شود.

به این ترتیب پرونده برنج‌های آلوده در سال گذشته مخنومه نشد و ادامه بررسی آن به سال جاری موکول شد. این در حالی است که عباس زارع‌نژاد مشاور وزیر بهداشت در مورد گزارش مجلس از آلودگی برنج‌های وارداتی، گفت: این گزارش هیچ مستند علمی ندارد.

معرفی متخلفان به دستگاه قضایی

22 اردیبهشت ماه رییس کمیسیون کشاورزی مجلس، از تشکیل کمیته‌ای متشکل از 3 عضو این کمیسیون، نماینده وزارت بهداشت، موسسه استاندارد، گمرک و نماینده مرکز پژوهش‌های مجلس جهت تهیه طرح پیشنهادی برای ارسال پرونده برنج‌های آلوده به قوه قضاییه خبر داد. این کمیته یک هفته فرصت یافت تا تکلیف برنج‌های آلوده را هرچه سریعتر مشخص و جهت برخورد با متخلفان در واردات این برنج‌ها، آنها را به دستگاه قضا معرفی کند. این کمیته همچنین در نظر دارد تا اسامی برنج‌های آلوده به آرسنیک را اعلام عمومی کند. البته نسخه‌ای از پرونده برنج‌های آلوده به کمیسیون اصل نود مجلس نیز ارسال می‌شود تا این کمیسیون نیز به بررسی طرز کار دستگاه‌های مسئول در این زمینه و کوتاهی‌های صورت گرفته پرداخته و در کنار دستگاه قضا به شناسایی متخلفان بپردازد.

اگرچه هنوز سرنوشت کار این کمیته مشخص نشده است اما همچنان بررسی وضعیت برنج‌های آلوده در کمیسیون‌های تخصصی مجلس ادامه دارد. کما اینکه انوشیروان محسنی بندپی نایب رییس کمیسیون بهداشت 14 اردیبهشت ماه امسال از غیراستاندارد بودن 13 نوع برنج وارداتی به کشور به دلیل غیرمجاز بودن سطح سرب و آرسنیک آنها با حدود مجاز خبر داد. نتایج این آزمون مربوط به 62 مورد برنج وارداتی بوده که برای سنجش میزان فلزات سنگین موجود در آنها از استاندارد کشور چین استفاده شده است.

به گفته رضایی مخبر کمیسیون بهداشت نیز میزان سرب 8 نمونه از این برنج‌ها بالاتر از حد استاندارد و نرمال است و 5 نمونه نیز بیش از حد مجاز آرسنیک دارند.

مهدی صادق عضو کمیسیون صنایع نیز همچنان از مفتوح بودن پرونده این برنج‌ها در این کمیسیون خبر داد و گفت: مسئولان وزارت بهداشت نیز هیچ گاه آلوده نبودن برنج‌های وارداتی را تأیید نکرده‌اند، بلکه معتقدند استاندارد مشخصی برای تعیین میزان آرسنیک، سرب و فلزات موجود در برنج‌ها وجود ندارد. تمامی این تلاش‌ها در مجلس برای اثبات آلودگی برنج‌های وارداتی در حالی است که مسئولان اجرایی بی توجه به اقدامات مجلس همچنان راه خود را در پیش گرفته‌اند. کما این‌که به گفته معاون امور گمرک کشور، هیچ ممنوعیتی برای واردات برنج از سوی وزارت بازرگانی به گمرک ابلاغ نشده و هنوز این برنج‌های آلوده وارد می‌شوند.

عوارض استفاده از برنج‌های آلوده

متخصصان تغذیه هم ساز خود را در این میان کوک کرده و اعلام می‌کردند که آلودگی مواد غذایی به فلزات سنگین از جمله سرب، کادمیم، جیوه و آرسنیک که از راه کودهای فسفاته و لجن‌های فاضلابی وارد گیاه می‌شود و در ارگان‌های مختلف بدن به ویژه کلیه تجمع پیدا می‌کند و به نارسایی کلیه منجر می‌شود. آنها ضمن آن‌که آلودگی مواد غذایی به فلزات سرب و جیوه را عامل آسیب به سیستم عصبی اطفال و آلودگی به آلاینده کادمیم را عامل آسیب‌های کلیوی سالمندان می‌دانستند از کادمیم، سرب، مس و جیوه به عنوان فلزات سنگینی نام می‌برد که در دراز مدت سرطان را در افراد مصرف کننده ایجاد می‌کند که کوتاهی قد، تهوع و استفراغ، کم خونی، ضایعات پوستی، آسیب دیدن مو، ناخن و استخوان‌ها، مراکز عصبی، کبد، غدد و طحال هم از دیگر عوارض مسمومیت (حاد و مزمن) با سرب و کادمیم برشمرده شده است.

اگرچه براساس اعلام رسمی، استفاده از برنج‌های خارجی در کشور شمار مراجعه کنندگان به بخش مسمومین بیمارستان لقمان (مرکز ارجاعی مسمومیت‌ها در کشور) که مبتلایان به مسمومیت‌های حاد ناشی از فلزات سنگین را شامل می‌شوند، افزایش نداد و مرگی را هم به همراه نداشت؛ اما این موضوع را باید در نظر داشت که علائم مسمومیت مزمن در بازه زمانی طولانی تظاهر می‌کند و کارشناسان جهانی نیز بر سختی تخمین میزان شیوع بیماری‌های ناشی از غذا در جهان اذعان دارند.

شاید این کشف‌های تاسف‌بار که هزار چند گاهی در ایران و جهان نظیر گوشت‌های آلوده و ماجرای آلودگی شیرخشک‌های چینی که به همراه گزارش چندین مورد مرگ جنجال بزرگی در این کشور و حتی دیگر کشورهای دنیا بر پا و صنایع لبنی چین را با کابوسی به نام عدم مقبولیت در سطح جهان مواجه کرد، زنگ خطر را برای سازمان‌های مسوول مانند سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و وزارت بهداشت به صدا درآورد تا با تدابیر راهکارهای لازم و تقویت ابعاد نظارتی در تامین ایمنی غذایی، دیگر شاهد وقوع مسایل و حوادث مشابه نباشیم.

بحث ایمنی غذایی را قطعاً نمی‌توان به محصولات غذایی وارداتی محدود کرد بلکه بررسی ایمنی غذایی محصولات داخلی نیز ضرورتی انکار ناپذیر است که در این باره حسینعلی شهرباری، نایب رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس می‌گوید: اجبار فقط برای آزمایش‌های برنج‌های وارداتی وجود دارد در حالی که برنج‌های داخلی به هیچ وجه آزمایش نمی‌شود بنابراین از این پس تصمیم داریم استاندارد برنج‌های داخلی را هم بررسی کنیم.

جدای از ماجرای برنج‌های وارداتی که روز به روز بیشتر در بازار کشور قد می‌کشند، این موضوع را نباید فراموش کرد که به گفته مسوولان وزارت جهاد کشاورزی بنا بود طی همین سال‌ها در تولید محصول برنج به خودکفایی برسیم! خودکفایی‌ای که با این روند واردات محصول خارجی نه تنها محقق نخواهد شد بلکه همین محصول فعلی را هم از دست کشاورزان داخلی خواهد گرفت.

بازداشت دو تن از اعضای کانون صنفی معلمان ایران در یزد

خبرگزاری هرانا در تاریخ 6 خرداد می نویسد : در ادامه بازداشت فعالین صنفی معلمان، محمد علی شیرازی و محمد علی شاهی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان یزد نیز بازداشت شدند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، آقای شیرازی 2 خردادماه سال جاری ابتدا احضار، سپس همراه چند مامور به منزل آمده و با ضبط تعدادی از وسایل شخصی اش بازداشت شد.

محمد علی شاهی نیز چهارشنبه 5 خردادماه، به پلیس امنیت احضار و بازداشت شد. با بازداشت این دو تن، تعداد معلمان دربند به 10 تن رسید. علی اکبر باغانی، محمود بهشتی، رسول بدایقی، علی رضا هاشمی، اسماعیل عبیدی، هاشم خواستار، عبدالله مومنی، محمد داوری، و عبدالرضا قنبری (معلم محکوم به اعدام پاکدشت) و بهمن نصیر زاده، منجمه معلمان دربند اند. لازم به یادآوری است که فرزند کمانگر، معلم کامیارانی که 19 اردی بهشت ماه اعدام شد نیز عضو کانون صنفی معلمان کردستان بود.

محاكمه روزنامه نگار به خاطر تهیه گزارش از یک تظاهرات

ژیلا بنی یعقوب، روزنامه نگار و فعال حقوق زنان، نهم خرداد ماه در شعبه ۲۶ بی دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست پیرعباسی، محاکمه می شود. ژیلای بنی یعقوب سی ام خرداد سال گذشته و در جریان اعتراضات اخیر مردمی به همراه همسرش بهمن احمدی امویی، که او نیز روزنامه نگار است، در خانه اش دستگیر و پس از دو ماه با قرار وثیقه آزاد شد. به گزارش سایت تا آزادی روزنامه نگاران زندانی، اتهام بنی یعقوب، "اقدام تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی" است و مصادیق این اتهام، فعالیت های روزنامه نگاری وی بویژه تهیه گزارش از تظاهرات اعتراضی مردم درنخستین روزهای پس از انتخابات ۲۲ خردادماه سال گذشته عنوان شده است. در ادامه این گزارش آمده است: تهیه گزارش از زنجیره انسانی حامیان پوش میرحسین موسوی، از میدان تجریش در شمال تهران، تا میدان راه آهن در جنوب شهر، در هجدهم خرداد و همچنین نوشتن مقالاتی درباره مبارزات انتخاباتی هواداران کاندیداها از جمله بحث و گفت و گوهای مردم در خیابان های تهران در روزها و شب های قبل از انتخابات نیز از دیگر مصادیق فعالیت تبلیغی وی علیه نظام جمهوری اسلامی ذکر شده است.

فعال شناخته شده زن آذربایجانی دستگیر شد

مدرسه فمینیستی : حمیده فرج زاده (پینار) فعال شناخته شده زن آذربایجانی امروز چهارم خرداد 1389 در ارومیه بازداشت شد. به گزارش سانا از ارومیه ماموران اداره اطلاعات این شهر این مدافع حقوق زنان آذربایجان را هنگام خروج از خانه ساعت 11:45 بازداشت و منزل پدری ایشان مورد تفتیش قرار گرفت. در جستجوی خانه که تا ساعت 2:30 ادامه داشت، تمام کتابها، سی دی ها و هر کاغذی که روی آن چیزی به زبان ترکی نوشته شده بود را با خود بردند.

خواهر کوچک ایشان (آیسان) وقتی که دفتر خاطرات خود را در بین وسایل ضبط شده می بیند، در پاسخ به اعتراض خود این جواب را میگیرد که " همه چیز از خاطره نوشتن به زبان ترکی شروع می شود". در حین بازرسی خانه که توسط چهار مامور اطلاعاتی انجام می شد ماموران خانم فرج زاده را به خیانت به دولت و ملت محکوم میکردند.

ماموران اطلاعاتی گفته اند که خانم فرج زاده به تبریز منتقل خواهد شد و زودتر از یک هفته آزاد نخواهد شد. لازم به ذکر است که ماموران هنگام ورود به خانه مجوز نشان ندادند، اما بعدا در حین جستجوی منزل یکی را ماموران که مجوز در دست داشته به آنها اضافه شده است. حمیده فرج زاده فارغ التحصیل از دانشگاه علوم پزشکی ایران، فعال سابق دانشجویی و از فعالان شناخته شده زن هم در عرصه حقوق ملی و هم در عرصه حقوق زنان می باشد.

۱۰. میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق، ۲۰ میلیون زیر خط فقر نسبی

سایت کلمه می نویسد : استاد دانشگاه تربیت مدرس که هم اکنون ریاست مرکز آمار ایران را بر عهده دارد، با بیان اینکه اقتصاد کشور ما متأثر از مشکلات فراوانی است و این مشکلات از دیرباز کشور ما را تهدید می کند، معتقد است: اگر چه کشور از لحاظ امکانات سخت افزاری، نرم افزاری، منابع فیزیکی، مادی و خدادادی وضعیت بسیار مناسبی دارد، اما موقعیت اقتصادی آن خوشایند نیست. حال آن که برخی کشورها که از لحاظ بهره مندی از امکانات بالقوه همتر از ما هستند، جایگاه اقتصادی بهتری دارند.

به گزارش ایسنا، عادل آذر با اشاره به این که اگر ایران از لحاظ بهره مندی از منابع طبیعی نظیر نفت، گاز و منابع زیر زمینی با کشوری مثل ژاپن مقایسه شود، به این نکته پی خواهیم برد که کشور ما وضعیت بسیار مناسبی دارد، حال آن که کشورهای نظیر ژاپن، کره جنوبی و ترکیه جایگاه اقتصادی بهتری دارند، می گوید: متأسفانه رتبه اقتصاد ایران در جهان بالای یک صد است و از نظر رفاه اقتصاد میان کشورها جایگاه هفتاد و پنجم را دارد؛ ضمن این که نرخ تورم ایران دو رقمی است. این مشکلات البته دلایل متعددی دارد که بخشی از آن مربوط به سابقه تاریخی است و به مشکلات حکومتی به ویژه در صد سال اخیر برمی گردد.

او با اظهار این عقیده که حکومت های گذشته نتوانستند از استعدادهای بالقوه کشور به خوبی استفاده کنند و جریان نخبه کشی که از دوره قاجار آغاز شد و تا دوران پهلوی نیز ادامه داشت و بزرگانی نظیر امیر کبیر را به نابودی سپرد، به این عقب ماندگی ها دامن زد، معتقد است: بعد از انقلاب امید می رفت با حکمفرما شدن مدیریت اقتصاد مدرن، بسیاری از این مشکلات حل شود، اما متأسفانه بحران هایی مثل تحریم اقتصادی از جانب آمریکا و نیز جنگ تحمیلی هشت ساله، وضعیت اقتصادی ایران را نابسامان کرد.

وی می افزاید: در حال حاضر برخی از مشکلات تا حدودی برطرف شده اند. پس از جنگ و بعد از کسب استقلال سیاسی، کشور به ثبات مدیریتی خوبی رسید، به گونه ای که بسیاری از عقب ماندگی های اقتصادی جبران شد. از جمله کارهایی که در زمینه برطرف شدن این عقب ماندگی ها صورت گرفته است، ابلاغ فعالیت های اصل

۴۴ قانون اساسی لایحه اجرای سیاست‌های کلی این اصل، قانون برنامه‌های پنج ساله و نیز تدوین چشم‌انداز بیست ساله است که با تحقق این‌ها، بسیاری از مشکلات اقتصادی حل می‌شود.

آذر با تاکید بر این که بزرگترین مشکل در راستای تحقق این اهداف، توجه نداشتن به بحث بهره‌وری است، می‌گوید: بهره‌وری به معنی استفاده از نرم‌افزارها به جای سخت‌افزارها است؛ به این معنی که به جای استفاده از نفت، از علم و دانش و منابع فیزیکی استفاده شود. در ایران، نهضت بهره‌وری مورد بی توجهی واقع شده است. بهره‌وری در حقیقت استفاده درست از مغزافزارهاست. در ژاپن ۸۷ درصد رشد تولید ناخالص داخلی (GPD) از طریق مغزافزارها و فقط ۱۲ درصد آن از طریق منابع فیزیکی به دست می‌آید، حال آن که در ایران حدود ۷۸ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی مربوط به منابع فیزیکی است.

او ادامه می‌دهد: به جای این که نفت که یک دارایی بین نسلی است، فروخته شود و درآمد آن برای ایجاد ارزش افزوده، تولید و ثروت استفاده شود، این درآمد صرف هزینه‌های جاری شده است. به همین دلیل ۷۸ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، حاصل فروش منابع داخلی به ویژه نفت و فقط ۲۲ درصد مربوط به منابع دیگر به ویژه علم و دانش است و این فاجعه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر است. توجه نکردن به بحث بهره‌وری و کارایی سبب شده که در بودجه‌های سالانه، از هر صد واحد پولی که صرف طرح‌های عمرانی می‌شود، فقط ۵۵ واحد آن تبدیل به کار خروجی شود و ۴۵ واحد دیگر آن ناکارآمد باقی بماند و این به معنای ضایع شدن پول است.

رئیس کنونی مرکز آمار ایران می‌گوید: برای نمونه در سال ۱۳۸۷ بودجه عمرانی، ۲۴ هزار میلیارد تومان بود. حال آن که به دلیل مدیریت نادرست و عدم کارایی، قسمت زیادی از این بودجه ضایع می‌شود. این‌ها بزرگترین آسیب‌هایی است که اقتصاد کشور را تهدید می‌کنند. امروزه به دلیل مشکل بیکاری، تورم و نیز عدم کنترل نقدینگی با وجود منابع عظیمی که در کشور وجود دارد، بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ما زیر خط فقر مطلق و بیش از ۳۰ میلیون نفر آن‌ها زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند.

استاد دانشگاه تربیت مدرس در ادامه به موضوع بودجه‌ریزی نیز اشاره کرده و با بیان این که مهمترین تجربه‌اش در حوزه‌های تحقیقاتی و اقتصادی مربوط به به مساله بودجه ریزی این است که سیستم بودجه‌ریزی ایران، هیچ نوع هم خوانی با نظام بودجه‌ریزی علمی رایج در دنیا ندارد، می‌گوید: البته تلاش‌هایی صورت گرفته است که مسیر بودجه‌ریزی هدایت شود و ساختاری علمی پیدا کند. نظام‌های بودجه‌ریزی مختلفی چون بودجه‌ریزی بر مبنای صفر، بودجه‌ریزی طرح و برنامه و بودجه‌ریزی عملیاتی در دنیا وجود دارند، ولی سیستم بودجه‌ریزی ایران که در قالب لایحه به مجلس می‌آید و مجلس بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کند، با هیچ یک از این نظام‌ها سازگار نیست و ساختاری ویژه دارد که در چارچوب هیچ یک از این نظام‌ها قرار نمی‌گیرد، لذا من تمام نقدها، بحث‌ها و تحقیقاتم را به سمتی هدایت کردم که نظام بودجه‌ریزی، علمی شود و با یکی از این نظام‌ها منطبق شود.

او می‌گوید: اگر بودجه‌ریزی، عملیاتی شود، به وسیله همین ساختار و نظام بودجه ریزی می‌توان در حوزه هزینه‌ها، خواه هزینه عمومی و جاری و خواه هزینه عمرانی، حدود ۳۰ تا ۲۵ درصد صرفه‌جویی کرد و این مقدار صرفه‌جویی در بودجه ۷۱ هزار میلیارد تومانی، مقداری قابل توجه است و بسیاری از کشورهای دنیا این امر را تجربه کرده‌اند.

این گفتار از جلد اول مجموعه "مشاهیر اقتصاد ایران" که به تازگی رونمایی شد، برگرفته شده است. زمان انجام گفت‌وگو آذر با این کتاب پیش از تصدی مرکز آمار از سوی وی است.

دبیراجرایی خانه کارگرو شهر اعلام کرد: بیکاری 52 هزار کارگر در عسلویه

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 89 آمده است: يك فعال کارگري با انتقاد شديد از تعامل جامعه کارگري با زیرمجموعه‌های وزارت کار گفت: امروز رابطه جامعه کارگري با سازمان‌های کار تاریک است و هزینه این رابطه تاریک را کارگران می‌پردازند.

عیسی‌کمالی در گفت‌وگو با ایلنا با انتقاد از کم‌لطفی‌های مسئولان نسبت به کارگران گفت: در طول چهار سال گذشته هرکس که سعی کرده برای جامعه کارگري قدمی بردارد مورد بی‌مهری قرار گرفته و این بی‌مهری به حدی شدت گرفته که از چرخه فعالیت‌های صنفی خارج شده است.

وی از مکاتبات سازمان کار با واحدهای دولتی و حتی بخش خصوصی خبر داد و گفت: طی نامه‌های ارسالی از کارفرمایان درخواست شده که از برقراری ارتباط با خانه کارگر خودداری شود و تاکید شده هر گونه ارتباط بنگاه‌های اقتصادی با خانه کارگر به زیان کارفرمایان منجر می‌شود.

وی از تضييع حقوق کارگران خبر داد و گفت: در این شرایط که بارها حقوق کارگران در مراجع تصمیم‌گیری تضييع شده است جامعه کارگري هیچ امیدی به مراجعه به دادگاه‌های روابط کار ندارد.

کمالی با تاکید بر اینکه در حال حاضر نمایندگان کارگر تحت فشار هستند گفت: جای تاسف دارد که نماینده شرکت‌های پیمانکاری و خدماتی به عنوان نماینده کارگر معرفی می‌شوند و همین امر باعث شده تا کارگران معترض اعتمادی به مراجع قانون‌گذاری عرصه روابط کار نداشته باشند.

وی با اعلام اینکه لازم است مقایسه‌ای بین استیفاي حقوق کارگران در امروز و پنج سال قبل صورت گیرد، گفت: اگر بررسی کنیم که پنج سال قبل چند درصد کارگران معترض می‌توانستند با مراجعه به ادارات کار حقوق، مزایا و سنواتشان را بگیرند متوجه خواهیم شد که امروزه درصد دریافت مطالبات کارگران به شدت کاهش یافته و اکثر آرای ادارات کار به نفع کارفرمایان صادر می‌شود و از آنجا که در نهایت کارگر معترض مزایای خود را دریافت نمی‌کند و اخراج می‌شود خودش را به دردسر نمی‌اندازد و از مراجعه به اداره کار خودداری می‌کند.

دبیراجرایی خانه کارگر بوشهر از رشد میزان بیکاری در این استان خبر داد و گفت: استان بوشهر صنایع بزرگ و تاثیرگذاری ندارد و تنها مرکزی که می‌توانست بیکاری استان را کاهش دهد منطقه عسلویه بود که آن هم با

بحران بیکاری و تعطیلی واحدهای این منطقه روبرو شده است. وی با اعلام اینکه در گذشته 60 هزار نفر در منطقه عسلویه کار می‌کردند که در حال حاضر هشت هزار نفر در عسلویه کار می‌کنند، گفت: طی چهار سال گذشته 52 هزار کارگر در این منطقه شغل خود را از دست داده‌اند و این در حالی است که دولت همچنان ادعا دارد پروژه‌های متعددی در حال راه‌اندازی در این منطقه است. دبیراجرایی خانه کارگر بوشهر با اعلام اینکه پس از آغاز مدیریت محمد جهرمی بر وزارت کار تغییرات نامناسبی بر عسلویه اعمال شد، گفت: جهرمی در بازدید از عسلویه این منطقه را منطقه آزاد تجاری اعلام کرد تا قانون کار در این منطقه اعمال نشود. وی با اعلام اینکه جهرمی گمان می‌کرد با حذف قانون کار از منطقه عسلویه اشتغالزایی بالا می‌رود، گفت: تعدیل نیروهای گسترده و تعطیلی واحدهای عسلویه ثابت کرد که سیاست‌های غلط دولت باعث بحران عسلویه شده و قانون کار در اشتغالزایی تأثیری ندارد. کمالی با اعلام اینکه در عسلویه شاهد راه‌بندان‌های طولانی بودیم، گفت: امروزه عسلویه به حدی دچار رکود شده که می‌تواند با سرعت 100 کیلومتر رانندگی کنی و در غذاخوری‌هایی که روزگاری مجبور بودی یک ساعت سر پا بایستی تا یک میز خالی شود امروزه پرندۀ پر نمی‌زند. وی مشاغل منطقه عسلویه را در حوزه نفت و گاز تعریف کرد و گفت: این شرکت‌ها به حدی فعال بود که علاوه بر نیروهای بومی، کارگران غیربومی نیز به عسلویه هجوم می‌آوردند. اما امروزه عسلویه به غده‌ای غیرمفید در استان بوشهر تبدیل شده است. کمالی با یادآوری اینکه وزارت کار دولت نهم در اقدامی نمایشی، جشن اشتغال در عسلویه برگزار کرد، گفت: امروزه باید ماتم رکود، تعطیلی، بحران، اخراج و بیکاری را در عسلویه برگزار کنیم. وی با اعلام اینکه در سفر استانی احمدی‌نژاد به بوشهر، مصوب شد که 50 درصد کارگران عسلویه بومی باشد، گفت: نه تنها این وعده دولت محقق نشد بلکه همان درصد کارگران بوشهر نیز اخراج شده‌اند. وی با تأکید بر اینکه عسلویه می‌توانست در کنار مشاغل موجود نیروی کار متخصصی تربیت کند، گفت: به دلیل ناهماهنگی سازمان آموزش فنی حرفه‌ای با فرصت‌های شغلی موجود، آموزش صورت نگرفت و نتوانستیم کارگر ماهر تربیت کنیم. دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر با اعلام اینکه امروز بیش از ابزارکار در کارگاه‌های عسلویه مواد مخدر یافت می‌شود، گفت: می‌توانستیم با آموزش، هدف‌گذاری درست و مدیریت مناسب کارگرانی متعهد و متخصصی تربیت کنیم اما نه تنها این مهم محقق نشد بلکه آنچه چهره منفی از کارگر ایرانی ترسیم شد که اگر نیروهای خارجی این موارد را در کشور خودشان مطرح کنند جای تأسف خواهد بود.

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس درگفت‌وگو با ایلنا: احتمال استیضاح وزیررفاه و تأمین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 89 آمده است: سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در جلسه چهارشنبه این کمیسیون 15 نفر به عنوان اعضای هیأت تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شدند. جواد زمانی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: طبق آیین نامه مربوطه اعضای هیأت تحقیق و تفحص باید حداقل 11 نفر و حداکثر 15 نفر باشند که با توجه به گستردگی سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی 15 نفر به عنوان اعضای این هیأت انتخاب شدند. نماینده‌کنگاور درمجلس تصریح کرد: اعضای هیأت رئیسه هیأت تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی در جلسه هفته آینده مجلس انتخاب خواهند شد. او با بیان اینکه مجلس شش ماه فرصت دارد تا موضوع را بررسی کند، گفت: گزارش کار نمایندگان در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد و اگر مجرمی هم وجود داشته باشد به قوه قضائیه معرفی می‌شود. زمانی با اشاره به نبود شفافیت مالی در شستا گفت: اگر نمایندگان به این نتیجه برسند که گزارش هیأت تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی فاقد کارایی لازم خواهد بود احتمال استیضاح وزیر رفاه و تأمین اجتماعی هم دور از ذهن نخواهد بود.

پایان پیام شرکت فولاد گیلان

این شرکت در شهر صنعتی رشت واقع است. کارخانه وابسته به بخش خصوصی است. سهامداران عمده آن آقازاده های خاندان هاشمی رفسنجانی هستند. فردی به نام دانیال زاده از سهامداران و مدیر عامل این شرکت است. از فعالیت این کارخانه بیش از ۵ سال می‌گذرد. در این شرکت جمعاً حدود ۱۲۰۰ کارگر با قرارداد موقت مشغول به کار هستند. قسمت تولید کارخانه شامل دو قسمت تولید فولاد گرم با حدود ۵۵۰ کارگر و فولاد سرد با حدود ۴۵۰ کارگر است. بقیه کارکنان شامل پرسنل اداری و نگهبانی و راننده های تریلر و کارگران خدماتی می‌شود. محصول شرکت، ورق فولادی است. مواد خام آن از کشورهای روسیه و اوکراین وارد شده در گمرک انزلی تخلیه و توسط تریلی های شرکت بارگیری و به کارخانه حمل می‌گردد. ورق های فولادی پس از نورد سرد و گرم توسط تریلرهای شرکت بیشتر به کارخانه های شهر صنعتی ساهه حمل می‌شود. پایه حقوق کارگران مصوبه اداره کار است. کارخانه در سه شیفت کاری فعال است. از غذاخوری کسانی می‌توانند برای صرف شام و نهار استفاده کنند که

حتماً در آن روز اضافه کاری کرده باشند. کارخانه فاقد هرگونه تشکل کارگری است. قراردادهای کارگران یکساله است و کارگران با کوچک ترین اعتراض نسبت به شرایط کار و دستمزد توسط کارفرما، دانیال زاده ضدکارگر، به سرعت اخراج می گردند.

کشته شدن کارگر اداره برق بر اثر برق گرفتگی

رابر (در استان کرمان) - احمد افضلی کارگر اداره برق که ۲۶ سال سابقه کار در این اداره را داشت بر اثر برق گرفتگی کشته شد. احمد افضلی چند روز قبل هنگام وصل کردن برق به یک دکل مخابرات دچار برق گرفتگی شدید شد و درمحل حادثه جان باخت. (منبع: روزنامه اطلاعات) ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

شرکت کارگران سبز زیور در مراسم سوم علی خوشبخت

در عصر روز پنج شنبه ۸۹/۲/۳۰ - یک روز پس از خاک سپاری علی خوشبخت - کارگری که بر اثر سقوط از روی ماشین حمل زباله کشته شد - کارگران شهرداری منطقه یک تحت پوشش شرکت سبز زیور در مراسم وی شرکت کردند و با خانواده وی اظهار همدردی نمودند. از نکات قابل توجه این که جمشیدی ضدکارگر، کارفرمای شرکت سبز زیور، حاضر نشد مینی بوس جهت ایاب و ذهاب کارگران شرکت کننده در مراسم در اختیار آن ها قرار دهد و کارگران در پشت و انتهای وانت نیشان شهرداری سر پا ایستاده و در گورستان محل دفن پیاده شدند و ضمن تسلیت به خانواده کارگر جان باخته دسته گلی با نام شرکت سبز زیور بر روی قبر وی نهادند. در میان زمزمه های کارگران رسیدگی به وضعیت و علت حادثه به گوش می رسید. کارگران همچنین آزادی راننده نیشان را خواستار بودند که به دنبال شکایت کارفرمای شرکت دستگیر شده بود و شایع بود جمشیدی ضدکارگر گفته وی پس از آزادی از زندان باید برای تنبیه به رفتگری بپردازد. در حالی که از نظر کارگران، راننده مقصر نیست و مقصر اصلی جمشیدی است. کارگران همچنین خواستار تحت پوشش قرار گرفتن تعاونی شهرداری رشت مانند دو منطقه ۲ و ۳ و نیز خواستار دریافت اضافه کاری عقب مانده ۴ ماه خویش معادل ۸۰۰ هزار تومان هستند.

فعالان ضدسرمایه داری گیلان - خرداد ۱۳۸۹

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

www.hamaahangi.net

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس درگفت وگو با ایلنا:

احتمال استیضاح وزیررفاه و تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری کارایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 89 آمده است: سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در جلسه چهارشنبه این کمیسیون 15 نفر به عنوان اعضای هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی انتخاب شدند.

جواد زمانی درگفت وگو با خبرنگار ایلنا افزود: طبق آیین نامه مربوطه اعضای هیات تحقیق و تفحص باید حداقل 11 نفر و حداکثر 15 نفر باشند که با توجه به گستردگی سازمان تامین اجتماعی و سازمان بازنشستگی 15 نفر به عنوان اعضای این هیات انتخاب شدند.

نماینده کنگاور درمجلس تصریح کرد: اعضای هیات رئیسه هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی در جلسه هفته آینده مجلس انتخاب خواهند شد.

او با بیان اینکه مجلس شش ماه فرصت دارد تا موضوع را بررسی کند، گفت: گزارش کار نمایندگان در صحن علنی مجلس قرائت خواهد شد و اگر مجرمی هم وجود داشته باشد به قوه قضائیه معرفی می شود.

زمانی با اشاره به نبود شفافیت مالی در شستا گفت: اگر نمایندگان به این نتیجه برسند که گزارش هیات تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و سازمان بازنشستگی فاقد کارایی لازم خواهد بود احتمال استیضاح وزیر رفاه و تامین اجتماعی هم دور از ذهن نخواهد بود.

پایان پیام

مدیرکل کار و امور اجتماعی استان قم:

میانگین نرخ بیکاری در قم از میانگین کشوری کمتر است

به گزارش خبرگزاری کارایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 89 آمده است: مدیرکل کار و امور اجتماعی استان قم میانگین نرخ بیکاری در استان را پایین تر از میانگین کشوری آن توصیف کرد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی، حسن رحمانی افزود: درحال حاضر میانگین نرخ بیکاری در قم ۶/۹ و در کشور ۲/۱۱ در صد است.

وی با اشاره به روند فعالیتهای اشتغالزایی این اداره کل تصریح کرد: اقدامات مثبتی در این زمینه در حال انجام است تا شرایط و امکانات لازم برای رساندن این نرخ به حد مطلوب فراهم شود.

مدیرکل کار و امور اجتماعی استان قم با بیان اینکه سهم استان قم در تولید اشتغال در سال جدیدی و بر اساس مصوبه شورای عالی کار ۱۵ هزار شغل است، اظهار داشت: با تشکیل جلسات تخصصی، کلیه زوایای اجرای این طرح مورد ارزیابی کارشناسانه قرار گرفته است که طبق نتایج حاصله باید به تولید این تعداد شغل در استان قم نگاه خوشبینانه داشت.

وی افزود: برای این کار تا کنون اعتباری ابلاغ نشده است اما هر سازمان در این استان با توجه به ظرفیتهای خود بدون هیچ شرطی باید به تولید شغل اقدام کند.

پایان پیام

بدون شرح

وزیر کار و امور اجتماعی در گفت‌وگو با ایلنا: از فعالیت همه تشکلهای استقبال می‌کنیم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۷ خرداد ۸۹ آمده است: وزیر کار و امور اجتماعی گفت: در صورتی که مشکل قانونی وجود نداشته باشد، وزارت کار و امور اجتماعی هیچ مانعی برای شروع یا ادامه فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ندارد.

عبدالرضا شیخ الاسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره برنامه وزارت کار برای حمایت از فعالیتهای تشکلهای صنفی اظهار داشت: همان‌گونه که در چند ماه گذشته به خوبی نشان دادیم، همه می‌دانند که ما بهترین رابطه را با تشکلهای کارگری و کارفرمایی داریم و این حسن نظر و برخورد کاملاً مثبت و همراهی و همدلی با تشکلهای کارگری و کارفرمایی کاملاً مشهود است.

وی افزود: ما از این ثمرات و آثار این ارتباط مثبت بهره‌های فراوان بردیم و این کار را به عنوان یک فرصت برای خود می‌دانیم؛ به همین جهت درصددیم که تا جایی که میسر است ارتباط با تشکلهای کارگری و کارفرمایی را افزایش دهیم.

شیخ الاسلامی با بیان اینکه وزارت کار با این سیاست حداکثر میزان مشارکت را از این شرکای اجتماعی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارد، خاطر نشان کرد: البته به صورت دستوری نمی‌توانیم در جایی تشکل ایجاد کنیم، زیرا تشکل خود جوش است و باید از آنها حمایت کرده و یک نقش نظارتی در مراحل انتخابات و ثبت تشکلهای داشته باشیم.

وی با تأکید بر این‌که وزارت کار این وظیفه را به خوبی انجام می‌دهد، تصریح کرد: مهم این است که از سوی وزارت کار و امور اجتماعی به عنوان یک دستگاه حاکمیتی هیچ مانعی برای گسترش و توسعه تشکلهای و فعالیتهایی که انجام می‌دهند وجود ندارد و ما از فعالیت همه تشکلهای استقبال می‌کنیم.

وزیرکار و امور اجتماعی در پاسخ به این سؤال که آیا فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز مشمول حمایت وزارت کار و امور اجتماعی نیز می‌شود، گفت: البته من در جریان جزئیات نیستم، اما طبق ضوابط قانونی اگر این انجمن مشکل قانونی نداشته باشد، ما از ادامه فعالیت آنها استقبال می‌کنیم.

شیخ الاسلامی تصریح کرد: اگر در این انجمن یا هر انجمن یا تشکل صنفی دیگری مشکلات قانونی وجود دارد اما قصد ادامه فعالیت وجود دارد، پس از این‌که مشکلات برطرف شد، می‌توانند فعالیت خود را ادامه دهند، زیرا ما به خودی خود هیچ مانعی برای شروع یا ادامه فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نداریم مگر این‌که منع قانونی جدید وجود داشته باشد که به طوری طبیعی ما موظف به اجرای قانون هستیم.

پایان پیام

گسترش بیابان‌ها، سرکوب در خیابان‌ها

سایت روشنگری در تاریخ ۷ خرداد ۸۹ نوشت: خیابان‌ها زیر کنترل نیروهای امنیتی و نظامی رژیم است که با چکمه، موتور سیکلت، خودرو و دوربین‌های نصب شده در همه جا، خیابان‌ها را زیر نظر گرفته‌اند تا مبادا تحت کنترل مردم در آیند. از طرف دیگر گزارش‌ها حاکی از گسترش بیابان‌ها در کشور است. ایلنا نوشته است: «وسعت قانون بحران بیابان‌های کشور شش میلیون هکتار است» و سد سازی بی رویه در مسیر رودخانه هیرمند باعث شده یک دریاچه ۵۰۰ هزار هکتاری خشک بشود. از فاجعه خشک شدن دریاچه ارومیه و زاینده رود نیز همه خبر دارند. گسترش بیابان‌ها در یک سو و گسترش سرکوب در خیابان‌ها از سوی دیگر ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند: هر دو با واسطه و در نتیجه ی موجودیت رژیمی روی می‌دهند که بقای خود را از طریق روزمره گی و پناه بردن از این دیوار به آن دیوار به هر بهایی تأمین میکند.

گزارش ایلنا در مورد گسترش بیابان‌ها در سایه نظام اسلامی حاکم را در لینک زیر بخوانید:

<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=126152>

وگزارشی از آخرین نفس‌های دریاچه ارومیه در سایه نظام اسلامی در لینک زیر:

<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=126152>

7 خرداد: فراخوان مادران و زنان ایرانی برای تحسن علیه اعدام

[/http://maadaraan.tk](http://maadaraan.tk)

پیام مادر فرزند کمانگر:
اعدام دیگر بس است!
هم میهنان عزیز و آزاده!

بیش از دو هفته از اعدام 5 زندان سیاسی فرزند کمانگر، شیرین علم الهولوی، علی حیدریان، مهدی اسلامیان و فرهاد وکیلی می گذرد. اعدام هایی که در ابهام صورت گرفت و حتی به خانواده و وکیل آنها هم اطلاع داده نشده بود. اعدام هایی که به گفته ی وکیل سه تن از آنان اتهاماتشان غیر واقعی و جرم شان فقط آزادی خواهی بوده است. با وجود گذشت بیش از دو هفته از اعدام آنها اما پیکر این اعدامیان هنوز به خانواده هایشان تحویل داده نشده است.

مادر فرزند در پیام خود به شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت فرزند و دیگر جانبختگان در شهر فرانکفورت می گوید:

"من فرزادم را از دست دادم ولی نگذارید مادران دیگر داغدار شوند؛ اعدام دیگر بس است!" پیام مادری که نمی خواهد این داغ را مادران دیگر تجربه کنند و به زندانیان دیگر می اندیشد که در خطر اعدام هستند و از ما می خواهد که سکوت نکنیم و برای آزادی آنان تلاش کنیم.

ما عده ای از مادران تصمیم گرفتیم پیام انسانی او را ارج بگذاریم و در این راه گام برداریم. ما مادرانی که خود درد و رنج و سختی های بزرگ کردن فرزندمان را لمس کرده ایم و می دانیم چه پستی و بلندی هایی را باید گذرانند تا فرزند را به جامعه تحویل دهیم. می دانیم که شب هایی که برای فرزندمان لالایی می خوانیم و در آغوش می گیریم به آینده ای می نگریم که او را موفق برای خود و جامعه می بینیم. و با امید به آن روز هر سختی و باری را متحمل می شویم. دایه سلطنه مادر فرزند سختی بزرگ کردن فرزند را که با فقر و نداری بود از یاد برده بود چرا که افتخار می کرد که فرزندش معلم است و آینده سازان سرزمینش را آموزش می دهد. اما فرزند معلم را از او گرفتند.

حال مادر فرزند از ما می خواهد که نگذاریم مادران دیگر داغدار شوند. ما عده ای از مادران و زنان بدنبال در خواست مادر فرزند و برای نه گفتن به اعدام در مقابل پارلمان ایالتی نورد راین وستفالن در شهر دوسلدورف تحسن می کنیم و از همه مادران، زنان و مردان آزادیخواه می خواهیم که در این تحسن شرکت کنند و از پارلمان ایالتی بخواهیم که ما را در این راه یاری کند.

مکان: دوسلدورف مقابل پارلمان ایالتی

Platz des Landtags 1

Düsseldorf 40221

هر روز از ساعت 11 صبح تا 4 بعد از ظهر زمان: دوشنبه 31 مای 2010 تا سه شنبه 01.06.2010

تلفن تماس: 01635931237

جمعی از مادران و زنان ایرانی کلن

بازداشت دو تن از اعضای کانون صنفی معلمان ایران در یزد

به گزارش معلمان از ایران در تاریخ 7 خرداد 89 نوشت: در ادامه بازداشت فعالین صنفی معلمان، محمد علی شیرازی و محمد علی شاهدی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان یزد نیز بازداشت شدند. آقای شیرازی ۲ خردادماه سال جاری ابتدا احضار، سپس همراه چند مامور به منزل آمده و با ضبط تعدادی از وسایل شخصی اش بازداشت شد.

محمد علی شاهدی نیز چهار شنبه ۵ خردادماه، به پلیس امنیت احضار و بازداشت شد.

با بازداشت این دو تن، تعداد معلمان دربند به ۱۰ تن رسید.

علی اکبر باغانی، محمود بهشتی، رسول بدایقی، علی رضا هاشمی، اسماعیل عبیدی، هاشم خواستار، عبدالله مومنی، محمد داوری، و عبدالرضا قنبری (معلم محکوم به اعدام پاکدشت) و بهمن نصیر زاده، منجمه معلمان دربند اند.

لازم به یادآوری است که فرزند کمانگر، معلم کامیارانی که ۱۹ اردی بهشت ماه اعدام شد نیز عضو کانون صنفی معلمان کردستان بود.

گزارشی از شرکت جهاد نصر کردستان

شرکت جهاد نصر یکی از شرکت های نیمه دولتی و نیمه خصوصی است که در استان کردستان فعالیت می کند. این شرکت از جمله مراکز ورشکسته دولتی بود که با سپردن پروژه مسکن مهر توسط ستاد مسکن استانداری کردستان به آن، دوباره رونق گرفت. در حال حاضر جهاد نصر در استان، بر روی پروژه های متفاوتی مانند: تصفیه خانه شهر سقز، سد زیویه و راه سازی مسیرهای سنندج به شهرهای کامیاران، مریوان و دهگلان و مهم تر از همه پروژه آماده سازی مسکن مهر کار می کند. در حالی که این شرکت، ماشین آلات خود را از کشور ژاپن خریداری نموده است، اما از پرداخت حقوق کارگران طفره می رود. علاوه بر این، مسئولین این شرکت، بخش هایی از پروژه ها را به پیمانکار داده و خود در آن شریک هستند و از ثروت حاصل از استثمار

کارگران و پول افشار کم درآمد، سرمایه خود را افزایش می دهند. بیش از ۳۰۰ کارگر در شرکت جهاد نصر کردستان کار می کنند که از یک تا ده سال، سابقه دارند و با آنها به صورت یک ماهه و سه ماهه و برای مهندس ها، یک ساله، قرارداد می بندند. قرارداد را در ابتدا با کارگران به صورت سفید امضا و حتی آخر آن را هم بدون تاریخ است. در ابتدای آن هم قید می کنند که کارگر کلیه مطالبات خود را دریافت نموده است. این شیوه سالهاست که ادامه دارد و آخر هر سال تا پنجم سال آینده کارگران قرارداد ندارند و برگ تسویه حساب سالانه را دال بر گرفتن کلیه حق و حقوق به آنها تحویل و به امضا می رسانند. این شگرد را برای فرار از قوانین نیم بند کار انجام می دهند.

تقریباً اکثر شرکت ها با توان مالی که دارند، از اداره کار و امور اجتماعی بعنوان مشاور حقوقی خود استفاده کرده و با ترفند و تفسیر ماده و تبصره های قانون کار، کارگران را از لحاظ قانونی، بی حقوق و بیشتر استثمار می کنند. کارگران حتی از نماینده کارگر که از راه های قانونی بتواند به آنها کمک کند، محروم هستند. پروژه مسکن مهر شرکت جهاد نصر در سمنج نیز در دو شیفت کاری مشغول به کار بوده و حدود ۱۰۰ نفر کارگر در آنجا مشغول به کارند. شیفت روز از ساعت ۷ صبح تا ۶ غروب و ۸۰ نفر کار می کنند و شیفت شب از ساعت ۶ غروب تا ۴ صبح و ۳۰ نفر کار می کند. اداره کار و بازرسی آن به راحتی از کنار این مسائل عبور کرده و خود را به بی خبری می زند و از منافع سرمایه داران حمایت می کند. کارگران این شرکت بر روی حدود ۱۲۰ دستگاه ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین و سبک از قبیل لودر، بیل مکانیکی، بولدوزر، گریدر و کمپرسی و دیگر ماشین های سبک مشغول به کارند.

هر یک از مسئولین شرکت جهاد نصر تعدادی از اقوام و آشنایان خود را استخدام کرده و از مازاد سود کارگران به آنها ماهیانه حدود یک میلیون تومان حقوق پرداخت می کنند. در حالی که کار مفیدی هم انجام نمی دهند. این در حالی است که اضافه کار و حقوق قانونی کارگران به شکل های مختلف پامال می شود. مثلاً حق سنوات سالیانه به حقوق آنها اضافه نمی شود و یا اضافه کار جمعه و روز های تعطیل با روز عادی همسان محاسبه می شود و حق نوبت کاری ندارند. در این شرکت ایمنی محیط کار اهمیت ندارد و لباس و کفش کار، عینک و ماسک مخصوص گرد و غبار هم به کارگران داده نمی شود.

هم اکنون کارگران جهاد نصر که اکثر آنها متاهل و دارای فرزند و مستاجر هستند، چهار ماه است که حقوق نگرفته اند. این در حالی است که مدیران این شرکت با حاصل دسترنج این کارگران، هریک برای خود مشغول مال اندوزی هستند. سال گذشته کارگران پروژه مسکن مهر برای گرفتن مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و موفق شدند مطالباتی مانند حقوق معوقه، حق نوبت کاری و حق ماموریت و اضافه کاری را بدست آورند. کارگران باید متحد شوند و اعتراض کنند و چاره ای جز متحد شدن و اعتراض و ایجاد تشکل واقعی خود ندارند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اردیبهشت ۸۹

۵ فاز جدید پارس جنوبی به سپاه واگذار شد

سایت کلمه در تاریخ ۷ خرداد می نویسد: مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به امضای تفاهم نامه قرارداد فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، از واگذاری قرارداد فاز ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی به کنسرسیومی متشکل از خاتم الانبیا و چند مجموعه داخلی خبر داد.

به گزارش مهر، علی وکیلی با اشاره به واگذاری طرح توسعه فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، گفت: در حال حاضر تفاهم نامه توسعه این سه فاز پارس جنوبی با خاتم الانبیا امضا شده و زمین برای آغاز عملیات اجرایی نیز تحویل این مجموعه شده است.

مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس به واگذاری قرارداد طرح توسعه فاز ۱۹ پارس جنوبی به پتروپارس را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد: همچنین قرارداد فاز ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی نیز پیشتر با شرکت ساختمان صنایع نفت (اویک) واگذار شده است.

این مقام مسئول همچنین از واگذاری قرارداد فاز ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی به کنسرسیومی متشکل از شرکت های داخلی خبر داد و یادآور شد: به نظر می رسد قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا، صدرا، شرکت ملی حفاری و شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی اعضای این کنسرسیومها را تشکیل خواهند داد.

سرسام اشتغال در مثلث دولت، پیمانکاران نیروی کار و کارگران؛ کارگران همیشه می بازند

به گزارش خبرگزاری کارایران - ایلنا در تاریخ ۸ خرداد ۸۹ آمده است: با این که کارفرمایان شرکت های خدماتی پیمانکار نیروی انسانی از تمدید شدن نزدیک به ۸۰ درصد قرار دادهای خود با دولت خبر می دهند اما می گویند که روزگار را به خوبی سپری نمی کنند.

دلیل این کار نه تأخیر همیشگی دولت در پرداخت بدهی معوقه و نزدیک به پنج هزار میلیارد تومانی که سخنانی است که در طول هفته کارگر از زبان رئیس جمهور و وزیر کار در مورد حذف پیمانکاران نیروی انسانی گفته شد.

انتظار آنها از دولت عمل به اصول قانون اساسی در خصوص بقا و تضمین شغلی است که آنها آن را در چند دهه گذشته آزادانه اختیار کرده‌اند و این درحالی است که کارگران زیر دست، از دولت به دلیل قصور در اجرای همین اصول قانونی گلایه دارند.

سالها است که درصد قابل توجهی از کارگران به واسطه پیمانکاران نیروی انسانی برای کارفرمایان اصلی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها کار می‌کنند اما از کار خود ناراضی هستند چرا که معتقدند پیمانکاران نیروی انسانی بدون هیچ توجیه قانونی از دستمزد آنها مبالغ قابل توجهی برداشت می‌کنند. بلندای صدای این ناراضیانی آنقدر زیاد است که اکنون کارفرمایان شرکت‌های خدماتی نیز وجود این سوء استفاده را منکر نمی‌شوند و آن را تأیید می‌کنند اما مسوولیت را به گردن نمی‌گیرند و آن را به گردن پیمانکار نیروی انسانی می‌اندازند.

کارفرمایان خدماتی از يك سو خود انگشت اتهام را به سوی پیمانکاران نیروی انسانی یا همان شرکت‌های خدماتی تأیید نشده‌ای نشانه می‌گیرند و از سوی دیگر به نشانه ناخرسندی از گفته‌های رئیس جمهور و وزیرکار موضوع طلب پنج هزار میلیاردی خود از دولت را پیش می‌کشند.

از نظر آنها شرکت‌های خدماتی تأیید نشده‌ای که فعالیت خود را از سال‌های پایانی دهه 70 با کمک برخی مسوولان دولتی آغاز کرده‌اند و از آن زمان تاکنون با رشدی قارچ گونه به عنوان کارفرمای خدماتی اداره بخش قابل توجهی از سازمان‌های دولتی را برعهده دارند مسوول این وضع هستند چرا که پنهان از دید قانون، با سوء استفاده از حقوق کارگران به درآمدزایی مشغولند.

به ادعای کارفرمایان شرکت‌های خدماتی حداقل سه میلیون نفر به واسطه سرمایه‌گذاری آنها در اداره‌های دولتی، صاحب کار هستند که حساب آنها از جمعیت جویندگان کار و گروه بیکاران جداست اما اگر قرار بر حذف شرکت‌های خدماتی باشد؛ کوچکترین شانسی برای ادامه کار این گروه سه میلیون نفری وجود ندارد. گرچه شواهد از عزم جدی دولت برای پایان دادن به فعالیت پیمانکاران نیروی انسانی حکایت دارد و همین باعث نگرانی کارفرمایان خدماتی شده است اما شاید در شرایطی که هیچ‌کس از وضع اقتصادی کشور اعلام رضایت نمی‌کند و همه انتقادهای متوجه دولت است؛ این ناراضیانی کارگران فرصت خوبی باشد تا مسوولان دولتی دست کم با خرده‌گیری از وضع پیمانکاران نیروی انسانی کارگران را آرام نگهدارند درست مانند زمانی که همین مسوولان برای خرسند نگه داشتن کارفرمایان و سرمایه‌داران از ضرورت اصلاح قانون کار و بازنگری در حقوق کارگر سخن می‌گویند؛ غافل از این‌که دولت خود برای اداره سازمان‌هایش بیشترین قرارداد را با شرکت‌های خدماتی بسته است و به همین دلیل بزرگترین بدهکار این شرکت‌ها است.

پانید فاضلیان
پایان پیام

رئیس مجمع پیشکسوتان جامعه کارگری:

روش اجرای بخشنامه اخیر تامین اجتماعی را قبول ندارم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 خرداد 89 آمده است: رئیس مجمع پیشکسوتان جامعه کارگری در خصوص بخشنامه اخیر تامین اجتماعی که میزان و نحوه حق عضویت کارگران بازنشسته را در قانون‌های مربوطه مشخص می‌کند، گفت: محتوای این بخشنامه را قبول ندارم اما روش اجرای آن را درست نمی‌دانم. حسن صادقی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا افزود: روش خوب این بود که شعب تامین اجتماعی طی نامه‌هایی به بازنشستگان نظر آنان را درباره کسر حق عضویت از مستمری آنان را جویا می‌شدند. وی با بیان اینکه باید این گونه امور در قالب مذاکرات دسته جمعی تشکلهای کارگری پیگیری شود، افزود: شاید بخش اعظم دلخوری بازنشستگان این است که يك بار از مستمری آنان مبلغی کسر می‌شود و بار دیگر قانون‌های کارگری بازنشستگی برای ارائه کارت عضویت مبلغی را از بازنشستگان طلب می‌کنند. صادقی تأکید کرد: مزیت بخشنامه اخیر تامین اجتماعی این است که قانون‌ها خود اقدام به عضو گیری کنند و افراد عضو هم از اساسنامه و سایر موارد قانون اطلاعات کاملی خواهند داشت اما متأسفانه برخی قانون‌های بازنشستگی ترجیح می‌دهند که اعضایشان از ساختار قانون شناختی نداشته باشند. صادقی در پاسخ به این سوال که ارقامی که از حقوق بازنشستگان کسر شده است و مجموع رقم بسیار بالایی می‌شود بنابراین قانونها باید توضیح دهند که این ارقام را چه کرده‌اند، گفت: مجامع این قانون‌ها باید از بازرسان و آنان نیز از هیات مدیره بخواهند که این اطلاعات را منتشر کنند.

پایان پیام

سوء تغذیه عامل 60 درصد مرگ و میر کودکان ایرانی

سایت مردمک در تاریخ 8 خرداد 89 نوشت: دکتر علی‌اکبر سیاری، متخصص کبد و گوارش کودکان و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سوء تغذیه را عامل مستقیم و غیرمستقیم 60 درصد از مرگ و میر کودکان در ایران دانست.

به گزارش ایسنا، وی در سمینار انجمن کبد و گوارش کودکان در تهران روز جمعه هفتم خردادماه، به نتایج یک مطالعه در سال 1374 اشاره کرد و گفت: در این بررسی 20 درصد به کوتاهی قد، نزدیک به هفت درصد به لاغری،

حدود 17 درصد به کم‌وزنی در سن خود و در کل تقریباً 44 درصد از کودکان به سوء تغذیه و عوارض آن دچار بودند. او به مطالعه دیگری در سال 1378 اشاره کرد و گفت: بر اساس این مطالعه در مجموع 20 درصد کودکان، مبتلا به سوء تغذیه هستند.

دکتر سیاری در بررسی این مطالعه کوتاهی قد 14 درصد از میان کودکان ایرانی، لاغری پنج درصد کودکان با توجه به قد آن‌ها و کم‌وزنی 9.5 درصد آن‌ها را ناشی از سوء تغذیه دانست.

وی سوء تغذیه را عامل مهمی در بهره‌هوشی کودکان دانست و افزود: کمبود دریافت آهن و ید قابلیت‌های هوشی کودک را کاهش می‌دهد.

او محرومیت از شیر مادر و تولد با وزن کم را از جمله سایر دلایل کمبود بهره‌هوشی کودکان برشمرد.

ضرورت اندازه‌گیری قد و وزن و دورسر کودکان

دکتر سیاری با غیر ارگانیک دانستن علل این کمبودها به ضرورت اندازه‌گیری‌های «آنتروپومتری» کودکان اشاره کرده و گفت: اندازه‌گیری دقیق قد، وزن، دور سر و ترسیم منحنی جنبه‌های مختلف بدن در مراحل رشد کودک می‌تواند در تشخیص سوء تغذیه کودکان و سنجش سلامت آن‌ها بسیار اهمیت داشته باشد.

این پزشک متخصص تشخیص مادران را درباره رشد یا عدم رشد کودک، دیر هنگام دانست و افزود: شرح حال، اندازه‌گیری قد، وزن و دور سر، ارزیابی میزان دریافت غذا و در نهایت انجام تست‌های آزمایشگاهی با نقش دو درصدی خود می‌تواند در شناسایی و تشخیص کودکان مبتلا به سوء تغذیه مفید باشد.

او با تأکید بر این که تأخیر رشد کودک در سنین چهار تا شش ماهگی ماندگار خواهد بود گفت: برخی کودکان در این سن فقط به کاهش وزن دچارند و برخی علاوه بر کوتاهی قد و کاهش وزن با دور سر بزرگ به آکندروپلازی و اختلالات استخوانی نیز مبتلا هستند.

دکتر سیاری با اشاره به لزوم بستری شدن کودک مبتلا به سوء تغذیه شدید و سرپایی درمان شدن نوع خفیف و متوسط آن گفت: کوتاهی قد متأثر از سوء تغذیه مزمن ناشی از دریافت ناکافی غذا، ابتلا به اسهال و بیماری‌های مزمن است.

او گفت: اندازه‌های دور سر و وزن و قد نوزادان نارس به ترتیب تا 18، 24 و 40 ماهگی به اندازه سایر همسالان خود می‌رسد.

این متخصص با بیان آماری درباره سوء تغذیه در دنیا گفت: هم اکنون ۲۲۶ میلیون کودک در دنیا به کوتاهی قد (سوء تغذیه مزمن)، ۱۷۰ میلیون کودک به کم‌وزنی (وزن نامتناسب با سن) و ۶۷ میلیون کودک به لاغری (وزن نامتناسب با قد) دچارند.

سوء تغذیه در سیستان و بلوچستان

رئیس پیشین انستیتو تغذیه و تحقیقات صنایع غذایی کشور نیز در این کنفرانس با اشاره به وجود معضل کم‌خونی ناشی از فقر آهن در استان سیستان و بلوچستان گفت: 60 درصد نوجوانان سیستان و بلوچستانی به کوتاهی قد ناشی از کمبود روی به علت سوء تغذیه دچارند.

دکتر کلانتری با اشاره به ابتلای یک پنجم کودکان هرمزگانی به نوع شدید کوتاهی قد ناشی از سوء تغذیه گفت: در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، جنوب کرمان و خراسان با پدیده «گرسنگی سلولی» روبه‌رو هستیم.

وی رو آوردن مردم به غذاهایی با میزان انرژی فراوان اما فاقد مواد مغذی مانند املاح معدنی و ویتامین‌ها را در پنج دهه اخیر عاملی برای افزایش وزن سبب غذایی در بخش انرژی و کاهش وزن در بخش‌های میوه و سبزیجات، حبوبات، تخم مرغ و لبنیات دانست.

دکتر کلانتری در این زمینه گفت: هم اکنون مردم میزان انرژی مورد نیاز خود را از مقادیر فراوان نان، روغن و شکر تأمین می‌کنند که به صورت بافت چربی در بدن ذخیره می‌شود.

او با بیان این که سوء تغذیه می‌تواند با بهبود دریافت مواد مغذی اصلاح شود، تأکید کرد به دلیل غیرارگانیک بودن علت آن پزشکان نمی‌توانند کار خاصی در این زمینه انجام دهند.

پنجمین سمینار انجمن کبد و گوارش اطفال ایران ششم و هفتم خرداد ماه در انستیتو تغذیه و تحقیقات صنایع غذایی کشور با موضوع «سوء جذب و سوء تغذیه» برگزار شد.

یورش و ضرب و جرح وحشیانه معلم زندانی رسول بداقی در زندان گوهردشت کرج. حوالی ساعت 7 صبح امروز

بنابه گزارشات رسیده از ایران، آمده است: رسول بداقی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران مورد یورش وحشیانه پاسداربند ها قرار گرفت و بشدت مورد ضرب و شتم و اهانت آنها قرار گرفت.

روز شنبه 8 خرداد ماه حوالی ساعت 07:00 صبح زندانی سیاسی رسول بداقی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران بدون هیچ دلیلی مورد یورش وحشیانه 3 پاسدار بند قرار گرفت و بشدت مورد ضرب و شتم و اهانت آنها قرار گرفت.

پاسداربندی به نام قاسم محمدی بدون هیچ دلیلی شروع به فحاشی به آقای بداقی نمود که مورد اعتراض وی قرار گرفت. در این هنگام همراه با افسر پاسدار شیخ و پاسداربند عقوانی بصورت وحشیانه ای بسوی آقای بداقی حمله ور شدند و او را آماج مشت و لگدهای خود که بر سرو صورت و نقاط حساس بدن او فرود می آوردند. آنها همچنین به آقای بداقی و خانواده اش فحش های اخلاقی و بسیار زننده می دادند. پاسدار بند قاسم محمدی در حین ضرب و شتم عربده می کشید و خطاب به آقای بداقی می گفت: تو منافقی، تو وطن فروشی، تو باید محاکمه بشی و تو باید اعدام بشی.

آنها سپس آقای بداقی را با دستبند به میله های کریدور بستند و به ضرب و جرح و توهینهای اخلاقی علیه او

ادامه دادند او از ناحیه دندان و سر و صورت دچار صدماتی گردیده است. وقتی که سایر زندانیان سیاسی از عمل وحشیانه و غیر انسانی آنها مطلع شدند دخالت کردن که از ضرب و شتم و اهانت پاسدار بندها جلوگیری کنند آنها هم مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفتند که از جمله آنها آقای دکتر احمد زبیدی آبادی بود که مورد ضرب و شتم و اهانت پاسدار بندها قرار گرفت. این عمل وحشیانه و غیر انسانی در مقابل چشمان بهت زده سایر زندانیان صورت گرفت. این حمله جنایتکاران علیه زندانی سیاسی و معلم دلیر بدستور بازجویان وزارت اطلاعات و توسط علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان و کرمانی و فرجی رئیس و معاون اطلاعات زندان و شکر رئیس بند 6 که بر ضرب و شتم آقای بدای نظارت داشت به اجرا در آمد. اهانت و تعدی امروز به عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان، اهانت به تمامی معلمان، اساتید دانشگاهها، دانشجویان و دانش آموزان ایران محسوب می شود و یقیناً معلمان دلیر و شجاع ایران در مقابل چنین اهانتی نسبت به کسی که بخاطر دفاع از حقوقشان در اسارت بسر می برد سکوت نخواهند کرد و به دفاع از او بر خواهند خواست. لازم به یادآوری است که معلم زندانی در 11 شهریور ماه بازداشت شد و در جریان اعتراض به اعدام 5 زندانی سیاسی به بند 6 زندان گوهردشت کرج تبعید شد آقای بدای علیرغم گذشت چند ماه همچنان در بلاتکلیفی بسر می برد.

اطلاعیه ی زندانیان سیاسی بند شش زندان گوهردشت

زندانیان سیاسی بند شش زندان گوهردشت طی انتشار اطلاعیه زیر یورش وحشیانه به معلم زندان رسول بدای را محکوم کردند.

متن اطلاعیه :

پیرو روند رو به رشد شکنجه زندانیان رجائی شهر، سه تن از ماموران این زندان به اسامی شیخ، عقوائی، قاسم محمدی در ساعت ۰۷:۰۰ صبح روز جاری شنبه ۸ خرداد ۸۹ با ورود به سالن دادرسی بند ۶ زندان رجائی شهر، یکی از فرزندان سرافراز ملت ایران معلم دلسوز و زندانی سیاسی آقای رسول بدای را بدون هرگونه دلیل و علتی مورد شدیدترین حملات و شکنجه های جسمی و انواع ضرب و شتم و فحاشی قرار دادند. بنحوی که از چند ناحیه مجروح و آثار آن برسر و صورت و دست و پای وی مشهود است. همچنین دست های وی را با دستبند به میله های درب کریدور اصلی بسته و با مشت و لگد او را مورد ضرب و جرح قرار دادند و این امر در مقابل چشم زندانیان دیگر اتفاق افتاده و همه بر آن گواهی میدهند. این اقدام غیرانسانی مورد اعتراض شدید زندانیان واقع گردید. جای تاسف است در حالی که مسئولین کشور همواره شعار حقوق بشر سر می دهند و خود را مظهر رعایت آن میدانند چنین رفتارهای غیرانسانی با زندانیان آن هم در بند به اصطلاح دادرسی انجام می پذیرد. ما ضمن محکوم نمودن این قبیل رفتارهای خشونت آمیز، توجه سازمان ها و فعالان حقوق بشری و تمامی انسان های غیور را بدین نکته جلب نموده و توجه آنها را به فقدان هر گونه تامین جانی زندانیان سیاسی معطوف می داریم.

زندانیان سیاسی بند ۶ زندان گوهردشت کرج

انتقال منصور اسالو به بند معتادان زندان رجایی شهر کرج

خبرگزاری هرانا در 8 خرداد 89 نوشت : منصور اسالو، فعال سرشناس کارگری و رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، به بند معتادان به مواد مخدر و بیماران عفونی موسوم به "بند متادون" زندان رجایی شهر کرج، منتقل شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، سید محمد روح الله هاشمی - فرزند مجتبی هاشمی - که به اتهام قتل برادر و همسر برادرش در زندان رجایی شهر محبوس است، به تحریک کرمانی رییس و معاونش فرجی، از مسئولان حفاظت زندان بر علیه منصور اسالو اعلام شکایت کرده تا اسالو بر اساس این شکایت به بند متادون(بند 5 عمومی) منتقل شود. گفته می شود این شکایت مقابل دوربین از هاشمی گرفته شده است. لازم به یادآوری است که آقای اسالو، از تابستان سال 86 و دو هفته پس از بازگشت از اجلاس لندن تاکنون در زندان به سر می برد.

محدود کردن گستره آموزش در بخشنامه جدید وزارت آموزش و پرورش

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 خرداد 89 مینویسد :تشکیل دوباره مدارس بالای 40 دانش آموز/حذف واحدهای آموزشی پیش دانشگاهی/عالیت مدارس راهنمایی روستایی و عشایری با تعداد دانش آموزان کمتر از 60 نفر ممنوع است/استمرار فعالیت مدرسه متوسطه نظری با کمتر از 40 نفر دانش آموز

ممنوع است/در دوره ابتدایی حد نصاب تشکیل کلاس حداکثر 35 نفر است. معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش با ارسال بخش نامه ساماندهی نیروی انسانی سال 89-90 جزئیات تشکیل مدارس در دوره‌های تحصیلی مختلف در سال تحصیلی 89.90 را اعلام کرد، که بر اساس آن مدارس بالای 40 نفر دانش آموز در سال تحصیلی آینده دوباره تشکیل می شود. به گزارش خبرنگار ایلنا، بر اساس این بخشنامه در دوره ابتدایی حد نصاب تشکیل کلاس دوره ابتدایی در شهرها به صورت تک پایه 24 نفر و حداکثر 35 نفر و کلاس مدارس شاهد 30 نفر هم چنین در دوره راهنمایی تحصیلی تشکیل مدارس دوره راهنمایی تحصیلی با رعایت حداقل 60 نفر دانش آموز بلامانع است و حداقل تعداد دانش آموز کلاس راهنمایی تحصیلی شهری 24 نفر (روستایی 15 نفر) و حداکثر 36 نفر است که در موارد خاص توسط کمیته رسیدگی می شود. در مورد مدارس سمپاد تشکیل کلاس با بیش از 30 نفر دانش آموز با تایید سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان امکان پذیر است. فعالیت مدارس راهنمایی روستایی و عشایری با تعداد دانش آموزان کمتر از 60 نفر ممنوع است به گزارش ایلنا، استمرار فعالیت مدارس راهنمایی روستایی و عشایری با تعداد دانش آموزان کمتر از 60 نفر ممنوع است.

براساس این بخش نامه همچنین استمرار فعالیت مدرسه روستایی با بیش از 15 نفر دانش آموز به صورت يك تا چند پایه و حداکثر 40 نفر دانش آموز به صورت مدرسه ضمیمه تحت این شرایط بلامانع است. استمرار فعالیت مدرسه متوسطه نظری با کمتر از 40 نفر دانش آموز ممنوع است بر اساس این گزارش استمرار فعالیت مدرسه متوسطه نظری با کمتر از 40 نفر دانش آموز و متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش با کمتر از 30 هنرجو ممنوع است و تشکیل مدرسه متوسطه با حداقل 90 نفر دانش آموز و فنی و حرفه‌ای و کاردانش با حداقل 50 نفر هنرجو امکان پذیر است. در موارد خاص کمیته می تواند نسبت به ادغام مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش اقدام نماید، همچنین در دوره متوسطه نظری حداقل تعداد دانش آموز در کلاس 24 نفر و حداکثر 40 نفر است.

سال تحصیلی آینده واحد آموزشی مستقل تحت عنوان پیش دانشگاهی فعالیت نمی کند در ادامه این بخش نامه آمده است: در سال تحصیلی 89-90 واحد آموزشی مستقل تحت عنوان پیش دانشگاهی فعالیت نمی کند و بازنشسته کردن نیروهای آموزشی مشمول بازنشستگی در طول سال تحصیلی، در صورتی انجام پذیرد که باعث کمبود نیروی انسانی و افزایش سقف حق التدریس نگردد. کمیته می تواند در صورت کمبود نیروی آموزشی با ادامه خدمت نیروهای مشمول به مدت يك سال تحصیلی موافقت نماید.

اسامی کارگران جان باخته و مجروح در آتش سوزی نفت شهر

سایت حکومتی ایسکانیوز: اسامی جان باختگان و مجروحان حادثه فوران و آتش سوزی چاه شماره 24 نفت شهر اعلام شد. فرماندار قصر شیرین شامگاه شنبه (8 خرداد) در این باره گفت: کشته شدگان حادثه خلیل جعفری، علی امیدی و ابراهیم فرجی هستند. بهرام تیموری گفت: مجروحان بستری در مراکز درمانی نیز ساسان حمزوی، مسعود دادخواه، مجتبی احمدی، صلاح باقری، احسان کیان پور، محمد سرخ مرو و اکبر غلامی هستند. وی افزود: پنج نفر از مجروحان حادثه نیز به صورت سرپایی مداوا شدند. تیموری به شانا گفت: شمار مجروحان فوران چاه 24 نفت شهر در استان کرمانشاه 12 نفر است. وی اظهار داشت: نیروهای کمکی آتش نشانی و خدمات ایمنی از شهرستان های اسلام آباد غرب و گیلانغرب در موقعیت چاه استقرار دارند اما با این امکانات و تجهیزات مهار آتش این چاه امکان پذیر نیست و نیاز به تجهیزات تخصصی دارد.

در همین حال نخستین تیم عملیاتی شرکت ملی حفاری ایران متشکل از تعدادی از متخصصان و کارشناسان اداره کل فوران چاه ها در این شرکت وارد منطقه شده اند. چاه نفتی شماره 24 نفت شهر در حوزه عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی صبح شنبه (8 خرداد) به هنگام حفاری به وسیله یک دستگاه حفاری متعلق به شرکت حفاری شمال دچار نشت گاز و فوران نفت و آتش سوزی شد.

نویسنده و روزنامه نگار آذربایجانی در تهران دستگیر شد

ساوالان سسی گزارش می دهد : اکبر آزاد نویسنده آذربایجانی و عضو هیات تحریریه ماهنامه های وارلیق و پارپاق روز سه شنبه ۴ اردیبهشت ۸۹ در منزل شخصی اش در تهران بازداشت شده است. ماموران امنیتی ظهر روز سه شنبه ۴ خرداد ۸۹ با مراجعه به منزل اکبر آزاد در محله کیانشهر تهران این فعال مدنی آذربایجانی را بازداشت و اقدام به تفتیش منزل و تهدید خانواده وی نمودند و کامپیوتر، کتابها و سایر وسایل شخصی وی را با خود بردند.

خانواده این نویسنده آذربایجانی در روزهای گذشته جهت اطلاع از علت دستگیری و اتهامات او به دادسرای امنیت تهران مراجعه کرده اند اما مسئولین قضایی با ممانعت از ورود خانواده به دادسرای امنیت از قبول مسئولیت بازداشت آزاد امتناع می کنند. این نویسنده آذربایجانی از زمان بازداشت تا کنون تماسی با منزل نداشته و این امر موجب نگرانی خانواده از وضعیت سلامتی جسمی وی شده است.

اکبر آزاد عضو هیئت موسس کانون زبان و فرهنگ (دیل و مدنیت اوجاگی) و از نویسندگان نشریات وارلیق و پارپاق است. وی در سالهای اخیر بارها بازداشت و به احکام حبس محکوم گردیده است. سازمان عفو بین الملل و سازمان گزارشگران بدون مرز در سالهای گذشته با صدور اطلاعیه هایی بازداشت و فشار بر این روزنامه نگار و نویسنده آذربایجانی را محکوم و خواهان آزادی وی شده بودند.

کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه: خواهان بازگشت به کار هستیم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 89 مینویسد: عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه می‌گوید: با وجود آنکه رقم دستمزد کارگران این کارخانه در سطح پایینی قرارداد اما بیشتر کارگران در مقایسه با چند سال گذشته از شرایط کاررایی‌تر هستند.

رضا رخشان درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: در حال حاضر مدیریت کارخانه نسبت به گذشته بهتر شده است به طوری که از یکسو تاخیر در پرداخت مطالبات کارگران تا سقف یک ماه کاهش پیدا کرده است و از سوی دیگر مشکل تامین آب کارخانه مانند سال‌های قبل شدید نیست.

وی گفت: با این حال هنوز شرایط کنونی کار در نیشکر هفت تپه با شرایط ایده‌آلی که مدنظر کارگران است فاصله دارد.

رخشان یادآور شد: به دلیل محدود شدن زمان اضافه‌کار دریافتی کارگران نیشکر هفت تپه به طور چشمگیری کاهش یافته است و در حال حاضر کارگران در روزهای آخر هفته می‌توانند با انجام اضافه کاری درآمد خود را افزایش دهند.

در سال‌های گذشته کارخانه نیشکر هفت تپه به دلیل اشتباهات مدیریتی با مشکلات جدی و بحران‌های کارگری روبه‌رو بوده است.

دلیل اصلی این بحران ناتوانی مدیران وقت کارخانه در تامین آب مورد نیاز مزارع نیشکرو رقابت با واردات و قاچاق گسترده شکر به داخل کشور بوده است که در سال‌های 86 و 87 به وقوع اعتراض‌های کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه منجر شد.

رخشان که در جریان اعتراض‌های کارگری کارخانه نیشکر هفت تپه به همراه پنج نفر دیگر از کارگران همکار خود توسط کارفرما اخراج شده است در این خصوص گفت: ما خواهان بازگشت به کار هستیم و شکایت‌هایی مان در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار در حال رسیدگی است.

علی نجاتی فریدون نیکوفر، قربان علیپور، محمد حیدری، جلیل احمدی و رضا رخشان 6 کارگر نیشکر هفت تپه هستند که در جریان اعتراض‌های کارگری توسط کارفرمای خود از کار اخراج شدند.

پایان پیام

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس:

برخی قوانینی که به سود کارگر است اجرا نمی‌شود

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 89 مینویسد: نماینده اردل و فارس در مجلس امنیت شغلی و معیشت کارگران را اساسی‌ترین مشکل این قشر توصیف کرد و گفت: اکنون که می‌دانیم چالش‌های اساسی جامعه کارگری چیست، باید دولت و مجلس برای رفع این مشکلات بسیج شوند.

نورالله حیدری درگفت‌وگو با ایلنا، دستنایی با تاکید بر اینکه کارگران تأثیرگذارترین قشر جامعه هستند، گفت:

بی‌شک نمی‌توان اهمیت کارگران را در بخش‌های گوناگون اقتصادی منکر شد و چون این اهمیت غیرقابل انکار است پس باید مشکلات آنها را به سرعت برطرف کرد.

وی از تأثیرات آرامش خاطر کارگران بر تولید سخن گفت و افزود: دغدغه‌های اصلی کارگران دستمزد پایین و نبود امنیت شغلی است و هنگامی که نیروی کار دغدغه داشته باشد تأثیر مستقیمی بر کیفیت و کمیت کالای تولید شده می‌گذارد بنابراین دولت و مجلس باید همچون دو بازوی قانونگذاری و مجری در تلاش برای رفع مشکلات کارگری باشند.

وی دولت و مجلس را دو نهاد مرتبط با جامعه کارگری دانست و گفت: هر آنچه که کارگر بخواهد باید ابتدا به قانون تبدیل شود و سپس از سوی قوه مجریه به اجرا درآید بنابراین تعامل و توجه دولت و مجلس به کارگران اجباری است. البته مواردی نیز وجود داشته که قانون به نفع کارگران تصویب شده اما دولت آن را اجرا نکرده که نیازمند تجدیدنظر در رفتار دولتمردان است.

پایان پیام

در نامه اعضای شورای عالی تامین اجتماعی به لاریجانی عنوان شد: بی قانونی در انتخاب هیات مدیره فعلی تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 89 مینویسد: اعضای غیردولتی شورای عالی سازمان تامین اجتماعی در نامه‌ای به رییس مجلس شورای اسلامی از نگرانی خود درباره بی اثر نمودن نقش تشکلهای و نهادهای مدنی در این سازمان پرده برداشتند.

به گزارش ایلنا، متن کامل این نامه به شرح ذیل است:

احتراما به نظر می‌رسد این ایام مکاتبات و مکالمات و تعاملات فراوان درخواستی سازمان تامین اجتماعی با جنابعالی در جریان است، برادران شما هم فرصت را غنیمت شمرده و به تبعات تصمیمات دامنه‌دار دولت کریمه و مجلس محترم شورای اسلامی که هیچگونه منافعی را در این سازمان مردم نهاد که شامل کارگران و بیمه‌شدگان و... کارفرمایان و کارآفرینان و مدیران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران و کارکنان و مسوولین این سازمان است، ندارند محض رضای خداوند تبارک و تعالی بغض فروخورده خود راگشوده و انتظار دارند جنابعالی به

مطالب زیر عنایت ویژه مبذول فرمایید.

1- سازمان تامین اجتماعی فعلی نزدیک به 90 درصد آن متعلق به افراد موصوف است آیا این نهاد عمومی

غیردولتی حاکمیت آن باید به عهده دولت باشد؟

2- آیا تاکنون قوانینی که وضع شده به سمت اجرای قانون اساسی و نظرات مقام معظم رهبری و نقش و جایگاه سهامداران و اجرای عدالت ناشی از شارع مقدس بوده است؟

3- آیا در سیاستگذاری و خط مشی‌دهی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و حتی در عملیات و اجرای راهبردها و نهایتاً هدفگذاری از دیدگاه‌ها و تفکرات سهامداران تا چه سطحی بهره‌گرفته و اهمیت و اثربخشی آنها چه میزان به عدالت اجتماعی و اقتصادی نزدیک شده است؟

4- آیا نگرانی از اتحاد و وحدت فکر و عمل جامعه بزرگ بیمه‌شدگان که بیش از 45 درصد جمعیت کشورند به همراه جامعه کارفرمایان که نزدیک به پنج میلیون نفرند و عقلانی و فکورانه به منظور احیا حقوق حقه خود دست به تحریم منابع و مصارف این سازمان به دلیل صرفاً عدم اطمینان و اعتماد به مدیران ارشد آن بزنند وجود ندارد؟ در آن صورت چه شرایطی به لحاظ اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به کشور تحمیل خواهد شد؟

5- سیاست‌ها و تصمیمات دائماً به سمت و سوی بی‌اثر نمودن نقش تشکلهای و کانون‌ها و نهادهای مدنی که مدخلیت آنها در این سازمان نزدیک به صد درصد است می‌باشد مطمئناً این مسیر را در این مقطع به شدت متأثر از آن تصمیم‌ها و تبدیل به برنامه راهبردی و عملیاتی می‌دانیم.

6- در شرایط سنگین و ملتهب بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری اعمال حاکمیت دولت و توسعه تصدی‌گری در این سازمان همراه با مدیریت خودسرافتداری، سازمان تأمین اجتماعی را از ارکان پنجاه ساله دور نموده و اقدام به تفسیر به رای موجود می‌نماید.

7- چنانچه ماده 113 قانون مدیریت خدمات کشوری و اصلاحیه اخیر آن را مورد مدافه و امان نظر قرار دهیم تجمیع صندوق‌ها با قید مشخصی در سازمان تأمین اجتماعی تحقق می‌یابد و لذا کلیه صندوق‌ها در سازمان اصلی و مادر یعنی تأمین اجتماعی موجود با حفظ کلیه ارکان و ساختار محور اجماع سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که هیات امانا ترسیم می‌کند قرار می‌گیرد و قانون‌گذار با علم و اطلاع این تجمیع را عنوان کرده چون قدمت و گستردگی این سازمان در حوزه بیمه‌های اجتماعی به لحاظ تخصصی و تجربی می‌تواند سایر صندوق‌ها را هدایت و رهبری نماید و در تداوم همین قانون نیز دولت را مکلف کرده که کارکنانی که از این به بعد به صورت پیمانی و قراردادی، خرید خدمت و... حقوق‌بگیر دولت می‌شوند مشمول مقررات سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرند، تاییدیه مجدد همین قانون مدیریت خدمات کشوری مبنی بر قوام و پایداری سازمان تأمین اجتماعی است.

8- مطلب دیگر در رابطه با جایگاه هیات‌مدیره فعلی سازمان است که چنانچه به استناد ماده 17 قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تشکیل گردیده باید موظف و بدون داشتن مشاغل اجرایی باشند که این مهم نیز در انتخاب آنها رعایت نشده و باید اعضا هیات‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی به لحاظ قانون و گستردگی امور تحقیقی و پژوهشی و تجربی و نظارتی به طور قطع و یقین موظف و غیراجرایی باشند.

9- ابهامات و تفاسیر از قانون تأمین اجتماعی و قانون ساختار نظام جدید رفاه و تأمین اجتماعی و قانون مدیریت خدمات کشوری و خصوصاً اصلاح ماده 113 که اخیراً به واسطه مجلس محترم به تصویب رسیده و قانون تجارت و تطبیق و تقنین و تعارض آنها ارکان این سازمان که به بزرگی 3 وزارتخانه می‌باشد را در عملیات به شدت تحت تأثیر قرار داده و رکن اساسی آن شورای عالی سازمان تأمین اجتماعی که نشأت گرفته از قوانین، مقاله‌نامه‌ها، پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی (ایسا) که همان مدیریت بر مبنای سه‌جانبه‌گرایی است آنچنان تخریب و مخدوش نموده که می‌رود کشور را درگیر چالش، تنش و بحران اجتماعی نماید و لذا از آن مقام محترم استدعا داریم با درایت و تدبیری که همیشه کمک نظام و انقلاب و امام و رهبری و کشور بوده بهره‌گرفته و مجدانه دستور فرمایند نظر غالب و خدایسندانه و عادلانه‌ای برای سازمان که بیش از 90 درصد آن متعلق به مردم و کارگران و کارفرمایان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی است اعلام نمایند تا مانع بروز هر جریانی که نظام را تضعیف می‌نماید گردد. خداوند به همه ما صبر و اجر اخروی مرحمت نماید.

رونوشت این نامه به دفتر رئیس‌جمهور، اعضای هیات‌رئیس مجلس، روسای کمیسیون‌های مجلس، اداره کل تطبیق قوانین مجلس و هیات‌مدیره تأمین اجتماعی ارسال شده است.

پایان پیام

محاکمه فعال فرهنگی و دانشجویی آذربایجانی در تبریز

ساوالان سسی گزارش می‌دهد: جلسه رسیدگی به پرونده هادی مرتضی سیلاب مدیر مسئول نشریه دانشجویی "دان اولدوزو" دانشگاه صنعتی اصفهان، علی حسین تهمتن استاد موسیقی آذربایجانی و ابراهیم فرج زاده، رضا ابری، ابراهیم آسمانی و محمد رضا یوسفی از فعالین مدنی آذربایجانی روز چهارشنبه 5 خرداد ماه در شعبه دوم بیدادگاه انقلاب اسلامی تبریز برگزار شد.

ساوالان سسی می‌نویسد: این افراد 8 دی ماه سال گذشته و پس از شرکت در مراسم تشییع جنازه چنگیز بخت‌آور از فعالین مدنی آذربایجانی در قبرستان مارالان تبریز بازداشت و پس از تحمل ده‌ها روز بازداشت موفق به قید وثیقه‌های 20 و 30 میلیون تومانی از زندان آزاد شده بودند.

دادگاه این افراد به صورت غیر علنی برگزار شده و نقی محمودی وکیل دادگستری در تبریز وکالت مرتضی سیلاب، تهمتن، فرج زاده، ابری و آسمانی را بر عهده داشته است.

این افراد در مدت بازداشت از حق ملاقات با وکیل محروم بوده‌اند و عده‌ای از آنها در دوران بازداشت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته‌اند.

معلم بازنشسته در رابطه با تعطیل بازار سنجید دستگیر شد

آژانس خبری موکریان/سرویس حقوق بشر: یکی از فعالان انجمن صنفی معلمان استان کردستان به نام فرج ا... زنده‌دلان روز گذشته مورخه هشتم خردادماه در محل کارش بازداشت گردید. گفته می‌شود نامبرده که فرهنگی

بازنشسته می باشد در رابطه با تعطیل بازار در 23 اردیبهشت ماه در سنج از سوی نیروی انتظامی بازداشت شده است. تاکنون از محل نگهداری این فعال صنفی اطلاعی در دست نیست .

معلم زندانی را پس از ضرب و شتم به نقطه نامعلومی منتقل کردند

رسول بدایقی معلم زندانی و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران به نقطه نامعلومی انتقال داده شد. رسول بدایقی معلم زندانی و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران در پی یورش وحشیانه روز گذشته و ضرب و جرح و توهین توسط پاسدار اکبری سلیم با نام مستعار شیخ و 2 پاسدار بند دیگر بنام های قاسم محمدی و عقوائی، روز یکشنبه از بند 6 زندان گوهردشت خارج و به نقطه نامعلومی منتقل شد. "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، در ادامه این خبر می نویسند: آقای بدایقی صبح امروز همچنین به بازرسی زندان گوهردشت برده شد و توسط فردی بنام رضا ترابی مورد بازخواست قرار گرفت که چرا خبر ضرب و جرح او در رسانه انعکاس یافته است و چه کسی این خبر را به بیرون انتقال داده است. رضا ترابی که در تهدید و انصراف زندانیان از شکایت علیه شکنجه گران نقش فعالی دارد خود بارها در شکنجه زندانیان بیدفاع بخصوص در بند زنان نقش داشته است. این فرد همچنین در انتقال مواد مخدر به درون زندان و تجاوز به دختران و زنان زندانی عادی نقش دارد. او بجای اینکه در باره آمرین و عاملین ضرب و شتم معلم زندانی سؤال کند در صدد کتمان کردن حقایق بر آمده بود و از انتشار اخبار جنایت غیر انسانی و وحشیانه ضرب و جرح این معلم از او بازخواست می کرد.

همچنین روز گذشته علی محمدی معاون زندان گوهردشت کرج زندانیانی که به حمایت از معلم زندانی آقای بدایقی برخاسته بودند را احضار کرد و آنها را تهدید به تبعید به بند 1 نمود. این فرد با تهدید سعی داشت که به زندانیان وانمود کند که چنین ضرب و شتمی اتفاق نیافته است و چشمان آنها چیزهای غیر واقعی دیده اند . همین مسئله را روز گذشته وقتی که احمد زیدآبادی به شکری رئیس بند 6 نسبت به این رفتار وحشیانه اعتراض کرده بود با وقاحت تمام به او می گفت چنین چیزی نیست در صورتیکه آقای زیدآبادی با چشمان خود شاهد ماجرا بود.

ادامه اعتراض های کارگری در صنایع فلزی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 خرداد 89 مینویسد : در پی تاخیر خبر چند هفته ای که در پرداخت مطالبات معوقه کارگران کارخانه صنایع فلزی به وجود آمده است اعتراض های کارگری در این شرکت ادامه دارد.

جمعی از کارگران کارخانه صنایع فلزی درگفت وگو با خبرنگار ایلنا از ادامه اعتراض های آرام 250 کارگر این کارخانه خبر دادند.

کارگران کارخانه صنایع فلزی در چند هفته گذشته به نشانه اعتراض به آنچه که پرداخت نشدن 6 ماه حقوق پرداخت نشده عنوان می شود چند نوبت دست از کار کشیده در محوطه درونی و اطراف کارخانه تجمع کرده اند. به گفته کارگران این مطالبات معوقه شامل حقوق برخی ماه های بهار و زمستان سال گذشته و فروردین ماه سال جاری است.

آنها همچنین مدعی هستند که کارفرما چندین بار با دادن وعده پرداخت این مطالبات آنها را به ادامه کار فراخوانده است که تمامی آنها بی نتیجه بوده است.

بدون شرح

دبیر کل خانه کارگر:

هدفمند کردن پارانه ها محقق نمی شود

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 خرداد 89 مینویسد : دبیرکل خانه کارگر گفت: معتقدیم هدفمند کردن پارانه ها محقق نمی شود زیرا هزینه هایی که دولت در اجرای این طرح دارد بسیار بزرگ تر از اقدام های آن است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر یکشنبه شب در سالن اجتماعات مرکز آموزشی درمانی الزهرا (س) در مناظره با سیدکاظم دلخوش، طرح هدفمند کردن پارانه ها را خارج کردن اقتصاد از دور طبیعی خود دانست.

وی با بیان اینکه طرح هدفمند کردن پارانه ها سیاسی و مربوط به دولت خاصی نیست، افزود: اصولاً دقت در علم اقتصاد مهم است و باید اندیشیده شده، عمل کرد.

عضو فراکسیون اقلیت مجلس گفت: خارج کردن اقتصاد از دور طبیعی در واقع وارد کردن شوک به اقتصاد است و اقتصاد یک بیماری نیست که بخواهیم با وارد کردن شوک آن را نجات دهیم.

وی ادامه داد: در هدفمند کردن پارانه ها راجع به کالاهایی صحبت می کنیم که به راحتی به دست نمی آید اما راحت مصرف می شود و تراز کردن این دو دشوار است.

محجوب با اشاره به اینکه نقش دولت ها در اقتصاد به اندازه طول تاریخ بشر سابقه دارد، خاطرنشان کرد: چگونه اندیشیدن، تحقیق کردن و بنا کردن یک چارچوب حائز اهمیت است.

وی تصریح کرد: نخستین ایرادی که پس از تصویب این طرح باید آثارش را تصویب کرد، راجع به یک سری کالاهایی است که پارانه به آن تعلق می گیرد و یک سری کالاهایی که پارانه به آنها تعلق نمی گیرد.

منتقد قانون طرح هدفمند کردن پارانه ها گفت: اقتصاد به دو بیماری تورم و رکود دچار است و اگر این روند ادامه پیدا کند هیچ اقتصاددان متعهدی حاضر به درمان آن نیست.

وي با بيان اینکه نباید بسترهای اقتصاد را به يك باره برهم ریخت و به آن شوک وارد کرد، اظهار داشت: برهم زدن قیمت‌های طبیعی هزینه‌های زیادی را متوجه دولت می‌کند.

محبوب با بیان اینکه در هدفمند کردن پارانه‌ها مرزبندی سیاسی مطرح نیست، افزود: اساس هدفمندسازی پارانه‌ها هدفمند کردن حامل‌های انرژی به‌ویژه واردات بنزین است که از ضعف مدیریت پالایش در کشور محسوب می‌شود زیرا صاحب بزرگ‌ترین پالایشگاه در جهان بودیم و دیگران بنزین را از ما می‌خریدند.

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: اصل هدفمند کردن پارانه‌ها به این دولت مربوط نمی‌شود و قیمت‌های بین‌المللی روی کشتی در خلیج باید کنترل شود.

وي افزود: درست است که باید با يك دیدگاه اسلامی کشور را اداره کرد اما حرف ما انتخاب درست‌ترین راه بوده و در این زمینه اختلاف نظر بسیار زیاد است.

سخنگوی طرح تحول اقتصادی مجلس نیز در این مناظره گفت: الگوی اساسی طرح تحول و هدفمند کردن پارانه‌ها بر گرفته از الگوی اسلامی و علم اقتصاد است.

سیدکاظم دلخوش با اشاره به اینکه اقتصاد ایران دارای فرهنگی جدا از فرهنگ غرب است، افزود: برخی افراد به صرف اینکه تئوری پرداز هستند در اجرا و عمل ورود نکرده‌اند و باید واقعیت‌های اقتصادی جامعه را ببینیم.

وي ادامه داد: اگر قرار باشد در عرصه جهانی، ورود به تجارت جهانی WTO داشته باشیم باید اقتصاد خود را ساماندهی کنیم و قانون اساسی که میثاق ملی و قوانین اصل 44 است، در نظر داشته باشیم.

نماینده مردم صومعه‌سرا در مجلس اظهار داشت: کسانی هستند که در برخورد با مسائل اقتصادی تنها به تحصیلات و کتاب‌های دانشگاهی اکتفا می‌کنند و جامعه را به درستی نشناخته‌اند و يك فرد متخصص در زمینه اقتصاد باید در کنار علوم دانشگاهی با واقعیت‌های اجتماعی جامعه آشنا باشد.

به گفته وي امروز همه نمایندگان مجلس و تمام اقتصاددانان معتقد هستند که باید جراحی اقتصادی در کشور صورت بگیرد زیرا اگر این امر انجام نشود ما در آینده اقتصاد دنیا نقشی نداریم.

دلخوش خاطرنشان کرد: در دوره هفتم مجلس در سال 83 بودجه کشور با 100 میلیارد دلار بسته شد اما امسال این رقم به حدود 400 میلیارد دلار رسیده و به طور یقین در سه سال آینده بودجه کشور با 700 میلیارد دلار بسته می‌شود که اگر همپای اقتصاد جهان نباشیم و نتوانیم درآمدهای مردم را افزایش دهیم با مشکل مواجه می‌شویم.

عضو فراکسیون اکثریت مجلس طرح هدفمند کردن پارانه‌ها را سبب جلوگیری از قاچاق و رانت‌خواری از منابع کشور بیان کرد و افزود: در قانون اساسی و اصل 44 رویکرد دولت به طرف مردم، تعاونی‌ها و بخش خصوصی است.

وي تصریح کرد: در هیچ جای دنیا اینگونه که ما پارانه استفاده می‌کنیم و هدر می‌دهیم، عمل نمی‌شود. دلخوش گفت: همه ما چه از جناح چپ و راست معتقد به اسلامی بودن اقتصاد اسلامی هستیم و تصور نمی‌شود کسی بتواند از این مسیر انحراف داشته باشد.

محبوب نیز در ادامه این مناظره به وعده دولت نسبت به طرح پرداخت نقدی اشاره کرد و اظهار داشت: آیا به راستی وعده داده شده به مردم، عملیاتی می‌شود.

نماینده مردم تهران در مجلس افزود: اگر قیمت‌های حامل‌های انرژی افزایش یابد دخالت دولت بیشتر شده و دولت تبدیل به کارفرمای بزرگ می‌شود و فقط حوزه قدرت او افزایش می‌یابد و در مدت اجرای این عملیات، ثروت از جیب مردم خارج و به خزانه دولت منتقل می‌شود.

وي ادامه داد: امروز در تمام دنیا مسئله تورم يك امر مهار شدنی است اما با اجرای این طرح تورم کشور طی پنج سال آینده بیشتر می‌شود.

عضو فراکسیون اقلیت مجلس با بیان اینکه نمی‌توانیم پول بنزین را به کسانی دهیم که مصرف بنزین ندارند، تصریح کرد: اقتصاد باید به آرامی حرکت کند و در مسیرهای پر چالش گرفتار نشود.

وي خاطرنشان کرد: وزیر نیرو نیز از این وضعیت اظهار تاسف کرده که چرا قیمت حامل‌های انرژی برق گران شده است.

محبوب با اشاره به اینکه قیمت بنزین از آخر خرداد و اوایل تیر ماه با کارت 400 تومانی و آزاد لیتری 600 تا 800 تومان عرضه می‌شود، اظهار داشت: آثار این کارها مشهود بوده و مردم به وضوح می‌بینند که دست دولت در جیب آنها رفته است.

به گفته وي بهتر بود به جای هدفمند کردن پارانه‌ها، هدفمند کردن مالیات بر ارزش افزوده صورت می‌گرفت که بازدهی بهتری داشت.

دبیرکل خانه کارگر با بیان اینکه کاهش هزینه‌های عمومی برای نخستین بار در دولت رجایی صورت گرفت، اضافه کرد: در آن زمان 29 درصد نسبت به تولید ناخالص داخلی بودجه داشتیم اما امروز به 90 درصد افزایش پیدا کرده است.

وي تصریح کرد: ما نمی‌گوییم دولت فقیر باشد اما باید خود را کنترل کند ضمن اینکه کوچک کردن دولت عملیاتی اما بسیار دشوار است و این توانایی وجود دارد.

محبوب با بیان اینکه سرویس‌های مردم باید رایگان باشد، خاطرنشان کرد: زیرا امام (ره) وعده اجرای آن را داده بودند و ما نگران وضعیت کارگران و کشاورزان هستیم.

وي با اشاره به اینکه دولت باید تضمین کننده غذای گرم برای خانواده‌ها باشد، افزود: معتقدیم هدفمند کردن پارانه‌ها محقق نمی‌شود زیرا هزینه‌هایی که دولت در اجرای این طرح دارد بسیار بزرگ‌تر از اقدام‌های آن است.

نایب‌رییس‌کانون عالی شوراها در گفت‌وگو با ایلنا:

وزارت رفاه به دنبال دولتی کردن مطلق تامین اجتماعی است

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 خرداد 89 مینویسد: نایب‌رییس‌کانون عالی شوراهای اسلامی کارکشورگفت: استنباطها از طرح 2 فوریتی مجلس درباره سازمان تامین اجتماعی متفاوت است. اولیا علی‌بیگی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: برخی می‌گویند هیات امنای تامین اجتماعی جایگزین شورای عالی شده است اما عده دیگری معتقدند که ادامه فعالیت شورا منافاتی با فعالیت هیات‌امنا ندارد. وی با بیان اینکه در این باره از مجلس استفساریه شده است، تصریح کرد: نمایندگان هرچه سریع‌تر به این بلاتکلیفی پاسخ دهند تا با ابلاغ قانون به این هرج و مرج‌ها پایان داده شود. علی‌بیگی سازمان تامین اجتماعی را نهادی عمومی و غیردولتی عنوان کرد و اظهار داشت: منابع این سازمان متعلق به کارگران و کارفرمایان است بنابراین اینکه برخی مدعی هستند نمایندگان این 2 قشر در هیات‌امنا حضور دارند جوسازی است زیرا وجود 2 نماینده کارگری و کارفرمایی در بین 9 عضو هیات‌امنا عملاً معنای دیگری دارد. نایب‌رییس‌کانون عالی شوراهای اسلامی کارکشور وجود 7 عضو کارگری و کارفرمایی را در شورای عالی تامین اجتماعی نقطه قوت این شورا ارزیابی کرد و گفت: اگر راست می‌گویند ترکیب 9 نفره هیات‌امنا را به صورت مساوی بین نمایندگان کارگر، کارفرما و دولت تقسیم کنند. این مقام کارگری تأکید کرد: متأسفم که بگویم جریانی در وزارت رفاه به دنبال دولتی کردن مطلق سازمان تامین اجتماعی است. پایان پیام

احتمال واگذاری فازهای 13 و 14 پارس جنوبی به خاتم‌الاوصیا

سایت فرارو در تاریخ 10 خرداد 89 می‌نویسد: باتوجه به مذاکره‌های موجود، شرکت خاتم‌الاوصیا یکی از گزینه‌های واگذاری طرح توسعه فازهای 13 و 14 پارس جنوبی است. محسن خجسته مهر - معاون وزیر نفت در امور برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری - با اعلام خبر بالا اظهار کرد: خاتم‌الاوصیا مانند خاتم‌الانبیا، کنسرسیومی متشکل از چند شرکت پیمانکاری بزرگ است. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر این‌که آیا مگر قرار نیست فاز 13 پارس جنوبی به ایدرو سپرده شود و فاز 14 به خاتم‌الاوصیا (ص) واگذار شود؟ افزود: خیر، البته در این زمینه برنامه‌ریزی شده کل فازهای باقی‌مانده پارس جنوبی به پیمانکاران داخلی سپرده شود. او درباره سابقه فعالیت نفتی شرکت خاتم‌الاوصیا تشریح کرد: هرکدام از شرکت‌های این کنسرسیوم، پیمانکاران عمده و بزرگی بوده‌اند که طرح‌هایی را اجرا کرده‌اند. در حال حاضر نیز به‌منظور تحویل پروژه‌های بزرگ‌تر با یکدیگر مجتمع شده و کنسرسیوم ایجاد کرده‌اند. براساس این گزارش، خجسته مهر پیش‌تر گفته بود که مهم‌ترین اقدام در سال 1389 تعیین تکلیف قراردادهای 12 فاز پارس جنوبی است که مقدمات آن در یک ماه انجام شده است؛ این در حالیست که از سال 2002 تا کنون حدود 10 فاز پارس جنوبی را توسعه داده‌ایم. وی با بیان این‌که برنامه‌ریزی شده تا حداکثر توان حفاری کشور در میدان‌های مشترک به کار گرفته شود، افزود بود که در حال حاضر سه نوع میدان مشترک داریم که نوع اول از قبل تولیدی شده‌اند و هم‌اکنون تولید آن‌ها ادامه دارد که برنامه افزایش تولید برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. نوع دوم میادین مشترک در حال توسعه و نوع سوم ساختارهای اکتشافی هستند. پیش‌از این طرح توسعه فازهای 13 و 14 پارس جنوبی برای تامین گاز مورد نیاز پروژه پرشین‌ال.ان.جی به شرکت‌های شل و ریپسول سپرده شده بود. در این راستا طولانی‌شدن مذاکرات این شرکت‌ها منجر به تغییراتی در برنامه این فازها شد؛ به‌گونه‌ای که در آبان سال گذشته حجت‌الله غنیمی‌فرد - معاون امور سرمایه‌گذاری شرکت ملی نفت ایران - با بیان این‌که به‌نظر می‌رسد امکان تولید ال.ان.جی از فازهای 13 و 14 پارس جنوبی به دوره فعالیت‌های دولت بعدی موکول شود، اگرچه اقدامات اولیه و زیرساخت‌های آن در دولت فعلی فراهم شده است، یادآوری کرده بود که در پی مذاکره با شرکت‌های شل و ریپسول به‌تازگی تعریف جدیدی برای توسعه مقدماتی و تولید زودهنگام از فاز 13 پارس جنوبی تهیه و مورد توافق شرکت نفت قرار گرفته است. وی افزود بود که تاکنون توافق شده تا توسعه همه فاز 13 پارس جنوبی در قالب یک طرح مشترک و ترکیبی آغاز شود که به‌این ترتیب پس از آغاز توسعه زودهنگام، طرح توسعه بلندمدت این فاز شروع خواهد شد تا بتوان خوراک مورد نیاز برای کارخانه پرشین‌ال.ان.جی تامین شود. ولی به‌نظر می‌رسد سرانجام با تمام‌شدن مهلت این دو شرکت برای تصمیم‌گیری حضور در پارس جنوبی، به‌کارگیری شرکت‌های داخلی برای توسعه این میدان مشترک را قطعی کرده است.

درخواست خانواده و دوستان محمود صالحی برای نجات جان او

برای نجات جان محمود صالحی بشتابیم*

*کارگران، زحمتکشان، مردم شریف و انسان دوست! محمود صالحی، یکی از رهبران سرشناس طبقه کارگر ایران، مدت هاست که از بیماری حاد کلیوی رنج می‌برد و در هفته‌های گذشته چنان حال وی رو به وخامت نهاده است که هیچ‌گونه درمانی برای مداوای وی موثر نبوده

است و بنا به تشخیص پزشک متخصص و اوضاع نگران کننده جسمی وی، باید هرچه سریعتر مورد عمل جراحی جهت پیوند کلیه قرار بگیرد. محمود صالحی، نه متعلق به خود، خانواده و دوستانش که گنجینه ایست که در دامن مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران پرورده شده است و هرگونه اتفاق سوئی برای او، ضایعه ای برای جنبش کارگری ایران خواهد بود. بدین وسیله ما از همه شما عزیزانی که می خواهید به محمود صالحی کمک کنید می خواهیم که با تمام توان طبقاتی و اراده انسانی تان به یاری ما برای نجات جان این دوست، همراه و رهبر جنبش کارگری ایران بشتابید و برای اهداء کلیه چه با * _ همت * و چه با * _ قیمت * با گروه خونی (0 -) (او/منفی) یا هرگونه کمکی در این راستا در کنار ما قرار بگیرید. لطفاً با ما از طریق تلفن های زیر تماس بگیرید:

08743236198 و 09188747104

دست همه شما را به گرمی می فشاریم.
* از طرف خانواده و دوستان محمود صالحی ***

10 خرداد 89

بازداشت یکی از فعالان صنفی معلمان کردستان در سنندج

یکی از فعالان انجمن صنفی معلمان استان کردستان به نام فرج الله زنده دلان روز گذشته مورخه هشتم خردادماه در محل کارش بازداشت گردید. گفته می شود نامبرده که فرهنگی بازنشسته می باشد در رابطه با تعطیل بازار در ۲۳ اردیبهشت ماه در سنندج از سوی نیروی انتظامی بازداشت شده است. تاکنون از محل نگهداری این فعال صنفی اطلاعی در دست نیست .

آزادی فعال کارگری و عقب نشینی تحمیلی نهادهای امنیتی

ماموران اداره عملیات و اطلاعات پلیس امنیت عمومی حکومتی در شهر سنندج ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۴ خرداد ماه "کوروش بخشنده" از فعالین کارگری شناخته شده این شهر را بازداشت کردند. این نهاد امنیتی ، "کوروش بخشنده" را به تحریک برای اعتصاب عمومی و بستن مغازه ها متهم کرده، اما نامبرده این اتهام را رد و ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه آزاد شده است. گفتنی است که به دنبال بازداشت "کوروش بخشنده" بیش از ۴۵ تن از مغازه داران پاساژ کورپه در نامه ای به بازپرسی شعبه چهارم دادگاه این شهر اعلام کردند نامبرده بی گناه بوده و در صورت عدم آزادی وی، مغازه هایشان را تعطیل خواهند کرد.

انتقال منصور اسالو به سلولهای انفرادی بند سپاه زندان گوهردشت کرج

بنابه گزارشات رسیده از فعالان کارگری ایران در تاریخ 10 خرداد 89 آمده است : انتقال زندانی سیاسی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه به سلولهای انفرادی بند سپاه زندان گوهردشت کرج ، او 3 روز است که تحت بازجویی و شکنجه های روحی بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارد. روز شنبه 8 خرداد ماه حوالی ساعت 10:30 زندانی سیاسی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه از بند 5 معروف به بند متادون که از چهارشنبه سوری در آنجا بسر می برد به سلولهای انفرادی بند سپاه که در دست بازجویان وزارت اطلاعات است منتقل گردید. اواز زمان انتقال تا به حال تحت بازجویی و فشارهای غیر انسانی بازجویان وزارت اطلاعات قرار دارد. گفته می شود علت انتقال پرونده ای است که فروردین ماه علیه او گشوده شده است و اتهامی که به او نسبت داده شده ارتباط با معاندین نظام در زندان می باشد. که در شعبه 6 بازپرسی دادگاه انقلاب کرج به او نسبت داده شد. گنشودن پرونده جدید در حالی است که آقای اسالو در زندان بسر می برد. مدتی پیش کمیسیون پزشکی ، پزشک قانونی که با حضور 5 پزشک متخصص تشکیل جلسه داده بود و چندین ساعت او را تحت معاینات پزشکی قرار داده بودند نظر به وضعیت و شرایط جسمی او اقداماتی باید برای آقای اسالو در نظر گرفته می شد که عملاً رای بر آزادی او در گزارش مربوطه داده شده بود. زندانی سیاسی منصور اسالو در ماه های اخیر پیش از هر مناسبتی تحت فشار ها و اذیت و آزار ها قرار گرفته است و به نظر می آید که در آستانه مناسبتهای خرداد ماه باز هم او را تحت فشارهای غیر انسانی قرار داده اند. فعالین کارگری در ایران ، انتقال آقای اسالو به سلولهای انفرادی و تحت بازجویی و شکنجه های روحی قرار دادن وی در حالی که او در حال طی کردن محکومیت غیر قانونی و غیر انسانی است را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر و سازمان جهانی کار و سایر سندیکاهای بین المللی خواستار اقدامات بین المللی برای پایان دادن به سرکوب کارگران در ایران است.

اطلاعیه اتحاد بین المللی در رابطه با انتقال منصور اسالو به بند اطلاعات زندان رجایی شهر

به گزارش خبرگزاری هرانا و آخرین خبرهایی که روز شنبه ۸ خرداد، ۲۹ مه، به ما رسیده است شخصی بنام سید محمد روح الله هاشمی از منصور اسانلو به حفاظت زندان رجایی شهر شکایت کرده که اسانلو در زندان به زندانیان آموزش میدهد. هاشمی فرد قاتلی است که به جرم قتل برادر و همسر برادرش زندانی است. در این شکایت همچنین مطرح شده است که منصور اسانلو به خامنه ای و احمدی نژاد توهین میکند و به زندانیانی نیز که از آنها حمایت میکنند برخوردهای توهین آمیزی دارد. گفته میشود که این شکایت به تحریک رئیس و معاون زندان رجایی شهر، کرمانی و فرجی، انجام گرفته است. بر اثر این شکایت منصور اسانلو ابتدا به بند معتادان و سپس به بند اطلاعات زندان رجایی شهر منتقل شده و تحت فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار دارد. اتحاد بین المللی بویژه با توجه به وضعیت جسمانی اسانلو ضمن محکوم کردن این توطئه ها علیه مدیر سندیکای کارگران شرکت واحد خواهان آزادی فوری ایشان بوده و از تمام سازمانها و تشکلهای کارگری میخواهد که ضمن محکومیت این توطئه در خواست آزادی فوری و بی قید و شرط ایشان با ما همصدا شوند!

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۳۰ مه ۲۰۱۰

با روند فعلی شصت میلیون نفر زیر خط فقر می روند

سایت پارلمان نیوز وابسته به خط امامی ها: عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی مهمترین دلیل وجود خط فقر در کشور را عدم سرمایه گذاری در بخش اشتغال، واردات بی رویه و تضعیف تولید در کشور ذکر کرد.

داریوش قنبری در گفتگو با خانه ملت درخصوص ارائه آمار دولت مبنی بر وجود 40 میلیون نفر در خط فقر گفت: هنگامی که بیکاری در جامعه ای افزایش یابد و پول نفت به جای اینکه در کارهای زیربنایی صرف شود در بودجه جاری هزینه گردد، باید شاهد خط فقر در کشور باشیم.

سختگوی فراكسیون خط امام در ادامه افزود: عدم سرمایه گذاری در کارهای زیربنایی و تولیدی در سطح ملی موجب بیکاری، اعتیاد، بزهکاری و فقر شدید، فقر نسبی در جامعه خواهد شد.

نماینده مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: بررسی های جامعه شناسانه بیانگر این است فقر در ایران ناشی از درآمد پایین است، درآمد پایین به دنبال پس انداز پایین و سرمایه گذاری پایین حاصل می شود.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: مسئولان دولتی باید بگویند در طول این 5 سال که بالاترین درآمد نفتی را در کشور پس از انقلاب داشته ایم در چه راهی مصرف شده است.

وی خاطرنشان کرد: عدم مدیریت صحیح و کاردان در استفاده بهینه از منابع مالی موجب شده تا نوعی نابسامانی در بخش تولید همراه شود.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس یادآور شد: اگر برای موضوع خط فقر چاره اساسی نشود باید در انتظار این باشیم که در یکی، دو سال آینده 60 تا 65 میلیون نفر از جمعیت کشور در زمره خط فقر قرار گیرند.

کنترل موبایل افراد، ورود به شرکتهای خصوصی و بررسی پوشش کارمندان، برخورد و دستگیری در کافی شاپها، مراکز خرید و معابر، جمعآوری مانکنها و لباسهای نامناسب از مراکز خرید، کنترل و پلمپ برخی عکاسیها از جمله اقدامات ماموران مجری طرح گشت نسبت بوده است.

به نوشته سایت مردمک در تاریخ 10 خرداد 89 آمده است: در پی آنکه در راستای طرح امنیت اجتماعی، خبر اجرای طرحی با عنوان «گشت نسبت» در پخش شد، اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی، ادعای اجرای این طرح را شبیه به یک «لطیفه» دانست.

وی دهم خرداد ماه در حاشیه «هماندیشی مبارزه با مواد مخدر و پولشویی» به خبرنگاران گفت: گشت نسبت یک دستور سازمانی نیست و چنین اطلاعی ندارم.

آقای احمدی مقدم در حالی که میگوید «نیروی انتظامی، مسوول روابط مردم نیست» تاکید می کند که «اما اینگونه نیست که پلیس افرادی را به دلایل مختلف دستگیر کند و موضوع رابطه نامشروع آنها را پیگیری نکند». طرح امنیت اجتماعی مدتی است که در کشور در حال اجراست و به گفته فرمانده نیروی انتظامی در هر استانی متناسب با شرایط آن استان اجرا می شود.

نیروی انتظامی، از روز اول خرداد ماه، مرحله چهارم طرح امنیت اجتماعی را که از اردیبهشت ماه سال 85 آغاز شد، با عنوان طرح «مقابله با مزاحمان نوامیس» به اجرا درآورده است.

نیروی انتظامی در اجرای این طرح با افرادی که با خودرو یا در خیابان برای خانوادهها و نوامیس مزاحمت ایجاد می کنند، برخورد کرده و مجرمان را به منظور رسیدگی به جرایم آنها به قوه قضاییه معرفی می کند.

نخستین روز اجرای این طرح، توقف بیش از 50 خودرو را که سرنشینان آنها افرادی بدحجاب و یا مزاحم تلقی می شوند، در پی داشت و گفته می شود که خودروی این افراد به مدت دو ماه توقیف خواهد بود.

به گفته حسین ساجدی نیا، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، از زمان شروع طرح «مقابله با مزاحمان نوامیس» و «مانکنهای خیابانی»، به صورت میانگین 150 خودرو در روز توقیف شده است.

روز چهارم خرداد ماه آقای ساجدی نیا اعلام کرد که ماموران نیروی انتظامی از بدحجابان برای اراده مدرک به مراجع قضایی، فیلمبرداری خواهد شد.

او گفت که عکس و فیلم افراد بدحجاب در پرونده‌شان قرار می‌گیرد تا کسی نتواند در مقابل محاکم قضایی اقداماتش را منکر شود.

طرح «ارتقای امنیت اجتماعی» در راستای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «طرح جامع عفاف» و پس از تأیید رهبر جمهوری اسلامی از سال 85 و با همکاری نیروی انتظامی، قوه قضائیه، سپاه پاسداران و بسیج به اجرا درآمده است.

«مبارزه با بدحجابی»، «برخورد با خرده‌فروشان مواد مخدر، ارادل و اوباش» و «تولید و توزیع‌کنندگان سی‌دی‌های مستهجن» مراحل پیشین اجرای این در سال‌های گذشته بودند.

کنترل موبایل افراد، ورود به شرکت‌های خصوصی و بررسی پوشش کارمندان، برخورد و دستگیری در کافی شاپ‌ها، مراکز خرید و معابر، جمع‌آوری مانکن‌ها و لباس‌های نامناسب از مراکز خرید، کنترل و پلمپ برخی عکاسی‌ها از جمله اقدامات ماموران مجری این طرح بوده است.

نیروی انتظامی درحالی سرسختانه به اجرای طرح امنیت اجتماعی اقدام کرد که محمود احمدی‌نژاد در سال 87 تأکید کرد که «طرح امنیت اجتماعی، انتظامی نیست، بلکه فرهنگی است و عناصر فرهنگی باید با کمک گرفتن از مردم آن را اجرا کنند».

اجرای طرح «امنیت اجتماعی» به همراه طرح مبارزه با «بدحجابی»، در یک سال گذشته و با داغ شدن رقابت‌های انتخاباتی و پس از آن بالاگرفتن اعتراض‌ها و برخورد حکومت با معترضان، فراموش شد، اما بار دیگر از امسال با اعتراض چهره‌های مذهبی و تذکر به دولت جریان یافت.

«امر به معروف و نهی از منکر» قانونی می‌شود

103 نفر از نمایندگان مجلس، طرحی را با 28 ماده و چهار فصل آماده کرده‌اند که بر اساس آن «امر به معروف و نهی از منکر» به قانون تبدیل می‌شود.

یک فوری این طرح در روز دوم خرداد ماه با 172 رای موافق، 12 رای مخالف و 26 رای ممتنع در مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

به موجب ماده چهارم این طرح، «امر به معروف و نهی از منکر» در مرحله تذکر زبانی، کتبی و رفتاری و ارائه شکایت و گزارش به مراجع مسوول، وظیفه همگانی است و در مرحله اجرایی در محدوده وظایف حکومت قرار می‌گیرد.

این طرح اگر به تصویب نهایی در مجلس برسد، به عنوان قانون به همه وزارتخانه‌ها، ادارات، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی ابلاغ خواهد شد و شورایی با عنوان «شورای سیاست‌گذاری امر به معروف و نهی از منکر» نیز به منظور نظارت بر کلیه فعالیت‌های دولتی، غیردولتی و مردمی و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، تشکیل می‌شود.

اعضای این شورا را نماینده رهبر به عنوان رئیس شورا، یکی از معاونین رئیس جمهوری به انتخاب شخص رئیس جمهوری و یکی از معاونین قوه قضائیه به انتخاب رئیس قوه قضائیه، همچنین یکی از نمایندگان مجلس به انتخاب مجلس شورای اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و یکی از اعضای شورای عالی حوزه علمیه تشکیل خواهند داد.

عدم پرداخت مطالبات کارگران شرکت سازمیه

کارگران شرکت سازمیه که بعد از تجمع ۲۰ اردیبهشت متوجه وعده پوشالی و سر دواندن آنها توسط دست اندر کاران شرکت و مسئولین دولتی شده بودند، با مراجعه به دادگستری خواهان رسیدگی به پرونده شان شدند. یکی از کارگران این شرکت به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: «به ماگفتند که روز دوشنبه در جلسه ای با دست اندرکاران و نمایندگان شرکت این موضوع بررسی و تعیین تکلیف میشود، اما اگر به ما جواب ندهند روز سه شنبه دست به یک تجمع اعتراض میزنیم».

برخلاف تبلیغاتی که در زمینه پرستاری وجود دارد تا کنون هیچ اقدام مفیدی برای پرستاران انجام نشده است

خانه پرستار ایران در تاریخ 10 خرداد نوشت: محمد شریفی مقدم در گفتگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران گفت: وضعیت پرستاران با وجود تبلیغاتی که برای بهبودی اوضاع می شود تا به سامان است. وی با اشاره به دریافتی های پرستاران استخدامی در سال 88 گفت: دریافتی های پرستاران استخدامی سال 88 بسیار اعتراض انگیز بود و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در عمل اقدامی انجام نداده است همین موضوع که موجب ترك خدمت پرستاران استخدامی سال 88 شد.

شریفی مقدم تصریح کرد: در چند سال گذشته وضعیت معیشتی پرستاران تغییری نکرده است و برخلاف وعده های داده شده هیچ اقدام عملی در اوضاع پرستاران انجام نشده است.

یک مقام نفتی: آتش سوزی چاه نفت شهر حداقل 6 ماه ادامه می یابد

سایت ایرن در تاریخ 10 خرداد 89 نوشت: بر اساس اظهار نظرهای مسئولین نفتی، انتظار می رود آتش سوزی ناشی از انفجار سکوی حفاری چاه 24 در منطقه نفت شهر، 6 ماه ادامه یابد.

به گزارش خبرنگاری مستقل محیط زیست ایران، یک مقام نفتی که خواست نامش فاش نشود ضمن بیان این نکته که شرایط چاه منفجر شده بسیار خاص است، اظهار داشت: گزارش های اولیه از بازدیدهایی که از چاه

شماره 24 نفت شهر در استان کرمانشاه انجام شده است نشان می دهد که 6 ماه زمان برای خاموش کردن آتش سوزی این چاه مورد نیاز است. چاه نفتی شماره 24 نفت شهر در استان کرمانشاه ساعت 6 و 30 دقیقه بامداد شنبه (8 خرداد) هنگام حفاری دچار نشت گاز و فوران نفت و آتش سوزی شد. در این حادثه 3 نفر از کارکنان شرکت حفاری شمال جان باختند و 12 نفر مجروح شدند. حجم گاز خروجی از دهانه چاه و شدت آتش سوزی که ارتفاع آن تا چند ده متر می رسد در حدی است که منجر به ذوب کامل دکل و تجهیزات سرچاهی شده است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری:

حمله اسرائیل به باری دهندگان مردم غزه را محکوم می کنیم

ارتش اسرائیل راه را بر کاروانی از شناورهای حامل مواد غذایی و دارویی برای مردم غزه بسته، به سرنشینان این شناورها یورش برده و با درندگی و ددمنشی کم سابقه ای افراد بی سلاح و فاقد هر نوع امکانات دفاعی را به رگبار بسته است. در این حادثه فجیع خونبار و بشرستیزانه، 9 نفر از سرنشینان شناورها به قتل رسیده و تعداد بسیار بیشتری زخمی شده اند. هجوم هار و بربرمنشانه کماندوهای اسرائیلی به سرنشینان بی دفاع شناورها و کشتار ده ها انسان، بی درنگ در همان لحظات نخست مورد تأیید قاطع دولت اسرائیل و مقدم بر همه نتانیاهو نخست وزیر سفاک و خونخوار این کشور قرار گرفت. کاروان شناورها متشکل از شمار کثیر افرادی بوده است که با احساس مسئولیت ژرف انسانی، با هدف رساندن نیازهای اولیه معیشتی به توده انبوه گرسنگان، آوارگان و بیماران مقیم غزه و با اقدامی شجاعانه برای درهم شکستن محاصره اقتصادی ساکنان این جهنم، از نقاط مختلف دنیا راه افتاده اند و سواحل قبرس را به سوی نوار غزه در فلسطین ترک گفته اند. از روزهای به اصطلاح پایانی آخرین حمله نظامی دولت سرمایه داری اسرائیل از زمین و هوا و دریا به کودکان و زنان و بردگان مزدی گرسنه و بی پناه غزه حدود یک سال ونیم می گذرد. نام این دوره در عرف دولت ها و نهادهای بین المللی سرمایه دوره «آتش بس» بوده است. اما آنچه در غزه جریان داشته و همچنان جاری است تجسم وحشیانه ترین شرایط جنگی بوده که از سوی دولت اسرائیل بر اهالی این منطقه تحمیل شده است. حاکمان سرمایه در اسرائیل در این مدت محاصره کامل نوار غزه از جمله محاصره غذایی و دارویی، جلوگیری از ورود هر نوع مصالح ساختمانی و ممانعت از دسترسی مردم به هرگونه احتیاجات اولیه معیشتی و ادامه حیات انسان ها را با حداکثر سخت گیری و سببیت ادامه داده اند. حمله سال 2008 اسرائیل به غزه فقط 1500 سکنه نفرین شده این منطقه را به مرگ محکوم نکرد. صدها هزار زخمی و مصدوم و معلول نیز برجای گذاشت. صدها هزار بیکار بر شمار کارگران بیکار اضافه کرد. صدها هزار گرسنه را گرسنه تر ساخت و صدها هزار گرسنه جدید را به جمع آنان افزود. هر چه بیمارستان و مرکز درمان بود درهم کوبید. هر چه کلاس درس و مدرسه و مرکز آموزشی وجود داشت ویران کرد. صدها هزار آلودگ مسکونی را بر سر ساکنانش خراب کرد. بیش از یک و سال و نیم از تاریخ وقوع این جنایت ها، درندگی ها، نسل کشی ها و ویرانگری ها می گذرد و دولت دزخیم اسرائیل در زیر چتر حمایت همه جانبه قطب های عظیم قدرت سرمایه جهانی، چند میلیون سکنه قربانی چنین قتل عامی را از زمین و آسمان و دریا در محاصره گرفته است تا امکان رساندن هر نوع غذا و دارو و امکانات معیشتی را از آنان سلب کند.

دولت سرمایه داری درنده اسرائیل در این محاصره سراسری بشرکش علیه توده بردگان مزدی غزه، نه فقط از پشتیبانی کامل ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و قدرت های بزرگ دنیا سرمایه داری به اندازه کافی برخوردار بوده بلکه از سوک سران قدرت سرمایه در خاورمیانه نیز حمایت شده است. دولت مصر دست در دست حاکمان اسرائیل حلقه این محاصره را تنگ تر و تنگ تر ساخته است، تمامی نوار مرزی خود با غزه را مسدود کرده و حتی با کشیدن دیوار بتونی زیر زمینی، حفاری کانال های مخفی زیرزمینی برای واردات هر میزان دارو مواد خوراکی را غیرممکن کرده است. این وضعی است که در این یک سال و نیم درغزه جریان داشته است. دنیاى خرابه های جنگ همچنان پابرجاست. هیچ بیمارستانی به هیچ میزانی تعمیر نشده است. هیچ خانه بمباران شده ای در هیچ سطحی روی ترمیم ندیده است. هیچ کلاس درسی بازسازی نشده است. هیچ مدرسه ای قابل استفاده مجدد نگردیده است. هیچ مزرعه و مرکز کار دیگری دوباره به کار نیفتاده است. زندگی در اینجا دچار رخوت و رکود و حتی انجماد شده است و دولت های سرمایه داری دنیا با تمامی توان دست به کار حمایت از حاکمان هار و درنده اسرائیل برای ادامه این وضع بوده اند و هستند. فاجعه زندگی بردگان مزدی در غزه به این ها هم محدود نیست. این ها همه فقط جزئی از کوه عظیم بدبختی های این بردگان است. این مصیبت ها و سیه روزی ها همگی تنها به این دلیل بر آنان تحمیل می شوند که بردگان مزدی هستند، بردگان مزدی که باید با لحظه لحظه حیات خود سرمایه های جانیان سرمایه دار فلسطینی و اسرائیلی و هر کجای دیگر را نیز تولید کند. باید سود دلخواه این سرمایه ها را نیز تسلیم صاحبان آن ها کند. باید بیکارسازی های گسترده سرمایه داران وطنی را نیز تحمل کند. باید در هر کجا که امکان فروش نیروی کار هست تا آخرین رمق خود را بفرساید و هلاک سازد و از هستی ساقط گرداند تا مالکیت سرمایه داران را وسیع تر، قدرت سرمایه را افزون تر و خود را مقهورتر و فرومانده تر کند. باید تمامی دردها و رنج های بردگان همزنجیرش در سراسر دنیا را در ابعادی بسیار هولناک تر و فاجعه بار بر گرده خویش بار نماید. معضل اما حتی به اینجا هم محدود نمی شود. او باید جان خود و جان نسل بعدی خود را مدام و در متن شستشوی مغزی کامل، ضامن اقتدار جریان های سرمایه سالار قدرت پرستی چون «حماس» و «الفتح» و به طور کلی طبقه سرمایه دار فلسطین سازد. باید در دل شرایط سراسر وحشت و دهشت و گند و خونی که سرمایه جهانی بر او تحمیل کرده است، پیاده نظام و منت پذیر سیاست های عوام فریبانه دولت

اسلامی سرمایه داری ایران و شرکای وطنی آن‌ها گردد. باید زیر نام میهن و خلق و سرزمین آبا اجدادی قربانی بی هیچ بهای این یا آن بخش سرمایه داری ناسیونالیستی باشد. باید در چنبره مخوف خرافات ارتجاع مذهبی سیاهی لشکر و گوشت دم توپ این یا آن دولت سرمایه داری پان اسلامیتی شود. توده بردگان مزدی سرمایه در غزه چنین وضعی دارند. آنان گرسنه اند. بیکارند. کودکان آن‌ها مدرسه ای ندارند تا در آن درس بخوانند. بیمارستانی ندارند تا برای درمان بیماری‌های خود به آن رجوع کنند. ساده ترین بیماری‌ها هر روز شمار زیادی قربانی می‌گیرد. این جمعیت وسیع، سرپناهی ندارند تا شب را در زیر سقف آن لحظه ای بیاسایند. اگر هم دارند باید در تاریکی به سر برند، زیرا نیروگاه‌های برق با کمترین ظرفیت خود کار می‌کنند. آب آشامیدنی بهداشتی در اختیارشان نیست. درصد قابل توجهی از کودکان به دلیل آلودگی بیش از حد آب، به صورت مادرزادی دچار بیماری‌های قلبی هستند. مشکلات روانی بیداد می‌کند. اکثر خردسالان دچار وحشت هستند و هنوز هم عوارض بمباران‌ها را در تمامی تار و پود هستی خود حمل می‌کنند. جمعیت زیادی از کودکان دچار نوعی نقص عضو هستند و این حالت معلولیت را بدون داشتن هیچ امکانی برای درمان آن تحمل می‌کنند. فشار گرسنگی و بی بهداشتی و نبود دکتر و دارو از یک سو کودکان و جوانان و سالمندان را به بیماری‌های زیادی مبتلا ساخته و از سوی دیگر میزان مرگ و میر را به نحو چشمگیری افزایش داده است. هیچ امکانی برای کشیدن هیچ نفس راحتی وجود ندارد. حتی در روزهای «آتش بس» هم باید منتظر بمباران بود. باید آماده جنگیدن در رکاب «حماس» شد، که هم اکنون حاکمیت غزه را در اختیار دارد. ساکنان دوزخ غزه در این وضعیت به سر می‌برند و درست در دل چنین وضعی است که چند صد نفر انسان شریف و مردم دوست از اکتاف مختلف دنیا، کاروانی از شناورها راه انداخته اند تا با عبور از آب‌های بین‌المللی در ساحل غزه لنگر اندازند و از این طریق دیوار محاصره دولت اسرائیل را درهم شکنند. کاروان شناوران حامل کمک‌های انسانی برای شکستن حصارهای قهر سرمایه علیه ساکنان غزه، اینک با حمام خون دولت‌ها اسرائیل مواجه شده است. شدت توحش و ابعاد درندگی حاکمان اسرائیل در حدی بود که حتی شمار قابل توجهی از دولت‌های سرمایه داری دنیا نیز مجبور به ابراز نوعی مخالفت با آن شدند، مخالفت‌هایی که تنها به این دلیل صورت گرفته و می‌گیرند تا طغیان احتمالی اعتراضات انسان‌ها را در کشورهای مختلف دنیا مهار کنند. آش آن قدر شور شده است که حتی دولت جنایتکار آمریکا، که حامی و متحد اصلی اسرائیل است، از نتانیاهوی دژخیم برای این جنایت اش توضیح خواسته است. مسأله اساسی، خواه در مورد این شیخون وحشیانه دولت اسرائیل و خواه درباره کل وضعیتی که سرمایه جهانی بر بردگان مزدی ساکن غزه تحمیل کرده، این است که حرف کارگران دنیا از جمله کارگران ایران چیست؟ آیا مشکل مردم غزه با تمامی ابعاد پیچیده و فاجعه باری که دارد مشکل طبقه کارگر نیست؟ آیا اینان محکومند که آماج هارترین و خونبارترین تهاجمات مستمر دولت اسرائیل باشند؟ آیا حق این دولت و کل سرمایه جهانی است که جنایات دردناک 60 ساله اخیر را همچنان بر گرده این بردگان بار کنند؟ آیا زن و مرد و پیر و جوان و کودک آن‌ها همچنان باید در تله‌های مرگ محاصره اقتصادی اسرائیل و سرمایه جهانی از هستی ساقط شوند؟ آیا این انسان‌ها محکومند که پیاده نظام ارتجاع اسلامی «حماس» باشند؟ آیا سرنوشت آنان این است که در پشت سر «الفتح» و ناسیونالیسم فلسطینی و عربی، علیه خویش و علیه همزنجیران اسرائیلی خود بجنگند؟ آیا واقعاً راه چاره آنان این است که دل در گرو نسخه صلح کاخ سفید و سازمان ملل و شورای امنیت ببندند؟ به نظر ما، پاسخ همه این سئوال‌ها منفی است. کارگران غزه و کل فلسطین جزء جدایی‌ناپذیری از طبقه کارگر جهانی هستند. هر میزان رهایی آنان از این وضعیت نیز بدون هیچ تردید در گرو صف آرایی و حمایت بین‌المللی همزنجیران آنان در سراسر دنیاست. ما به عنوان فعالان جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر ایران جنایت وحشیانه و سبانه دولت اسرائیل علیه کاروان شناورهای حامل کمک‌های انسان دوستانه مردم جهان و کشتار فجیع سرنشینان این شناورها را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار محاکمه آمران و عاملان این جنایت در دادگاه‌های صالح بین‌المللی هستیم. همچنین ما بر خواست پایان دادن هرچه زودتر به محاصره ددمنشانه مردم غزه پای می‌فشاریم و بیش از هر چیز خواستار حمایت هر چه فعال‌تر کارگران دنیا از جمله کارگران ایران از همزنجیران خود در غزه و به طور کلی فلسطین هستیم. کارگران ایران خوب می‌دانند که به اصطلاح حمایت دولت سرمایه داری ایران از مردم فلسطین هیچ چیز جز عوام فریبی نیست و هرچه تا کنون این دولت از سفره طبقه کارگر ایران گرفته و به عنوان «کمک به مردم فلسطین» به منطقه ارسال کرده فقط و فقط به جیب «حماس» و «حزب اله لبنان» سرازیر شده و به ویژه صرف تسلیح بیش از پیش این جریان‌های ارتجاعی و ضدکارگری برای دامن زدن به جنگ و خون‌ریزی هرچه بیشتر در منطقه شده و سرسوزنی از این به اصطلاح کمک‌ها به دست مردم محروم و نفرین شده غزه نرسیده است. کارگران ایران این را خوب می‌دانند و به همین دلیل ضمن محکوم کردن حمله ضدبشری دولت اسرائیل و کشتار ددمنشانه حامیان انسان دوست مردم بی‌پناه غزه، جار و جنجال‌های عوام‌فریبانه و دروغین دولت اسلامی سرمایه داری ایران در مورد کمک به مردم فلسطین را نیز افشا می‌کنند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

11 خرداد 1389

www.hamaahangi.net

khbitkzs@gmail.com

پرستاران و مشکلات آنان در ایران

خبرگزاری دولتی ایلنا، در تاریخ ۱۱ خرداد ماه، متن گفتگوی دبیر کل خانه پرستار ایران را منتشر ساخت که گفته است: " متأسفانه طرح کارانه پرستاران (که نتیجه خودگردانی بیمارستان‌هاست) که قبلاً با تاخیر نهایتاً شش

ماهه مواجه بود، هم اکنون یک سال است که پرداخت نشده است ... در بعضی از بیمارستان ها این تاخیر تا ۱۶ ماه نیز بوده، این درحالی است که طرح کارانه بعنوان کمک دریافتی به حقوق پرستاران بوده و قرار بود زندگی و وضعیت معیشت آنان را تحت الشعاع قرار دهد ... پرستاری که یک سال است کارانه دریافت نکرده چگونه می تواند قسط وام مسکن یا اجاره بهای مسکن خود را بپردازد ... اساس پرداخت کارانه ناعادلانه است ...

کارانه نام روشی است که مطابق آن با خود گردانی و کسب درآمد توسط بیمارستان ها، این درآمد میان پزشکان، خدمات وامور اداری بیمارستان و مابقی کارکنان اعم از پرستار، کارکنان آزمایشگاهی و جز این ها، تقسیم می شود. دبیر کل خانه پرستار ایران در این باره معتقد است: " ۶۵... درصد از درآمد بیمارستان ها به پزشکان عضو هیات علمی که حضور کم رنگی در بیمارستان ها دارند پرداخت می شود، ۱۰ درصد به بیمارستان و ۲۰ درصد بقیه، میان تمام کارکنان بیمارستان اعم از پرستار، کارآمد آزمایشگاه، نگهبان، حسابدار و غیره اختصاص دارد که همین رقم ناچیز نیز با تاخیر (تاکنون یک ساله) مواجه است، پرداخت کارانه بسیار ناعادلانه است."

پرستاران کشور مان ایران به دلیل اجرای برنامه های ورشکسته اقتصادی به ویژه خصوصی سازی و مقررات زدایی و نیز حذف و قطع یارانه ها با مشکلات بی شماری مواجه هستند. لغو قراردادهای موقت و پیمانی، مشکلات خصوصی سازی بیمارستان ها و بخش بهداشت، عدم پرداخت دستمزد واقعی مطابق با نرخ بالای تورم، حق برخورداری از اجتماعات و شکل پذیری تشکل های مستقل صنفی و مطالباتی پرستاران که از پایه ای ترین خواست های پرستاران است در برابر تمامیت این نظام خودنمایی می کند.

فراخوان فعالین سیاسی و دانشجویی گیلان برای تجمع 22 خرداد

اطلاعیه سبز اندیشان گیلانی برای تجمع 22 خرداد

22 خرداد روزی بود که ما ایرانیان به امید تغییر در وضعیت کشور به پای صندوقهای رای رفتیم ، اما چه زود امیدهای ما با کودتایی نرم بر علیه ملت به یاس تبدیل شد و جواب اعتراض ما مردمان صبور گلوله و زندان شد. اکنون بعد از گذشت حدود یکسال از آن کودتای نرم ، ما جمعی از فعالان سیاسی و دانشجویی گیلان تصمیم داریم تا در سالگرد انتخابات ریاست جمهوری تجمعی آرام و به دور از هرگونه خشونت را در رشت و مقابل دانشگاه علوم پایه برگزار کنیم تا بار دیگر حمایت خود را از رهبران جنبش آقایان موسوی ، کروبی و خاتمی و نیز اهداف سبزشان بیان کنیم و این تجمع را طبق اصل 27 قانون اساسی حق مسلم خود میدانیم زیرا که در این قانون صراحتاً بیان شده برگزاری تجمعات اگر بدون سلاح و مخالف مبانی اسلام نباشد آزاد است. در همین راستا از مردم فهیم استان سبز مان گیلان دعوت میکنیم تا با حضور خود در این تجمع ما را یاری کنند و از نیروی انتظامی نیز تقاضا داریم تا امنیت این تجمع را تامین کرده و از ما در مقابل بعضی ارازل و اوباش سازمان یافته که بعضاً تجمعات را به خشونت میکشند محافظت کنند

وعده دیدار : رشت ، دانشگاه علوم پایه ، راس ساعت 6

<http://www.jonbesh-daneshjoee.blogfa.com/post-2219.aspx>

واردات 60 هزار تن برنج با وجود انبارهای سرشار از برنج سالهای قبل

سایت لاهیگ در تاریخ 11 خرداد می نویسد : دبیر انجمن برنج ایران از واردات 60 هزار تن برنج در فروردین سال جاری درحالی که هنوز انبارها سرشار از برنجهای سالهای قبلی است، انتقاد کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، جمیل علیزاده شایق، گفت: در فاصله سالهای 1384 تا 1388 حدود شش میلیون تن برنج خارجی وارد کشور شده، ضمن این که تولید داخلی در همین مدت حدود 12 میلیون تن بوده است. وی، افزود: به عبارت دیگر، در طول 5 سال گذشته نزدیک به 18 میلیون تن برنج ایرانی و خارجی عرضه شده، درحالی که نیاز کشور به برنج در این مدت بیش از 13 میلیون تن نبوده است.

دبیر انجمن برنج ایران، تصریح کرد: اگر حتی ذخیره سازی اضطراری را نیز منظور کنیم، 14 تا 14/5 میلیون تن نیاز و ذخیره سازی را تأمین می کرد.

به گفته وی، اگر گفته شود در انبارها برنجی نمانده، این به معنای ضایعات 6-5 میلیون تنی برنج در کشور است. دبیر انجمن ایران، رقم 44 کیلوگرم مصرف سرانه اعلام شده نهادهای واردکننده را در واقع مصرف بر اساس واردات دانست و نه نیاز واقعی.

علیزاده شایق خواستار توجه جدی به برنج کاران داخلی شد و تأکید کرد: ادامه این روش جز تبدیل اراضی برنج کاری به باغات و حتی ویلاسازی نتیجه ای دربر نخواهد داشت.

نتیجه گزارش بانک مرکزی: کاهش ۴۲,۹ درصدی سرمایه گذاری خارجی در سال

۸۷

در سایت کلمه در تاریخ 11 خرداد 89 نوشت : آخرین گزارش های رسمی منتشر شده بانک مرکزی نشان می دهد که میزان جذب سرمایه خارجی در پایان سال ۸۷ منفی ۴۲,۹ درصد کاهش یافته، این درحالی است که وزارت اقتصاد اعلام می کند که جذب سرمایه خارجی در کشور روند صعودی داشته است.

به گزارش ایلنا، ورود سرمایه خارجی پس از تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در کنار

قانون برنامه سوم به اجرا درآمد. پیش از این قوانین کشور اجازه ورود هیچ نوع سرمایه خارجی به کشور نمی‌داد و آنچه در گذشته تحت عنوان سرمایه خارجی وارد کشور شده بود، مربوط به دولت سازندگی و تحت عنوان وام از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفته بود.

در آغاز برنامه سوم توسعه و به دنبال کاهش درآمدهای نفتی دولت سید محمد خاتمی برآن شد تا برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام باقی مانده از دولت قبل و انجام عملیات عمرانی منطبق بر برنامه دوم توسعه لایحه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را روانه مجلس کند. با تصویب این قانون دولت اجازه یافت تا سرمایه‌گذاران خارجی را به کشور دعوت کند که بسیاری از پروژه‌های عمرانی بخش نفت از جمله پارس جنوبی پس از ابلاغ این قانون جذب شد.

گزارش‌های بانک مرکزی از میزان جذب سرمایه خارجی نشان می‌دهد که در پس از ابلاغ قانون در نیمه دوم سال ۷۹، حدود ۲۹ میلیون دلار سرمایه خارجی وارد کشور شد. روند رشد جذب سرمایه خارجی به دنبال سیاست تنش‌زدایی دولت موجب تسریع در جذب سرمایه خارجی به کشور شد. به طوری که سرمایه خارجی جذب شده در سال‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۳ به ترتیب ۳۹۸، ۱۱۱ و ۳۰۸ میلیون دلار افزایش یافت. جذب سرمایه خارجی در آخرین سال دولت هشتم یعنی در سال ۸۴ براساس آمار به بالاترین رقم خود یعنی ۹۳۳ میلیون دلار رسید. با تغییر دولت، جذب سرمایه خارجی هم تحت شعاع برنامه‌های دولت قرار گرفت به طوری که نرخ رشد سرمایه خارجی در سال‌های ۸۵ به منفی ۴۳،۲ درصد و در سال ۸۷ به منفی ۴۲،۹ درصد به ثبت رسیده است. گزارش‌های بانک مرکزی از سرمایه‌گذاری به شیوه BOT حاکی است که در سال ۸۳ به میزان ۱۰۳ میلیون دلار و در سال ۸۴ به میزان ۱۲۹ میلیون دلار پروژه به شیوه BOT جذب شده است که این نوع از سرمایه‌گذاری در سال‌های ۸۵، ۸۶ و ۸۷ با روند کاهشی به ترتیب با منفی ۶۸،۹۲ و ۶۶ درصد مواجه شده است. نرخ رشد سرمایه‌گذاری به روش فاینانس در سال ۸۷ به میزان منفی ۴۲ درصد کاهش یافته است. گزارش بانک مرکزی می‌افزاید؛ در فاینانس خودگردان نرخ رشد ثبت شده منفی ۵۲،۲ درصد ثبت شده است. سرمایه‌گذاری از طریق ابزارهای بدهی یا از طریق شبکه بانکی نرخ رشد ثبت شده برای سال ۸۷ به میزان منفی ۲۳،۶ درصد بوده که این میزان در بخش اعتبارات اسنادی با نرخ رشد منفی ۲۲،۱ درصد ثبت شده است. بانک مرکزی همچنین اعلام کرده که مجموع کل سرمایه‌گذاری خارجی در پایان سال ۸۷ منفی ۱۸،۴ درصد کاهش داشته است در حالی که نرخ رشد جذب سرمایه خارجی در سال ۸۰ به میزان ۴۳ درصد، در سال ۸۱ به میزان ۲۴،۸ درصد، در سال ۸۲ به میزان ۴۲،۲ درصد، در سال ۸۳ به میزان ۴۹،۵ درصد به ثبت رسیده این در حالی است که در سال ۸۵ نرخ رشد سرمایه‌گذاری خارجی به منفی ۱۶ درصد، در سال ۸۶ به میزان ۴،۷ درصد و در سال ۸۷ به میزان منفی ۱۸،۴ درصد ثبت شده است.

شورش اجتماعی در مناظره داغ یارانه‌ای

فرارو: یک اقتصاددان معتقد است به سه دلیل طرح هدفمند کردن یارانه‌ها نمی‌تواند نظام اقتصادی ایران را اصلاح نماید. احمد میدری این سه دلیل را شامل رقابت، مالکیت خصوصی و بازار می‌داند. میدری در مناظره با جمشیدپژویان به انتقاد از هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخت و از ایجاد شورش‌های اجتماعی پس از اجرای هدفمندی شدیداً هشدار داد.

با وجود این که هدفمند کردن یارانه‌ها تبدیل به قانون شده است و دولت موظف به اجرای آن است اما بازار مناظره و بحث بر سر این قانون همچنان ادامه دارد گویی که هنوز اقتصاددانان منتقد طرح امیدوارند که مانع از اجرایی شدن آن شوند.

جمشید پژویان اقتصاددان لیبرال حامی این طرح و احمد میدری اقتصاددان و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز که مخالف این طرح است در نشست‌های به مجادله درباره هدفمند کردن یارانه‌ها و عواقب اجرایی شدن آن پرداختند. میدری در این نشست با اشاره به انتقادهایی که از طرح آزادسازی قیمت‌ها از سوی کارشناسان مطرح می‌شود، گفت: «این طرح به سه دلیل کلیدی نمی‌تواند مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را برطرف کند؛ این سه دلیل شامل رقابت، مالکیت خصوصی و بازار است به همین دلیل پیشنهاد می‌کنم کلیه این انتقادات به صورت مکتوب درآید تا دولت بتواند به این انتقادات پاسخ دهد. به همین دلیل معتقدم آزادسازی قیمت‌ها موجب اختلال در نظام انحصاری دولتی شده و کارایی به دنبال نخواهد داشت.»

وی اولین نقد را مربوط به تورمزایی این طرح دانست و تصریح کرد: «برخی کارشناسان معتقدند که این طرح موجب شکل‌گیری قیمت در یک نظام انحصاری دولتی می‌شود و نمی‌توان تعیین قیمت را در اختیار بازار نهاد.» وی با بیان این که دولت نمی‌داند که این طرح چه میزان تورم ایجاد می‌کند و در این مورد، اختلاف نظر وجود دارد، افزود: «دولت می‌گوید ۱۵ درصد و مجلس از ۴۰ درصد تورم صحبت می‌کند؛ این در حالی است که تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که در تجربه‌های کشوری مثل ایران تورم بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد را در پی خواهد داشت.» این اقتصاددان با اشاره به دومین نقد این طرح موفقیت هدفمند کردن یارانه‌ها را در گرو آزادسازی نرخ ارز و بهره‌عنوان کرد و یادآور شد: «اگر قرار است در خلا این دو موضوع آزادسازی صورت بگیرد نتیجه‌اش پدیده صنعتی‌زدایی، کاهش تولید، صادرات و خروج منابع از نظام بانکی خواهد شد و سیستم بانکی به ورشکستگی منجر می‌شود. زیرا هنوز مشخص نیست که این طرح در خصوص واردات چه عکس‌العملی را نشان خواهد داد به خصوص واردات بی‌رویه کالاهای چینی که در سطح جامعه به شدت انجام می‌شود.»

میدری سومین نقد وارده به این طرح را مساوی با شورش‌های اجتماعی ناشی از آزادسازی قیمت‌ها ذکر کرد و گفت: «شواهد زیادی در دنیا وجود دارد که به دنبال آزادسازی قیمت‌ها شورش‌های اجتماعی رخ داده که گاه

سرنوشت سیاسی یک کشور را تحت تاثیر قرار داده است؛ از جمله آنها می‌توان به شورش‌های مشابه در کشورهای مثل ونزوئلا، شیلی و مصر اشاره کرد.»

وی با طرح این پرسش که آیا دولت برای این موضوع تدبیری اندیشیده است، تصریح کرد: «برخی از منتقدان می‌گویند اجرای طرح آزادسازی قیمت‌ها موجب افزایش خط فقر می‌شود، اگر خط فقر را 700 هزار تومان و تورم را حداکثر 30 در نظر بگیریم بعد از آزادسازی قیمت‌ها قدرت خرید مردم 210 هزار تومان کاهش می‌یابد که باید دولت این فاصله را جبران کند.»

عضو هیات عملی دانشگاه شهید چمران با اشاره به نامه دکتر سبحانی به رییس قوه قضاییه در سال گذشته یادآور شد: «این طرح زمینه جرم و جنایت را افزایش داده و اصولاً جرم ساز است.» وی در ادامه به نقد اخلاقی هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخت و گفت: «این طرح مردم را به سمت دروغگویی سوق می‌دهد و مبانی اخلاقی جامعه را زیر سؤال می‌برد. در سال‌های جنگ به یاد داریم عده‌ای شناسنامه‌های جعلی ایجاد می‌کردند و یا شناسنامه‌های متوفیان خود را باطل نکردند تا بتوانند از آنها استفاده کنند.»

این اقتصاددان با تاکید بر اینکه اجرای این طرح جراحی همراه با خونریزی است، گفت: «می‌گویند جراحی همراه با درد است و مردم باید متانت داشته باشند تا قیمت‌ها آزاد شود، اما آیا بعد از اصلاح قیمت‌ها مشکلات ساختاری اقتصاد ایران هم حل می‌شود و زایمان با درد به تولد فرزند سالم منجر می‌شود؟»

پاسخ پژوهان به ایرادات میدری

در ادامه این مناظره جمشید پژوهان اقتصاددان حامی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به شبهه «شورش‌زا» بودن این طرح پاسخ داد و تصریح کرد: «این‌که گفته می‌شود باعث شورش می‌شود، این طرح در جاهای دیگر چنین نتیجه‌ای نداشته است. مثلاً مشابه‌ترین اتفاق در سال 1973 و افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دلیل شوک نفتی به خصوص در کشورهای صنعتی اتفاق افتاد. این انتخابی بود که خود قدرتمندها انجام داده‌اند و به صادرکنندگان نفت علامت دادند که قیمت را بالا ببرید. با اصلاح قیمت‌ها شورش‌های اتفاق نیفتاد.» پژوهان با بیان این‌که در طرح آزادسازی قیمت‌ها موضوع تورم بر روی میز اقتصاددانان قرار ندارد، تصریح کرد این بحث شاید در کشوری مثل ما که متأسفانه به عوامل کنترل‌کننده تورم توجهی ندارند طرح شود.

پژویان عنوان کرد: «خیلی دوست دارم یکی از عزیزانی که اصرار دارد این طرح موجب تورم می‌شود مدلی ارایه کند که بر مبنای آن نرخ تورم قابل محاسبه و پیش‌بینی باشد. درحالی که بهترین مدل تعادل عمومی است که در هیچ کجای دنیا هم این مدل نتوانسته تورم را پیش‌بینی کند.»

پژویان خطاب به کسانی که عنوان می‌کنند آزادسازی قیمت‌ها تورم زاست، گفت: «آرزوی من این است که استاد قبل از مرگش می‌توانست نمرات دانشجویانش را تغییر دهد آنوقت می‌دانستم نمرات چه کسانی را تغییردهم!»

انتقاد از انحصارگرایی دولتی

احمد میدری در ادامه با انتقاد از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی افزود: «اگر چه درست است که مصرف بنزین و گازوئیل بیش از اندازه است اما با افزایش قیمت این حامل‌ها چه کسانی ضرر خواهند کرد. یقیناً کسانی که در روستاها و شهرهائی ساکن هستند که برای رفتن به پزشک باید به تهران بیایند و هزینه حمل و نقل را نیز تحمل کنند.»

میدری با بیان این‌که دولت مدعی است به دلیل ارزان بودن بنزین مردم بیش از اندازه بنزین مصرف می‌کنند، تصریح کرد: «در اقتصاد ایران گروه‌های انحصارگر بسیاری وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به دو شرکت ایران خودرو و سایپا اشاره کرد. تولیدات این دو شرکت 37 درصد بیش از مصرف سایر خودروها بنزین مصرف می‌کنند. اما آیا با آزادسازی میزان مصرف خودروهای تولید داخل کم می‌شود؟»

او ادامه داد: «با این جزیره صنعتی که برای این دو خودروساز بوجود آمده، نمی‌توان رقابت ایجاد کرد. سالانه 22 میلیارد لیتر مصرف صورت می‌گیرد که 37 درصد اتلاف منابع ناشی از این دو خودروساز است، این رقم 6 هزار میلیارد تومان اتلاف منابع می‌شود.»

این کارشناس مسائل اقتصادی گفت: «در هیچ جای دنیا سیاست‌های قیمتی نتوانسته است صرفه جویی و کاهش مصرف را به بار آورد و به نظر می‌رسد باید تنها در بین تولیدکنندگان ایجاد رقابت کرد.» وی با اشاره به ورود بخش خصوصی به عرصه اقتصاد گفت: «تا به امروز نگذاشته‌ایم بخش خصوصی وارد اقتصاد شود و لی کارهایی را در زمینه خصوصی سازی انجام داده‌ایم که از وضعیت دولتی بودن نیز بدتر است.» این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه اصلاحات در اقتصاد ایران باید غیر قیمتی باشد، یادآور شد: «ما نمی‌توانیم در چنین شرایطی انحصارزدایی کنیم زیرا گروه‌های فشاری وجود دارند که اجازه چنین کاری نمی‌دهند.»

دولت، ناکارآمدترین فعال اقتصادی

پژویان به دنبال سخنان میدری با اشاره به مثال‌های دکتر میدری از دو شرکت خودروساز سایپا و ایران خودرو گفت: «مگر با پس کردن زدن به این صنایع مشکلات بهره‌وری آنها حل نمی‌شود. مگر مشکل کارخانجات

خودرو در بقیه صنایع وجود ندارد واقعیت این است که دلیل یکی است و مشخصاً با وجود بنزین رایگان يك خودروساز چه دولتی و چه خصوصی حاضر نیست هزینه بالایی را صرف اصلاح ساختار تولید خود کند. چه کسی بررسی کرده که از واردات 60 میلیارد دلاری ما می‌توانیم بیش از 40 میلیارد دلار آن را در داخل تولید کنیم.» وی با بیان این که چه کسی گفته اصلاً «ما خودروساز هستیم؟ بدون شک دولت خود از ناکارآمدترین فعال اقتصادی است، افزود: «در اقتصاد ایران هم ناکارآمدی مدیریت دولتی داریم و هم ناکارآمدی بخش عمومی که بخش خصوصی هم در آن سهیم است. اگر قرار بود بتوانیم بدون علامت دادن قیمتی و مکانیزم بازار و با طراحی برنامه‌های متمرکز عمل کنیم و موفق شویم نظام برنامه‌ریزی متمرکز کمونیستی از هم نمی‌پاشید.»

تئوریسین اقتصادی دولت دهم تاکید کرد: «علامت قیمت اولین علامت در اقتصاد است و کدام اقتصاددان را می‌توان یافت که معتقد باشد که علامت دیگری وجود دارد کما اینکه زمانی که قیمت‌ها اصلاح شد می‌توان از ابزارهای دیگر نیز بهره برد.»

رئیس شورای رقابت تصریح کرد: «بنده رئیس شورای رقابت هستم و امروز با نظام تنظیم بازار و قیمت گذاری به شدت درگیرم. برای تصحیح وضعیت رقابت در کشور از زمان تشکیل شورا 5 یا 6 حکم صادر کرده‌ایم. بدون برداشتن قدم اول که اصلاح قیمت‌هاست چطور می‌توان قدم‌های بعدی را برداشت؟» وی با بیان اینکه من اقتصاددان هستم و نماینده دولت نیستم، اظهار داشت: «دفاع من از این طرح سی ساله است. بعد از تغییر قیمت‌ها باید اجرای قانون اصل 44 اصلاح شود، همچنین دولت و ادار به رشد بهره‌وری شود.» او ادامه داد: «همان‌طور که زمان تصویب قانون اصل 44 فریاد می‌زدیم طرح سهام عدالت شکست خورده؛ امروز هم بپذیرید که عدم کارایی تمام جوانب اقتصاد را در بر گرفته و هیچ راهی جز اصلاح قیمت‌ها وجود ندارد.»

به دنبال ریشه ناکارآمدی

در ادامه این مناظره احمد میدری در پاسخ به این سخنان پڑویان گفت: «اصلاح قیمت‌ها نقطه آغاز نیست، بدون اصلاح می‌توان اقداماتی کرد که به افزایش کارایی و بهره‌وری بیانجامد. مثلاً ورود اپراتور دوم ایجاد رقابت کرد. اگر این اتفاق در سایر صنایع از جمله خودروسازی‌ها هم بیفتد مشکل اقتصاد حل می‌شود.» او ادامه داد: «مسئله اصلی اینجاست که دولت اجازه رقابت نمی‌دهد، اگر اجازه رقابت داده شود اصلاح قیمت‌ها لازم نیست.»

میدری خاطرنشان کرد: «دولت تشنه بروکراسی است، سال‌هاست که آن را تبلیغ می‌کند. مثلاً روزانه اعلام می‌شود که مصرف آب خانوارها افزایش یافته اما نمی‌گویند که چه میزان آب در شبکه توزیع تلف می‌شود. به همین دلیل با شناختی که از نظام اداری و تصمیم‌گیری داریم، اصلاحات قیمتی راه حل درستی نیست.»

استاد دانشگاه به 6 سال زندان و 74 ضربه شلاق

روزنامه میزان متعلق به نهضت آزادی: خانم دکتر سارا توسلی به اتهام حضور در حوادث عاشورا و تسلیت به خانواده شهید موسوی به شش سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد. بنابر رای شعبه 26 دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی عباس پیربایی، خانم دکتر سارا توسلی به اتهام حضور کوتاه مدت در حوادث عاشورا و حضور در منزل شهید موسوی و تسلیت به خانواده این شهید به شش سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد. سارا توسلی در پی حوادث انتخابات در تاریخ 13 دیماه بازداشت شد و مدت 50 روز در بند 209 زندانی بود. دکتر سارا توسلی استاد دانشگاه و عضو هیات علمی و فرزند مهندس محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی و عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران است. همسر وی مهندس فرید طاهری نیز در پی حوادث عاشورا بازداشت شده و همچنان در بند 350 زندان در بازداشت بسر می‌برد. بنابر حکم بدوی ابلاغ شده توسط شعبه 26 دادگاه انقلاب وی به اتهام اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور و اخلال در نظم عمومی مجموعاً به شش سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شده است.

نامه وکلای دبیر کانون صنفی معلمان ایران به دولت آبادی دادستان تهران

دانشجویوز در تاریخ 12 خرداد نوشت: وکلای علی اکبر باغانی، دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران، نامه ای به دادستان تهران نوشته اند و در آن اعتراض خود را به صدور قرار بازداشت برای موکلشان اعلام داشته اند. به گزارش دانشجویوز، باغانی پیش از این در سال 1385 و در پی تجمع اعتراضی معلمان در مقابل مجلس بازداشت شده و بعد از مدتی آزاد شده بود. وی اخیراً به همراه محمود بهشتی لنگرودی، دیگر عضو ارشد کانون صنفی معلمان ایران به اتهامات واهی مجدداً بازداشت گردیده و هم اکنون در بند 209 زندان اوین به سر می‌برد. نامه ی صادره از طرف وکلای باغانی خطاب به دادستان تهران، به همراه متن مصاحبه ای آقای پیمان حاج محمود عطار وکیل وی که در اختیار دانشجویوز قرار گرفته است، در زیر می‌آید:

بنام خدا

جناب آقای دکتر عباس جعفری دولت آبادی
دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران
موضوع: اعتراض به قرار بازداشت موقت
باسلام

احتراما، اینجانبان پیمان حاج محمود عطار و مصطفی ترک همدانی، با تقدیم وکالت نامه ماخوذه از آقای علی اکبر باغانی، وکالت خود را از سوی ایشان اعلام و بدین وسیله اعتراض خود را نسبت به قرار بازداشت موقت ایشان اعلام می نمایم.

1- موکل دبیر کانون صنفی معلمان ایران می باشد. این کانون یکی از نهادهای مردمی بوده که در سال 1378، از کمیسیون ماده ده احزاب وزارت کشور، پروانه تاسیس و فعالیت دریافت نموده و با تصویب اساسنامه آن توسط وزارت کشور، فعالیت خود را بصورت کاملاً قانونی و در راستای ارتقای سطح آموزش و پرورش کشور اسلامی ایران و نیز منافع آموزگاران و دبیران و قشر فرهنگی کشور انجام داده است.

2- در سال زمستان 1385 تعدادی از فرهنگیان از جمله آقای باغانی، در اعتراض به عدم انطباق حقوق و مزایای معلمان با قانون مدیریت خدمات کشوری، در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع نمودند که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و پس از آنکه مدت مدیدی از ایشان بی اطلاع بودیم، مشخص گردید که در بازداشتگاه بند 209 زندان اوین، در سلول انفرادی بسر می بردند.

3- نهایتاً از سوی شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی تهران، موکل از اکثر اتهامات مندرج در کیفرخواست معاون سابق دادستان عمومی و انقلاب (آقای حداد) تبرئه گردیده و صرفاً از حیث تبانی در ارتکاب جرائم ضد امنیتی به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد.

4- اکنون مشخص نیست که آقای علی اکبر باغانی چه جرمی را مرتکب شده است که در سالگرد شهادت استاد شهید مرتضی مطهری و گرامیداشت معلم، ایشان بازداشت و پس از مدتی بی اطلاعی از وضعیت وی و محل نگهداریش، اخیراً از طریق تماس با خانواده از محل نگهداری او (بند 209 اوین) مطلع شدیم.

5- در ملاقاتی که در روز پنجشنبه موکل با خانواده اش در زندان اوین (به صورت تلفن و از پشت شیشه) داشت اظهار نمود که باز پرس رسیدگی کننده به پرونده (که از هویت ایشان نیز بی اطلاع بود) برای موکل دوماه قرار بازداشت موقت صادر کرده است.

6- اکنون چنانچه این موضوع صحت داشته باشد اینجانبان با اختیار مندرج در وکالت نامه بشرح زیر نسبت به قرار بازداشت موقت موکل اعتراض می نمایم و چون از شعبه رسیدگی کننده و هویت قاضی محترم آن مرجع بی اطلاع می باشیم، از حیث مسوولیت حضرتعالی بعنوان دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران که سمت سرپرستی بر کلیه قضات شاغل بر این دادسرا و نظارت بر حسن اجرای قوانین در آن مجموعه را دارید، اعتراض خود را رسماً به محضر مقدس بزرگوار عرضه می داریم تا برابر مقررات از طریق باز پرس محترم رسیدگی کننده به این اعتراض مورد توجه واقع و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال گردد.

7- جهات غیر قانونی بودن قرار بازداشت موقت:

- مشخص نبودن اتهام متناسب به موکل.
- عدم تناسب قرار بازداشت موقت با بدیهای شرایط و اوضاع احوال متهم و شدت مجازات و....
- ممنوعیت صدور قرار بازداشت موقت بیش از یکماه (به قرار اطلاع از موکل، قرار صادره بدواً بمدت دوماه تعیین شده است)
- لزوم تصریح و تفهیم حق اعتراض به قرار بازداشت موقت به متهم.
- لزوم ارسال سریع پرونده به دادگاه بابت رسیدگی به اعتراض متهم به قرار.
- نظریه اینکه قرار بازداشت موقت آقای علی اکبر باغانی، خلاق صریح مواد قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده است (باتوجه به استحضار حضرتعالی به مفاد این قانون و به جهت جلوگیری از اطاله کلام از آوردن شماره مواد خودداری گردید) از محضر مقدس دادستان عمومی و انقلاب تهران استدعا دارد دستور فرمائید پرونده اتهامی موکل در راستای رسیدگی به اعتراض اینجانبان به وکالت از سوی ایشان به قرار بازداشت موقت، در اسرع وقت به دادگاه صالحه ارسال گردد.

بدیهی است ارسال پرونده به دادگاه موجب نقض قرار بازداشت غیر قانونی و صدور دستور تعیین قرار تامینی متناسب و خفیفتر نسبت به آن و نهایتاً آزادی موکل خواهد شد.

ضمناً به جهت اعسار موکل از پرداخت حق الوکاله، وکالت نامبرده بصورت تبرئی بوده و حق الوکاله ای دریافت نگردید.

از تصدیقی که بعمل آمد پیشاپیش پوزش می خواهیم.
باتقدیم احترام
پیمان حاج محمود عطار مصطفی ترک همدانی
وکلای آقای علی اکبر باغانی

سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت و گو با ایلنا: تاکید احمدی نژاد برای حذف پیمانکاران نیروی انسانی

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 خرداد 89 نوشت: نماینده کنگاور، صحنه و هرسین در مجلس شورای اسلامی با انتقاد شدید از قراردادهای موقت کارگفت: اینکه يك انسان را برای مقطعی مشخص به کار بگیریم و هر شرایطی بر او تحمیل کنیم هیچ توصیفی به غیر از برده کشی بر آن متصور نیست. سید جواد زمانی در گفت و گو با ایلنا از رونق قرارداد موقت کار به شدت اظهار نگرانی کرد و گفت: اینکه عرصه کار کشور تابع شرایط ناپایدار و شکننده نباشد جای تامل و تأسف دارد. وی قرارداد موقت را زمینه ساز تردید و شک در زندگی دانست و گفت: با این قراردادها قدرت برنامه ریزی برای آینده از قشر کارگر گرفته می شود.

سخنگوی کمیسیون اجتماعی، قرارداد موقت کار را عاملی برای از دست رفتن اعتماد و اعتقاد و خود باوری نیروی کار دانست و گفت: اینکه شرایط ادامه همکاری، رضایت کارفرما باشد، کارگر را از استقلال فکری و عملی خارج کرده و او را به موجودی بی انگیزه اما مطیع تبدیل می کند و این شرایط مصداق بارز برده کشی در دوران مدرن است.

وی خواهان چاره جویی برای حل این معضل شد و گفت: کمیسیون اجتماعی مجلس طرحی را برای حل معضل قرارداد موقت و شرکت های پیمانکاری تأیید کرد اما با کمال تأسف این طرح در مجلس با اقبال روبه رو نشد. زمانی در پاسخ به اینکه آیا بپذیریم مجلس هشتم ضد کارگری است، گفت: قطعاً نمایندگان مردم هیچ خصومت و یا موضع گیری با کارگران ندارند اما آنچه مشخص است گویا اطلاع رسانی و آگاهی لازم صورت نگرفته است. وی با تأکید بر اینکه مهمترین شخیصت های عرصه کار، کارگروکارفرماست، گفت: بهتر است در وهله اول کارفرمایان بهای لازم را به کارگران بدهند و آنچنان اطمینان در عرصه کار به وجود آورند که نیازی به ورود قانون نباشد.

نماینده کنگاور با یادآوری تأکید احمدی نژاد برای حذف پیمانکاری گفت: گویا زیر مجموعه دولت اعتقاد اجرایی به ریاست خود ندارد و همین امر باعث شده که اصرار رئیس جمهور برای حذف پیمانکاری جدی گرفته شود. پایان پیام

پلمب نوزده باشگاه بلیارد و قهوه خانه در تبریز

خبرگزاری حکومتی مهر در تاریخ 12 خرداد نوشت: رئیس پلیس امنیت عمومی فرمانده انتظامی آذربایجان شرقی گفت: در راستای اجرای مرحله جدید از طرح ارتقای امنیت اجتماعی در تبریز طی 48 ساعت گذشته هفت باشگاه بلیارد و 12 قهوه خانه "متخلف" پلمب شد.

سرهنگ رحمان ایمان نژاد اظهار داشت: در راستای اجرای مرحله جدید طرح ارتقای امنیت عمومی در سطح شهر تبریز مأموران پلیس امنیت عمومی بازرسی و کنترل نحوه فعالیت صنوف مختلف را در دستور کار قرار داد. وی ادامه داد: با توجه به چند مورد گزارش مردمی مبنی بر وجود تخلفات صنفی در باشگاه های بلیارد و وجود نگرانی در بین خانواده ها مأموران اقدام به بازرسی و نظارت بر نحوه فعالیت باشگاه های بلیارد در سطح شهر تبریز کرد.

ایمان نژاد تصریح کرد: در این راستا مأموران با انجام عملیات کنترلی و نظارتی منسجم طی 48 ساعت گذشته موفق شدند هفت مورد باشگاه بلیارد را که تخلفات صنفی و غیرمجاز مرتکب شده بودند را شناسایی کنند. وی خاطر نشان کرد: مدیران باشگاه های متخلف برای رسیدگی به مقر پلیس انتقال داده شد و واحدهای صنفی متخلف تا رسیدگی کامل توسط محاکم قضایی پلمپ و تعطیل شدند.

ایمان نژاد خاطر نشان کرد: مراحل دیگر این طرح در سطح استان در حال اجرا است و هدف از اجرای آن نظارت دقیق بر نحوه فعالیت اماکن عمومی و شناسایی موارد متخلف و برخورد قاطع و جدی با دست اندرکاران آن است.

استعفاي دسته جمعی دبیران خبرگزاری فارس

سایت پایگاه خبری تحلیلی فرارو در تاریخ 12 خرداد نوشت: معاون سردبیر فارس به همراه دبیر اقتصادی این خبرگزاری به شکل غیر منتظره ای استعفا کردند. به گزارش البرز رضا داوری معاون سردبیر و محمود نکونام دبیر گروه اقتصادی این خبرگزاری بعد از ظهر سه شنبه به طور غیر منتظره ای استعفا دادند.

هنوز علت اصلی این اقدام در مهمترین خبرگزاری حامی دولت معلوم نیست اما برخی زمره ها حکایت از اختلاف این دو نفر با اطرافیان مدیرعامل فارس حمیدرضا مقدم فر دارد. گفته می شود افراد دیگری نیز در این خبرگزاری استعفا داده اند که از جمله این افراد می توان به افراد ذیل

اشاره نمود :
کریمی دبیر سابق سرویس سیاسی و دبیر فعلی اجتماعی
قائدی دبیر باسابقه و قدیمی سرویس عکس فارس
قبادی دبیر سرویس ویژه فارس
حمید محمدی دبیر سرویس آئین و اندیشه

کاهش دستمزد کارگران مخابرات لرستان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 12 خرداد نوشت : در جهنم سرمایه داری ایران هیچ مرزی برای هیچ نوع جنایتی وجود ندارد. مرز جنایات سرمایه را فقط روند پیکار توده های کارگر تعیین می کند و مادام که جنبش کارگری قادر به اعمال قدرت مؤثر نیست، سرمایه داران نیز در اعمال جنایت ها به هیچ مرزی بسنده نمی کنند. در شرایطی که حتی حاکمان سرمایه با تمامی قساوت و شرارت طبقاتی خود بازهم به نازل بودن دستمزدهای جاری کارگران اعتراف می کنند، سرمایه داران دولتی مخابرات لرستان شمشیر از نیام کشیده اند و همین مزد ناچیز 1000 کارگر این شرکت را نیز سلاخی کرده اند. سرمایه داران گفته اند که حتی دستمزد تعیین شده شورای عالی کار را هم نخواهند پرداخت و کارگران معترض و ناراضی را اخراج خواهند کرد. کارگران اعتراض کرده اند اما در همان حال زیر فشار استیصال و وحشت از بیکاری و گرسنگی خود و زن و فرزند مجبور شده اند به جنایت کارفرما تن دهند.

اعتصاب در شرکت گندله سازی سیرجان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 12 خرداد نوشت : کارخانه گندله سازی از حمله صناعی است که در این اواخر در شهر سیرجان تأسیس گردیده است. کارخانه کار خود را با شماری کارگر آغاز کرد و سپس استخدام 420 کارگر جدید را در دستور کار خود قرار داد. سرمایه داران قول داده بودند که قبل از استخدام نیروی کار تازه حتماً وضعیت اشتغال کارگران کنونی را روشن سازند، به این معنی که آنان را از قراردادی به رسمی تبدیل کنند. این وعده اکنون همچون همه وعده های دیگر صاحبان سرمایه از پایه و اساس دروغ از آب در آمده است. کارخانه 420 کارگر جدید را مشغول کار کرده اما بخش اعظم نیروی کار سابق را بیکار کرده است. در این میان تنها 20 کارگر موفق شده اند اشتغال خود را حفظ کنند. کارگران به همین دلیل دست به اعتصاب زده اند. آنان خواستار خروج از بلا تکلیفی و استخدام دائمی خویش در شرکت هستند.

اعتصاب کارگران فولاد میبد

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 12 خرداد نوشت : فولاد میبد مثل همه مراکز کار و تولید دیگر ایران سال هاست که دستمزد کارگران را با تأخیرهای بسیار طولانی پرداخت می کند. سال پیش 1200 کارگر کارخانه بارها به این وضعیت اعتراض کردند. آنان بارها دست به اعتصاب زدند و چرخ تولید را از گردش بازداشتند. کارگران اکنون نیز 5 ماه است که موفق به گرفتن دستمزد خویش نشده اند و به همین دلیل در یکی از روزها محیط کار را ترک گفتند و در مقابل فرمانداری شهر اجتماع کردند. 1200 کارگر کارخانه در تظاهرات خود خواستار پرداخت فوری دستمزدها شدند. فشار اعتراض کارگران به گونه ای بود که فرماندار دولت سرمایه مجبور شد به میان آن ها آید و مطابق معمول شروع به دادن وعده و وعید کند. کارگران اعلام کردند که کار را آغاز می کنند اما در صورت تأخیر مجدد در پرداخت مزدها حتماً اعتصاب خویش را از سر خواهند گرفت.

دو تن از معلمین در بند آزاد شدند

بنا به اطلاع گزارشگران فعال معلمان در تاریخ 12 خرداد 89 آمده است : محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان و علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان با قید وثیقه در ساعت ۱۰ شب گذشته از زندان اوین آزاد شدند.

شایان ذکر است این دو نفر به همراه علی اکبر باغانی دبیر کل کانون صنفی معلمان در تاریخ ۸ اردی بهشت سالجاری و در آستانه هفته معلم در ایران بازداشت شده بودند.

گفتنی است، باغانی به همراه تنی چند از اعضای کانون صنفی معلمان همچون اسماعیل عبدی، رسول بداعی، هاشم خواستار و محمد داوری هم چنان در زندان بسر می برد.

ضرب و شتم و دستگیری کارگران افغانی

کمیین حمایت از مهاجرین افغانی مقیم ایران: روز چهارشنبه ۱۲/۳/۱۳۸۹ مامورین کلانتری ابوسعید (میدان منیریه خیابان ابوسعید) ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه صبح با شکستن درب ورودی ساختمانهای نیمه کاره در خیابان ابوسعید -خیابان اهری - بن بست نوساز اقدام به ضرب و شتم نگهبانان این دو ساختمان نموده و تعداد ۵ نفر از کارگران و ۲ نگهبان را با خود بردند. مامورین حتی اجازه نداده اند تا کارگران لباس خود را عوض نمایند. همگان را با لباس زیر از اتاقشان بیرون آورده و با کتک آنان را راهی پادگان حُر نمودند. در تمامی موارد اعمال خشونت گزارش شده است.

همچنین از چندین کارگاه ساختمانی دیگر ده ها تن را به موجب نداشتن مدارک اقامتی مورد ضرب و شتم قرار داده و آنان را دستگیر نموده اند. گزارش شده است در پی آزادی یکی از کارگران مبلغ ۶۰۰ هزار تومان درخواست شده است.

فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل خواستار آزادی فوری منصوراسانلو شد

فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل با انتشار بیانیه ای خواستار آزادی فوری و بی قیدوشرط منصور

اسانلو، رئیس سندیکای اتوبوسرانی تهران شد. به گزارش رادیو فردا این فدراسیون با اشاره به انتقال منصور اسانلو به بند معتادان و سپس به بند اطلاعات زندان گوهردشت، افزوده که اسانلو تحت فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار دارد. فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل، با توجه به وضعیت جسمانی آقای اسانلو ضمن محکوم کردن آنچه که توطئه های اخیر علیه وی خوانده، از تمام سازمانها و تشکلهای کارگری خواسته که برای آزادی فوری و بی قید و شرط آقای اسانلو همصدا شوند.

انتقال علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران به بند عمومی زندان اوین

سایت کلمه در تاریخ 12 خرداد 89 نوشت: علیرضا هاشمی، دبیرکل سازمان معلمان ایران از بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات به بند عمومی ۲۵۰ زندان اوین منتقل شد. به گزارش خبرنگار کلمه علیرضا هاشمی، اوایل اردیبهشت ماه امسال توسط ماموران امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شد. همان روز دو نفر دیگر از اعضای ارشد کانون صنفی معلمان ایران، علی اکبرباغانی و محمد بهشتی لنگرودی نیز بازداشت شده بودند. گفته می شود بازداشت هاشمی، باغانی و بهشتی لنگرودی به خاطر بیانیه ای بوده که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی صادر کرده بود.

احضار و معرفی دو فعال کارگری شهر مریوان برای گذراندن دوره محکومیت

بنابه گزارش ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، دو فعال کارگری شهر مریوان به نامهای سلام قادری و خالد اسدی برای گذراندن دوره محکومیت خود در روز یکشنبه تاریخ 9/3/1389 به دادگاه احضار و از آنجا به زندان مرکزی شهر مریوان معرفی و منتقل شدند. دو فعال کارگری شهر مریوان برای گذراندن دوره محکومیت نامبردگان در خرداد ماه سال گذشته پس از گذراندن پنج ماه و بیست روز حبس و قرار گرفتن تحت شدیدترین فشارهای روحی و روانی در زندان با وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد شده و سپس حکم آنان از طرف دادگاه تجدید نظر استان برای مدت 1 سال و 10 ماه قطعی شد.

یک اطلاعیه و دو توضیح

توضیحی در باره خبر دیدار فعالین کارگری با علی نجاتی

به دنبال انتشار خبر دیدار جمعی از فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز، نامه ای از سوی سندیکای نیشکر هفت تپه دریافت کردیم که در آن به ذکر عنوان " رئیس هیئت مدیره " برای آقای علی نجاتی اعتراض داشتند. ما این اشتباه را پذیرفتیم و بعد از پیگیری موضوع، چند روز بعد، جوابیه ای را برای این دوستان فرستادیم، ولی انتشار آن را ضروری ندانستیم.

اما درج نامه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در برخی سایت ها، ما را بر آن داشت که برای رفع هر گونه ابهام و جلوگیری از جنجال آفرینی محافظی دور از جنبش کارگری ایران، اصل نامه این دوستان و پاسخ سایت ما را انتشار دهیم. بی تردید کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، به عنوان جمعی از کارگران و فعالین کارگری، هر یک از تشکل های کارگری موجود را در جایگاهی که دارند، می بیند و تلاش برای تقویت همبستگی کارگری را یکی از اهداف اساسی و از وظایف مبرم خود می داند. عملکرد ما در این چند سال، گواه این ادعاست. برای آگاهی کارگران و فعالین کارگری، متن نامه دوستان سندیکای نیشکر هفت تپه و جوابیه ما در ذیل می آید.

سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

5 تیر 1389

توضیحی در باره یک اطلاعیه

اخیراً اطلاعیه ای تحت عنوان «دیدار جمعی از فعالین کارگری با علی نجاتی» از سوی دوستان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و انجمن دفاع از کارگران اخراجی سقز منتشر شده است که توضیحاتی را از جانب ما ضروری می کند. این دوستان در اطلاعیه خود ضمن گزارش از خبر دیدار خود با همکار گرامی و عضو هیأت مدیره سندیکای ما علی نجاتی به نادرست از ایشان به عنوان رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران هفت تپه نام برده اند. از آنجا که چنین خبری می تواند منجر به ایجاد ابهامات در افکار عمومی شود، هیأت مدیره سندیکای هفت تپه لازم میدانند تأکید کند که در انتخابات اخیر این هیأت، همکاران ما رضا رخشان و قربان علی

پور به سمت رئیس هیأت مدیره و سخنگوی سندیکا انتخاب شده اند. این تغییرات قبلاً در اطلاعیه جداگانه ای به اطلاع عموم رسیده است. ما نمی‌دانیم که این اطلاعات نادرست به چه دلیلی وارد اطلاعیه دوستان کمیته هماهنگی شده است. شرط وفاداری به همبستگی کارگری ایجاد می‌کند که ما این را صرفاً به پای بی‌اطلاعی این دوستان بگذاریم. بنا بر این از این دوستان انتظار داریم که با دقت بیشتری به انتشار اخبار پیرامون مبارزات کارگران هفت تپه و سندیکای کارگران این شرکت مبادرت کنند. این اولین شرط کمک واقعی به مبارزات کارگران هفت تپه و تقویت همبستگی کارگری است.

هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

1389/3/13

دوستان سندیکای نیشکر هفت تپه

با احترام و سلام های گرم و رفیقانه

از اینکه در خبر مربوط به دیدار جمعی از فعالین کارگری با علی نجاتی، به جای یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکا، به اشتباه " رئیس سابق هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه " درج شده است از شما پوزش می‌خواهیم. این را بیشتر به حساب اشتباهات سهوی ما که در پاره ای از موارد، در جریان تایپ و ارسال اینگونه اخبار، در این جا و آن جا پیش می‌آید بگذارید تا قصد و غرضی عمدی و هدف دار. " کمیته هماهنگی . . . " بر اساس پرنسیپ ها و معیار های اصولی و مورد قبول خود، هیچگاه به خود اجازه نمی‌دهد که در تصمیم گیری های جمعی کارگران - بورژوا اینک چنین تصمیماتی از جانب " اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیئت مدیره آن سندیکا " اتخاذ شده باشد - به هر نحو ممکن، دخالت و اعمال نظر نماید.

این " کمیته "، همچنین در راستای اهمیت بسیار زیادی را که برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران قائل است، نه خود و نه هیچ جریان و شخص دیگری را به غیر از خود کارگران، برای دخالتگری هایی از این نوع، صالح نمی‌داند و به تصمیمات جمعی کارگران - هر چه که باشند - اکیداً احترام می‌گذارد.

لذا " کمیته هماهنگی "، ضمن تأکید مجدد بر امر خطیر همبستگی طبقاتی کارگران و وحدت بیش از پیش نمایندگان سندیکای این شرکت، یکبار دیگر از آن نمایندگان محترم به خاطر چنین اشتباهی در ارسال آن خبر پوزش می‌طلبد و برای آن نمایندگان گرامی آرزوی موفقیت و سرافرازی در همه شئون زندگی و کار را دارد.

دست شما را به گرمی می‌فشاریم و آرزو می‌کنیم که در دستیابی به مطالبات و خواست های به حق کارگران در همه زمینه و عرصه ها موفق و پیروز باشید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

16 خرداد 89

سالروز اولین انتخابات سندیکای واحد(داود رضوی)

13 خرداد مصادف با سالروز اولین انتخابات و تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد

ماههای اردیبهشت و خرداد 84 ازجمله ماههای حساس و حیاتی و سرنوشت ساز برای رانندگان و کارگران شرکت واحد میباشد هر چند که به جرات میتوان گفت که برای جامعه کارگری هم تعیین کننده بوده. چرا که تا آن زمان هنوز هیچ تشکلی رسماً و مستقل همچون سندیکای شرکت واحد با رای کارگران بدون دخالت دولت و کارفرما شکل نگرفته بود. و این حرکت نقطه عطفی در جامعه کارگری ایران در سی سال گذشته بشمار میرود. از آنجائی که عوامل سرکوب کارگران که در قالب خانه کارگر و شوراهای اسلامی کارشرکت واحد به چپاول و غارت کارگران میپرداختند وجود تشکلی مستقل چون سندیکای شرکت واحد را نتوانستند تحمل کنند و چون منافع خودشان را در خطر دیدند لذا تصمیم گرفتند با تمام عوامل خود به سندیکای شرکت واحد که در محل حسن اباد تهران. هر هفته سه جلسه آموزش قانون کار و بهداشت ایمنی کار و قانون اساسی را به رانندگان و کارگران جهت تقویت آگاهی کارگران آموزش میدادحمله کنند. چرا که در سی سال گذشته هیچ نهادی تا آن زمان به آموزش کارگران نپرداخته بود. و این امر باعث افزایش آگاهی کارگران شرکت واحد شد که خود از دستاوردهای بزرگ سندیکا بشمار میرود. شوراهای اسلامی به اصطلاح کار و عوامل خانه ضد کارگر با هماهنگی مدیریت شرکت واحد و حراست و اعضای برجسته و قدیمی خود و با حمایت تعدادی چماقدار در 84/2/19 در روز روشن با یورش به محل سندیکای شرکت واحد به قصد از بین بردن و محو کردن این سندیکای نوپا که در آن

زمان هنوز رسماً شکل نگرفته بود حمله ور شدند تا شاید بتوانند قبل از تشکیل، این سندیکا را از بین ببرند. یادم می‌آید یکی از چماق‌دارها که سردسته حمله کنندگان بود که در حال حاضر رئیس شوراهای اسلامی کار شرکت واحد است و در ضمن مدیر یکی از قسمت‌های شرکت واحد هم محسوب می‌شود. در زمان حمله به دیگران میگفت یک ساعت وقت دارید هر چه می‌خواهید بکنید ولی کسی کشته نشود که آنها هم هر کاری خواستند کردند مثل غارت اموال سندیکا و شکستن و کتک زدن اعضای سندیکا و مضراب ساختن رئیس و نایب رئیس سندیکا. هر چند که نیروهای پلیس هم از قبل در محل حضور داشتند ولی فقط نظاره‌گر بودند و دخالتی نکردند و ما هم شکایتی به دادگاه انقلاب تسلیم کردیم ولی بعد از چند جلسه رسیدگی مختومه شد. این عوامل نه تنها نتوانست جلوی حرکت سندیکا را بگیرد بلکه باعث رسوائی بیشتر عوامل خانه کارگر و شوراهای ده‌گانه اسلامی کار شرکت واحد شدند و رانندگان و کارگران بیشتری به عضویت سندیکا در آمدند و باعث شد در مورخ 84/3/13 مجمع عمومی و انتخابات سندیکا شرکت واحد علیرغم تمام فشارها که همگان در جریان هستند شکل بگیرد. هر چند که امروز بیش از 4 سال از آن زمان می‌گذرد و مسائل و مشکلاتی بیشمار از قبیل اخراج از کار و زندان و پرونده‌سازی برای اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا بوجود آمده و هنوز 7 نفر از اعضای این سندیکا نتوانستند به سر کار خود باز گردند با مشکلات سخت اقتصادی و ازهم پاشیدن خانواده مواجه هستند. هر چند منصور اسالو و ابراهیم مددی هنوز در زندان هستند و حتی اجازه مرخصی هم به آنها نمیدهند ولی اعضای این سندیکا هنوز هم محکم و پایدار با توجه به همه فشارها و جو سازیها ایستاده و بر اهداف صنفی خود مصمم هستند. و امروز که ما در بین رانندگان و کارگران هستیم تاثیرات مهم سندیکا را در زندگی رانندگان چه در زمینه اقتصادی و فرهنگی به وضوح مشاهده میکنیم و استانه تحمل فشارها را چه برای آنانکه در زندان هستند و آنها که هنوز بعد از 4 سال در راهروهای دیوان عدالت سرگردان هستند و چه آنهایی که سر کار هستند کمتر میکند چرا که سندیکا توانست حقوق بیشمار را برای کارکنان شرکت واحد بدست آورد و همانطور که در محل کار شاهد هستیم حتی کسانی که بعد از تولد سندیکا شرکت واحد به استخدام شرکت واحد در آمدند دستاوردها را مدیون پایداری و استقامت سندیکا شرکت واحد میدانند بخاطر اینکه تا قبل از اعتراضات صنفی سندیکا شرکت واحد هیچ کسی کوچکترین توجه‌ای به رانندگان و کارگران زحمت کش اتوبوسرانی نداشت و این باعث شده که سندیکا در بین رانندگان و کارگران شرکت واحد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. افتخار ما این است که توانستیم لقمه‌ای نان به سرفسره کارگران شرکت واحد بیاوریم به امید آزادی منصور اسالو و ابراهیم مددی کارگران زندانی درین. و اینکه دیگر هیچ کارگری برای ایجاد تشکل کارگری و احقاق حقوق در زندان نباشد

برنامه بانک مرکزی ایران 'برای فروش ۴۵ میلیارد یورو از ذخایر ارزی خود

بخش فارسی بی بی سی در تاریخ 13 خرداد اعلام داشت: در پی کاهش ارزش یورو در ماه‌های اخیر، تلویزیون دولتی "پرس تی وی" ایران گزارش داده است که بانک مرکزی این کشور قصد دارد ۴۵ میلیارد یورو از ذخایر ارزی خود را برای خریداری دلار و طلا بفروشد. این درحالی است که ایران از حدود چهار سال پیش سعی کرد از تکیه بر دلار در معاملات ارزی خود بکاهد و در آبان ماه ۱۳۸۶ (نوامبر ۲۰۰۷) اعلام کرد برای اولین بار تقریباً همه مبادلات نفتی خود را با ارزهایی غیر از دلار آمریکا انجام می‌دهد. سیاست پرهیز از دلار آمریکا پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و تشدید تنش میان دو کشور بر سر برنامه اتمی ایران در پیش گرفته شده بود. رئیس بانک مرکزی ایران ماه گذشته تلویحاً به احتمال لزوم کاستن از تکیه بر یورو به عنوان اصلی معاملات ارزی اشاره کرده بود. محمود بهمنی دو هفته پیش به روزنامه "حزب الله" ایران گفته بود که بانک مرکزی با توجه به افت ارزش یورو و افزایش ارزش دلار، مساله تغییر ترکیب سبد ارزی را بررسی خواهد کرد.

با توجه به دستگیری‌های گسترده، جنبش دانشجویی همچنان مقاومت می‌ورزد

به گزارش سایت ادوارد نیوز در تاریخ 13 خرداد آمده است: دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز با صدور بیانیه‌ای در سالگرد هجوم وحشیانه به دانشجویان و کوی دانشگاه، برادامه مبارزه با استبداد ولایتی تأکید کردند. متن این بیانیه را منتشر کرده است. در بخشی از آن آمده است: "... از خاک سکوت آتش فریاد بسازیم ... بازداشت کلیه دانشجویان کشور را که در تجمعات دانشگاه‌ها شرکت کرده اند نقض صریح قانون دانسته و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان هستیم ... با تمام اسیران در بند دیکتاتوری و عزیزانمان که کشته شدند عهد می‌بندیم تا ویران کردن تمامی دیوارهای ظلم و جور، دست از مبارزه نخواهیم کشید ...". در این میان‌ها چندین فعال سرشناس دانشجویی مانند محمد پور عبدالله، بهزاد باقری، مجید توکلی، بهاره هدایت، بهمن خدادادی و دیگران همچنان در سلول‌های زندان اوین، قزل حصار و گوهردشت و یا در زندان‌های دیگر شهرها محبوس هستند. همچنین در دانشگاه علم و صنعت تهران کارت دانشجویی افراد به عنوان بدحجابی ضبط شده واز ورود دانشجویان به دانشگاه جلوگیری می‌کنند. در دانشگاه تبریز دانشجویان داوطلب ورود به کارشناسی ارشد تحت عنوان توهین به رهبری، از تحصیل محروم و ستاره دار گردیدند.

یک سان سازی پوشش زنان در ورزش همگانی در پارک‌ها

قرار است تا اواخر مرداد سال جاری "لباس استاندارد" ورزشی برای زنان آماده شود. زنان از آنجا که بعد از این با پوشش استاندارد در پارک‌ها و مناطق ورزشی به ورزش همگانی بپردازند. مرضیه اکبرآبادی، معاون امور بانوان سازمان تربیت بدنی، با اعلام این خبر گفت: "در این لباس تمام اصول علمی و اسلامی رعایت خواهد شد تا زنان با آرامش و راحتی بیشتری به ورزش بپردازند." او گفت که شورای بازنگری پوشش زنان ورزشکار مسئول این است و تا پیش از مرداد همایش طراحی لباس از سوی سازمان تربیت بدنی و دانشگاه الزهرا برگزار خواهد می‌شود.

ایران ذخایر یورو خود را با دلار مبادله می‌کند

رادیو صدای آلمان در تاریخ 13 خرداد 89 گزارش داد: بانک مرکزی ایران در نگرانی از تشدید کاهش ارزش یورو قصد دارد ۴۵ میلیارد یورو از ذخایر ارزی خود را به دلار و طلا تبدیل کند. این تصمیم که قرار است در سه مرحله اجرایی شود، از نظر برخی از کارشناسان آسان پیش نخواهد رفت. "پرس تی وی"، شبکه‌ی انگلیسی‌زبان صدا و سیما، ایران روز چهارشنبه، ۱۲ خرداد تصمیم یادشده را در چارچوب اجرای استراتژی جدید اقتصادی ایران توصیف کرد و آن را با وخامت اوضاع اقتصادی اروپا و کاهش کم‌سابقه ارزش یورو مرتبط دانست. این رسانه با برآورد ذخایر ارزی ایران به ۸۰ میلیارد دلار، مدعی شد که سایر کشورهای خلیج فارس نیز رویکردی مشابه ایران در پیش گرفته‌اند. این در حالی است که محافل اقتصادی و بانک‌های مرکزی کشورهایمانند ژاپن، برزیل، کره‌ی جنوبی و هند اعلام کرده‌اند که نگران سقوط فاحش یورو نیستند و همچنان به سرمایه‌گذاری‌های در حوزه‌ی یورو ادامه می‌دهند.

اقدامی در سه مرحله
گرچه خود بانک مرکزی ایران تا کنون در این زمینه موضعی نگرفته است، ولی یک ماه پیش محمود بهمنی، رئیس کل این بانک از برداشتن چنین گامی خبر داده بود.

تصمیم جدید ایران در حالی از سوی "پرس تی وی" اعلام می‌شود که روز دوشنبه‌ی گذشته، روزنامه جام جم که به صدا و سیما ایران وابسته است در گزارشی به طور مبسوط‌تر به شرح رویکرد تازه‌ی دولت ایران پرداخت. به نوشته این روزنامه دو سال پیش در پی بروز بحران اقتصادی جهان و کاهش ارزش دلار بسیاری از کشورهای تصمیم گرفتند ذخایر ارزی دلار خود را به ارز باثبات‌تری همچون یورو بدل کنند. اما اخیراً با قرارگرفتن یونان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی در معرض ورشکستگی و فشاری که از این بابت به یورو وارد شده، «بسیاری از کشورها به خاطر جلوگیری از ضرر دیدن از اثرات این کاهش ارزش، تبدیل ذخایر خود از یورو به دلار را آغاز کرده‌اند.» به نوشته جام جم، کارشناسان بانک مرکزی ایران بر این نظرند که تلاطم در اقتصاد اروپا رو به گسترش است و یورو روز به روز کم‌ارزش‌تر خواهد شد.

جام جم در ادامه گزارش خود آورده است که بانک مرکزی ایران علاوه بر تبدیل ذخایر یورو، اقداماتی را به منظور کاهش معاملات بین‌المللی کشور با یورو در دست انجام دارد. بارزترین اقدام در این مسئله، کاهش قابل توجه پذیرش یورو در برابر فروش نفت ایران است.

"جام جم" سپس از سه مرحله‌ای بودن تبدیل ذخایر یورو ایران به دلار و طلا خبر داده است که تا پاییز امسال ادامه خواهد یافت. در پایان این سه مرحله سهم ذخایر یورویی در کل ذخایر ارزی ایران از ۵۵ درصد کنونی به ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. ظاهراً کارشناسان بانک مرکزی ایران تبدیل کل ذخیره‌ی یورویی ایران را به صلاح می‌دانند، اما با توجه به کشش بازار، ظرف ماه‌های آینده تبدیل مبلغی فراتر از ۴۵ میلیارد یورو را تقریباً غیرممکن ارزیابی می‌کنند.

تردیدها در باره‌ی موفقیت ایران

ایران از چند سال پیش در صدد بوده است که برای «مقابله با سلطه انحصاری دلار» و برای «تضعیف موقعیت اقتصادی آمریکا» نفت خود را به یورو و سایر ارزها بفروشد و کشورهای اوپک را نیز به اقدامی مشابه تشویق کند. راه‌انداختن بورس نفت در یکی از جزایر خلیج فارس نیز با چنین انگیزه‌ای انجام شده که البته تا کنون در عمل به جایی نرسیده است. تصمیم جدید ایران گرچه نادرست ارزیابی نمی‌شود، ولی در مجموع تصمیم‌های ضدونقیض سال‌های اخیر از نظر کارشناسان نشانه‌ای از سیاست‌زدگی، ایدئولوژی‌گرایی و فقدان انسجام و نگاه راهبردی در تصمیمات کلان اقتصادی ایران ارزیابی می‌شود.

رسانه‌ای شدن تصمیم جدید ایران بر خلاف تصور تأثیری بر برابری ارزش یورو نداشته و کاهش‌ی در ارزش این ارز ایجاد نکرده است. نرخ مبادله یورو به دلار در روزهای اخیر تقریباً بالای یک به ۱/۲۰ باقی مانده است. شماری از کارشناسان اجرای تصمیم جدید جمهوری اسلامی در مبادله یورو به دلار را کار آسانی نمی‌دانند، زیرا بخشی از این مبادله باید به صورت خرید اوراق قرضه آمریکا عملی شود. تحریم‌های آمریکا علیه ایران اما مانع از آن هستند که ایران بتواند اوراق قرضه آمریکایی خریداری کند.

خبری از شهرستان کامیارن

طبق خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در تاریخ 13 خرداد آمده است: زمینهای واقع در روستا های الک و سید اسمائیل در شهرستان کامیارن که در سال های 57 از مالکان گرفته

شده و جهت کشت به مردم روستاها داده شده بود مجدد از آنها پس گرفته شد و زندگی آنان را با مشکلات دو چندان مواجه کرد.

طبق خبر ارسالی در حال حاضر ستاد اجرائی امام خمینی تمام این زمینها را به نام خود سند زده و به مردم گفته شده که باید به ازای یک هکتار زمین باید 3 میلیون و ششصد هزار تومان پرداخت کنند تا زمینها را به مردم باز گردانند. این در حالیست که مردم این روستاها حتی با داشتن این زمینها نیز نمیتوانستند خرج زندگی خود را بدهند چه برسد که بخواهند به ازای هر هکتار پولی هم پرداخت نمایند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکهای کارگری

جمع آوری کارگران فصلی و ساختمانی در اصفهان همچنان ادامه دارد

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 13 خرداد نوشت: در ادامه سیاست جمع آوری کارگران ساختمانی و فصلی در اصفهان، پس از وقایع خرداد 1388 این روند همچنان ادامه دارد. در روزهای گذشته تعدادی از این کارگران از کنار میادین و خیابانها جمع آوری و بازداشت شده اند. در تاریخ 9/3/1389 تعداد 4 نفر از این کارگران در میدان "دروازه تهران" واقع در این شهر دستگیر و به بهانه نداشتن کارت پایان خدمت و برگه احضار به خدمت سربازی در کلانتری این میدان بازداشت گردیدند. لازم به ذکر است که شهرداری اصفهان جهت اسکان کارگران فصلی، محلی را در خیابان کاوه اصفهان اختصاص داده است که کارگران هنگام پیدا کردن کار و رفتن به همراه کارفرما، بایستی مبلغ 500 تومان پرداخت نمایند. این روند نه تنها در وضعیت کاریابی برای کارگران بهبودی ایجاد نموده بلکه هزینه جدیدی را برای آنها به وجود آورده است.

بایکوت تمام کشتیهایی که بین اسرائیل و سوئد رفت و آمد میکنند توسط اتحادیه بنادر سوئد

مطبوعات اتحادیه ای در تاریخ 13 خرداد 89 در سوئد اطلاع دادند: اتحادیه بنادر سوئد تصمیم گرفت حمل و نقل کشتیها و محموله های اسرائیلی را بلوکه کند. دلیل آن حمله ارتش اسرائیل به کشتیهای حامل کمکهای بشردوستانه برای مردم محاصره شده ی غزه عنوان شده است. بیورن بورگ دبیر اتحادیه میگوید موضع ما این هست: مقصرین این حمله باید محاکمه شوند و محاصره چندساله نوار غزه برچیده شود. بایکوت کشتیها و محمولات اسرائیلی از نیمه شب سه شنبه 15 ژوئن آغاز می شود.

ماتیاس گاردل یکی از سرنشینان سوئدی کشتیهای عازم غزه میگوید: اسرائیلیها مرتکب قتل عمد و دزدی دریایی شدند. سربازهای مجهز به تفنگ لیزری به پیشانی دونفر و سر یک نفر از پشت و سینه یکی دیگر از قربانیان شلیک کردند. تعدادی از آنها روزنامه نگار بودند

کارگران ایران، کارگران فلسطین، کارگران همه جهان

همراه و هم دل با همه مردم آزادی خواه جهان اندوهگین و خشمگین شده ایم. چنان که می دانید، نیروهای ویژه ارتش اسرائیل در تاریخ 10 خرداد امسال (1389) به طور غافلگیرکننده و وحشیانه به کشتی حامل کمک های انسان دوستانه حمله ور شدند. در این حمله شماری از صلح طلبان جهان کشته و ده ها تن زخمی شدند و کشتی توسط ارتش نژادپرست اسرائیل تصرف شد. کسانی در این حمله کشته و زخمی شدند که برای مردم غزه- که سه سال است در محاصره ارتش اسرائیل هستند و محروم از غذا و آب و دارو و بهداشت و آموزش به سر می برند- کمک های محدودی را حمل می کردند. مردم فقیر و کارگران رنج دیده غزه در مقابل چشمان حیرت زده جهانیان شاهد حمایت ضمنی دولت های غرب سرمایه دار از اسرائیل و بی توجهی آنان نسبت به این جنایت بودند. دولت نژادپرست اسرائیل که از هر فرصتی برای نسل کشی فلسطینیان استفاده کرده است، این بار نیز فرصت را در این حرکت غیرانسانی خود غنیمت شمرده و به صلح طلبان جهانی حمله کرده و شماری از آنان را به قتل رسانده است.

مردم فلسطین که زیر فشار خونبار اسرائیل اند، به مرحله ی بحران بی سابقه ای رسیده اند. دولت های مرتجع با همکاری سازمان های وابسته فلسطینی و کشورهای مداخله جو، برای تثبیت قدرت خود، زندگی این مردم را دستمایه ی منافع خود می کنند.

اراده و مقاومت مردم و همدلی بین المللی به تنهایی برای جلوگیری از فاجعه نسل کشی کافی نیست. به نظر ما باید کارگران، روشنفکران و همه ی آنان که از ستم حکومت های جبار رنج می برند، مبارزه جدی و پیگیر در برابر این گونه جنایت بین المللی و کشتار را در دستور دائمی کار مبارزاتی خود قرار دهند و در این راه فقط از اراده مردم فلسطین و جنبش مستقل آنان حمایت کنند.

کانون مدافعان حقوق کارگر در ایران، ضمن محکوم کردن قاطعانه ی این ددمنشی، بار دیگر پیوند و همراهی خود

را با مبارزان فلسطین به ویژه کارگران، معلمان، کارکنان خدمات اجتماعی و بهداشتی اعلام می دارد. ما در غم خانواده و یاران مصیبت دیدگان ترکیه ای و همه زخمی شدگان و آسیب دیدگان این فاجعه شریکیم و آرزو می کنیم روزی بتوانیم همراه با همه ی ستمدیدگان، آرمان و اراده ی مستقل و آزادی خواهانه مردم تحت ستم نظام سرمایه داری را بر جهان حاکم گردانیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر
تهران- 13 خرداد

کارگران معادن اعتصاب کردند

سایت جرس در تاریخ 14 خرداد نوشت: بنا به گزارش منابع خبری، هفته گذشته کارگران معادن دولتی زغال سنگ طبس که در شرایط اسفباری در معدنی در عمق ۶۰۰ متری زمین کار و حفاری می کنند، دست به اعتصاب زده و بدلیل شرایط طاقت فرسای کاری، خواهان افزایش حقوق خود شدند. کارگران مذکور طبق تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد یعنی ماهانه فقط سیصد هزار تومان دریافت می کنند. این گزارش با بیان اینکه معادن مذکور در هفتاد کیلومتری شهر طبس و در منطقه ای معروف به معادن پروده قرار دارد، خاطرنشان کرد "این معادن تحت نظارت دولت وزارت صنایع و بعضی از شرکت های خصوصی مانند ارتیک و معدنچو و نگین که وابسته به مدیران ارشد وزارت صنایع هستند، می باشد". کارگران معادن فوق الذکر، در زیر زمین و در گرمای طاقت فرسای کویر، کماکان حقوقی معادل سیصد هزار تومان در ماه دریافت می کنند. منبع خبری جرس ادامه داد پس از اعلام اعتصاب توسط کارگران، بیش از هزار تن از آنان، قصد عزیمت به شهر و تحصن در جلوی فرمانداری را داشتند که حراست شدیدا از این کار ممانعت بعمل آورد و مانع حرکت سرویس ها به سمت شهر شد. متعاقب این مسئله، کارگران نیز تصمیم به حرکت به صورت پیاده می گیرند که پس از طی مسیری در حدود سه کیلومتر، فرماندار طبس(که از فرماندهان سپاه است)، در اجتماع کارگران حاضر و مانع از ادامه حرکت آنها می شود. کارگران معترض و اعتصابی قرار است در صورت عدم پاسخگویی به مطالباتشان، از هفته آینده با خانواده های خود در محل فرمانداری به تحصن بپردازند. لازم به ذکر است از اوایل سال جاری، اعتراضات مکرر کارگران کشور نسبت به تعیین حداقل دستمزد توسط دولت، همچنان ادامه دارد و دولت کماکان واکنشی رسمی نسبت به اعتراضات ابراز شده علیه تعیین حداقل دستمزد نشان نداده است. گفتنی است اعتراضات کارگری امسال از آنجا شعله ور تر شد که حداقل دستمزد کارگران ۳۰۳ هزار تومان اعلام گردید؛ در صورتیکه کارشناسان کشور خط فقر را ۴۵۰ هزار تومان اعلام کرده اند. چندی پیش هادی مقدسی، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، خطاب به خبرگزاری ایلنا گفته بود "حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی در سال ۱۳۸۹، پاسخگوی هزینه های زندگی خانواده های کارگران نیست".

ارگونومی برای کارگران معدن زغال سنگ

اختلالات تنفسی شایعترین بیماری در بین معدنکاران زغال سنگ است

خبرگزاری فارس در تاریخ 14 خرداد می نویسد: عضو انجمن طب کار ایران گفت: شایعترین و مهمترین بیماری در بین معدنکاران زغالسنگ يك نوع اختلال تنفسی به نام پنوموکونیوز است که بر اثر استنشاق غبار زغالسنگ ایجاد می شود

محمدمهدی مذهبی در گفت و گو با خبرنگار بهداشت و درمان فارس با عنوان این مطلب اظهار داشت: از مهمترین عوامل فیزیکی مؤثر بر سلامت کارگران معدن سر و صداست که به علت استفاده از دستگاه های دریل در فضای کوچک کاهش شنوایی در طولانی برای آنها مدت اتفاق می افتد و در آینده برای فرد مشکلاتی ایجاد می کند. وی افزود: از مخاطرات دیگر نور کم است که به اندازه کافی وجود ندارد و اختلالات بینایی را ایجاد می کند. همچنین ارتعاشات است که هم ارتعاشات دست و بازو است که به علت استفاده از دریل اثرات عروقی، سندرم انگشت سفید و تأثیر روی عصب و علائمی مانند گزگز دست داریم و در نهایت ممکن است اثری روی استخوان های دست داشته باشد و هم ارتعاشات تمام بدن است که دستگاه هایی که فرد روی آن می نشیند و کار می کند ممکن است ارتعاش داشته باشد. بیشترین عارضه در ارتعاش تمام بدن کمردرد است. همچنین اختلالات تعادلی است که روی سیستم بینایی می گذارد و عوارض گوارشی ایجاد می کند. این متخصص طب کار با اشاره به عوامل ارگونومیک این کارگران ادامه داد: مشکلات گردنی مهمترین مشکل اسکلتی در بین معدنکاران است که به علت اینکه گردن معمولاً به شکل ثابت و در طولانی مدت و معمولاً بیش از 20 دقیقه گردن بدون حرکت است توصیه می شود هر 10 تا 15 دقیقه به شعاع کم گردن را حرکت دهند و به طرفین نگاه کنند.

وي اضافه کرد: بهتر است هنگام کار، محیط کارشان روبه‌روی چشم یا 30 تا 35 درجه پائین‌تر باشد تا از حالت خمیده گردن به سمت پائین و پشت جلوگیری شود. چرا که یکی از علل گردن درد انحراف گردن از مسیر مستقیم است. مثلاً خم شدن گردن به سمت پائین ممکن است باعث دیسک‌های گردنی شود. مظهري گفت: از مشکلات اسکلتی عضلانی دیگر کمردردها هستند که علت آن خمیده‌بودن طولانی کمر، چرخش مکرر آن، حالت چمپاته، حمل اجسام سنگین و نداشتن تعادل هنگام حمل آن و گاهی اوقات نشستن طولانی مدت است.

وي یادآور شد: سندروم انعکاس هم به علت حرکات تکراری مچ دست است که در معدنکاران به علت نیروی زیاد است دیده می‌شود و در صورتی که 50 درصد کار به صورت حرکات تکراری باشد و نیروی معادل 6 کیلوگرم باشد و سرعت بالا هم وجود داشته باشد این سندروم ایجاد می‌شود.

مظهري تصريح کرد: مشکلات آرنج را ممکن است داشته باشیم که آسیب زائده خارجی آرنج و التهاب تاندون قسمت خارجی آرنج است و اصطلاحاً به آن آرنج تنیس بازان می‌گویند. همچنین مشکلات زانو در معدنکاران سنتی دیده می‌شود که بیشتر به علت قرارگیری طولانی مدت به صورت دوزانو دیده می‌شود.

وي با بیان اینکه عوامل شیمیایی که بیشتر از بقیه است مواجهه با برخی گازها مثل متان، H2S است گفت: عوامل شیمیایی هم در معدنکاران زغال سنگ تأثیرگذار است مثل کولتار که در معدن زغال سنگ وجود دارد و سرطان‌هایی مانند معده مثانه و پوست را می‌تواند ایجاد کند. از مواد دیگر در این معادن هیدروکربن‌های چند حلقه‌ای هستند که از عوامل سرطان مثانه و ریه هستند.

مظهري با اشاره به اینکه شایعترین و مهمترین بیماری در معدنکاران زغال‌سنگ پنوموکونیوز است خاطرنشان کرد: این عارضه نوعی بیماری پارانشیمی ریه است که از استنشاق غبار زغال سنگ ناشی می‌شود. برخی از معدنکاران در سطح و در کنار رده زغال سنگ هستند و میزان رسیدن گرد و غبار زغال به آنها در کمترین حالت است. یعنی اینکه این گرد و غبار در زیرزمین بیشتر از بالای زمین است.

وي اضافه کرد: برخی معدنکاران روبه‌رو و در کنار رگه زغال سنگ هستند. این افراد بیشترین افرادی هستند که مواجهه با گرد و غبار زغال سنگ را دارند و گاهی اوقات ممکن است با سیلیس هم مواجهه داشته باشند. دسته سوم معدنکاران هم در داخل تونل هستند و به طور متوسط گرد و غبار به آنها می‌رسد. ولی ممکن است این افراد با گاز متان مواجهه داشته باشند.

مظهري یادآور شد: بیشترین زغالی که بیشترین درصد کربن را دارد زغال آنتراسیت است که اگر در معدنی وجود داشت احتمال پنوموکونیوز کارگران معدن زیاد است. میزان مواجهه فرد با زغال، میزان ساعت فعالیت در طی روز، سن فرد که افراد کودک کمتر مبتلا می‌شوند و مواجهه همزمان با سیلیس خطر ابتلا را بیشتر می‌کند. همچنین اگر میزان گرد و غبار زغال در هوا از 1.5 تا 2 میلی‌گرم در متر مکعب بیشتر باشد احتمال پنوموکونیوز زغال سنگ این افراد بیشتر است.

وي گفت: وقتی ریه این افراد مطالعه می‌شود تجمع نقاط سیاه را در ریه می‌بینیم و گاهی همراه با تخریب آئول‌های ریه است. در این محیط باید معاینات سالانه انجام شود و عکس قفسه گرفته شود که ابتدا هر 6 ماه، بعد هر 3 سال و بعد هر 5 سال انجام شود. همچنین اسپیرومتری هم باید انجام شود

اقتصاد ایران میان عدم بهره‌وری و خطر شورش

راديو بين المللی فرانسه از قول ، ناصر اعتمادی گوینده خود گزارش داد : آنچه نگرانی مقامات را بیش از همه برمی‌انگیزد - حتا اگر صراحتاً به آن اعتراف نکنند - این است که حذف پارانه‌ها در وضعیت‌ی که اقتصاد کشور با عدم بهره‌وری روبروست یعنی توسعه فقر و مهمتر از آن به جان خریدن خطر شورش‌های اجتماعی.

محمد رویانیا، رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت ایران، در کنفرانس مطبوعاتی در تهران خبر داد که دولت تصمیم گرفته سهمیه سه ماهه بنزین خودروهای شخصی را در تابستان به ۱۸۰ لیتر و نیز سهمیه بنزین موتور سیکلت‌ها را به ۷۵ لیتر کاهش دهد.

اقتصاد ایران میان عدم بهره‌وری و خطر شورش

محمد رویانیا دلیل کاهش سهمیه‌های بنزین را تلاش دولت برای کاستن از میزان واردات بنزین اعلام کرده است. با این حال، پیرو آخرین آمار رسمی تجارت خارجی کشور در دو ماهه اول سال جاری بنزین همچنان اولین کالای وارداتی ایران بوده است.

با این حال، تمهید دولت را می‌توان واکنشی در مقابل (تشدید) تحریم‌های بین‌المللی دانست که در نتیجه شان شرکت‌های بزرگ نفتی از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران - اصلی‌ترین منبع درآمدهای جمهوری اسلامی - خودداری کرده‌اند و نیز صرفه‌جویی در مصرف کالایی که سالانه میلیاردها دلار درآمدهای ارزی کشور را آنهم در این زمانه رکود و کم‌پولی به خود اختصاص می‌دهد.

سهمیه بندی بنزین، از نگاهی دیگر، روایت اقتصادی ناکارآمد و انرژی‌بر است. تعجب آور نیست در کشوری که نرخ تورم اش دست کم ۲۰ درصد است و قیمت بنزین ارزانتز از آب آشامیدنی، دولت با ترغیب مصرف بی‌رویه انرژی بخواهد معضل عدم بهره‌وری صنایع را جبران کند.

بر اساس آمار رسمی، حدود ۷۰ درصد انرژی ایران را صنایع این کشور مصرف می‌کنند. در این بین ۲۹ درصد انرژی در تولید فلزات اساسی، از جمله فولاد، مس و آلومینیوم، بیش از ۲۱ درصد در صنایع کانی غیرفلزی از جمله سرامیک و سیمان و ۲۷ درصد در صنایع شیمیایی از جمله پتروشیمی مصرف می‌شود. چنانچه صنایع خودروسازی ایران را که تولید کننده پرمصرف‌ترین خودروهای جهان‌اند به این فهرست اضافه کنیم، پی می‌بریم که چگونه در واقع بخش اعظم انرژی ایران هدر می‌رود.

اتلاف انرژی روی دیگر اتلاف منابع است که با هم خصیصه بارز اقتصاد دولتی و ناکارآمدی ایران به شمار می روند. عادل آذر رئیس مرکز آمار ایران در اینباره می گوید: در ژان ۸۷ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی از طریق مغزافزارها و ۱۳ درصد از طریق منابع فیزیکی به دست می آید، در حالی که به عکس در ایران ۷۸ درصد از تولید ناخالص داخلی حاصل فروش منابع داخلی به ویژه نفت است و فقط ۲۲ درصد به منابع دیگر از جمله دانش مربوط است. رئیس مرکز آمار ایران این وضعیت را فاجعه ای بزرگ و جبران ناپذیر برای اقتصاد ایران دانسته و مهمترین پی آمد آن را اتلاف منابع توصیف کرده است. به گفته او بی توجهی به بهره وری و کارایی سبب شده که در بودجه های سالانه از هر صد واحد پولی ۵۵ واحد تبدیل به کار خروچی شود و ۴۵ واحد دیگر آن ناکارآمد باقی بماند و این به معنای ضایع شدن پول است.

در ادامه عادل آذر تصریح کرده است که در سال ۱۳۸۷ بودجه عمرانی ۲۴ هزار میلیارد تومان بود که به دلیل ناکارآمدی دولت قسمت زیادی از آن ضایع شد. به گفته رئیس مرکز آمار ایران، اتلاف منابع توسط اقتصاد دولتی ناکارآمد در کشوری که چهل میلیون نفر از جمعیتش زیر خط فقر مطلق و نسبی هستند چیزی بیش از فاجعه است.

با این نظر رئیس کل دیوان محاسبات ایران نیز موافق است که در اظهار نظری جداگانه گفته است: "یک نفر در این کشور باید پیدا شود و بگوید که ما کشور فقیری هستیم، چون نمی توانیم تولید کنیم، سرمایه را افزایش دهیم و از نیروی انسانی استفاده کنیم. کار ما به جایی رسیده که اکنون سیر، سبب زمینی و پیاز وارد می کنند. واقعاً خجالت آور است".

به گفته احمد میدری استاد اقتصاد در دانشگاه اهواز، دلیل عمده اتلاف منابع ناکارآمدی دولت است که با این حال عمده منابع مالی و اقتصادی کشور را در انحصار دارد. او گفته است که پالایشگاه های کشور دست کم ۲۰ درصد اتلاف منابع دارند و ۳۴ هزار بشکه نفت روزانه ضایع می شود، در حالی که دولت سالانه میلیاردها دلار صرف یارانه بنزین وارداتی می کند.

حذف یارانه های سوخت که دولت هنوز تاریخ اجرایش را برغم صراحت مصوبه مجلس به درستی اعلام نکرده، پی آمدی جز بسته شدن همین صنایع و واحدهای تولیدی فرسوده ندارد که تاکنون تنها به زور یارانه ها روی پا ایستاده و سطح شکننده ای از ثبات اجتماعی را تأمین کرده بودند.

این در واقع بزرگترین چالش دولت دهم و چشم اسفندیار اقتصاد ناکارآمد دولتی ایران است. بررسی های آماری نشان می دهند که با ورود متولدین دهه ۱۳۶۰ به بازار کار ایران، این کشور نیازمند ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در سال است تا بیکاری از سطح کنونی فراتر نرود. اما، ایجاد ۵ میلیون فرصت شغلی در ایران در عرض چهار سال، آنهم با این سطح از بهره وری و رشد، به چیزی بیش از معجزه نیازمند است.

بر پایه آمار رسمی، در سال ۸۷ که ایران بالاترین سطح درآمدهای نفتی را داشت، رشد اقتصادی این کشور تنها نیم درصد بود. بر پایه همین آمار، نرخ رشد اقتصادی ایران در سال جاری منهای صفر درصد یا در بهترین حالت صفر درصد خواهد بود. این احتمال در اقتصادی رخ خواهد داد که هم اکنون ۵۰ درصد واحدهای تولیدی اش، به گفته رئیس اتاق بازرگانی، ورشکسته و تعطیل اند و مابقی تنها با کمتر از نیمی از ظرفیت شان کار می کنند. بی سبب نیست شاید که برغم گذشت هفتاد روز از آغاز سال ۱۳۸۹، مقامات ارشد اقتصادی ایران همچنان از اعلام شاخص های کلان اقتصادی این کشور در سال گذشته طفره می روند و در عین حال نگرانی از گسترش رکود رو به توسعه است.

اما، آنچه نگرانی مقامات را بیش از همه برمی انگیزد - حتی اگر صراحتاً به آن اعتراف نکنند - این است که حذف یارانه ها در وضع کنونی یعنی توسعه فقر و مهمتر از آن به جان خریدن خطر شورش های اجتماعی. در اینباره احمد میدری گفته است: اگر خط فقر را در ایران ۷۰۰ هزار تومان و نرخ تورم را حداکثر ۳۰ درصد در نظر بگیریم، بعد از حذف یارانه ها قدرت خرید مردم ۲۱۰ هزار تومان کاهش می یابد که بعید است با میزان یارانه های نقدی که دولت در نظر دارد بپردازد جبران شود. در ادامه همین ملاحظه، احمد میدری با اشاره به موارد مشابه در دنیا افزوده است که اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها مساوی با شورش های اجتماعی است که گاه سرنوشت سیاسی یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهند.

شورش گرسنگان در ایران

خبرگزاری «ریا نووستی»: "باریس نمیروفسکی" کارشناس پایگاه خبری تحلیلی "رسپوبلیکا" در مقاله ای که قسمت اول آن را امروز می خوانید، نوشت: طبق اطلاعات پژوهشگران مستقل، ایران در مرز فاجعه اقتصادی قرار گرفته است. بحران جهانی، کاهش قیمت سوخت و تحریمات بین المللی مقامات ایران را به اتخاذ اقداماتی ناخوشایند برای مردم واداشتند که در درجه اول سبب نارضایتی فقیرترین اقشار جامعه شدند. تا بحال از عبارت بحران مالی جهانی در رابطه با ایران استفاده نمی شد، چرا که علیه این کشور تحریمات بین المللی وجود دارند که حضور ایران در تجارت جهانی را کاهش می دهند. این بدین معناست که پدیده های بحرانی در ایران باید به شکلی ضعیف دیده شوند، اما اینگونه نشد. بالعکس، ایران که بطور کامل به صادرات نفت و گاز وابسته است، واکنشی بسیار حادتر نسبت به بحران داشت.

مولف ادامه می دهد: مقامات ایران کاهش و یا حتی لغو برنامه های مربوط به کمک های اجتماعی را اعلام کردند. نارضایتی بدنبال این اقدام، کاملاً قابل مقایسه با "انقلاب سبز" سال گذشته است، البته باید گفت که کار به تظاهرات و اعتراض نکشید، اما ملت "سکوتی" هرچه بیشتر تهدید کننده دارد. یکی از سخنرانی های "محمود احمدی نژاد" رئیس جمهور ایران ناگهان با سردادن شعار "ما بیکاریم!" از بین جمع متوقف شد. میزان رسمی

بیکاری در کشور به شاخص بی سابقه 25% رسیده است، یعنی از هر 4 ایرانی که توان کار کردن دارد، یک نفر بیکار است. این در شهر خرمشهر رخ می دهد که به داشتن پایانه های نفتی شهرت دارد، و در حال حاضر تنها وجود همین صنایع نجات دهنده مردم است. در شهرهای مرتبط با صنایع نفتی، کار هست، اما در سایر صنایع اوضاع اسفبار است. بویژه کشاورزی در وضعیت بسیار دشواری قرار دارد و کشاورزان یکی پس از دیگری ورشکست می شوند.

مولف در ادامه می نویسد: وضعیت اقتصادی کشور دشوار است. تورم به شاخص دورقمی می رسد، واردات گران می شود و سال های سال است که صنایع نفت و گاز بعلت تحریمات بین المللی مدرنیزه نمی شوند، چرا که این تحریمات انتقال فناوری های مربوطه و در کل فناوری های جدید را ممنوع می سازند. نیمروفسکی می نویسد: با توجه به اوضاع فاجعه آمیز، رئیس جمهور ایران اعلام کرد که کشور تخصیص یارانه به یک سری از کالاهایی که نیاز اولیه هستند، در درجه اول بنزین، گاز و مواد غذایی اولیه را متوقف می کند. تا کنون دولت از محل بودجه کمک می کرد که قیمت این کالاها در سطح قابل قبول باقی بماند تا نه تنها قشر متوسط بلکه فقرا هم بتوانند این قبیل کالاها را برای خود خریداری کنند. اما از این پس، حمایت دولتی از میان برداشته می شود و طبیعتاً قیمت ها چند برابر می شوند.

مولف ادامه می دهد: رئیس جمهور ایران به فقیرترین فقرا وعده داد که به آنها مستقیماً کمک پولی کند. اما چنین چیزی آنان را چندان نیز آرام نمی سازد، چرا که پول سریعاً بی ارزش می شود. با این حال کارشناسان مستقل معتقدند که دولت راه دیگری ندارد، چرا که خزانه دولتی تحمل حجم سنگین پرداخت ها بابت حفظ قیمت کالاهای اولیه را ندارد.

مولف ادامه می دهد: حتی نمایندگان مطیع مجلس، هر چند محتاطانه، اما مخالفت خود را با اصلاحاتی که احمدی نژاد آن را بزرگترین اصلاحات ظرف 50 سال اخیر نامیده است، اعلام می کنند. وضعیت دشوار اقتصاد ایران می تواند برای مقامات کشور خطرناکی وحشتناک تر از تحت فشار گذاشتن "انقلاب سبز" در سال گذشته بدنبال داشته باشد.

وی می نویسد: کنفوسیوس می گفت: آشوب بخاطر این که مردم می خواهند مال دیگری را غصب کنند، بوجود نمی آید، بلکه بدین دلیل است که مردم نمی توانند مال خود را نگهدارند. مواد اولیه برای قشر فقیر ایران "مال خود" است که بدون آن چیزی برای زندگی ندارند. بدین ترتیب ممکن است اصلاحات جدید سبب برانگیختن آشوبی واقعی شوند و "اپوزیسیون گرسنه" جایگزین "اپوزیسیون سبز" در هم شکسته شود که این به مراتب خطرناک تر است.

مولف می نویسد: "میرحسین موسوی" و "مهدی کروبی" رهبران اپوزیسیون در سالگرد انتخابات ریاست جمهوری - روز 12 ژوئن - مردم را به شرکت در تظاهرات دعوت کرده اند. حکومت نیز به نوبه خود بر ارباب تکیه دارد، به پلیس دستور داده شده است که "هرگونه تجمع غیرقانونی را متوقف کند". نیروهای انتظامی در این زمینه تجربه کافی دارند. یادآور می کنیم که در سال 2009 حکومت ایران از بسیج برای مقابله با معترضین استفاده کرد. در نتیجه بیش از 100 نفر کشته، ده ها هزار نفر زخمی و هزاران نفر دستگیر شدند که تعدادی از آنها نیز اعدام شدند.

وی ادامه می دهد: اما بحران اقتصادی را نمی توان با زور سرکوب کرد، بیکاری را نمی توان زندانی کرد و تورم را نمی توان بعنوان "دشمن خلق" اعدام کرد. تحریمات سازمان ملل متحد نیز وضعیت اقتصادی ایران را وخیم تر می سازند که ممکن است در آینده بعلت برنامه هسته ای ایران گسترش نیز بیابد. ممکن است در نهایت برنامه هسته ای در حد وسیع ایران نباشد. اقتصاد ایران در بهترین سال ها نیز گرایش به رشد شدید را نشان نداد و افت اقتصادی نیم درصدی که در سال 2009 دیده شد، به گفته موسوی، نخست وزیر سابق ایران، برای اقتصاد کشور ضربه ای قابل مقایسه با حمله نظامی بیگانگان بود. موسوی وخامت شدید شرایط زندگی میلیون ها ایرانی را پیشبینی می کند. در عین حال او به جامعه جهانی هشدار می دهد که تحریمات جدید در درجه اول به مردم ساده ایران ضربه می زند و نه به نمایندگان حکومت.

مولف می نویسد: خود احمدی نژاد ملت را به صرفه جویی در منابع، نوآوری و حمایت از توزیع عادلانه فراخواند. کاهش مصرف بنزین در درجه اول قرار دارد، زیرا ایران که دارای منابع غنی نفتی می باشد، بعلت کمبود پالایشگاه، بنزین را از خارج وارد می کند. کارشناسان خارجی در امور ایران مدت بسیاری است که هشدار می دهند: ریاست جمهوری احمدی نژاد می تواند بعلت وضعیت اقتصادی کشور متزلزل شود.

وی در پایان می نویسد: برای مقامات حاکم، اقتصاد تهدیدی بیش از هر اپوزیسیون سیاسی است. آنطور که "کریم سجادی پور" کارشناس بنیاد آمریکایی کارنگی می گوید: "جمهوری اسلامی همیشه بیشتر آماده مطالبه فداکاری از مردم بوده داده است تا اینکه خود بخواهد در جایی کوتاه بیاید". اما مشکل در این است که می تواند زمانی برسد که مردم از فداکاری دست بردارند، چرا که چیزی برای فدا کردن نخواهند داشت.

ضرب و شتم روزنامه نگار زندانی حامی کارگران شرکت هفت تپه

ابوالفضل عابدینی روزنامه نگار و ازحامیان سرسخت کارگران شرکت هفت تپه خوزستان و کانون صنفی معلمان ایران در زندان کارون در وضعیت بسیار نامناسبی به سر می برد و از طرف زندانبانان به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. ضمن آزار شدید از او خواسته اند که همکاری حقوق بشری خود را لو دهد. سایت اصلاح طلب

جرس در این باره می نویسد: ابوالفضل تا به حال چنین خواسته ای را قبول نکرده است در ضمن نامبرده در حال حاضر در بند جانبان و زندانیان خطرناک نگهداری می شود و جان وی در این زندان به شدت تهدید می شود. همچنین در تماسی تلفنی که دیروز با خانواده نامبرده به عمل آمد آقای عابدینی یکی از برادران نامبرده ضمن تأیید اخبار فوق به اینجانب اعلام کرد که مسئولین زندان به ابوالفضل اعلام کرده اند که به زودی وی را به تهران منتقل خواهند کرد تا در آنجا نیز به اتهام عضویت در مجموعه فعالان حقوق بشر، تشویش اذهان، اقدام علیه نظام، مصاحبه با رسانه های خارجی محاکمه شود و این در حالی می باشد که آقای عابدینی قبلاً در زندان اهواز و به خاطر همین اتهامات محاکمه شده بود و برای وی 11 سال و نیم حبس تعیین شده بود و این در حالی می باشد که بر اساس قوانین کشور یک متهم نباید به دلیل یک اتهام به صورت همزمان در دو دادگاه محاکمه شود، اما گویا مسئولین در رابطه با اتهامات ابوالفضل تمایل دارند که وی را چند بار و در دادگاههای مختلف محاکمه و محکوم نمایند.

مصاحبه پروانه اسالو در رابطه با وضعیت کنونی همسرش در زندان

سایت عصر نو در تاریخ 15 خرداد نوشت: همسر منصور اسالو به کمپین گفت که همسرش با اتهام جدیدی توسط توسط اطلاعات سپاه روبرو شده و به بند امنیتی زندان منتقل شده است.

پروانه اسالو همسر منصور اسالو فعال برجسته کارگری که از مدتها پیش در زندان رجایی شهر کرج در شرایط جسمی بسیار نامناسبی به سر می برد در مصاحبه ای با کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، گفت که همسرش از سه روز پیش با اتهامی جدید تحت عنوان "ارتباط با گروه های معاند نظام" تحت بازجویی در سلول انفرادی سپاه قرار دارد و تحت فشارهای شدید روحی است. او همچنین به کمپین گفت که روز گذشته موفق شده است به همراه مادر آقای اسالو وی را به صورت کابینی در زندان رجایی شهر ملاقات کند. کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران خواستار پایان آزار و اذیت منصور اسالو است که از همان ابتدا اگر در محکمه ای که حداقل اصول دادرسی عادلانه در آن رعایت می شد محاکمه می شد هیچگاه به زندان محکوم نمی شد. اسالو از بیماری شدید رنج می برد و ادامه بازجویی توسط ماموران اطلاعاتی سپاه پاسداران می تواند عواقب خطرناکی به همراه داشته باشد. کمپین مسوولیت هرگونه اتفاق ناگوار - چه به صورت تصادفی و چه به صورت برنامه ریزی شده - را متوجه قوه قضاییه و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران می داند. گفته های همسر آقای اسالو هشدار دهنده و نشان دهنده وضعیت بسیار نامناسب زندان و فشار مداوم دستگاه های امنیتی بر فعالان جامعه مدنی ایران است. کمپین همچنین از مقامات قضایی می خواهد که طرح اتهامات بی اساس جدید را در خصوص وی متوقف کند.

پروانه اسالو همچنین به کمپین گفت که همسرش اتهامات یاد شده مطرح شده توسط بازجویان را نپذیرفته و در بازجویی اعلام کرده که از دو سال پیش در زندان به سر می برد و چنین اتهامی کاملاً بی اساس است. این در حالی است که وی تنها از وضعیت نابسامان و عدم پیگیری پزشکی مناسب سخن گفته و به وضعیت خود اعتراض داشته است.

با وجود تأکید و توصیه های پزشکان کمیسیون پزشکی قانونی مبنی بر انتقال اسالو به خارج از زندان برای پیگیری وضعیت جسمی حاد و بیماری های صعب العلاج وی، تاکنون مقامات زندان نه تنها به این درخواست ترتیب اثر نداده اند، بلکه از روز شنبه گذشته با انتقال وی از بند متادون به سلول های انفرادی بند سپاه وی را تحت بازجویی های جدیدی قرار داده اند. این پرونده از فروردین ماه جاری در شعبه 6 بازپرسی دادگاه انقلاب کرج گشوده شده است. پروانه اسالو در این رابطه گفت: «پرونده ایشان به همان روال قبل است و تنها اتفاق جدیدی که افتاده، این است که از شنبه ایشان را به بند اطلاعات منتقل کرده اند و این مساله باعث نگرانی ما شده است. در وضعیت پرونده ایشان هم هیچ تغییری حاصل نشده است.»

پروانه اسالو همچنین از تسلیم نامه ای که خطاب به دادستان نوشته است خبر داد و گفت: «بارها و بارها در مورد مرخصی نامه نوشته ایم. خود ایشان و وکلایشان هم درخواست کرده اند اما حتا با یک روز مرخصی هم موافقت نشده است. در آخرین مورد صبح دیروز در نامه ای که خطاب به دادستان نوشتم، در مورد این که ایشان را به بند انفرادی اطلاعات منتقل کرده اند درخواست مساعدت و پیگیری وضعیت همسر و نیز تقاضای مرخصی برای ایشان را هم مطرح کردم. جای سوال است که بعد از چهار سال باید دوباره ایشان را به بند اطلاعات منتقل کنند و دوباره مورد بازجویی قرار بگیرند. در این نامه همچنین موضوع کمیسیون پزشکی قانونی را به اطلاع دادستان رساندم چون این موضوع کاملاً قابل پیگیری است و خود آقای اسالو به من گفتند که نتیجه بررسی های کمیسیون این بوده که من باید از شرایط مناسب و ویژه استفاده کنم و درخواست کردم که خیلی فوری به وضعیت آقای اسالو رسیدگی کنند که هنوز هم جوابی نگرفته ام.»

همسر منصور اسالو همچنین از عدم امکان ملاقات و محرومیت او از حق مرخصی خبر داد و تأکید کرد: «مادر آقای اسالو از زمستان گذشته موفق به ملاقات با پسر خود نشده بود و پس از درخواست های مکرر، امروز پس از ساعت ها بلا تکلیفی از اولین ساعات صبح موفق شدیم مدت کوتاهی ایشان را ملاقات کنیم. متوجه شدیم که حال مناسبی ندارد با این وجود وی برای این که ما نگران نشویم تأکید می کرد که حال خوب است و مشکل خاصی نیست.» او ادامه داد: «با وجود توصیه پزشکان پزشکی قانونی به استفاده ایشان از مرخصی مقامات زندان با مرخصی او موافقت نمی کنند و آقای اسالو هم اکنون از درد شدید پا، ساییدگی مهره کمر، بیماری قلبی و ناراحتی های چشم رنج می برد و نیاز به مداوای جدی در خارج از زندان دارد اما تا به حال با مرخصی او موافقت نشده و از دو سال پیش او همچنان در شرایطی نامطلوب در زندان به سر می برد.»

منصور اسالو رئیس هیات مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، از اواخر اسفندماه گذشته در بند ۵ معروف به متادون زندان رجایی شهر به سر می برد. او که در آبان ماه سال ۱۳۸۶ با تایید شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد از تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶ تاکنون در زندان در شرایط بسیار خطرناک جسمی به سر می برد. او در تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۸۷ به زندان رجایی شهر منتقل شد. اسالو دچار بیماری شدید چشمی است و به خاطر عمل باز قلب که چند سال پیش انجام داده باید مداوما مورد مراقبت های پزشکی قرار بگیرد. مدتی پیش به دلیل وخامت وضعیت جسمی منصور اسالو مسئولان زندان رجایی شهر او را با دست بند و پابند به کمیسیون پزشکی قانونی منتقل کردند. این کمیسیون با حضور ۵ پزشک متخصص تشکیل جلسه داده و اسالو را تحت معاینات پزشکی قرار داد و با توجه به وخامت شرایط جسمی برای دومین بار دستور عدم تحمل کیفری برای وی صادر کرد ولی مقامات قضایی با آن مخالفت کردند. زندان رجایی شهر برای اسالو که دچار بیماری های متعدد شده است، بسیار نامناسب است. مدتی پیش اسالو با هوشیاری و اقدام به موقع تعدادی از زندانیان همبند خود، از یک حادثه مشکوک سوء قصد که توسط یکی از زندانیان انجام شد، جان سالم به در برد ولی ابعاد این قضیه با مسکوت گذاشتن آن توسط مسئولین زندان همچنان پنهان مانده است. این سوء قصد در حضور پاسدار بند بنام «حسن پور» و فرد دیگر بنام «مرادی» سر وکیل بند صورت گرفت اما واکنشی از سوی آنان انجام نپذیرفت که این خود بر ابعاد مشکوک این قضیه می افزاید. در این راستا نهاد های حقوق بشری نگرانی شدیدی خود را از به خطر افتادن امنیت جانی و سلامت منصور اسالو اعلام داشته اند

دستگیری علیرضا اخوان از مدافعان کارگری

آژانس ایران خبر: علیرضا اخوان روابط عمومی کانون مدافعان حقوق کارگر ساعت 4 صبح جمعه 89.3.14 با یورش اطلاعات به منزلش دستگیر و کلیه لوازم و کتاب و کامپیوترش ضبط شد.

خودکشی سه کارگر کارخانه مخابرات راه دور شیراز

وبلاگ کارگری راه کارگر: با کمال تاسف خبر از خودکشی سه کارگر کارخانه کارخانه مخابرات راه دور شیراز بدلیل مشکلات معیشتی بگوش می رسد. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر وضعیت کارخانه مخابرات راه دور شیراز بشدت بحرانی است علیرغم تجمعات و اعتراضات مستمر تاکنون حقوق پانزده ماه گذشته به آنان پرداخت نشده است. همه کارگران شرکت مخابرات راه دور از مشکلات معیشتی بشدت در عذابند، زندگی برخی از آنها از هم پاشیده شده و تعدادی از خانواده های کارگران این شرکت، کارشان به طلاق کشیده شده است. این کارگران بارها و بارها تجمع و تحصن اعتراضی داشته اند اما تا کنون هیچ مقام و ارگانی، پاسخی به خواسته های برحق آنان نداده اند.

اعتصاب کارگران زغال سنگ طبس کار در ششصد متری عمق زمین با ماهیانه ۲۰۰ هزار تومان

به نوشته سایت جرس: بنا به گزارش منابع خبری، هفته گذشته کارگران معادن دولتی زغال سنگ طبس که در شرایط اسفباری در معدنی در عمق ۶۰۰ متری زمین کار و حفاری می کنند، دست به اعتصاب زده و بدلیل شرایط طاقت فرسای کاری، خواهان افزایش حقوق خود شدند. کارگران مذکور طبق تصمیم شورای عالی کار، حداقل دستمزد یعنی ماهانه فقط سیصد هزار تومان دریافت می کنند.

این گزارش با بیان اینکه معادن مذکور در هفتاد کیلومتری شهر طبس و در منطقه ای معروف به معدن پروده قرار دارد، خاطرنشان کرد "این معادن تحت نظارت دولت وزارت صنایع و بعضی از شرکت های خصوصی مانند ارتیک و معدنجو و نگین که وابسته به مدیران ارشد وزارت صنایع هستند، می باشد".

کارگران معدن فوق الذکر، در زیر زمین و در گرمای طاقت فرسای کویر، کماکان حقوقی معادل سیصد هزار تومان در ماه دریافت می کنند.

منبع خبری جرس ادامه داد پس از اعلام اعتصاب توسط کارگران، بیش از هزار تن از آنان، قصد عزیمت به شهر و تحصن در جلوی فرمانداری را داشتند که حراست شدیدا از این کار ممانعت بعمل آورد و مانع حرکت سرویس ها به سمت شهر شد.

متعاقب این مسئله، کارگران نیز تصمیم به حرکت به صورت پیاده می گیرند که پس از طی مسیری در حدود سه کیلومتر، فرماندار طبس (که از فرماندهان سپاه است)، در اجتماع کارگران حاضر و مانع از ادامه حرکت آنها می شود.

کارگران معترض و اعتصابی قرار است در صورت عدم پاسخگویی به مطالباتشان، از هفته آینده با خانواده های خود در محل فرمانداری به تحصن بپردازند.

لازم به ذکر است از اوایل سال جاری، اعتراضات مکرر کارگران کشور نسبت به تعیین حداقل دستمزد توسط دولت، همچنان ادامه دارد و دولت کماکان واکنشی رسمی نسبت به اعتراضات ابراز شده علیه تعیین حداقل دستمزد نشان نداده است.

گفتنی است اعتراضات کارگری امسال از آنجا شعله ور تر شد که حداقل دستمزد کارگران ۲۰۲ هزار تومان اعلام گردید؛ در صورتیکه کارشناسان کشور خط فقر را ۴۵۰ هزار تومان اعلام کرده اند.

چندی پیش هادی مقدسی، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، خطاب به خبرگزاری ایلنا گفته بود "حداقل دستمزد ۲۰۲ هزار تومانی در سال ۱۳۸۹، پاسخگوی هزینه های زندگی خانواده های کارگران نیست".

بازداشت کاوه گل محمدی فعال کارگری و برادرش کیانوش گل محمدی توسط ماموران اطلاعات کامپاران

بنابر گزارش رسیده به سایت دانشجویان سوسیالیست روز پنجشنبه 13 خرداد ماموران اطلاعات و سپاه پاسداران شهر کامپاران و روستاهای گشکی و گازرخانی، کاوه گل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری و کیانوش گل محمدی برادر 18 ساله اش که مشغول تحصیل هستند، از ساعت 9 صبح تا 6 عصر در پاسگاه روستای گازرخانی بازداشت و مورد اذیت و آزار قرار داده اند و کاوه گل محمدی را به دست کشیدن از فعالیت کارگری مورد تهدید قرار داده اند و همچنین اقدام به تفتیش موبایل کاوه گل محمدی کرده اند.

ماموران اطلاعات و سپاه از آن روز تاکنون کاوه گل محمدی فعال کارگری را چندین بار از طریق تماس تلفنی مورد تهدید قرار داده اند که از فعالیتهای کارگری دست بکشد.

ما دانشجویان سوسیالیست این اقدام ضد کارگری رژیم را محکوم و خواهان پایان دادن به هر گونه فشار بر فعالین کارگری و سایر فعالین اجتماعی و سیاسی هستیم. این اقدام زبوانه و ضد کارگری نه تنها فعالیت تلاش فعالین کارگری برای مبارزه برای احقاق حقوق انسانی و تشکل یابی طبقاتی طبقه کارگر را مرعوب نخواهد کرد، بلکه عزم آنها را برای رهایی از قید و بند نظام سرمایه عزم تر خواهد کرد.

وضعیت نامشخص محمد پورعبدالله فعال چپ دانشجویی

محمدپور عبدالله، دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران، با گذشت حدود یک سال و نیم از دوران بازداشت، همچنان در زندان قزل حصار به سر می برد.

این فعال چپ دانشجویی که در دادگاه بدوی به شش و در دادگاه تجدیدنظر به سه سال زندان محکوم شده است.

به گفته یکی از خانواده محمد پور عبدالله "چند روز دیگر، یک سال و نیم از بازداشت محمد می گذرد. در این مدت محمد را در زندان قزل حصار نگه داشته اند. زندانی که اساساً متعلق به زندانیان عادی و مجرمان خطرناک است. حتی یک بار هم به محمد اجازه مرخصی نداده اند. وضع این زندان آنقدر آشفته است که تاکنون اصلاً چنین فرمی به دست محمد نرسیده است." وی اضافه کرد: "با کمک وکیل محمد به دنبال این هستیم که زمینه آزادی مشروط وی را فراهم کنیم."

جمع آوری کارگران فصلی و ساختمانی در اصفهان همچنان ادامه دارد

در ادامه سیاست جمع آوری کارگران ساختمانی و فصلی در اصفهان، پس از وقایع خرداد ۱۳۸۸ این روند همچنان ادامه دارد. در روزهای گذشته تعدادی از این کارگران از کنار میادین و خیابان ها جمع آوری و بازداشت شده اند. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر روز يك شنبه نهم خرداد تعداد 4 نفر از این کارگران در میدان "دروازه تهران" واقع در این شهر دستگیر و به بهانه نداشتن کارت پایان خدمت و برگه احضار به خدمت سربازی در کلانتری این میدان بازداشت گردیدند. لازم به ذکر است که شهرداری اصفهان جهت اسکان کارگران فصلی، محلی را در خیابان کاوه اصفهان اختصاص داده است که کارگران هنگام پیدا کردن کار و رفتن به همراه کارفرما، بایستی مبلغ ۵۰۰ تومان پرداخت نمایند. این روند نه تنها در وضعیت کاریابی برای کارگران بهبودی ایجاد نموده بلکه هزینه جدیدی را برای آن ها به وجود آورده است.

شرایط نامطلوب ابوالفضل عابدینی در زندان کارون اهواز

خبرگزاری هرانا - ابوالفضل عابدینی نصر خبرنگار و از مسوولان پیشین مجموعه فعالین حقوق بشر در ایران که به تازگی به زندان کارون اهواز منتقل شده است در شرایط نامطلوبی نگهداری می شود و جان وی در خطر است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، عابدینی در بند ششم این زندان که اصطلاحاً به آن بند سیاسی می گویند، نگهداری می شود و مسوولان به دلیل فشار مضاعف، وی را با چند تن از زندانیان خطرناک هم سلول کرده اند که در این مدت این خبرنگار از سوی هم سلولی های خود در چندین نوبت مورد تهدید جانی قرار گرفته است. وی چندی پیش از سوی شعبه یکم دادگاه انقلاب اهواز به تحمل یازده سال حبس تعزیری محکوم و در مدت کمتر از یک هفته پس از ابلاغ حکم به وکیل ایشان محمد اولیایی فرد و در حالی که برای اعتراض به حکم صادره بیش از ۱۴ روز مهلت قانونی باقی مانده بود؛ از سوی شعبه یازده دادگاه تجدید نظر این استان محکومیت ایشان تایید شد. این فعال حقوق بشر در پی سناریوی از پیش تعیین شده دستگاه امنیتی بر علیه فعالین حقوق بشر مورخ ۱۱ اسفندماه سال گذشته در منزل پدری اش توسط هجوم بیش از شصت نیروی مسلح امنیتی بازداشت شد. وی در مدت بازداشت در بند ۲ الف سپاه پاسداران شکنجه های جسمی و روحی متعددی را متحمل شد تا حدی که چندین بار به دلیل شکنجه شدید جسمی راهی بهداری زندان اوین شد. گفتنی است این خبرنگار جوان به شدت از ناراحتی قلبی رنج می برد که بارها پزشک ایشان نسبت به قرار گرفتن طولانی مدت در زندان، قرار گرفتن در محیط بسته، استرس و عدم دسترسی به داروهایش هشدار داده بود.

آژانس ایران خبر - هرانا - ۱۴/۳/۱۳۸۹

کارگران سوئد پیشگام همبستگی بین المللی با کارگران فلسطین

حمله دولت جنگ افروز سرمایه داری اسرائیل به کاروان شناورهای حامل کمک به مردم غزه نفرت کارگران و انسان های آزاده دنیا را برضد جنایت این دولت و حامیان جهانی آن برانگیخته است. آزادی خواهان جهان به گونه ای گسترده در مقابل این توحش واکنش نشان داده اند و فشار بر دولت ها برای بازنگری در روابط اقتصادی و سیاسی خود با اسرائیل در بسیاری از نقاط جهان افزایش یافته است. واقعیت این است که ابتکار بزرگ کاروان کمک به مردم غزه فرصت تعیین کننده و مهمی را پیش پای توده های طبقه کارگر دنیا قرار داده است، فرصتی که می تواند باعث برداشتن گام های اولیه به سوی همبستگی بین المللی کارگران جهان علیه توحش سرمایه داری باشد. برای لحظه ای این دورنمای شورانگیز را در پیش چشم مجسم کنیم که موج کاروان های دریایی حامل ده ها هزار کارگر از سواحل مختلف اقیانوس ها و دریاها به سمت غزه راه افتد. همه کاروان ها شعار شکستن محاصره اقتصادی دولت درنده اسرائیل و بازگشایی راه کمک های بین المللی به همزنجیران فلسطینی خود را سر دهند. همه با پرچم همبستگی جهانی طبقه کارگر پیش تازند، همگی فریاد زنده که مشکل توده های کارگر غزه مشکل کل کارگران دنیا و راه نجات بردگان مزدی فلسطین در گرو پیکار طبقه بین المللی آنان علیه سرمایه جهانی است. تصور کنیم که جمعیت عظیم کارگران سوار بر شناورها، هر نوع جنگ افروزی اسرائیل علیه کارگران فلسطین و اسرائیل، هر گونه جنایت و توحش حماس و دولت های مدافع آن علیه کارگران اسرائیل و فلسطین، هر نوع جنگ افروزی و قدرت طلبی الفتح و دیگر گروه ها و دار و دسته های ناسیونالیستی فلسطین علیه کارگران اسرائیل و فلسطین، هر شکل حمایت دولت آمریکا یا هر قطب قدرت سرمایه جهانی از حاکمان دژخیم سرمایه داری اسرائیل، هر میزان جانبداری جنگ افروزانه و قدرت طلبانه دولت اسلامی سرمایه داری ایران از تروریست های حماس یا جهاد اسلامی، هر طرح سراسر دروغ و عوام فریبی کاخ سفید و کل سرمایه جهانی برای صلح، هر نوع تلاش کشورها و احزاب برای فروکاستن معضل کارگران فلسطین به معضلی ملی گرایانه و هرگونه ترفند ضدکارگری دولت ها و طبقه سرمایه دار بین المللی در مورد مسئله فلسطین را محکوم کنند. به این بیندیشیم که ده ها هزار کارگر سرنشین شناورها فریاد سر دهند که معضل فلسطین فقط و فقط با اتحاد کارگران فلسطین و اسرائیل علیه طبقات سرمایه دار اسرائیل و فلسطین و به زیر کشیدن دولت های مدافع این طبقات و استقرار دولت شوراهای کارگران در هر دو کشور حل می شود. آنچه در روزهای اخیر در آب های بین المللی توسط کاروان آزادی و با هدف شکستن دیوار محاصره غزه روی داده است جلوه درخشانی از همبستگی انسان های ستمدیده دنیای سرمایه داری است. سرنشینان کشتی ها، سرمایه داران نبودند. اکثراً کارگران کشورهای مختلف جهان بودند. محموله شناورها را دولت ها اهدا نکرده بودند. کارگران با بهای اندک نیروی کار خویش در طبق اخلاص برای همزنجیران خویش می بردند. هیچ نهاد دولتی، دست اندرکار برنامه ریزی و سازماندهی کاروان نبود. همه جا ابتکار توده های انسانی بود که زمام امور را پیش می برد و این انسان ها عموماً از طبقه روشندگان نیروی کار بودند. همگان می دانستند که با تهاجم جنایتکارانه دولت اسرائیل مواجه خواهند شد و همگان می دیدند که کل سرمایه داری جهانی در پشت سر ارتش کارگرکش اسرائیل به صف ایستاده است. وضعیت کاروان آزادی در واقعیت خود چنین بود و خیزش سرنشینان آزاده و مبارز شناورها بر همین اساس جرقه ای زیبا و پرفروغ بر انبار خشم و نفرت کارگران و انسان های به جان آمده از بربریت سرمایه داری بود. این جرقه اکنون در حال شعله کشیدن و وسعت گرفتن است. سرنشینان شناور « ریچل کری» که از سواحل ایرلند عزیمت کرده است هم اکنون با آمادگی کامل برای مقاومت در برابر بربریت ها، کشتارها و تهدیدات مکرر دولت هار اسرائیل، آب های مدیترانه را به سوی ساحل غزه پشت سر می گذارند. و

جالب آن که این سرنشینان کمک های دولت سرمایه داری ایران را، که عوام فریبانه خود را حامی مردم فلسطین جا می زند، نپذیرفته اند.

همزمان، کارگران بندر در بزرگ ترین مرکز بندری جنوب سوئد اعلام کرده اند که در فاصله روزهای 15 تا 25 ماه ژوئن حمل هر نوع کالا به مقصد اسرائیل و تخلیه هر میزان کالا از آن کشور به کشورهای دیگر را به طور کامل متوقف خواهند ساخت. این بخش از کارگران بندر در شهر یته بوری سوئد در طول دو سال اخیر مبارزات وسیعی را علیه تهاجمات سرمایه در کارنامه خود ثبت کرده اند. بارها در مقابل سیاست های سازشکارانه و سرمایه سالارانه اتحادیه سراسری کارگران سوئد دست به مقاومت زده اند. برای مدتی طولانی همه مشکلات اعتصاب « غیرقانونی» را تحمل کرده اند. روزها و هفته های زیادی با تعطیل چرخ کار در بخشی از بندر و امتناع از بارگیری و تخلیه کالاها، روند کار مراکز تولید را متوقف ساخته اند. این کارگران با این پیشینه مبارزاتی و سابقه شفاف ستیز با رفرمیسم اتحادیه ای اکنون پرچم حمایت طبقاتی از همزنجیران فلسطینی را در آب های ساحلی جنوب سوئد به اهتزاز در آورده اند. آنان به این نیز بسنده نکرده اند و دست همیاری به سوی کارگران اروپا برای پیوستن به کارزار تحریم دولت اسرائیل و شکستن دیوار محاصره غزه دراز کرده اند. کارگران از همه همزنجیران خود در سراسر اروپا و جهان خواسته اند که دست همبستگی بین المللی همدیگر را فشار دهند و قدرت متحد طبقاتی خود را برای کمک به بردگان مزدی فلسطین علیه دولت سرمایه داری اسرائیل به کار گیرند. حزب سوسیال دموکرات سوئد بلافاصله مخالفت صریح خود را با این اقدام بشردوستانه کارگران بندر اعلام کرده و چنین رویکردی را خلاف مصالح کشور و، به زبان واقعی و زمینی، خلاف مصالح طبقه سرمایه دار سوئد دانسته است. آنچه رهبران حزب سوسیال دموکرات سوئد بر زبان رانده اند به یقین حرف دل سران اتحادیه ها نیز هست. آنان نیز حتماً در مقابل خیزش انسانی توده های کارگر بندر خواهند ایستاد. این که کارگران تا چه حد در این مبارزه موفق خواهند شد به میزان آمادگی و تدارک و آگاهی و عزم راسخ آنان برای ادامه این مبارزه بستگی دارد. ما بار دیگر ابتکار بزرگ بشردوستانه 500 سرنشین کاروان آزادی، حرکت شجاعانه سرنشینان شناور « ریچل کری» که هم اینک در حال حرکت به سوی غزه است و سرانجام اقدام شجاعانه کارگران بندر سوئد در همبستگی بین المللی با کارگران نقاط دیگر برای کمک به مردم غزه را ارج می گذاریم. ما بر اهمیت گسترش و تعمیق این همبستگی ها پای می فشاریم، از کارگران در همه نقاط جهان می خواهیم که به این کازار بپیوندند و به تمامی فعالان ضدسرمایه داری جنبش کارگری پیشنهاد می کنیم که برای تبدیل این همبستگی ها به اتحاد سراسری بین المللی کارگران علیه کل سرمایه جهانی تلاش کنند. به یاد داشته باشیم که بین الملل جنبش جهانی طبقه کارگر از دل چنین کارزارها و مبارزاتی شکل می گیرد و بیرون می آید.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
15 خرداد 1389
www.hamaahangi.net
khbitkzs@gmail.com

انتقاد دبیر کل فدراسیون جهانی آموزش به بازداشت معلمان

سایت جرس در تاریخ 15 خرداد می نویسد: فدراسیون جهانی سازمان های معلمان (ای پی آی)، با ارسال نامه ای به رهبر جمهوری اسلامی و همزمان به مقامات ارشد ایران، خواستار آزادی معلمان و فعالان فرهنگی زندانی در ایران و همچنین توقف فشار بر اتحادیه های صنفی و فعالان مدنی شد.

این نامه که قبل از سفر اروپایی و حضور وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پارلمان اروپا، توسط دبیر کل آن مجموعه (فدراسیون جهانی سازمان های معلمان) که در پارلمان اروپا حاضر بود، منتشر گردیده بود، متن فارسی آن امروز جمعه، چهاردهم خرداد ماه در اختیار جرس قرار گرفت.

این تشکل صنفی در نامه ای که نسخه ای از آن در اختیار جرس قرار گرفت، ابتدا خاطرنشان می کند "فدراسیون جهانی سازمان های معلمان که بیش از سی میلیون معلم را در ۱۷۳ کشور نمایندگی می کند، احتراماً مایل است که توجه جنابعالی را به ادامه آزار و اذیت و ارباب معلمان عضو اتحادیه ها در ایران بویژه آن دسته از آزارها جلب کند که بر فعالان کانون های صنفی معلمان که تحت تشکل شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان فعالیت می کنند و عضو وابسته ایی آی هستند، تاثیر گذاشته است."

آنها همچنین متذکر شدند همچنان در شوک روشی هستند که مقامات قضایی ایران به پرونده قضایی معلم فعال عضو کانون صنفی؛ فرزاد کمانگر با محروم کردن او از یک دادرسی شفاف و عادلانه و با اعدام او قبل از بررسی در دیوان عالی و بدون اطلاع وکیل و خانواده، خاتمه دادند.

آنها همچنین در مورد تایید حکم اعدام یکی دیگر از معلمان زندانی (عبدالرضا قنبری) و ادامه بازداشت فعالان اتحادیه های معلمان در ایران که بصورت الفبایی فهرستشان اعلام شده، ابراز نگرانی کردند:

اسماعیل عیدی، معلم و عضو کانون صنفی معلمان تهران که اواخر اردیبهشت ماه امسال بازداشت شد.

علی اکبر باغانی، دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران قبل از روز معلم امسال بازداشت شد.

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران که همراه با باغانی دستگیر شد.

رسول بداغی، عضو کانون صنفی معلمان در تهران نیز همچنان در بازداشت بسر می برد.

عبدالرضا قنبری، معلم مدرسه در پاکدشت ورامین و استاد دانشگاه پیام نور، که دی ماه ۸۸ دستگیر و محارب شناخته شد.

هاشم خواستار، معلم بازنشسته ای که زندانی است و دچار بیماری کلیوی و گوارشی می باشد. محمد حسن شیرازی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان یزد که دوم خرداد ماه بازداشت شد. تشکل جهانی فوق الذکر در پایان از دولت ایران خواستار آن شد که فشار بر اتحادیه های کارگری را متوقف کند، معلمان بازداشت شده عضو کانون های صنفی را فوراً آزاد کند و همه اتهامات علیه آنها را لغو کند، و به کانون های صنفی معلمان در ایران و شورای هماهنگی آنها رسمیت قانونی ببخشد. این نامه همزمان با آقای خامنه ای، به محمود احمدی نژاد، صادق لاریجانی، سفیر جمهوری اسلامی در بروکسل، سازمان جهانی کار، ای تی یو سی، ای تی یو سی، آی تی اف، عفو بین الملل و همچنین شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران ارسال شده است.

شرایط حاد و غیر انسانی زندانیان سیاسی بند 3 معروف به کارگری زندان گوهردشت کرج

بنابه گزارشات رسیده از ایران به تاریخ 15 خرداد 89 آمده است: در ایران وضعیت و شرایط زندانیان سیاسی بند 3 معروف به بند کارگری در زندان گوهردشت کرج که اخیراً به این بند منتقل شده اند حاد و غیر انسانی می باشد.

از روز یکشنبه 9 خرداد ماه تعدادی از زندانیان سیاسی از بند های 2، 4، 6 و زندان کچوئی پردیس کرج به بند 3 معروف به بند کارگری زندان گوهردشت کرج منتقل شدند که تا به حال تعداد آنها در حدود ده نفر تخمین زده می شود. اسامی تعدادی از زندانیان سیاسی که به این بند منتقل شده اند عبارتند از: احمد زید آبادی، منصور رادپور، ارژنگ داودی، مسعود باستانی، علیرضا کرمی خیر آبادی، بهنام فیدج (دانشجو از دستگیر شدگان اعتراضات)، مصطفی اسکندری (دستگیر شدگان اعتراضات)، مهدی محمودیان، رضا رفیعی و حشمت الله طبرزدی می باشند.

تمامی زندانیان سیاسی نامبرده فوق در حسینه این بند زندانی هستند. آنها فاقد هرگونه امکانات اولیه می باشند و از داشتن تخت محروم هستند و زمین خواب می باشند. تمامی امکانات اولیه مانند زیر انداز که در این حسینه فرش شده بود قبل از انتقال زندانیان سیاسی به آنجا، خارج شده و به انبار بند منتقل کرده اند. در حال حاضر فقط موکتی بسیار کثیف کف این حسینه می باشد.

زندانیان با حداقل وسایل خود چند روزی است که با این شرایط غیر انسانی در آنجا اسکان داده شده اند. از طرفی دیگر زندانیان بند کارگری در حسینه دائم تردد دارند و پاسداربند ها مراسم مختلفی در آن برگزار می کنند که گاهی تا نیمه های شب ادامه می یابد این مراسم که با صدای بلند برگزار می شود باعث فشارهای روحی و روانی و مانع استراحت زندانیان سیاسی می شود.

رئیس بند 3 فردی است به نام گرامی که از جمله کسانی می باشد که در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در دهه 60 در این زندان فعالانه شرکت داشته است و با افتخار از قتل عام زندانیان سیاسی آن دوران یاد می کند. این فرد در حال حاضر از قرصهای روان گردان استفاده می کند و به مواد مخدر معتاد می باشد رفتارهای غیر انسانی با زندانیان سیاسی دارد و دائم دنبال بهانه جویی است. همچنین یکی از پاسداربند های این بند به نام نادری از جمله کسانی بود که در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 خود چهار پایه را از زیر پای زندانیان سیاسی می کشیده است و این کار را از افتخارات خود می داند. پاسدار بند نادری می گوید سعی می کرده است که در کشیدن چهار پایه هنگام اعدام زندانیان سیاسی در سال 67 از دیگر پاسدارها کوی سبقت را بگیرد او نسبت به دیگر پاسداران بیشترین چهار پایه ها را کشیده است.

فعالین سیاسی در ایران، قرار دادن زندانیان سیاسی در شرایط حاد و غیر انسانی و همچنین دادن مسئولیت بند به کسانی که جنایت علیه بشریت را از افتخارات خود می دانند را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر مراجع بین الملل خواستار اقدامات عملی برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران است.

اعتراض زنان ایران به طرح تفکیک جنسیتی

به نوشته پایگاه اطلاعاتی تغییر برای برابری، ۱۵ در تاریخ خرداد ماه، با اشاره به مخالفت به حق زنان و دختران دانشجو از جمله گزارش داد: " . . تفکیک جنسیتی مساله ای است که در طول چند سال اخیر در حوزه های مختلف مطرح می شود و در دانشگاه ها، در حوزه بهداشت و درمان و البته پیش از این در حوزه های دیگر مطرح شد و حتی به اجرا هم درآمد . . . این نگاه [تفکیک جنسیتی] در دانشگاه ها نگاه مسمومی است چرا که دانشگاهیان را که همواره تاثیر گذار در جامعه ایران بودند را زیر سوال می برد . . . عده ای تصور می کنند با این گونه سیاست ها برخی معضلات و مشکلات را حل می کنند . . . " این گونه طرح ها با هر انگیزه ای هم تبلیغ شوند، هدفی جز سرکوب زنان، اعمال تبعیض جنسیتی، تضعیف جایگاه و موقعیت زنان و به قهقرا کشاندن و تحمیل نوعی تفکر طالبانی را در جامعه دنبال نمی کنند. خصوصاً اینکه در لحظه کنونی و با توجه به تحولات سیاسی کشور انگیزه اصلی طرح هایی چون تفکیک جنسیتی در مراکز آموزش عالی و طرح عفاف و حجاب، برای ضربه زدن به زنان آزادی خواه کشور است.

بازداشت علیرضا اخوان، از فعالان کارگری

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری گزارش می دهد: در ساعات نیمه شب پنجشنبه 13 خرداد 1389، ماموران امنیتی جمهوری اسلامی علیرضا اخوان از فعالان کارگری را در منزلش بازداشت کردند و با خود بردند. در این بازداشت، که توأم با بازرسی و تفتیش منزل اخوان بوده است، ماموران هیچ دلیلی برای این بازداشت ارائه ندادند. بر اساس اطلاع، علیرضا اخوان تلفنی با خانواده اش تماس گرفته و گفته که در بند 209 زندان اوین محبوس است.

ما فعالیت کارگری را حق مسلم همه کارگران و فعالان کارگری از جمله علیرضا اخوان می دانیم، بازداشت او را محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط او هستیم.

15 خرداد 89

40 ضربه شلاق و 7 سال حبس برای پژمان رحیمی

در تاریخ 15 خرداد در خبرها آمده است: پژمان رحیمی از فعالین کارگری خوزستان و دبیر انجمن فرهنگی هنری سایه در اهواز در دادگاه عمومی اهواز در تاریخ 1389/1/28 به اتهام اخلال در نظم به یک سال حبس و 40 ضربه شلاق محکوم شده است و رای دادگاه در تاریخ 1389/3/10 به وی ابلاغ شده است. قبل از این نیز وی به اتهام اجتماع و تبانی علیه جمهوری اسلامی و همچنین به اتهام تحریک کارگران هفت تپه و کارگران لوله سازی اهواز به 5 سال حبس محکوم شده بود و همچنین به دنبال ارائه ی یک سمینار علمی در دانشگاه اهواز به یک سال حبس محکوم شده بود.

پس این فعال کارگری تا کنون به 7 سال حبس به اضافه ی 40 ضربه شلاق محکوم شده است.

مطهری در گفت و گو با ایلنا:

انکار اخراج کارگران منطقی به نظر نمی رسد

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 خرداد 89 نوشت: عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اعلام اینکه مشکلات کارخانه ها و صنایع را نمی توان نادیده گرفت، گفت: هنگامی که واحدها بحران دارند و ناچار به کاهش هزینه هستند بحث تعدیل نیرو ایده ای اجتناب ناپذیر است.

علی مطهری در گفت و گو با ایلنا با تأکید بر اینکه امروزه عمده صنایع کشور با مشکل مواجه هستند، گفت: هنگامی که مشکلات فراوانی دست به گریبان صنایع شده، دولت به اندازه کافی کمک نمی کند و به جای تنظیم بازار، درهای کشور را به روی واردات بی رویه گشوده است افزایش اشتغال و انکار اخراج کارگران منطقی به نظر نمی رسد.

وی عمده مشکلات صنایع کشور را ضعف مالی به ویژه در بحث گردش مالی تعریف کرد و گفت: این معضل با سه قفله شدن و سیاست های انقباضی بانک ها شدت گرفت و این مساله برای کارخانجات و صنایع سرمایه بر همچون فولاد جدی تر است.

نماینده شبستر خصوصی سازی را زمینه ساز تعدیل نیرو و اخراج های گسترده کارگران دانست و گفت: تاکنون که کارخانجات دولتی بود مشکل اشتغال کشور را در این قبیل واحدها پوشش می دادیم به عبارت بهتر برای یک شغل 2 تا 4 نیروی کار استخدام می شد اما مدیریت خصوصی با هدف سوددهی و کاهش هزینه ها وارد عرصه رقابت می شود و در اولین فرصت هزینه های سربار این چنینی را تعدیل می کند.

وی اجرای اصل 44 قانون اساسی و بحث واگذاری ها را مطرح کرد و گفت: اگر قرار است خصوصی سازی به معنای واقعی اتفاق بیفتد باید به کارفرمایان اجازه انتخاب بدهیم نه آنکه واحدی که دارای بحران است به مدیران واگذار و مشکلات را نیز تحمیل کنیم.

مطهری افزود: اگر کارفرما بخواهد این رویه را ادامه دهد و قیمت کالای تمام شده اش بالا می رود در نتیجه مجبور خواهد بود کیفیت را پایین بیاورد که مشتری هایش را از دست می دهد و کارخانه تعطیل می شود.

وی با تأکید بر حفظ بازار فروش گفت: اگر اخراج تعدادی کارگر را بپذیریم و اجازه دهیم واحد تولیدی سرپا بماند پس از مدتی توان خود را باز خواهد یافت و در اثر توسعه کارگاه، کارگران را جذب خواهد کرد بنابراین در وهله اول باید سنگ های بزرگ را از دست و پای تولیدکننده باز کرد.

وی تأکید کرد: دولت می تواند در کوتاه مدت در قالب بیمه بیکاری به حمایت از کارگران اخراج شده بپردازد.

پایان پیام

وضعیت کودکان کار در کوچه و پس کوچه های خیابان ناصر خسرو

خبرگزاری مهر در روزنامه و سایت مهر به تاریخ ۱۶ خرداد، گزارشی دارد: این گزارش که گوشه هایی، هر چند کوچک، از وضعیت رقت بار کودکان کار در ایران را نشان می دهد. گزارش مربوط به کودکان فلسطینی نیست، بلکه به کودکانی مربوط است که در خیابان ناصر خسرو تهران، یکی از مرکزی ترین خیابان های کلان شهر تهران به استعمار گرفته شده اند. این گزارش می نویسد: "با ترفند رئیس خانه ناصر خسرو که انتهای همین کوچه قرار دارد به بهانه اینکه با بچه های کارگاه برای آمدن به کلاس های درس خانه کودک صحبت کنیم، وارد یکی از کارگاه ها می شویم. اتاق ۲۰ متری با دیوارهای بلند که روزنه نوری بجز در ورودی اتاق ندارد، ۶۰ کودک ۱۰ تا ۱۳ ساله ایرانی و افغانی به سرعت مشغول به کار کردن هستند."

بنا بر این گزارش، ساعات کاری از ۸ صبح تا ۱۲ شب است. حقوق ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه است. این فقط قسمتی از گزارش سرکشی به یکی از کارگاه ها است. کودک ۸ ساله ای در یکی دیگر از کارگاه ها روزی ۵۰ کیف چرمی درست می کند. بچه های ۱۰ و ۱۱ ساله هم در این کارگاه مشغول به کار هستند. گزارش با اشاره

به کنوانسیون حقوق کودک - که ایران در سال ۷۲ به آن پیوسته و در آن کار کودکان ممنوع شده است - آورده است: "یاد این می افتم که در بند الف ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه کشور تاکید بر ممنوعیت کار کودکان شده ولی گویا در این کوچه پس کوچه های ناصر خسرو و مرکز تجاری تهران در مقابل چشمان وزارت کار، کم نیستند کارگاه های نساجی و تولید مواد شیمیایی که چرخشان با دستان کوچک نحیفی می چرخد. کودکانی که از امکانات اولیه بهداشتی مانند حمام، تغذیه مناسب و مدرسه رفتن محرومند. تعداد این کارگاه های غیر مجاز در حاشیه امن بی نظارتی مسئولان، هر روز بیشتر می شود. صاحبان این کارگاه ها نیز با وجود کم توانی کودکان ولی به دلیل اینکه کم توقع هستند و حقوق کمتری طلب می کنند و در دسر کمتر و حرف شنوایی بیشتری دارند برای رسیدن به اهداف مالی شان برای این نان آوران کوچک اشتغالزایی می کنند."

اعلام اسامی گروه کارگری ایران جهت اعزام به اجلاس جهانی I.L.O

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 خرداد 89 نوشت: اسامی 6 عضو کارگری گروه اعزامی ایران به اجلاس جهانی سازمان جهانی کار (I.L.O) به ژنو سویس مشخص شد. به گزارش ایلنا، سه نفر از این افراد از سوی مجمع عالی نمایندگان کارگر و سه نفر باقی مانده نیز از سوی کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور انتخاب شده اند. آقایان سیدمحمدیاراحمدیان، عباس سلطانی نژاد و مجید فیروزآبادی از مجمع عالی نمایندگان کارگری و آقایان اولیا علی بیگی، علی اکبر دهقان نژاد و حسین شجاعی از کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور به عنوان گروه کارگری اعزامی به ژنو انتخاب شده اند. یاراحمدی به عنوان سرپرست گروه اعزامی کارگران و مسوول کمیته استانداردها، سلطانی نژاد به عنوان مسوول کمیته اهداف استراتژیک اشتغال و فیروزآبادی به عنوان رابط هماهنگی بین کمیته ها انتخاب شدند. همچنین علی بیگی به عنوان مسوول کمیته حقوق بنیادین کار، دهقان نژاد به عنوان مسوول کمیته کار شایسته و شجاعی به عنوان مسوول کمیته ایدز انتخاب شده اند. پایان پیام

پیدا و پنهان کار کودکان در کارگاه های غیر قانونی

خبرگزاری مهر در تاریخ 16 خرداد نوشت: ای امروز، قربانیان فردا/ پیدا و پنهان کار کودکان در کارگاه های غیر قانونی کار کودکان جرم نیست، افتخار هم دارد چون از گرسنگی نجاتشان می دهد. روز کودکان کار در کارگاه های بدون نور و نمور چنان سپری می شود که شبشان، اینجا یک کشور آفریقایی نیست، ناصر خسرو تهران است که چرخ کارگاههایش را دستانی نحیف و کوچک می گردانند. لوبیای قرمز کنسرو ته ماهی تابه آنقدر جلوی راه پله ورودی کارگاه در زیر آفتاب مانده که به غذای حشره ها و مگسها تبدیل شده است. البته این تنها تصویر چشم آزار این حیاط دو سه هزار متری با اتاقهای دور تا دورش نیست. از دالان کم ارتفاع این خانه که وارد می شوی صدای خرد شدن سرنگ نیمه استفاده در زیر پا به گوش می رسد سرنگی که گویا در رفت و آمد از کوچه به داخل خانه وارد شده است. یکی از کوچه های خداینده لو در ناصر خسرو تهران. چشم را که از تصویر جوانی 27 ساله در کنار موتورش با سوزن نوک تیزی در دست که با کمال آرامش و امنیت کراک می کشد برداری وارد دالان این خانه می شوی. خانه ای که در هر گوشه حیاطش تکه مبل شکسته و کیسه های پر از خرده چرم و آشغالهای مختلف به چشم می خورد. دیوارهایی تیره از دوده چوب خانه نشان از این دارد که ساکنان خردسالش برای شب نشینی دور آتش جمع می شوند. این خانه گویا عکسی سیاه و سفید از خاطرات گذشته است که روزگاری اتاقهای پرجمعیت آن پر از زندگی و شادی بود و حالا رنگ زندگی خود را باخته است. همان اتاقهایی که روزی پذیرای مستاجرهای جور واجور بود حالا تبدیل به کارگاه شده است. پرده یکی از اتاقها را که کنار بزنی چند مرد قوی هیکل را می بینی که بعد از خوردن ناهار مفصل، بالشت به زیر دست لم داده اند و استراحت روزانه خود را با چرت ظهر کنار گاز بیک نیکی شان تکمیل می کنند. رئیس همه کارگاهها اینجا جمعند. پا ترفند رئیس خانه کودک ناصر خسرو که انتهای همین کوچه قرار دارد به بهانه این که با بچه های کارگاه برای آمدن به کلاسهای درس خانه کودک صحبت کنیم وارد یکی از کارگاهها می شویم. اتاق 20 متری با دیوارهای بلند روزنه نوری به جز در ورودی اتاق ندارد. 6 کودک 10 تا 13 ساله ایرانی و افغان به سرعت مشغول کار کردن هستند. یکی از روی الگو ورقه های چرم را قیچی می کند و دیگری که کمی سنش بیشتر است با چرخ مشغول دوختهای کناری کیف است. یک کارگاه تولیدی کیف. از نوراحمد که سن بیشتری دارد و به نظر می رسد رئیس گروهشان است در مورد وضعیت کارشان سؤال می کنم. "ساعت کاری ما از هشت صبح تا 12 شب است. شبها هم همینجا می مونیم. روز مزد کار می کنیم. حقوق من در ماه حدودا 300 هزار تومان است ولی بقیه بچه ها 200 هزار تومان می گیرند. دو تا سه سال کلاس بیشتر درس نخونده ام. دو ماه به خانه کودک رفتم ولی بعدا وقت نشد که ادامه بدم. اینجا حمام ندارد و تهیه غذا هم با خودمان است. از پله های بلند این کارگاه که پایین بیایی در مجاور آن کارگاه نساجی دیگری است. یک پسر 13 ساله در آن

مشغول انجام کار است. بی‌اعتنایی اش به ورود ما نشان می‌دهد که علاقه ندارد غریبه‌ای وارد کارگاه شود و اضطراب در صورتش مشخص است، دلهره از این که چیزی بگوید و صاحب کار خود را آزرده کند. "در این کارگاه سه نفر کار می‌کنند که 15 و 12 سال دارند. با سردی در مورد حقوقشان جواب می‌دهد که بین 150 تا 200 هزار تومان است."

کارگاهی در گوشه دیگر حیاط قرار دارد که مردی میانسال با شنیدن صدای ما از اتاق خارج می‌شود ولی کارگران آن همه بزرگسال هستند.

در انتهای همین کوچه کارگاه دیگری قرار دارد. آنقدر فاصله در با حیاط و کارگاهها زیاد است که به سختی صدای در زدن به کارگاه می‌رسد ولی باز به در زدن ادامه داده و ناامید نمی‌شوم تا این که بالاخره از سوراخ گرد روی در متوجه می‌شوم که کسی برای باز کردن در با طمأنینه از دالان ورودی ظاهر می‌شود.

بعد از عبور از راهرویی 10 متری به حیاط بزرگ گردی می‌رسیم که اتاق کارگاههایی دورتا دور آن وجود دارد. صدای ضبط صوت یکی از کارگاهها با آهنگ دلخراش چرخهای صنعتی اتاق دیگر رقابت می‌کند تا آرزوی یک لحظه سکوت به دل کارگران بماند. بوی تند چرم هم شامه را اذیت می‌کند.

از کودکی هفت ساله که پیش از این در یکی از کارگاههای این خانه کار می‌کرد سراغ گرفتیم. صاحب کارگاه جلوی در حاضر می‌شود تا مانع از دید زدن ما به داخل کارگاه زیرزمینی اش که البته به خاطر تاریکی دید چندانی ندارد شود. می‌گوید که مادر کودک هفت ساله او را از این کارگاه به جای دیگری به کارگاههای رودکی برده است چون که از حضورش در کلاس درس خانه کودک ناراحت بوده ولی از لحنش پیدا بود که حقیقت را انکار می‌کند. یکی از مسئولان خانه کودک می‌گوید خود او به دلیل این که این کودک صبحها یک ساعت از وقت خود را برای رفتن به این کلاسها و یادگرفتن خواندن و نوشتن صرف می‌کرد عذرش را خواسته است و او به ناچار به کارگاهی دیگر رفته و از کلاسها هم محروم شده است. به سختی در تاریکی دو کودک دیگر دیده می‌شوند که جایگزین پسر بچه هفت ساله شده‌اند. ولی صاحب افغانی اجازه نمی‌دهد که با آنها صحبت کنیم. در این میان صاحب کارگاه طبقه بالایی که متوجه علت حضور ما شده با حرکت دست اشاره می‌کند که در اتاق رو به رو چند بچه کار می‌کنند.

میرویس هشت ساله به زحمت قیچی بزرگ خیاطی صنعتی را باز و بسته می‌کند تا کنار زیبی کیفها را مرتب کند. در حالی که دو زانو بر روی زمین نشسته، سرش به کار خودش است و قیچی حریص به انگشتش را باز و بسته می‌کند

"میرویس" هشت ساله به زحمت قیچی بزرگ خیاطی صنعتی را باز و بسته می‌کند تا کنار زیبی کیفها را مرتب کند. در حالی که دو زانو بر روی زمین نشسته، سرش به کار خودش است و قیچی حریص به انگشتش را باز و بسته می‌کند. صاحب کارگاهشان به همراه مرد میانسال دیگری بر روی صندلی پشت دستگاه چرخ خیاطی نشسته‌اند و میرویس به همراه برادر و دو دوست هم سن و سال دیگرش بر روی موکت پوسیده‌ای که کفپوش زمین است کار می‌کنند. یکی الگوها را بر روی زمین مرتب کرده و کنار هم می‌چیند و بقیه قیچی به دست هستند. باورش سخت است ولی همین هشت دست کوچک روزی 50 کیف درست می‌کنند. میرویس تا متوجه ورود ما می‌شود از جا بلند شده و با صورتی سرخ و لیخنه بی‌خبری کنار در می‌ایستد. فریدون 9 ساله، علی سجاد 11 ساله و علی سینای 10 ساله هم دست از کار می‌کشند و حواسشان به این پرت می‌شود که چه کسی از آنها سراغ می‌گیرد. مسئول کارگاه که به نظر نمی‌رسد سنی بیشتر از 30 سال دارد پدر دو کارگرش است که البته این طور وانمود می‌کند که بچه‌ها در کارگاه سرگرم هستند و بازی می‌کنند نه کار.

از بین این چهار بچه تنها علی سینا که به خاطر جثه نحیفش به نظر پسر بچه‌ای هفت تا هشت ساله می‌رسد تنها دو سال به مدرسه رفته و بقیه تا حالا از درس و کتاب و مدرسه دور بوده‌اند ولی زمانی که مسئول خانه کودک ناصر خسرو از آنها می‌خواهد تا به کلاسهای درس این خانه کودک بیایند بدون که منتظر اجازه از رئیس باشند به سمت کفشهای کتانی خود خیز برمی‌دارند.

رئیس کارگاه می‌گوید که ماهیانه 160 هزار تومان برای اجاره این اتاق پرداخت می‌کند و به خاطر همین باید شبانه روز کار کنند تا پول اجاره و دستمزد کارگرها در بیاید. وی که به همراه دو کودک خود حدود یکماه و نیم پیش به امید زندگی بهتر به ایران آمده‌اند اجازه می‌دهد تا این چند کودک برای ثبت نام در کلاس درس با ما همراه شوند.

در راه از میرویس سؤال می‌کنم که تا چه ساعتی سرکار است و او معصومانه جواب می‌دهد تا 10 و 11 شب ولی علی سینا با وجود سن کمش متوجه می‌شود که ممکن است صحبت میرویس برای پدرش دردسر ساز شود و با سرعت به میان حرف او می‌پرد و می‌گوید ما از 9 و نیم صبح کار می‌کنیم تا 9 شب.

از برادر میرویس می‌پرسم که آیا شبها در کارگاه می‌خوابند و او جواب می‌دهد که پیش دو برادر خود زندگی می‌کنند. اومی گوید که روزهای جمعه، تعطیلی آنهاست و اغلب به پارک می‌روند و بازی می‌کنند. دوست دارند به مدرسه بروند، از کار کردن راضی هستند چون می‌توانند برای مادر و تنها خواهرشان در کردستان پول بفرستند.

در راه بازگشت بچه‌ها از خانه کودک به کارگاهشان که حتی ورود برای چندمین بار به محوطه آن هراس آور است، یاد کنوانسیون حقوق کودکی می‌افتم که ایران در سال 72 به آن پیوسته و در آن کار کودکان ممنوع شده است.

یاد این می‌افتم که در بند الف ماده 101 قانون برنامه چهارم توسعه کشور تاکید بر ممنوعیت کار کودکان شده ولی گویا در این کوچه پس کوچه‌های ناصر خسرو مرکز تجاری تهران در مقابل چشمان وزارت کار، کم نیستند کارگاههای نساجی و تولید مواد شیمیایی که چرخشان با دستان کوچک و نحیفی می‌چرخد. کودکانی که از امکانات اولیه بهداشتی مانند حمام، تغذیه مناسب و مدرسه رفتن محرومند.

رئیس خانه کودک ناصر خسرو می گوید که بعضی از آنها 10 روز یکبار حمام می کنند و اغلب در موی سرشان شپش دارند.

در مورد آمار غیر رسمی که چند سال پیش در مورد آزار جنسی این کودکان در کارگاهها اعلام شد از فعال حوزه کودکان که ما را در تهیه گزارش از این کارگاهها همراهی می کرد سؤال کردم و او جواب داد که در این کارگاهها به علت فشردگی جمعیت و ویژگی خاص محیطی خطر آزار جنسی به کودکان وجود دارد و ما موارد بسیاری از این دست داشته ایم.

در این کارگاهها به علت فشردگی جمعیت و ویژگی خاص محیطی خطر آزار جنسی به کودکان وجود دارد و ما موارد بسیاری از این دست داشته ایم
فعال کودک

وی ادامه می دهد که حتی در مواردی هم کودکان کم سن و سال در کنار صاحب کارگاه اقدام به مصرف مواد مخدر می کنند. البته این گفته او جای تأمل جدی دارد که معمولاً این آسیبها از سوی کارفرمایان ایرانی صورت می گیرد و صاحبان افغانی کارگاهها اخلاقیات را بیشتر رعایت می کنند و معتقدترند. او می گوید که با وجود غیرقانونی بودن بکارگیری این بچه ها شرایط کاریشان نیز بسیار سخت و طاقت فرسا و حتی مشکلتر از بزرگسالان کارگر است در حالی که دستمزد بسیار کمی نیز در مقایسه با بزرگسالان می گیرند.

گزارش منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می دهد بیش از دو میلیون و 500 هزار کودک کار در کشور وجود دارد که در معرض جدی کودک آزاری جسمی، جنسی و اعتیاد قرار دارند.

کودکانی که در اتاقهای کوچک و تاریک بدون هیچ نوری صبح را شب می کنند تا بتوانند نانی برای خانواده شان بفرستند. تعداد این کارگاههای غیرمجاز در حاشیه امن بی نظارتی مسئولان، هر روز بیشتر می شود، صاحبان کارگاهها نیز با وجود کم توانی کودکان ولی به دلیل این که کم توقع تر هستند و حقوق کمتری طلب می کنند و در دسر کمتر و حرف شنوایی بیشتری دارند برای رسیدن به اهداف مالی شان این نان آوران کوچک اشتغالزایی می کنند.

در این کارگاهها بهداشت محیط و حقوق مسلم کارگران بالغ رعایت نمی شود چه برسد به حقوق کودکان که نیاز بیشتری به توجه و برخورداری از ایمنی و سلامت و آموزش دارند. زندگی این بچه ها بدون امید به آینده ای روشن در کارگاههایی رقم می خورد که هر لحظه باید منتظر یک حادثه و یا بیماری برای آنها بود.
گزارش: ندا ریحانی

تجمع مقابل استانداری گیلان؛

کارگران کنفکار رشت 5 سال حقوق نگرفته اند

خبرگزاری فارس: کارگران کنفکار رشت به دلیل عدم دریافت 5 سال مطالبات، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

به گزارش خبرگزاری فارس از رشت، جمع زیادی از کارگران شرکت کنفکار رشت پیش از ظهر امروز در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

یکی از کارگران به نمایندگی از دیگر کارگران در گفت و گو با خبرنگار فارس در رشت دلیل این تجمع را بی توجهی به حق و حقوق کارگران شرکت کنفکار عنوان کرد.

وی که خواست نامش فاش نشود، اظهار داشت: مدت پنج سال است که حقوق دریافتی ما را پرداخت نکرده اند و وعده داده بودند 65 درصد مطالبات کارگران تا پایان سال گذشته پرداخت شود اما عملاً این کار انجام نشد. این کارگر شرکت کنفکار افزود: 9 ماه است که تنها 450 هزار تومان به کارگران بابت حقوق و پاداش پرداخت کردند که این پول نمی تواند کفاف هزینه های سنگین کارگران را بدهد.

وی با اشاره به اداره این کارخانه توسط بخش خصوصی گفت: بخش خصوصی 3/5 میلیارد تومان برای بازگشایی، حق کارگر، آوردن مواد اولیه و بازنشستگی کارگران وام گرفت اما هیچ کدام از این موارد را انجام نداد. این کارگر ادامه داد: کارخانه کنفکار، 126 کارگر دارد که 120 نفر بیش از 20 تا 30 سال سابقه کار دارند. وی با اشاره به اینکه شرکت کنفکار در حال حاضر باز است اما مواد اولیه و کافی برای فعالیت ندارد، خاطرنشان کرد: در بحران برف سال 83 مدیران این کارخانه که هیچ آسیبی ندیده بود، به بهانه بحران برف کارگران را بیمه بیکاری کردند در حالی که 12 روز پس از بحران برف نیز کار کردیم و اگر 16 ماه بیمه بیکاری نمی رفتیم همه بازنشسته می شدیم؛ گناه ما کارگران چیست.

این کارگر مهم ترین درخواست کارگران شرکت کنفکار رشت را دریافت تمام حق و حقوق و مطالبات پنج سال گذشته و بازنشستگی پیش از موعد عنوان کرد.

وی اظهار داشت: سازمان صنایع، تامین اجتماعی، اداره کار و امور اجتماعی و دیگر مسئولان ذی ربط گیلان در جریان وضعیت ما هستند اما جز وعده هایی که هیچ وقت عملی نمی شود، کاری انجام نمی دهند.

این تجمع اکنون در پشت درهای بسته استانداری گیلان در حال برگزاری بوده و فریاد الله اکبر کارگران بلند است

بیش از 200 غرفه بازارچه 22 بهمن بندرعباس در آتش سوخت

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 16 خرداد می نویسد : بر اثر آتش‌سوزی پیش از ظهر امروز تاکنون بیش از 200 غرفه بازارچه محلی 22 بهمن بندرعباس در آتش سوخت. به گزارش خبرنگار ایلنا از بندرعباس در حال حاضر خودروهای متعدد آتش‌نشانی در راستای اطفای هر چه سریعتر حریق به ادامه فعالیت خود مشغولند. عدم رعایت اولیه این مسائل در مورد سیستم برق این بازارچه که اغلب به صورت دستی و آویزان مشاهده می‌شود یکی از عللی است که به گفته ماموران آتش‌نشانی سبب وقوع اصلی حادثه و گستردگی آن شده است. ازدحام جمعیت و درهم‌تنیدگی غرفه‌ها که اکثراً دیواره‌هایی با پوشش‌های پلاستیکی دارند علاوه بر مانع شدن از ورود ماشین‌های آتش‌نشانی به مرکز این بازارچه سبب شعله‌ور شدن هر چه بیشتر آتش و سرایت آن به بخش‌های دیگر شده است. از نکات جالب توجه در این حادثه می‌توان به حضور پرتعدد مردم که سبب اختلال در کار آتش‌نشانان و پلیس شده است، اشاره کرد. همچنین پلیس در راستای حفظ امنیت و پاسبانی از اجناس احتمالی آتش‌نگرفته در حال کوشش است.

اعتراض سازمان های بین المللی کارگری به پرونده سازی برای منصوراسالو

به نوشته هرانا در 16 خرداد آمده است: دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل، در نامه ای به محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعتراض به انتقال منصور اسانلو به بند انفرادی زندان رجایی شهر کرج، خواستار پایان اعمال فشارها بر رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه شد. او در نامه خود به محمود احمدی نژاد خواستار آن شد که خانواده منصور اسانلو، امکان ملاقات با این فعال کارگری زندانی را داشته باشند و در عین حال، بر لزوم آزادی آقای اسانلو و ابراهیم مددی معاون او تأکید کرد. پیشتر، فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل در بیانیه ای به شدت از نحوه رفتار مقام های ایرانی با منصور اسانلو انتقاد کرده بود. دیوید کاکرافت در گفت و گو با «رادیو فردا» می گوید: «ما به طور فعال برای آزادی منصور اسانلو مبارزه می کنیم. آقای اسانلو چهره بسیار شناخته شده و محبوبی در اتحادیه های کارگری در جهان به حساب می آید و ما به هیچ وجه، اعتقادی به اتهام های وارد شده به او نداریم.» دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل با اشاره به انتقال منصور اسانلو به بند انفرادی در زندان رجایی شهر می افزاید: «آقای اسانلو هیچ اقدامی انجام نداده است که بر اساس آن، چنین اقدامی در مورد او انجام گیرد.» بازداشت منصور اسانلو در تیرماه سال ۱۳۸۶ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و صدور حکم پنج سال زندان علیه او اعتراض های گسترده ای را در ایران و جهان به دنبال داشته است. تظاهرات گسترده ای نیز در ده ها کشور جهان از سوی سازمان های بین المللی کارگری و حقوق بشری در همبستگی با آقای اسانلو و سایر فعالان کارگری در ایران برگزار شده است. فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل در بیانیه خود از تظاهرات اتحادیه کارگران حمل و نقل اندونزی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در جاکارتا در روز هشتم ماه ژوئن خبر داده است. آقای کاکرافت در این ارتباط اشاره می کند که در نظر است تظاهرات بیشتری در این مورد برگزار شود. وی می گوید: «به دنبال سازماندهی تظاهراتی در جهان هستیم که نشان دهیم اعمال حکومت ایران زیر نظر جنبش کارگری در تمام کشورهای جهان قرار دارد و از حکومت ایران می خواهیم که فوراً منصور اسانلو را آزاد کند.» در این حال، بخشی از گزارش ها حاکیست که برای منصور اسانلو پرونده دیگری تشکیل شده و این موضوع، دلیل اصلی انتقال او به بند انفرادی در زندان رجایی شهر کرج است.

اعتراض سازمان های بین المللی کارگری به پرونده سازی برای اسالو

رادیو فردا، بهروز کارونی : دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل، در نامه ای به محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعتراض به انتقال منصور اسانلو به بند انفرادی زندان رجایی شهر کرج، خواستار پایان اعمال فشارها بر رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه شد. او در نامه خود به محمود احمدی نژاد خواستار آن شد که خانواده منصور اسانلو، امکان ملاقات با این فعال کارگری زندانی را داشته باشند و در عین حال، بر لزوم آزادی آقای اسانلو و ابراهیم مددی معاون او تأکید کرد. پیشتر، فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل در بیانیه ای به شدت از نحوه رفتار مقام های ایرانی با منصور اسانلو انتقاد کرده بود. دیوید کاکرافت در گفت و گو با «رادیو فردا» می گوید: «ما به طور فعال برای آزادی منصور اسانلو مبارزه می کنیم. آقای اسانلو چهره بسیار شناخته شده و محبوبی در اتحادیه های کارگری در جهان به حساب می آید و ما به هیچ وجه، اعتقادی به اتهام های وارد شده به او نداریم.» دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل با اشاره به انتقال منصور اسانلو به بند انفرادی در زندان رجایی شهر می افزاید: «آقای اسانلو هیچ اقدامی انجام نداده است که بر اساس آن، چنین اقدامی در مورد او انجام گیرد.»

بازداشت منصور اسانلو در تیرماه سال ۱۳۸۶ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و صدور حکم پنج سال زندان علیه او اعتراض‌های گسترده‌ای را در ایران و جهان به دنبال داشته است. تظاهرات گسترده‌ای نیز در ده‌ها کشور جهان از سوی سازمان‌های بین‌المللی کارگری و حقوق بشری در همبستگی با آقای اسانلو و سایر فعالان کارگری در ایران برگزار شده است.

فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل در بیانیه خود از تظاهرات اتحادیه کارگران حمل و نقل اندونزی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در جاکارتا در روز هشتم ماه ژوئن خبر داده است. آقای کاکرافت در این ارتباط اشاره می‌کند که در نظر است تظاهرات بیشتری در این مورد برگزار شود. وی می‌گوید: «به دنبال سازماندهی تظاهراتی در جهان هستیم که نشان دهیم اعمال حکومت ایران زیر نظر جنبش کارگری در تمام کشورهای جهان قرار دارد و از حکومت ایران می‌خواهیم که فوراً منصور اسانلو را آزاد کند».

در این حال، بخشی از گزارش‌ها حاکیست که برای منصور اسانلو پرونده دیگری تشکیل شده و این موضوع، دلیل اصلی انتقال او به بند انفرادی در زندان رجایی شهر کرج است.

در این ارتباط، وب‌سایت «کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران» به نقل از پروانه اسانلو، همسر منصور اسانلو، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، اعلام کرد که وی با اتهام جدیدی توسط توسط اطلاعات سپاه پاسداران روبرو شده و به بند امنیتی زندان انتقال یافته است. اتهام جدید این فعال کارگری، ارتباط با گروه‌های معاند نظام است و خانم اسانلو گفته است که همسرش تحت بازجویی در سلول انفرادی سپاه پاسداران در زندان رجایی شهر کرج است و تحت فشارهای شدید روحی قرار دارد.

«کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران» از مقام‌های قضایی خواسته است که طرح اتهام‌های جدید که آنها را بی‌اساس توصیف کرد، متوقف کنند.

دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل در این زمینه می‌گوید: «با توجه به اینکه بیش از نیمی از دوره محکومیت پنج ساله زندان منصور اسانلو سپری شده است و بر اساس قوانین ایران باید آزاد شود». دیوید کاکرافت اضافه می‌کند: «کاملاً روشن است که رژیم از آزادی منصور اسانلو به خاطر محبوبیتش بین کارگران نگران است و از همین رو تلاش می‌کند به هر طریق ممکن او را در زندان نگاه دارد». وی تأکید کرد که منصور اسانلو، سیاستمدار نیست و تنها یک فعال کارگری است و از حق تشکل‌یابی و حقوق اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران دفاع می‌کند.

در همین حال، گای رابدر، دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، در نامه‌ای به دبیرکل سازمان بین‌المللی کار، آی‌ال‌او، رفتارهای صورت گرفته با آقای اسانلو را «شکنجه» نامید و از نقض حقوق اتحادیه‌ای در ایران به شدت انتقاد کرد.

آقای رابدر از سازمان بین‌المللی کار خواست که از مقام‌های جمهوری اسلامی بخواهد تا حقوق پایه‌ای اتحادیه‌ای و نیز حقوق بشر در ایران را اجرا کند.

دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران بخش حمل و نقل می‌گوید: «سازمان‌های بین‌المللی کارگری قصد شکایت از ایران را دارند» و می‌افزاید: «ما در مورد رفتار حکومت ایران با فعالان کارگری به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و همه سازمان‌های جهانی شکایت می‌کنیم. ما به اقدامات خود برای آزادی منصور اسانلو و ابراهیم مددی معاون او همچنان ادامه خواهیم داد».

نامه دبیر کل فدراسیون آموزش بین‌المللی به آیت‌الله علی خامنه‌ای فردوان‌لی یوون، دبیرکل فدراسیون آموزش بین‌المللی، در نامه‌ای به آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از ادامه برخورد با فعالان حقوق معلمان و بازداشت شماری از آنان انتقاد کرد.

در این نامه به بازداشت اسماعیل عبیدی، علی اکبر باغانی، محمود بهشتی لنگرودی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری، هاشم خواستار و محمدحسن شیرازی اعتراض شده است.

دبیرکل فدراسیون آموزش بین‌المللی در نامه خود به رهبر جمهوری اسلامی همچنین اعدام فرزند کمانگر زندانی سیاسی را که به گفته این نامه، فعال در زمینه حقوق مدنی معلمان بوده است و نیز صدور حکم اعدام برای آقای قنبری را مورد انتقاد قرار داد.

عبدالرضا قنبری از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران متهم به ارتباط با سازمان مجاهدین خلق شده است.

این در حالی است که خانواده او و همچنین کانون صنفی معلمان ایران این اتهام را رد کرده‌اند.

مرگ شالیکاری در ایران به علت واردات بی‌رویه/آلودگی برنج‌ها قطعی است.

خبرگزاری مهر ایران در تاریخ 16 خرداد می‌نویسد: نماینده مردم لاریجان و آمل در مجلس شورای اسلامی، ورود برخی دستگاه‌های دولتی به ماجرای آلوده برنج‌های وارداتی را قابل تأمل خواند و گفت: متأسفانه برنج کاری در کشور دیگر مقرون به صرفه نیست و کم‌کم باید شالیکاران را فراموش کرد.

عزت‌الله یوسفیان با اشاره به ماجرای برنج‌های آلوده وارداتی و چالش‌های میان وزارت بهداشت و کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و سازمان استاندارد به خبرنگار مهر گفت: آلودگی برنج‌ها توسط مراجع ذیصلاح کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و سازمان استاندارد تأیید شده، اما اتفاقاتی در پشت پرده رخ می‌دهد که مانع از پذیرش این موضوع است.

در حالی که حسینعلی شهبازی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اخیراً در گفتگو با خبرنگار مهر، وجود سرب بیش از حد مجاز در هشت نمونه از برنجهای وارداتی را تایید کرده بود اما معاون غذا و داروی وزارت بهداشت عنوان داشته که آلودگی این برنجه هنوز برای این وزارتخانه اثبات نشده است. یوسفیان با انتقاد از دولت در مورد ورود به بحث آلودگی برنجهای وارداتی گفت: به راستی چه الزامی وجود دارد که دولت می خواهد از وارداتی که توسط بخش خصوصی صورت گرفته حمایت کند. نماینده مردم آمل در مجلس با تاکید بر تساهل وزارت جهاد کشاورزی در واردات بی رویه برنجهای هندی به کشور افزود: متأسفانه برنج کاری در کشور دیگر مقرون به صرفه نیست و کم کم باید شالیکاران را فراموش کرد. یوسفیان با اشاره به مصرف سالانه برنج در کشور که حدود دو میلیون و 400 هزار تن است، گفت: از این مقدار نیاز تنها 400 هزار تن می بایست وارد کشور شود اما میلیاردها تن برنج وارد می کنیم که باعث می شود کشاورزان برنجکار کشور نابود شوند. وی با انتقاد از دولت در حمایت از برنجکاران کشور افزود: متأسفانه بعضی وزارتخانه ها به جای حمایت از کشاورزان به واردات انبوه برنجهای خارجی روی آورده اند.

نگاهی به وضعیت زنان سرپرست خانوار در ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ ۱۶ در تاریخ آمده است: "با نگاهی اجمالی به وضعیت خط فقر در کشور، شاید نیاز به تشریح وضعیت زنان سرپرست خانوار در کشور نباشد. مستمری های ۴۰-۵۰ هزار تومانی مرهم درد نزدیک به ۲ میلیون زن سرپرست خانوار در کشور نبوده است." لازم به تذکر است؛ چندی پیش یک گزارش علمی و درخور توجه در خصوص رابطه تورم و گرانی با تشدید فقر در جامعه خصوصاً در میان زنان سرپرست خانوار منتشر شد. این گزارش که توسط تعدادی از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران تهیه گردیده است با صراحت اعلام می دارد: "در تحقیقات بر روی زنان سرپرست خانوار این نکته برجسته است که آنها فقیرترین فقرا هستند، زیرا به جز درد نداری و بی پولی از دردهای دیگر از جمله تبعیض جنسیتی رنج می برند. درحالیکه بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست، جزو فقیرترین گروه ها قرار گرفته اند، این رقم در خانوارهای مرد سرپرست، ۱۶ درصد است. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا را تشکیل می دهند. زنان سرپرست خانوار در سراسر کشور زودتر از دیگران از کار اخراج و دیرتر از همه استخدام می شوند، به عبارتی درصاف اول اخراج و در صف آخر اشتغال قرار دارند. فقر اقتصادی درکنار نابرابری در دسترسی به امکانات اجتماعی به دلیل زن بودن، زندگی آنان و خانواده هایشان را آسیب پذیر ساخته و بی شک در برنامه ریزی برای اختصاص کمک های پس از اجرای لایحه هدمند سازی یارانه ها می باید مورد توجه جدی قرار بگیرند...." لازم به ذکر است؛ در حال حاضر وزارت رفاه جمهوری اسلامی تعداد خانوارهایی را که زنان سرپرستی آن را برعهده دارند، بیش از ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار خانوار اعلام کرده است. مطابق همین آمار رسمی حکومتی، طی ۴ سال اخیر تعداد زنان سرپرست خانوار ۲۵ درصد افزایش یافته است.

علی رضا اخوان، فعال کارگری بازداشت شد

سایت کلمه در تاریخ ۱۷ خرداد ۸۹ می نویسد: ساعت دو نیمه شب سیزدهم خرداد، ماموران امنیتی به منزل شخصی علی رضا اخوان وارد شده و بدون داشتن حکم قانونی، پس از جست و جوی کامل منزل که بیش از دو ساعت به طول انجامید، وی را دستگیر کرده و با خود بردند. به گزارش خبرنگار کلمه، علی رضا اخوان در تماس تلفنی که پس از ۲۴ ساعت با منزل خود داشته، گفته که در سلول انفرادی ۲۰۹ اوین نگه داری می شود. تا کنون هیچ گونه اتهام مشخصی علیه وی اعلام نشده است.

ورود میلیاردها دلار کالای قاچاق

خبرگزاری های دولتی ایسنا و ایلنا گزارش می دهند: رییس هیات مدیره انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران در گفتگویی با خبرگزاری ایسنا ۱۶ خرداد ماه متذکر شده بود که، واردات افسار گسیخته لوازم آرایشی و شوینده در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال قبل آن، بیش از ۵۲ درصد افزایش نشان می دهد. در همین حال دبیر انجمن تولید کنندگان فولاد به خبرگزاری ایلنا یادآور گردید، با واردات وسیع چند سال اخیر، ایران دومین کشور جهان در واردات خالص فولاد (واردات منهای صادرات) بدل شده است و ۵۰ درصد کل بازار فولاد در اختیار شرکت ها و کشورهای خارجی است، درحالیکه کارخانه های نورد و صنایع فولاد داخلی فقط با ۳۰ درصد ظرفیت تولید فعالیت می کنند. اما مهمترین و شگفت انگیز ترین خبر در خصوص واردات و پشتیبانی دولت و نهادهای مختلف از تجار عمده، انتشار گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود. دنیای اقتصاد ۱۳ خرداد ماه در این باره گزارش می دهد: "طبق آمار اعلام شده حجم مالی کالاهای قاچاق شده در سال ۱۳۸۷ برابر ۱۹ میلیارد دلار بوده است، ۱۶ میلیارد دلار از این رقم مربوط به قاچاق کالاهای وارداتی و ۳ میلیارد دلار دیگر نیز مربوط به قاچاق کالاهای صادراتی است...". از سوی دیگر رییس هیات تحقیق و تفحص ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز اعلام داشت: "از ۵۰۰ هزار میلیارد ریال کالای وارداتی، ۱۹۰ هزار میلیارد ریال از راه قاچاق وارد کشور شده است." (ایلنا ۱۴ خرداد ماه ۸۹) یکی از مراکز مبادی ورود کالاهای قاچاق به درون و نیز انتقال کالاهای ایرانی به صورت قاچاق به بیرون مرزهای کشور، اسکله های غیر قانونی و فعالیت شرکت های سپاه و بنیادهای انگلی است که از نظارت و کنترل

گمرکات کشور و دیگر دستگاه های مسئول خارج بوده و اصولاً هیچ نظارت و کنترلی بر کار آنها اعمال نمی شود. پدیده کالاهای قاچاق و نیز قاچاق ارز که سالانه میلیاردها تومان به اقتصاد میهن ما خسارت وارد می آورد، بطور عمده از سوی نهادهای فراقانونی حمایت و همیاری می شود.

ادامه پلمب مغازه‌ها و آزار کسبه در سنندج

طی سه روز گذشته، یازده مغازه‌ی دیگر به صورت متناوب در شهر سنندج پلمب شدند. فروشگاه ژینو، عطر نه وین و فروشگاه اورامان در خیابان فردوسی؛ طلا فروشی قد آرا، طلا فروشی پرویز پور و طلا فروشی حسینی در خیابان شاهپور؛ مغازه‌ی رییس اتحادیه‌ی مرغ فروشان و یک مغازه‌ی دیگر در خیابان ولیعهد؛ دو مغازه‌ی یکی کفش فروشی و دیگری موبایل فروشی در خیابان ششم بهمن؛ و مغازه‌ی بامشاد در پاساژ سنه فهرست این مغازه‌ها هستند که به بهانه‌ی واهی عدم رعایت قوانین و مقررات امور صنفی و اما در واقع به دلیل شرکت در اعتصاب ۲۳ اردیبهشت ماه پلمب شده‌اند. لازم به ذکر است هفته‌ی گذشته نیز، سه مغازه‌ی دیگر در شهر سنندج پلمب شدند که با احتساب این یازده مغازه‌ی اخیر، فهرست مغازه‌های پلمب شده به ۱۴ باب رسیده است. به گفته‌ی یکی از این مغازه‌داران، قرار بر این است ۱۲۲ مغازه در سطح شهر سنندج پلمب شوند. قابل توجه آن که مجمع امور صنفی بازاریان سنندج، شکواییه‌ای علیه ناجا به دادگستری این شهر تحویل داده که در بخشی از متن آن آمده است: صاحبان هیچ یک از این مغازه‌ها ناقض هیچ یک از مفاد قوانین و مقررات امور صنفی نبوده و ناجا به صورت خود سر و غیر قانونی و بدون اطلاع این مجمع، پلاکاردهایی به نام مجمع بر کرکره‌های مغازه‌های پلمب شده نصب کرده است

پلمب ۲۸۰ مغازه که در اعتصاب عمومی شرکت داشتند

به نوشته سایت اخبار روز در تاریخ ۱۶ خرداد آمده است: بنا بر برخی گزارش‌های دریافتی حاکی از آن است که به دنبال اعتصاب عمومی در کردستان در اعتراض به اعدام‌های سیاسی روز ۱۹ اردیبهشت، مقامات امنیتی و استانی در کردستان، برخی از مغازه‌هایی را که در این اعتصاب عمومی شرکت داشته‌اند، پلمب کرده‌اند. بنابر این گزارش‌ها تعداد مغازه‌هایی که پلمب شده‌اند به حدود ۲۸۰ واحد می‌رسد. بر روی هر مغازه‌ای که لاک و مهر خورده، نوشته شده است این مغازه به علت تخلف بسته شده است. گزارش‌های بیشتری در این مورد در دست نیست.

اعتصاب عمومی در روز ۲۵ اردیبهشت در سراسر کردستان در اعتراض به اعدام ۵ نفر از زندانیان سیاسی صورت گرفت و بسیاری از مردم کردستان و از جمله مغازه‌داران و کسبه‌ی شهرهای مختلف در آن شرکت داشتند.

بیانیه‌ی کانون مدافعان حقوق کارگر در باره دستگیری علی اخوان

ساعت دو نیمه شب سیزدهم خرداد، ماموران امنیتی به منزل شخصی علی رضا اخوان وارد شده و بدون داشتن حکم قانونی، پس از جست و جوی کامل منزل که بیش از دو ساعت به طول انجامید، وی را دستگیر کرده و با خود بردند. در تماس تلفنی که او پس از ۲۴ ساعت با منزل داشته، از بازداشت خود در سلول انفرادی ۲۰۹ اوین خبر داده است.

علیرضا اخوان هیچ گونه فعالیت‌هایی به جز دفاع از حقوق کارگران و زحمتکش‌ها نداشته است.

تا کنون هیچ گونه اتهام مشخصی علیه وی اعلام نشده است. این اولین بار نیست که حقوق اولیه افراد نقض شده و مراحل قانونی در باره دستگیری افراد زیر پا گذاشته می‌شود.

کانون مدافعان حقوق کارگر ضمن محکوم کردن بازداشت غیر قانونی یکی از یاران خود، خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌باشد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

۱۶ خرداد ۸۹

خبر تجمع کارگران موجب بسته شدن ایستگاه مترو طالقانی شد

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در ۱۷ خرداد آمده است: خبر تجمع کارگران چینی قزوین موجب بسته شدن ایستگاه طالقانی شد. ایستگاه مترو طالقانی واقع در نبش خیابان طالقانی و مفتوح از ساعات اولیه صبح بسته شد. بسته شدن ایستگاه مترو طالقانی به دلیل انتشار خبر احتمال تجمع کارگران چینی قزوین مقابل وزارت صنایع و معادن بود. طی روز گذشته در برخی خبرگزاری‌ها و وب سایت‌ها خبری مبنی بر احتمال تجمع کارگران چینی قزوین مقابل وزارت صنایع و معادن منتشر شد. با توجه به نزدیکی و همجواری مترو طالقانی با محدوده‌ی وزارت صنایع و معادن در خیابان سمیه، نیروهای امنیتی اقدام به کنترل این ایستگاه نمودند. کنترل این ایستگاه موجب تجمع مردم و ازدحام جمعیت در این ایستگاه شد. با توجه به یک طرفه بودن خیابان طالقانی و مفتوح این اختلال در تردد قطارها در این ایستگاه موجب بروز مشکلات بسیاری برای مردم شد. حکومت که از هرگونه رویارویی با اعتراضات مردمی سخت هراس دارد به جای حل مشکل واقعی تنها به برخوردهای فیزیکی و خشونت

بار با افشار مختلف روی آورده است. در واقع پاک کردن صورت مساله مهمترین ابزار دولت تندروی احمدی نژاد برای مهار اعتراضات مردمی است. همین نگاه موجب شده است که نظام در هر تجمع اقدام به بستن، سرکوب و برخورد های فیزیکی با مردم معترض می کند. نمونه این حرکت صبح امروز در ایستگاه مترو طالقانی رخ داد

محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان مجددا بازداشت شد

خبرگزاری هرانا در تاریخ 17 خرداد آمده است: محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران روز یکشنبه مورخ 17 خرداد ماه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان که پیشتر در آستانه هفته معلم در هشتم اردی بهشت ماه بازداشت و یازدهم خرداد ماه آزاد شده بود مجددا از سوی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی بازداشت شد. شایان ذکر است، آقایان عبیدی و باغانی از دیگر معلمان بازداشتی هم چنان در بند 209 زندان اوین نگهداری می شوند.

اعلام نرخ تورم از سوی بانک مرکزی: گوشت ۱۵ هزار تومانی با تورم ۹ درصدی نمی خواند

شکور اکبرنژاد در گفتگو با خبرنگار آفتاب در تاریخ 17 خرداد اعلام داشت: در خصوص اعلام نرخ تورم از سوی بانک مرکزی اظهار داشت: رقم ۹/۹ نرخ تورم آن چیزی نیست که مردم لمس می کنند. وی افزود: در جامعه ای زندگی می کنیم که میلیون ها نفر در آن زندگی می کنند و گوشت را با قیمت بالای ۱۵ هزار تومان خریداری می کنند با این اوصاف چگونه نرخ تورم نسبت به سال گذشته کاهش داشته که مردم متوجه آن نمی شوند و فقط مسئولان از آن خبر دارند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: بانک مرکزی با روشهایی به این ارقام می رسد که مبنای آن برای ما که نمایندگان مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی هستیم روشن نیست چه برسد برای مردم که اجناس روزمره خود را هر روز گران تر از روز گذشته خریداری می کنند. نماینده تبریز یادآور شد: مجلس نمی تواند در قبال این آمار و ارقام سکوت کند و باید نظارت خود را قوی تر کند اینکه این اعداد و ارقام در آستانه هدفمند کردن یارانه ها که خود موجب افزایش تورم در جامعه می شود، مطرح می گردد بی حکمت نیست و لازم است رئیس بانک مرکزی در این خصوص پاسخگوی کمیسیون اقتصادی و مردم باشد که چگونه به این ارقام می رسند که برای ما هم که نماینده ملت هستیم قابل لمس نیست. اکبرنژاد خاطر نشان کرد: معتقدم این اعداد و ارقام درست نیست زیرا مبنای محاسبه آن درست نیست علت هم این است که با واقعیت جامعه نمی خواند. وی تاکید کرد: شاید بیان این آمار حاکی از نگرانی دولت در اجرای هدفمند کردن یارانه ها باشد که در آن صورت ما تورم دو برابری را شاهد خواهیم بود بنابراین بانک مرکزی این آمار را اعلام می کند که در صورت اجرای هدفمند کردن یارانه ها با افزایش چند درصد دیگر به این ۹ درصد نشان دهد ما تورم غیر قابل انتظاری نداریم.

عدالت اجتماعی ایران اسلامی و اخراج 500 نفر از کارگران کارخانه فارسیت دورود

هفته نامه تبلور اندیشه در تاریخ 17 خرداد نوشت: مهندس خاموردی مدیر عامل کارخانه فارسیت دورود تنها یک روز پس از مصاحبه ی تلویزیونی خود مدیریت عالی و نمونه خویش به "عنوان واحد نمونه صادرات استان" را به رخ همه مدیران استانی کشانده و با اخراج 500 نفر از کارگران کارخانه تحت مدیریتش، کلاس عملی روشهای مدیریت موفق را برای دیگر مدیران به منصف ظهور رساند و با اخراج کارگران این کارخانه همت مضاعف خود را نمایش داد

عدالت اجتماعی، یکی از مهم ترین آرمانهای بشری در طول تاریخ بوده است و این مقوله در اندیشه ی سیاسی اسلام نیز جایگاه رفیع و والایی را به خود اختصاص داده است. برای واژه ی عدالت تعاریف مختلفی در کتب و منابع گوناگون ذکر شده است اما تعریفی که همگی بر آن اتفاق نظر دارند و مورد قبول همگان می باشند، معنای «حق هر چیزی را دادن» می باشد.

متأسفانه گاهی مشاهده می شود که در گوشه و کنار ایران اسلامی، بی عدالتی و تضییع حقوق شهروندان توسط برخی افراد صورت می گیرد که این رویه با اهداف گفتمانی انقلاب سازگار نیست. کارخانه فارسیت دورود کارگران را اخراج می کند

یکی از مصادیق عینی و نمونه های بارز این بی عدالتی ها را می توان در اخراج کارگران زحمت کش و کم توقع کارخانه فارسیت شهرستان دورود به وضوح مشاهده کرد. این واحد صنعتی که در چند وقت اخیر به دلیل مشکلاتی که برای شهروندان دورودی ایجاد کرده است همواره در کانون توجه مطبوعات و رسانه ها و همچنین مسئولین قرار گرفته است، اینک نیز بار دیگر طبق رسم دیرین خود با اخراج کارگران ضمن ایجاد مشکلات عدیده برای آنان، بار دیگر نگاه ها را معطوف خود ساخت.

شاید به ذهن کمتر کسی خطور می کرد که تنها پس از گذشت یک روز از مصاحبه ی مهندس خاموردی مدیر عامل کارخانه ی فارسیت با شبکه ی استانی افلاک و صد البته بیان این مطلب که کارخانه تحت مدیریت ایشان

به عنوان واحد نمونه صادرات در استان معرفی شده است؛ ایشان با اخراج کارگران این کارخانه همت مضاعف خود را به رخ دیگران بکشاند

به حال واحد نمونه صادرات لرستان باید گریست!

مدیر عامل کارخانه فارسیت تنها یک روز پس از مصاحبه ی تلویزیونی خود مدیریت عالی و نمونه خویش را به رخ همه مدیران استانی کشانده و با اخراج 500 نفر از کارگران کارخانه تحت مدیریتش ، کلاس عملی روشهای مدیریت موفق را برای دیگر مدیران به منصفه ظهور رساند.

اما ایشان ظاهراً از یک نکته ی کوچک غافل بوده اند و آن اینکه هنوز هستند چشمهای تیز بینی که تناقضات آشکار گفتاری و عملی ایشان را رصد کرده و آنها را در اختیار افکار عمومی قرار دهند.

ایشان طی مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با بیان این مطلب که کارخانه فارسیت سال گذشته 3000 هزار تن محصول و به ارزش اقتصادی یک میلیون دلار صادر نموده است افزود؛ که کارخانه فارسیت به عنوان واحد نمونه صادراتی سال گذشته در استان لرستان شناخته شده است. در حالی که دقیقاً یک روز بعد از آن طی مصاحبه ای با شبکه ی استانی افلاک و ظاهراً بی اطلاع هم از مصاحبه شان با خبرگزاری ایرنا، این بار میزان صادرات را 2 هزار تن و ارزش اقتصادی آن را نیز 420 هزار دلار بیان داشتند!!!

مع الاسف بایستی به حال وضع نامطلوب کارخانه های استان لرستان و مدیریت آنها گریست که چگونه یک واحد صنعتی که حتی مدیر آن از میزان صادرات کارخانه ی تحت مدیریتش اطلاع کافی ندارد و با فاصله زمانی 24

ساعت سخنان متناقض و آمارهای متفاوتی ارائه می دهد. به عنوان واحد نمونه صادرات شناخته شده است !!! آیا مدیریت در استان لرستان بدین حد ضعیف است که واحدی با چنین مدیری به عنوان نمونه شناخته شده اند؟!

اما سوال اساسی تر اینکه این واحد صنعتی با کدام آمار به عنوان نمونه شناخته شده است ؟ ایشان چه توضیحی برای تفاوت مبالغ یاد شده ارائه می دهند؟ در واقع این تناقضات نشأت گرفته از چه چیزی است؟

اما از سوی دیگر مهندس خاموردی نیز همواره لطف خود را شامل حال مطبوعات و رسانه ها داشته اند و اینک مانند دفعات قبلی می توانند با انکار تمام مسائل گفته شده (که سند همگی موجود است) تمام مسائل

مطروحه را ناشی از غرض ورزی شانتاژ بازی های رسانه ای دانسته و این امر را توطئه ای علیه مدیریت موفق (؟!) خود بدانند و این مسائل و موارد را اگر چه مبتنی بر مستندات محکم و مستندات قوی باشد را همانند رد

تعداد کشته شدگان به وسیله آزیست ناشی از سرطان آزیستود و هم چنین سرطان ریه ، این امور را زاییده توهمات خبرنگاران بدانند و مانند مهندس احمدوند مدیر داخلی کارخانه فارسیت که بیان داشتند کارگران ما از

وضع موجود راضی هستند و هیچگونه اعتراضی ندارند ، فضای کارخانه را فضای آرام و بسیار مناسب تلقی کرده و بار دیگر بیان دارند که خبرنگاران در حال توطئه علیه ایشان می باشند.

از زبان کارگران اخراج شده

هفته نامه تبلور اندیشه به سراغ کارگران این کارخانه رفته است و از زبان خودشان مشکلات را شنیدیم و آن ها را عیناً نقل می کنیم.

یکی از کارگران اخراج شده بنام «ح» اظهار داشت ؛ حدود یک ماه است از کار اخراج شده ایم و هیچ گونه حق و حقوقی نیز به ما تعلق نگرفته است اما مطلب مهم تر و مسئله که جای سوالات بسیاری دارد و این است که

این آقایان که دم از اجرای قانون می زنند و شعار عدالت گرائیشان گوش فلک را کر کرده است چرا تعداد 70 نفر از نزدیکان خود و بعبارت بهتر بقیه کارگران چیست؟! آیا این امر مصداق عملی اجرای عدالت است؟!

کارگر دیگری بنام « ق » عنوان کرد که مدیریت کارخانه همواره اعلام می دارد که کارخانه بودجه ای جهت پرداخت مطالبات کارگران ندارد، اگر این قضیه صادق است پس چرا تعدادی از بازنشستگان دوباره دعوت به کار

شده اند با آنهم با حقوقی 3 برابر کارگران سال؟!

امام مسئله نگران کننده دیگر مطلبی بود که یکی از کارگران بنام «ب» اظهار داشت که گفت: ماهیانه مبلغ 35 هزار تومان از حقوق کارگران تحت عنوان بیمه کسر می گردد. در حالیکه مبلغی حدود 19 هزار تومان و در واقع

حداقل حق بیمه به اداره بیمه پرداخت می شود، جدای از این نکته که مابقی این پول کجا می رود؟

این نکته بایستی بیان شود که این عمل به مثابه خیانتی بزرگ محسوب می گردد زیرا که هنگامی که کارگران بازنشسته می شوند، بدلیل پرداخت حداقل حق بیمه ، با حداقل حقوق و دستمزد بازنشسته خواهند شد.

کارگری دیگر بنام «م» عنوان کرد که وضع بهداشتی ما تعریفی ندارد و وضعیت ما در مقایسه با کارگران افغانی مهاجر بدتر است و آقایان ما را با روایات های کارگر اشتباه گرفته اند چرا که هیچ گونه آزمایشی توسط پزشک از

ما صورت نمی پذیرد در حالیکه ما در معرض مشکلات ناشی از آزیست قرار دادیم و اگر بیماری هم وجود داشته باشد ، نصیب ما می گردد اما ظاهراً فقط کارگران رسمی جز انسانهای روی زمین هستند و ما از سیاره های

دیگری آمده ایم و جز انسانها نیستیم؟!

سخن کوتاه کنیم چرا که مطالب و مشکلات و سوالات فراوانی راجع به کارخانه فارسیت و نحوه ی مدیریتی آن در اذهان نقش بسته است که فرصت ومجال دیگری را می طلبد که به آن پرداخته شود . البته یادآوری این نکته

لازم است که ما برای پاسخ گرفتن سوالاتمان تماسهای مکرر و بسیار زیادی با مهندس خاموردی انجام داده ایم اما ایشان تلفن خود را پاسخ ندادند و لذا ما منتظر پاسخ ایشان به مسائل مطرح شده می باشیم و انتظار بر این

است که ایشان به طور واضح و شفاف به سوالات ما پاسخ گویند.

اما در پایان و برای حسن ختام حدیثی از علی (ع) نقل می کنیم که فرمودند: هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر آنکه توانگری از دادن حق او ممانعت کند.

انتخاب کودک برتر ایرانی در شرایطی که 20 درصد کودکان ایرانی دچار سوءتغذیه هستند

خبرگزاری ایلنا در تاریخ 17 خرداد اعلام داشت: ماهنامه تخصصی «کودک» قرار است با برگزاری مسابقه‌ای کودک برتر ایرانی را با در نظر گرفتن «ابتکار»، «هوش»، «زیبایی و تناسب چهره» ارزیابی کرده و پس از برگزیدن، با اهدای کمک هزینه خرید یک دستگاه خودرو، سفر حج و سکه‌های طلا خانواده‌های آن کودک را تشویق کند. به گزارش خبرنگار ایلنا، این ماهنامه که زیر نظر انجمن ایرانی روان‌شناسی و انجمن روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان منتشر می‌شود، مدیرمسئولی نام آشنا دارد، مدیری که سال گذشته یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های انتخاباتی بود. رضا پورحسین، مدیرمسئول این نشریه همان مجری ثابت مناظره‌های پر حاشیه انتخابات، نزدیک به دو سال است این نشریه تخصصی را منتشر می‌کند. این نشریه در دوره انتشار خرداد ماه خود (شماره شصت و یکم) اقدام به چاپ یک آگهی برای برگزاری اولین دوره مسابقه انتخاب برترین کودک سال ایرانی کرده است.

آگهی که مطابق آن این مسابقه برای انتخاب کودکان «نخیه» و «هنرمند» برتر ایران برگزار می‌شود، خلاق‌ترین کودکان از نظر ابتکار، اختراع و هنرمندی، باهوشترین و با استعدادترین کودکان مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ همچنین با معلومات‌ترین کودکان از نظر حفظ قرآن، اشعار و متون، اطلاعات عمومی، شاگرد اول‌ها و دانش آموزان ممتاز بالای 18 سال ارزیابی شده و کودکان دارای توانمندی جسمانی و بدنی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به گزارش خبرنگار ایلنا، اما این تصمیم که قرار است، توسط مجله‌ای با همکاری آموزشی، فرهنگی اندیشمندان پایتخت و مجله «کودک» که از حمایت مادی و معنوی انجمن‌های روان‌شناسی و روان‌شناسان برخوردار است اجرا شود، آنچنان غیرکارشناسی است که فعالان حقوق کودک را به شدت متعجب کرده است. نگاه بازاری به کودکان در مجله کودک موج می‌زند

بر همین اساس مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان با انتقاد از اقدام یک مجله و با همکاری یک خبرگزاری مجهول (تحت عنوان خبرگزاری کودک و نوجوان، که در حد یک وبلاگ غرخره ای است) و یک شرکت تعاونی جهت انتخاب برترین کودک ایرانی در کشور تاکید کرد: اقدام مجله فوق برای انتخاب کودک شایسته، برخلاف اصول اولیه روان‌شناسی کودک است، چرا که مطابق با این اصول، مقایسه کردن کودک به اعتماد به نفس کودکان آسیب جدی می‌زند این در حالی است که یکی از اهداف مد نظر در اطلاعیه فوق و رویکرد این مجله، افزایش اعتماد به نفس ملی مطرح شده است.

او با اعلام اینکه انتخاب کودک برتر و مطرح شدن آن باعث ایجاد برخی مناسبات منفی در میان خانواده‌ها می‌شود افزود: اگر کودکی بر اساس معیارهای مجله و این مرجع غیررسمی، نتواند وارد مسابقه شده و با انتخاب نشود، ممکن است در خانواده‌ای تحقیر شده و دچار ناکامی شود و این ناکامی تا آخر عمر با این کودک همراه باشد.

عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان با اشاره به اینکه انتخاب کودک برتر ایرانی به نحوه فوق هرگز تخصصی نیست تصریح کرد: در حال حاضر اکثر کارشناسان اعتقاد دارند که سیستم نمره‌دهی در مدارس کاربردی نبوده و ایراداتی دارد و در صدد حذف آن هستند اما چنین اقداماتی برای انتخاب کودک برتر، کاملاً با اصول کارشناسی و استانداردها تناقض دارد.

یزدانی با بیان اینکه مجله کودک در راستای انتخاب کودک برتر ایرانی، نگاه ابزاری و بازاری داشته و تنها رویکرد آن کسب درآمد بوده، اعلام کرد: نگاه تجاری، در حوزه بزرگسالان عواقب ناگواری دارد و عواقب داشتن چنین رویکردی در حوزه کودکان به مراتب بیشتر بوده و کودک را دچار معضلات بی‌شماری می‌کند. او در ادامه به شاخص‌های مد نظر این مجله برای انتخاب کودک برتر ایرانی پرداخته و خاطر نشان کرد: شاخص انتخاب کودک نخیه و نخیه‌پروری در این مجله از جمله شاخص‌های منسوخ است که رویکرد استبدادی دارد، و در دنیای امروز در مناسبات برابر انسانها رویکرد تقبیح شده است.

داشتن کودک برتر ایرانی در برابر میلیون‌ها کودک خارج از چرخه تحصیل یک ادعا است یزدانی موضوع «خلاق بودن» کودک را نیز شاخص نادرستی ارزیابی کرد و توضیح داد: تمام کودکان به نوعی خلاق هستند و باید زمینه بروز خلاقیت و کشف آن فراهم شود؛ کسی نمی‌تواند در مورد خلاقیت کودکان و میزان آن قضاوت کند چرا که قدرت قضاوت در مورد خلاقیت کودکان وجود ندارد. این فعال حقوق کودک ارزیابی کودک از منظر «زیبایی» و «تناسب چهره» را نگاهی غیرانسانی و استبدادی به حوزه کودکان دانست و یادآور شد: تناسب چهره و زیبایی امری نسبی بوده و تمام کودکان زیبا هستند، زشتی اساساً در کودکی راه ندارد.

به گفته مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان با وجود داشتن بیش از سه میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل در ایران و کودکان کار، امکانات نابرابر آموزشی میان کودکان ساکن در مدارس حاشیه‌ای، روستایی و عشایری، چگونه می‌توان ادعای انتخاب کودک برتر در ایران را داشت؟

او در ادامه خواستار موضع‌گیری رسمی فعالان حوزه کودک نسبت به انتخاب کودک برتر ایرانی توسط مجله «کودک» شده و گفت: در گذشته چنین انتخابی در حوزه بزرگسالان نیز صورت می‌گرفت که عواقب آن به نوعی گریبان‌گیر جامعه شد در عین حال خطرات این قبیل گزینش‌ها در حوزه کودکان به مراتب بیشتر است. مجله کودک شایستگی انتخاب کودک برتر ایرانی را ندارد

به گزارش خبرنگار ایلنا، تعاونی آموزشی، فرهنگی و هنری اندیشمندان پایتخت که افتخار برگزاری این مسابقه را با همکاری خبرگزاری کودک و نوجوانان ایرانی (ایچنا) و ماهنامه کودک دارد، قرار است تا در قبال ارزیابی برترین‌ها، به کودکان جوایزی مادی اهدا کند.

بر این اساس عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با اشاره به اقدام مجله کودک برای انتخاب کودک برتر ایرانی این اقدام را یک فعالیت بازرگانی دانست و خاطرنشان کرد: یک مجله و حتی خبرگزاری مرجع شایسته‌ای برای انجام چنین گزینشی به حساب نمی‌آید که بخواهد یک انتخاب سراسری از کودکان کل کشور انجام دهد اما گویا این مجله و خبرگزاری غیررسمی با انتشار آگهی مربوط به کودک برتر ایرانی آنچنان

جایگاهی برای خود قائل شده است که گویا از يك ساختار رسمی دولت برای شناسایی طیف وسیعی از کودکان برنامه‌های خاصی در دست دارد.

دولت‌آبادی با اعلام اینکه بهتر است عنوان این برنامه به «کودک برتر به انتخاب مجله» تغییر نام دهد، ادامه داد: انتخاب کودک برتر تنها می‌تواند در حد يك کار محدود و از سوی انجمن‌ها و حتی در حد مخاطبان يك مجله انجام گیرد و اگر کودکی هم از میان گزینش‌های به عمل آمده به عنوان کودک شایسته معرفی می‌شود، تنها در سطح مخاطبان ثبت‌نامی مجله بوده و این کودک برتر برای ایران مطلق نیست.

انتخاب کودک برتر ایرانی در شرایطی که 20 درصد کودکان ایرانی دچار سوءتغذیه هستند شیوا دولت‌آبادی از بنیان‌گذاران انجمن حمایت از حقوق کودکان ضرورت انتخاب کودک برتر در سطح ایران را تایید نکرد و افزود: با وجود کودکان فقیر و خارج از چرخه تحصیل، امکانات نابرابر آموزشی در شهر و روستاها و اعلام اینکه 20 درصد کودکان ایرانی دچار سوءتغذیه هستند، چنین گزینشی که در سطح ملی باشد، کار نادرستی بوده و نیاز به بررسی دقیق کارشناسی دارد.

او با اشاره به اینکه سازمانی که برای انتخاب کودک برتر ایرانی اقدام می‌کند باید هدف مشخصی را مد نظر قرار دهد افزود: مراجعی مانند سازمان سنجش، وزارت آموزش و پرورش و سایر سازمان‌های دولتی که مرجع مسئول در حوزه کودکان هستند، می‌توانند چنین گزینشی را انجام دهند که البته باید از نظر کارشناسان استفاده کنند اما در حال حاضر در نظر گرفتن جوایزی مانند سکه طلا، اتومبیل و سایر هدایای مادی، هدف خاصی را که به نفع کودکان باشد به دنبال ندارد.

کودکان ایرانی امکانات برابر ندارند عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان وجود شاخص زیبایی در ارزیابی کودک برتر ایرانی را نوعی غربالگری غیرمنصفانه دانست و تصریح کرد: زیبایی در اختیار کسی نیست و این نوع رقابت برای کودکان که نقشی در ظاهر خود ندارند منصفانه نیست؛ خلاقیت نیز بازخورد و نتیجه امکانات آموزشی و تفریحی ارائه شده به کودکان است که متأسفانه کودکان ایرانی از نظر برخورداری از چنین امکاناتی با یکدیگر برابری ندارند و در نتیجه کودکان محروم حتی نمی‌توانند چنین برتری‌هایی را تجربه و تصور کنند.

این روانشناس بالینی کودک در ادامه با اشاره به اطلاعات مربوط به این گزینش و تخفیف 10 درصدی برای برخی مهدهای کودک و کارمندان دولت خاطرنشان کرد: اطلاعات خام این آگهی ناقص است چراکه به طور دقیق مشخص نشده، که این 10 درصد تخفیف که مجله از آن با نام تخفیف ویژه یاد کرده، در قبال چه میزان هزینه منظور می‌شود.

خبرنگار اپلنا، بارها تلاش کرد که در کنار این انتقادات نظر و توضیحات مسوولان این نشریه را هم منعکس کند، اما هیچ‌یک از مسوولان این نشریه حاضر به گفت‌وگو با این خبرنگاری نشدند. با این حال این خبرگزاری همچنان آماده است تا نظرات و توضیحات دست‌اندرکاران این نشریه را به اطلاع مردم برساند.

گزارش: سمیه جاهدعطائیان

بازداشت کاوه گل محمدی فعال کارگری و برادرش کیانوش گل محمدی توسط ماموران اطلاعات کامیاران

بنابر گزارش رسیده به سایت دانشجویان سوسیالیست روز پنجشنبه ۱۳ خرداد ماموران اطلاعات و سپاه پاسداران شهر کامیاران و روستاهای گشکی و گازرخی، کاوه گل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری و کیانوش گل محمدی برادر ۱۸ ساله اش که مشغول تحصیل هستند، از ساعت ۹ صبح تا ۶ عصر در پاسگاه روستای گازرخی بازداشت و مورد اذیت و آزار قرار داده اند و کاوه گل محمدی را به دست کشیدن از فعالیت کارگری مورد تهدید قرار داده اند و همچنین اقدام به تفتیش موبایل کاوه گل محمدی کرده اند.

ماموران اطلاعات و سپاه از آن روز تاکنون کاوه گل محمدی فعال کارگری را چندین بار از طریق تماس تلفنی مورد تهدید قرار داده اند که از فعالیتهای کارگری دست بکشند.

ما دانشجویان سوسیالیست این اقدام ضد کارگری رژیم را محکوم و خواهان پایان دادن به هر گونه فشار بر فعالین کارگری و سایر فعالین اجتماعی و سیاسی هستیم. این اقدام زبونانه و ضد کارگری نه تنها فعالیت و تلاش فعالین کارگری برای مبارزه برای احقاق حقوق انسانی و تشکل یابی طبقاتی طبقه کارگر را مرعوب نخواهد کرد، بلکه عزم آنها را برای رهایی از قید و بند نظام سرمایه عزم تر خواهد کرد.

وضعیت نامشخص محمد پورعبدالله فعال چپ دانشجویی

محمدپور عبدالله، دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران، با گذشت حدود یک سال و نیم از دوران بازداشت، همچنان در زندان قزل حصار به سر می برد.

این فعال چپ دانشجویی که در دادگاه بدوی به شش و در دادگاه تجدیدنظر به سه سال زندان محکوم شده است.

به گفته یکی از خانواده محمد پور عبدالله "چند روز دیگر، یک سال و نیم از بازداشت محمد می گذرد. در این مدت محمد را در زندان قزل حصار نگه داشته اند. زندانی که اساساً متعلق به زندانیان عادی و مجرمان خطرناک است. حتی یک بار هم به محمد اجازه مرخصی نداده اند. وضع این زندان آنقدر آشفته است که تاکنون اصلاً چنین فرمی

به دست محمد نرسیده است." وی اضافه کرد: "با کمک وکیل محمد به دنبال این هستیم که زمینه آزادی مشروط وی را فراهم کنیم."

سایت دانشجویان سوسیالیست

انتقال آب کارون کشاورزی خوزستان را می سوزاند

خبرگزاری مهر در تاریخ 17 خرداد نوشت: انتقال آب از رودخانه کارون یا سرشاخه های آن به استانهای دیگر موضوعی است که بارها توسط دولت‌های مختلف مطرح شده این در حالی است که اکنون خود استان خوزستان بیش از هر زمان دیگری به آب نیاز دارد.

به گزارش خبرنگار مهر در اهواز، استان خوزستان با وجود سپری شدن یکسال پر از بارش باران و برف (در شهرهایی مثل ایذه و دهدز) همچنان با کاهش آبهای ورودی به کارون و در نتیجه خشکسالی مواجه است به همین دلیل از یک ماه قبل ستاد خشکسالی استان همانند دو سال قبل مجدداً کار خود را آغاز کرده و در همین هفته جاری نتیجه جلسات هفته قبل اجرا شده است.

ستاد خشکسالی استان خوزستان مقرر کرده که برای کاهش مصرف برق به علت کمبود آب پشت سدها، ادارات خوزستان از هفته جاری باید ساعات کار خود را از ساعت 6 و 30 دقیقه تا 14 تغییر دهند و در نتیجه روزهای پنجشنبه در خوزستان تعطیل خواهد بود. با وجود اینکه نمی توان از ضررهای اقتصادی فراوان ناشی از تعطیلی روزهای پنجشنبه در خوزستان صرفنظر کرد ولی برای جلوگیری از قطعی های مکرر برق باید این ضرر اقتصادی را به جان خرید.

در همین خصوص استاندار خوزستان در نخستین نشست ستاد خشکسالی استان در سال جاری اعلام کرد: با وجود پارتندی های امسال برای تامین آب از شرایط بحرانی خارج شده ایم ولی برای رسیدن به شرایط ایده آل تامین آب مورد نیاز مردم و کشاورزی فاصله داریم.

همچنین در حال حاضر بسیاری از زمین های کشاورزی خوزستان بایر و لم یزرع هستند که تنها راه نجات این زمین ها رسیدن آب به آنهاست که دولت‌های مختلف سالهاست در تحقق چنین هدفی موفق نبودند ولی به نظر می رسد دولت‌ها علاقه عجیبی به صرف هزینه های هنگفت برای انتقال آب از سرشاخه های کارون برای احیای زمین های کشاورزی استانهای دیگر دارند.

طبق آخرین آمار موجود در استان خوزستان یک میلیون و 200 هزار هکتار زمین کشاورزی قابل کشت و زراعت وجود دارد که در حال حاضر تنها در 320 هزار هکتار از این زمین ها، کشاورزی صورت می گیرد ضمن اینکه مقام معظم رهبری در سال 1375 در سفر به استان خوزستان دستور احیای 800 هزار هکتار از زمینهای کشاورزی و لم یزرع خوزستان را صادر کردند که به علت نبود آب تنها بخش اندک و ناچیزی از این زمین ها به مرحله کشت رسیده است و بخش های زیادی از زمین ها به شکل اولیه باقی مانده است.

اگر از موضوع کشاورزی نیز بگذریم هم اکنون در بسیاری از مقاطع، رودخانه کارون در حال خشک شدن است و این وضعیت در مقطع اهواز به شدت احساس می شود و باعث نگرانی فراوانی شده، تازه در سال جاری این در حالی است که خوزستان یک فصل پر باران را پشت سر گذاشت ولی همچنان مشاهده می شود که رودخانه کارون با کاهش آب مواجه است.

مجموع این موارد باعث می شود این سؤال در ذهن هرکسی پیش بیاید که دلیل انتقال آب کارون برای دیگر شهرها چیست و صرف میلیاردها تومان هزینه چه ضرورتی دارد؟ این نگرانی سالهاست به کابوس مردم خوزستان تبدیل شده زیرا انتقال آب کارون باعث نابودی کشاورزی و غیرقابل سکونت شدن بسیاری از روستاهای مسیر رودخانه کارون می شود که تنها شغل مردمان آن کشاورزی و دامداری است و این موضوع در تناقض با سیاستهای دولت مبنی بر جلوگیری از مهاجرت مردم از روستاها به شهرهاست.

به غیر از انتقال آب به استانهای اصفهان، یزد و رفسنجان که هر از چند گاهی مطرح می شود، جدیدترین ایده دولت برای برداشت آب از سرشاخه های کارون به سفر یک ماه اخیر هیئت دولت به استان کرمان بازمی گردد که در آن محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهور اعلام کرد: طرح انتقال آب مسیر زاگرس برای برطرف کردن مشکلات پسته داران اجرا می شود.

این بار دولت برای اجرای این طرح که پیش از این سخنی از آن به میان نمی آمد به صورت مستقیم نام کارون را به میان نیاورده و از طرح انتقال آب زاگرس از آن نام برده است این در حالی است که این طرح نیز انتقال آب از سرشاخه های کارون است.

در عین حال دولت‌های مختلف در سفر به خوزستان همواره این اطمینان را به مردم، نمایندگان و مسئولان خوزستان می دادند که طرحی برای برداشت آب از سرشاخه های کارون اجرا نخواهد شد و آخرین آن هم به سفر دکتر محمود احمدی نژاد به شهرستان خرمشهر در سوم خرداد سال جاری بازمی گردد که وی به نمایندگان استان این اطمینان را داد.

نماینده مردم اهواز در مجلس در خصوص اجرای طرحهای انتقال آب کارون با اظهار اینکه این طرح به صورت پنهانی در حال اجراء است، گفت: این طرح جای دفاع ندارد و طرح انتقال آب رودخانه کارون به دلیل در معرض خطر بودن آینده کشاورزی خوزستان و برنامه پنج ساله توسعه طرح درستی نیست ضمن اینکه اجرای این طرح به اشتغال استان آسیب های جدی وارد می کند.

ناصر سودانی اظهار داشت: کشاورزی استان با اجرایی شدن طرح انتقال آب کارون به مخاطره جدی خواهد افتاد

به همین دلیل تمام مدیران استان خوزستان باید نگرانی خود را نسبت به اجرای این طرح اعلام کنند تا از حیثیت استان دفاع شود زیرا کارون مایه حیات خوزستان به شمار می رود و تعدی به آن تعدی به مردم خوزستان است. نماینده مردم اهواز تاکید کرد: دغدغه همه ما امروز جلوگیری از اجرای برنامه‌های پنهانی در حال پیگیری برای انتقال آب کارون است زیرا برخی استانها برای نجات کویر خشک خود در پی از بین بردن زمین های زنده و سبز جلگه خوزستان هستند که این خلاف اجرای عدالت است.

عضو کمیسیون انرژی مجلس افزود: خوزستان امکانات و پتانسیل های فراوانی از جمله آب، خاک و نیروی انسانی فراوان دارد اما نیازمند همتی برای به کارگیری این منابع در استان است و چرا باید پس از گذشت 14 سال از دستور مقامات کشور در خصوص احیای 800 هزار هکتار از اراضی آماده کشت خوزستان درصد پیشرفت اجرای این طرح بسیار ناچیز باشد.

عضو شورای شهر اهواز نیز در این خصوص اظهار داشت: اکنون که با وجود تمام اعتراضات گذشته درمورد انتقال آب کارون به سایر استانها، معاون رئیس جمهور اعلام کرد باید برای نجات کرمان باید آب کارون را به این استان منتقل کرد دیگر سکوت نمایندگان و مسئولان استان جایز نیست و باید به هر شیوه ای جلوی این کار را گرفت. غلامرضا سبزیعلی افزود: چرا استاندار خوزستان در خصوص این طرح ساکت است این در حالی است که استاندار قیل از اینکه نماینده دولت در استان باشد انعکاس دهنده مشکلات استان به تهران است ولی در این خصوص متاسفانه مشاهده می کنیم که استاندار سکوت پیشه کرده است و مردم اکنون از وی انتظار دارند که به صورت جدی وارد کار شود و اعتراضات خود را به گوش هیئت دولت برساند زیرا وی بهتر از هر کسی می داند که انتقال آب از سرشاخه های کارون چه عواقبی برای استان و کشاورزی آن دارد. وی افزود: چرا در اجرای چنین طرحهایی که به صورت آشکار برخلاف منافع مردم استان خوزستان و حتی کشور است، وقتی کار از کار گذشته صدای اعتراض مسئولان بلند می شود در حالی که در حال حاضر می توان جلوی این کار را گرفت.

سبزیعلی تاکید کرد: از همه مسئولان تاثیرگذار استان و نمایندگان خوزستان در مجلس شورای اسلامی درخواست می کنم به شکلی جدی انتقال آب از سرشاخه های کارون را پیگیری کنند.

رمضان منجزی دیگر عضو شورای شهر اهواز نیز در این خصوص به خبرنگار مهر در اهواز گفت: در پروژه انتقال آب کارون موسوم به کوه‌رنگ 3 ، دولت 23 کیلومتر تونل با صرف هزینه های سرسام آور حفر کرده ولی هیچ کجا منعکس نشده که این کار برای انتقال آب کارون است.

وی افزود: جای تعجب است که چرا دولت به جای صرف این هزینه های سرسام آور، طرحهای آبرسانی به زمین های خشک خوزستان را که با صرف هزینه های بسیار کمتر و حتی کمتر از 10 درصد، قابل انجام است را اجرا نمی کند.

منجزی تاکید کرد: صرف این هزینه های سرسام آور برای اجرای پروژه کوه‌رنگ 3 نشان می دهد ما هر کار بکنیم توان مقابله با این عزم جدی را نخواهیم داشت و دولت در اجرای طرحهای انتقال آب کارون به سایر استانها بسیار مصمم است.

عضو شورای شهر اهواز افزود: تونل کوه‌رنگ 3 که اجرای آن در اختیار شرکت آب منطقه ای اصفهان است در ثانیه، 15 متر مکعب آب از سرشاخه های کارون در کوه‌رنگ را به استان اصفهان منتقل می کند و این میزان برداشت آب تا 45 ثانیه قابل اجرا است. اگر این عزم جدی دولتها برای انتقال آب کارون را با کمبود آب در استان خوزستان مقایسه کنیم به یک تناقض می رسیم که به هیچ وجه منطقی و عقلایی به نظر نمی رسد. گزارش: علی نواصر

تجمع اعتراضی کارگران چینی البرز قزوین

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر روز دوشنبه ۱۷ خرداد آمده است: بیش از ۱۶۰ نفر از کارگران کارخانه چینی البرز قزوین رنج و هزینه سفر به تهران را متحمل شده و در مقابل وزارت صنایع و معادن واقع در خیابان سمیه، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران ۷ ماه حقوق خود را دریافت نکرده و در وضعیت اسفناک معیشتی به سر می‌برند.

این کارگران با خود پلاکاردهایی حمل می‌کردند که روی آنها اعتراض و پیگیری ۷ ماه حقوق معوقه کارگران چینی البرز، اعتراض به حکم انحلال شرکت چینی البرز و اخراج از کار نوشته شده بود.

خبر تکمیلی

جمعی از کارگران چینی البرز خواستار تعیین تکلیف وضعیت خود شدند

به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 17 خرداد آمده است: صبح امروز جمعی از کارگران کارخانه چینی البرز قزوین در اعتراض به عدم تعیین تکلیف وضعیت خود، مقابل وزارت صنایع و معادن تجمع کردند

یکی از کارگران معترض در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس گفت: پس از تجمع گروهی از کارگران مقابل وزارت صنایع در روز 8 اردیبهشت امسال و همچنین مقابل دفتر کارخانه چینی مقصود (خریدار کارخانه چینی البرز) در روز 14 اردیبهشت امسال، قرار شد کارگروهی متشکل از نمایندگان شرکت سرمایه‌گذاری بانک

صنعت و معدن، دفتر تهران کارخانه چینی البرز و مدیر امور اداری این کارخانه نسبت به تعیین تکلیف وضعیت کارگران اقدام کنند .

وی افزود: قرار بود این کارگروه از ابتدای خردادماه در کارخانه مستقر شود ولی تاکنون و با گذشت 17 روز از خرداد چنین اتفاقی نیفتاده است .

وی تصریح کرد: کارگروه باید پس از تعیین تکلیف وضعیت کارگران استخدامی، نسبت به انجام مراحل بازنشستگی یا بازخرید آنان اقدام می‌کند .

این کارگروه معترض با اشاره به امضای توافق‌نامه‌ای در استان قزوین با حضور معاون معدنی وزیر صنایع به منظور حل مشکل کارگران کارخانه چینی البرز، گفت: این توافق‌نامه با حضور نمایندگان سازمان صنایع استان قزوین، اداره کار و بیمه البرز جهت تعیین تکلیف کارگران منعقد شد ولی تا کنون اقدامی در جهت اجرای آن صورت نگرفته است .

به گفته وی اواخر سال گذشته با تعدادی از کارگران قراردادی چینی البرز تسویه حساب شد ولی تکلیف 192 کارگر استخدامی این شرکت هنوز مشخص نشده است

خبر تجمع کارگران موجب بسته شدن ایستگاه مترو طالقانی شد

خبر تجمع کارگران چینی قزوین موجب بسته شدن ایستگاه طالقانی شد. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر، ایستگاه مترو طالقانی واقع در نبش خیابان طالقانی و مفتوح از ساعات اولیه صبح بسته شد. بسته شدن ایستگاه مترو طالقانی به دلیل انتشار خبر احتمال تجمع کارگران چینی قزوین مقابل وزارت صنایع و معادن بود. طی روز گذشته در برخی خبرگزاری‌ها و وب سایت‌ها خبری مبنی بر احتمال تجمع کارگران چینی قزوین مقابل وزارت صنایع و معادن منتشر شد. با توجه به نزدیکی و همجواری مترو طالقانی با محدوده وزارت صنایع و معادن در خیابان سمیه، نیروهای امنیتی اقدام به کنترل این ایستگاه نمودند. کنترل این ایستگاه موجب تجمع مردم و ازدحام جمعیت در این ایستگاه شد. با توجه به یک طرفه بودن خیابان طالقانی و مفتوح این اختلال در تردد قطارها در این ایستگاه موجب بروز مشکلات بسیاری برای مردم شد. حکومت که از هرگونه رویارویی با اعتراضات مردمی سخت‌هراس دارد به جای حل مشکل واقعی تنها به برخوردهای فیزیکی و خشونت بار با اقشار مختلف روی آورده است. در واقع پاک کردن صورت مساله مهمترین ابزار دولت تندروی احمدی نژاد برای مهار اعتراضات مردمی است. همین نگاه موجب شده است که نظام در هر تجمع اقدام به بستن، سرکوب و برخوردهای فیزیکی با مردم معترض می‌کند. نمونه این حرکت صبح امروز در ایستگاه مترو طالقانی رخ داد.

بالاخره بعد از چندماه کارگران مترو حقوق گرفتند

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر — روز دوشنبه ۱۷ خرداد آمده است: کارگران متروی در حال ساخت بنی هاشم - صیادشیرازی مدت ۴ ماه حقوق نگرفته بودند و اخیراً حقوق بهمین و اسفند سال قبل را در ۱۰ خرداد دریافت نموده اند .

آموج اخراجهای گسترده کارگری

به گزارش ایران کارگر در 17 خرداد آمده است: با توجه به مسئله جدی کمبود بنزین بین نیروهای کارگری در منطقه غرب تهران گفته میشود که بزودی موج گسترده‌ای از اخراج‌ها ی کارگری شروع خواهد شد و کارگران شریف نگران وضعیت خود میباشند.

، ساحل ما را پس بده ! -

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

BP ، ساحل ما را پس بده !
BP, we want our beach back !
این مطالبه ای است که به صورت یک تابلو در ساحل خلیج مکزیک در جنوب آمریکا نصب شده است. BP کیست؟ چه رابطه ای با ساحل خلیج مکزیک دارد؟ چه اتفاقی برای این ساحل افتاده است؟ چرا این اتفاق روی داده است؟ مگر BP ساحل خلیج مکزیک را غصب کرده است که اکنون از او خواسته شده که آن را پس دهد؟ و سرانجام آن که این مطالبه خواست چه کسی یا کسانی است؟ این‌ها و مسائل دیگری از این دست است که در این مقاله کوتاه می‌کوشیم آن‌ها را به اختصار برای کارگران توضیح دهیم.
BP یا بریتیش پترولیوم (British Petroleum) یکی از بزرگ ترین شرکت های نفتی دنیا است. از جمله بزرگ ترین پروژه های این شرکت، یکی استخراج نفت از اعماق آب های خلیج مکزیک در جنوب آمریکا است. در 20 آوریل امسال، یعنی حدود 50 روز پیش، یکی از لوله های حامل نفت در عمق 2000 متری آب منفجر شد و این انفجار با سرایت به تاسیسات دیگر، ضمن کشتار یازده تن از کارگران این شرکت کل سکو و دکل نفتی آن را درهم

شکست و ویران کرد. از آن روز تا کنون روزانه هزاران بشکه نفت به درون آب سرازیر می شود و دامنه و وسعت آلودگی آب در اثر نشت نفت نه تنها ایالت های جنوب آمریکا بلکه سواحل اروپا را در بر گرفته است و بعید نیست که دامنه آن به سواحل شرقی آسیا و اقیانوسیه نیز برسد. در مورد مقدار نفتی که به درون آب های جنوب آمریکا و از آنجا به سایر آب های بین المللی سرازیر می شود ارقام متفاوتی ارائه شده است، از 5000 تا 15000 بشکه در روز. اگر میانگین این ارقام یعنی 10000 بشکه را مینا قرار دهیم، از 20 آوریل تا کنون حدود 500000 بشکه (صد میلیون لیتر) نفت به درون آب نشت کرده است. با آن که شرکت BP ادعا کرده که با نصب یک کلاهک بر روی چاه نفت باعث کاهش این نشت شده است، اما حتی اکنون و پس از نصب این کلاهک بازهم رقم روزانه نشت نفت به درون آب کمتر از 10000 بشکه در روز اعلام نشده است!! بنابراین، به نظر می رسد که نشت نفت به درون دریا حالا حالاها ادامه داشته باشد. هدر رفتن این همه ارزش استفاده مورد نیاز انسان ها، خسارت جبران ناپذیر محیط زیست و اکوسیستم در کل پهنه آب های کره زمین، هزینه سرسام آور و نجومی برای مهار نشت نفت (در این مورد از اجرای 18 پروژه عظیم یکی پس از دیگری سخن گفته می شود) که ضمن آن که تا کنون تقریباً همه بی نتیجه بوده و به هدررفته اند بی تردید بعداً از سفره کارگران کسر خواهند شد، محروم کردن مردم از طبیعت و سواحل دریا و بسیاری فجایع دیگر همه از جمله عواقب این رویداد فاجعه بار به شمار می روند. این حادثه فقط رویدادی اقتصادی یا زیست محیطی نیست بلکه اکنون به بحرانی سیاسی برای دولت آمریکا تبدیل شده است به طوری که رئیس جمهوری آمریکا که ابتدا فقط شرکت BP را مسئول این حادثه می دانست اکنون به صراحت مسئولیت آن را به عهده گرفته و تا کنون سه بار به منطقه سفر کرده است تا مهار این بحران را از نزدیک دنبال کند. شدت بحران برای دولت آمریکا به حدی رسیده است که برخی از رسانه های این کشور آن را با بحران گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا در ایران در اوایل دهه 80 میلادی مقایسه کرده اند.

ناگفته پیداست که حادثه و سانحه و بروز خسارات و لطمات جانی و اقتصادی و زیست محیطی در جریان رابطه تولیدی انسان با طبیعت در هر شرایطی ممکن است پیش آید و انسان هر اندازه هم در کار و تولید خود دقت کند و محاسبه خود را هرچه قدر با اطمینان و دقت کامل انجام دهد بازهم امکان اشتباه و بروز حادثه به طور کامل منتفی نیست. اما اولاً ابعاد حادثه خلیج مکزیک چنان گسترده، عظیم، هولناک، ضدطبیعی و ضدانسانی است که نسبت دادن علت آن به بی دقتی انسان یکسره و به طور کامل منتفی است. انتساب این فاجعه به بی دقتی انسان همان قدر بی پایه و اساس است که کسی مرگ یا معلولیت کارگران در اثر سوانح حین کار را به بی احتیاطی کارگران نسبت دهد. ثانیاً طرح بی دقتی انسان به عنوان عامل بروز این گونه حوادث، این نکته را پیش فرض می گیرد که گویا شرکت BP دغدغه وارد آمدن خسارت به انسان و طبیعت و هدر رفتن منابع طبیعی را داشته یا دارد منتها بی دقتی کرده است. کل این پیش فرض نه تنها زیر سؤال است بلکه فاجعه خلیج مکزیک و ابعاد عظیم ضدانسانی و ضدطبیعی آن از قضا درست عکس آن را ثابت می کند. هیچ عقل سلیمی نمی تواند به شرکتی چون BP، که فکر و ذکر و فلسفه وجودی اش هیچ چیز نیست جز به چنگ آوردن کل منابع نفتی جهان، بیرون کشیدن آن ها از اعماق زمین با نیروی کار ارزان کارگران دنیا، تبدیل ارزش اضافی بیرون کشیده شده از جسم و جان کارگران به سود و سرمایه بیش از پیش برای استثمار بازهم بیشتر کارگران دنیا، دغدغه هدر رفتن منابع طبیعی و آلودگی محیط زیست را نسبت دهد. همین که BP با پشتیبانی کل دولت آمریکا یعنی بزرگ ترین قدرت سرمایه داری دنیا 50 روز است نتوانسته این فاجعه را مهار کند خود بهترین گواه است که نه شرکت BP و نه دولت آمریکا هیچ یک چنین دغدغه ای نداشته اند و ندارند. اگر این ها چنین دغدغه ای می داشتند می توانستند در همان روزهای نخست این فاجعه را کنترل کنند و خسارات ناشی از آن را به حداقل ممکن برسانند. بنابراین، علت این فاجعه نه بی دقتی انسان بلکه حرص سیری ناپذیر شرکت BP برای سوداندوزی هرچه بیشتر است. برای اثبات این ادعا هیچ نیازی به ارائه آمار و ارقام و محاسبه ارزش اضافی ای که BP از جسم و جان کارگران بیرون کشیده است، نیست. خود همین مطالبه که اکنون بر ساحل خلیج مکزیک نقش بسته گواه کافی برای اثبات این نکته است که شرکت هایی چون BP و دولت های یار و یاور آن ها چه بر سر بشریت آورده اند و مطالبه جامعه بشری در مقابل آن ها چیست.

وقتی خطاب به BP گفته می شود که «ساحل ما را پس بده!» معنایش آن است که این ساحل تا پیش از آن که به مالکیت BP (و دولت آمریکا به عنوان نماینده و مدافع آن) درآید، در مالکیت مطرح کننده این مطالبه بوده است. اما مطرح کننده این مطالبه هیچ کس نمی تواند باشد جز اکثریت مطلق ساکنان جامعه آمریکا. به عبارت دیگر، ساحل خلیج مکزیک پیش از آن که به مالکیت شرکت BP و به طور کلی طبقه سرمایه دار آمریکا و دولت آمریکا به عنوان نماینده این طبقه درآید در مالکیت ساکنان آن منطقه و بدین سان کل جامعه بشری بوده است. این را تاریخ پیدایش و زندگی انسان در روی کره زمین نشان می دهد. در همین قاره آمریکا، تا چند قرن پیش، بومیان سرخ پوستی می زیستند که با کل طبیعت از جمله سواحل دریاها، معادن، جنگل ها و ... در همزیستی و سوخت و ساز متقابل بودند، به این معنی که هم از آن استفاده می کردند و هم آن را تکامل می بخشیدند. پس از کشف این قاره توسط اروپاییان بود که سرمایه داران و دارو دسته های ارادل و اوباش نظامی و غیرنظامی آن ها به آنجا هجوم آوردند، بومیان ساکن آن را یا کشتند و یا از سرزمین هایشان بیرون راندند. بدین سان، از یک سو طبیعت و کل منابع آن را به مالکیت خود درآوردند و، از سوی دیگر، انسان هایی را که مجبور بودند برای زنده ماندن نیروی کارشان را به سرمایه داران بفروشدند و برای آنان کار کنند در ازای پرداخت مزد به کار گرفتند، انسان هایی که یا همان سرخ پوست های خلع مالکیت شده بودند، یا بردگان سیاه پوستی که برده داران آمریکا از آفریقا آورده بودند و یا سفیدپوستانی که به دنبال کار از اروپا و استرالیا و جاهای دیگر به آمریکا مهاجرت کرده بودند. چنین بود که استثمار کارمزدی به شیوه رایج تولید در این قاره تبدیل شد. نه تنها در قاره آمریکا بلکه در کل کره زمین رشد و تکامل تولید و نیروهای مولده جز از طریق تبدیل مالکیت اجتماعی طبیعت یا وسایل تولید به مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار و دولت آن از یک سو و تبدیل کار به کارمزدی از سوی دیگر امکان نداشته است. به سخن دیگر، شرط رشد و تکامل نیروهای تولیدی انسان جدایی و بیگانگی طبیعت و کار بوده و تاریخ

این شرط را تحقق بخشیده است، هرچند به بهای مرگ و نابودی میلیون ها انسان و استثمار میلیون ها (و اکنون میلیاردها) انسان دیگر. شرکت BP به عنوان یک نمونه به خوبی نشان می دهد که چگونه عوامل تولید ثروت جامعه یعنی طبیعت و کار از هم جدا و باهم بیگانه شده اند، اولی به عنوان وسایل تولید به مالکیت اقلیتی بس کم شمار از افراد جامعه - طبقه سرمایه دار- درآمده و دومی به کارمزدی برای امرار معاش اکثریت افراد جامعه - طبقه کارگر- تبدیل شده است.

با این همه و با آن که تاریخ نگاران و اندیشه پردازان دنیای سرمایه داری مایل اند داستان را به همین جا ختم کنند و دنیای سرمایه داری را نهایت و پایان تاریخ بشر اعلام کنند، مطالبه «BP» ، ساحل ما را پس بده!» چیز دیگری را می گوید. این مطالبه به روشنی نشان می دهد که تاریخ یا، بهتر بگوییم، «پیش از تاریخ» انسان هنوز به پایان نرسیده است. در واقع این جامعه آمریکا است که در قالب این مطالبه از طبقه سرمایه دار و دولت آمریکا می خواهد ساحل خلیج مکزیک را به او بازگرداند. این مطالبه از آمادگی جامعه آمریکا برای تبدیل مالکیت خصوصی وسایل تولید به مالکیت اجتماعی آن و تحقق کار داوطلبانه انسان ها به جای کارمزدی آنان حکایت می کند. مضمون مطالبه «BP» ، ساحل ما را پس بده!» هیچ چیز جز این نیست، اگر چه هنوز به ضمیر خودآگاه طبقه کارگر آمریکا در نیامده باشد.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

18 خرداد 1389

www.hamaahangi.net

khbitkzs@gmail.com

مشکلات معیشتی شانزده ماه بی حقوقی گریبانگیر کارگران مخابرات راه دور شیراز

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر در تاریخ 18 خرداد نوشت: علیرغم اعتراضات و تجمعات مستمر، کارگران مخابرات راه دور شیراز تاکنون حقوق شانزده ماه خود را دریافت نکرده اند یکی از کارگران گفت: «واقعا در شرایط اسفباری زندگی میکنیم. 8 خانواده بدلیل مسائل ومشکلات ناشی از این وضعیت از هم پاشیده شده و کارشان به طلاق کشیده شده است، سه نفر از کارگران خودکشی کرده اند، تقریبا اکثر کارگران بدلیل مسائل ومشکلات ناشی از این وضعیت دچار ناراحتی های روانی شده اند. کارد به استخوانمان رسیده، طی یکسال گذشته مستمرا به ما وعده و وعید میدهند ولی هیچیک از وعده هایی که داده اند عملی نشده ونمیشود طی این مدت علیرغم اینکه بارها و بارها تجمعات اعتراضی داشته ایم اما تاکنون به هیچیک از مسائل ومشکلات ما پاسخی داده نشده همه مقامات هم از بالاترین آنها تا پایین ترینشان از وضعیت و مشکلات وخامت بار ما مطلع هستند، ولی هیچکس پاسخگو نیست»

رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد در انتقاد از تامین اجتماعی مطرح کرد: تکلیف کارگران را مشخص کنید

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 18 خرداد نوشت: رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می گوید: سازمان تامین اجتماعی هنوز هیچ اقدام مثبتی در جهت از سرگیری اجرای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور برای کارگران شرکت واحد انجام نداده است. علی اکبر عیوضی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، گفت: آن گروه از رانندگان و کارگران شرکت واحد که به دلیل انجام کار در محیط های سخت و زیان آور مشمول بازنشستگی پیش از موعد هستند با مشکل مواجه هستند. وی افزود: از سال گذشته سازمان تامین اجتماعی با استدلال سلیقه ای و تفسیر نادرست از مصوبه دولت با بازنشستگی بیش از موعد کارگران دارای مشاغل سخت و زیان آور شرکت واحد مخالفت کرد. این فعال کارگری یادآور شد: دولت در آیین نامه جدید مشاغل سخت و زیان آور کارکنان و کارگران مشاغل در موسسات دولتی را از مزایای بازنشستگی پیش از موعد مستثنی کرده بود که سازمان تامین اجتماعی نیز با دولتی قلمداد کردن مجموعه شرکت واحد از صدور حکم بازنشستگی برای کارگران مشمول این شرکت خودداری کرد.

عیوضی گفت: این در حالی است که طبق اساسنامه شرکت واحد، مالکیت این شرکت غیردولتی است که سهامدار عمده آن را شورای شهر تشکیل می دهد. وی با بیان اینکه بسیاری از کارگران شرکت واحد در 5 سال گذشته به کمک آیین نامه مربوطه به مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شده اند گفت: ما خواهان اجرای قانون هستیم.

این فعال کارگری تصریح کرد: در این رابطه شرکت واحد شکایتی را در کمیسیون اجتماعی مجلس مطرح کرده است که در نتیجه آن یک کارگروه از سوی مجلس سرگرم رسیدگی به این مساله است.

وی گفت: بسیاری از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس از جمله رئیس فراکسیون کارگری معتقد هستند که تفسیر سازمان تامین اجتماعی از آیین نامه جدید مشاغل سخت و زیان آور غلط و سلیقه ای است.

عیوضی هشدار داد: ادامه این وضعیت می تواند به نارضایتی عمومی کارگران شرکت واحد و انجام حرکت های اعتراضی کارگری منجر شود.

پایان پیام

ده ها تن از فعالان زن در درون و بیرون زندان در انتظار محاکمه هستند

سایت کلمه در تاریخ 18 خرداد گزارش داد: بیش از ۳۰ زن زندانی با جرایم سیاسی هم اکنون در شرایطی نامناسب در بند زنان زندان اوین به سر می‌برند. با اینکه بسیاری انتظار داشتند در روز زن و با توجه به شعارهایی که دولت درباره تقدس نقش مادری و جایگاه زنان سر می‌دهد، تعدادی از آنها از زندان آزاد شوند این اتفاق نیفتاد و همچنان این زنان که بسیاری از آنها مادر هم هستند بلاتکلیف در بندهای مختلف زندان اوین رها شده‌اند. زنانی که جز عقیده شان گناهی دیگر ندارند. این زنان اکنون در میان دیگر زنان زندانی و بدون اینکه اصل تفکیک جرایم برای شان رعایت شوند، همچنان زندانی‌اند.

در این گزارش با نگاهی به نقش و جایگاه زنان در جنبش سبز وضعیت زنان زندانی را مرور خواهیم کرد. زنان، پیش‌تازان جنبش سبز چه در روزهای قبل از انتخابات سال گذشته و چه در روزهای پس از آن، همه متوجه تغییری در سبک کمپین‌های انتخاباتی و سپس در تجمع‌های اعتراضی بعد از برگزاری انتخابات بودیم. روزهایی که گاه زنان فعال‌تر از مردان در این عرصه‌ها شرکت می‌کردند و دیگر در حاشیه نبودند و این بار متن‌فعالیتها را می‌ساختند. روزهایی که زنان در تجمع‌ها شرکت می‌کردند و بدون ترس از باتوم و کتک، شجاعانه مطالبات شان را مطرح می‌کردند. زنانی که پخش تصاویرشان از رسانه‌های مختلف نشان داد که درصاف اول مبارزه‌های مدنی قرار گرفته‌اند.

هنوز چند روزی بیشتر از این اعتراض‌ها نمی‌گذشت که زنان زیادی به همراه دیگر فعالان اجتماعی و سیاسی بازداشت و روانه زندان شدند. این در حالی است که در همان روزها گروه‌گروه از زنانی که در تجمع‌ها بازداشت شده بودند نیز به زندان می‌رفتند. زنانی که شاید خیلی از ما اسم آنها را هم نشنیده باشیم اما آنها روزهای زیادی را در زندان گذراندند.

مثل همیشه روزنامه نگاران و فعالان اجتماعی زن هم در این دوره بازداشت و برخی پس از گذراندن ماهها زندان با قرار وثیقه آزاد شدند. تعدادی هم با حکم‌های عجیب و غریب همچنان در زندان به سر می‌برند. در روزهای پس از انتخابات شیوا نظر آهاری، هنگامه شهیدی، ژیلا بنی یعقوب، مهسا امرآبادی، سمیه توحید لو، زهرا توحیدی، عاطفه نبوی بازداشت و روانه زندان اوین شدند. اما این پایان ماجرا نبود و بازداشت زنان پایان نیافت. بازداشت زنان متوقف نمی‌شود.

با اینکه شیوا نظر آهاری، فعال حقوق بشر و دانشجویی در روزهای پس از انتخابات یک بار بازداشت شده بود و با وثیقه ۲۰۰ میلیونی از زندان آزاده شده بود. بار دیگر در دی ماه سال ۸۸ بازداشت شد و هم اکنون در شرایط کاملاً بلاتکلیف در زندان به سر می‌برد. بدون اینکه تاکنون دادگاهی برایش تشکیل شده باشد. بقیه زنانی هم که با قرارهای سنگین وثیقه از زندان آزاد شده بودند حالا در انتظار تشکیل دادگاه و ابلاغ حکم‌هایشان به سر می‌برند. در همین زمان حکمی باورنکردنی برای یک روزنامه نگار زن صادر شد. هنگامه شهیدی با حکم شش سال زندان رو به رو شد. او خیلی زود پس از تایید حکم روانه زندان اوین شد و هم اکنون نیز در بند نسوان زندان اوین به سر می‌برد.

در روزهای پس از عاشورای حسینی که روزهایی سخت و نفس‌گیر برای فعالان اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. تعداد دیگری از زنان هم بازداشت و به زندان فرستاده شدند. برخی از این زنان پس از گذراندن دوران حبس با قرار وثیقه آزاد شدند و تعداد دیگری هنوز زندانی‌اند. بدرالسادات مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در ۸ دی ماه سال گذشته بازداشت و از آن زمان تاکنون کاملاً بلاتکلیف در زندان اوین به سر می‌برد. او روزهای سخت بازجویی و انفرادی را در بند امنیتی وزارت اطلاعات گذراند و سپس به بند نسوان منتقل شد و اکنون بدون اینکه برایش دادگاهی تشکیل شده باشد در بلاتکلیفی مطلق به سر می‌برد.

بهاره هدایت عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، نیز در همان روزهای پر التهاب یعنی نهم دی ماه سال گذشته بازداشت و در دادگاهی که برایش تشکیل شد با حکم باورنکردنی نه سال و نیم حبس تعزیری روبرو شد و هم اکنون نیز در زندان اوین به سر می‌برد. وی حتی پس از اعلام حکم اش بار دیگر از سوی شعبه ۴ بازپرسی امنیت به دادگاه انقلاب احضار شده است. اما بهاره هدایت تنها کسی نبود که در آن روزها بازداشت و با چنین حکمی روبرو شد.

سارا توسلی عضو هیات علمی دانشگاه که در ۱۳ دی ماه بازداشت شده بود با حکم باورنکردنی که چند روز پیش به او ابلاغ شده است به شش سال زندان محکوم شد. حکمی که به گفته وکیل مدافع وی، فریده غیرت هیچ تناسبی با اتهامات اش ندارد.

مهديه گلرو فعال دانشجویی نیز همچنان پس از ماهها حبس و با اینکه قرار وثیقه برایش صادر شده در زندان اوین به سر می‌برد. او با حکم سه سال و نیم زندان و وثیقه پانصد میلیونی که توانایی پرداختش را ندارد همچنان در حبس به سر می‌برد.

بازهم روزنامه نگاران زن بازداشت می‌شوند

چند روزی بیشتر به سالگرد انتخابات ریاست جمهوری نمانده و هنوز موج بازداشت زنان و دیگر فعالان اجتماعی متوقف نشده است. چند روز قبل محبوبه خوانساری و اعظم ویسمه دو خبرنگار اجتماعی بازداشت و روانه زندان اوین شدند. آنها در تماسهای تلفنی با خانواده خود گفتند که در زندان انفرادی به سر می‌برند. سلولی که این روزها بارها پذیرای زنان روزنامه نگار بوده است.

اما این همه ماجرا نیست و زنان دیگری هم در زندان به سر می‌برند زنانی که اسم شان را کمتر از دیگران شنیده ایم اما آنها ماهها و حتی سالها، برای اینکه اندیشیده‌اند زندانی‌اند.

حمیده فرج زاده (پینار)، مهناز کریمی و محبوبه کرمی از فعالان حقوق زنان در زندان به سر می‌برند پیش از آنها عالیه اقدام دوست، دیگر فعال حقوق زنان نیز از سال ۸۷ برای اجرای سه سال حکمش زندانی است.

روناک صفارزاده، شبنم مدد زاده، زینب بایزیدی دانشجویان دربند، لاله حسن‌پور، مطهره بهرامی، نیلوفر لاری‌پورشاعر و ترانه سرا، عذرا قاضی میرسعید، زهرا بهرامی، یکی از زنان دستگیرشده روز عاشورا، ماه فرید منصوریان معمار، و فعال محیط زیست، فاطمه خرم جو، سحر قاسمی نژاد، پروین جوادزاده، مریم اکبری منفرد، معصومه یآوری، زهرا جباری، رزیتا واثقی، سما نورانی و زینب جلالیان که محکوم به اعدام است نیز اکنون در زندان به سر می‌برند.

همچنین در میان دیگر زنان زندانی نام نفیسه مجتهدی، سما بهمنی، کبری زاغه دوست، سمیه اجاقلو، نیلوفر هاشمی آذر، راضیه عالمی و ریحانه حاج ابراهیم دیده می‌شود. اما همه این‌ها فقط فهرست تعدادی از زنانی هستند که در زندان به سر می‌برند و هنوز زنان زیادی که ما از نام آنها بی‌خبریم در زندانها نگهداری می‌شوند.

روزنامه نگار زن به ۱ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری محکوم شد

ژیلا بنی‌یعقوب روزنامه‌نگار به یک‌سال حبس تعزیری و ۲۰ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری محکوم شد. بیدادگاه انقلاب اسلامی، ژیلای بنی‌یعقوب روزنامه‌نگار را به یک‌سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از روزنامه‌نگاری محکوم کرد. ژیلای بنی‌یعقوب در روز ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ به همراه همسرش بهمن احمدی عمویی دستگیر شد. پس از دو ماه با قرار وثیقه آزاد شد. همسر وی بهمن احمدی امویی در دادگاه بدوی به ۷ سال زندان و در دادگاه تجدید نظر به ۵ سال زندان قطعی محکوم شده و در حال حاضر در بند ۲۵۰ اوین زندانی است.

گزارشی از سناریوی ورشکستگی صنعت نساجی در ایران

خبرگزاری ایلنا در تاریخ 19 خرداد نوشت: بحث بحران در صنعت نساجی کشور، بحث جدیدی نیست چرا که در طی سال‌های گذشته این قدیمی‌ترین صنعت جهان در داخل کشور با ناملایمتهای فراوان مواجه بود. این صنعت با وجود گردش مالی فوق‌العاده بالای خود مورد توجه بسیاری از کشورها و اقتصادهای بزرگ دنیاست. صنعت نساجی همواره به عنوان رکن اساسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود چرا که نیاز به پوشاک، انواع کفپوش‌ها، کیف و کفش و ... از نیازهای اساسی هر فرد است.

به این جهت اهمیت این صنعت تا بدان جاست که بسیاری از کشورهای جهان جهش و انقلاب اقتصادی خود را بر پایه صنعت نساجی پایه‌گذاری می‌کنند که نمونه واضح و قابل دسترس آن بریتانیا و کشورهای نظیر هند است.

در کشورهای نظیر هندوستان و پاکستان تقریباً سی درصد کل نیروی شاغل در صنعت آنها در صنایع نساجی و پوشاک فعالیت می‌کنند. ترکیه سالانه درصد بسیار زیادی از صادرات خود را در زمینه نساجی انجام می‌دهد. صنعت نساجی به جهت این‌که یک صنعت کارگرم است نقش به‌سزایی در اشتغال زایی و کاهش آمار بیکاری دارد امری که به نظر می‌رسد با تعطیلی و ورشکستگی کارخانجات بزرگ و کوچک نساجی در طی ماه‌ها و سال‌های گذشته روند معکوسی را در ایران به ثبت رسانده است.

نساجی در ایران سابقه چهار هزار ساله دارد و بیش از 100 سال پیش، صنعتی شده است اما روندی که در سال‌های گذشته در این صنعت اعمال شده است موجب شده تا در فاصله کمتر از سه ماه پایانی سال 88 برخلاف سال‌های گذشته هیچ خبری از رونق کسب و کار در صنعت نساجی نباشد و سکوت سنگین بر فضای کارخانجات نساجی حاکم شود که این خود زنگ خطر است که در سال گذشته بارها از سوی مسوولان و دست‌اندرکاران صنعت نساجی زده شد و فرار بود وزارت صنایع و معادن با پرداخت بدهی‌های معوقه خود به این صنعت را پرداخت کند تا باز هم این صنعت همچون قدیم بر روی پای خود بایستد.

به این جهت است که با وجود مزیت‌های نسبی فراوان در صنعت نساجی که می‌توان به عنوان نقطه مثبتی در تأمین نیاز داخلی به منسوجات و پوشاک و دستیابی به بازارهای صادراتی و ارز آوری مناسب تلقی شود اما متأسفانه تقریباً ۴۰ درصد نیاز کشور به محصولات نساجی از طریق قاچاق و واردات تأمین می‌شود که این موضوع هر سال میلیاردها دلار به اقتصاد ملی ضرر می‌زند.

ورود بی‌رویه منسوجات خارجی به داخل به ویژه از کشورهای چین، استرالیا، دبی و ترکیه از چند سال گذشته تاکنون به نوعی زمینه‌ساز زمین خوردن صنایع نساجی داخلی شده است. این در حالی است که همواره گلایه دست‌اندرکاران صنعت نساجی کشور از این روند مطرح بوده و هست، اما راهکار اساسی برای جلوگیری از این همه واردات تاکنون عملیاتی نشده است.

کاهش بهره‌وری و از دست دادن بازارهای داخلی و خارجی با وجود رقاباتی مانند چین و هند، تایلند و غیره بسیاری از فرصت‌های صنعت نساجی کشور را طی چند سال از بین برده است اگر چه بسیاری از مسوولان عامل اصلی این روند را بی‌تدبیری صاحبان این صنعت و اعمال نشدن مدیریت اصولی قلمداد می‌کنند اما ضعف قوانین و مقررات تولید در کشور ریشه اصلی این مشکلات است.

این در حالی است که در کشورهای رقیب ایران در صنعت نساجی از قوانین با ثباتی در حوزه صنعت و اقتصاد بهره می‌برند، به طوری که مجموعه مالکیت‌ها در راستای حمایت از تولید برای صادرات است در حالی که در ایران سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان هیچ اطمینانی ندارند تا براساس قانون مشخص اقدام به سرمایه‌گذاری کنند.

صنعت نساجی در تمامی کشورها به عنوان یک صنعت پول‌ساز به شمار می‌آید و به گفته صاحب‌نظران در کشور ما نیز این صنعت نیازی به تسهیلات ندارد و فقط باید برخی از قوانین که مانع تولید هستند اصلاح شود چرا که در حال حاضر بسیاری از قوانین و آیین‌نامه‌های دولتی موثر بر تولید نظیر قوانین گمرکی و تعرفه‌ای به طور مداوم در حال تغییر هستند و با این وجود نه تنها هرگز نمی‌توان برای صنعت نساجی بلکه سایر صنایع تولیدی برنامه‌ریزی جامعی انجام داد.

از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر بیشترین فشارها بر این صنعت از ناحیه کمبود شدید نقدینگی، تغییر پی در پی سیاست‌های دولت در مورد تعرفه‌ها و نابسامانی فضای کسب و کار ناشی می‌شود. این امر باعث شده تا بسیاری از واحدها اعلام ورشکستگی کرده و تولید خود را متوقف کنند. بسیاری دیگر از واحدها هم به حالت نیمه تعطیل درآمده‌اند و به دلیل ناتوانی در پرداخت دستمزد تعدیل گسترده نیرو را در دستور کار خود قرار داده‌اند. از طرفی تغییرات نرخ ارز در سال‌های اخیر و عدم حمایت دولت در این زمینه، مزید بر علت بوده و دغدغه‌های نساچان را افزایش داده است. به طوری که هم اکنون به دلیل افزایش این فشارها واحدهای نساچی یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند.

البته در سال گذشته بنا به گفته محمد مروج حسینی رئیس هیات مدیره انجمن صنایع نساچی، ایران از ارائه تسهیلات پنج میلیارد دلاری در سال جاری خبر داده بود که قرار بود در سال 88 پرداخت شود تا صنعت نیمه خواب نساچی مجدد بر روی پای خود بایستد.

وی البته معتقد است که صنایع نساچی در طول دوران جنگ، تولیدات خود را با هر کیفیتی به مصرف کننده عرضه می‌کردند اما پس از پایان جنگ با رقابتی شدن بازار، ناتوانی آنها در جذب بازار موجب شد تا کم کم از عرصه تولید کنار روند. در حال حاضر قیمت بالای محصول تمام شده، بهره‌وری پایین و ماشین آلات فرسوده از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در صنایع نساچی است.

از سوی دیگر در حال حاضر محصولات نساچی قاچاق، 90 درصد از حجم پارچه‌های موجود در بازار را به خود اختصاص داده‌اند که خود عاملی برای عدم رقابت پذیری صنایع نساچی محسوب می‌شوند. شاید به این جهت است که کارشناسان و صنعتگران نساچی معتقدند که مهم‌ترین مشکل صنعت نساچی ایران کمبود نقدینگی است، اکنون مدت‌هاست که به دلیل فقدان منابع بانکی، ارائه تسهیلات مناسب به بخش صنعت، منتفی شده که آثار منفی این امر بر صنایع وارد کرده است.

از سوی دیگر بنا به اظهار نظر کارشناسان امر، هم اکنون پنبه به عنوان مهم‌ترین ماده اولیه صنعت نساچی، چالش تازه‌ای در این صنعت به وجود آورده است چرا که کاهش کمی و کیفی تولید پنبه نیز به عامل دیگری برای مشکلات بیشمار صنعت نساچی تبدیل شده است. چرا که پنبه تولید داخلی با طول الیاف کوتاه از کیفیت مناسب برای صنعت نساچی برخوردار نبوده و از سوی دیگر سیاست‌های حمایت از تولید داخل این محصول، افزایش قیمت تمام شده پنبه وارداتی و افزایش هزینه تولید منسوجات را به دنبال داشته است. همچنین پنبه تولید داخل قادر به تامین نیاز صنایع نساچی نیست. در حالی که حدود 40 سال پیش و با کشاورزی سنتی تولید پنبه در ایران 250 هزار تن بوده در حال حاضر این میزان به کمتر از 80 هزار تن رسیده و در تولید پنبه در کشور همچنان ادامه دارد است.

هر چند پیشنهاد انجمن صنایع نساچی برای مساعدت بیشتر دولت در بهبود کمی و کیفی تولید پنبه در داخل کشور با استقبال بسیاری از کارشناسان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شد، اما به نظر می‌رسد هنوز از سوی دولت هیچ اقدامی اصولی در این بخش صورت نگرفته و تامین پنبه مورد نیاز صنعت نساچی همچنان به عنوان یکی از مشکلات کارخانه‌های ریسندگی مطرح است. هم اکنون در کشور سالانه حدود 50 تا 60 هزار تن پنبه تولید می‌شود، در حالی که نیاز سالانه آن به این محصول 150 تا 180 هزار تن است. طی سال‌های گذشته اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای متغیر برای واردات و صادرات کالاهای مختلف از جمله مشکلات صنایع داخلی بوده است. این امر در بخش منسوجات و ماشین‌آلات نساچی نیز موجب شده تا در شرایطی که تولیدکنندگان منسوجات کشورهای رقیب ایران به دلیل عضویت در سازمان تجارت جهانی مجبور به پرداخت تعرفه‌های بالای واردات ماشین‌آلات صنعتی و مواد اولیه تولید از جمله پنبه نیستند، در کشورمان وضع تعرفه بر واردات به بهانه حمایت از تولید داخل موجب شده تا صنعت نساچی در تنگناهای بیشتری قرارگیرد. از سوی دیگر به دلیل عضو نبودن ایران در سازمان تجارت جهانی، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی برای صدور کالاهای خود به بازارهای جهانی، مجبور به پرداخت تعرفه مضاعف به ویژه برای مبادلات تجاری با کشورهای اروپایی و آمریکا هستند که این موضوع توان رقابتی آنان را در مقایسه با کشورهای که از هزینه تمام‌شده و تکنولوژی تولید مناسب‌تری برخوردار هستند، کاهش می‌دهد.

به نظر می‌رسد صنعت نساچی کشور نیازمند یک طراحی جدید است و الگوی جدیدی برای این صنعت باید کشیده شود. صنعتی که نتواند در بازار داخلی رقابت کند، چطور می‌تواند با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی موقعیت خود را حفظ کند. باید توجه داشت که متأسفانه در بسیاری از زمینه‌های تولیدی وقتی صدای اعتراض تولیدکنندگان بلند می‌شود اظهار نظریه‌هایی دال بر حمایت از آن بخش از سوی مسئولان مطرح می‌شود که البته اغلب در حد شعار باقی می‌ماند و در بهترین حالت هم منجر به رفع یک دهم از مشکلات می‌شود.

گزارش: نرگس رسولی

نرخ بیکاری لرستان؛ 40 درصد

پارلمان نیوز در تاریخ 19 خرداد نوشت: نماینده مردم خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی نرخ بیکاری در لرستان را حدود 40 درصد عنوان کرد.

به گزارش ایسنا، رحیمی نسب با بیان این مطلب؛ افزود: در یک عملیات میدانی ارقام ثابت می‌کنند نرخ بیکاری لرستان حدود 40 درصد است.

وی بیان داشت: باید با مردم شفاف بود، بجای پاک کردن صورت مسئله باید به دنبال رفع مشکل باشیم. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که لرستان به کارگاه عمرانی و فنی تبدیل شده و

در بخش‌های مختلف حرف برای گفتن داریم جز اشتغال، تصریح کرد: در سفرهای دولت و در بخش اشتغال، نمره نمایندگان استان خوب نبوده و در حد صفر است با توجه به نزدیک بودن سفر سوم باید تمامی مطالبات ما اشتغال باشد.

رحیمی نسب در ادامه یکی از عوامل و موانع اشتغال استان را بانک‌ها دانست و اذعان داشت: بانک‌های استان صندوق دار هستند، من نماینده شرمند مردم لرستان هستم. نماینده مردم خرم آباد در مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که غده سرطانی بیکاری لرستان قابل رفع است، بر ضرورت تغییر نگاه‌ها و انتظارات تاکید کرد و گفت: نگاه دولت به لرستان مثبت است، باید بسترها را فراهم کرد. این نماینده اصولگرایی مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به این‌که مشکل نیروگاه و سیمان باید هر چه سریعتر رفع شود، گفت: اجازه نمی‌دهیم خاطره تلخ پتروشیمی لرستان یک بار دیگر تکرار شود، بهره‌برداری از این دو گام مهمی در جهت اشتغال لرستان است.

احتمال اعتصاب رانندگان صدا و سیما

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 19 خرداد نوشت: عدم پرداخت حقوق رانندگان صدا و سیما را در آستانه‌ی اعتصاب قرار داده است. گزارش‌های دریافتی حاکی از اعتصاب قریب الوقع رانندگان صدا و سیما است. زیرا این سازمان، حقوق رانندگان خود را پرداخت نمی‌کند. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر، رانندگان شاغل در سازمان صدا و سیما سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. سازمان صدا و سیما با وجود در اختیار داشتن بودجه کلان حکومتی حاضر به پرداخت حقوق معوقه کارکنان و کارمندان خود نیست. گزارش‌های دریافتی از این سازمان حاکی از این است که رانندگان این سازمان به ویژه رانندگان بخش تاکسی سرویس و خدمات شهری بیش از سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. این رانندگان در گفتگو با خبرنگار آژانس ایران خبر اظهار داشتند که با وجود پیگیری‌ها و نامه‌نگاری‌های متعدد تا به امروز حقوق معوقه‌ی ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت خود را دریافت نکرده‌اند. رانندگان بارها به رئیس و مدیران مالی سازمان صدا و سیما نامه نوشته‌اند اما تا به حال در این زمینه اقدامی صورت نگرفته است. از سوی دیگر این رانندگان نامه‌نگاری و درخواست از رئیس سازمان صدا و سیما یعنی ضرغامی پاسدار را بی نتیجه می‌دانند زیرا ضرغامی نیز از آنها می‌خواهد که برای حفظ دستاوردهای نظام تلاش کنند و کمتر به فکر حقوق و مزایای مالی باشند! به عقیده‌ی این رانندگان چون حقوق مدیران ارشد سازمان هرگز به تاخیر نمی‌افتد آنها درک درستی از این وضعیت ندارند. عدم پرداخت حقوق ماهیانه‌ی زحمت کش‌ترین قشر سازمان صدا و سیما در حالی صورت می‌گیرد که این سازمان در تازه‌ترین تصمیم سیاسی خود اقدام به تخصیص بودجه کلان برای ساخت مجموعه‌ای از سخنان خامنه‌ای و نیز فیلمی با موضوع "کمک به غزه" گرفته است. همین رفتار های دوگانه موجب شده تا رانندگان سازمان صدا و سیما در آستانه‌ی اعتصاب قرار بگیرند. شنیده‌ها حاکی از این است که رانندگان سازمان صدا و سیما به احتمال فراوان روز شنبه دست از کار خواهند کشید و به صف معترضین خواهند پیوست. این رانندگان از رسانه‌های غیر وابسته به سازمان ضرغامی پاسدار خواسته‌اند تا صدای آنها را به گوش مردم و سندیکا‌های حامی حقوق کارگران و کارمندان و نهادهای حکومتی مسئول برسانند زیرا دستگاه رسانه‌ای ضرغامی تنها به فکر مجیز گویی برای خامنه‌ای است.

خودسوزی یک کارمند زن در ساختمان شرکت نفت

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 19 خرداد نوشت: یک خانم کارمند بنام "د" که از کار خود اخراج شده بود به صورتی دردناک در مقابل ساختمان بهار واقع در خیابان سمیه این شرکت دست به خودسوزی زد. به گزارش سایت تابان سوختگی حاصل از این خودسوزی ۸۰ درصد بود و وی با بیمارستان سوانح سوختگی تهران منتقل شد. خانم «د» در شرکت ملی پخش و پالایش نفت منطقه تهران شاغل و اخیراً اخراج شده بود.

جنایتی دیگر در جمهوری اسلامی: زن کارمند پس از اخراج خود را آتش زد

سایت حکومتی تابناک در تاریخ 19 خرداد نوشت: خانم کارمندی به دنبال اخراج خود از محل کارش، دست به خودسوزی زد. به گزارش تابناک، خانم "د" که به دلایلی نامشخص از شرکت ملی پخش و پالایش نفت منطقه تهران اخراج شده بود، عصر روز گذشته مقابل ساختمان بهار این شرکت واقع در خیابان سمیه دست به خودسوزی زد که به دنبال سوختگی حدود 80 درصد به بیمارستان سوانح سوختگی تهران منتقل شده است. بنابراین گزارش، این خانم کارمند حدوداً 40 ساله که به صورت پیمانی مشغول کار در این شرکت بود به دلایل نامشخصی پس از جا به جایی‌های مکرر در قسمت‌های مختلف این شرکت از جمله قسمت مهندسی، کپی و ... و به دنبال اعتراض نسبت به این جا به جایی‌های مکرر از شرکت متبوع خود اخراج شده بود. خانم "د" پس از اخراج به سراغ مدیر منطقه رفته که پس از عدم نتیجه‌گیری و دعوی‌ایی که در آنجا بوجود می‌آورد با ریختن بنزین بر روی خود اقدام به خودسوزی می‌کند که علی‌رغم سعی و تلاش کارمندان این شرکت متأسفانه موفق به نجات این زن نشده و این خانم کارمند با سوختگی 80 درصد مواجه می‌شود.

تعليق فعالان سندیکاى شرکت واحد اتوبوس رانى تهران و حومه ادامه دارد

کمیته انضباطی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران روز شنبه امیر قانعی فعال کارگری عضو سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه را از کار تعلیق کرد. امیر قانعی با بیش از 15 سال سابقه کار، حدود یک ماه پیش به کمیته انضباطی احضار شد و به اتهام واهی تحریک کارگران مورد بازجوئی قرار گرفت. روز دوشنبه 17 خردادماه به او اطلاع داده شد که از کار تعلیق شده است و صبح روز سه شنبه 18 خرداد ماه از ادامه کار او ممانعت به عمل آمد. "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" در ادامه این گزارش می نویسند: امیر قانعی از جمله رانندگانی است که دارای بیش از 15 سال سابقه کار است و در خط 2 اتوبوسهای تند رو معروف به بی. آر. تی مشغول به کار بود. آقای قانعی در جریان اعتصابات کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در سال 1384 دستگیر شد و 10 روز در زندان اوین در بازداشت بسر برد و بیش از 6 ماه بدون داشتن حقوق و مزایا از کار خود تعلیق شد. او با یک پروسه حقوقی طولانی موفق به بازگشت بکار شد.

کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه از ارگانهای سرکوب کارگران در این شرکت می باشد و تاکنون تعدادی از کارکنان شرکت واحد و به خصوص فعالین سندیکا را با دلایل واهی از کار اخراج کرده است. سرگرد پاسدار یحیی عظیمی که پیش از این در آگاهی مشغول بکار بوده است در حال حاضر رئیس کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه می باشد. او توسط مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور که با نام مستعار حسین بیژنی در این شرکت مشغول بکار است منصوب شده است. کمیته انضباطی یکی از ابزارهای سرکوب علیه کارگران در محیط کار می باشد و تا به حال اقدام به تعلیق تعدادی از کارگران نموده است که از جمله آنها عطا باباخانی بازرس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه آقای عبدالله حسینی و خانم فرحناز شیری و ناصر محرم زاده می باشند. لازم به یادآوری است که رهبران سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی تنها به دلیل حق داشتن سندیکای کارگری چند سال است که در شرایط طاقت فرسای در زندانهای اوین و گوهردشت زندانی هستند.

کارخانه را بخاطر ساختن تندیس ندا تعطیل کردند

سایت حکومتی پرچم در تاریخ 19 خرداد نوشت: مدیرعامل کارخانه مذکور؛ قصد داشته تندیس برخی کشته شدگان آشوبهای پس از انتخابات از جمله ندا آقا سلطان را بسازد. به گزارش آتی؛ در حالی که کارخانه "گ.ش" با دریافت تسهیلات کلان بانکی از محل اعتبارات بنگاههای زودبازده طی چند ماه گذشته به طور رسمی افتتاح شده بود پس از یک ماه فعالیت به دلایل نامعلوم تعطیل شده است و هیچ کس پاسخگویی علت تعطیلی این کارخانه نیست. این در حالی است که رییس اداره صنایع و معادن شاهرود تعطیلی این کارخانه تکذیب می کند اما بنا به مشاهدات و پرس و جوهای لازم مشخص شد این کارخانه در حال حاضر تعطیل شده است.

همچنین در این رابطه یک منبع آگاه گفت: "ح.م" مدیرعامل کارخانه مذکور که از فعالان ستاد انتخاباتی یکی از نامزدهای شکست خورده انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری بود؛ قصد داشته تندیس برخی کشته شدگان آشوبهای پس از انتخابات را از جمله ندا آقا سلطان را بسازد. وی همچنین درباره وضعیت گزینش و تعامل کارگران این کارخانه تصریح کرد: در زمان فعالیت این کارخانه 40 دختر مشغول به کار بوده اند که دختران به صورت بی حجاب و کامل آزاد در روابط بین خود با 10 پسر مشغول به کار بوده اند.

رانندگان شرکت واحد در اعتراض به اصلاحیه ساعت کار اعتصاب کردند

صبح امروز رانندگان اتوبوس برقی (بی. آر. تی) خط یک در اعتراض به اصلاحیه ساعت کار اعتصاب کردند. روز چهارشنبه 19 خرداد رانندگان اتوبوس برقی (بی. آر. تی) خط یک ساعت پنج صبح با امتناع از بیرون بردن اتوبوسها دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در توقفگاه آزادی که اتوبوسهای بی. آر. تی خط یک در آن پارک بودند صورت گرفت. به گزارش "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، مدیر عامل شرکت که با اعتصاب گسترده رانندگان مواجه شده بود هنوز 20 دقیقه ای از اعتصاب رانندگان تندر شرکت اتوبوس رانی تهران نگذشته بود، اعلام کرد اصلاحیه ساعت کارمنتفی شده است و از رانندگان خواسته شد با همان ساعت کار قبلی به کار خود ادامه دهند. رانندگان در حالی که مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور با نام مستعار حسین بیژنی را مجبور کردن به خواسته هایشان تن دهد، هنگام خروج یک صدا خواهان آزادی منصور اسالو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد شدند. هنگام خروج رانندگان از توقفگاه و سر دادن شعار آزادی منصور اسالو مسئول حراست بی. آر. تی با دوربین از رانندگان فیلم برداری می کرد.

اختلاس ۲ میلیون دلاری در مخابرات مازندران

به گزارش رادیو صدای آلمان در تاریخ 19 خرداد اطلاع داده است: رسانه‌های ایران از یک اختلاس بزرگ در مخابرات مازندران پرده برداشتند. منابع خبری از دست‌کم ۲ میلیارد تومان (بیش از ۳ میلیون دلار) نوشتند، اما مدیرعامل مخابرات مازندران گفت که رقم دقیق اختلاس به زودی اعلام می‌شود. خبرگزاری فارس و پایگاه‌های اینترنتی آفتاب و تابناک گزارش‌های مشابهی درباره سوءاستفاده مالی در شرکت مخابرات مازندران منتشر کردند. به گزارش تابناک، منابع مطلع مبلغ اختلاس را دست‌کم ۳ میلیارد تومان (بیش از

۳ میلیون دلار) اعلام کرده‌اند. همین گزارش حاکی است که یکی از کارکنان مخابرات مازندران، از طریق ماموران وزارت اطلاعات دستگیر شده و تحت بازجویی است. این شخص، ضمن اعتراف به سوءاستفاده، یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان از مبلغ مورد اختلاس را پس داده است.

حقوق کارکنان در حساب شخصی!

خبرگزاری فارس به نقل از "حسن‌جان عباس‌پور قمی" مدیرعامل مخابرات استان مازندران نوشت: «سوءاستفاده مالی توسط یکی از واحدهای مسئول پرداخت حقوق کارکنان صورت گرفته است. مسئول این واحد، مبالغی را که برای پرداخت حقوق در اختیار وی قرار می‌گرفت به حساب شخصی خودش واریز می‌کرد.» درباره مبلغ حقیقی اختلاس، مدیرعامل مازندران گفت: «مبلغ اختلاس بیش از سه میلیارد تومان نیست. در حال حاضر گروه‌کار ویژه کنترل و نظارت مخابرات مازندران تشکیل شده و روی این موضوع کار می‌کند. آمار و ارقام دقیق، در آینده نزدیک اعلام خواهد شد.»

خبرگزاری فارس در گزارش خود افزود که به‌رغم پخش گسترده خبر اختلاس، مدیرعامل مخابرات مازندران، در آغاز از دادن هرپاسخی به خبرنگار این خبرگزاری خودداری ورزید و پاسخ‌گوئی را به روز یکشنبه هفته آینده موکول کرد، اما به دلیل حساسیت موضوع، سرانجام حاضر شد به وجود اختلاس در سازمان تحت‌مدیریت خود اعتراف کند.

سپاه، سهامدار اصلی مخابرات

۵۰ درصد به اضافه یک سهم شرکت مخابرات ایران، شهریورماه سال گذشته، زیر پوشش اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و تقویت بخش خصوصی، به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شد. شرکت مخابرات ایران، در سال ۱۳۵۰ خورشیدی با ۵ میلیارد ریال سرمایه اولیه تاسیس شد. هنگام واگذاری سهام عمده مخابرات به سپاه، میزان سرمایه این شرکت برای واگذاری در بورس تهران، به سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار رسیده بود. بیش از ۴۷ هزار نفر در شرکت مخابرات و زیرمجموعه‌های آن به کار اشتغال دارند. واگذاری سهام عمده شرکت مخابرات به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اعتراض محافل اقتصادی و گروه قابل‌توجهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را برانگیخت، اما علی لاریجانی رئیس‌مجلس، مدتی بعد نقش سپاه و قرارگاه خاتم‌الانبیاء در اقتصاد را ستود.

جواد طلعی

تحریریه: شیرین جزایری

سعید ترابیان از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد بازداشت شد

سایت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ 19 خرداد نوشت: ساعت 9 صبح امروز چهارشنبه 19 خرداد ماه، چهار نفر از مامورین امنیتی با وارد شدن به منزل سعید ترابیان در مقابل چشمان اعضای خانواده اش بر دستهای وی دستبند زده و سپس بمدت سه ساعت منزل ایشان را مورد تفتیش قرار دادند و با جمع آوری وسایل شخصی و گیس کامپیوتر و وارد کردن اتهامات واهی، وی را حدود ساعت 12 ظهر از منزل اش به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

بازداشت سعید ترابیان در حالی صورت گرفته است که نامبرده پس از چهار سال بلاتکلیفی و تحمل مشقات فراوان حدود چهار ماه بود که بر سر کار بازگشته بود و در حال حاضر منصور اسالو و ابراهیم مددی رئیس و نایب رئیس سندیکای شرکت واحد در زندان بسر می‌برند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اقدام مامورین امنیتی در بازداشت سعید ترابیان را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط وی و منصور اسالو و ابراهیم مددی از زندان است.

ساعت 9 صبح امروز چهارشنبه 19 خرداد ماه، چهار نفر از مامورین امنیتی با وارد شدن به منزل سعید ترابیان در مقابل چشمان اعضای خانواده اش بر دستهای وی دستبند زده و سپس بمدت سه ساعت منزل ایشان را مورد تفتیش قرار دادند و با جمع آوری وسایل شخصی و گیس کامپیوتر و وارد کردن اتهامات واهی، وی را حدود ساعت 12 ظهر از منزل اش به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

بازداشت سعید ترابیان در حالی صورت گرفته است که نامبرده پس از چهار سال بلاتکلیفی و تحمل مشقات فراوان حدود چهار ماه بود که بر سر کار بازگشته بود و در حال حاضر منصور اسالو و ابراهیم مددی رئیس و نایب رئیس سندیکای شرکت واحد در زندان بسر می‌برند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اقدام مامورین امنیتی در بازداشت سعید ترابیان را شدیداً محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط وی و منصور اسالو و ابراهیم مددی از زندان است.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

اعتصاب رانندگان شرکت واحد در اعتراض به اصلاحیه ساعت کاری و ادامه بازداشت منصور اسالو

بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 19 خرداد آمده است: صبح امروز رانندگان تند رو (بی. آر. تی) خط 1 در اعتراض به اصلاحیه ساعت کاری دست به اعتصاب زدند. روز چهارشنبه 19 خرداد ماه رانندگان تندرو معروف به (بی.آر. تی) خط 1 ساعت 05:00 صبح با امتناع از بیرون بردن اتوبوسها دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در توقفگاه آزادی که اتوبوسهای بی. آر. تی خط 1 در آن پارک بودند صورت گرفت. آنها در اعتراض به اصلاحیه ساعت کاری دست به اعتصاب زدند. مدیر عامل شرکت که با اعتصاب گسترده رانندگان مواجه شده بود هنوز 20 دقیقه ای از اعتصاب رانندگان تندرو شرکت اتوبوس رانی تهران نگذشته بود که به آنها اعلام شد اصلاحیه ساعت کارمنتفی شده است و از رانندگان خواسته شد با همان ساعت کار قبلی به کار خود ادامه دهند. رانندگان وقتی که مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور که با نام مستعار حسین بیژنی را وادار کرده بودند که به خواسته هایشان تن دهد. هنگام خروج از توقفگاه یک صدا فریاد آزادی منصور اسالو رئیس سندیکا ی کارگران شرکت واحد را سر دادند. خواستار آزادی بی قید و شرط او شدند. هنگام خروج رانندگان از توقفگاه و سر دادن شعار آزادی منصور اسالو مسئول حراست بی.آر. تی با دوربین از رانندگان فیلم برداری می کرد. گزارشها حاکی از آن است که در طی ساعتهای گذشته تنشهایی بین رانندگان و مسئول خط 1 وجود داشته است.

موج تعلیق از کار فعالین سندیکا ی شرکت واحد ادامه دارد

بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 19 خرداد آمده است: در ایران "امیر قانعی فعال سندیکا یی روز سه شنبه بدستور کمیته انضباطی شرکت اتوبوسرانی تهران از کار تعلیق گردید. آقای امیر قانعی با بیش از 15 سال سابقه کار حدود یک ماه پیش به کمیته انضباطی احضار شد و به اتهام واهی تحریک کارگران مورد بازخواست قرار گرفت. روز دوشنبه 17 خردادماه به او اطلاع داده شد که از کار تعلیق شده است و صبح روز سه شنبه 18 خرداد ماه از ادامه کار او ممانعت به عمل آمد. آقای امیر قانعی از جمله رانندگانی است که دارای بیش از 15 سال سابقه کار است و در خط 2 اتوبوسهای تند رو معروف به بی. آر. تی مشغول به کار بود. آقای قانعی در جریان اعتصابات کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در سال 1384 دستگیر شد و 10 روز در زندان اوین در بازداشت بسر برد و بیش از 6 ماه بدون داشتن حقوق و مزایا از کار خود تعلیق شد. او با یک پروسه حقوقی طولانی موفق به بازگشت بکار شد. کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه از ارگانهای سرکوب کارگران در این شرکت می باشد و تاکنون تعدادی از کارکنان شرکت واحد و به خصوص فعالین سندیکا را با دلایل واهی از کار اخراج کرده است. سرگرد پاسدار یحیی عظیمی که پیش از این در آگاهی مشغول بکار بوده است در حال حاضر رئیس کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه می باشد. او توسط مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور که با نام مستعار حسین بیژنی در این شرکت مشغول بکار است منصوب شده است. کمیته انضباطی یکی از ابزارهای سرکوب علیه کارگران در محیط کار می باشد و تا به حال اقدام به تعلیق تعدادی از کارگران نموده است که از جمله آنها عطا باباخانی بازرس سندیکا ی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه آقای عبدالله حسینی و خانم فرحناز شیری و ناصر محرم زاده می باشند. لازم به یادآوری است که رهبران سندیکا ی اتوبوس رانی تهران و حومه آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی تنها به دلیل حق داشتن سندیکا ی کارگری چند سال است که در شرایط طاقت فرسایی در زندانهای اوین و گوهردشت زندانی هستند. ما نیز، اخراج کارگران که در موارد متعددی به خاطر فعالیتها ی سندیکا یی و دفاع از حقوق خود و سایر کارگران صورت می گیرد را محکوم می کند و از سازمان جهانی کار خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به سرکوب کارگران در ایران است.

تجمع مقابل استانداری گیلان؛ کارگران کنفکار رشت ۵ سال حقوق نگرفته اند

به گزارش خبرگزاری فارس از رشت، جمع زیادی از کارگران شرکت کنفکار رشت پیش از ظهر امروز در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. یکی از کارگران به نمایندگی از دیگر کارگران در گفت و گو با خبرنگار فارس در رشت دلیل این تجمع را بی توجهی به حق و حقوق کارگران شرکت کنفکار عنوان کرد. وی که خواست نامش فاش نشود، اظهار داشت: مدت پنج سال است که حقوق دریافتی ما را پرداخت نکرده اند و وعده داده بودند ۶۵ درصد مطالبات کارگران تا پایان سال

گذشته پرداخت شود اما عملاً این کار انجام نشد.

این کارگر شرکت کنفکار افزود: ۹ ماه است که تنها ۴۵۰ هزار تومان به کارگران بابت حقوق و پاداش پرداخت کردند که این پول نمی‌تواند کفاف هزینه‌های سنگین کارگران را بدهد. وی با اشاره به اداره این کارخانه توسط بخش خصوصی گفت: بخش خصوصی ۲/۵ میلیارد تومان برای بازگشایی، حق کارگر، آوردن مواد اولیه و بازنشستگی کارگران وام گرفت اما هیچ کدام از این موارد را انجام نداد. این کارگر ادامه داد: کارخانه کنفکار، ۱۲۶ کارگر دارد که ۱۲۰ نفر بیش از ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند. وی با اشاره به اینکه شرکت کنفکار در حال حاضر باز است اما مواد اولیه و کافی برای فعالیت ندارد، خاطرنشان کرد: در بحران برف سال ۸۳ مدیران این کارخانه که هیچ آسیبی ندیده بود، به بهانه بحران برف کارگران را بیمه بیکاری کردند در حالی که ۱۲ روز پس از بحران برف نیز کار کردیم و اگر ۱۶ ماه بیمه بیکاری نمی‌رفتیم همه بازنشسته می‌شدیم؛ گناه ما کارگران چیست.

این کارگر مهم‌ترین درخواست کارگران شرکت کنفکار رشت را دریافت تمام حق و حقوق و مطالبات پنج سال گذشته و بازنشستگی پیش از موعد عنوان کرد. وی اظهار داشت: سازمان صنایع، تامین اجتماعی، اداره کار و امور اجتماعی و دیگر مسئولان ذی‌ربط گیلان در جریان وضعیت ما هستند اما جز وعده‌هایی که هیچ وقت عملی نمی‌شود، کاری انجام نمی‌دهند.

برکناری نماینده شورای اسلامی کارلاستیک البرز

از کانون هماهنگی استان تهران به درخواست مدیریت کارخانه

دبیرکانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران درباره بازنشستگی یکی از اعضای هیات مدیره این کانون گفت: مهم اجرای قانون است و روی هیچ شخصی حساسیت وجود ندارد.

داود قادری درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: پیش از ۱۸ ماه است که آقای صالحی در کارخانه لاستیک البرز شاغل نیست.

وی در پاسخ به این سوال که نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار مدعی است که آقای صالحی مامور به وزارت کار است، گفت: ماموریت وی مورد تایید مدیریت شرکت لاستیک البرز قرار نگرفته است چرا که ماموریت هم حدمرزی دارد و زمان آن بی‌نهایت نیست.

عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران تصریح کرد: طبق رای اداره کار اسلامشهر آقای صالحی کارگر لاستیک البرز نیست و از اردیبهشت ماه سال ۸۸ کارفرمای وی تقاضای بازنشستگی او را بر وفق ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع را نموده است. قادری افزود: ضمناً آقای صالحی از نوزدهم شهریورماه سال ۱۳۸۸ فاقد اعتبار نامه شورایی است و از آن تاریخ به بعد نیز انتخابات شورای اسلامی کارلاستیک البرز برگزار نشده است.

او با بیان اینکه کانون تهران درباره این موضوع مکاتباتی با اداره کل کار استان تهران و سازمان مشکلات کارگری کارفرمایی وزارت کار داشته است، گفت: بحث ما این است که اگر استعلام وزارت کار در دوره آقای جهرمی از معاونت حقوق ریاست جمهوری مبنی بر نحوه کار بازنشستگان در هیات مدیره کانون‌ها اگر همچنان معتبر است اعلام شود اگر معتبر هم نیست باز به کانون اعلام شود.

قادری تاکید کرد: این استعلام در هفدهم فروردین ماه سال جاری به وزارت کار ارسال شده است اما هنوز مسوولان مربوطه پاسخی به این استعلام نداده‌اند.

ارسال پرونده‌ی علی‌رضا اخوان، فعال کارگری، به شعبه‌ی سوم بازپرسی امنیت

کمیته گزارشگران حقوق بشر - ناصر زرافشان و جعفری زمانی، وکلای علی‌رضا اخوان، فعال کارگری، از انتقال پرونده‌ی وی به شعبه سوم بازپرسی امنیت استان تهران خبر دادند. وکلای این فعال کارگری، اضافه کردند: «شعبه بازپرسی زمانی مشخص می‌شود که بازجویی از متهم به اتمام رسیده باشد، مگر این‌که پرونده وارد مرحله‌ی جدیدی شود». از سوی دیگر یکی از نزدیکان علی اخوان گفته است در تفتیش بامداد ۱۴ خرداد، «هیچ‌گونه حکم بازداشتی از سوی نیروهای امنیتی ارائه نشده و تنها با یک حکم بازداشت کلی، اخوان را دستگیر کردند». همچنین، در تفتیش منزل اخوان، «حتی یادداشت‌های شخصی و جزوه‌های تحصیلی همسر وی ضبط شده است». این عضو کانون مدافعان حقوق کارگر، یک روز پس از بازداشت، طی تماس تلفنی با خانواده‌اش اعلام کرد که به سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ منتقل شده اما از آن تاریخ، هیچ‌گونه تماسی نداشته است.

لازم به ذکر است روز گذشته جمعی از فعالان اجتماعی با حضور در منزل این فعال کارگری، ضمن همدردی با خانواده‌ی وی، بازداشت وی را محکوم کردند.

یک وکیل زن دستگیر شد

نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر در دقایق پایانی روز پنجشنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۸۹ دستگیر شد. محمدی پیش از این چندین بار به بیدادگاه انقلاب اسلامی احضار شده بود. در یک سال گذشته

محمدعلی دادخواه و عبدالفتاح سلطانی دو عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر و عبدالرضا تاجیک همکار مطبوعاتی کانون نیز بازداشت و سپس با تودیع قرار وثیقه از زندان آزاد شده بودند. این در حالی بود که عبدالرضا تاجیک در سال گذشته برای دو دستگیر شدند. همچنین در طول سال گذشته، فشار بر کانون مدافعان حقوق بشر برای توقف فعالیت هایش با پلمپ دفتر این نهاد حقوق بشری روز به روز شدید تر شده است. "فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران" در ادامه این گزارش می نویسد: از همین رو مدافعان حقوق بشر پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برای انجام فعالیت هایشان با موانع و مشکلاتی همراه بوده اند، به گونه ای که تعداد زیادی از آنان بازداشت شدند. نرگس محمدی نیمه های شب در مقابل دیدگان دو دو فرزند خرد سال اش دستگیر شد.

اعتصاب غذای بیش از 700 نفر از زندانیان بند 1 زندان گوهردشت کرج

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 20 خرداد نوشت: در آستانه قیام مردم ایران روز پنجشنبه 20 خرداد ماه زندانیان بند 1 زندان گوهردشت کرج که تعداد آنها به بیش از 700 نفر تخمین زده میشود دست به اعتصاب غذای جمعی زدند. به گزارش فعالین حقوق بشرو دمکراسی اعتصاب غذای آنها در اعتراض به شکنجه های گروهی و قطع ارتباط کامل با خانواده هایشان صورت میگیرد. در روزهای اخیر گارد زندان به صورت روزانه به زندانیان بیدفاع و اسیر این بند یورش میبرند و آنها را آماج باتونها و سایر ابزار شکنجه خود قرار میدهند در اثر این یورشها تا به حال تعداد زیادی از زندانیان زخمی و بدن آنها کبود شده است. برای مخفی نگهداشتن شکنجه ها و جنایاتی که در این بند صورت میگیرد تمامی ارتباط زندانیان با خانواده هایشان و جهان خارج از بند را قطع کرده اند. شرایط و وضعیت مصدومین زندانیان شکنجه شده حاد میباشد و برای اطلاع نیافتن سایر زندانیان آنها را از انتقال به بهداری و درمانشان خوداری میکنند.

بیانیه سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه در باره بازداشت سعید ترابیان و علیرضا اخوان

ساعت 9 صبح روز چهارشنبه نوزدهم خرداد ماه چهار نفر از مامورین امنیتی بدون نشان دادن حکمی وارد منزل سعید ترابیان شدند و پس از بیش از سه ساعت تفتیش منزل وی، نامبرده را با خود به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

بازداشت سعید ترابیان بدون نشان دادن حکم و تفتیش منزل وی بمدت سه ساعت در حالی صورت گرفته است که حدود یک هفته پیش در سیزدهم خرداد ماه مامورین امنیتی با همین شیوه اقدام به بازداشت علی رضا اخوان از همکاران کانون مدافعان حقوق کارگر کرده اند.

از نظر ما بازداشت سعید ترابیان و علیرضا اخوان در شرایطی که هر روزه بر ابعاد عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران و بیکاری سازی های آنان و تحمیل فقر و فلاکت بر میلیونها خانواده کارگری افزوده میشود چیزی جز ادامه سیاست افزایش فشار بر فعالین و رهبران کارگری برای به سکوت کشاندن آنان نیست.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه با محکوم کردن بازداشت سعید ترابیان و علیرضا اخوان و تداوم زندان منصور اسالو و ابراهیم مددی، خواهان پایان دادن به بازداشت و تعقیب قضائی همه رهبران و فعالین کارگری و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی و انسانهای حق طلب از زندان است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

21 خرداد ماه 89

عدم پرداخت دستمزد کارگران شرکت

باطری نور و آسیب دیدگی یکی از کارگران نورد لوله صفا

بنا بر گزارشهای رسیده از فعالین کارگران از ایران، کارگران شرکت باطری نور از اول امسال تا کنون دستمزدی دریافت نکرده اند و امیدی نیز به دریافت دستمزدهای خرداد ماه خود ندارند. این کارخانه در شهر صنعتی ساوه قرار دارد و ۶۰ نفر کارگر در آن مشغول بکار هستند. بنا بر گزارش دیگری نیز که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است یکی از کارگران کارخانه نور لوله صفا در شهر ساوه حین انداختن قلاب سر چرثقیل به لوله، به علت لغزنده بودن سطح داخلی لوله بشدت به زمین اصابت کرد که موجب آسیب دیدگی وی از ناحیه دست و کمر و... شد.

تداوم عدم پرداخت دستمزد ۴۰۰ کارگر شهرداری اندیمشک

بنا بر خبرهای رسیده از ایران، ۴۰۰ کارگر شهرداری اندیمشک از آذر ماه سال ۸۷ تاکنون دستمزدهای خود را بطور مرتب دریافت نکرده اند و در طول این مدت کارفرما به دادن مساعده به صورت گاه و بیگاه به این کارگران اکتفا کرده است.

بنا بر این گزارش این کارگران که بواسطه دو شرکت تامین نیروی انسانی در شهرداری اندیمشک مشغول بکار هستند بارها نسبت به وضعیت خود دست به اعتراض زده اند و در طول روزهای گذشته بار دیگر زمزمه اعتصاب در میان آنان بالا گرفته بود که کارفرما ناچار شد به هریک از این کارگران ۳۰۰ هزار تومان به صورت علی الحساب پرداخت کند.

بیانه کانون مدافعان حقوق کارگر

دستگیری سعید ترابیان عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد را محکوم می کنیم.

روز سه شنبه ۱۹ خرداد، ساعت ۹ صبح مامورین امنیتی به منزل سعید ترابیان وارد شده و پس از بازرسی کامل منزل، وی را به همراه کیس کامپیوتر و وسایل دیگر با خود بردند. سعید ترابیان عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد به مدت ۴ سال پس از اعتصاب رانندگان در سال ۱۳۸۴ از کار اخراج شده بود. او پس از تلاش ها و پیگیری های بسیار حقوقی، به تازگی موفق شده بود به کار بازگردد. کانون مدافعان حقوق کارگر این دستگیری را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری از جمله سعید ترابیان، علی اخوان، منصور اسالو، ابراهیم مددی و... و کلیه زندانیان سیاسی است. کانون مدافعان حقوق کارگر

محاکمه خسرو بوکانی از فعالین کارگری شهر نقده

روز پنج شنبه ۲۰ خرداد خسرو بوکانی به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه، محاکمه شد. در این جلسه او آخرین دفاعیات خود را ارائه کرد و در پایان نیز قاضی اعلام کرد که حکم او را در آینده به او ابلاغ می کند. لازم به یادآوری است که خسرو بوکانی از فعالین کارگری شهر نقده روز ۲۷ بهمن سال گذشته توسط حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر و مدت ۱۲ روز را در بازداشت این نهاد نظامی بسر برد. ما بار دیگر احضار، بازداشت و محاکمه فعالین کارگری را محکوم می کنیم و خواهان آزادی همه کارگران زندانی هستیم.

گزارشی از مجتمع تولیدی کشت و صنعت خرمدشت کردستان

طبق گزارش رسیده به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ ۲۱ خرداد آمده است : کار فرمای شرکت مجتمع کشت و صنعت خرمدشت واقع در استان کردستان تعداد ۴۵ نفر از کارگران خود را در تاریخ ۱۳۸۹/۱۸/۳ به قصد اخراج از کار به مرخصی اجباری ۱۵ روزه فرستاده است. این در حالی است که کارگران این شرکت چهار ماه است که حقوق در یافت نکرده و همچنین عیدی و پاداش سال ۱۳۸۷ را نیز دریافت نموده اند . این شرکت از سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را در زمینه تولید انواع پوره میوه آغاز نموده است . کارفرمای این شرکت در جلسه ای با حضور کارگران ، علت این وضعیت را عدم همکاری مسئولین استان، بانک صنعت ومعدن و بانک تجارت با شرکت اعلام کرده و ادامه این روند را تعطیلی کارخانه و اخراج تمامی کارگران و کارمندان اعلام داشته است. در این رابطه کارگران به اداره کار مراجعه کرده و متا سفانه تا کنون جوابی در یافت نکرده اند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۲۱ خرداد ۱۳۸۹

گزارشی از دیدار اعضای کانون وکلای دادگستری با خانواده ی محمد اولیایی فرد

به گزارش سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 21 خرداد آمده است: محمد اولیایی فر وکیل پایه یک دادگستری و وکیل مدافع فعالان حقوق بشر و افراد زیر هیجده سال، روز 11 اردیبهشت ماه سال جاری در دادگاه انقلاب تهران بازداشت و برای سپری نمودن یک سال حبس تعزیری خود به زندان اوین منتقل شد. به گزارش مدرسه فمینیستی، روز 18 خردادماه جمع کثیری از همکاران اولیایی فرد در کانون وکلای دادگستری و نیز برخی از فعالان جنبش زنان برای دیدار و دلجویی از خانواده وی میهمان خانه اش شدند. همسر و مادر و پسر کوچکش، پارسا، و تعدادی از بستگان وی میزبان جمعی بودند که در میان آنها، نسرين ستوده، وکیل آقای اولیایی فر، محمد مصطفایی، عبدالفتاح سلطانی، عبدالصمد خرمشاهی، مهناز پراکند، سارا صباغیان، مینا جعفری، منصوره شجاعی، نوشین احمدی خراسانی، رزا فراچورلو و بسیاری دیگر از وکلای دادگستری حضور داشتند.

در این جمع نسرين ستوده، وکیل اولیایی فرد، از روند غیرقانونی دستگیری وی برای اجرای حکم یک ساله اش سخن گفت. زند پابند به اولیایی فرد برای انتقال به زندان، یکی از این روندهای غیرقانونی بود. اولیایی فرد چندی پیش به جرم اعتراض به اعدام کودکان زیر ۱۸ سال محاکمه شده بود، و به یک سال زندان محکوم شد ولی حکم دادگاه به شیوه رسمی، یعنی ابلاغ به صورت کتبی به ایشان یا وکیل ایشان - صادر نشده بود. و از این رو اولیایی فرد پیش از زندانی شدن اش به این روند اعتراض داشت و از این رو حاضر نشد زیر بار مساله غیرقانونی برود و برای حکم غیررسمی درخواست تجدید نظر نماید.

اولیایی فرد خود در مصاحبه ای که پیش از زندان انجام داده بود در مورد این حکم گفته بود: «من در یک مصاحبه ای که با صدای امریکا داشتم، در مورد صدور احکام اعدام یا اجرای احکام اعدام برای افراد زیر 18 سال اعتراض کردم. به خاطر همین اعتراض، محاکمه و به زندان محکوم شده ام. اعتراض من کاملاً قانونی بود. چون معتقدم از آنجایی که ایران به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته است، و ماده 37 این کنوانسیون می گوید که هر گونه مجازات سالب حیات ممنوع است، بنابراین در کشور ما افراد نباید به خاطر جرم هایی که در سن زیر 18 سال مرتکب شده اند، اعدام شوند.»

خانواده محمد اولیایی فر علیرغم گذشت ماه ها از زندان وی، با روحیه ای قوی و دلی پر امید از نحوه دستگیری این وکیل شجاع و دستهای دستبند زده و پاهای بسته شده اش هنگام انتقال به زندان اوین سخن گفتند. مادر اولیایی فرد درحالی که اشک در چشمان اش حلقه زده بود، از ملاقات های هفتگی با او سخن گفت و نگران از این که در این ملاقات چهره هر روز نحیف تر شده فرزندش، او را چگونه در عذاب می برد. عکس هایی که هنگام انتقال به زندان اوین توسط یکی از نزدیکان تهیه شده بود، در میان جمع دست به دست می گشت و همسر و مادرش توضیحاتی درباره نحوه دستگیری و رفتن او به اوین می دادند. در این میان پارسای کوچک، پسر یکدانه اولیایی فرد، با چشمانی که گویی به دنبال پدر می گشت، از این سویی اتاق به آن سو می رفت. می شد در چشمان این پسر کوچک هم شادمانی از دیدن همکاران و دوستان پدر در بندش، را دید و هم غم این پرسش بزرگ و لاینحل برای او که چرا پدرش در کنارشان نیست. مادر گفت، پارسا در ملاقات هایش با پدر در زندان اوین، فقط او را نگاه می کند و گاه برایش ترانه ای می خواند، ترانه ای که برای پارسای کوچک فرصت های از دست رفته کودکي اش در کنار پدر را بازگو می کند. مهمانان به پارسای کوچک نگاه می کردند و می دانستند وقتی او بیالده خواهد دانست که پدرش فرصت در آغوش گرفتن او را با تلاش برای جلوگیری از اعدام کودکانی همچون پسرش تاق زده است، کودکانی که شاید برخلاف پارسا پدر و مادری مسئول نداشته اند که آن ها را از خطرات جامعه حفاظت و حمایت کند و امروز این پدر پارساست که خواسته نه فقط برای او که برای همه کودکان سرزمین اش، پدری کند و به جرم این «پدری» در بند است.

کودکانی که روی شان های فقر ایستاده اند: گزارشی از وضعیت کودکان ایران در آستانه روز جهانی کودک

ایلنا: خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 21 خرداد 89 نوشت 22 خرداد (12 ژوئن) روز جهانی مبارزه علیه کار کودک؛ پیکار با استثمار کودکان؛ یک روز جهانی برای انعکاس معضلات ریز و درشت کودکان کار؛ کودکانی که صدایشان به جایی نمی رسد و فرصت های کودکی شان یکی پس از دیگری نابودی شود.

این روز اگرچه همانند سال های گذشته نشان از تلاش سازمان های بین المللی و بشردوستانه در حمایت از کودکان بی دفاع و قربانی انواع بهره کشی و خشونت ها را داشته اما نمادین بودن چنین مناسبتی در کنار معضلات مربوط به کار کودکان تاسف مضاعفی را به همراه دارد.

اراده عقیم برای رسیدگی به نان آوران کوچک به گزارش خبرنگار ایلنا 22 خرداد برای آن دسته از کودکانی است که ندانسته و نفهمیده با محروم بودن از حق شادی، کودکی، تحصیل، تغذیه و... تنها قذبلند کرده و هنوز با دست های کوچک، خسته و نحیف خود، نتوانسته اند حقی از حقوق ضایع شده را بگیرند.

تنها در روز 12 ژوئن پیمان نامه های جهانی مربوط به حقوق و کار کودک به چشم مجامع بین المللی می آید و ادعاهای فاقد عملی در مورد لزوم جلوگیری از استثمار کودکان داده می شود؛ یک روز برای بیان مشکلات طاقت فرسای کودکان و پس از آن یک عمر استثمار و بهره کشی نیز از آن کودکانی است که قربانی خودخواهی و مناسبات نابرابر بشر شده اند.

امسال نیز همانند گذشته باید شاهد گزارش های مسوولان وزارت کار پیرامون نحوه عمل به مقاله نامه شماره

182 سازمان جهانی کار که به محو و شناسایی اقسام اشتغال کودکان اختصاص دارد باشیم، بی‌آنکه جوامع بین‌المللی در اجلاس جهانی کار جویای حقایق مربوط به دغدغه‌های کودکان در کشورهای مختلف باشند، اما گویا غفلت‌ها زنجیره وار است، از سوئی ایران و حتی کشورهای عضو گزارش عملکرد می‌دهند و از سوی دیگر ضعف نهادهای بین‌المللی در کنکاش وضعیت کشورها نسبت به میزان تعهد به اجرای مقاله‌های کارگري، از جمله مقاله نامه 182 نشان از گره‌های محکم و کور حمایت از کودکان کار دارد.

پس زدن کودکان کار با وجود فروش نفت 70 دلاری مسئولین اجرایی ایران در امور کار پس از تأیید مقاله‌نامه شماره 182 سازمان جهانی کار، آمار واقعی و وضعیت دقیق کودکان کار را نادیده گرفته و همچنان با رد و نپذیرفتن آمارهای غیر رسمی، اراده‌ای برای رسیدگی جدی به وضعیت کودکان کم جثه ونان آور که فقر آنها را به نان آوری و کارهای سخت وا داشته ندارند.

ایران با امضای این مقاله‌نامه در سال 1380 به اجرای مفاد آن متعهد شده اما گویا ایران تنها خود را متعهد می‌داند که در 22 ژوئن آمار و ارقام‌های ضدو نقیض ارائه دهد و براین آمارها نیز اصرار کند.

فرشید یزدانی "مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان در این ارتباط به آخرین آمارگیری سال 85 در کشور اشاره می‌کند و به خبرنگار ایلنا می‌گوید مطابق با این سرشماری نزدیک به یک میلیون و 700 هزار کودک کار در رده سنی 10 تا 18 سال در کشور وجود دارد که در این میان حدود 600-700 هزار نفر از آنها زیر 15 سال سن دارند و به مشاغل پیش و پا افتاده یا سخت مبادرت می‌کنند."

او به آمار غیر رسمی در این بخش که بیشتر مغفول مانده است اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: "سه و نیم میلیون کودک براساس آخرین سرشماری از چرخه تحصیل خارج شده‌اند که در عین حال نزدیک به یک میلیون و 800 نفر از آنها در مناطق شهری و خصوصاً روستایی کار می‌کنند."

این فعال حقوق کودکان با اعلام اینکه اصراری نداریم مسوولان دولتی در مقام قبول یا رد آمارهای غیر رسمی کودکان کار بر آیند اضافه می‌کند: "متولیان دولتی کودکان به همان جمعیت مربوط به سرشماری سال 85 پرداخته و برای این آمار برنامه‌ریزی کنند چرا که رقم یک میلیون و 700 هزار کودک نان آور، رقم کم و ناچیزی نیست."

یزدانی نسبت به وظیفه شناس نبودن دستگاه‌ها دولتی درمورد کودکان کار انتقاد دارد: "از سوئی بهزیستی کودک کار را به رسمیت نشناخته و ازسوی دیگر وزارت کار نیز تعهدی در برابر کودکان کار زیر 15 سال ندارد حتی وزارت رفاه نیز که متولی اصلی فقر در جامعه است دغدغه جدی در قبال کودکان ندارند."

مدیرعامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان به ایلنا یادآور می‌شود: "نقش دولت در راستای عمل به مفاد مقاله نامه 182 که براین اساس به لزوم ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک رای داده است ضعیف بوده و حتی با بررسی وضعیت بودجه‌های اختصاصی یافته به امور کودکان به جرات می‌توان گفت که حتی متولیان دولتی مغایر به این تعهدنامه نیز عمل کرده‌اند، این درحالی است که طی چند سال اخیر از ثروتمندترین دولت‌ها در تاریخ معاصر ایران بوده‌ایم اما کودکان و خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر سهمی از فروش نفت 70 دلاری ندارند."

سناریوی سیاست‌های ضد و نقیض تشویقی به گزارش خبرنگار ایلنا، مروری بر ماده 32 پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در کنار مقاله‌نامه منع بدترین اشکال کار کودکان نشان می‌دهد که قوانین تنها در نوشته‌ها می‌درخشد و کمتر در مرحله عمل خودنمایی می‌کنند. مطابق با ماده 32 پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی و انجام هرگونه کاری که ممکن است زیانبار باشد یا در تحصیل کودک خللی وارد کرده یا به سلامتی کودک، رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی یا اجتماعی او آسیب رساند به رسمیت می‌شناسند. مواد فوق و قوانین موجود باید‌ها و نیاید‌ها بوده اما متأسفانه در عمل اتفاقات ناخوشایندی در حال وقوع است. علی‌اکبر اسماعیل‌پور عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان در این ارتباط به ایلنا می‌گوید: "متأسفانه ایران به جز پذیرش پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک در سال 1372 و اصل 32 که بر جلوگیری از اشتغال کودکان توسط دولت‌ها تأکید داشته و نیز پذیرش مقاله‌نامه 182 (ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودکان) در سال 1380 اقدام عملی دیگری انجام نداده است؛ لازم به ذکر است که در زمان دولت آقای خاتمی وزارت کار در چند جلسه با دعوت از تشکل‌های غیر دولتی سعی در شناسایی بدترین اشکال اشتغال کودکان داشت اما نتیجه‌ای حاصل نشده و متأسفانه در سال‌های اخیر موضع محکم و روشنی از طرف متولیان امور در خصوص ممنوعیت اشتغال کودکان و یا تلاش برای ارائه آمار از وضعیت کودکان شاغل و... مشاهده نشده است."

او به روی دیگر سکه سیاست‌های جدید اتخاذ شده توسط دولت اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: "سیاست‌های تشویقی افزایش جمعیت که در ماه‌های اخیر از سوی دولتمردان اعلام شد به طور حتم می‌تواند به افزایش تعداد کودکان شاغل در آینده نزدیک منجر شود چرا که مطابق با سنوات گذشته، خانواده‌های فقیر از سیاست‌های تشویقی اینچنینی استقبال خواهند کرد، درعین حال مطابق با شواهد گوناگونی که از رشد تورم و گرانی سرسام آور و مهاجرت و افزایش نرخ بیکاری و... موجود است، شاخص‌های ناخوشایند موجود، نسبت مستقیمی با افزایش کودکان کار داشته و چه بسا کودکان شاغل در خیابان‌ها و کارگاه‌های زیر زمینی و مزارع و.. روند رو به رشدی در کشور داشته‌اند."

این فعال حقوق کودکان پذیرش پیمان‌نامه و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی توسط مجامع و کشورهای کافی ندانسته و یاد آور می‌شود: "ضعف عمده نهادهای بین‌المللی و سازمان جهانی کار در خصوص این تعهد نامه‌ها این است که هیچگونه الزامی را به کشورهای عضو تحمیل نمی‌کنند؛ به عنوان نمونه ایران پس از پذیرش مقاله نامه 182 سازمان جهانی کار، هر ساله از روند موفق اجرای این مقاله‌نامه به اجلاس جهانی کار گزارش می‌دهد، این در حالی است که در جای جای این مقاله‌نامه بین‌المللی تأکید شده است که دولت‌ها در معرفی بدترین اشکال کار کودکان و محو آنها و حتی در تهیه گزارش‌های اینچنینی باید با اتحادیه‌ها و نهادهای کارگری کشور خود هماهنگ باشند و حال آیا در کشور ما تشکل‌های مستقل کارگری نقشی در خصوص چگونگی اجرای

این مقاله‌نامه در کشور دارند؟ حتی در مورد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک اعتقاد بسیاری از کارشناسان بر این است که پیمان‌نامه بسیار منعطف بوده و در بسیار از موارد در پذیرش و یا عدم پذیرش مفاد پیمان‌نامه‌ها دست کشورها را باز گذاشته و حتی برخی از کشورها مثل ایران به صورت مشروط این پیمان‌نامه را پذیرفته‌اند. بازوی نحیف کودکان طعمه ای برای سود اندوزی مضاعف

اسماعیل‌پور در ادامه روز 12 ژوئن را یاد آور مرارت‌های کودکانی می‌داند که در سن کودکی به طور ناخواسته و از روی اجبار به جای پرداختن به تحصیل و بازی‌ها و شادی‌های کودکانه، نان آور خانواده‌ها شدند، او ادامه می‌دهد: "با تلاش مجامع و نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با استثمار کودکان، سازمان ملل به طور رسمی از سال 2002 میلادی روز 12 ژوئن را روز مبارزه بر علیه استثمار کودکان نامگذاری کرده است تا برای جهانیان که به عمق فاجعه بهره‌کشی از کودکان توجه بیشتری نشان می‌دهند، تلنگری باشد اما باید برای جوامع بشری بسیار شرم آور باشد که همچنان بر روی بازوان نحیف کودکان و خردسالان در سود اندوزی بیشتر صاحبان قدرت اقتصادی و ثروت حساب باز کرده‌اند و در این‌صورت انواع و اقسام مقاله‌نامه‌های بین‌المللی چه تاثیری می‌تواند داشته باشد؟"

به اعتقاد عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان، برای کشورهایی که آمار کودکان کار به دلایل گوناگون رو به افزایش است، اختصاص دادن یک روز در سال به عنوان روز جهانی مبارزه بر علیه استثمار کودکان کافی نیست و تشکلهای حمایت کننده در این کشورها باید هر روز را در مبارزه بر علیه بهره‌کشی از کودکان تلاش کنند تا شاید چراغی بر تاریکی‌ها تابانده و این کودکان همواره با رنج‌های بیشمارشان دیده شوند. از سوی دیگر دولت‌مردان و متولیان امور کودکان وظیفه دارند به تعهدات خود در قبال همه کودکان کشور عمل کنند، چرا که کودکان خارج از تحصیل و کودکان برابر با سایر شهروندان از دارایی‌های این کشور سهم دارند و این‌که کودکان کار طی سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی‌ها و تنظیم بودجه و... کمتر به حساب آمده و یا دیده نشده‌اند یک فاجعه و هشدار است برای همه ما که بحران کودکی را در پیش داریم.

اوج کودکی با طعم تجربه‌های تلخ به گزارش خبرنگار ایلنا ایران براساس مقاله‌نامه 182 سازمان جهانی کار موظف است تا تدابیر موثر و فوری برای تامین ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودکان زیر 18 سال سن اتخاذ کند؛ قاچاق و فروش کودکان، استخدام به زور و اجباری برای استفاده از آنان در درگیری مسلحانه، مهیا کردن یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تهیه تصاویر مستهجن از کودکان، عرضه يك کودک برای فعالیت‌های غیر قانونی به خصوص تولید و قاچاق مواد مخدر، مبادرت کودکان به مشاغلی که برای سلامت، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد از جمله مواردی بوده که به‌عنوان بدترین اشکال کار کودک مدنظر قرار گرفته و به هر يك از کشورهای عضو در زمینه موارد فوق هشدارهایی داده است.

این در حالی است که در حوزه کودکان بدترین اشکال کار که سلامتی آنها را تهدید می‌کند وجود دارد. به عنوان نمونه کودکان زباله‌گردی که در طول روز با مخازن سنگین و کتیف زباله سر و کار دارند و در ساده‌ترین حالت ممکن سر و کارشان با مقادیر زیادی زباله و حتی موش و گربه است.

کودکانی نیز در سطح شهرها و روستاها بدون آنکه کسی به آنها مشکوک شوند موظفند که يك کیسه سیاه را به محل‌های از پیش تعیین شده برده و در اوج کودکی کار خلاف انجام دهند.

خردسالان دختر و پسری وجود دارند که باری از تجربیات ناخوشایند را به دوش می‌کشند و جدای از آسیب‌های جسمی و معضلات سلامت، در برابر ضربه‌های شدید روحی و روانی قرار دارند.

نان‌آوری در عین تکدی‌گری

محمد بینازاده، عضو کانون فرهنگی حمایت کودکان کار با تقسیم کار به دو نوع قانونی و غیرقانونی، از مبهم بودن کلیت کار کودکان ابراز نگرانی کرده و با اشاره به اشتغال کودکان به انواع کارهای غیرقانونی به خبرنگار ایلنا می‌گوید: "به دلیل آنکه مشاغل سخت و غیرقانونی در قوانین حاکم بر کشورها به رسمیت شناخته نشده است، هیچ‌گونه آماری در ارتباط با شرایط فعلی مبادرت به اشتغال در کارهای سخت وجود ندارد و با قاطعیت می‌توان اعلام کرد که حتی هیچ‌گونه پژوهش کمی و آماری در این ارتباط یافت نمی‌شود."

این فعال حوزه کودکان در ادامه از انواع مشاغل قانونی و غیرقانونی کودکان تحت عنوان نیمه پنهان ماه که پژوهش کمی و کیفی در مورد آن وجود ندارد یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: "بر اساس مشاهدات میدانی لازم، انجمن‌ها و فعالان حقوق کودک که معمولی‌ترین و در عین حال غیردقیق‌ترین روش که از قدرت تخمین پایین‌تری برخوردار بوده، گروه زیادی از کودکان درگیر فعالیت‌های غیرقانونی هستند و تعداد این کودکان نیز در حال افزایش است؛ حتی دیدن يك مورد از کودکانی که از روی فقر و یا هزاران دلیل دیگر به مشاغل سخت مبادرت می‌کنند نیز می‌تواند زنگ خطر و تهدیدی برای جامعه باشد."

بینازاده نسبت به تغییر ماهیت در کار کودکان سخن گفته و تاکید می‌کند: "متأسفانه جنس کار کودک دستخوش تغییرات اساسی و به انواع سخت و دشوار آن تغییر ماهیت داده است به طوری که جنس کار کودک از مولد بودن به بخش خدماتی گرایش داشته و جای نگرانی دارد که این‌گونه مشاغل به تکدی‌گری و گدایی نزدیک شده‌اند؛

به عنوان نمونه معلوم نیست که کودک کبریت‌فروش در سر چهارراه‌ها کار می‌کند یا کارش روکش شغل به خود گرفته است چرا که کبریت در تمام مغازه و کیوسک‌های روزنامه‌فروشی سطح شهرها قابل دسترسی است."

او ادامه می‌دهد: "علاوه بر نگرانی جدی نسبت به هدر رفتن کودکانی که به طور قانونی یا غیرقانونی به کار گماشته می‌شوند، برخی از مشاغل آنها که از نظر کمی نیز در حال افزایش است، به سمت کارهای با جنس تهی‌کننده از کرامت و مناعت طبع نزدیک شده و برای کودکان صدمات روانی زیادی را به همراه دارند."

این فعال حقوق کودک شرایط کار کودکان در ایران را به نحوی می‌داند که میزان خشونت در آن بالا بوده و تهدید پنهانی برای کودکان محسوب می‌شود.

دولت انجمن‌ها را دست کم گرفته است

بینزاده فعال حوزه کودکان ضمن اعتراض از اصرار دولت به دلیل تصدی‌گری در برخی امور از جمله مسایل کودکان به ایلنا می‌گوید: به دلیل ناتوان و ناکارآمد بودن سیستم تصدی‌گری دولتی در این حوزه، نه تنها خروجی آمار مربوط به وضعیت کودکان مبهم می‌ماند بلکه شرایط دشوار و طاقت‌فرسای کودکان کار تشدید می‌شود. او ادامه می‌دهد: "دولت می‌تواند برای گام برداشتن در راستای حقوق کودک و مقابله‌نامه‌های جهانی از توان سازمان‌های داوطلب و غیردولتی استفاده کرده و از این نهادها اطلاعات دقیق آماری دریافت کند و در عین حال مداخله هدفمندی داشته باشد؛ متأسفانه فعالیت انجمن‌های مربوط به کودک طی دو سال گذشته به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی خاص، برچسب سیاسی کاری به خود گرفته و شرایط سیاسی نیز مزید بر علت شده تا کودکان کار کمتر به چشم مسئولان بیایند."

به گزارش ایلنا روز جهانی مبارزه با کار کودک از حرف تا عمل فاصله زیادی دارد، گزارشات کتبی و آمار ناقص همان معکوس نشان دادن بیگاری کودکان کار به حساب می‌آید؛ کدام مسئول دولتی و غیر دولتی لقمه های غذایی از مخازن زباله تامین شده است؟ کدام يك از گزارش دهندگان و آمار گیران شب ها همراه با درد تاول های روی دستشان به خواب رفته اند و کدام يك سنگینی و حرارت آجر های کوره پر خانه را حس کرده‌اند و هزارن سوال بی پاسخ ...

کودکان کار و بهره‌کشی‌های پیدا و پنهان از آنها گره‌های کور زیادی دارد که با سکوت مجامع بین المللی و قبول گزارشات صوری کشورها همچنان وجود خواهند داشت.

گزارش: سمیه جاهد عطائیان

آماري از وضعیت کودکان کار خیابانی

سایت جهان نیوز، ۱۷ فروردین، نوشت، پژوهشی میدانی در مورد ۵۸۵ کودک کار خیابانی در گروه سنی ۱۶ تا ۱۸ نشان می‌دهد که ۵۰ درصد این کودکان توسط صاحبان کار خود مورد آزار قرار می‌گیرند. فرشید یزدانی، مدیر عامل سابق انجمن حمایت از حقوق کودکان، در ارتباط با آخرین آمارگیری سال ۸۵ در کشور اظهار می‌دارد: "مطابق با این سرشماری نزدیک به یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک کار در رده سنی ۱۰ تا ۱۸ سال در کشور وجود دارد که در این میان حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر از آنها زیر ۱۵ سال سن دارند و به مشاغل پیش پا افتاده یا سخت مبادرت می‌کنند" (ایلنا، ۲۱ خرداد).

دو فعال آذربایجانی در تبریز و خوی دستگیر شدند

ساوالان سسی در تاریخ ۲۱ خرداد گزارش داد: مهندس محمود فضلی عضو هیات موسس مجمع دانشگاهیان آذربایجان و حیدر کریمی عضو هیات تحریریه هفته نامه سینای همدان سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۸۹ از سوی ماموران اداره اطلاعات در تبریز و خوی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

ماموران اداره اطلاعات تبریز عصر روز سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۸۹ محمود فضلی از فعالین مدنی آذربایجانی در تبریز را که جهت خرید از منزل خارج شده بود بازداشت کردند. ماموران پس از بازداشت فضلی به همراه وی به منزل مسکونی اش در منطقه منظره تبریز مراجعه و ضمن تفتیش منزل اتومبیل شخصی، کتابهای شعر و داستان ترکی، مدارک شناسایی و سایر وسایل شخصی وی را با خود بردند.

گفتنی است مامورین امنیتی به هنگام بازداشت فضلی حکم جلب و تفتیش منزل به همراه نداشته‌اند اما پس از تماسی تلفنی، مسئولین قضایی حکم جلب و تفتیش مورد نظر ماموران را صادر و برای آنها ارسال کرده‌اند.

از سویی دیگر ماموران اداره اطلاعات ظهر روز سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۸۹ حیدر کریمی از فعالین سابق دانشجویی آذربایجان را در یکی از خیابانهای شهر خوی بازداشت و با مراجعه به منزل پدری وی اقدام به تفتیش منزل کرده‌اند. مامورین پس از تفتیش منزل کیس کامپیوتر و کتابها و سایر وسایل شخصی وی را با خود برده‌اند.

حیدر کریمی عضو هیات تحریریه هفته نامه توقیف شده سینای همدان، مدیر مسئول سابق نشریه دانشجویی "ایلدیریم" در دانشگاه بوعلی سینا و عضو شورای مرکزی موسسه غیر دولتی اورین خوی و محمود فضلی عضو هیات موسس مجمع دانشگاهیان آذربایجان و عضو شورای نویسندگان نشریه دانشجویی "ابشیق" دانشگاه علم و صنعت تهران می‌باشند.

پیش از این نیز حیدر کریمی در دانشگاه بوعلی سینای همدان بازداشت و دادگاه انقلاب همدان وی را پس از تحمل دو ماه بازداشت موقت به یکسال حبس تعلیقی محکوم کرده بود. مهندس محمود فضلی نیز در سالهای گذشته چندین بار دستگیر و محاکمه شده بود.

بازداشت این دو فعال مدنی در حالی صورت می‌گیرد که بیش از چهارده تن از فعال مدنی آذربایجانی که در هفته های اخیر بازداشت شده بودند همچنان در بازداشت به سر می‌برند و مسئولین قضایی از بیان علت دستگیری و اتهامات آنها امتناع می‌کنند.

نرگس محمدی، سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، شب گذشته بازداشت شد

سایت کلمه در تاریخ ۲۱ خرداد نوشت: نرگس محمدی، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر شب گذشته بازداشت شد.

به گزارش «تا آزادی روزنامه نگاران زندانی» نرگس محمدی نیمه شب گذشته در پی یورش نیروهای امنیتی در

منزل شخصی اش بازداشت شده است
محمدی دارای دو فرزند کوچک دوقلو است که نیاز به مراقبت مدام دارند.
نرگس محمدی فعال حقوق بشر و روزنامه نگار، نایب رئیس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر و رییس هیئت اجرایی شورای صلح ایران است که در سال ۲۰۰۹ برنده جایزه بین‌المللی بنیاد الکساندر لانگر

بازداشت سعید ترابیان، فعال سندیکالیست

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 21 خرداد 89 گزارش می دهد : صبح چهارشنبه 19 خرداد 1389، سعید ترابیان از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در منزلش بازداشت و به جای نامعلومی منتقل شد. ماموران امنیتی ضمن بازرسی و تفتیش منزل ترابیان، وسایل شخصی و کامپیوتر او را نیز با خود برده اند. سعید ترابیان یک فعال سندیکالیست است و ما، همان گونه که بارها اعلام کرده ایم، سندیکالیسم را جریانی سرمایه دارانه در درون جنبش کارگری می دانیم و، از همین رو با آن مبارزه می کنیم. درعین حال، ما فعالیت سندیکایی را حق فعالان سندیکالیست می دانیم و بازداشت این فعالان از جمله سعید ترابیان را به علت این فعالیت محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم.

اعتصاب غذای 700 زندانی در گوهردشت

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 21 خرداد 89 گزارش می دهد : بیش از 700 نفر از زندانیان بند یک زندان گوهردشت چند روز است که در اعتصاب غذا به سر می برند. علت اعتصاب تشدید وحشیانه شکنجه و آزار زندانیان در هفته های اخیر است. اعمال شکنجه و آزار و اذیت اسیران سیاه چال ها جزء جدایی ناپذیر شرایط جاری در زندان های جمهوری اسلامی سرمایه است. این آزارها و فشارها و ضرب و شتم ها در دوره هایی حادث می شود و هفته های اخیر در زندان گوهردشت چنین بوده است. بر اساس اخبار درج شده از سوی « فعالین حقوق بشر و دموکراسی » غالب این زندانیان به دلیل تحمل کتک کاری ها و شکنجه های جسمی در سراسر اندام خویش دچار جراحت و زخم های مهلک شده اند. عمده و اگره زندانیان دولت سرمایه به دنبال این شکنجه ها هر نوع ملاقات خانواده ها با زندانیان را نیز قطع کرده اند تا از این طریق مجاری درز اخبار به بیرون را ببندند. ما هر نوع شکنجه انسان ها اعم از فعالان سیاسی و افراد عادی توسط زندانبانان سرمایه را محکوم می کنیم و از همه کارگران می خواهیم که به هر طریقی که می توانند به شکنجه و آزار زندانیان در زندان های ایران از جمله زندانیان بند یک زندان گوهردشت اعتراض کنند.

معلم و فعال کارگری در بند ۲۰۹ اوین

مهدی فراچی شاندیز معلم و فعال کارگری که در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله دستگیر شده بود و ۹ ماه در سلول انفرادی به سر برده بود ، بعد از آزادی از زندان بارها برای گرفتن لوازم شخصی و گوشی موبایلش به دادگاه انقلاب مراجعه کرده بود ولی موفق به دریافت نشده بود . این فعال کارگری مجدداً برای چندمین بار در روز یکشنبه مورخ ۸/۲/۹ برای گرفتن لوازم شخصی به دادگاه انقلاب شعبه ۱۲ دادیاری مراجعه می کند ولی این بار مهدی فراچی شاندیز در همان جا به اتهام توهین به رهبری دستگیر و روانه زندان اوین می شود ، این فعال کارگری بیش از ۱۰ روز است در زندان اوین محبوس می باشد. خانواده وی از موقعیت وی خبری نداشتند، تا اینکه خیردستگیری وی را یکی از زندانیان آزاد شده با تماس تلفنی به خانواده اش اطلاع می دهد مهدی فراچی شاندیز هم اکنون در زندان اوین بند ۲۰۹ زندانی است

دستگیری و انتقال فعال کارگری مهدی فرحی شاندیز به اردوگاه مرگ کهریزک

به نوشته اخبار روز از منابع داخل کشور در تاریخ شنبه 22 خرداد 89 آمده است : یک فعال کارگری دستگیر و به اردوگاه کهریزک منتقل شد.
، مهدی فرحی شاندیز از فعالین کارگری هنگام مراجعه به دادگاه انقلاب جهت باز پس گرفتن وسایل شخصی اش دستگیر و به اردوگاه مرگ کهریزک منتقل شد.
سه شنبه ۱۱ خرداد ماه فعال کارگری مهدی فرحی شاندیز ۵۰ ساله معلم حق التدریسی، هنگامی که به شعبه ۸ دادگاه انقلاب برای باز پس گرفتن وسایل شخصی خود که سال گذشته در جریان دستگیری به مناسبت گرامی داشت روز جهانی کارگر ضبط شده بود مراجعه کرد با برخوردهای توهین آمیز رئیس این شعبه مواجه شد. آقای شاندیز نسبت به این برخوردها اعتراض کرد و رئیس شعبه ۸ دادگاه انقلاب آقای شاندیز را به اتهام واهی اخلاص در نظم دستگیر و به اردوگاه مرگ کهریزک منتقل کرد.
خانواده شاندیز از زمان دستگیری وی تا به حال پیگیر وضعیت او هستند ولی کسی جوابگوی این خانواده نیست و به آن ها گفته شده است که نام او در لیست زندانیان سیاسی ثبت نشده است.
اردوگاه مرگ کهریزک جایی است که سال گذشته صدها نفر از دستگیر شدگان اعتراضات مورد شکنجه وحشیانه و غیرانسانی قرار گرفتند و حداقل ۴ نفر در آن جا باختند. در این اردوگاه احمدی مقدم و احمدرضا رادن و سایر فرماندهان نیروی انتظامی شخصاً زندانیان بی دفاع را مورد شکنجه های قرون وسطایی قرار می دهند که بنا به شهادت تعداد زیادی از نجات یافتگان از این اردوگاه مرگ چندین نفر زیر شکنجه به قتل رسانده شدند.
علیرغم اینکه گفته شده بود که این اردوگاه تعطیل شده است ولی به نظر می آید که دوباره آن را مخفیانه فعال

کرده اند. زندانیان سیاسی و سایر زندانیان بی دفاع به آنجا انتقال می یابند که در معرض شکنجه های وحشیانه و قرون وسطایی قرار می گیرند.

لازم به یادآوری است که آقای مهدی فرحی شاننیز بارها توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به زندان منتقل شد. او آخرین بار در جریان گرامی داشت روز جهانی کارگر در سال ۱۳۸۸ قبل از شروع مراسم گرامی داشت دستگیر و مدت طولانی در سلولهای انفرادی بسر برد. او در جریان بازداشتش مورد شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفت و به مدت ۹ ماه در بازداشت بسر برد.

بی خبری از وضعیت علی رضا اخوان، فعال حقوق کارگران

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ پس از گذشت ۹ روز از بازداشت علیرضا اخوان، فعال حقوق کارگران، خانواده اش از وضعیت او بی اطلاع هستند. وی در همان روز بازداشت در طی تماسی با خانواده خود خبر داد که در بند ۲۰۹ اوین بازداشت است، اما پس از آن هیچ گونه تماسی نداشته است. به گفته بیبا طاهباز، همسر علی اخوان، به دلیل آنکه پرونده وی در داسرای مستقر در اوین است، وکلا و خانواده او به پرونده دسترسی ندارند و تاکنون پاسخی نسبت به دلیل دستگیری و اتهامات او دریافت نکرده اند. علیرضا اخوان، از اعضای کانون مدافعان حقوق کارگران و از مدافعان جنبش زنان، در ساعت ۴ بامداد روز جمعه ۱۴ خرداد، پس از تفتیش منزل بازداشت و روانه بند ۲۰۹ زندان اوین شد.

کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس اراک، تجمع اعتراضی برگزار کردند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ ۲۲ خرداد آمده است: کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس اراک برای بیست و یکمین بار در طی سال گذشته تاکنون، در ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح چهارشنبه گذشته در مقابل شرکت تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، نماینده کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس، ضمن اظهار گلایه از مسئولان استانداری، فرماندار و نمایندگان استان که تا به حال برای تسویه حساب بازنشستگان با شرکت و پرداخت مطالبات آنان جز وعده اقدامی انجام نداده اند گفت: براساس پیگیری های نمایندگان کارگران بازنشسته شرکت با شورای اسلامی کار شرکت، هاشمی نائب رئیس شورای اسلامی شرکت واگن پارس در حمایت از درخواست کارگران بازنشسته با مشاور عالی هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع، قربان علی بیگ، مذاکراتی را انجام داده تا با هماهنگی با مدیر عامل شرکت از سهم افزوده سرمایه حدود ۴ الی ۵ میلیارد تومان گرفته شده و به کارگران بازنشسته اختصاص داده شود.

مداحی با بیان این که کارگران بازنشسته با مشکلات بسیار در زندگی با داشتن فرزندان دانشجویی و ازدواج کرده دیگر قادر به حیات نیستند به نمایندگی از کارگران بازنشسته از مدیر عامل شرکت، رزازی، درخواست کرد که با پیگیری بحث افزایش سهم آورده دو سرمایه گذار شرکت کارگران را در جهت رسیدن به حق فراموش شده اشان یاری رساند.

هاشمی ضمن تایید اظهارات مداحی گفت: همان طور که مهندس رزازی در مصاحبه های قبلی اظهار داشته اند پرداخت مطالبات بازنشستگان تنها منوط به تحقق ۳۱ میلیارد تومان افزایش سهام دو سرمایه گذار که یکی از آنها صندوق بازنشستگی دولت است می باشد و تا زمانی که این موضوع انجام نشود شرکت پولی برای پرداخت نخواهد داشت.

هاشمی تصریح کرد: ما پیگیر تحقق بحث افزایش سرمایه آورده به منظور رسیدگی به مشکلات کارگران بازنشسته و پرداخت ۵/۴ میلیارد تومان مطالبات آنان هستیم اما این موضوع باید در صندوق بازنشستگی حل شود.

وی با اشاره به اینکه شرکت واگن پارس اکنون تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت مشغول تولید است تصریح کرد: دخل و خرج شرکت با هم نمی خواند و با این درآمد شاید بتوان پاسخ ۶۰۰ کارگر شاغل را داد. نائب رئیس شورای اسلامی کار شرکت تصریح کرد: درآمدهای شرکت حتی پاسخگوی ۱۳۰۰ نیروی شاغل شرکت نیست. چرا که واگن ها و ترانس های تولیدی در آفتاب مانده و با خطر پوسیدگی تهدید می شوند.

اعتراض دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل به بازداشت سعید ترابیان

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ - ۱۲ ژوئن ۲۰۱۰ دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل روز پنجشنبه با ارسال نامه ای به محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی. خواستار آزادی فوری سعید ترابیان، فعال کارگری شد.

آقای ترابیان، مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، صبح روز چهارشنبه توسط چهار مامور امنیتی در منزل خود در تهران بازداشت شد. تاکنون دلایل بازداشت و نیز محل نگهداری آقای ترابیان مشخص نشده است.

آقای ترابیان، سومین عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه است که زندانی شده است. پیش از او، منصور اسانلو و ابراهیم مددی، رئیس و معاون هیئت مدیره این تشکل کارگر نیز به اتهام های امنیتی بازداشت و زندانی شده اند. آقای کاکرافت در نامه خود به محمود احمدی نژاد برخوردهای صورت گرفته با فعالان کارگری در ایران را نیز مورد انتقاد قرار داد.

در مقابل موج جدید حمله به کارگران اتوبوسرانی تهران بایستیم! نامه اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی

۱۲ جون ۲۰۱۰

به مخاطبین فوق:

من بدینوسیله خواهان آزادی فوری تمامی نمایندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه می باشم.

در حال حاضر، چهار نفر از رهبران و نمایندگان سندیکای واحد در زندان هستند: منصور اسالو، رئیس هیئت مدیره سندیکا (که از سال ۲۰۰۷ در حال سپری کردن حکم ۵ سال زندان می باشد)، ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکا (که از سال ۲۰۰۷ در حال سپری کردن حکم ۲ سال و نیم زندان می باشد)، سعید ترابیان، مسئول روابط عمومی سندیکا (از تاریخ ۹ جون ۲۰۱۰ دستگیر و در بازداشت بسر می برد) و رضا شهبابی (که در ۱۲ جون ۲۰۱۰ بازداشت شده است).

علاوه بر این، تعدادی دیگر از اعضای سندیکای واحد اخیراً مورد برخورد شرکت واحد قرار گرفته اند و بیم آن وجود دارد که اعضای دیگری از سندیکای واحد و دیگر فعالین کارگری بازداشت شوند. آقای اسالو اخیراً مورد اذیت و آزار قرار گرفته و مقامات زندان وی را با اتهامات جدید تهدید کرده اند. با وجود در زندان بودن، آقای اسالو تحت بازجویی قرار گرفته و متهم به ارتباط با نیروهای اپوزیسیون و اهانت به رهبران جمهوری اسلامی شده است. آقای اسالو تمامی این اتهامات را رد کرده است.

من خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط اسالو، مددی، ترابیان و شهبابی هستم. من این دور جدید حملات علیه سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و تدوام تهاجم گسترده علیه حقوق کارگری و انسانی در ایران را محکوم میکنم. من خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستم و از حکومت می خواهم که به آزادی تشکل و حق سازماندهی احترام بگذارد.

گلن تامپسون،

دستیار رئیس کشوری اتحادیه کارگران صنایع تولیدی استرالیا
ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

info@workers-iran.org

شرکت وزیر کار در اجلاس سازمان بین المللی کار

خبرگزاری کارایران- ایلنا در تاریخ 22 خرداد 89 نوشت: عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر کار و امور اجتماعی به منظور شرکت در نود و نهمین اجلاس سازمان بین المللی کار در راس هیات متشکل از نمایندگان گروه کارگر و کارفرما صبح دیروز عازم ژنو شد.

به گزارش ایلنا، بر پایه این گزارش اجلاس سازمان بین المللی کار که تا روزهای پایانی خردادماه در جریان است به بررسی نحوه اجرای کارشایسته برای کارگران خانگی، راه کارهای پیشگیری از گسترش بیماری در محیط های کار، راهبردهای توسعه اشتغال و پیگیری بنیانه ۱۹۹۸ در مورد حقوق بنیادین کار می پردازد.

این گزارش می افزاید: هیات جمهوری اسلامی ایران به ریاست وزیر کار و امور اجتماعی در این اجلاس دیدگاههای خود را پیرامون موارد یاد شده تشریح خواهد کرد.

شیخ الاسلامی در حاشیه اجلاس علاوه بر دیدار با تعدادی از همتایان خود با خوان سومایا مدیر کل سازمان بین المللی کار دیدار و در خصوص توسعه مناسبات دو جانبه گفت و گو خواهد کرد.

یادآور می شود در این اجلاس همچنین موضوع کارگران سرزمینهای اشغالی از دیگر موضوعات مهمی است که مورد بررسی قرار می گیرد.

پایان پیام

می توان فرصت های شغلی خدماتی را تقویت کرد

خبرگزاری کارایران- ایلنا در تاریخ 22 خرداد 89 نوشت: رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران می گوید: مهمترین برنامه این سازمان در سال 89 اجرای مصوبه هیات دولت مبنی بر ایجاد یک میلیون و یکصد هزار فرصت شغلی است.

علی رضا مظهری درگفت و گو با خبرنگار ایلنا گفت: سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران رسیدن به این مهم را از طریق کار گروه اشتغال و سرمایه گذاری، مشاغل خانگی، حفظ مشاغل موجود، شناسایی و بهره برداری از ظرفیت های خالی شغلی در بخش صنایع کشاورزی و خدمات و تعامل با شرکای سه جانبه کار و تولید پیگیری می کند.

رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران با بیان اینکه در حال حاضر بخش های خدمات، صنعت و کشاورزی به ترتیب 58، 38 و 4 درصد اشتغال استان تهران را تامین می کنند گفت: در صورت تقویت ظرفیت های اشتغال و سرمایه گذاری در صنعت و کشاورزی می توان شغلی فرصت های موجود در بخش خدمات را نیز تقویت و تضمین کرد.

به گفته مظهری هرچند در شرایط کنونی مشکلات کارگری و بنگاه های تولیدی استان تهران به کمترین سطح ممکن است اما به منظور تثبیت اشتغال اهالی تهران باید به فکر تثبیت و تقویت ظرفیت های مختلف شغلی این استان از طریق کارگروه متشکل از دستگاه های اجرایی و مرتبط با فعالیت های صنعتی کشاورزی خدماتی بود.

پایان پیام

ما آزادی و رفاه می خواهیم

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 22 خرداد 89 می نویسد : از تقلب بزرگ در انتخابات رئیس جمهوری، یک سال گذشت. سالی که اعتراضات مسالمت آمیز میلیونی ما علیه استبداد و فلاکت با زندان، کشتار، شکنجه و تجاوز سرکوب شد. هم اکنون بسیاری از زنان، جوانان، دانشجویان، روزنامه نگاران، نویسندگان، معلمان، کارمندان و کارگران در زندان هستند. اما گسترش فقر و بیکاری، همچنین اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها که جز فلاکت و سیاه روزی برای ما ندارد، پیوستن کارگران بخشهای کلیدی اقتصاد مانند صنعت نفت، فولاد، ذوب آهن، خودرو سازی، مخابرات ... را به این اعتراضات بیشتر خواهد کرد. با طرح مطالبات روشن و واضح، که هم شرط پیشروی و هم مانع از هدر رفتن جانفشانی مردم و به بیراهه رفتن این مبارزات است به استقبال سالگرد این روز برویم. ما بسیاریم و آینده از آن ما است.

1. برخورداری همه افراد جامعه از آزادیهای سیاسی (عقیده، بیان، نشریات، اعتصاب، تحصن، تجمع، راهپیمایی ...) بدون هیچ قید و شرطی

2. آزادی ایجاد هرگونه تشکل (حزب، اتحادیه، شورا، سندیکا، انجمن ...) بدون کسب مجوز

3. آزادی زندانیان سیاسی، ممنوعیت هر گونه شکنجه جسمی و روحی، گرفتن اعتراف با تهدید و تطمیع و تفتیش عقاید

4- ممنوعیت انجام وظیفه نیروهای انتظامی و حمل اسلحه بدون اونیفورم و با لباس شخصی

5- علنی بودن محاکمات با حضور وکیل و هیئت منصفه انتخابی، لغو دادگاههای ویژه (روحانیت، نظامی ها...)

6- لغو مجازات اعدام، لغو هر نوع مجازاتی که به جسم افراد تعرض شود (شلاق زدن، سنگسار ...)

7- برابری زنان با مردان در قوانین کیفری، قوانین ازدواج، طلاق، سرپرستی کودکان، قانون کار و دیگر قوانین

8- عدم دخالت حکومت در تعیین نوع زندگی، نوع پوشش و روابط زنان و مردان

9- به رسمیت شناسی حقوق اقلیتهای قومی (کرد، بلوچ ...) و مذهبی (سنی، بهایی ...) و رفع تبعیض از آنها

10- تعیین حداقل دستمزد بر اساس ارتقای هر چه بیشتر سطح زندگی و رفاه

11- پرداخت بیمه بیکاری مکفی به تمام افراد آماده به کار و بیکار شدگان تا به دست آوردن کار مناسب

12- لغو هرگونه قرارداد استخدام موقت، پرداخت سریع حقوقهای معوقه، توقف اخراج و بیکار سازی

13- پرداخت حقوق مکفی به باز نشستهگان، افراد فاقد حقوق بازنشستگی و از کار افتادگان

14- ایجاد امکانات رفاهی (جاده، آب، برق، گاز، تلفن و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی ...) در روستاها

15- رایگان شدن بهداشت، معاینات اجباری منظم، درمان و دارو

16- رایگان شدن آموزش و پرورش و آموزش عالی

این اعلامیه را تکثیر و پخش کنید - 22 خرداد 1389

شتاب در بازداشت فعالان کارگری

به گزارش رادیو صدای آلمان در 22 خرداد اعلام داشت : سعید ترابیان از جمله کارکنان شرکت واحد است که به دلیل اعتصاب و اعتراض در سال 84، حکم اخراج از کار دریافت کرد. وی پس از چند سال بیکاری و پیگیری، در نیمه دوم سال 88، با رای دیوان عدالت اداری به کار بازگشت.

صبح روز 19 خرداد، سعید ترابیان هنگام خروج از خانه برای رفتن به سرکار با چند مامور اطلاعاتی روبرو می شود. ماموران پس از ورود به منزل او همه جا را تجسس می کنند و پس از برداشتن وسایل شخصی و کیس کامپیوتر، این فعال کارگری را با خود می برند.

اکبر پیرهادی، عضو سندیکای واحد، ضمن ارائه این اطلاعات به دوپچه و له، از نامعلوم بودن اتهام و محل نگهداری آقای ترابیان می گوید. ماموران اطلاعاتی زمان ترک خانه ترابیان به همسر وی گفته اند صبر کند تا چند روز دیگر خبری از شوهرش بگیرد. تفتیش خانه سعید ترابیان سه ساعت طول کشیده است.

آقای پیرهادی از دستگیری رضا شهابی، دیگر فعال سندیکایی واحد نیز خبر می دهد: « به رضا شهابی گفته بودند که امروز به اداره مرکزی شرکت مراجعه کند و کار خود را از این پس در آنجا انجام دهد. چند نفر دیده اند که چهار مامور در ساعت ده صبح، شهابی را با خود برده اند. بعد همگی به منزل او رفته اند و آنجا را به همان شکل خانه ترابیان تجسس کرده و وسایلی مثل کیس کامپیوتر را برده اند.»

پیش از این دو دستگیری، رانندگان شرکت واحد به برنامه جدید مدیریت برای تردد بیشتر در مسیر همیشگی اعتراض کرده بودند. آنها با امتناع از انجام برنامه جدید، مدیریت واحد را متقاعد کردند که مدت زمان تعیین شده برای آورد و برد مسافران کافی نیست. اکبر پیرهادی به دوپچه و له می گوید که دو فعال سندیکایی نامبرده در زمان این اعتراض، سرکار بوده اند.

بیست و یکمین تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته واگن پارس

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 22 خرداد آمده است : کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس اراک برای بیست و یکمین بار در طی سال گذشته تاکنون، در ساعت 10 تا 11 صبح چهارشنبه گذشته در مقابل شرکت تجمع نموده و خواستار اجرای تعهد مسئولین در خصوص پرداخت مطالبات معوق 700 کارگر بازنشسته شرکت شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، نماینده کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس، ضمن اظهار گلایه از مسئولین استانداری، فرماندار و نمایندگان استان که تا به حال برای تسویه حساب بازنشستگان با شرکت و پرداخت مطالبات آنان جز وعده اقدامی انجام نداده‌اند گفت: براساس پیگیری‌های نمایندگان کارگران بازنشسته شرکت با شورای اسلامی کار شرکت، هاشمی نایب رئیس شورای اسلامی شرکت واگن پارس در حمایت از درخواست کارگران بازنشسته با مشاور عالی هیأت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع، قربان علی بیگ، مذاکراتی را انجام داده تا با هماهنگی با مدیر عامل شرکت از سهم افزوده سرمایه حدود 4 الی 5 میلیارد تومان گرفته شده و به کارگران بازنشسته اختصاص داده شود.

مداحی با بیان این که کارگران بازنشسته با مشکلات بسیار در زندگی با داشتن فرزندان دانشجویی و ازدواج کرده دیگر قادر به ادامه حیات نیستند به نمایندگی از کارگران بازنشسته از مدیر عامل شرکت، رزازی، درخواست کرد که با پیگیری بحث افزایش سهم آورده دو سرمایه‌گذار شرکت کارگران را در جهت رسیدن به حق فراموش شده‌اشان یاری رساند.

با توجه به اظهارات مداحی و پیگیری خبرنگار ما در گفتگو با شورای اسلامی کار شرکت واگن پارس، هاشمی ضمن تایید اظهارات مداحی گفت: همان طور که مهندس رزازی در مصاحبه‌های قبلی اظهار داشته‌اند پرداخت مطالبات بازنشستگان تنها منوط به تحقق 31 میلیارد تومان افزایش سهام دو سرمایه‌گذار که یکی از آنها صندوق بازنشستگی دولت است می‌باشد و تا زمانی که این موضوع انجام نشود شرکت پولی برای پرداخت نخواهد داشت.

هاشمی تصریح کرد: ما پیگیر تحقق بحث افزایش سرمایه آورده به منظور رسیدگی به مشکلات کارگران بازنشسته و پرداخت 4/5 میلیارد تومان مطالبات آنان هستیم اما این موضوع باید در صندوق بازنشستگی حل شود.

وی با اشاره به اینکه شرکت واگن پارس اکنون تنها با 20 تا 30 درصد ظرفیت مشغول تولید است تصریح کرد: دخل و خرج شرکت با هم نمی‌خواند و با این درآمد شاید بتوان پاسخ 600 کارگر شاغل را داد. نایب رئیس شورای اسلامی کار شرکت تصریح کرد: درآمدهای شرکت حتی پاسخگوی 1300 نیروی شاغل شرکت نیست، چرا که واگن‌ها و ترانست‌های تولیدی در آفتاب مانده و با خطر پوسیدگی تهدید می‌شوند.

گزارش وضعیت شهر تهران تا ظهر امروز

به نوشته سایت بالاترین در تاریخ 22 خرداد 89 آمده است: تا این لحظه عبور و مرور در خیابان های تهران عادی است، تنها ارگان نظامی که در خیابان ها به شکل سازمانی استقرار دارد پلیس راهنمایی و رانندگی است. به نظر می رسد دلیل اینکه نیروی انتظامی تا این لحظه در خیابان ها مستقر نشده است تجربه گذشته این نیرو است. در سرکوب تظاهرات گذشته نیروهای پلیس ضد شورش از ساعات اولیه صبح در معابر عمومی مستقر می شد و تا شب ماموریت آنها ادامه داشت که ساعت طولانی ماموریت و همینطور سنگینی ادوات نظامی از توان و کارایی نیروها می کاست. اما در ترمین و مانور یک هفته گذشته پلیس که به بهانه طرح عفاف برگزار شد از طرف فرماندهان انتظامی اعلام شد که نیروهای آنها توان استقرار در عرض 20 دقیقه را در تمام نقاط شهر دارند.

به گفته شاهدان عینی چند محلی که رفت و آمد لباس شخصی ها امروز نیز مانند سنوات گذشته در آنها دیده شد به شرح زیر است:

- پارکینگ متروکه واقع در تقاطع خیابان انقلاب و جمالزاده

- سفارت سابق امریکا / سازمان بسیج دانش آموزی که بود و مرور در این محل از درب کنارباشگاه ورزش های رزمی- عبور و مرور لباس شخصی ها از درب بالاتر از ورودی ایستگاه مترو طالقانی انجام می شود

- مسجد امام حسین واقع در نیش میدان امام حسین

- پایگاه بسیج مقداد خیابان آزادی که بیشترین تجمع بسیج و لباس شخصی ها در این منطقه گزارش شده است

- گشت های پراکنده بسیج نیز حوالی دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه شریف دیده شده است
همینطور تعداد پرسنل حراست دانشگاه تهران امروز به شدت افزایش داشته است

راديو آلمان - دويچه وله - ۰۶-۱۲-۲۰۱۰

دستگیری وسیع فعالان کارگری

۴ مامور در روز ۲۲ خرداد، خانه‌ی رضا شهبایی، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد را تجسس کرده و او را باخود بردند. رضا شهبایی در محل کارش دستگیر و او را ابتدا به منزل بردند و بعد از تفتیش وسایل شخصی اش، او را به محل نامعلومی بردند. پیش از او به همین شیوه، سعید ترابیان، مسئول روابط عمومی این سندیکا و علیرضا اخوان، فعال کارگری، بازداشت شده بودند.

دویچه وله در این رابطه می نویسد: سعید ترابیان از جمله کارکنان شرکت واحد است که به دلیل اعتصاب و اعتراض در سال ۸۴، حکم اخراج از کار دریافت کرد. وی پس از چند سال بیکاری و پیگیری، در نیمه دوم سال ۸۸، با رای دیوان عدالت اداری به کار بازگشت.

صبح روز ۱۹ خرداد، سعید ترابیان هنگام خروج از خانه رفتن به سرکار با چند مامور اطلاعاتی روبرو می‌شود. ماموران پس از ورود به منزل او همه جا را تجسس می‌کنند و پس از برداشتن وسایل شخصی و کیس کامپیوتر، این فعال کارگری را با خود می‌برند.

اکبر پیرهادی، عضو سندیکای واحد، ضمن ارائه این اطلاعات به دوپچه‌وله، از نامعلوم بودن اتهام و محل نگاهداری آقای ترابیان می‌گوید. ماموران اطلاعاتی زمان ترک خانه ترابیان به همسر وی گفته‌اند صبر کند تا چند روز دیگر خبری از شوهرش بگیرد. تفتیش خانه سعید ترابیان سه ساعت طول کشیده است. آقای پیرهادی از دستگیری رضا شهابی، دیگر فعال سندیکایی واحد نیز خبر می‌دهد: «به رضا شهابی گفته بودند که امروز به اداره مرکزی شرکت مراجعه کند و کار خود را از این پس در آنجا انجام دهد. چند نفر دیده‌اند که چهار مامور در ساعت ده صبح، شهابی را با خود برده‌اند. بعد همگی به منزل او رفته‌اند و آنجا را به همان شکل خانه ترابیان تجسس کرده و وسایلی مثل کیس کامپیوتر را برده‌اند.»

پیش از این دو دستگیری، رانندگان شرکت واحد به برنامه جدید مدیریت برای تردد بیشتر در مسیر همیشگی اعتراض کرده بودند. آنها با امتناع از انجام برنامه جدید، مدیریت واحد را متقاعد کردند که مدت زمان تعیین‌شده برای آورد و برد مسافران کافی نیست. اکبر پیرهادی به دوپچه‌وله می‌گوید که دو فعال سندیکایی نامبرده در زمان این اعتراض، سرکار بوده‌اند.

بازداشت سعید ترابیان و رضا شهابی را محکوم می‌کنیم

بنا بر خبرهای منتشره در روزهای اخیر سعید ترابیان و رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده‌اند. در حالی این بازداشت‌ها صورت می‌گیرد که اعتصاب و اعتراض رانندگان اتوبوس نسبت به شرایط کار و ادامه بازداشت منصور اسالو رئیس هیات مدیره این سندیکا، شکل گرفته است.

ما بازداشت سعید ترابیان و رضا شهابی را محکوم کرده و خواستار آزادی منصور اسالو، ابراهیم مددی و دیگر کارگران زندانی هستیم. ایجاد و داشتن تشکل‌های کارگری برای دفاع از منافع و مطالبات طبقه کارگر، حق بی‌چون و چرا و برسمیت شناخته شده کارگران است و کسی نباید به این دلیل مورد پیگرد امنیتی و قضایی قرار بگیرد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگر

22 خرداد 1389

فعال کارگری عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد دستگیر شد

رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران ساعت 10 صبح امروز در محل کار خود دستگیر شد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، رضا شهابی که طی چند روز گذشته در استراحت پزشکی بسر میبرد، صبح امروز در محل کار خود حاضر شد. مسئولین مربوطه به وی اعلام کردند به اداره مرکزی منتقل شده است و باید به آنجا برود. به این ترتیب رضا شهابی به محل کار جدید خود مراجعه و کارت شروع بکار را در اداره مرکزی میزند. در همین هنگام از وی می‌خواهند به کارگزینی شرکت مراجعه نماید. پس از دقایقی حضور در کارگزین، ماموران امنیتی به آنجا وارد شده و وی را دستگیر و به همراه خود به منزل اش می‌برند. پس از تفتیش منزل، رضا شهابی را به نقطه نامعلومی منتقل می‌کنند. بنا به این گزارش، طرف‌روهای گذشته چند مامور امنیتی به درب منزل حبیب رضا پور از اعضای فعال سندیکای کارگران شرکت واحد مراجعه کرده‌اند اما نامبرده در منزل حضور نداشته است.

بازداشت یک فعال کارگری دیگر

علیرضا اخوان، فعال کارگری نیز نیمه شب ۱۴ خرداد در منزل خود بازداشت شده است. ماموران امنیتی در ساعت دو بامداد و پس از دو ساعت و نیم تفتیش، آقای اخوان را به همراه کتاب‌ها و کیس کامپیوترش با خود برده‌اند.

آقای اخوان عصر ۱۴ خرداد از زندان اوین به همسرش تلفن کرده و خبر داده که در انفرادی بند ۲۰۹ است. بیتا طاهباز، همسر این فعال کارگری به دوپچه‌وله می‌گوید: «من پس از تعطیلات چند بار به دادسرای اوین مراجعه کرده و تاکنون جوابی نگرفته‌ام. تنها می‌دانم که این پرونده در شعبه ۳ بازپرسی است.»

تنها تماس تلفنی آقای اخوان با خانواده‌اش، همان روز دستگیری بوده است. وکلای آقای اخوان، مجتبی جعفری و ناصر زرافشان هستند که به دلیل گشایش پرونده در دادسرای مستقر در اوین، امکان دستیابی به جزئیات این دستگیری و اتهام‌های وارده را ندارند. کانون مدافعان حقوق کارگران طی بیانیه‌ای، بازداشت آقای اخوان و بی‌خبری از شرایط او را محکوم کرده است.

علیرضا اخوان از مدافعان جنبش زنان نیز هست. بیتا طاهباز، همسر وی، پژوهشگر و فعال حقوق زنان است.

مهیندخت مصباح

یک عضو دیگر کانون مدافعان حقوق بشر دستگیر شد

عبدالرضا تاجیک، روزنامه نگار و عضو کانون مدافعان حقوق بشر برای سومین بار در طول یکسال گذشته دستگیر شد. سایت کلمه وابسته به موسوی در این رابطه می نویسد: «وی دومین عضو کانون مدافعان حقوق بشر است که در این چند روزه بازداشت می شود. پیش از وی نرگس محمدی نایب رییس این کانون بازداشت و روانه زندان شد.»

عبدالرضا تاجیک روزنامه نگار و فعال حقوق بشر با روزنامه‌های اصلاح طلبی همچون فتح، بنیان، بهار و شرق و با کانون مدافعان حقوق بشر همکاری داشته‌است، از سال ۱۳۸۷ و پس از آغاز برخورد گسترده دولت ایران با اعضای این کانون ممنوع الخروج شده است. وی در جریان درگیریهای انتخابات ۸۸ دو بار بازداشت و هر بار با قرار وثیقه آزاد شد.

جعفر عظیم زاده تبرئه شد

روز 18 خرداد ماه جاری شعبه 26 دادگاه انقلاب جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را از اتهاماتی که به ایشان وارد شده بود تبرئه کرد.

جعفر عظیم زاده در روز اول ماه مه سال گذشته در مراسم روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران به همراه حدود 150 نفر دیگر دستگیر شده بود و بمدت 53 در بازداشت بسر برد.

در این دادگاه که جعفر عظیم زاده به همراه وکیل خود خانم دکتر نسرين ستوده شرکت کرده بود اتهام تبلیغ علیه نظام و تجمع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور را رد کرد و پس از دفاعیات دکتر نسرين ستوده و جعفر عظیم زاده که در حضور نماینده دادستانی صورت گرفت قاضی دادگاه رای بر برائت جعفر عظیم زاده از اتهامات وارده را صادر کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنانکه بارها اعلام کرده است برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را حق مسلم و خدشه ناپذیر کارگران میدانند و خواهان منع تقیبات قضائی تمامی دستگیر شده گان روز اول ماه مه سال 88 و لغو احکام صادره در باره آقایان علیرضا ثقفی، محمد اشرفی و محسن ثقفی و آزادی کلیه کارگران دربند از زندان است.

زنده باد اول ماه مه

اتحادیه آزاد کارگران ایران - 22 خرداد ماه 89

جمعی از کارگران خدماتی سایپا : ما را قرار دادی کنید

خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 23 خرداد 89 نوشت: به دنبال ابلاغ ممنوعیت فعالیت پیمانکاران نیروی انسانی از سوی رییس‌جمهور، جمعی از کارگران خدماتی سایپا خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود شدند. این کارگران درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفتند: از مدیریت مجموعه سایپا انتظار داریم تا در راستای اجرای قانون و ابلاغیه رییس‌جمهور نسبت به تبدیل وضعیت قراردادهای کارگران خدماتی اقدام کند. به گفته این کارگران حداقل 700 نفر با سابقه کاری 7 تا 15 سال زیر نظر پیمانکاران نیروی انسانی در بخش خدمات شاغل هستند. این کارگران با اشاره به اختلاف فاحشی که میان آنها با کارگران طرف قرارداد سایپا در حقوق، مزایا، پاداش و اضافه کاری وجود دارد، گفتند: کاری که ما می‌کنیم حجمی نیست و به همین دلیل خواهان تبدیل وضعیت قراردادهای کار خود هستیم.

پایان پیام

عضو هیات مدیره کانون شرکتهای خدماتی درگفت‌وگو با ایلنا:

بزرگترین تخلف پرداختن مزد کارگران است

خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 23 خرداد 89 نوشت: عضو هیات مدیره کانون کارفرمایان انجمن‌های شرکتهای خدماتی گفت: منظور مسوولان ارشدکشور و وزیرکار از حذف شرکتهای تامین نیروی انسانی، شرکتهای هستند که به صورت دلالتی کار می‌کنند.

محمد انتظامی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: شرکتهای تحت پوشش کانون انجمن‌های صنفی شرکتهای خدماتی که از وزارت کار تاییدیه دارند حدود 2/5 میلیون شغل ایجاد کرده‌اند و تعداد آنها به حدود 23 هزار شرکت می‌رسد.

وی با بیان اینکه کانون 7 سال است اقدام به قانونمند کردن شرکتهای خدماتی کرده است، افزود: تعیین صلاحیت شرکتهای عضو کانون در هیات‌هایی که نمایندگان کانون و سازمان‌های کار استان‌ها هستند انجام

می‌شود. این مقام کارفرمایی با بیان این به تخلفات شرکت‌های متخلف رسیدگی می‌شود، تصریح کرد: از نظر کانون بزرگترین تخلف نپرداختن مزد کارگران است. انتظامی خاطر نشان کرد: شرکت‌های متخلف برای بار اول 6 ماه، برای بار دوم یکسال تعلیق می‌شوند و برای بار سوم این شرکت‌های متخلف رد صلاحیت می‌شوند. پایان پیام

اعضای شورای اسلامی کار شرکت زمزم آبادان اخراج شدند

خبرگزاری ایران در تاریخ 23 خرداد اطلاع داد: اعضای شورای اسلامی کار آبادان در پی اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان اخراج شدند. کارگران شرکت زمزم آبادان به دلیل عدم پرداخت حقوق فروردین و اردیبهشت سال 1389 و عدم پرداخت حق بیمه خود چند روزی دست از کار کشیده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. بنا بر این گزارش مدیر شرکت در پاسخ به کارگران اقدام به اخراج حدود 60 نفر از آنان از جمله اعضای شورای اسلامی کار کرد و هم اکنون واحد تولید کارخانه تعطیل شده است. شایان ذکر است که کارگران اخراج شده دارای سابقه‌ای از 4 تا 15 سال می‌باشند و علی‌رغم مکاتبات انجام شده توسط شورای اسلامی کار هیچ‌گونه نتیجه و پاسخی دریافت نشده است.

دزدی در بیمارستان های دولتی در استان خوزستان

به نوشته گزارشگر روزنامه رسالت در تاریخ 23 خرداد آمده است: نماینده اهواز در مجلس اسلامی در این تاریخ اعلام داشت: "به علت عدم برخورد جدی با پدیده غیر اخلاقی، زیر میزی گرفتن پزشکان از بیماران از این پس باید نام این پدیده را رومیزی گذاشت. متأسفانه تعداد پزشکانی که اقدام به گرفتن زیر میزی از بیماران در استان خوزستان می‌کنند روز به روز در حال افزایش است و متأسفانه تاکنون اقدامی در برخورد جدی با آنها از سوی مسئولین مربوطه صورت نگرفته است. متأسفانه این پدیده در بیمارستان های دولتی خوزستان رواج فراوان یافته است. هفته قبل با وزیر رفاه در خصوص رواج این پدیده در بیمارستان امیرالمومنین اهواز که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است جلسه داشتم و گفتم؛ که بیمارانی که به این بیمارستان مراجعه می‌کنند از افراد محروم و فقیر جامعه هستند و نباید با آنها چنین برخوردی صورت بگیرد."

درخواست وزیر رفاه از مجلس:

مجلس باید جلوی ورشکسته شدن سازمان تامین اجتماعی را بگیرد

خبرگزاری کارایران- ایلنا در تاریخ 23 خرداد 89 نوشت: نمایندگان مجلس از پاسخ صادق محصولی وزیر رفاه و تامین اجتماعی در ارتباط با اقدامات این وزارتخانه در اجرای قانون معافیت‌های کلی اصل 44 قانون اساسی قانع نشدند. به گزارش خبرنگار ایلنا، در جلسه علنی امروز صادق محصولی جهت پاسخ به سوال 14 نفر از نمایندگان به صحن علنی مجلس آمده بود که در نهایت قادر به قانع کردن نمایندگان مجلس نشد. پس از آنکه گزارش سخنگوی کمیسیون اجتماعی قرائت شد، صادق محصولی اصل 44 را واگذاری تصدی گری‌ها و آن قسمت از سهام دولتی یا شرکت‌های دولتی دانست که باید مطابق این قانون به بخش خصوصی واگذار شود. وی ادامه داد: شرکت‌های بیمه‌ای همچون شرکت بازنشستگی و تامین اجتماعی، موسسات عمومی هستند که اموال آنها طبق ماده 7 ساختار نظام جامع تامین اجتماعی اموال مردم محسوب می‌شود و نمی‌توانیم در صندوق تامین اجتماعی مبالغی را که کارگران یا مردم ارائه داده‌اند، سرمایه‌گذاری نکنیم و ارزش آنها را نسبت به روز حفظ نکنیم. وی با تأکید بر اینکه 95 درصد تصدی گری‌های سازمان بهزیستی به بخش خصوصی واگذار شده است، یادآور شد: در صورت واگذاری به بخش خصوصی هزینه‌های ما از یک سوم کمتر می‌شود که این موضوع به نفع ماست. ما به دنبال آن هستیم که 5 درصد باقی مانده سهام سازمان بهزیستی را نیز واگذار کنیم. به گفته وزیر رفاه، تمام دارایی‌ها اموال و منابع موجود تحت نظارت وزارت بهداشت به استثنای سازمان بهزیستی نیز متعلق به افرادی هست که تحت پوشش آن قرار گرفته‌اند. محصولی معتقد است که موسسات عمومی می‌تواند طبق قانون، 40 درصد سهم بازار را در اختیار داشته باشند. وزارت رفاه نیز که نماینده مردم و مستمری بگیران است، باید از طرف آنها بهترین سرمایه‌گذاری‌ها را شکل دهد تا ارزش پول مستمری بگیران کاهش نیابد. وزیر رفاه به این استناد ایراد نمایندگان به اینکه چرا به جای شرکت‌های سودده، شرکت‌های ضرر ده را واگذار کرده‌اید، پذیرفت و گفت: ما باید با حفظ شرکت‌های سودده ضامن سرمایه‌گذاری‌های مردم باشیم. نادر قاضی پور نماینده ارومیه نیز که به نمایندگی از 14 نماینده سخن می‌گفت، با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری در اجرای اصل 44 قانون اساسی اظهار داشت: اسناد بالادستی نیز بر لزوم اجرای اصل 44 تأکید دارند و این در حالی است که عملکرد دولت در اجرای اصل 44 کند بوده است. به گفته وی بیش از سه سال از تصویب واگذاری‌ها و دستور رهبری در مورد اصل 44 گذشته است، اما وزارت

رفاه کارنامه‌ای از عملکرد خود ارائه نداده است؛ چرا که اقدام قابل توجهی در این مورد انجام داده است. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس یادآور شد: میلیون‌ها کارگر < کارمند و بازنشسته، عملکرد وزارتخانه رفاه را رصد می‌نمایند و بیش از ده میلیون شاغل و چندین میلیون بازنشسته با این وزارتخانه در ارتباط مسقیم‌اند. با این حال این وزارتخانه روز به روز به شرکت‌های خود با هدف ایجاد فرصت‌های مدیریتی برای نورچشمی‌ها می‌افزاید. این درحالی است که این شرکت‌ها از فایده اقتصادی برخوردار نیستند. قاضی پور معتقد است که وزارت رفاه باید با هدایت منابع در افزایش سطح رفاه ملی اقشار آسیب‌پذیر و کارگران تلاش کند.

وی ادامه داد: تامین اجتماعی سه سال است که حقوق کارگران را افزایش نداده و آنها حداقل دستمزد سال 87 را می‌گیرند و این سازمان تامین اجتماعی نیز به بیمارستانها بدهی دارند. در این هنگام محمدرضا خباز نماینده کاشمر در تذکر آیین‌نامه‌ای با استناد به ماده 77 اظهار داشت: وزیر توضیح داد که مهد کودک مراکز نگهداری شبانه روزی و کودکان بی‌سرپرست و خیابانی‌خانه‌های سلامت دختران و زنان مجتمع‌های خدمات بهداشتی، کلینک‌ها و اورژانس‌های مددکاری اجتماعی و برخی مراکز دیگر واگذار شده است. این در صورتی است که این مراکز 8 سال پیش واگذار شده و هیچ ارتباطی که عملکرد وزیر ندارد. به گفته خباز این مراکز پیش از ابلاغ سیاست‌های اصل 44 از سوی رهبری و براساس برنامه سوم توسعه واگذار شده است.

پس از این تذکر حواد جهانگیر زاده نماینده ارومیه طی تذکری با انتقاد از استناد خباز به ماده 77 در تذکر گفت: بهتر است به شکل دقیق‌تر استناد شود. محصولی وزیر رفاه نیز در ادامه توضیحات خود تصریح کرد: واگذاری به بخش خصوصی به نفع وزارت رفاه است و از آنجایی که اهمیت اصل 44 دقیقاً مشخص است، جای هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد. اما زیان ده بودن شرکت‌ها ربطی به اصل 44 ندارد.

وی همچنین ضعف مدیریتی را نیز از موارد بی‌ارتباط با اصل 44 دانست و گفت: ما باید منابعی را که از طریق مردم اخذ می‌کنیم، حراست کنیم. حراست به معنای سرمایه‌گذاری در جهت رشد و شکوفایی خواهد بود. محصولی حضور شستا در بازار سرمایه‌گذاری کشور را از اصلی‌ترین علل رشد اقتصاد دانست و در واکنش به تذکر خباز گفت: بهتر است گزارش‌ها را مشاهده کنید تا متوجه شوید از سال 84 تا 89 میزان واگذاری‌ها تا چه اندازه تفاوت داشته است. سیاست ما در بهداشتی و واگذاری تمام تصدی‌گری‌ها بوده است. محصولی خاطرنشان کرد: همه سرمایه‌گذاری‌ها در جهت افزایش سهم مردم و مستمری‌بگیرانی است که پول داده‌اند. اگر این کار را انجام ندهیم مجلس باید از بودجه عمومی کم کند تا بتواند جلوی ورشکسته شدن سازمان تامین اجتماعی را بگیرند.

وی در پایان گفت: طبق مصوبه مجلس ما دریافت‌کننده سهام بابت رد دیون هستیم. نادر قاضی پور نیز با اشاره به اینکه میلیاردها دلار پول کارگران و کارمندان در شستا وجود دارد، یادآور شد که هیچ نظارتی بر آن شرکت‌ها نیست و گزارشی از عملکرد آن نیز مشاهده نمی‌شود. وی با بیان اینکه در دفاع از حقوق کارگران و کارمندان صحبت می‌کند، یادآور شد: چرا باید هیچ برنامه‌ای به سرانجام نرسد و توسط مدیران جدید لغو شود و در مورد رفاه کشور هیات مدیره تصمیم‌گیری کند؟ نماینده مجلس معتقد است نگهداری یتیمان بر عهده دولت است که آن را به بخش خصوصی واگذار می‌کند اما کارخانه‌ها به این بخش واگذار نمی‌شود. قاضی پور با طرح این سوال که چرا مسوولین به ترفندهای مختلف ما را از اعمال قانون باز می‌دارند؟ گفت: مجلس حق نظارت بر هر موردی را دارد و مسوولان اجرایی مکلف‌اند در این مورد پاسخگو باشند و نباید بر انجام این وظیفه بهانه تراشی شود. وی در پایان تصریح کرد که از پاسخ وزیر رفاه قانع نشده و خواستار رای‌گیری است. براین اساس نمایندگان با 97 رای موافق 81 رای مخالف و 12 رای ممتنع نشان دادند که از پاسخ وزیر رفاه و تامین اجتماعی قانع نشده‌اند.

اخراج ۲ تن دیگر از کارگران شرکت سبز زیور

شرکت سبز زیور، پیمانکار شهرداری منطقه یک رشت (گلزار) است. کارگران خدماتی قراردادی شهرداری منطقه یک رشت که با این شرکت کار می‌کنند در حال حاضر حداقل 5 ماه اضافه کاری معادل یک میلیون تومان از این شرکت طلبکارند. مالک شرکت سبز زیور فردی به نام جمشیدی از اهالی کرج است که با زد و بند با شهردار رشت و اعضای شورای شهر رشت توانست این قرارداد را منعقد کند. در این میان کارگران معترض حتی با شهردار ضدکارگر رشت - فریدونی - و رئیس شورای ضد کارگر رشت - قاسمی - بارها مذاکره کرده‌اند اما نتیجه نگرفته‌اند. در پی این اعتراضات دو تن دیگر از کارگران خدماتی شهرداری منطقه یک گلزار رشت نیز از شرکت خدماتی سبز زیور اخراج شدند. این دو تن که جمشید ضیاء و رحمان فخیم صادقی نام دارند از تاریخ ۸۹/۳/۴ اخراج شده‌اند. لازم به ذکر است که ماشین‌های حمل و نقل شهرداری که در اختیار شرکت سبز زیور است به علت استهلاک بالا و هزینه زیاد تعمیر و نگه‌داری از دور کارکردن خارج شده‌اند. شهرداری خواستار خسارت در این زمینه و فسخ قرارداد با جمشیدی به علت بی‌لیاقتی وی است. در مقابل، جمشیدی با پرویی تمام خواستار ضرر و زیان ناشی از فسخ قرارداد است. در این میان سرنوشت و تکلیف کارگران خدماتی شهرداری مشخص نیست.

کنف کار

کارخانه کیسه بافی کنف کار که متعلق به خانواده زهرابی و دو پسرعموی جزایری عرب است در حال حاضر با ۱۳۰ کارگر مشغول به کار در یک شیفت است. کارگران هریک در حدود ۴ میلیون تومان مطالبات معوقه طلبکارند. اما کارخانه علیرغم تولید از اول سال جاری ۸۹ تا کنون فقط ۳۰۰ هزار تومان به هریک از کارگران پرداخته است. مدیر عامل ضدکارگر فعلی دختر زهرابی است که وکیل وی مسئول رتق و فتق کارها است. کارخانه دارای شورای کارگری تحت نظارت اداره کار و تأیید شده اطلاعات است که سه عضو دارد که سال هاست در شورا عضویت دارند.

فعالان ضدسرمایه داری گیلان

خرداد ۱۳۸۹

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

فشار اداره اطلاعات بر فعالین کارگری شهرستان کامیاران

طبق خبر رسیده به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری مامورین اماکن شهرستان کامیاران به دستور اداره اطلاعات به منظور فشار بر فعالین کارگری به مغازه فرهاد ابراهیمی عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حمله کرده و اجناس وی را با خود بردند. لازم به ذکر است نامبرده حدود ۲ ماه است که مغازه خدمات کامپیوتری باز کرده است و در این مدت مامورین اماکن حداقل ۵ بار به مغازه وی حمله کرده و مانع کسب و کار وی شده اند. و ۱ بار نیز به مدت یک هفته مغازه وی را پلمب کرده اند. مامورین اماکن بدون نشان دادن مجوز تفتیش، وارد مغازه شده و به وی گفته شده فردا راس ساعت ۹ صبح خود را به اماکن معرفی نماید

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگر

23 خرداد 1389

سه روز پس از بازداشت سعید ترابیان صبح امروز رضای شهبابی یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد صبح امروز دستگیر شد

سایت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ 24 خرداد نوشت: ساعت ده صبح امروز 22 خرداد ماه رضای شهبابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه پس از گذشت سه روز از بازداشت سعید ترابیان در محل کار خود دستگیر شد.

به رضای شهبابی که در منطقه 3 شرکت واحد مشغول بکار بود و دراستراحت پزشکی بسر میبرد اعلام شده بود به اداره مرکزی شرکت در نارمک منتقل شده است و پس از پایان استراحت پزشکی جهت ادامه کار باید به آنجا برود. به همین منظور نامبرده امروز به اداره مرکزی شرکت واحد مراجعه کرد و در حالی که در کارگزینی این اداره منتظر بود توسط چهار نفر از مامورین امنیتی در ساعت ده صبح دستگیر شد و از آنجا به منزل خود منتقل گردید و مامورین پس از تفتیش منزل رضای شهبابی او را با خود به محل نامعلومی منتقل کردند و در پاسخ خانواده اش که پرسیده بودند رضای را با خود به کجا میبرید این مامورین اعلام کردند محل نگهداری رضای را بعداً به شما خواهیم گفت.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت اعضای هیئت مدیره خود آقایان سعید ترابیان و رضای شهبابی را محکوم میکند و بدینوسیله اعلام میدارد فعالیت سندیکائی و دفاع از حقوق صنفی کارگران حق مسلم آنان است و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آقایان سعید ترابیان و رضای شهبابی و پایان دادن به ادامه زندان منصور اسالو و ابراهیم مددی است.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
خرداد 1389

افزایش 15 درصدی بهای لبنیات، نوسان شدید قیمت گوشت و ورود بی رویه محصولات کشاورزی

خبرگزاری کارایران- ایلنا در تاریخ 24 خرداد 89 نوشت: افزایش 15 درصدی قیمت لبنیات، نوسان شدید گوشت قرمز و ورود محصولات کشاورزی از کشور چین باعث شده تا بازار مصرفی ایران و به خصوص تهران بیش از پیش با نابسامانی مواجه شود. به گزارش خبرنگار ایلنا، در بخش خشکبار و آجیل، قیمت‌ها اگرچه با افزایش همراه نشده‌اند اما ورود محصولاتی همچون بادام چینی در نوع خود به این بازار حال و هوای دیگری داده است. یک فعال بازار در این مورد اظهار داشت: قیمت‌های خشکبار و آجیل نسبت به ماه‌های آخر سال 88 چندان تغییر نکرده‌اند اما نسبت به مدت مشابه سال گذشته با افزایش 5 درصدی همراه شده‌اند. این درحالی است که مغازه‌های خشکبار و آجیل نسبت به مدت مشابه در سال گذشته و یا حتی ماه‌های واپسین سال از تراکم مشتری در آنها خبری نیست. بازار گوشت نیز در این میان هنوز بی‌ثبات و با نوسان قیمتی همراه است. در حال حاضر در این بازار و به گفته فعالان و مشتریان آن، هر کیلو گوشت به طور میانگین بین 16 تا 20 هزار تومان به فروش می‌رسد و این از چرخش قیمت‌ها در این بازار حکایت دارد. لبنیات هم که تا پیش از این رییس اتحادیه کارخانه‌داران لبنی و هم رییس اتحادیه دامداران ایران از عدم افزایش قیمت آن خبر داده بودند از رشد قیمت بی نصیب نبوده است. یک فعال بازار در این رابطه به خبرنگار ایلنا گفت: قیمت فرآورده‌های لبنی با رشد 15 درصدی همراه بوده است. اما جالب اینجا است که مسوولین هر گونه افزایش قیمتی را در بازار این محصولات تکذیب می‌کنند.

دستگیری رضا شهابی، سعید ترابیان، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا اخوان عجز و ناتوانی رژیم در مقابل کارگران

سعید ترابیان یکی از نمایندگان سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه و عضو هیات مدیره سندیکا را در مقابل چشمان اعضای خانواده‌اش و در منزلش با دستبند، توسط مامورین امنیتی رژیم دستگیر گردید. در تداوم چنین عملی آنهم بعد از سه روز از دستگیری ترابیان، یکی دیگر از هیات مدیره سندیکای کارگری شرکت واحد، رضا شهابی در ساعت 10 صبح 22 خرداد در اداره مرکزی اتوبوسرانی تهران و حومه دستگیر میشود. این دو فعال کارگری در شرایطی به اسارت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی درمی‌آیند، که منصور اسانلو دبیر اول و ابراهیم مددی معاون سندیکا هنوز در زندان بسر می‌برند. بهنام ابراهیم زاده کارگروه سازی پلی اتیلن شور آباد شهر ری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری روز شنبه 22 خرداد در تهران دستگیر و به شیوه وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در وضعیت وخیمی در زندان بسر می‌برد. قابل به ذکر است که در تاریخ 13 خرداد، علیرضا اخوان از فعالین "کانون مدافعان حقوق کارگری" نیز دستگیر شده بود که هنوز در اسارت حاکمیت چهل و سرمایه قرار دارد.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری بازداشت رضا شهابی، سعید ترابیان، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا اخوان را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط همه اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی هستیم. ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی کارگری و نیز تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

13 ماه ژوئن 2010

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا proletarianunite@gmail.com
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkargari@gmail.com
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه sstiran@yahoo.fr
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه kanoonhf_2007@yahoo.de
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر kanon.hannover@yahoo.de
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ kanounhambastegi@gmail.com
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk
- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن leftalliance@yahoo.com
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا toronto_committee@yahoo.ca

**از زخم قلب محمود صالحی
محمد قراگوزلو**

اردیبهشت 1389. تهران به سختی نفس می کشد. حتی هوای بامدادی نیز کم ترین تازه گی و طراوتی ندارد. ریه ها پنداری در انبانی از قیر تمنای اکسیژن می کنند. این فقط آبریان خلیج مکزیک نیستند که قربانی سودجویی سیری ناپذیر بریتیش پترولیوم (BP) شده اند. از هیروشیما تا چرنوبیل، از قطب شمال تا حلیچه و... هر کجای دیگر که سرمایه داری چنگ و دندان خود را برای حل بحران اضافه تولید و سایر منجلاب هایش به اندام انسان و طبیعت کشیده، صلح و محیط زیست و حیات انسانی را به مخاطره افکنده است. خرس ها و پنگوئن های قطبی مانند مردم شهر من تهران مرعوب آلوده گی و گرمایش طاقت فرسائی شده اند که تنها مسبب آن سرمایه داری ست. سرمایه داری کمر به قتل انسان و طبیعت بسته است و در نهایت بربریت بدوی ترین حق حیات (تنفس) را نیز به رگبار دود و سود بیشتر بسته است. این دیگر پیش بینی فلان رمال یا جن گیر نیست. اگر تا یکی دو دهه ی دیگر سوسیالیسم بر جهان حاکم نشود، دور نیست که توحش سرمایه داری تنها زیست گاه انسان را به ورطه ی نابودی کامل بکشد.

شنبه 25 اردی بهشت. ساعت 6 صبح. میدان آزادی. آخرین باری که از این میدان به تجریش رفتم و بعد در بند و شیرپلا و توچال؛ سال 1355 بود به گمانم. با دوچرخه. به همراه تنی چند از بچه های قدیمی. و بعد زندان ساواک بود و چند ماهی اسارت و بعد هم انقلاب و آغاز سرگردانی. از میدان آزادی تا تجریش را بیست دقیقه می کویدیم. گاهی اوقات نیز از میدان انقلاب (24 اسفند) یا ابتدای تئاتر شهر کورس می گذاشتیم. شب های در بند تا صبح بیدار بود و روشن بود. به یاد عارف فروزینی و فرخی یزدی، روزهای مشروطه را ورق می زدیم و دوره می کردیم و شاملو می خواندیم. شنیده بودم فرخی - به پی روی از عارف - دوستی را مامور کرده بود تا غزل های ضد استبدادی اش را در رهگذر عابران، با صدای خوش بخواند و دوست دیگری او را با سه تار همراهی کند. تاثیر موسیقی در بسیج توده پی حیرت انگیز بوده و هست. حالا تجریش خاموش است. حتی از امامزاده ی آن نیز نوری ساطع نمی شود. در گرما ی شلوغ میدان یک عده می روند و یک عده باز می گردند. از کنار برج میلاد که می گذشتیم یک لحظه با خود اندیشیدم که چگونه دولت می تواند بر جی با این عظمت بسازد اما جمعیت عظیمی از مردم ایران بی خانه و بی کار بمانند؟ اتوموبیل های آخرین مدل لکسوس و بنز و بی ام و که هر از چندگاه با فخر و قاطعیت، پراید مسافربرخط آزادی تجریش را تحقیر می کنند؛ صدای غرولند راننده را درآورده اند. راننده، مردی میان سال است که مرتب تاکید می کند "تمام دار و ندار ما به طرف و تایرهای این ماشین ها به طرف." و بعد زیرلب فحشی نثار... می کند و از آینه به واکنش مسافران عقب می نگرد. اگر روز دیگری بود حتماً در صحبت را باز می کردم. اما حالا حال و حوصله ی درست و حسابی ندارم. ماشین فکسنی ام را در گوشه یی از خیابان صادقیه گذاشته ام. خسته از چند شب (یا ماه ها؟) بی خوابی، اعصاب راننده گی ندارم. پایم نیز قدرت کلاچ گیری ندارد.

ساعت 7 صبح. بیمارستان شهدای تجریش. نه نگهبان و نه هیچ کس دیگری نمی پرسد: کجا؟ مستقیم به بخش اورولوژی می روم. ابتدا خود را به سرپرستار بخش معرفی می کنم و اجازه ی حضور بر بالین بیمارمان را می گیرم. با احترام تمام می گوید: "شما صاحب اختیارید؟! نمی دانم چرا و این "اختیار" از کجا و چگونه به من هیچ کاره تفویض شده است. اتاق یک. تخت چهار. اتاقی با چهار تخت. بی شباهت به اتاق بیمارستان های جنگی و صحرائی نیست. آتش و لاش، گوشه ی اتاق، سمت چپ خوابیده است. ن خوابیده. افتاده است. و همسرش مضطرب به نظر می رسد. نزدیک می شوم. دستمال خیس داغ را از صورتش بر می دارم و پیشانی اش را می بوسم. انگار لبم به گوشه ی تنور خورده است. عوارض تب 39/5 درجه را می دانم. تشنج. دست به کار می شوم. برای پاشویه. نه از گاز خبری هست و نه از طرفی تمیز. پرستار بخش عذرخواهی می کند، از کمبود امکانات. کارگر بخش را می بینم. با یک روز دستمزد حداقل می توان وسایل ابتدایی پاشویه را تهیه کرد و تب را شکست. این دیگر رشوه یا پول چای و زیر میزی نیست. نمی دانم چیست. نجیبه (همسرش) کومک می کند تا به سرعت گازها، خیس و تعویض شود. پیشانی، زیر بغل، پشت گوش، کمر، پا و شکم مثل کوره می سوزند. شکم برآماسیده است. سخت وحشت ناک برآماسیده است. کلیه های عفونی و خون ریزی شدید بر حجم شکم چندین برابر افزوده اند. درد امان بیمار را بریده است. تب، اما افتاده است. به اتاق سرپرستاری برمی گردم و تقاضای مسکن می کنم. جواب رد یعنی که پزشک باید بنویسد. پرونده ی بیمار را می بینم. نوشته است مسکن PRN می گویم: "خانوم جان! PRN به گمانم یعنی هر وقت مریض درد داشت مسکن بزنید." می گوید: "بله. اما مسکن نداریم. یعنی شما از کجا می دانید که...". می گویم: "در کیهان بچه ها خوانده ام دوست عزیز." معلوم می شود مسکن دارند. مسکن تزریق می شود و هنوز بیست دقیقه نگذشته است که بیمار ما برمی خیزد و روی تخت می نشیند. حالا دیگر می توان محمود صالحی را شناخت!

در بیمارستان دولتی از پزشک متخصص خبری نیست. بیمارستان در قُرق رزیدنت هائی ست که به تبع غرور جوانی و فقدان کنترل و مدیریت یک پزشک باتجربه؛ رفتارشان آماتور و گاه توام با گستاخی ست. و تشخیص شان محل تردید. جلوی آوانگاردشان را می گیرم. نمی ایستد. شتاب زده و دست و پا شکسته از زیر ابتدائی ترین سوال من می گریزد. لاجرم یادآور می شوم که طی سال های گذشته هزاران تن همچون او - گیرم در رشته های دیگر - از من آموزش علمی و مشاوره گرفته اند. کتاب ها و مقالات من را خوانده اند و به سخن رانی هایم گوش داده اند. می ایستد. می گوید: "استاد من! باور کنید ما نیز شرمنده ایم. شما که بهتر می دانید...". می گویم: "می دانم. اگر به من "استاد" نگوید سوالم این است که چه باید کرد؟" می گوید: "بیمار شما باید همین امروز سریعاً سونوگرافی شود، اما متخصص سونوگرافی این بیمارستان فقط 3شنبه ها می آید.

یعنی چهار روز دیگر. یعنی که... من الان زنگ می‌زنم به دکتر... کلینیک خصوصی... خیابان شریعتی. مشکلی که نیست؟ فقط کمی هزینه..."
کیسه‌ی ادرار پر از خون شده است. خون. رزیدنت می‌گوید: "عجله کن. ولی ما آمبولانس نداریم؟! رفتی اونجا بگو من رو فلانی فرستاده معطل نمی‌شوی. همین بیرون آژانس هست..."

کلینیک غلغله است. چند تن از بیماران به ویزیت زود هنگام، اعتراض می‌کنند. نوبت آنان است. حق دارند. یکی از دیگری بدحال‌تر و رنگ پریده‌تر. حال محمود از همه بهتر است؟! دکتر...، پزشکی جنتلمن با روابط عمومی خوب. حین سونوگرافی از شغل من می‌پرسد و بلافاصله وارد دیالوگ می‌شود و چندمین سوالش این است: "چرا این جا مانده‌ی؟ چرا نمی‌روی؟" می‌گویم: "همین بیمار اگر اراده کند، CGT فرانسه و صدها تشکل کارگری بین‌المللی برایش حرکت می‌کنند. از او پپرس چرا نمی‌رود. من چی کاره‌ام. جز یک نویسنده‌ی منزوی با چندین کتاب چاپ شده و غیرمجاز و خمیر شده؟! این بار با اشتیاق بیشتری به محمود می‌نگرد و اسمش را از روی معرفی‌نامه‌ی بیمارستان می‌خواند: "محمود صالحی چی کاره است؟ نمی‌شناسم." می‌گویم: "اگر محسن سازگارا یا علیرضا نوری زاده بود می‌شناختی؟ ما چه کنیم که سرمایه‌داری و رسانه‌هایش را دشمن کارگران می‌دانیم." در حین معاینه - که به نظر می‌رسد با دقت بیشتری صورت می‌گیرد - می‌گوید: "بین دکترجان! کلیه‌های این دوست عزیز ما به پایان خط رسیده‌اند. تمام. و باید هر چه سریع‌تر به فکر پیوند باشید. دی روز دیر است."

28 اردی بهشت. درد کنترل شده است. خون ریزی نیز کم و بیش. شکم هنوز متورم است. حالا نوبت MRI است و بیمارستان به جای این تجهیزات اولیه تا دلت بخواهد سردخانه‌ی فعال دارد. پشت پنجره‌ی اتاق یک بخش اورولوژی کارگران مشغول حفاری‌اند. صدای گوشخراش بیل و کلنگ! روی تخت 2 و 3 مجموعاً چهار نفر خوابیده‌اند. فقط یکی لباس بیمار به تن دارد. سه نفر دیگر با شلوار لی و کفش روی تخت ولو شده‌اند. کاشف به عمل می‌آید این "دوستان" تازه وارد میهمان بیمار تخت 2 هستند و چون شب‌ها جایی برای خواب ندارند به این مکان امن و آرام قناعت می‌کنند! یکی از "برادران مهمان" همین که چشمش را باز می‌کند سیگاری می‌گیراند. می‌گویم: "خاموش کن" نگاهی به جاقوی ضامن دارش می‌کند که در دست من باز و بسته می‌شود. سیگارش را خاموش می‌کند. می‌گویم: "مثل این که عزیزان این جا را با بیتیم خانه یا گاراژ شمس‌العماره عوضی گرفته‌اند... اگر جا ندارید، ما کلیه‌ی در دروازه غار داریم..." از پرسنل بیمارستان خبری نیست. یکی از دوستان محمود را برای MRI می‌برد. کجا؟ بخش خصوصی. "برادران لومپن" نیز زحمت شان را کم می‌کنند.

ساعت 11 صبح. هنوز محمود برنگشته برای تخت 3 بیمار آمده. جوانی از جمهوری آذربایجان. با عمو و مادرش. نارسایی هر دو کلیه اندام جوان را درهم شکسته است نیم ساعت بعد عموبیش او را برای انجام سونوگرافی و MRI به بیرون می‌برد. حالا من مانده‌ام و مادری حدوداً پنجاه ساله از شهر باکو که به علی‌آباد خرابه‌ی ما پناه آورده است. نه یک جمله‌ی انگلیسی می‌داند و نه یک کلمه‌ی فارسی. از حافظه‌ام کومک می‌گیرم. ترکی شکسته‌ی پی‌بسته‌ی من واقعاً شنیدن دارد. گاه با کلمات کردی، لری و بلوچی مخلوط می‌شود و معجونی به کلی شگفت‌ناک تولید می‌کند. جمع‌بندی فشرده‌ی آن چه خانم آذر ماریووا می‌گوید چنین است:

«آذربایجان یعنی علی‌اف‌ها. مردم باید حیدر و الهام علی‌اف را همچون بت بپرستند. اگر به دولت نزدیک باشی وضعیت خوب است. وگرنه مثل ما آواره‌ی. ما که دقیقاً یادمان نمی‌آید، اما پدرم می‌گوید بهترین دوران زنده‌گی، همان زمان کمونیست‌ها بود. اگرچه کوتاه بود. حالا رشوه بپرداز می‌کند. برای یک آمپول زدن باید 5 دلار بدهی. هیچ کس دفترچه‌ی بیمه ندارد. همه چیز خصوصی شده است. اجاره‌ی یک خانه‌ی دو اتاقه در باکو ماهی دو هزار دلار است. بیمارستان نداریم. پزشکان خوب خیلی گران هستند و...»
آهی می‌کشد و به پنجره چشم می‌دوزد. به قول شاملو "نزدیک‌ترین خاطره‌اش / خاطره‌ی قرن‌هاست."
شخصیت مورد علاقه‌اش لنین است و از گورباچف و یلتسین تصویر زشت و مشمئزکننده‌ی پی‌بسته‌ی دست می‌دهد. انگار از همان اوان خاطره‌ی قرن‌ها او را می‌شناخته‌ام. چقدر زود میان ما ارتباط و تعاطف و اعتماد برقرار شد. از کیفیت شکلات در می‌آورد. نوشته‌های روسی شکلات برایم جالب است. می‌گوید "خواهرش از مسکو سوغاتی آورده است. "دعوتش می‌کنم به خانه. می‌پذیرد. می‌گوید "پسرم که خوب شد می‌آئیم."
از این که من نیز رهبر محبوب او را ستایش می‌کنم به وجد آمده است. چشمان آبی‌اش مثل دریا می‌خروشد. ما از طریق آب‌های خزر بارها باغچه‌ی همدیگر را آبیاری کرده‌ایم. می‌گویم "این دوست بیمار ما خودش یک پا لنین است." با شگفتی می‌خندد. نخستین خنده بر افسرده‌گی‌اش غالب شده است. به شوخی می‌گوید "اما قیافه‌ی مریض شما شبیه استالین است!" بی‌چاره محمود! اگر بشنود... برای آذر یکی از آب میوه‌ها را که ملاقاتی‌های محمود آورده‌اند، باز می‌کنم. و او از فلاسک همراهش برای من چای می‌ریزد.

ساعت 13/00. محمود می‌آید. با همسرش و یکی از همراهان. MRI به کلیه‌اش فشار آورده است. درد دارد. می‌رود دست شویی. من هم به دنبالش. و طرف ادرار از خون پر می‌شود. تمام گفت‌وگو با خانم آذر ماریووا را برایش تعریف می‌کنم. با تشبیه استالین می‌زند زیرخنده! به وجد می‌آید. انگار نه انگار که لحظه‌ی پیش درد امانش را بریده بود. هزینه‌ی ام.آر.آی باوجود دفترچه‌ی بیمه‌ی تامین اجتماعی 320 هزار تومان شده است. ناقابل است... و این یعنی هفده هزار تومان بیشتر از حداقل دستمزد ماهانه‌ی کارگر؟! این همان بهداشت و درمان رایگان موعود انقلاب 1357 است؟ خصوصی‌سازی نئولیبرالی مگر شاخ دم دارد؟
متصدی توزیع غذا می‌آید. بسته‌های غذا را گوشه‌ی اتاق می‌گذارد و می‌رود. به این می‌گویند خدمات

بیمارستانی؟ به گفته ی محمود اول صبح یکی از پرستاران با چهار ملحفه ناگهان وارد اتاق شده و به بیماران حکم کرده است که: "برخیزید و ملحفه هایتان را عوض کنید." آن دو سه "دوست لومین" که خواب بوده اند هیچ، اما محمود به اعتراض درآمده است که: "خانوم پرستار! شما فکر می کنید این جا پادگان است؟ و ما سربازیم؟ پس وظیفه ی شما چه می شود؟" و پرستار خود را جمع وجور کرده است. این هم شاهد دیگری بر آن جمله ی طلایی مارکس که "اخلاق حاکم بر هر جامعه، اخلاق طبقه ی حاکم است." در ایران هر کسی اندک قدرتی دارد به دیگری در حکم برده می نگردد. گویا همه برده اند، حتی اگر خلافتش ثابت شود؟! خانم آذر نگران تاخیر پسرش به محمود چشم دوخته است. محمود از من می خواهد به او بگویم مرکز MRI شلوغ بوده و پسرش در نوبت است! روکش غذا را که کنار می زنم حالت تهوع تمام وجودم را می گیرد. نجیبه نان و ماست می خورد و محمود می گوید "اشتها ندارم!". دوغ برای او کافی است!

محمود صالحی از جنس خالص سوسیالیسم کارگری است. مردی از تبار کمونارها که در سال 1871 برای رهایی طبقه ی کارگر و آزادی همه ی انسان ها از یوغ سرمایه داری جان فشاندند. محمود صالحی برخلاف چپ ها سکتی، به فرد گروه یا حزب خاصی تعصب نمی ورزد. دشمنی آنتاگونیستی اش با سرمایه داری تا آن جاست که روزی به بازجویی گفته است: "من برای آزادی پدر کارگر تو نیز مبارزه می کنم." کارگر گرد و ترک و بلوچ و عرب و افغانی نزد محمود عبارت یاهه یی بیش نیست. تنها پشتوانه ی محمود صالحی پشتیبانی کارگران و زحمت کشان است. او نه مانند اکبر گنجی از جایزه ی نیم میلیون دلاری موسسه ی نئوکسنروایتیست کیتوی آمریکا، کمترین بهره یی برده است و نه مانند سرکرده گان لیبرال خیزش سبز از قدرت مدیای سرمایه داری جهانی برخوردار شده است. در تمام این مدت از فاکس نیوز و CNN و BBC و VOA و رادیو زمانه و فردا و پس فردا و غیره خبری درباره ی وخامت حال او منتشر نشده است. در حالی که اگر یکی از اعضای خوار و بی مقدار سبز عطسه یی کند فوراً خبرش در تمام دنیا منتشر می شود. دلایل این را هر دانش آموزی می فهمد. پس چندان عجیب نیست. و ما به خود نمی گیریم. یک ایرانی برای محبوبیت نزد آمریکا و سایر بلوک سرمایه داری باید حتماً قلاده ی سبز به مچ خود ببندد. درست مثل سازگارا. یا نماینده ی اصلاح طلب مجلس ششم باشد. مانند موسوی خوئینی ها و حقیقت جو. یا عضو تحکیم وحدت باشد. مانند افشاری و عطری و داودی مهاجر. یا ژورنالیست دلفکی باشد، مانند ابراهیم نبوی. در این صورت به جز حقوق ماهانه و حق مسکن، هزینه ی بورس تحصیلی نیز به حسابش واریز خواهد شد و احتمالاً اگر قریحه یی داشته باشد در نوبت دریافت جایزه ی پولیتزر یا صلح نوبل خواهد ایستاد. و خانم الهه هیکس مدیحه یی به قافیه ی کشک و اشک و مشک و رشک برایش خواهد سرود. اما آنان کجا و محمود صالحی کجا؟ بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟ نام محمود صالحی - چون یک نانوای زحمت کش است - هرگز در جشنواره ی کن مطرح نشده و نخواهد شد. اگر خلافتی حقوقی یا سیاسی مرتکب شود هرگز شیرین عبادی و باند به اصطلاح حقوق بشری اش وکالت او را نخواهند پذیرفت. کسی برای اهدای کلیه به او نخل طلایی اش را گرو نخواهد گذاشت و ژولیت بینوش تصویری از او به دست نخواهد گرفت و برایش اشک نخواهد ریخت. روبرت دنیرو و مارتین اسکورسیسی نیز محمود صالحی را نمی شناسد و کیارستمی که نان فرانسوی دست پخت دوشیزه بینوش را به نان خمیر یا برشته ی محمود صالحی حتماً ترجیح می دهد، هرگز برای او و به یاد او فیلمی نخواهد ساخت. نه از جنس "طعم گیلان" و نه از جنس "رونوشت برابر اصل". حتی بهمن قبادی نیز - که زمانی اسب هایش در کردستان مست کرده اند - دوست دارد، دل خانم هایی همچون رکسانا صابری را برآید. محمود صالحی با آن س بیل های استالینی و چهره ی ساده ی کارگری اش کجا و لیخند جذاب رکسانا صابری دو رگه کجا؟ رکسانا صابری از سوی هیلاری کلینتون حمایت می شود اما حامیان محمود صالحی عده یی کارگر فرودست هستند که به نان شب شان محتاجند. در نزد آنان محمود صالحی یکی از گربه های ایرانی نیست! اگر محمود صالحی یک کارگر خوش تیپ - در حد مسعود بهنود یا ترجیحاً تونی بلر (لیدر سابق حزب لیبر) - بود شاید گشایشی در کار بود. در این صورت حتماً برای صرف قهوه یی با شیر داغ به ضیافت گرم و باشکوه عطاالله مهاجرانی و ابراهیم گلستان دعوت می شد؟ با هزینه چه کسی؟ معلوم است: جرس! همانان که عبدالعلی بازگان را نیز در جمع خود دارند و ما از زبان پدرش به یاد داریم که در انقلاب بهمن 57، ما باران می خواستیم اما سیل آمد! از محمود صالحی ویدئوهای ده دقیقه یی در یوتیوب موجود نیست. محمود نه متکلم است. نه متفلسف و نه مانند حاج آقا عبدالکریم سروش و شیخ محسن کدیور می تواند ساعت ها درباره ی تفاوت سکولاریسم سیاسی و فلسفی، مهمل بیافد. اعتبار او به این نیست که آنتی دورینگ را خوانده (یا نخوانده) و قادر نیست از میحث "کنترل اجتماعی" برنشاین تا "انبوه خلق" تونی نگری و مایکل هارت سخن بگوید. او یکی از اعضای 53 نفر نیز نیست. محمود صالحی برخلاف مرتضا محیط سبز سوسیال لیبرال نیز نیست و برای موسوی و خاتمی هم سینه نمی زند. محمود صالحی "چپ" آمریکائی شده ی امثال فرخ نگهدار و علی کشتگر را در زباله دان تاریخ چال کرده است. اتحاد جمهوری خواهان حالش را به هم می زند. سلام سکولارها را پاسخی نمی دهد. برای او شاید توضیح "سرشت و راز بت واره گی کالا" یا بحث پیرامون چیستی ماجرای پادشاهی ولگردان - در اواسط سده ی هفدهم فرانسه - و غیره دشوار باشد. اعتبار او در متن جنبش کارگری اما بیش از این هاست. یک گام کوچک او به تمام کتاب های دانشگاهی و مقالات آکادمیک من می ارزد. اعتبار او به اسلحه و بمب و نارنجک نیست. او از زمانی محمود صالحی شده که با گذشته ی میلیونات خود مرز کشیده است. تغییر جهان برای او نه از گلوله های پازوکا و آرپی جی هفت، بل که از مسیر مبارزه ی طبقاتی کارگران عبور می کند و در نهایت به آزادی و رفع استثمار می انجامد. همه ی اعتبار او در این جمله مشهور مارکس است که "سوسیالیسم از وقتی علمی می شود که به جنبش کارگری پیوندی می خورد." تمام کرسی های دانشگاهی برکلی و استنفورد و میشیگان و هاروارد و کمبریج و موسساتی مانند NED و شیکاگو با هزینه های هنگفت برای این تاسیس شده اند که پنبه ی سوسیالیسمی را بزنند که محمود صالحی یکی از پیشروان آن است.

کسانی که علیه لغو کارمزدی شعار می دهند، کسانی که در نفی مالکیت خصوصی شعر می نویسند، کسانی که برای اعدام عبدالحمید ریگی اعلامیه می دهند- اما کارگران را فراموش می کنند- ؛ کسانی که برای حمله ی ارتش عراق به اردوگاه اشرف بیانیه صادر می فرمایند؛ کسانی که در لاک نخبه گرایي ژست کارگر پناهی به خود می گیرند... همه ی این کسان با این همه ادعای چپ گرایی، با تمام اتحادیه های آزاد و استبدادی شان، وقتی که در همدردی با محمود صالحی سکوت پیشه می کنند، به طور عینی خود را با جنبش واقعی کارگری بی ربط نشان می دهند و تا حد یک محفل یا محفل سکتی ساقط می شوند. بحث بر سر اهدای یک کلیه از نوع آمنفی (O-) به محمود صالحی نیست. سخن بر سر اتحاد کارگری و تطور طبقه ی کارگر از طبقه ئی در خود به طبقه ئی برای خود است.

شاملو در جایی گفته بود "باید از جنس زر بود تا مورد پرستش قرار گرفت. حتا اگر گوساله یی بیش نبود." این منطق جهان سرمایه داری ست. بازار آزاد فقط به اندازه ی پولی که می توانی بسلفی برای تو اعتبار قائل است. ما پول چندانی نداریم. مدت هاست که از کارهای نسبتاً درآمدزا بی کار شده ایم. پس انداز ما کفایت تهیه ی یک پیانوی کوچک برای گوشه یی از خانه ی شصت متری مان را نمی دهد. هزینه ی تعویض کلیه به چند ده میلیون سر می زند. محمود صالحی پس از دو هفته بستری در بیمارستانی بی در و پیکر؛ مرخص می شود و به دیار خود می رود. با درد و خون ریزی. یک لحظه با خود می اندیشم ثروتی که طبقه ی کارگر تولید می کند اگر در خدمت رفاه جامعه قرار گیرد، آن گاه دیواری فروریخته بر جای نخواهد ماند و هیچ کودکی برای تامین هزینه ی تحصیل کار نخواهد کرد و دختران زیبای سرزمین من برای امرار معاش خانواده ی فقیر خود به تن فروشی در کشورهای عربی تسلیم نخواهند شد. این ها اتوبی نیست. با هشتصد میلیارد دلاری که ظرف 31 سال گذشته از عواید نفت به دست آمده می توانستیم ایران را گلستان کنیم. می پرسید هزینه ی تحصیل ده ها آقازاده در لندن چه می شد؟ اتوبان ها و برج های ونکوور و تورنتو؟ ویلاهای قبرس و هاوایی و فناری؟ میلیاردهای اتاق بازرگانی؟ اسپانسرهای کارگزارانی سبزه ها و موسوی؟! خانه های چندصد میلیارد تومانی زعفرانیه و نیاوران؟ می گویم خیلی ساده است: مصادره!

کشور مثل ده ها واقعه ی دیگر سه روز پی در پی تعطیل مطلق است. ویلاهای شمال برای عیاشی پول داران و کنار خیابان ها و پارک ها برای اتراق تهی دستان. مهم نیست که همسر یا دخترت جایی برای رفتن به توالت نداشته باشند، جای خواب هم مهم نیست. چادر چینی 30 هزار تومانی جور خانواده ات را می کشد. در چنین مواقعی خیابان های رامسر و انزلی و بابلسر و... پر می شود از کیسه پلاستیک حاوی مدفوع. من بارها شاهد چنین صحنه های ضدانسانی بوده ام. مردم در پارک ها می لولند. چند تن از دوستان ما را به میهمانی فرا می خوانند. رشت ساری لاهیجان و... نمی پذیرم. پنداری دل و دماغ خوش گذراندن ندارم. ساعت 12 شب ماشین را روشن می کنم به قصد سقز. همسرم تمایلی ندارد. می گویم شما به مادر پیر و رنجورت سری خواهی زد و ما نیز... محمود را خواهیم دید. رسم معرفت و رفاقت حکم می کند که برویم. می رویم. راننده گی در شب برایم آسانتر است. مثل نوشتن در شب... چای می نوشیم و گپ می زنیم. و صدای ساز فواد که ما را تا دنیای پیچیده ی جان لنون و جیمی هنریکس و جیمز هیتهیلد می برد. ساعت از 3 بامداد گذشته است. نه سرعتی و نه عجله یی. ناگهان "گارد ریلی" عجیب، تازه تاسیس شده و غیر منتظره در مکانی جدید و غیر منتظره پیش روی مان سبز می شود. (به عکس ها بنگرید) ده متر آن طرف تر - پس از گارد ریل - نوشته است، بیچار 35. و تا آن نقطه نه چراغی، نه تابلویی نه علامتی؟! با همان سرعت به گارد ریل می کویم... باقی ماجرا در چند تیتر خلاصه از این قرار است.

- پلیس با نیم ساعت تاخیر می رسد.
- کتف همسرم شکسته است اما در بیمارستان دولتی زنجان از پزشک خبری نیست. آمبولانس هم ندارند.
- دنده ی من به شدت ضرب خورده و نفس ام بالا نمی آید. اما بخش خصوصی در جاده ی بیچار شعبه ی درمان ندارد؟!
- بروکراسی کثیف بیمه چند میلیون خسارت ما را نمی پردازد.
- بخش خصوصی با پول چرب و چیلی وظیفه ی درمان شکسته گی را به عهده می گیرد.
- اتوموبیل مان قراضه شده است. (فدای سر وزارت راه؟!)
- ما اکنون در خانه و با درد فراوان "دوره می کنیم شب را / و روز را / هنوز را"
و این حکایت مردمی ست که قرار بود، دست کم از سی سال پیش دولت رفاه داشته باشند. سوسیالیسم پیش کش.

بعد از تحریر 1

چند اتوموبیل می ایستند. حتا در تاریکی شب نیز خونی که از صورت همسرم جاری ست به وضوح پیداست. من منتظر آمبولانس به این و آن زنگ می زنم. مسافران از من سراغ جاده ی بانه را می گیرند. پیداست برای چه؟ کسانی که از ابتدای ورودی بیچار، نه نجف آباد، نه دیواندره و نه حتا مسیر سقز را جویا نیستند و مستقیماً سراغ جاده ی بانه را می گیرند. ناگفته معلوم است که برای اتیاع اضافه تولید "برادران چینی" عازم سفر شده اند و به دل جاده های کردستان زده اند. LCD و کولرگازی و کباب پز و تله ی موش گیری و سایر وسایل لوکس و بنجل سرمایه داری چین که از طریق "قانونی" با کامیون از مرز می گذرد و به بانه سراریز می شود، به "انکشاف سرمایه داری در کردستان؟!!" دامن زده است!! استثمار شدید و دستمزد ناچیز کارگر چینی؛ کارگر ایرانی را نیز به فلاکت و بی کاری کشیده است. به این می گویند جهانی سازی سرمایه داری. اگر کارگر نساجی و الکترونیک و... ایران به دلیل شکست در رقابت تولیدی، بی کار شده است، می تواند به دستمزد ارزانتر، قرارداد سفید؛ حقوق معوقه ی سالی یک بار؛ محرومیت از بیمه ی بی کاری و بهداشت و... تن دهد یا به قاچاق مواد مخدر

بپردازد. اگر بر و روئی داشت درهای تن فروشی نیز باز است! می تواند کلیه اش را هم به فلان توله ی سرمایه دار بفروشد...

بعد از تحریر 2
ما برای جمع کردن این بساط مبارزه می کنیم.

Mohammad.QhQ@Gmail.com

12:23 خرداد 1389 24

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار تهران: واحدهای هستند که 9 ماه حقوق معوقه به کارگران بدهکارند

ایلنا: خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 24 خرداد 89 نوشت: عضو هیات مدیره کانون هماهنگ شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: در تهران واحدهای صنعتی بزرگی داریم که 9 ماه است حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده اند. ولی الله صالحی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: باید اعضای هیات مدیره کانون تهران برای این گونه واحدها چاره اندیشی کنند. دبیرکانون عالی شوراهای اسلامی تصریح کرد: کانون عالی شوراهای جلسات مشترکی با کانون عالی کار فرمایان داشته و همکاری‌ها در زمینه رفع مشکلات واحدهای تولیدی بحران زده ادامه خواهد داشت. صالحی تصریح کرد: به وزارت کار پیشنهاد کرده‌ایم که در هیات حمایت از صنایع، نمایندگان از گروه کارگری و کارفرمایی نیز حضور داشته باشند تا مشکلات بهتر رسیدگی شود. وی تصریح کرد: به تمامی کانون‌های استانی دست همکاری دراز می‌کنیم و از برخی کانون‌ها به خصوصی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران می‌خواهم که به جای دروغ گفتن در روزنامه و سایت‌ها به مشکلات واحدهای بحران زده استان تهران رسیدگی کنند.

پایان پیام

در ازای دریافت يك برج حقوق معوقه کارگران صورت گرفت؛ پایان اعتراض کارگران صنایع فلزی

ایلنا: خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 24 خرداد 89 نوشت: پس از چند هفته اعتصاب، سرانجام کارگران کارخانه صنایع فلزی در ازای دریافت يك ماه حقوق و مزایای معوقه خود به کار خود بازگشتند. کارگران کارخانه صنایع فلزی در تماس با خبرنگار ایلنا، گفتند: پس از آنکه کارگران حقوق مربوط به خرداد ماه سال گذشته خود را در هفته گذشته دریافت کردند؛ اعتصاب چند هفته‌ای در کارخانه صنایع فلزی پایان یافت. پیشتر 250 کارگر کارخانه صنایع فلزی ایران در اعتراض به دریافت نکردن 6 ماه حقوق معوقه برای چند هفته اعتصاب کرده بودند. به ادعای کارگران، کارفرمای این واحد تولیدی بخش خصوصی بابت حقوق و مزایای خرداد، تیر، بهمن و اسفند سال 88 و نیز مطالبات فروردین و اردیبهشت سال جاری به آنها بدهکار است. کارگران می‌گویند هرچند هنوز زمان پرداخت سایر مطالبات معوقه مشخص و قطعی نیست اما آنها از روی ناچاری ترجیح دادند تا در ازای دریافت يك برج از مطالبات معوقه به اعتراض چند هفته‌ای خود خاتمه دهند. این کارگران همچنین گفتند به دلیل آنچه که کمبود نقدینگی و بحران مالی عنوان می‌شود؛ پرداخت حق بیمه آنها برای مدتی به تاخیر افتاده و در نتیجه سازمان تامین اجتماعی از تمدید دفترچه بیمه آنها خود داری می‌کند. مجموعه صنایع فلزی در زمینه ساخت لوازم آداری فلزی، اتاق پیش‌ساخته و پل‌ها و تاسیسات فلزی فعالیت دارد.

پایان پیام

فیلترینگ سایت سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم می‌کنیم

فیلترینگ سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را محکوم می‌کنیم صبح امروز ۲۳ خرداد ماه سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به آدرس www.syndicavahed.net فیلتر شد. سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در شرایطی فیلتر شده است که ظرف ۵ روز گذشته دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا آقایان سعید ترابیان و رضا شهابی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. ما بازداشت دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا و بدنال آن فیلترینگ سایت سندیکا را اعمال فشار بیشتر بر سندیکای کارگران شرکت واحد جهت جلوگیری هر چه بیشتر از فعالیتهای سندیکائی و صنفی کارگران ارزیابی می‌کنیم و با محکوم کردن اینگونه اقدامات از همگان می‌خواهیم آدرس جدید سایت سندیکا را به شرح زیر به اطلاع عموم برسانند.

<http://www.syndicavahed.us>

خرداد ۱۳۸۹

محاکمه یک فعال گرد در سقز

آژانس خبری موکریان - جلسه رسیدگی به اتهامات یک فعال کرد در سقز به نام بهاء الدین شهبابی ، صبح روز یکشنبه 23 خرداد، برگزار شد. به گزارش منابع آگاه، دادگاه این فعال کرد، در شعبه اول دادگاه انقلاب سقز به ریاست قاضی شایق برگزار شد و اتهام این شهروند ، «همکاری با گروه‌های مخالف نظام» ذکر شده است. بهاء الدین شهبابی سال گذشته از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و پس از مدتی با تودیع وثیقه آزاد شد.

سرکوب و دستگیری های اخیر را محکوم می کنیم

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 24 خرداد 89 گزارش می دهد : به دنبال بازداشت علیرضا اخوان و سعید ترابیان، دو تن دیگر از فعالان کارگری، رضا شهبابی و مهدی فراخی شانديز، نیز در روزهای اخیر دستگیر شدند. همچنین، در روز شنبه 22 خرداد شمار بسیاری از مردم معترض که به مناسبت سالگرد آغاز اعتراض های یک سال اخیر به خیابان های تهران و چندین شهر دیگر آمدند، بازداشت شدند. خود نیروی انتظامی تعداد بازداشت شدگان را فقط در شهر تهران 91 نفر اعلام کرده است. خبرگزاری های مستقل این تعداد را بسیار بیش از این اعلام کرده اند. علاوه براین، بازداشت مردم معترض توام با سرکوب و ایجاد رعب و وحشت و ضرب و شتم شدید مردم و شلیک گاز اشک آور به طرف آنان بوده است. ما تمام این بازداشت ها و سرکوبگری ها را محکوم می کنیم، فعالیت کارگری را حق مسلم فعالان کارگری می دانیم، اعتراض شهروندان به ظلم و ستم جمهوری اسلامی سرمایه را حق بدیهی آنان می دانیم و خواهان آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان اخیر و به طور کلی تمام زندانیان سیاسی هستیم.

فرزند يك كارگر كوچكترين ارباب رجوع شهردار قرچك شد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 24 خرداد نوشت : شهردار قرچك روز سه شنبه هفته جاري با صحنه اي جالب در قرچك روبرو شد. به گزارش خبرنگار ایلنا در ورامین و قرچك، كودك 11 ساله جهت انجام كاراداري در خصوص دریافت پایان کار به شهرداری قرچك مراجعه کرده بود و در مرحله آخر یعنی پرداخت عوارض ساخت ملك پدرش به دفتر شهردار مراجعه نمود و كارش انجام شد. علي بختياري كه پدرش به عنوان سر آشپز در كارخانه شيروارنا كرمي كند در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: به پدرم مرخصي نمي دهند و من كه تنها فرزند خانواده هستم از طرف پدرم مأمورانجام وظیفه شدم و توانستم با 8 بار مراجعه به شهرداری قرچك پرونده خانه مان را تکمیل کنم. وي گفت: شهردار قرچك بسیار مهربان بود و وقتي با بنده برخورد کرد و با شنیدن حرفهایم با 25 درصد تخفیف اخذ عوارض پایان کار موافقت کرد. شهردار قرچك نیز كه هر روز از ساعت 9 تا 14 ملاقات مردمی دارد به خبرنگار ایلنا گفت: تكريم ارباب رجوع و شهروندان از وظایف كاركنان شهرداری مي باشد و این كودك با مسئولیت پذيري و جهت كمك به خانواده به شهرداری مراجعه نموده كه بنده جهت تكريم حرکت این كودك 11 ساله حداكثر مساعدت را جهت اخذ عوارض با وي نمودم. پایان پیام

معلم زندانی را برای همکاری و اعتراف تحت فشار قرار داده اند

شکنجه گران بازجوی وزارت اطلاعات معلم زندانی اسماعیل عبدی را برای همکاری و اعتراف تحت فشار و شکنجه قرار داده اند. به گزارش هرانا، آقای اسماعیل عبدی معلم زندانی عضو فعال کانون صنفی معلمان ایران به شدت تحت فشار، تهدید و تطمیع قرار دارد تا بر علیه اعضای دیگر کانون صنفی معلمان اعتراف کند. نامبرده تهدید شده است در صورت عدم همکاری با حکم سنگین دستگاه قضایی مواجه خواهد شد. با گذشت بیش از دو هفته از دستگیری عبدی دبیر ریاضی که دارای 18 سال سابقه خدمت در مدارس شهر تهران است، نامبرده در تماس تلفنی اعلام کرده است که قرار بازداشت وی به مدت یک ماه طول خواهد انجامید. اتهامات وی مصاحبه با رسانه های برون مرزی، اعتراض به وضعیت کشور، پیگیری مطالبات صنفی معلمان کشور و دفاع از فرزاد کمانگر است.

دستگیر بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری در 22 خرداد

به نوشته سایت دانشجویان سوسیالیست در تاریخ 24 خرداد 89 آمده است : بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری روز شنبه 22 خرداد در تهران دستگیر و به زندان اوین منتقل شده است.

بنابه گزارش رسیده به سایت دانشجویان سوسیالیست، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری، که تا دیشب خانواده اش از وضعیت وی بی خبر بودند، امروز از بهداری زندان اوین با برادرش در اشنویه تماس گرفته و از بازداشتش در روز 22 خرداد در شهر تهران توسط نیروهای امنیتی رژیم خبر داده است. به گفته وی هنگام دستگیری و بازداشتش در زندان به شیوه وحشتناکی مورد ضرب و شتم قرار گرفته، که بد جوری زخمی و دو تا از دنده هاش شکسته است که به گفته وی در وضعیت وخیمی در زندان بسر میبرد.

گفتنی ست که بهنام ابراهیم زاده کارگر لوله سازی پلی تکنیک شورآباد شهر ری است، که سال پیش (88) هم در 1 مه روز جهانی کارگر هنگام برگزاری مراسم در پارک لاله تهران، (که به مناسبت روز جهانی کارگر، کارگران و فعالین کارگری، دانشجویی و زنان اقدام به برگزاری مراسمی کردند که از سوی نیروهای حامی سرمایه مورد هجوم قرار گرفت و صدها تن از آنان را دستگیر و روانه زندان شدند)، دستگیر شده بود و تاکنون هم دادگاهی وی به اتمام نرسیده و هنوز هم از سوی دادگاه رژیم مورد تعقیب قرار گرفت است. لازم به ذکر است که پدر و برادرش هم که در شهر اشنویه سکونت دارند، از سال پیش تاکنون 2 بار از سوی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به بهانه های واهی دستگیر و بعداً آزاد شدند.

دستگیری فعال زن در مقابل زندان اوین

به گزارش سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 24 خرداد آمده است: سمیه فرید، همسر حجت منتظری، که او نیز در بازداشت به سر می برد، در مقابل زندان اوین دستگیر شد. سمیه فرید فعال حقوق زنان در حالی در مقابل زندان اوین دستگیر شد که برای پیگیری وضعیت همسرش حجت منتظری به زندان اوین مراجعه کرده بود. وی بعد از بازداشت مستقیماً به زندان اوین منتقل شده است. همسر وی منتظری در تاریخ ۱۲ اسفند دستگیر شده و در زندان اوین به سر می برد.

سپاه و اقتصاد ایران: شش فاز پارس جنوبی به سپاه رسید

سایت مردمک در تاریخ 25 خرداد نوشت: با واگذاری شش فاز از میدان نفتی پارس جنوبی به بخش خصوصی وابسته به سپاه، فعالیت های اقتصادی این نهاد نظامی در ایران ابعاد گسترده تری یافت. امروز با حضور محمود احمدی نژاد، وزیر نفت و اعضای کارگروه ویژه نفت، قرارداد توسعه شش فاز پارس جنوبی به امضا رسید.

براساس توافقات امضا شده، کنسرسیوم شرکت های پتروپایدار ایرانیان، صدرا و مینا توسعه فاز 13 را برعهده گرفته و فاز 14 پارس جنوبی نیز به کنسرسیومی متشکل از سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایپرو)، شرکت ملی حفاری و شرکت تاسیسات دریایی رسیده است.

همچنین قرار است شرکت پتروپارس و تاسیسات دریایی، فاز 19 پارس جنوبی را در اختیار بگیرند و توسعه فازهای 23، 23 و 24 نیز به شرکت های صدرا و پتروسینا آریا برسد.

این درحالی است که بیشتر این شرکت های خصوصی، متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. این قراردادهای بزرگ در حالی به شرکت های تابع سپاه رسیده که پیش از این توسعه پنج فاز دیگر پارس جنوبی به این نهاد نظامی واگذار شده بود.

علی وکیلی، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، پیشتر اعلام کرده بود که تفاهم نامه توسعه سه فاز پارس جنوبی با خاتم الانبیا امضا شده و زمین برای آغاز عملیات اجرایی نیز تحویل این مجموعه شده است. سپاه و صنعت نفت و گاز ایران

با اعمال تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، ایران در چند سال اخیر با بحران سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز روبه رو بوده است. پس از انصراف شرکت های معتبر و بزرگ خارجی برای سرمایه گذاری در ایران، شرکت های «شلب و «رپسول»، آخرین شرکت های خارجی بودند که عطاء سرمایه گذاری در ایران را به لقایش بخشیدند. حدود یک ماه پیش سیدرضا کسای زاده، مدیرعامل شرکت ملی صادرات گاز ایران به این دو شرکت هشدار داده بود که هرچه زودتر تکلیف خود را روشن کنند وگرنه توسعه دو فاز 13 و 14 را به شرکت های داخلی واگذار می کنند.

امروز نه تنها این دو فاز، بلکه چهار فاز دیگر نیز به شرکت های خصوصی متعلق به سپاه رسیده است. مسعود میرکاظمی امروز در مراسم امضای قرارداد توسعه شش فاز پارس جنوبی گفت: 17 فاز پالایشگاهی دیگر در این منطقه توسط شرکت های ایرانی و دو فاز توسط سرمایه گذاران خارجی اجرا خواهد شد.

آقای میرکاظمی همچنین گفت که بهره برداری از این فازهای پالایشگاهی، مجموع تولید گاز شیرین کشور را به بیش از یک میلیارد متر مکعب می رساند و رتبه کشور را در صحنه بین الملل ارتقا می دهد.

با افزایش تحریم ها علیه ایران، میزان بهره برداری قطر از میدان مشترک گازی پارس جنوبی سه برابر شده است. اگر تا چند سال قبل شرکت های چینی و ژاپنی به عنوان رقبای شرکت های بزرگ خارجی تحریم کننده صنعت نفت و گاز ایران محسوب می شدند، حالا شرکت های زیر نظر سپاه به عنوان جایگزین یکی پس از دیگری مطرح می شوند.

اجتماع اعتراضی بازنشستگان مقابل مجلس روز 25 تیر

اعضای مجمع پیشکسوتان در این عکس العمل بازنشستگان هماهنگ خواهد بود و کانون های بازنشستگی و زمینه تفاهم دارند.

تجمع بازنشستگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی ایلنا: دبیر مجمع پیشکسوتان جامعه کارگری از احتمال در مقابل مجلس شورای اسلامی خبر داد (در روز 25 تیر (روز تامین اجتماعی) ایلنا افزود: اگر میزان افزایش مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی که حجت ا... قنبری درگفت وگو با خبرنگار

خواهند است از 15 درصد کمتر باشد بازنشستگان در اعتراض به این کار در مقابل مجلس تجمع هنوز اعلام نشده کرد تا صدای اعتراض خود را نسبت به بی‌عدالتی‌های موجود ابراز کنند.

مسوول و طرف هیات امنای سازمان تامین اجتماعی و در راس آن وزیر رفاه را به‌عنوان رئیس هیات امنای و شرابطی که همه مردم تورم بالا حساب اصلی بازنشستگان تامین اجتماعی معرفی کرد و خاطرنشان نمود: در خوراکی و مصرفی از افزایش‌های غیر متعارفی برخوردار را در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند و قیمت اقلام نمی‌تواند جوابگویی هزینه‌های زندگی بازنشستگان تحت پوشش تامین اجتماعی است افزایش کمتر از 15 درصد باشد.

مجمع تصریح کرد: عکس العمل بازنشستگان هماهنگ خواهد بود و کانون‌های بازنشستگی و اعضای وی پیشکسوتان در این زمینه تفاهم دارند.

پایان پیام

اعتراض به یکسان سازی افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران

علی اکبر خبازها در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به سخنان اخیر وزیر رفاه درباره یکسان شدن افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی با بازنشستگان کشوری و لشگری افزود: ابلاغ چنین مصوبه‌ای از سوی دولت غیرقانونی است چرا که ما بر اساس قانون 96 قانون تامین اجتماعی این حق را برای خود محفوظ می‌دانیم که حقوق بازنشستگان هر ساله باید بر اساس نرخ تورم برآورد و بر همین مبنای افزایش یابد.

وی با اعلام اینکه بازنشستگان سراسر کشور با چنین مصوبه‌ای مخالف و خواهان احقاق حقوق خود هستند، اظهار داشت: اکنون که افزایش حقوق کارگران شاغل که هشت میلیون نفر جمعیت دارند 15 درصد اعلام شده، حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی نیز باید بر این اساس افزایش یابد.

خبازها اضافه کرد: کارمندان به دلیل اینکه مزایای حقوقی جانبی زیادی دارند و مزایای بین سالی به آنها تعلق می‌گیرد این 6 درصد افزایش حقوق برایشان مهم نیست اما بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی چون از این مزایا محرومند انتظار دارند افزایش حقوقشان بر اساس ماده 96 قانون تامین اجتماعی و 41 قانون کار محاسبه و اعلام شود.

وی افزود: تا کنون مخالفت‌های خود را به صورت مکتوب به مجلس، دولت و وزارت رفاه و تامین اجتماعی ارسال کرده ایم و در صورت موافقت نکردن مسئولان با این خواسته‌ها اعتراضات خود را با جدیت پیگیری می‌کنیم.

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی تاکید کرد: مسئولان باید شرایط زندگی بازنشستگان را درک کنند و ببینند که آنها با وضع موجود هم تحت فشار هستند، ضمن اینکه در صورت اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها این فشارها به دلیل افزایش بهای آب، برق، تلفن و گاز بیشتر می‌شود، بنابراین انتظار داریم دولت هرچه سریعتر نسبت به تعیین حقوق واقعی بازنشستگان تامین اجتماعی تجدید نظر کند.

عفو بین الملل خواستار اقدام فوری برای روشن شدن وضع دو فعال سندیکایی بازداشت شده است

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی د رتاریخ 25 خرداد گزارش داد : سازمان عفو بین الملل در سندی که روز گذشته منتشر کرد با ابراز نگرانی شدید از وضعیت "رضا شهابی" و "سعید ترابیان"، دو تن از فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد، خواهان اقدام فوری برای مشخص شدن وضعیت این دو تن و آزادی هر چه سریعتر آنها شد، و این دو را زندانیانی عقیدتی نامید که صرفا به خاطر فعالیت‌های مسالمت آمیز صنفی زندانی شده‌اند.

در این گزارش عفو بین الملل ضمن اشاره به برسمیت نشناختن اتحادیه صنفی که این دو تن در آن عضو هستند (سندیکای کارگران شرکت واحد) توسط مقامات جمهوری اسلامی، از ارتباط احتمالی دستگیری این دو تن با سالگرد انتخابات ریاست جمهوری خبرداد.

عفو بین الملل همچنین با اشاره به نامعلوم بودن محل نگهداری شهابی و ترابیان، از این مساله به عنوان عاملی برای تسهیل شکنجه این دو تن نام برده و گفت این دو عضو بازداشت شده در خطر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها هستند.

ایران یکی از شرکای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که میگوید: «هر کسی حق اجتماع آزادانه با دیگران از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد.» و همچنین میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های مورد نظر، از تعهدات آن است.

در ادامه این سند از همگان تقاضا شده با ارسال فوری نامه به دفاتر روسای قوه قضائیه و شورای عالی حقوق بشر جمهوری اسلامی، خواستار روشن شدن هرچه سریعتر محل نگهداری این دو تن و برخورداری از حق انتخاب وکیل و ملاقات با خانواده‌های شان شوند، و از مقامات مسئول جمهوری اسلامی بخواهند در صورتی که بازداشت این دو تن صرفا به خاطر فعالیت‌های مسالمت آمیز صنفی ایشان می‌باشد، آنها را آزاد کنند.

آدرس سایت جدید سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران فیلترینگ سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را محکوم میکنیم

صبح امروز 23 خرداد ماه سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به آدرس www.syndicavahed.net فیلتر شد.

سایت سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در شرایطی فیلتر شده است که ظرف 5 روز گذشته دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا آقایان سعید ترابیان و رضا شهابی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

ما بازداشت دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا و بدنبال آن فیلترینگ سایت سندیکا را اعمال فشار بیشتر بر سندیکای کارگران شرکت واحد جهت جلوگیری هر چه بیشتر از فعالیتهای سندیکائی و صنفی کارگران ارزیابی میکنیم و با محکوم کردن اینگونه اقدامات از همگان میخواهیم آدرس جدید سایت سندیکا را به شرح زیر به اطلاع عموم برسانند. <http://www.syndicavahed.us>

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

خرداد ماه 89

تکلیف کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را مشخص کنید

خبرگزاری کارایران- ایلنا در تاریخ 25 خرداد 89 نوشت: رئیس شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه میگوید: سازمان تامین اجتماعی هنوز هیچ اقدام مثبتی در جهت از سرگیری اجرای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیانآور برای کارگران شرکت واحد انجام نداده است. علیاکبر عیوضی در گفتوگو با خبرنگار ایلنا، گفت: آن گروه از رانندگان و کارگران شرکت واحد که به دلیل انجام کار در محیطهای سخت و زیانآور مشمول بازنشستگی پیش از موعد هستند با مشکل مواجه هستند. وی افزود: از سال گذشته سازمان تامین اجتماعی با استدلال سلیقه‌ای و تفسیر نادرست از مصوبه دولت با بازنشستگی بیش از موعد کارگران دارای مشاغل سخت و زیانآور شرکت واحد مخالفت کرد. این فعال کارگری یادآور شد: دولت در آیین‌نامه جدید مشاغل سخت و زیان‌آور کارکنان و کارگران مشاغل در موسسات دولتی را از مزایای بازنشستگی پیش از موعد مستثنی کرده بود که سازمان تامین اجتماعی نیز با دولتی قلمداد کردن مجموعه شرکت واحد از صدور حکم بازنشستگی برای کارگران مشمول این شرکت خودداری کرد.

عیوضی گفت: این در حالی است که طبق اساسنامه شرکت واحد، مالکیت این شرکت غیردولتی است که سهامدار عمده آن را شورای شهر تشکیل می‌دهد. وی با بیان اینکه بسیاری از کارگران شرکت واحد در 5 سال گذشته به کمک آیین‌نامه مربوطه به مشاغل سخت و زیان‌آور بازنشسته شده‌اند گفت: ما خواهان اجرای قانون هستیم. این فعال کارگری تصریح کرد: در این رابطه شرکت واحد شکایتی را در کمیسیون اجتماعی مجلس مطرح کرده است که در نتیجه آن یک کارگروه از سوی مجلس سرگرم رسیدگی به این مساله است. وی گفت: بسیاری از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس از جمله رئیس فراکسیون کارگری معتقد هستند که تفسیر سازمان تامین اجتماعی از آیین‌نامه جدید مشاغل سخت و زیان‌آور غلط و سلیقه‌ای است. عیوضی هشدار داد: ادامه این وضعیت می‌تواند به نارضایتی عمومی کارگران شرکت واحد و انجام حرکت‌های اعتراضی کارگری منجر شود.

اعتصاب کارگران کارخانه گندله‌سازی سیرجان

وبلاگ خبری راه کارگر در تاریخ 25 خرداد نوشت: این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها 40 تن از کارگران سابق پذیرفته شده‌اند و سایر کارگران و تکنسین‌های مجتمع پذیرفته نشده‌اند.

۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه گندله‌سازی شرکت سنگ آهن گل‌گهر سیرجان از روز دوشنبه ۲۴ خرداد دست به اعتصاب زده‌اند.

به گزارش خبرنگار کلمه، صبح دیروز از ۵۰۰ کارگر کارخانه گندله سازی، نزدیک به ۴۰۰ از آن‌ها در اعتراض به اعلام نتایج آزمون استخدامی این شرکت، دست از کار کشیده‌اند.

این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها ۴۰ تن از کارگران سابق پذیرفته شده‌اند و سایر کارگران و تکنسین‌های مجتمع پذیرفته نشده‌اند.

کارخانه گندله سازی سیرجان (شهرستانی در غرب استان کرمان)، ۱۴ فروردین امسال به دست محمود احمدی نژاد افتتاح شد.

کارگران اعتصاب کننده صبح دیروز و امروز در بلوار مالک اشتر سیرجان در مقابل واحد اداری شرکت گل گهر تجمع کرده‌اند. یکی از کارگران حاضر در تجمع که خواست نامش فاش نشود به خبرنگار کلمه گفت: «ما نزدیک به ۵ سال برای راه اندازی گندله سازی زحمت کشیدیم اما مسوولان به بهانه برگزاری آزمون می‌خواهند ما را اخراج کنند و برخی افراد دارای رابطه را جایگزین ما کنند».

او با اشاره به وعده مسوولان ارشد گل گهر برای در اولویت قرار دادن کارگران فعلی در مرحله استخدام، افزود: «قبلاً آقای مهندس شفیع مدیرعامل کنسرسیوم مجری طرح گندله‌سازی در پاسخ اعتراض‌ها، وعده داد که نیروهای فعلی در اولویت باشند اما با اعلام نتایج آزمون مشخص شد که فقط ۴۰ نفر از کارگران فعلی را پذیرفته‌اند که تازه باید در مرحله گزینش هم شرکت کنند».

یکی دیگر از کارگران شرکت کننده در این تجمع، برگزاری آزمون را «نمایشی» می‌داند و می‌گوید: «از همان اول معلوم می‌خواهند ما را مرخص کنند. الان چند هفته هست که می‌بینیم افرادی که با برخی مسوولان شهر و خود شرکت نسبت دارند گروه گروه وارد گندله سازی شده‌اند و آمدن‌ها هیچ ربطی هم به برگزاری آزمون ندارد. زیرا افراد نهایی استخدام شده هنوز اعلام نشده است».

این اعتراض‌ها در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این در فروردین‌ماه امسال و در زمان حضور محمود احمدی‌نژاد برای افتتاح مجتمع گندله‌سازی، کارگران به رییس جمهور گفته بودند که مسوولان قصد اخراج آن‌ها را دارند.

احمدی‌نژاد هم پس از گفته‌های کارگران، در حالی که خطاب به «محمد جلال‌ماب» مدیرعامل شرکت گل گهر گفته بود «به مشکلات کارگران رسیدگی کنید» به کارگران معترض هم تاکید بود که «نگران نباشند چون قرار نیست کسی اخراج شود».

این وعده احمدی‌نژاد اما عملی نشد زیرا تنها چند روز بعد، بیش از ۱۰ نفر از کارگران و کارشناسان مجتمع گندله‌سازی برای تسویه حساب نهایی به امور مالی فراخوانده شدند.

اعتراض‌ها همچنین در اردیبهشت‌ماه هم ادامه داشت تا جایی که مدیرعامل شرکت گل گهر با حضور در جمع معترضان به آنان اطمینان داد که برای رفع مشکلات تلاش کند و راه حل بینابینی را اتخاذ نماید، تا نه کارگران قبلی ضرر کنند و نه پذیرفته شدگان در آزمون دچار مشکل شوند. این وعده‌ها اما تاکنون عملی نشده است.

پس از عملی نشدن این وعده‌ها و اعلام نتایج آزمون استخدام، بیش از ۹۰ درصد نیروهای گندله سازی از حضور بر سرکار خود خودداری کرده‌اند.

در همین حال جمعی از پیمانکارانی که در سال‌های پیش در راه اندازی و نصب دستگاه‌های این مجتمع فعالیت داشته‌اند، هنوز نتوانسته‌اند مطالبات مالی خود را دریافت کنند.

یکی از پیمانکاران معترض در این زمینه می‌گوید: «الان دو ماه از افتتاح گندله‌سازی می‌گذرد و کار پیمانکاران تمام شده است اما تاکنون با هیچ پیمانکاری تسویه حساب نشده است.» به گفته وی بیش از ۲۰ پیمانکار در حال حاضر بین ۲۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان طلبکارند، اما مسوولان هیچ تاریخی برای پرداخت این مطالبات اعلام نکرده‌اند و دایماً از پیمانکاران طلب زمان بیشتر می‌کنند.

این پیمانکار به ارسال نامه کتبی به مسوولان بلند پایه گل گهر هم اشاره می‌کند اما به گفته وی این نامه‌ها هم تاثیری در روند پرداخت مطالبات نداشته است. در همین حال تلاش ما برای گفت‌وگو با مسوولان مجتمع گندله‌سازی و مسوولان شرکت گل گهر بی نتیجه ماند.

در کارخانه گندله سازی سیرجان ۵۰۰ نفر به طور مستقیم اشتغال دارند. محصول تولیدی این کارخانه ۵ میلیون تن است و تا ۸ میلیون تن گندله قابلیت ارتقا دارد.

امروزه در دنیا استفاده از سنگ آهن در شرکتهای فولادی به دو روش انجام میشود. مجتمع‌های فولاد سازی به روش احیاء مستقیم برای تهیه فولاد از آهن اسفنجی استفاده می‌کنند. گندله در فولادسازی به روش احیاء مستقیم به گلوله‌هایی از پودر سنگ آهن و آهک گفته می‌شود که برای احیا به کوره احیاء مستقیم می‌رود. این گلوله‌ها را در واحد گندله‌سازی تهیه می‌کنند. گندله معمولاً گلوله‌ای به قطر ۶ تا ۲۵ میلیمتر است.

اعتصاب کارگران کارخانه گندله سازی سیرجان

به گزارش سایت کلمه در تاریخ 24 خرداد آمده است: تعداد ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه گندله سازی شرکت سنگ آهن گل گهر سیرجان از روز دوشنبه ۲۴ خرداد دست به اعتصاب زده اند. این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها ۴۰ تن از کارگران سابق پذیرفته شده اند و سایر کارگران و تکنسین‌های مجتمع پذیرفته نشده اند.

به گزارش خبرنگار کلمه، صبح دیروز از ۵۰۰ کارگر کارخانه گندله سازی، نزدیک به ۴۰۰ از آن‌ها در اعتراض به اعلام نتایج آزمون استخدامی این شرکت، دست از کار کشیده اند.

این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها ۴۰ تن از کارگران سابق پذیرفته شده اند و سایر کارگران و تکنسین‌های مجتمع پذیرفته نشده اند.

کارخانه گندله سازی سیرجان (شهرستانی در غرب استان کرمان)، ۱۴ فروردین امسال به دست محمود احمدی نژاد افتتاح شد.

کارگران اعتصاب کننده صبح دیروز و امروز در بلوار مالک اشتر سیرجان در مقابل واحد اداری شرکت گل گهر تجمع کرده‌اند. یکی از کارگران حاضر در تجمع که خواست نامش فاش نشود به خبرنگار کلمه گفت: «ما نزدیک به ۵ سال برای راه اندازی گندله سازی زحمت کشیدیم اما مسوولان به بهانه برگزاری آزمون می‌خواهند ما را اخراج کنند و برخی افراد دارای رابطه را جایگزین ما کنند».

او با اشاره به وعده مسوولان ارشد گل گهر برای در اولویت قرار دادن کارگران فعلی در مرحله استخدام، افزود: «قبلاً آقای مهندس شفیع مدیرعامل کنسرسیوم مجری طرح گندله سازی در پاسخ اعتراض‌ها، وعده داد که نیروهای فعلی در اولویت باشند اما با اعلام نتایج آزمون مشخص شد که فقط ۴۰ نفر از کارگران فعلی را پذیرفته‌اند که تازه باید در مرحله گزینش هم شرکت کنند».

یکی دیگر از کارگران شرکت کننده در این تجمع، برگزاری آزمون را «نمایشی» می‌داند و می‌گوید: «از همان اول معلوم می‌خواهند ما را مرخص کنند. الان چند هفته هست که می‌بینیم افرادی که با برخی مسوولان شهر و خود شرکت نسبت دارند گروه گروه وارد گندله سازی شده اند و آمدن‌ها هیچ ربطی هم به برگزاری آزمون ندارد. زیرا افراد نهایی استخدام شده هنوز اعلام نشده است».

این اعتراض‌ها در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این در فروردین ماه امسال و در زمان حضور محمود احمدی نژاد برای افتتاح مجتمع گندله سازی، کارگران به رییس جمهور گفته بودند که مسوولان قصد اخراج آن‌ها را دارند.

احمدی نژاد هم پس از گفته های کارگران، در حالی که خطاب به «محمد جلال‌ماب» مدیرعامل شرکت گل گهر گفته بود «به مشکلات کارگران رسیدگی کنید» به کارگران معترض هم تاکید بود که «نگران نباشند چون قرار نیست کسی اخراج شود».

این وعده احمدی نژاد اما عملی نشد زیرا تنها چند روز بعد، بیش از ۱۰ نفر از کارگران و کارشناسان مجتمع گندله سازی برای تسویه حساب نهایی به امور مالی فراخوانده شدند.

اعتراض‌ها همچنین در اردیبهشت ماه هم ادامه داشت تا جایی که مدیرعامل شرکت گل گهر با حضور در جمع معترضان به آنان اطمینان داد که برای رفع مشکلات تلاش کند و راه حل بینابینی را اتخاذ نماید، تا نه کارگران قبلی ضرر کنند و نه پذیرفته شدگان در آزمون دچار مشکل شوند. این وعده‌ها اما تاکنون عملی نشده است.

پس از عملی نشدن این وعده‌ها و اعلام نتایج آزمون استخدام، بیش از ۹۰ درصد نیروهای گندله سازی از حضور بر سرکار خود خودداری کرده‌اند.

در همین حال جمعی از پیمانکارانی که در سال‌های پیش در راه اندازی و نصب دستگاه‌های این مجتمع فعالیت داشته‌اند، هنوز نتوانسته‌اند مطالبات مالی خود را دریافت کنند.

یکی از پیمانکاران معترض در این زمینه می‌گوید: «الان دو ماه از افتتاح گندله سازی می‌گذرد و کار پیمانکاران تمام شده است اما تاکنون با هیچ پیمانکاری تسویه حساب نشده است.» به گفته وی بیش از ۲۰ پیمانکار در حال حاضر بین ۲۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان طلبکارند، اما مسوولان هیچ تاریخی برای پرداخت این مطالبات اعلام نکرده‌اند و دایما از پیمانکاران طلب زمان بیشتر می‌کنند.

این پیمانکار به ارسال نامه کتبی به مسوولان بلند پایه گل گهر هم اشاره می کند اما به گفته وی این نامه ها هم تاثیری در روند پرداخت مطالبات نداشته است. در همین حال تلاش ما برای گفت و گو با مسوولان مجتمع گندله سازی و مسوولان شرکت گل گهر بی نتیجه ماند.

در کارخانه گندله سازی سیرجان ۵۰۰ نفر به طور مستقیم اشتغال دارند. محصول تولیدی این کارخانه ۵ میلیون تن است و تا ۸ میلیون تن گندله قابلیت ارتقا دارد.

امروزه در دنیا استفاده از سنگ آهن در شرکتهای فولادی به دو روش انجام میشود. مجتمع های فولاد سازی به روش احیاء مستقیم برای تهیه فولاد از آهن اسفنجی استفاده می کنند. گندله در فولادسازی به روش احیاء مستقیم به گلولههایی از پودر سنگ آهن و آهک گفته می شود که برای احیا به کوره احیاء مستقیم می رود. این گلولهها را در واحد گندله سازی تهیه می کنند. گندله معمولاً گلوله ای به قطر ۶ تا ۲۵ میلیمتر است.

اعتصاب صدها تن از کارگران استان کرمان در اعتراض به اخراج قریب الوقوع

سایت جرس در 25 خرداد نوشت: چهارصد تن از کارگران کارخانه گندله سازی شرکت سنگ آهن گل گهر سیرجان، از روز دوشنبه ۲۴ خرداد ماه، دست به اعتصاب زده اند. به گزارش نسب آنلاین، کارگران این واحد تولیدی، در اعتراض به اعلام نتایج آزمون استخدامی این شرکت، دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند و این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها چهل تن از کارگران سابق پذیرفته شده اند و سایر کارگران و تکنسین های مجتمع پذیرفته نشده اند و اخراج می شوند.

واحد گندله سازی سیرجان (شهرستانی در غرب استان کرمان)، ۱۴ فروردین ماه امسال، توسط محمود احمدی نژاد افتتاح شد.

گزارش مذکور خاطرنشان می سازد کارگران اعتصاب کننده صبح دیروز و امروز در بلوار مالک اشتر سیرجان در مقابل واحد اداری شرکت گل گهر تجمع کرده اند.

یکی از کارگران حاضر در تجمع که خواست نامش فاش نشود به سامانه خبری کلمه گفته بود "ما سالها برای راه اندازی گندله سازی زحمت کشیدیم اما مسوولان به بهانه برگزاری آزمون می خواهند ما را اخراج کنند و برخی افراد دارای رابطه را جایگزین ما کنند."

او با اشاره به وعده مسوولان ارشد گل گهر برای در اولویت قرار دادن کارگران فعلی در مرحله استخدام، افزود: "قبلاً مدیرعامل کنسرسیوم مجری طرح گندله سازی در پاسخ اعتراضها، وعده داد که نیروهای فعلی در اولویت باشند اما با اعلام نتایج آزمون مشخص شد که فقط ده درصد از کارگران فعلی را پذیرفته اند که تازه باید در مرحله گزینش هم شرکت کنند."

یکی دیگر از کارگران شرکت کننده در این تجمع، برگزاری آزمون را "نمایشی" می داند و می گوید "از همان اول معلوم می خواهند ما را مرخص کنند. الان چند هفته هست که می بینیم افرادی که با برخی مسوولان شهر و خود شرکت نسبت دارند گروه گروه وارد گندله سازی شده اند و آمدن ها هیچ ربطی هم به برگزاری آزمون ندارد. زیرا افراد نهایی استخدام شده هنوز اعلام نشده است."

این اعتراضها در حالی صورت می گیرد که پیش از این در فروردین ماه امسال و در زمان حضور محمود احمدی نژاد برای افتتاح مجتمع گندله سازی، کارگران به رییس دولت گفته بودند که مسوولان قصد اخراج آن ها را دارند. همزمان خبری منتشر شد، مبنی بر اینکه گروهی از پیمانکارانی که در سال های پیش در راه اندازی و نصب دستگاه های این مجتمع فعالیت داشته اند نیز، هنوز نتوانسته اند مطالبات مالی خود را دریافت کنند.

"افتخار" برای مردم، درآمد برای سپاه

رادیو صدای آلمان در تاریخ 25 خرداد اعلام داشت: محمود احمدی نژاد قرارداد "توسعه ۶ فاز پارس جنوبی را به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار کرد. سپاه پاسداران با تصدی "بزرگترین قرارداد تاریخ صنعت نفت کشور" به قوی ترین ستون مالی و نیروی اقتصادی جمهوری اسلامی بدل می شود.

روز سه شنبه (۱۵ ژوئن) در عسلویه، قرارداد توسعه ۶ فاز پارس جنوبی معادل ۸ فاز استاندارد با سه شرکت ایرانی امضا شد. محمود احمدی نژاد، امضای قرارداد واگذاری میدان پارس جنوبی را "پرافتخارترین رویداد تاریخ ایران زمین" دانست. او به شرکتهای خارجی حمله کرد و قول داد که شرکتهای ایرانی ظرف ۲۵ ماه آینده همه این فازها را به بهره برداری برسانند.

رییس جمهور از شرکتهای ایرانی طرف قرارداد نام نبرد و خبرگزاریهای داخلی نیز که خبر را منتشر کرده اند، طرفهای قرارداد را معرفی نکرده اند. اما برخی از رسانه های جمعی فاش کرده اند که بیشترین حجم این قراردادها به نیروهای سپاه پاسداران تعلق گرفته است.

تارنمای رسمی تلویزیون دولتی ایران ارزش قرارداد را ۲۱ میلیارد دلار و طرف اصلی را قرارگاه خاتم الانبیا ذکر کرده است. این قرارگاه بازوی مالی سپاه پاسداران به شمار می رود، که قطعنامه چهارم شورای امنیت سازمان ملل متحد هرگونه ارتباط و معامله با آن را منع کرده است.

دو شرکت دیگر طرف قرارداد یکی "سازمان توسعه و نوسازی صنعتی" است و دیگری شرکت "پتروپارس" که از

شعبات "شرکت ملی نفت ایران" به شمار می‌رود. پیش از این قرار بود شرکت انگلیسی هلندی شل و شرکت اسپانیایی ریپسول در به راه اندازی فازهای ۱۳ و ۱۴ سهیم باشند، اما پس از تصویب قطعنامه چهارم شورای امنیت در تحریم شدیدتر ایران، طرف‌های بین‌المللی از امضای قرارداد با جمهوری اسلامی صرف نظر کردند.

سپاه، بزرگترین کمپانی نفت و گاز کشور قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا در زمان جنگ هشت ساله با عراق و در اصل برای پیشبرد فعالیت‌های عمرانی شکل گرفت، و در پروژه‌های نفتی هیچ دخالتی نداشت. در سال‌های اخیر و به ویژه پس از انتخابات جدل‌آمیز ریاست جمهوری، بازوی اقتصادی سپاه پاسداران فعالیت‌های خود را در به عرصه پرجاذبیت نفت و گاز گسترش داد.

سرداران سپاه یک سال بعد از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد قرارداد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری انتقال گاز را از وزارت نفت گرفتند و از آن زمان جای پای خود را در صنعت نفت محکم کردند. دولت احمدی‌نژاد با توافق‌های نه چندان شفاف، توسعه سه فاز را به صورت اختصاصی و دو فاز را با همکاری دو شرکت داخلی به قرارگاه خاتم‌الانبیاء واگذار کرده است. اکنون با به عهده گرفتن ۶ فاز میدان گازی پارس جنوبی این نیروی نظامی، عملاً به قوی‌ترین قدرت مالی ایران بدل می‌شود.

تحریم‌های بین‌المللی به دولت احمدی‌نژاد و همدستان او در سپاه پاسداران فرصت داد سلطه خود را در پارس جنوبی، که بزرگترین پروژه نفت و گاز ایران است، محکم کنند و جای شرکت‌های بزرگ و بین‌المللی را بگیرند. اما با وجود امضای قراردادهای، کارشناسان تردید دارند که طرف‌های ایرانی برای به ثمر رساندن این پروژه‌های بزرگ از مدیریت و امکانات فنی کافی برخوردار باشند. حجم کل عملیات بر ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز بالغ است. بعید به نظر می‌رسد که قرارگاه خاتم‌الانبیاء، با فقدان مدیریت و تجربه فنی و با انبوه مشکلات مالی از عهده اجرای این پروژه‌های عظیم بر آید.

با گذشت 18 روز از آغاز آتش سوزی، نفت شهر کماکان در آتش می‌سوزد

خبرگزاری مهر در 25 خرداد نوشت: با گذشت 18 روز از آغاز آتش سوزی و فوران گاز در میدان نفت شهر، عملیات مهار و کنترل آتش سوزیها در این میدان مشترک نفتی هنوز آغاز نشده است. به گزارش خبرنگار مهر، چاه شماره 24 میدان نفتی شهر از بامداد 8 خرداد ماه امسال به دلایل نامشخصی به دنبال نشت و فوران گاز دچار آتش سوزی شد که ارتفاع شعله‌های آتش، دود و خاکستر این حادثه حدود 70 متر گزارش شده است.

در حال حاضر با گذشت حدود 18 روز نه تنها اقدامات انجام گرفته منجر به کنترل آتش در این میدان مشترک نفتی نشده که تاکنون تعداد جان باختگان این حادثه نفتی به 4 نفر افزایش یافته است.

در همین حال حیدر بهمنی مدیرعامل شرکت ملی حفاری درباره آخرین وضعیت مهار و کنترل آتش و فوران نفت و گاز در چاه شماره 24 میدان نفت شهر با بیان اینکه هم اکنون با نصب و آماده سازی سیستم‌های آبی واگن، پمپ‌های فشار قوی آب و لوله‌های انتقال دهنده درصد حمله مستقیم به آتش در این میدان نفتی هستیم، گفت: با انجام این بخش از عملیات مهار، به زودی دو دستگاه حفاری نیز برای حفر 2 حلقه چاه جهت دار در منطقه مستقر و عملیات حفاری آغاز خواهد شد.

وی با تاکید بر اینکه با انجام عملیات ساخت و آنگیری استخر، بخش زیادی از مشکلات برای خنک سازی تجهیزات و تیم عملیاتی برطرف شده و مهار گران قسمتی از تجهیزات به جا مانده از دستگاه حفاری 118 را از محل خارج و به بیرون از منطقه آتش انتقال دادند، تصریح کرد: هم اکنون عملیات تسطیح و محوطه سازی به سرعت در حال پیشرفت بوده و با خاک ریزی اطراف چاه حلقه محاصره آتش تنگتر و دسترسی به چاه آسانتر شده است.

مدیر تیم عملیات اطفای حریق چاه شماره 24 نفت شهر نیز گفت: تیم عملیاتی حاضر در منطقه با برگزاری جلسات مستمر روزانه وضعیت چاه را پایش کرده تا بتوانند علاوه بر حفاری جهت دار به صورت مستقیم نیز به آتش حمله کرده و عملیات مهار جهت سرعت بخشیدن به کار را با بهترین روش‌های ممکن انجام دهند. به گزارش مهر، چاه شماره 24 نفت شهر 8 خرداد ماه امسال در حین عملیات حفاری در عمق 613 متری با نشت و خروج گاز و نفت از داخل و اطراف چاه، دچار حادثه شد.

میدان نفتی شهر در فاصله یکصد کیلومتر شمال غربی ایلام و 230 کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه واقع شده که این میدان نفتی در سال 1923 میلادی در تاق‌دیس نفت شهر کشف شد. در حال حاضر میدان نفت شهر تنها میدان نفتی در حال تولید استان کرمانشاه بوده که دارای 692 میلیون بشکه ذخیره نفت خام و مقادیری ذخیره گاز طبیعی در کلاهدک گازی است.

ابراز نگرانی عفو بین الملل از وضعیت دو تن از فعالین کارگری زندانی

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی در تاریخ 25 خرداد نوشت: سازمان عفو بین الملل در سندی که روز گذشته منتشر کرد با ابراز نگرانی شدید از وضعیت "رضا شهابی" و "سعید ترابیان"، دو تن از فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد، خواهان اقدام فوری برای مشخص شدن وضعیت این دو تن و آزادی هر چه سریعتر آنها شد، و این دو را زندانیانی عقیدتی نامید که صرفاً به خاطر فعالیت‌های مسالمت آمیز صنفی زندانی شده‌اند.

در این گزارش عفو بین الملل ضمن اشاره به برسمیت نشناختن اتحادیه صنفی که این دو تن در آن عضو هستند (سندیکا کارگران شرکت واحد) توسط مقامات جمهوری اسلامی، از ارتباط احتمالی دستگیری این دو تن با سالگرد انتخابات ریاست جمهوری خبرداد.

عفو بین الملل همچنین با اشاره به نامعلوم بودن محل نگهداری شهبابی و ترابیان، از این مساله به عنوان عاملی برای تسهیل شکنجه این دو تن نام برده و گفت این دو عضو بازداشت شده در خطر شکنجه و سایر بدرفتاری ها هستند.

ایران یکی از شرکای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که میگوید: «هر کسی حق اجتماع آزادانه با دیگران از جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود را دارد.» و همچنین میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه های مورد نظر، از تعهدات آن است.

در ادامه این سند از همگان تقاضا شده با ارسال فوری نامه به دفاتر روسای قوه قضائیه و شورای عالی حقوق بشر جمهوری اسلامی، خواستار روشن شدن هرچه سریعتر محل نگهداری این دو تن و برخورداری از حق انتخاب وکیل و ملاقات با خانواده های شان شوند، و از مقامات مسئول جمهوری اسلامی بخواهند در صورتی که بازداشت این دو تن صرفاً به خاطر فعالیت های مسالمت آمیز صنفی ایشان می باشد، آنها را آزاد کنند.

لازم به یادآوری است که سعید ترابیان، از اعضای هیئت مدیره و مسئول روابط عمومی سندیکا کارگران شرکت واحد تهران و رضا شهبابی از اعضای هیئت مدیره این تشکل کارگری می باشند که روز شنبه توسط ماموران امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شدند.

مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند سه چهارم

سایت دفترها در تاریخ 16 ژوئن 2010 نوشت: فقر و نداری در میان مردم، در طی چند سال اخیر، با شتاب فزاینده ای گسترش یافته است. با افزایش مداوم قیمت ها و بالا رفتن سرسام آور هزینه های زندگی و کاهش فاحش و مداوم قدرت خرید کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش، بر تعداد و کمیت مردمی که قادر نمی شوند حداقل های یک زندگی معمولی و متوسط را تأمین کنند، پیوسته افزوده شده است. بحران و رکود اقتصادی، تعطیل و توقف کارخانه ها، اخراج و بیکارسازی وسیع کارگران، انبوه پر شمار کارگران فقر زده را، فقیرتر ساخته و پیوسته شمار هر چه بیشتری از مردم را به دامان فقر و گرسنگی و تباهی سوق داده است.

سه چهارم مردم ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند

دفترها: فقر و نداری در میان مردم، در طی چند سال اخیر، با شتاب فزاینده ای گسترش یافته است. با افزایش مداوم قیمت ها و بالا رفتن سرسام آور هزینه های زندگی و کاهش فاحش و مداوم قدرت خرید کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش، بر تعداد و کمیت مردمی که قادر نمی شوند حداقل های یک زندگی معمولی و متوسط را تأمین کنند، پیوسته افزوده شده است. بحران و رکود اقتصادی، تعطیل و توقف کارخانه ها، اخراج و بیکارسازی وسیع کارگران، انبوه پر شمار کارگران فقر زده را، فقیرتر ساخته و پیوسته شمار هر چه بیشتری از مردم را به دامان فقر و گرسنگی و تباهی سوق داده است.

جمهوری اسلامی آمار دقیقی در مورد کمیت آن دسته از افراد جامعه که در زیر خط فقر زندگی می کنند و قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند، ارائه نکرده است. حتا وزارت به اصطلاح رفاه و تأمین اجتماعی، که مطابق ضوابط حکومتی باید این مسائل را دنبال کند نیز از بیان رسمی میزان خط فقر سر باز می زند. حاکمان اسلامی که سعی دارند وضعیت وخیم اقتصادی و ابعاد فاجعه بار فقر و نداری مردم را پنهان کنند، وارد این مسائل نمی شوند. چرا که با انگشت نهادن بر روی گسترش فقر در میان توده های مردم، با بیان رسمی و دقیق میزان خط فقر، آنان باید عملکرد نظام خود را زیر سؤال ببرند و دست کم آنکه شمه ای از عملکرد خرابکارانه و ضد انسانی خود و نظام حاکم را در پیشگاه مردم برملا سازند. با اعلام رسمی و دقیق خط فقر، هر کارگر، هر معلم، هر کارمند و هر حقوق بگیری و اصولاً هر کسی می تواند میزان دستمزدها، حقوق و درآمدها را با خط فقر قیاس کند و تصویری واقعی از وضعیت خود و از وضعیت جامعه در این رابطه که چه حجم و کمیتی از مردم در زیر خط فقر و در بدبختی و نداری زندگی می کنند، ارائه نماید و مستندتر و آسان تر به طرح مطالبات اقتصادی خود بپردازد. و این، البته به سود رژیمی که شارلاتانیسم و دروغ، از ملزومات ادامه حیات آن است، نیست.

آخرین آمار رسمی اعلام شده توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی در مورد تعداد افرادی که در زیر خط فقر زندگی می کنند، مربوط به سال ۸۳ است. در سال ۸۳ رسماً مطرح شده که حدود ده میلیون نفر از مردم ایران در زیر خط فقر بوده اند. اگر چه از زمان روی کار آمدن دولت نظامی - امنیتی احمدی نژاد وزارت رفاه میزان خط فقر و جمعیتی که در زیر خط فقر زندگی می کنند را اعلام ننموده است و حتا از اعلام خط فقر، که توسط دیگر نهادهای وابسته به حکومت استخراج و عنوان شده، خودداری نموده است، اما تمام شواهد نشان می دهند که در طول چند سال اخیر میزان خط فقر و نیز تعداد افرادی که در زیر خط فقر زندگی می کنند پیوسته افزایش یافته است.

مطابق آمارهای انتشار یافته در سایت حکومتی فارس، به نقل از یک کارشناس اقتصادی به نام حسین راغفر، خط فقر مطلق در مقیاس تمام کشور در سال ۸۳ معادل ۲۳۸ هزار تومان، سال ۸۴ معادل ۲۷۴ هزار تومان، سال ۸۵، ۳۲۵ و سال ۸۶ معادل ۴۰۰ هزار تومان بوده است. این رقم در مورد استان تهران در سال ۸۳، ۴۰۰ هزار

تومان، ۸۴ معادل ۴۸۰، سال ۸۵ معادل ۵۶۰ و در سال ۸۶ برابر ۶۵۰ هزار تومان و در شهر تهران ۷۸۰ هزار تومان بوده است. در سال ۸۷ منابع دولتی بر مبنای نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی که عمدتاً کمتر از میزان واقعی نرخ تورم است رقم ۷۸۰ هزار تومان را به عنوان خط فقر اعلام نمودند.

در سال ۸۸ خط فقر به بیش از ۹۰۰ هزار تومان و حدود یک میلیون تومان رسید. در مورد سال جاری نیز بنابه آمارهای انتشار یافته و با توجه به افزایش نرخ تورم به ویژه با در نظر گرفتن تورمی که اجرای طرح هدف مند سازی یارانه‌ها در پی دارد، برخی از کارشناسان درون حکومت پیش بینی کرده‌اند که خط فقر به مرز یک میلیون و پانصد هزار تومان خواهد رسید. این در حالیست که در طی این سال ها میزان حداقل دستمزدهای کارگری همواره پائین‌تر از خط فقر بوده است. این موضوع رادرجدول زیر، که در آن میزان حداقل دستمزدهای کارگری و خط فقر بایکدیگر مقایسه شده اند، به روشنی می توان مشاهده نمود.

همانطور که در این جدول مقایسه‌ای نیز مشاهده می‌شود، میزان حداقل دستمزدهای کارگری، طی سال‌های ۸۳ الی ۸۹ نه فقط همواره کمتر از میزان خط فقر بوده است بلکه در عین حال کسری و تفاوت حداقل دستمزد با میزان خط فقر پیوسته بیشتر و بزرگ‌تر شده است و فاصله آن با خط فقر نیز افزایش یافته است. به عبارت دیگر اگر در سال ۸۳، میزان خط فقر یک و نیم برابر حداقل دستمزد است، در سال ۸۴ الی ۸۶، از دو برابر حداقل دستمزد هم بیشتر است. یعنی حداقل دستمزد کارگران در طی این سه سال از یک دوم خط فقر هم کمتر است. در سال ۸۷ و ۸۸ به یک چهارم خط فقر و بالاخره در سال جاری، این میزان حداقل دستمزد به حدود یک پنجم خط فقر سقوط می‌کند! این موضوع به روشنی نشان می‌دهد که در حال حاضر ده‌ها میلیون کارگر و اعضا خانواده آن‌ها و همچنین میلیون‌ها بیکار و افسار کم درآمد و زحمتکش مانند معلمان و کارمندان کم درآمد، معلمان حق التدریسی و امثال آن در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

ناگفته پیداست که بسیاری از کارگران و زحمتکشان مشمول حتماً همین حداقل دستمزدها نیز نمی‌شوند و برای بدست آوردن لقمه‌ای نان، مجبورند در نهایت بی حقی و در ازاء دستمزدهای پائین‌تر و ناچیزتر از دستمزدهای رسمی، وحشیانه استثمار شوند. علاوه بر کارگران کارگاه‌های کوچک، کارگران قالبیاف و نظایر این‌ها که دستمزدهایشان بسیار پائین‌تر از نرم‌های رسمی‌ست، گزارش‌های رسمی انتشار یافته حاکی از آن است که بالغ بر ۵۰ درصد بازار کار ایران غیر رسمی‌ست، بدین معنی که افراد شاغل در این بازار شامل هیچگونه خدمات اجتماعی نیستند و بررسی‌های انجام شده در این مورد نیز نشان می‌دهد که ۸۰ درصد این جمعیت، فقیر مطلق هستند و قادر به تأمین حداقل نیازهای اساسی خود نیستند. (سرمایه - ۱۰ اسفند ۸۷)

مرکز آمار ایران در سال ۸۷ و زمانی که خط فقر ۷۸۰ هزار تومان بود، تعداد افراد خانواده‌هایی که کمتر از این میزان درآمد داشتند را متجاوز از ۴۷ میلیون نفر اعلام کرد. بر طبق این آمار، خانواده‌های با درآمد کمتر از ۴۷۳ هزار تومان، ۳۰ میلیون نفر و خانواده‌هایی که درآمدشان بین ۴۷۳ تا ۷۸۰ هزار تومان بوده است، ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بوده‌اند. عادل آذر، رئیس مرکز آمار ایران در اوائل خرداد سال جاری در مورد وضعیت اقتصادی و جمعیت زیر خط فقر چنین گفت: "به دلیل مشکل بیکاری و نیز عدم کنترل نقدینگی، با وجود منابع عظیمی که در کشور وجود دارد بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ما زیر خط فقر مطلق و بیش از ۳۰ میلیون نفر آنها نیز زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند" مستقل از آنکه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی رژیم تا چه زمانی از اعلام رسمی خط فقر و جمعیت زیر خط فقر طفره زند، این ارقام تکان دهنده، مشت همه آنها را باز می‌کنند و ابعاد دهشتناک گسترش فقر و بدبختی در میان توده‌های مردم را انعکاس می‌دهند. عبدالرضا مصری، وزیر رفاه پیشین از اعلام خط فقر طفره می‌رفت و چنین ادعا می‌کرد که در ایران هیچکس زیر خط فقر مطلق نیست. وزیر رفاه کنونی صادق محصولی نیز که البته خود از رفاه و آسایش کامل برخوردار است، در مورد میزان خط فقر و جمعیت انبوهی که نظم موجود، آنها را به زیر خط فقر و فقر گرسنگی و تباهی رانده است، و در برابر این آمار و ارقام وحشتناکی که دیگر حتماً رئیس مرکز آمار ایران هم آن را بر زبان می‌راند، چیزی نمی‌گوید و چیزی ندارد که بگوید.

چهل پنجاه میلیون انسان یعنی قریب به دو سوم از جمعیت ۷۵ میلیونی کشوری که در زمره غنی‌ترین و ثروتمندترین کشورهای جهان است، در زیر خط فقر بسر می‌برند! بر این، نام دیگری جز یک فاجعه نمی‌توان گذاشت. فاجعه دردناکی که مسبب اصلی آن کسی جز طبقه ارتجاعی حاکم و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیست. میلیون‌ها انسان بیکارند و میلیون‌ها انسان دیگر کار می‌کنند اما قادر به تأمین نیازهای زندگی خود و اعضاء خانواده خود نیستند. میلیون‌ها انسان فقیر و گرسنه! در جایی که خود آفریننده دنیائی از نعمت و ثروت‌اند و در جایی که بر روی دنیائی از منابع و ثروت‌های اجتماعی ایستاده‌اند که با استفاده صحیح از آن در یک نظم اجتماعی اقتصادی علمی و سوسیالیستی نه فقط به سرعت می‌توان فقر و گرسنگی را ریشه کن کرد بلکه به رفاه و آسایش همگانی دست یافت، نشان دهنده چیز دیگری جز وارونه گی نظام اجتماعی حاکم نیست و با وضوح شگرفی بیان کننده ضد انسانی بودن و گندیکی نظام سرمایه‌داری‌ست.

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی نیز طی سه دهه حاکمیت خود جز تشدید عوارض نظام سرمایه‌داری، جز گسترش فقر و فلاکت و بدبختی و گرسنگی، ارمغان دیگری برای مردم نداشته است. در تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی و درچارچوب نظم موجود نیز نه فقط هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع دیده نمی‌شود، بلکه وضعیت اقتصادی و میزان فقر و گرسنگی در میان مردم، از این هم که هست بدتر و وخیم‌تر

خواهد شد. طبقه حاکم و نوکیسه‌گان امنیتی - نظامی که بر شریان های اقتصادی جامعه چنگ انداخته‌اند تنها در فکر سود و تشدید استثمار و غارت‌اند. در عین حال بحران اقتصادی پیوسته عمیق‌تر شده است. رکود و توقف کارخانه‌ها و بیکار سازی‌ها ادامه دارد. رژیم از نظر مالی ورشکسته است و بدهی دولت به بانک مرکزی همچنان در حال افزایش است. به رغم ادعای پوچ و مضحک بانک مرکزی در مورد نرخ تورم یک رقمی، از فروردین سال جاری قیمت کالاها و مایحتاج عمومی مردم پیوسته افزایش یافته است. بهاء کالاها و خدمات در دو ماهه اول سال جاری، نه فقط نسبت به سال گذشته کاهش نشان نمی‌دهد، بلکه افزایش داشته است. گوشت ران گوسفندی به عنوان مثال، کیلوئی به حدود ۲۰ هزار تومان رسیده است. طرح به اصطلاح هدفمند سازی پارانه‌ها و به عبارت درست‌تر آزاد سازی کامل قیمت‌ها با هر شتابی که اجرا شود، که بخشاً اجرای آن آغاز شده است، افزایش شدید نرخ تورم را در پی دارد. بنابراین روشن است که تنگناها و فشارهای اقتصادی و معیشتی بر دوش مردمان کارگر و زحمتکش، بیش از پیش سنگین‌تر می‌شود. از قدرت خرید و توان مالی تهیه نیازهای زندگی کارگران و اکثریت مردم زحمتکش ایران بیش از پیش کاسته می‌شود و جمعیت انبوه مردمان فقیر و تهیدست، گرسنگان و بی چیزان جامعه متراکم تر و فشرده تر می‌شود. شکاف عمیق کنونی میان طبقه حاکم و مردم فقیر و زحمتکش پیوسته زرف‌تر می‌شود. در حال حاضر نیز تضادهای طبقاتی بسیار تشدید شده است. جامعه، سرشار از تضادهای حاد طبقاتی است و در آخرین سال دهه هشتاد، نسبت به دهه پیشین بسی قطبی‌تر شده است. مجموعه این شرایط، زمینه نطفه‌بندی قیام کارگران و زحمتکشان، قیام روستائیان و شهرنشینان و قیام زیر و رو کننده ارتش بی‌چیزان و گرسنگان را فراهم‌تر می‌سازد.

کارگران شرکت تابلیر : دستمزدهای همیشه معوق!

کارفرما : شما باید بپذیرید که همیشه دستمزدهایتان 3 ماه عقب باشد!

بنا به خبر دریافتی بیش از 2000 نفر از کارگران شرکت تابلیر، تا امروز و با وجود اعتراضات و پیگیریهای مکرر خود، تا این لحظه دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به فروردین و اریبهشت ماه را دریافت نکرده و تا چند روز آینده دستمزدهای خرداد ماه کارگران نیز معوق خواهد شد. در فروردین ماه گذشته به دنبال اعتراض، تحصن و تجمع کارگران در برابر دفتر شرکت واقع در خیابان توانیر تهران، سرانجام کارگران موفق شدند عمده دستمزدهای مربوط به سال گذشته را دریافت نمایند. اما با اینحال کارشکنی و عدم پرداخت دستمزدهای کارگران از جانب سرمایه داران و عوامل کارفرما برقرار است.

یکی از کارفرماهای کارچاق کن سرمایه در جواب کارگران معترض گفته است: شما باید بپذیرید و عادت کنید!؟ که همیشه دستمزدهایتان 3 ماه عقب باشد!؟ کارگر زیاد و ارزان است. البته این جناب انگل و نامحترم چندان بیراه هم نمیگوید. کارگران و خانواده هایشان باید به گرسنگی، فقر و محرومیت بیشتر و مرگ تدریجی عادت کنند تا آخر سرمایه داران و حکومت اسلامی نوکرشان انباشته تر شود!

یکی از کارگران معترض میگفت: کار شبانه روزی، سنگین و وحشتناک و پرخطر در اعماق زمین، ابتلا به انواع بیماری و مرض لاعلاج، دوری از خانواده هایمان، دستمزدهای 300 هزار تومانی، تورم و گرانی و فقر از یک طرف، و کلنجار و درگیری با سرمایه داران برای گرفتن همین دستمزدهای ناچیز، زندگی را برای ما و خانواده هایمان به جهنم واقعی تبدیل کرده است.

شرکت تابلیر (تابلین) مجری طرحی شبیه تونل میدان توحید تهران است. اجرای این پروژه جدید (تونل نیایش) که از یکسال پیش شروع شده مربوط است به احداث تونلی در اعماق 40 متری زمین به طول بیش از 10 کیلومتر. این تونل زیر گذر قرار است خیابان کارگر شمالی (بیمارستان قلب) را به اتوبان بابایی وصل نموده و به سمت شرق تهران و دماوند امتداد یابد. در حال حاضر بیش از 2000 کارگر مجموعاً در 5 کارگاه مستقرند. این کارگران با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و پایه دستمزد 303 هزار تومانی در دو شیفت 12 ساعته در عمق 40 متری زمین جایی که نه اکسیژن و نه هوای کافی برای تنفس موجود است و هر آن خطر ریزش آوارهای دهها تنی و مدفون شدن و جان باختن کارگر نیز هست مشغول به کارند. در حین استخدام از کارگران تعهد کتبی و امضا میگیرند مبنی بر اینکه همیشه دستمزدها با تاخیر پرداخت میشود و کارگر حق هیچگونه اعتراضی ندارد.

برپایه خبر رسیده در تاریخ 25 خرداد آمده است :

دو هزار و پانصد معلم اخراجی در کردستان ۲۷ سال به دنبال حقوق پایمال شده خود هستند

دو خبر از گیلان

اخراج 2 تن دیگر از کارگران شرکت سبز زیور

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در خرداد 89 گزارش می دهد : شرکت سبز زیور، پیمانکار شهرداری منطقه یک رشت (گلزار) است. کارگران خدماتی قراردادی شهرداری منطقه یک رشت که با این شرکت کار می کنند در حال حاضر حداقل 5 ماه اضافه کاری معادل یک میلیون تومان از این شرکت طلبکارند .

مالک شرکت سبز زیور فردی به نام جمشیدی از اهالی کرج است که با زد و بند با شهردار رشت و اعضای شورای شهر رشت توانست این قرارداد را منعقد کند. در این میان کارگران معترض حتی با شهردار ضدکارگر رشت - فریدونی - و رئیس شورای ضد کارگر رشت - قاسمی - بارها مذاکره کرده اند اما نتیجه نگرفته اند. در پی این اعتراضات دو تن دیگر از کارگران خدماتی شهرداری منطقه یک گلزار رشت نیز از شرکت خدماتی سبز زیور اخراج شدند. این دو تن که جمشید ضیاء و رحمان فخیم صادقی نام دارند از تاریخ 89/3/4 اخراج شده اند. لازم به ذکر است که ماشین های حمل و نقل شهرداری که در اختیار شرکت سبز زیور است به علت استهلاک بالا و هزینه زیاد تعمیر و نگه داری از دور کارکردن خارج شده اند. شهرداری خواستار خسارت در این زمینه و فسخ قرارداد با جمشیدی به علت بی لیاقتی وی است. در مقابل، جمشیدی با پرویی تمام خواستار ضرر و زیان ناشی از فسخ قرارداد است. در این میان سرنوشت و تکلیف کارگران خدماتی شهرداری مشخص نیست.

کنف کار

کارخانه کیسه بافی کنف کار که متعلق به خانواده زهرابی و دو پسرعموی جزایری عرب است در حال حاضر با 130 کارگر مشغول به کار در یک شیفت است. کارگران هریک در حدود 4 میلیون تومان مطالبات معوقه طلبکارند. اما کارخانه علیرغم تولید از اول سال جاری 89 تا کنون فقط 300 هزار تومان به هریک از کارگران پرداخته است. مدیر عامل ضدکارگر فعلی دختر زهرابی است که وکیل وی مسئول رتق و فتق کارها است. کارخانه دارای شورای کارگری تحت نظارت اداره کار و تأیید شده اطلاعات است که سه عضو دارد که سال هاست در شورا عضویت دارند.

فعالان ضد سرمایه داری گیلان خرداد 1389

اخراج 45 کارگر مجتمع تولیدی کشت و صنعت خرمداشت

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 25 خرداد 89 گزارش می دهد: مجتمع کشت و صنعت خرمداشت کردستان 45 کارگر را اخراج کرده است. سرمایه دار شرکت با هدف فرار از فشار اعتراض کارگران ابتدا آنان را برای 15 روز به مرخصی اجباری فرستاده است. کارگران اخراجی که کل نیروی کار کارخانه را تشکیل می دهند 4 ماه است که هیچ ریالی دستمزد نگرفته اند. توطئه کریه مرخصی اجباری کارگران به عنوان مقدمه اخراج آنان و اعلام همزمان تعطیل شرکت، این هدف شوم ضدبشری را نیز دنبال می کند که سرمایه دار مصمم است تا خود را از فشار مبارزه متحد کارگران در درون کارخانه و در حین اشتغال برای حصول دستمزدهای معوقه نیز در امان نگه دارد. سرمایه دار دلیل اخراج 45 کارگر را عدم همکاری بانک صنعت و معدن اعلام کرده است!! مراد وی از عدم همکاری ظاهراً این است که مثل همه سرمایه داران می خواسته است بخش هر چه بیشتری از سرمایه های حاصل کار و استثمار توده های کارگر را از بانک خارج و به حوزه انباشت خویش سرریز کند و بانک ها که همه جا برای این کار بدون هیچ قید و شرط در خدمت سرمایه داران هستند، این بار به دلیل فشار سهمیگن بحران اقتصادی جاری قادر به این کار نبوده اند.

تعویق دستمزدها در شرکت تابلیر

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 25 خرداد 89 گزارش می دهد: تابلیر یک شرکت بزرگ راه و ساختمان است که 2000 کارگر را استثمار می کند. این شرکت عهده دار حفاری تونل نیایش است که قرار است خیابان کارگر شمالی را به اتوبان بابایی متصل کند. کارگران در عمق 40 متری زمین کار می کنند و شرایط کار آنان بسیار هولناک و مرگبار است. 2000 کارگر شرکت همواره با تعویق دستمزدها مواجه هستند و سرمایه داران بسیار رک و صریح دلیل این کار را اعلام کرده اند. آنان به کارگران می گویند « کارگر بسیار فراوان است، آن قدر فراوان که همیشه جمعیت عظیم نیروی کار آماده اند تا با قبول ماه ها تعویق دستمزد بازهم کار کنند و لب به اعتراض نگشایند». کل کارگران این شرکت از پایان ماه اسفند سال پیش تا امروز حتی یک ریال هم دستمزد نگرفته اند.

اطلاعیه شماره یک، اعتصاب کارگران خبازی های سقز و حومه

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 25 خرداد 89 از جانب کارگران خبازی های سقز و حومه خبر نمی دهد:

همشهریان و مردم زحمتکش سقز!

ما کارگران خبازشهرستان سقز، سال هاست افتخار آن را داریم که در خدمت مردم محروم و زحمتکش باشیم و به خوبی درک می کنیم که اکثریت نانی که روزانه در خبازی ها تولید می شود خوراک مردم زحمتکش است و هزاران نفر از کودکان این مردم از این نان تغذیه می کنند. از طرف دیگر ما هم برای این که توان کار داشته باشیم به دستمزد احتیاج داریم تا خود را برای کار روز بعد آماده نماییم. ولی چند سالی است که نماینده کارفرما به هیچ عنوان تن به بستن قرارداد با نماینده ما نمی دهد. نمایندگان کارفرمایان هر روز با شیوه های غیرقانونی و به دور از هر گونه اخلاق انسانی کارفرمایان را تشویق می کنند تا دستمزد کارگران را پرداخت نکنند. این عملکرد نماینده کارفرما موجب اغتشاش در کلیه کارگاه های خبازی شده و ما کارگران دیگر تحمل آن را نداریم که نمایندگان کارفرما به میل و اراده خود دستمزد ما را افزایش دهند. اگر ما تا امروز ساکت و آن همه بی عدالتی را تحمل کردیم تنها به خاطر آن است که مردم محروم و زحمتکش از نظر تهیه نان روزانه خود با مشکلات روبرو نشوند.

مردم شریف!

کارگران خباز شامل قانون کار هستند و هر ساله توسط شورای عالی کار دستمزد کارگران افزایش می یابد و طی بخشنامه به کلیه ادارات کار جهت اجرا ابلاغ می گردد. اما از زمانی که رییس اداره کار (فعلی) و فرماندار (فعلی) در شهر ما به قدرت رسیده اند همیشه با کارگران خباز در تضاد بودند و از نماینده کارفرما حمایت غیر قانونی کرده اند. به طوری که فرماندار به یکی از نمایندگان کارگران خباز گفته است که کارگران خباز شامل قانون کار نمی باشند و نماینده کارفرما هم از این گفته فرماندار سوء استفاده کرده و به تمام کارفرمایان اعلام کرده است که دستمزد کارگران را افزایش نداده و پرداخت نکنند
مردم شریف!

همچنان که اطلاع دارید در تاریخ ۸۹/۳/۱۶ با اجرای نامه شماره ۱۱۶۱۰/۱/۸۵ مورخه ۹۸/۳/۱۲ استانداری استان کردستان نرخ انواع نان تولیدی را افزایش داده و عامل اصلی افزایش نرخ نان را دستمزد کارگران اعلام کردند. این در حالی است که هنوز دستمزد ما کارگران افزایش نیافته و با نرخ سال های قبل کار می کنیم. از طرف دیگر اتحادیه کارفرمایان در تاریخ ۸۹/۳/۱۶ طی نامه ای که آن را در کلیه خیابان ها نصب کرده اند، کارفرمایان را موظف کرده تا اطلاع ثانوی دستمزد کارگران را افزایش ندهند و رونوشت آن را به فرمانداری و اداره کار داده اند تا اطلاع داشته باشند!!!!؟ این عمل نماینده کارفرما از هر نظر محکوم است. ما در اطلاعیه چند روز پیش اعلام کردیم که تا تاریخ ۸۹/۳/۲۵ منتظر می مانیم که به هر طریقی که مسئولان شهر صلاح می دانند این مشکل را حل کنند. ولی تا امروز ۸۹/۳/۲۵ هیچ گونه توافقی فی مابین نماینده ما و نماینده کارفرما صورت نگرفته و ما امضاء کنندگان این اطلاعیه حق خود می دانیم که در تاریخ ۸۹/۳/۲۶ راس ساعت ۷ صبح دست از کار بکشیم. ما کارگران خباز در اطلاعیه های بعدی، مردم شریف شهرستان را از اقدامات خود با خبر خواهیم کرد.
کارگران خبازی های سقز و حومه ۸۹/۳/۲۵

از سوی رئیس جمهور صورت گرفت: ابلاغ قانون مشاغل خانگی برای اجرا

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 خرداد نوشت: رئیس جمهور قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی را برای اجرا ابلاغ کرد. بر این اساس به منظور حمایت و گسترش مشاغل خانگی ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی تشکیل می شود.
به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دولت، بر اساس این قانون دولت موظف شده است تا با توجه به سند چشم انداز بیست ساله، مشاغل خانگی را مطابق این قانون ساماندهی و حمایت کند تا زمینه ایجاد اشتغال برای این گونه متقاضیان فراهم شود.
همچنین به منظور حمایت و گسترش مشاغل خانگی ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی تشکیل می شود.

این ستاد متشکل از وزیر کار و امور اجتماعی (رئیس)، وزیر صنایع و معادن یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر جهاد کشاورزی یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر بازرگانی یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر رفاه و تامین اجتماعی یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر تعاون یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده تام الاختیار وی، وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی یا نماینده تام الاختیار وی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا نماینده تام الاختیار وی، فرمانده نیروی انتظامی یا یکی از معاونان وی، رئیس شورای عالی استانها یا نماینده شورای مذکور، سرپرست کمیته امداد امام خمینی، رئیس سازمان بهزیستی، رئیس سازمان تامین اجتماعی، دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون اجتماعی مجلس به عنوان عضو ناظر، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون، رئیس شورای مجامع صنفی کشور، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و مدیرعامل صندوق مهر امام رضا (ع) است.
وظایف و اختیارات ستاد مذکور مواردی چون تعیین سیاست های اجرایی مشاغل خانگی، تعیین راه کارهای پیوند کسب و کار خانگی با بازار سرمایه بیرونی اعم از داخلی و بین المللی، ایجاد هماهنگی در دستورالعمل های حمایتی و نظارتی دستگاه های اجرایی ذی ربط در مورد مشاغل و کسب و کار خانگی و ارزیابی مستمر نقش اجتماعی و اقتصادی مشاغل خانگی در توسعه ملی، بررسی راه کارهای حمایتی مالی و تسهیلاتی از مشاغل خانگی و بررسی پیشنهادهای دستگاه های اجرایی و کارگروه های استانی جهت اتخاذ تصمیمات مقتضی است. براساس این قانون، همه دستگاه های عضو ستاد موظفند راه کارهای حمایتی، نظارتی و تسهیل کننده ایجاد و توسعه مشاغل خانگی مجاز را در قالب دستورالعمل، حداکثر ظرف 3 ماه از تاریخ تصویب این قانون تدوین و جهت تصویب به ستاد ارائه کنند.

وزارت کار و امور اجتماعی نیز موظف شد ضمن شناسایی مشاغل و کسب و کار خانگی با کمک دستگاه های ذی ربط، فهرست مشاغل مجاز خانگی را همه ساله به تصویب ستاد برساند.
این قانون همه شهرداری ها را نیز مکلف کرده است به تناسب تعداد و تنوع کسب و کار خانگی، مکان های مناسبی را (بازار محلی موقت) برای عرضه محصولات صاحبان مشاغل مذکور، به صورت دوره ای در روزهای مشخص هفته، تأمین کنند.

سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز موظف شده است در جهت توسعه فرهنگ مشاغل خانگی و انسجام بخشی به مشاغل مذکور با امکانات موجود، با مشارکت وزارت کار و امور اجتماعی به صورت مستمر در ساعات معین به تولید برنامه های آموزشی و ترویجی اقدام کند.

منظور از مشاغل خانگی یا کسب و کار خانگی آن دسته فعالیت هایی است که با تصویب ستاد ماده 3 توسط عضو یا اعضا خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می گیرد و منجر به تولید خدمات و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط

مسکونی می‌شود.

براساس این قانون، شاعلان کسب و کار خانگی برای کسب منافع به انجام فعالیت، به صورت کار مزدی برای کارفرمای خارج از محیط مسکونی و انجام فعالیت مستقل اعم از تامین مواد اولیه تا عرضه محصول به خارج از محیط مسکونی و انجام فعالیت به صورت تعادلی، اتحادیه و یا مشارکت یا بنگاه‌های بالادستی تامین‌کننده مواد اولیه و عرضه محصول آنان در بازار ترجیحا به صورت کسب و کار خوشه‌ای می‌پردازند. پایان پیام

تجمع و اعتراض مجدد خریداران و اعضای تعاونی مسکن لشگر 28 کردستان

طی اعتراض‌هایی که خریداران و اعضاء تعاونی مسکن لشگر 28 کردستان در طول چندین دوره داشتند، این بار نیز با تجمع در مقابل درب ورودی لشگر در تاریخ 25/3/89، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند که از طرف نمایندگان لشگر 28 به آنها قول مساعد داده شد تا تاریخ 25/4/89 زمینها به اعضاء تحویل داده شده و به خواسته‌های آنها رسیدگی شود و دیگر مشکلی از طرف ارتش وجود نخواهد داشت. این تجمع در حالی به پایان رسید که اعضاء و خریداران، اعلام کردند که اگر تا تاریخ اعلام شده به خواست آنها رسیدگی نشود، آنها همچنان به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

89 / 3 / 26

تجمع اعتراضی ساکنان شهرک زیتون مقابل شهرداری تهران

به گزارش سایت جرس در تاریخ 26 خرداد آمده است: بیش از صد نفر از ساکنان شهرک زیتون که سال‌هاست پیگیر حقوق مالکیت خود بر اراضی و رسیدگی شهرداری و دولت به وضعیت خود هستند، دیروز با در دست داشتن پلاکاردهایی مقابل شهرداری تهران تجمع کرده و در شعارهای خود خواهان استعفای شهردار و احمدی نژاد شدند. به دنبال استقرار یگان ویژه در گروه‌های معترض آنها در خیابان بهشت اقدام به برگزاری راهپیمایی کردند. ساکنان شهرک زیتون که نزدیک به سه دهه است با مشکلات پیش روی خود دست به گریبان‌اند، دیروز در مقابل شهرداری تهران تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار حل مشکلات خود شدند.

در ادامه این گزارش آمده است: زنان و مردان معترض که در این تجمع شرکت کرده بودند اعلام کرده‌اند که 23 سال پیش از وزارت جهاد کشاورزی زمینی را به قیمت حدود 50 هزار تومان خریداری کرده و برای این ملک‌ها سند منگوله‌دار هم دارند، ولی سال‌ها می‌گذرد و هنوز نتوانسته‌اند مجوز ساخت از شهرداری بگیرند. همچنین یک ماه پیش نیز حدود 300 نفر از سهامداران شهرک موسوم به "زیتون" منطقه سرخه حصار تهران در اعتراض به تخریب واحدهای این مجموعه، در مقابل ستاد بحران شهرداری منطقه 13 تهران تجمع کردند. این در حالی است که بارها مسئولان شهرداری و شورای شهر اعلام کرده‌اند که کاربری مناطق مربوط به اسکان مردم در این محدوده مختص فضای سبز بوده و هر نوع ساخت‌وسازی در آن ممنوع است. با این حال رای دیوان عدالت اداری در داوری پرونده شرکت تعاونی زیتون - وابسته به جهاد کشاورزی - عنوان کرده‌گرچه می‌دانند کاربری این اراضی مسکونی و تجاری نیست، اما مالکان و دارندگان سند در این منطقه قبل از هر اقدامی باید با شهرداری هماهنگی لازم را انجام دهند.

با این حال زنان و مردان در گرمای 40 درجه تهران در زیر آفتاب داغ و سوزان پلاکارد به دست شعارهای الله و اکبر و رییس جمهور بی کفایت استعفا سر دادند. آنها همچنین در اقدامی ابتکاری روی پارچه مشکی بر نرده‌های پارک شهر تهران خلاصه‌ای از کپی نامه نگاری خود با شهرداری، وزارت مسکن، محیط زیست و مجلس را نصب کرده بودند و به همین خاطر ابران و آنهایی که برای قدم زدن در پارک شهر به سر می‌بردند می‌توانستند به راحتی با مطالعه آن نامه‌ها به مشکل سهامداران شهرک زیتون پی ببرند.

با گذشت نیم ساعت از شکل‌گیری تجمع در مقابل شورای شهر تهران نیروهای گارد ویژه در مقابل شهرداری تهران صف کشیدند و در مقابل شهروندان معترض نیز در وسط و کف خیابان نشستند که این موضوع به ایجاد ترافیک سنگینی در خیابان بهشت منجر شد.

زنان چادر به سر روی زمین نشستند و ماموران پلیس با تهدید و خواهش سعی در باز کردن ترافیک ایجاد شده در خیابان اصلی شهر داشتند.

پیرمردی که مدام شعار می‌داد خطاب به ماموران یگان ویژه فریاد می‌زد: «شما چطور اسم ائمه و پیغمبر را می‌برید و قتی ما را از خانه و کاشانه مان آواره کرده‌اند. ما حتی قرآنی پول نداریم که بخواهیم یک متر در تهران زمین بخریم. حتی توان پرداخت اجاره را هم نداریم. ما مالک خانه‌هایی هستیم که به روز از ما گرفته شده است. پس آن شعارهای برادری و برابری تان کجا رفته و کجا هستند آنهایی که شعار برادری سر می‌دادند. ما ایرانی هستیم. ما غاصب نیستیم. چو ایران می‌باشد تن من میاد.»

زنان ساکن در شهرک زیتون نیز با گریه و فریاد مقابل نیروهای نظامی از آنها می‌خواستند تا اجازه دهند با محمد باقر قالیباف شهردار تهران ملاقاتی داشته باشند.

مردم معترض بعد از نشستن بر کف خیابان پارچه مشکلی بزرگی را در جلوی جمعیت گرفتند و به سمت ساختمان دادگستری تهران حرکت کردند. پلیس و یگان ویژه مانع از حرکت و تردد آنها شد و از مردم درخواست کرد که در همانجا به اعتراض خود ادامه دهند.

نزدیکی پارک شهر به محل تجمع، موجب گردم هم آمدن گروه‌های زیادی از مردمی بود که برای کنجکاو و اطلاع از این تجمع به محل برگزاری اجتماع مردمی نزدیک تر شده بودند و در گفت و گو با مردم معترض از حال و روزشان می‌پرسیدند.

قول زمین معوض شهرداری هنوز محقق نشده است

یک ماه پیش نیز حدود 300 نفر از سهامداران شهرک موسوم به "زیتون" منطقه سرخه حصار تهران در اعتراض به تخریب واحدهای این مجموعه، در مقابل ستاد بحران شهرداری منطقه 13 تهران تجمع کردند.

این تجمع به دلیل تخریب دو واحد مسکونی این مجموعه از سوی شهرداری منطقه 13 صورت گرفت. مسوول ستاد بحران این منطقه در پاسخ به اعتراض این عده عنوان کرده است که تخریب واحدهای یادشده به دستور قضایی صورت گرفته و از آنها دعوت شده است که با مراجعه به ستاد منطقه از نزدیک حکم قضایی را رویت کنند.

اعتراض مردم به شخص شهردار تهران در شرایطی با شعار "شهردار بی کفایت استعفا استعفا" هم آواز شد که محمدباقر قالیباف دو سال به مردم معترض شهرک زیتون قول داده بود تا برای حل مشکل شهرک زیتون توپ را به زمین دیگران نیندازد. او همچنین در ملاقات مستقیم با ساکنان شهرک زیتون قول داد ضمن اعطای زمین معوض و صدور مجوز ساخت با شرایط مناسب، برای حل مشکل آنها اقدام کند اما با وجود این عده ها و با گذشته دو سال از آن تاریخ هنوز هیچ اقدامی برای در اختیار قرار دادن زمین معوض به سهامداران این شهرک صورت نگرفته است.

همچنین پیشتر تعداد زیادی از صاحبان زمین‌ها زیتون با پلاکاردهای برای صحبت با شهردار تهران در مراسم افتتاحیه تقاطع سه راه شهید احمد متوسلیان در شرق تهران حضور یافته بودند.

برخی مسئولان شهرداری بر این باورند که در واقع کلید حل مشکلات پیش آمده برای سهامداران شهرک زیتون در دست بالادستی‌های قدرت است و شهرداری نمی‌تواند بدون مجوز وزارت کشور و دیگر سازمان‌های مرتبط در این زمینه اقدامی انجام دهد.

شهردار تهران نیز در همین زمینه می‌گوید: «با صراحت تاکید می‌کنم، افرادی که این زمین را به شما داده‌اند، خطا کرده‌اند، چرا که این زمین‌ها جزء منابع طبیعی است و جایی است که اگر خانه‌ای ساخته شود، برای خود شما و همه شهر مشکلات زیست محیطی ایجاد می‌کند. باید مسئولان در مقابل این سند به شما پاسخگو باشند، اما من تاکید می‌کنم که برای رسیدن به نتیجه باید صبر داشته باشید و به ما اعتماد کنید. در غیر این صورت چندین سال دیگر می‌گذرد و هر روز به شما قول‌هایی می‌دهند که اجرایی نمی‌شود و این موضوع دیگر به عمر شما کفاف نمی‌دهد.»

ورودی شورای شهر و شهرداری تهران در خیابان بهشت این روزها مکانی برای برگزاری تجمع کوچک مردمان معترضی شده که این روزها به دشواری می‌توانند اعتراض خود را به شکل علنی در شهر تهران بروز دهند.

چند هفته پیش هم ساکنان محله سوهانک با استقرار در مقابل در اصلی شورای شهر تهران نسبت به وضعیت آب آشامیدنی ساکنان منطقه تجمع کوچکی برگزار کردند.

مکالمات خصوصی کارمندان دولت کنترل می‌شود

مسیح علی نژاد، در مطلبی که تحت عنوان "هراس دولت از کارمندان و تدابیر امنیتی ویژه برای شنود مکالمات خصوصی" در سایت اصلاح طلب جرس منتشر کرده، از تدابیر رژیم برای کنترل مکالمات خصوصی کارمندان دولت پرده بر می‌دارد. او در این مطلب می‌نویسد: از خرداد سال ۸۸ تا کنون بسیاری از کارمندان سازمان‌ها و نهادهای دولتی حاضر به همراهی با تصمیمات دولتی نشده‌اند. به عنوان مثال برخی از کارمندان صدا و سیما، مخابرات، سازمان ثبت احوال و حتی اداره تأمین اجتماعی و پزشکی قانونی کشور به کرات اطلاعات و اخبار مربوط به حوادث پس از انتخابات را رسانه‌ای کرده‌اند.

بدنه سازمان‌های دولتی حتی گزارش‌هایی را در مورد تخلفات دولتی تقدیم برخی از نمایندگان مجلس کرده‌اند و در همین راستا چند تن از کارمندان دولت که اطلاعات و اخبار مربوط به سوء استفاده‌های دولتی در ماجرای انتخابات را در اختیار علی لاریجانی، رییس مجلس اصولگرای هشتم قرار داده بودند باز داشت شده‌اند.

یکی از زندانیان معترض پس از انتخابات، بعد از آزادی به جرس گفت: در زندان اوین با یکی از کارمندان وزارت اطلاعات همبند بوده‌ام. این کارمند معمولی وزارت اطلاعات لیستی از سوء استفاده‌های مالی و دخالت مستقیم سپاه در قراردادهای اقتصادی را در اختیار لاریجانی قرار داده بود.

به تازگی برخی از کارمندان صدا و سیما نیز به حراست این سازمان احضار شده‌اند تا جهت همکاری و همراهی با ستادهای انتخاباتی میرحسین موسوی و مهدی کروبی در ایام انتخابات توضیحاتی را ارائه دهند.

همچنین کارمندان اداره مخابرات برخی از شهرستان‌ها نیز با تهدید جدی برای برکناری از کار مواجه شده‌اند. همه این فشارها تا کنون نتوانسته بدنه سازمان‌های دولتی را با تصمیماتی که در راس به صورت بخش‌نامه‌ای ابلاغ می‌شود همراه کند.

بر اساس گزارش رسیده به جرس، نهاد حراست کل کشور دستورالعملی را برای نهادهای زیر مجموعه خود در سراسر کشور به صورت محرمانه ارسال کرد، تا عملکرد کارمندان دولت را پس از بحران سیاسی پس از انتخابات به صورت ویژه کنترل کند.

این گزارش حاکیست؛ دستورالعمل مذکور در روزهای پایانی سال ۸۸ برای شماری از نهادها و ارگانهای دولتی ارسال شده است. اما همچنان برخی دیگر از نهادها و سازمانهای دولتی با دریافت چنین دستورالعملهایی مواجه هستند.

این برنامه ها بر اساس برنامه های حراست کل کشور است و سمت جدیدی را تحت عنوان مسئول حفاظت شبکه و فناوری اطلاعات در ادارات و نهادهای دولتی برای آن پیش بینی و ایجاد کرده اند.

از جمله دستورات این بخشنامه که در اختیار جرس قرار گرفته است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مراقبت از وب سایت ها و وبلاگ های رسمی اداره متبوعه

کنترل کلیه بخشهای تعاملی وب تحت کنترل Admin

ایجاد کمیته امنیت اطلاعات

تهیه لیست افراد مجاز با دسترسی خاص

حفاظت از تبادل اطلاعات STP

شناسایی نقاط آسیب شبکه و ارائه راهکارهایی برای برطرف کردن آنها

حفظ و صیانت از سیستم های رایانه ای

جلوگیری از نصب و استفاده از هرگونه فیلتر شکن

ممنوعیت اخذ و به کارگیری نرم افزارهای جدید بدون اخذ مجوز

مراقبت ویژه از انتقال اطلاعات آفلاین و آنلاین

محدود نمودن دسترسی کاربران

تهیه لیست وب سایتهایی که به نحوی در شبکه استفاده شده اند

تهیه نگهداری کلیه شماره تلفن های ضروری

تهیه backup از آخرین اطلاعات

حفاظت از سامانه اسناد اداری

تهیه لیست افراد مجاز به تردد

گفتنی است لیستی از نرم افزارهای کاربردی تحت عنوان نرم افزار های جاسوسی و وابسته به صهیونیست ها از جمله بایبلون و یاهو مسنجر و ... تهیه شده است که برای استفاده در ادارات دولتی ممنوع اعلام شده اند.

مجموعه اقدامات برای کنترل و بازرسی رایانه ها و عملکرد کارمندان نهادهای دولتی در اینترنت تنها شامل دستورالعمل های اعلام شده نبوده و ارتباطات تلفنی را نیز شامل می شود. تمامی تلفن ها و مکالمات کارمندان نیز کنترل و ضبط و شنود می گردند.

این شنود ها تلفن های داخلی و بیرونی ادارات را نیز شامل می شود.

کارمندان دولتی به یکدیگر توصیه می کنند تا در راستای فعالیت و همراهی خود با مردم معترض، تمامی موارد امنیتی را نیز مورد توجه قرار دهند.

گفته می شود به تازگی جمعی از کارمندان یکی از نهادهای مهم دولتی شکایت نامه ای را در خصوص فضای امنیتی ایجاد شده در آن سازمان و باز خوانی مکاتبات شخصی کارمندان و شنود مکالمه های خانوادگی و خصوصی، تقدیم کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی کرده اند.

پیش از این و در یکی از برنامه های انتخاباتی سال گذشته، محمود احمدی نژاد، رییس دولت فعلی ایران در مورد شنود مکالمات شخصی شهروندان آمریکایی توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی این کشور، ابراز تاسف کرده بود.

متن این بخشنامه در اختیار جرس قرار دارد اما به دلیل حفظ امنیت کارمندی که آن را ارسال کرده است از انتشار آن خود داری شد.

روزنامه نگار آذربایجانی در اردبیل ناپدید شد

سایت ساوالان سسی: در تاریخ 26 خرداد نوشت مهندس ابراهیم رشیدی روزنامه نگار و وبلاگ نویس آذربایجانی از روز دوشنبه ۲۴ خرداد ۸۹ در اردبیل ناپدید شده است. این وبلاگ نویس و روزنامه نگار آذربایجانی عصر روز دوشنبه ۲۴ خرداد ۸۹ پس از ملاقات با یکی از دوستانش در بازار اردبیل در راه بازگشت به منزل خواهرش ناپدید شده و تا کنون تماسی با خانواده نداشته است.

شاهدان عینی می گویند ماموران امنیتی ابراهیم رشیدی را در مسیر بازگشت به منزل خواهرش تحت تعقیب قرار داده بودند و گمان می برند که رشیدی توسط ماموران اداره اطلاعات اردبیل بازداشت شده باشد.

مسئولین امنیتی از دادن پاسخ به سوالات خانواده رشیدی امتناع کرده و از بازداشت وی اطلاعی می کنند. خانواده این فعال مدنی آذربایجانی به شدت نگران سلامتی جسمی وی هستند.

چندی پیش نیز ماموران امنیتی با مراجعه به منزل پدری این وبلاگ نویس آذربایجانی در شهر مشکین شهر (خیاو) پس از تفتیش منزل کتابها و دست نوشته های وی را با خود برده بودند.

رشیدی پیش از این نیز در فروردین و خرداد ۸۵ بازداشت و ۱۵ آذر ۸۷ پس از تحمل ۵ ماه حبس تعزیری از زندان ارومیه آزاد شده بود.

ابراهیم رشیدی عضو هیات تحریریه ماهنامه "بایرام" و هفته نامه توقیف شده "نوید آذربایجان" و وبلاگ نویس، مدرس زبان ترکی آذربایجانی، عضو مؤسس سازمان غیر دولتی (NGO) "آذرتوپراق"، عضو هیات مؤسس و دبیر

کانون فرهنگی "استاد شهریار" دانشگاه اورمیه، مدیر مسؤل نشریه دانشجویی "اولدوز"، سردبیر نشریه دانشجویی "بولوت" در دانشگاه اورمیه و شاعر آذربایجانی می باشد .
این فعال شناخته شده آذربایجانی در طی سالهای گذشته بارها بازداشت و زندانی شده است . سازمان عفو بین المللی با صدور اطلاعیه هایی در ۱ آوریل و ۱ می ۲۰۰۶، بازداشت و فشار بر این وبلاگ نویس و روزنامه نگار آذربایجانی را محکوم نموده بود .

اعتصاب صدها تن از کارگران استان کرمان در اعتراض به اخراج

از روز دوشنبه ۲۴ خرداد ماه تا روز چهارشنبه ۲۶ خرداد به مدت سه روز ، بیش از چهارصد تن از کارگران کارخانه گندله سازی شرکت سنگ آهن گل گهر سیرجان ، در اعتراض به اعلام نتایج آزمون استخدامی این شرکت دست به اعتصاب زده و در ادامه در بلوار مالک اشتر سیرجان در مقابل واحد اداری شرکت گل گهر تجمع کرده اند. بدنبال این موضوع خبرنگاران برای انعکاس تجمع کارگران به محل میروند ولی مزدوران اطلاعات، به خبرنگاران مراجعه کرده و مانع از انعکاس هرگونه خبری در این رابطه شدند.

بعد از سه روز تحصن در مقابل واحد اداری شرکت گل گهر ، کارگران به مقابل فرمانداری رفته و ساعاتی راهم در مقابل فرمانداری تجمع میکنند ولی متأسفانه هیچگونه پاسخی به آنها داده نمیشود. ونهایتاً از جانب کارگران ، تعدادی به عنوان نماینده آنها برای پیگیری موضوع به تهران میروند و کماکان بی پاسخ میمانند.
بنا به گفته کارگران ، این اعتصاب پس از آن شکل گرفت که در نتایج آزمون استخدام گندله سازی، تنها چهل تن از کارگران سابق پذیرفته شده اند و سایر کارگران و تکنسین های مجتمع پذیرفته نشده اند و اخراج می شوند. یکی از کارگران که حدود ۶ سال سابقه کار داشت گفت: علیرغم همه ادعاهایی که در این نظام میشود ، از کارگران بعنوان برده استفاده میشود سالیان عمرمان را در معادن کار کرده ایم ، اما بجای بیمه و دادن مزایا و تأمین معیشت کارگرانی مانند ما ، مقامات به بهانه برگزاری آزمون می خواهند ما را اخراج کنند و برخی افراد دارای رابطه را با کارگران با سابقه و قدیمی که همه دارای زن و بچه و زندگی و مشکلات معیشتی هستیم ، جایگزین کنند."

"قبلاً مدیرعامل کنسرسیوم مجری طرح گندله سازی در پاسخ اعتراضها، وعده داد که نیروهای فعلی در اولویت باشند اما با اعلام نتایج آزمون مشخص شد که فقط ده درصد از کارگران فعلی را پذیرفته اند که تازه باید در مرحله گزینش هم شرکت کنند."

این اعتراضها در حالی صورت می گیرد که پیش از این در فروردین ماه امسال و در زمان حضور محمود احمدی نژاد برای افتتاح مجتمع گندله سازی، کارگران به رییس دولت گفته بودند که مسوولان قصد اخراج آن ها را دارند.

درگیری مردم با ماوران دولتی در گیشا

ساعت 10 شب چهارشنبه است دوستی زنگ میزند که خودتو سریع برسون گیشا چون درگیری شده، خیلی سریع سوار ماشین می شوم و خودم را نیم ساعته به گیشا میرسانم در مقابل بازار نصر جمعیتی حدود 200 نفر جمع شده اند و در حال دادن شعار هستند "مرگ بر دیکتاتور"، "حکومت زور نمی خوام، پلیس مزدور نمی خوام"، "مزدور بروگمشو" سریع به میانشان میروم و دوستی را که زنگ زد پیدا می کنم مسئله را پرس وجو می کنم و دلیل جمع شدن مردم را، او می گوید حدود نیم ساعت پیش ساعت 10 یکی از دستفروشان محل تعدادی جنس را برای فروش می آورد که یک موتور نیروی انتظامی رد می شود و مزاحم کسب دستفروش میشود و بعد از جر و بحث با فروشنده او را کتک میزند و با تهدید می خواهد که بساط دستفروش را ضبط کند. در همین حین مرد دستفروش شروع به دادن فحش به خمینی و خامنه ای میکند ، مردم که متوجه مسئله میشوند در حمایت از دستفروش به سمت مامور انتظامی هجوم می آورند و کتک مفصلی به او میزنند مامور فرار می کند و بعد از یک ربع به همراه 4 مامور دیگر باز میگردد و این بار نیز از طرف مردم مورد حمله قرار میگیرد که در واکنش به این عمل مردم با استفاده از سلاح کمری و شلیک تیر هوایی و سپس تهدید مردم، سعی در متفرق کردن مردم دارند در این لحظه به تعداد مردم خیلی سریع اضافه میشود و دوباره مردم به آنها حمله می کنند و برای بار دوم مجبور به فرارشان می کنند. الان هم به 40 دقیقه ای که مردم جمع شدن و دارن شعار میدن مشغول حرف زدن هستیم که ماشین های گارد به همراه موتورهای بسیج حمله میکنند و سریع محل را محاصره می کنند و با خشونت مردم را کتک میزنند و تعدادی را دستگیر میکنند. مردم هم بعد از مدتی مقاومت به دلیل کثرت نیرو محل را ترک کنند. ما هم به خاطر اجتناب از دستگیری، محل را ترک می کنیم. من بعد از پایان ماجرا همچنان در این فکرم که چطور از یک مسئله ساده چنین آتشی پا می گیرد آنهم بطور خودبخودی و مردم تا چه حد از جمهوری اسلامی متنفرند و چه آتشی در دل این مردم نهفته است و این آتش تا چه حد میتواند با راهنمایی و برنامه ریزی درست و انقلابی گسترده تر شود. با این فکر گیشا را ترک می کنم و به خانه میرسم اما همچنان در فکرم. با امید به آینده و پیروزی .

نشریه بذر چهارشنبه 26 خرداد 89 ساعت 11:30 شب

روزنامه نگار تهرانی به دو سال زندان محکوم شد

صبح روز چهارشنبه 26 خردادماه، شاهین زینعلی در شعبه 26 بیدادگاه انقلاب اسلامی به دو سال و نود و یک روز زندان محکوم کرد. هرا نا در این رابطه می نویسد: حکم صادره در خصوص این روزنامه نگار و فعال سیاسی حاکی از 2 سال حبس به جهت اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور از طریق عضویت در حزب پان ایرانیست، 91

روز حبس به جهت فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق شرکت در تجمعات غیر قانونی منجر به اغتشاش، و مصاحبه با رسانه های بیگانه و پرداخت مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی می باشد. شاهین زینعلی پس از چهار ماه بی خبری از پرونده خود اول خرداد ماه به شعبه بیست و ششم دادگاه انقلاب تهران برای کسب آخرین دفاع احضار شد که به درخواست محمد مصطفایی وکیل مدافع ایشان جلسه رسیدگی به تاریخ 22 خرداد ماه سال جاری موکول شد. حکم دو سال و نود و یک روز حبس تعزیری برای این روزنامه نگار با سابقه به وکیل ایشان به صورت حضوری و شفاهی ابلاغ شده است. این روزنامه نگار 29 ساله که در تاریخ 7 دیماه 88 در منزل شخصی خود بازداشت و راهی بند 240 زندان اوین شده پس از گذراندن بیش از سه هفته بازداشت در انفرادی وزارت اطلاعات با تودیع وثیقه یک میلیارد ریالی موقتاً آزاد شد. هنگام بازداشت نیز منزل وی مورد بازرسی کامل قرار گرفته که تمامی مدارک شناسایی وی از جمله پاسپورت، وسایل شخصی، کتاب های تخصصی روزنامه نگاری و ارشیو خبری ایشان توقیف شد و با گذشت بیش از پنج ماه نیروهای امنیتی از بازگرداندن وسایل مذکور امتناع می ورزند.

فعال حوزه کودکان به ۲۲ زندان محکوم شد

سعید حسن زاده در تاریخ ۱۱ دیماه سال ۸۸ در منزل پدری اش دستگیر شد و پس از انتقال به بند ۲۰۹ اوین مدت ۷۰ روز را در بدترین شرایط سپری کرده است. به گزارش رهانا، وی در یک NGO در شهر ری فعالیت می کرده و در زمینه حقوق کودک برای نشریات مختلف مقاله می نوشت. وی را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام از طریق درج مطلب" و "تحصیل مال نامشروع از طریق نگارش مطلب" به ۲۲ ماه حبس تعزیری محکوم می کنند. یک قسمت از پرونده وی (تحصیل مال نامشروع) در دادگاه شهرری رسیدگی شده است که بابت آن در تاریخ سوم خرداد به ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شده و به دلیل ۲ اتهام دیگر پرونده، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ۱۸ ماه زندان تعزیری محکوم شده است.

دو خبر کارگری از پاه

بنا به خبری که به دست ما رسیده، روز سه شنبه 25 خرداد، کارگران قراردادی شاغل در شهرداری شهرستان پاه (از توابع استان کرمانشاه) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های شان، دست از کار کشیدند. آنها خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند.

در خبر دیگری روز چهارشنبه 26 خرداد، کارگری به نام فرهاد ایزدی بر اثر سانحه ی محیط کار در سد " داریان هجیح " جان خود را از دست داده است. این کارگر که برای یکی از شرکت های پیمانکاری کار می کرده، اهل استان لرستان بوده و در حین سنگ شکنی، دچار برق گرفتگی شده بود. سد هجیح یکی از سدهای در دست احداث است که از سال گذشته، کار خود را آغاز کرده و در 20 کیلومتری شهرستان پاه واقع است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به عنوان جمعی از کارگران و فعالین کارگری که خود را مدافع حقوق کارگران می داند، از اعتراض کارگران قراردادی شهرداری پاه حمایت می کند و خواهان پرداخت حقوق های معوقه همه کارگران است.

همچنین ما جان باختن فرهاد ایزدی، کارگر زحمتکشی که صدها کیلومتر دور از منزل برای امرار معاش خود و خانواده اش، به کار اشتغال داشت، به بستگانش تسلیت می گوئیم و اعلام می کنیم که ایمنی محیط کار یکی از مهم ترین حقوق اولیه کارگران است که باید توسط کارفرمایان به اجرا در بیاید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

27 خرداد 1389

به دلیل عدم پرداخت سه ماه حقوق : اجتماع کارگران شهرداری آبادان

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 خرداد نوشت : کارگران منطقه یک شهرداری آبادان به دلیل عدم پرداخت سه ماهه حقوق ، مزایا و عدم پرداخت پنج ماهه بیمه خود دست از کار کشیده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند .

در همین رابطه آنها اظهار داشتند : وضعیت بیمه تکمیلی آنان نیز مناسب نبوده و طی یکسال گذشته ماهیانه مبلغ 25000 ریال از حقوق کارگران بابت بیمه تکمیلی کسر می شده ولی متأسفانه تا کنون هیچگونه اقدامی در

خصوص تحت پوشش قرار گرفتن آنان از سوی کارفرما صورت نپذیرفته است . این در حالی است که عدم پرداخت حقوق و مزایای 360 کارگر این شهرداری موجبات سنگینی را برای کارگران و خانواده‌های آنان بوجود آورده و آنان را مجبور به استفاده از ویزیت درمانی و داروها بصورت آزاد کرده است و از سوی دیگر این عدم پرداخت موجبات ناامیدی خانواده های این زحمت کشان را با این وضعیت گرانی در پی داشته است . شایان ذکر است کارگران شهرداری مرکزی آبادان نیز با عدم پرداخت دوماهه حقوق خود روبرو می باشند .

پایان پیام

دستگیری فعال سیاسی در مهاباد به اتهام همکاری با احزاب کرد

آژانس خبری موکریان/ سرویس حقوق بشر: براساس اخبار رسیده به آژانس خبری موکریان ، یک شهروند دیگر اهل مهاباد به نام ربیین نبردی طی روزهای اخیر توسط نیروهای امنیتی در این شهر دستگیر شد. این شهروند که هم اکنون در بازداشتگاه بسر می برد به همکاری با گروه‌های مخالف نظام متهم شده است. یاد آور می گردد پیش از این نیز یک شهروند مهابادی به نام محمدامین راشدی طی روزهای گذشته توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. این شهروند که هم اکنون در زندان مهاباد بسر می برد به همکاری با گروه‌های غیر قانونی متهم شده است.

اعتصاب کارگران سد مخزنی ژاوه در سندج

مسئولان اعلام کرده اند هدف اصلی از ساخت این سد که از اردی بهشت ماه سال ۸۸ آغاز شده است تامین آب کشاورزی زمین‌های حاصل خیز اطراف و هم چنین انتقال آن به دشت‌های حاصل خیز قروه و دهگلان در سال‌های آینده خواهد بود. گفته می شود بیش از ۲۰۰ کارگر شاغل در پروژه ساخت این سد از آذرماه سال گذشته تاکنون دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند و دستکم ۱۵ تن از ایشان در فروردین ماه سال جاری بدون دریافت حقوق معوقه از کار اخراج شده بودند.

روزنامه نگار ناپدید شده آذربایجانی در زندان اطلاعات است

سایت ساوالان سسی در تاریخ 28 خرداد می نویسد : مهندس ابراهیم رشیدی روزنامه نگار و وبلاگ نویس آذربایجانی که از روز دوشنبه ۲۴ خرداد ۸۹ ناپدید شده بود روز پنجشنبه ۲۷ خرداد طی تماسی تلفنی با خانواده خبر از بازداشت خود توسط ماموران اداره اطلاعات اردبیل داد. این وبلاگ نویس آذربایجانی به خانواده خود گفته است ماموران اداره اطلاعات اردبیل وی را در منطقه ایستگاه سرعین شهر اردبیل و در راه بازگشت به منزل خواهرش بازداشت کرده و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اردبیل منتقل کرده اند. همچنین نزدیکان خانواده رشیدی می گویند پرونده این روزنامه نگار در شعبه پنجم دادسرای عمومی و انقلاب اردبیل به ریاست قاضی خندستانی در جریان است. ابراهیم رشیدی عضو هیات تحریریه ماهنامه "بایرام" و هفته نامه توقیف شده "نوید آذربایجان" و وبلاگ نویس، مدرس زبان ترکی آذربایجانی، عضو مؤسس سازمان غیر دولتی (NGO) "آذرتوپراق"، عضو هیات مؤسس و دبیر کانون فرهنگی "استاد شهریار" دانشگاه اورمیه، مدیر مسؤل نشریه دانشجویی "اولدوز"، سردبیر نشریه دانشجویی "بولوت" در دانشگاه اورمیه و شاعر می باشد. این ژورنالیست و فعال مدنی شناخته شده آذربایجانی در سالهای اخیر چندین بار دستگیر و به زندان محکوم شده است. سازمان عفو بین الملل با صدور اطلاعیه هایی در ۱ آوریل و ۱ می ۲۰۰۶، بازداشت و فشار بر رشیدی را محکوم نموده بود.

سخنان وزیر کار دولت احمدی نژاد در اجلاس سازمان بین المللی کار

خبرگزاری کارایران در تاریخ 28 خرداد گزارش داد : وزیر کار دولت احمدی نژاد ، شیخ الاسلامی در اجلاس سازمان بین المللی کار اظهار داشته است: "دولت جمهوری اسلامی برنامه های توسعه اجتماعی خود را بر تعالیم عدالت آفرین اسلام بنا نهاده است. ما برنامه های توسعه اقتصادی خود را هرگز به بهای رنج و آلام اقشار آسیب پذیر اجرا نمی کنیم، بلکه همواره مرز مشخصی بین صیانت از ارزش های والاى انسانی، شرافت کار، توسعه حمایت های اجتماعی، حفظ کيان خانواده، انسجام اجتماعی و کاستن از فاصله شدید طبقاتی با اقتصاد مبتنی بر ارزش های مادی صرف قائلیم."

اطلاعیه شماره دو

توافق کارگران خباز با نماینده کارفرما در ستاد خبری اطلاعات

به دنبال اطلاعیه شماره یک کارگران خبازی های سقز و حومه ، کارگران خباز در روز 26 خرداد دست از کار کشیدند و خواهان آن شدند که به خواستههایشان رسیدگی شود. به دنبال این اعتراض پس از گذشت چند روز بالاخره از طرف مسئولان شهرستان و استان ، نماینده کارگران خباز جهت مذاکره دعوت شد .

با حضور نماینده کارگران خباز از یک طرف و نماینده کارفرما ، دولت ، نیروهای امنیتی شهرستان سقز و مسئولان استانی از طرف دیگر ، پیمان دسته جمعی در روز جمعه 28/3/89 ساعت 9 شب در ستاد خبری اداره اطلاعات شهرستان سقز منعقد و از طرف اتحادیه کارفرمایان و انجمن صنفی کارگران خباز امضاء شد .

انجمن صنفی کارگران خباز طی این اطلاعیه ضمن تشکر از کلیه کارگران که در چند روز گذشته فعالانه برای رسیدن به خواستهها و مطالبات خود پیگر بودند تشکر کرد و از کلیه کارگران می خواهد که طبق روال گذشته به محل کار خود بازگشته و بعد از پایان کار در روز شنبه مورخ 29/3/89 جهت تنظیم برگ دستمزد جدید به انجمن مراجعه نمایند .

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری این پیروزی را به کلیه کارگران خباز و نمایندهای منتخب آنان تبریک گفته و برای تک تک آنان آرزوی سربلندی و سرافرازی داریم .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

28 خرداد 1389

اعتصاب کارگران سیرجان وارد هفته دوم شد

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری گزارش می دهد : اعتصاب کارگران گندله سازی در شرکت گل گهر سیرجان وارد دومین هفته خود شد. 400 کارگر شرکت از روز شنبه 22 خرداد دست از کار کشیده و شروع مجدد کار را به تحقق مطالبات خود موکول کرده اند. این کارگران 5 سال تمام است که توسط سرمایه داران دولتی گل گهر بدون هیچ تضمین ادامه اشتغال، با شدت هر چه بیشتر استثمار شده اند. کارفرمایان در تمامی این مدت مطابق معمول آنان را با وعده های دروغ سرگرم می ساختند که حتماً دوران قراردادهای موقت به پایان خواهد آمد و احکام استخدام رسمی و طولانی مدت آن ها صادر خواهد شد. چند ماه پیش احمدی نژاد رئیس جمهوری جهنم سرمایه داری ایران راهی کارخانه شد تا از آنجا به عنوان تریبونی برای انتشار دروغ های همیشگی خویش سود جوید. احمدی نژاد در جریان این دروغ پراکنی ها به حل معضل استخدام کارگران نیز اشاره کرد، اما هنوز به تهران بازنگشته بود که احکام اخراج 360 کارگر از کل 400 کارگر شرکت صادر شد. کارگران با شنیدن این خبر تکان دهنده و زجرآور دست از کار کشیدند. آنان 8 روز است که در اعتصاب به سر می برند و در طول روزهای اعتصاب بارها با کارفرما و عمله و اکره دولتی سرمایه در کشمکش و ستیز بوده اند. هر 400 کارگر خواستار تضمین ادامه کار خود و ابطال بی قید و شرط احکام اخراج خویش هستند. ما از همه کارگران دعوت می کنیم که به حمایت از مبارزات کارگران گندله سازی گل گهر سیرجان برخیزند و در هر کجا که هستند به هر میزان و به هر شکلی که می توانند همبستگی فعال و مؤثر طبقاتی خویش را با آنان اعلام کنند.

29 خرداد 89

گزارش گردهمایی 19 ژوئن پارس و سخنان نماینده ث ژت

بدنبال فراخوان همگامی کانون ها و نهادهای ایرانی در همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مردم ایران در خارج از کشور

بیش از 300 نفر از ایرانیان و فرانسوی ها 19 ژوئن در میدان سنت میشل پاریس اجتماع نمودند و با شعارهای سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران، زندانی سیاسی ، کارگر زندانی ، دانشجوی زندانی ، فمینیست زندانی آزاد باید گرددو انزجار خود را به نظام جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند

نمایندگان حزب کمونیست فرانسه، حزب نوین ضد سرمایه داری فرانسه و حزب سوسیالیست فرانسه منطقه 11 در این مراسم شرکت داشتند و سخنرانی نمودند

نمایندگان ث ژت، س یو د، و سولیدر در این مراسم پیامشان را قرائت کردند

در ادامه پیام حزب چپ توسط یکی از برگزارکنندگان باستماع شرکت کنندگان رسانده شد و میشل لوئی فیلسوف و مارکسیست فرانسوی سخنانی ایراد کردند

سخنان ژان فرانسوا کوربه، نماینده CGT در تجمع ۱۹ ژوئن- ۲۰۱۰ پاریس میدان سن میشل

دوستان و رفقای گرامی

نه فقط وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران فاجعه بار است، بلکه تمام کسانی که علیه آن اعتراض می کنند و خواهان دفاع دسته جمعی از خود هستند با فشار، بازداشت، زندان و شکنجه روبرو می شوند.

بار دیگر ما شاهد تعدی به آزادی های سندیکایی در ایران هستیم. دولت اتحادیه های مستقل را سرکوب می کند.

CGT (کنفدراسیون عمومی کار) بارها اقدامات سرکوب گرانه را علیه فعالان اتحادیه ها در ایران محکوم نموده است.

CGT همبستگی کامل خود را با زنان و مردانی که به مصاف زجر و مرگ می روند تا از آزادی های سندیکایی دفاع کنند، اعلام می نماید.

ما همبستگی خود را با فعالان سندیکایی کارگران شرکت واحد، به ویژه منصور اسالو، ابراهیم مددی، سعید ترابیان و رضا شهابی اعلام می کنیم، چنان که به تمامی کارگرانی می اندیشیم که بدون محکومیت در زندان هستند.

مبارزات این کارگران، خانواده ها و مدافعانشان تحسین برانگیز و محترم اند.

ما ضمن محکوم کردن سرکوب فعالان اتحادیه های مستقل کارگری به شدت نگران وضعیت آنان در زندان هستیم که اکنون وخیم تر می شود.

ما خواهان آزادی بی قید و شرط فعالان اتحادیه ها هستیم و یک بار دیگر علیه مقامات ایران به سازمان جهانی کار شکایت می کنیم.

شکایت جدید در سازمان جهانی کار سودمند است، اما ما نباید خود را به آن محدود کنیم و باید با تمام نیرویمان اتحادیه های مستقل کارگری را تقویت کنیم.

دوستان و رفقای گرامی

ما به عنوان یک اتحادیه کارگری حق تشکیل اتحادیه های مستقل را مقدم می شماریم اما می دانیم که بدون یک دمکراسی چنین امکانی به وجود نمی آید. به همین خاطر احترام کامل به حقوق پایه ای کارگران باید در چارچوب ایرانی دمکراتیک تحقق یابد

اتحادیه های مستقل کارگری، کارگران و مردم ایران که با سرکوب در خیابان و محل کار مواجه اند به همبستگی نیازدارند. آنان می توانند به همبستگی CGT اطمینان داشته باشند.

بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

اعتصاب کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج

دیروز شنبه مورخ ۲۹ خردادماه، ده ها تن از کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج در محوطه کارگاه این سد، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق چند ماهه شکل گرفته است.

مسئولان اعلام کرده اند هدف اصلی از ساخت این سد که از اردی بهشت ماه سال ۸۸ آغاز شده است تامین آب کشاورزی زمین های حاصل خیز اطراف و هم چنین انتقال آن به دشت های حاصل خیز قروه و دهگلان در سال های آینده خواهد بود.

گفته می شود بیش از ۲۰۰ کارگر شاغل در پروژه ساخت این سد از آذرماه سال گذشته تاکنون دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند و دستکم ۱۵ تن از ایشان در فروردین ماه سال جاری بدون دریافت حقوق معوقه از کار اخراج شده بودند.

بی معنی بودن خدمات درمانی

به نوشته خبرگزاری دولتی ایلنا در تاریخ 29 خرداد آمده است: اشرفی، دبیر شورای عالی تامین اجتماعی، در رابطه با خدمات درمانی رایگان، می گوید: "اصولا استفاده از واژه رایگان در نظام بیمه ای و خدمات درمانی در مراکز ملکی تامین اجتماعی معنی و مفهومی ندارد و فقط می تواند زمینه سوء استفاده های اجتماعی را باز کند. کارگر و بیمه شده در زمان اشتغال خود هزینه های خود را به تامین اجتماعی پرداخت کرده است"

موج بیکاری کارگران سفال سازی

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری گزارش می دهد: بیش از 850 کارگاه سفال سازی در مناطق روستایی استان همدان در معرض تعطیل کامل قرار گرفته اند. همه کارگران این 850 واحد یا تا کنون بیکار شده اند و یا در آستانه بیکاری حتمی هستند. بازار رقابت سرمایه در سراسر جهان هر روز مرگبارتر می شود. هر نوع افزایش ظرفیت بارآوری کار در هر نقطه جهنم سرمایه داری به طور مستقیم فشار رقابت درونی سرمایه بین المللی را تشدید می کند و درست در همان لحظه خیل عظیمی از کارگران را راهی برهوت بیکاری می سازد. دسترسی هر بخشی از سرمایه جهانی به نیروی کار ارزان تر، توان رقابت بیشتر، شرایط سوداندوزی افزون تر و امکان احراز سهم کلان تر در اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر بین المللی، بی درنگ بازار رقابت را داغ تر می کند و در همان حال هزار هزار برده مزدی را بیکار و به جمعیت میلیاردری بیکاران قبلی می افزاید. سرمایه داران صاحب کارگاه های سفال سازی استان همدان و استان های دیگر ایران نیز زیر فشار رقابت فرساینده سرمایه های چینی از نرخ سود خویش راضی نیستند و درست به همین دلیل دست به تعطیل این واحدها و اخراج گسترده کارگران خود زده اند.

29 خرداد 89

تشدید آزار زنان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری گزارش می دهد: طی 82 روز اول امسال 87 هزار و 714 زن در فرودگاه های کشور به دلیل نوع پوشش خویش آماج هتاکی و توهین مأموران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. 33 هزار و 29 زن تنها پس از تعویض اجباری لباس خود موفق به سفر شده اند. 3 هزار و 506 زن زیر فشار تهدید و ارباب تعهد داده اند که از پوشیدن لباس مطابق میل خویش اجتناب کنند. از مسافرت زنانی که پوشش آنان مطابق الگوی تعیین شده دولت سرمایه نبوده نیز به طور کامل جلوگیری شده است. برای 71 نفر از این زنان پرونده قضایی تشکیل شده است. منبع: شهرزاد نیوز

29 خرداد

ادامه تعویق دستمزد کارگران شهرداری اندیمشک

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری گزارش می دهد: بیش از 6 ماه می گذرد که کارگران شهرداری اندیمشک دستمزدهای خویش را دریافت نکرده اند. کارفرما هر چند ماه یک بار عوام فریبانه و با هدف غلبه بر خشم کارگران مبلغی به صورت مساعده در اختیار آنان قرار داده است تا به این طریق خود را از پرداخت دستمزدها معاف کند. کارگران بارها دست به اعتراض زده اند. چند بار اعتصاب کرده اند و همین چند روز پیش نیز در تدارک اعتصاب بودند. 400 کارگر اعلام کرده اند که در صورت خودداری کارفرما از پرداخت دستمزدها حتماً اعتصاب را شروع خواهند کرد. بر اساس آخرین خبرها سرمایه داران برای خفه کردن اعتراض کارگران قبول کرده اند که فقط 300 هزار تومان به هر کارگر بپردازند.

29 خرداد 89

کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج اعتصاب کردند

امروز شنبه 29 خرداد، ده ها تن از کارگران سد مخزنی ژاوه در سنندج در محوطه کارگاه این سد، دست به اعتصاب زدند. بنا به گزارش هرانا، این اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت حقوق چند ماهه شکل گرفته است. مسئولان سد اعلام کرده اند هدف اصلی از ساخت این سد که از اردیبهشت ماه سال 88 آغاز شده است تامین آب کشاورزی زمین های حاصل خیز اطراف و هم چنین انتقال آن به دشت های حاصل خیز قروه و دهگلان در سال های آینده است.

گفته می شود بیش از 300 کارگر شاغل در پروژه ساخت این سد از آذرماه سال گذشته تاکنون دستمزد خود را دریافت نکرده اند و دستکم 15 تن از ایشان در فروردین ماه سال جاری بدون دریافت حقوق معوقه از کار اخراج شده بودند.

اجتماع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول ایلنا گزارش می دهد: کارگران منطقه یک شهرداری آبادان به دلیل عدم پرداخت سه ماهه دستمزد و مزایا و وضعیت نابسامان بیمه خویش، دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. کارگران می گویند که وضعیت بیمه تکمیلی آنان ناروشن است. در طول یک سال گذشته هر ماه حدود 2500 تومان بابت بیمه تکمیلی پرداخته اند اما تا کنون هیچ گونه اقدامی برای پوشش بیمه ای آنان از سوی کارفرما انجام نشده است. 360 کارگر شهرداری آبادان ادامه می دهند که تعویق دستمزدها، آنان و خانواده هایشان را در وضعیت بسیار زجرآوری قرار داده است. گرسنگی و نداشتن هزینه دارو و درمان آن ها را از همه سو زیر فشار قرار داده است و هیچ نهاد و مرجعی هم وقتی به اعتراض ها و فریادهای آنان نمی گذارد. منبع: ایلنا

29 خرداد 89

اعتصاب کارگران خبازیهای سقز و حومه

اطلاعیه شماره یک (اعتصاب کارگران خبازیهای سقز و حومه)

همشهریان و مردم زحمتکش سقز : ما کارگران خیابان شهرستان سقز ، سالهاست افتخار آن را داریم که در خدمت مردم محروم و زحمتکش باشیم و به خوبی درک می کنیم که اکثریت نانی که روزانه در خیابانها تولید می شود خوراک مردم زحمتکش است و هزاران نفر از کودکان این مردم از این نان تغذیه می کنند . از طرف دیگر ما هم برای اینکه توان کار داشته باشیم به دستمزد احتیاج داریم تا خود را برای کار روز بعد آماده نماییم. ولی چند سالی است که نماینده کارفرما به هیچ عنوان تن به بستن قرارداد با نماینده ما نمی دهد . نماینده کارفرمایان هر روز با شیوه های غیرقانونی و به دور از هر گونه اخلاق انسانی کارفرمایان را تشویق می کنند تا دستمزد کارگران را پرداخت نکنند. این عملکرد نماینده کارفرما موجب اغتشاش در کلیه کارگاه های خیابان شده و ما کارگران ، دیگر تحمل آن را نداریم که نماینده کارفرما به میل و اراده خود دستمزد ما را افزایش دهند. اگر ما تا امروز ساکت و آن همه بی عدالتی را تحمل کردیم تنها به خاطر آن است که مردم محروم و زحمتکش از نظر تهیه نان روزانه خود با مشکلات روبرو نشوند.

مردم شریف : کارگران خیابان شامل قانون کار هستند و هر ساله توسط شورای عالی کار دستمزد کارگران افزایش می یابد و طی بخشنامه به کلیه ادارات کار جهت اجرا ابلاغ می گردد . اما از زمانیکه رئیس اداره کار (فعلی) و فرماندار (فعلی) در شهر ما به قدرت رسیده اند همیشه با کارگران خیابان در تضاد بودند و از نماینده کارفرما حمایت غیر قانونی کرده اند . به طوری که فرماندار به یکی از نمایندگان کارگران خیابان گفته است که کارگران خیابان شامل قانون کار نمی باشند و نماینده کارفرما هم از این گفته فرماندار سوء استفاده کرده و به تمام کارفرمایان اعلام کرده است که دستمزد کارگران را افزایش نداده و پرداخت نکنند .

مردم شریف : همچنان که اطلاع دارید در تاریخ 89/3/16 با اجرای نامه شماره 11610/1/85 مورخه 89/3/12 استانداری استان کردستان نرخ انواع نان تولیدی را افزایش داده و عامل اصلی افزایش نرخ نان را دستمزد کارگران اعلام کردند ، این در حالی است که هنوز دستمزد ما کارگران افزایش نیافته و با نرخ سالهای قبل کار می کنیم . از طرف دیگر اتحادیه کارفرمایان در تاریخ 89/3/19 طی نامه ای که آن را در کلیه خیابانها نصب کرده اند ، کارفرمایان را موظف کرده تا اطلاع ثانوی دستمزد کارگران را افزایش ندهند و رونوشت آن را به فرمانداری و اداره کار داده اند تا اطلاع داشته باشند ؟!!!!!! این عمل نماینده کارفرما از هر نظر محکوم است ، ما در اطلاعیه چند روز پیش اعلام کردیم که تا تاریخ 89/3/25 منتظر می مانیم که به هر طریقی که مسئولان شهر صلاح می دانند این مشکل را حل کند. در غراینصورت دست به اعتصاب خواهیم زد.

اسعد مولودزاده به پنج ماه زندان تعزیری محکوم شد

بنابه خبر رسیده به دست ما اسعد مولود زاده از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به پنج ماه زندان تعزیری محکوم شد .

در ذیل عینا متن حکم رسیده به دست ایشان را ملاحظه می نمایید :

دادنامه

شماره دادنامه : 8909974421100312

شماره پرونده : 8809984447500670

شماره بایگانی شعبه : 881038

تاریخ تنظیم : 89/3/24

پرونده کلاسه 8809984447500670 شعبه اول دادگاه انقلاب دادگستری شهرستان ارومیه دادنامه شماره 8909974421100312

متهم :

آقای اسعد مولودزاده به نشانی نقده روستای قلعه لر

اتهام : دایر بر فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق عضویت در کمیته دفاع از حقوق کارگران .

رای دادگاه

در خصوص اتهام آقای اسعد مولودزاده فرزند قادر با نام مستعار شوانه 27 ساله ، تحصیلات دیپلم دایر بر فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق عضویت در کمیته دفاع از حقوق کارگران بدون دین برای فعالیت

مجوز دشته باشد با توجه به اوراق و محتویات پرونده و تحقیقات به عمل آمده و گزارش سپاه پاسداران که ظاهراً از زیر مجموعه کومله می باشد و گزارش اداره اطلاعات مبنی بر ادامه به فعالیت تبلیغی و سایر امارات و قرائن موجود در پرونده و رد دفاعیات بلاوجه متهم بزه انتسابی محرز است مستنداً به ماده 500 قانون مجازات اسلامی ناپرده را به تحمل پنج ماه حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می نماید . رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان می باشد .

درویشی

رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری حکم صادره برای این فعال کارگری ، اسعد مولود زاده عضو کمیته هماهنگی را محکوم کرده و همچنین خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم ما بار دیگر اعلام میداریم که احضار، بازداشت و محاکمه فعالین کارگری آنان را از پیگیری خواست ها و مطالبات برحق کارگران بازخواهد داشت .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

28 خرداد 1389

تعطیلی مجدد کارخانه قند بردسیر و سرگردانی کارگران

خبرگزاری مهر: کارخانه قند بردسیر به عنوان بزرگترین واحد اشتغالزایی بردسیر، تنها پس از چهار ماه فعالیت بعد از دو سال تعطیلی مداوم بار دیگر از چرخه تولید خارج شد.

شهرستان بردسیر در استان کرمان یکی از شهرستانهای محروم کرمان از لحاظ اشتغالزایی محسوب می شود و وجود کارخانه قند بردسیر به دلیل اشتغالزایی در صنایع پائین دستی و بالا دستی کارخانه موجب اشتغالزایی بخش قابل توجهی از مردم این شهر شده بود.

وجود کارخانه قند بردسیر در واقع پتانسیل بالقوه ای در راستای کشت چغندر قند در این منطقه محسوب می شود زیرا جدا از اشتغالزایی مستقیم کارخانه، بخش کشاورزی را نیز با رونق مواجه می کند به طوریکه اکثر کشاورزان این منطقه چغندرکار بوده اند و بهترین محصولی نیز که در این منطقه کشت می شود همان چغندر قند است که به دلیل تعطیلی سالهای اخیر این کارخانه، کشت چغندر قند نیز در این منطقه با مشکل مواجه شده است.

پس از دو سال تعطیلی کارخانه قند بردسیر که از سال 86 روی داد این کارخانه از آبان ماه سال گذشته بار دیگر و این بار با تعدیل نیروهای قبل و با استفاده از شکر خام که از خارج از کشور وارد می شد شروع بکار کرد و در همان زمان قرار شد با عقد قراردادهایی با کشاورزان بار دیگر کشتزارهای چغندر قند نیز رونق مجدد گیرند که برخی از مزارع نیز چنین شد، اما این کارخانه تنها پس از چهار ماه کار، مجدداً تعطیل شد و 241 کارگر که پس از تعدیل نیرو در کارخانه مشغول کار بودند امروز بار دیگر و پس از دهها سال در کارخانه قند بردسیر سرگردان به دنبال کسب کار جدید یا چشم به راه راه اندازی مجدد کارخانه هستند.

دلیل تعطیلی پی در پی این کارخانه توسط مسئولان عوامل متعددی بیان شده است که می توان به فرسوده بودن ماشین آلات کارخانه، تعداد بالای نیروی کار، واردات قند و شکر از کشورهای دیگر، بدهی بالای صاحبان سرمایه کارخانه و نبود بازار مصرف مناسب ذکر شده است و مسئولان شهرستان بردسیر و استانداری کرمان نیز بارها با تشکیل جلسات متعدد در راستای حل مشکلات کارخانه تلاش کرده اند اما به نظر می رسد انگیزه و اراده ادامه فعالیت این کارخانه توسط بخش خصوصی وجود ندارد و عدم سوددهی و استهلاک بالای این واحد صنعتی در نهایت این کارخانه را به سمت تعطیلی مجدد سوق داده است.

یکی از کارگران کارخانه قند بردسیر در گفتگو با خبرنگار مهر در کرمان گفت: از ابتدای شروع بکار کارخانه قند بردسیر که بالغ بر 10 سال می شود، در این واحد صنعتی مشغول بکار شدم و تمام امرار معاش خانواده من از این راه می گذشت و امروز که پا به سن نهاده ام با مشکل پی در پی تعطیلی کارخانه مواجه می شوم.

وی افزود: این مسئله تنها درد من نیست بلکه دهها نیروی کار دیگر در کارخانه هم همین وضعیت را دارند و از مسئولان می خواهم این مشکل را پیگیری کنند.

وی خاطرنشان کرد: جواب زن و بچه ما را چه کسی باید بدهد از ابتدای سال جاری کارخانه تعطیل است و حقوق چند ماه گذشته خود را نیز هنوز دریافت نکرده ایم.

ایران پرس نیوز

جواب زن و بچه ما را چه کسی باید بدهد از ابتدای سال جاری کارخانه تعطیل است و حقوق چند ماه گذشته خود را نیز هنوز دریافت نکرده ایم.

خبرگزاری مهر: کارخانه قند بردسیر به عنوان بزرگترین واحد اشتغالزایی بردسیر، تنها پس از چهار ماه فعالیت بعد از دو سال تعطیلی مداوم بار دیگر از چرخه تولید خارج شد.

شهرستان بردسیر در استان کرمان یکی از شهرستانهای محروم کرمان از لحاظ اشتغالزایی محسوب می شود و وجود کارخانه قند بردسیر به دلیل اشتغالزایی در صنایع پائین دستی و بالا دستی کارخانه موجب اشتغالزایی بخش قابل توجهی از مردم این شهر شده بود.

وجود کارخانه قند بردسیر در واقع پتانسیل بالقوه ای در راستای کشت چغندر قند در این منطقه محسوب می شود زیرا جدا از اشتغالزایی مستقیم کارخانه، بخش کشاورزی را نیز با رونق مواجه می کند به طوریکه اکثر کشاورزان این منطقه چغندرکار بوده اند و بهترین محصولی نیز که در این منطقه کشت می شود همان چغندر قند است که به دلیل تعطیلی سالهای اخیر این کارخانه، کشت چغندر قند نیز در این منطقه با مشکل مواجه شده است.

پس از دو سال تعطیلی کارخانه قند بردسیر که از سال 86 روی داد این کارخانه از آبان ماه سال گذشته بار دیگر و این بار با تعدیل نیروهای قبل و با استفاده از شکر خام که از خارج از کشور وارد می شد شروع بکار کرد و در همان زمان قرار شد با عقد قراردادهایی با کشاورزان بار دیگر کشتزارهای چغندر قند نیز رونق مجدد گیرند که در برخی از مزارع نیز چنین شد، اما این کارخانه تنها پس از چهار ماه کار، مجدداً تعطیل شد و 241 کارگر که پس از تعدیل نیرو در کارخانه مشغول کار بودند امروز بار دیگر و پس از دهها سال در کارخانه قند بردسیر سرگردان به دنبال کسب کار جدید یا چشم به راه راه اندازی مجدد کارخانه هستند.

دلیل تعطیلی پی در پی این کارخانه توسط مسئولان عوامل متعددی بیان شده است که می توان به فرسوده بودن ماشین آلات کارخانه، تعداد بالای نیروی کار، واردات قند و شکر از کشورهای دیگر، بدهی بالای صاحبان سرمایه کارخانه و نبود بازار مصرف مناسب ذکر شده است و مسئولان شهرستان بردسیر و استانداری کرمان نیز بارها با تشکیل جلسات متعدد در راستای حل مشکلات کارخانه تلاش کرده اند اما به نظر می رسد انگیزه و اراده ادامه فعالیت این کارخانه توسط بخش خصوصی وجود ندارد و عدم سوددهی و استهلاک بالای این واحد صنعتی در نهایت این کارخانه را به سمت تعطیلی مجدد سوق داده است.

یکی از کارگران کارخانه قند بردسیر در گفتگو با خبرنگار مهر در کرمان گفت: از ابتدای شروع بکار کارخانه قند بردسیر که بالغ بر 10 سال می شود، در این واحد صنعتی مشغول بکار شدم و تمام امرار معاش خانواده من از این راه می گذشت و امروز که پا به سن نهاده ام با مشکل پی در پی تعطیلی کارخانه مواجه می شوم.

وی افزود: این مسئله تنها درد من نیست بلکه دهها نیروی کار دیگر در کارخانه هم همین وضعیت را دارند و از مسئولان می خواهم این مشکل را پیگیری کنند.

وی خاطرنشان کرد: جواب زن و بچه ما را چه کسی باید بدهد از ابتدای سال جاری کارخانه تعطیل است و حقوق چند ماه گذشته خود را نیز هنوز دریافت نکرده ایم.

ایران پرس نیوز

کارگران ایران خودرو بازداشت فعالین کارگری را محکوم می کنند

دورتازه بازداشت کارگران
دوستان وهمکاران گرامی

در آستانه سالگرد جنبش مردم ایران دولت حامی سرمایه داران دور جدیدی از تهاجم به اقشار مختلف مردم را را آغاز کرده است از دستگیری دانشجویان گرفته تا کارگران و دیگر زحمتکشان و آزادیخواهان دستگیر فعالین کارگری از جمله سعید ترابیان، رضا شهابی و علیرضا اخوان با هجوم به سندیکای کارگران شرکت واحد و فیلتر کردن سایت سندیکا طی چند روز اتفاق افتاده است
هجوم به اعضای سندیکا شرکت واحد از نظر ما کارگران محکوم است

ما کارگران ایران خودر و دستگیری کارگران را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری همه دستگیر شدگان زندانیان در بند هستیم
جمعی از کارگران ایران خودرو
<http://ikcokar.blogfa.com/>

خرداد ۸۸-

دستگیری همسر فعال زندانی آذربایجانی

سایت ساوالان سسی در تاریخ 30 خرداد نوشت : زهرا فرج زاده همسر آیت مهر علی بیگلو فعال بازداشتی آذربایجانی، روز شنبه 29 خرداد ماه پس از حضور در دفتر بازپرسی شعبه چهارم دادسرای عمومی و انقلاب تبریز دستگیر شد. به گزارش ساوالان سسی، دستگیری خانم فرج زاده پس از آن صورت می گیرد که وی جهت ارائه درخواست تماس تلفنی با همسرش آیت مهرعلی بیگلو، که از 20 اردی بهشت ماه در بازداشتگاه اداره اطلاعات تبریز به سر می برد به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای تبریز مراجعه نموده بود.
قاضی هاشم زاده رئیس شعبه چهارم بازپرسی دادسرای تبریز پس از حضور خانم فرج زاده در این شعبه دستور بازداشت وی به اتهام تبلیغ علیه نظام را صادر کرده اما به دلیل بازداشت خانم او اشاره ای نکرده است. پیش از این نیز ماموران امنیتی حمیده فرج زاده کارمند بیمارستان شهید مطهری ارومیه و خواهر زهرا فرج زاده را در منزل پدریش در ارومیه بازداشت و به سلولهای انفرادی زندان تبریز منتقل کرده بودند. منابع محلی گمان می برند بازداشت زهرا فرج زاده جهت وارد کردن فشار بر همسرش آیت مهرعلی بیگلو و پس از مصاحبه های وی در رابطه با وضعیت شوهرش که بیش از یک ماه از بازداشتش در بازداشتگاه اداره اطلاعات تبریز می گذرد صورت گرفته است

نگرانی خانواده های رضا شهابی و سعید ترابیان از وضعیت نا معلوم آنها

بر اساس خبر دریافتی ، خانواده و دوستان رضاشهابی و سعید ترابیان و همچنین کارگران و فعالین کارگری از وضعیت نا مشخص این دو کارگر و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در نگرانی شدید به سر می برند. از زمان بازداشت سعید ترابیان در منزلش وروده شدن رضا شهابی در محل کارش توسط نیروهای امنیتی، تاکنون هیچ خبری از سلامتی و محل بازداشت آنها در دست نیست.

در روز 19 خرداد 89، مامورین امنیتی به منزل سعید ترابیان یورش بردند و در حضور اعضای خانواده به وی دستبند زده و مورد بی حرمتی و تهدید قرار دادند و پس از ساعت ها تفتیش وسایل منزل او و همراه بردن برخی از وسایل شخصی اش، او را به مکان نامعلومی انتقال داده اند. همچنین رضا شهابی بنا به احضار حراست شرکت واحد برای سوال درمورد وضعیت کاری، در روز 22 خرداد 89 پس از چند روز بیماری شدید، به این محل مراجعه می کند، اما بلافاصله بازداشت و به منزلش برده شده و پس از تفتیش منزل، او نیز به مکان نا معلومی منتقل شده است.

در هر دو مورد مامورین امنیتی به هنگام تفتیش منزل، تهدید به محکوم کردن این دو کارگر و مدافع حقوق کارگران به احکام سنگین کرده اند. به این ترتیب ضابطین اجرای بازداشت، علاوه بر دستگیری به " اتهام" و " محکوم کردن" این دو کارگر نیز دست زده اند. که این خود از ماهیت اطلاعاتی بودن این بازداشت ها حکایت میکند. در پیگیری خانواده های سعید ترابیان و رضا شهابی، تاکنون هیچ مقامی، مسئولیت دستگیری آنها و اعلام مکان بازداشت شان را بر عهده نگرفته است. مسئولین حراست شرکت واحد به کلی منکر حضور رضا شهابی در این شرکت شده اند و اساسا هیچ گونه اطلاعی از سرنوشت وی به خانواده اش نداده اند.

خبر ها حاکی است که احتمال مفتوح شدن پرونده ی این دو کارگر در شعبه ی یک بازپرسی امنیت مستقر در زندان اوین و احتمالا بازداشت آنان در بند امنیتی 209 این زندان وجود دارد. اما حتی وکیل رضا شهابی و سعید ترابیان امکان ورود به بازپرسی و خبر گرفتن از وضعیت آنها را ندارد.

بسیاری از افراد، کارگران، تشکل ها و نهادهای کارگری و حقوق بشری، به شدت این بازداشت ها را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قیدو شرط این دو عضو هیات مدیره سندیکای واحد و فعال حقوق صنفی کارگران شده اند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

30 خرداد 1389

عکاس سرشناس ایرانی به سه سال زندان محکوم شد

به گزارش سایت کلمه در تاریخ 30 خرداد آمده است: مجید سعیدی، عکاس سرشناس ایرانی که در جریان خیزش مردم در بعد از انتخابات دستگیر شده بود به سه سال زندان محکوم شد. مجید سعیدی عکاس مطبوعاتی، شب جمعه دهم تیر سال گذشته از سوی مأموران امنیتی در منزلش دستگیر شد. مأموران بخشی از وسایل شخصی وی را نیز با خود برده بودند. بنا به این گزارش، او در دادگاه های حوادث پس از انتخابات که به دادگاه نمایشی مشهور شد، به اجبار شرکت داده شد و چندی بعد به قید وثیقه آزاد شد. سعیدی بیست سال سابقه عکاسی دارد و با روزنامه ها و نشریات داخلی و رسانه های بین المللی کار کرده است.

نامه تند دبیرکل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات به آیت الله خامنه ای در مورد محمود صالحی

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: دبیر کل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات در نامه ای اعتراضی به آیت الله خامنه ای، ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت سلامتی محمود صالحی، رئیس سندیکای کارگران خباز سقز، جمهوری اسلامی را مسئول سلامتی او دانسته و خواستار رسیدگی فوری به وضعیت سلامتی بحرانی او شد.

نامه اعتراضی دبیر کل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات به آیت الله خامنه ای در مورد وضعیت محمود صالحی

بدین وسیله ما نگرانی عمیق خود و میلیون ها عضو این نهاد را در سراسر دنیا به وضعیت بحرانی سلامتی محمود صالحی در سقز اعلام می داریم. آقای صالحی از ۵ سال پیش به خاطر فعالیت های خود به عنوان رئیس انجمن کارگران خباز سقز و نیز دفاع از حقوق پذیرفته شده انسانی کارگران و فعالیت اتحادیه ای آنها در ایران، بارها در زندان به سر برده است. در طول این مدت زندان، او به طور مستمر از مداوا، از جمله دیالیز ضروری برای تنها کلیه باقی مانده اش، محروم شده است. شرایط او در حال حاضر رو به وخامت گذاشته و به نظر می رسد با خطر جانی روبرو شده است. در حالی که ما دولت جمهوری اسلامی را مسئول شرایط وخیم او می دانیم، بنابراین من از شما می خواهم که بدون هیچ گونه تاخیری تضمین دهید آقای صالحی فوراً مراقبت های پزشکی مورد نیاز را دریافت خواهد کرد. ما همچنان دولت جمهوری اسلامی را مسئول حفظ صحت و سلامتی او خواهیم دانست.

ران اوزوالد

دبیر کل کنفدراسیون بین المللی مواد غذایی و دخانیات

انتشار: کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

www.komitedefa.com

وزارت نیرو بدلیل عدم پرداخت بدهی هایش، سه واحد بزرگ ریخته گری را در معرض تعطیلی قرار داده است

دبیر انجمن صنفی کارخانه های صنعت ریخته گری از پرداخت نشدن بدهی وزارت نیرو به واحدهای فعال در صنعت ریخته گری خیر داد.

عبدالحمید قدیمی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گفت: به دلیل پرداخت نشدن بدهی وزارت نیرو به واحدهای ریخته گری، سه واحد بزرگ تولیدکننده لوله های آب و شیرآلات در معرض تعطیلی در فصل تابستان و تعدیل نیروی ۵۰ درصدی قرار گرفته اند.

وی با تفکیک واحدهای ریخته گری به دو بخش خودرویی و غیرخودرویی توضیح داد: در بخش خودرویی واحدها با ظرفیت های قبلی و البته ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش تولید در حال فعالیت هستند و در بخش غیرخودرویی نیز حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد افت تولید داشتیم.

وی با انتقاد از وزارت نیرو به دلیل پرداخت نکردن بدهی خود به چند واحد بزرگ ریخته‌گری اظهار داشت: برای رفع مشکلات این واحدها کمیته‌ای با حضور وزارت صنایع و معادن تشکیل شده که البته تاکنون کار خاصی برای حل مشکل این واحدها انجام نشده است.

دبیر انجمن صنفی کارخانه‌های صنعت ریخته‌گری همچنین درباره امضای تفاهم‌نامه با ستاد تحول صنایع و معادن نیز گفت: این ستاد از ما اطلاعاتی درباره میزان مصرف سوخت و انرژی در صنعت ریخته‌گری خواسته بود که ما نیز این اطلاعات را به آن‌ها ارائه دادیم، اما هنوز تفاهم‌نامه‌ای امضا نشده است.

دبیر انجمن صنفی کارخانه‌های صنعت ریخته‌گری پیشتر نیز از بدهی ۴۰ میلیارد تومانی وزارت نیرو به یکی از شرکت بزرگ تولیدکننده لوله و اتصالات چینی خبر داده بود.

قدیمی در این باره توضیح داده بود که وزارت نیرو لوله و اتصالات موردنیاز برای اجرای طرح‌های آب‌رسانی خود را از این شرکت خریداری کرده، اما تاکنون به دلیل ابلاغ نشدن بودجه‌های عمرانی پولی به این شرکت پرداخت نکرده است.

اعتصاب داروخانه‌ها در ایران

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 30 خرداد آمده است: شماری از داروخانه‌های کشور در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود، دست از کار کشیدند. رئیس انجمن داروسازان با اعتراض از ادامه این روند که منجر به بروز اختلال در خدمات رسانی داروخانه‌ها شده گفت: برخی داروخانه‌ها مجبور به تعطیلی موقت و خانه نشین شده‌اند و وقتی قرار است امروز خدمات ارائه بدهند و چند ماه بعد پول آن را دریافت کنند دیگر انگیزه‌ای برای آنها باقی نمی‌ماند. رئیس انجمن داروسازان ایران از تأخیر 6 ماهه بیمه‌ها در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها خبر داد و گفت: بدقولی بیمه‌ها باعث بی‌انگیزگی و تعطیلی موقت برخی داروخانه‌ها شده است.

خبرگزاری حکومتی مهر در این رابطه می‌نویسد: دکتر رهبر مزدهی آذر در گفتگو با خبرنگار مهر به تشریح آخرین وضعیت پرداخت مطالبات داروخانه‌ها پرداخت و گفت: سازمان تامین اجتماعی 6 ماه، نیروهای مسلح و بیمه خدمات درمانی هم پنج ماه تأخیر در پرداخت مطالبات معوق داروخانه‌ها دارند.

مشکلاتی از قبیل پابرجا ماندن مطالبات داروخانه‌ها از بیمه‌ها و مشکلاتی که در اجرای طرح پزشک خانواده با آنها مواجه هستیم، از جمله مسائلی است که وزارت بهداشت را درگیر ساخته اما نمی‌تواند اقدام عاجلی در خصوص حل این مشکلات انجام دهد.

مزدهی آذر با اشاره به مذاکرات و جلسات گوناگونی که انجمن داروسازان با نمایندگان مجلس، دولت و... داشته است، افزود: انتظار داشتیم که بعد از این رایزنی‌ها، تغییر در روند پرداخت مطالبات داروخانه‌ها به وجود بیاید اما هیچ اتفاقی نیفتاده است.

رئیس انجمن داروسازان با انتقاد از ادامه این روند که منجر به بروز اختلال در خدمات رسانی داروخانه‌ها شده گفت: برخی داروخانه‌ها مجبور به تعطیلی موقت و خانه نشین شده‌اند و وقتی قرار است امروز خدمات ارائه بدهند و چند ماه بعد پول آن را دریافت کنند دیگر انگیزه‌ای برای آنها باقی نمی‌ماند.

وی داروخانه‌های شهرستانها را نیز شامل این وضعیت دانست و افزود: برخی داروخانه‌ها با فروش لوازم بهداشتی و... خود را سرپا نگه داشته‌اند اما آن دسته از داروخانه‌هایی که فقط به ارائه داروهای بیمه‌ای می‌پردازند توانایی ادامه کار ندارند.

یورش مامورین اطلاعات به منزل مادر فعال کارگری زندانی سعید ترابیان

مامورین وزارت اطلاعات روز شنبه 29 خرداد، به منزل مادر سعید ترابیان، فعال کارگری زندانی، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد یورش برده و وی را مورد اذیت و آزار قرار دادند. به گزارش "فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران"، روز شنبه 29 خرداد ماه حدود ساعت چهار بعداز ظهر مامورین وزارت اطلاعات که خود را حراست شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه معرفی کردند، به منزل مادر سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه یورش بردند و این مادر سالخورده و بیمار را مورد اذیت و آزار و توهین قرار دادند. همسایه‌گان به این اقدام سرکوارانه اعتراض کردند و ماوران را فراری دادند. در ادامه این گزارش آمده است: مادر آقای سعید ترابیان مسئول روابط عمومی سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران حدودا 60 سال سن دارد و از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و تنها زندگی می‌کند. این مادر همچنین از بی‌خبری از وضعیت فرزندش در نگرانی فرآیندها ای بسر می‌برد.

روز گذشته همسر آقای رضا شهبابی مسئول مالی سندیکا شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه به دلیل ربوده شدن همسرش توسط حراست این شرکت علیه آنها شکایت کرد. فردی که در دستگیری فعال سندیکایی رضا شهبابی نقش داشت مرشدلو نام دارد او از مامورین وزات اطلاعات است که تحت نام حراست شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه فعالیت می‌کند.

علیرغم مراجعات مکرر خانواده های شهابی و ترابیان به ارگانهای مختلف برای پیگیری وضعیت عزیزانش تا به حال هیچ جواب مشخصی به آنها داده نشده است. گفته می شود که پرونده این دو فعال سندیکایی به شعبه 2 بازپرسی دادگاه انقلاب مستقر در زندان اوین ارجاع داده شده است.

لازم به یادآوری است که علاوه بر سعید ترابیان و رضا شهابی دو تن از رهبران سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی تنها به دلیل حق داشتن سندیکای کارگری چند سال است که در شرایط طاقت فرسایی در زندانهای اوین و گوهردشت زندانی هستند.

دستگیری و احضار چند شهروند مهابادی

آژانس خبری موکریان/سرویس حقوق بشر: طی روزهای اخیر یکی از بازاریان مهابادی به نام حسین نوجوان از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. تا لحظه تنظیم خبر از اتهام و محل نگهداری این شهروند اطلاعی در دست نیست. همچنین براساس گزارشهای رسیده به آژانس خبری موکریان روز گذشته سه شهروند اهل مهاباد به نام های کاک ا... افشاری، ملک شریفی و بیانه افشاری از سوی یکی از نهادهای امنیتی احضار شده اند. گفته می شود دلیل این احضار سفر به کردستان عراق و مصاحبه و گفتگو با رسانه های کردی اعلام شده است.

تذکر به ۶۲ هزار نفر و توقیف ۱۰۰ خودر به دلیل "بدحجابی" در قم

تهران امروز: بیش از 100 دستگاه خودرو به علت بدحجابی توقیف و به بیش از 62 هزار بدحجاب در سطح استان قم تذکر داده شد. سرهنگ خراسانی، رئیس پلیس امنیت عمومی استان قم با اشاره به این مطلب افزود: ترویج بدحجابی و بی بندوباری در جامعه از اهداف دشمن در به راه انداختن جنگ نرم است و دشمنان با این کار سعی در خدشه دار کردن عفت عمومی جامعه را دارند. خراسانی افزود: پلیس امنیت عمومی استان در راستای برخورد با بدحجابی و بدپوششی و ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی در سطح جامعه و گسترش فرهنگ حجاب و عفاف میان اقشار مختلف، اقدام به برخورد با رانندگان بدحجاب در سطح استان کرده است. گفتنی است جمعیت قم طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران برابر با ۹۵۹,۱۱۶ نفر است.

موج وسیع احضاری های دانشجویان

دانشجو نیوز 30 خرداد گزارش داد: که دست کم یازده دانشجوی دانشکده ادبیات و 20 دانشجو از دانشکده های دیگر به کمیته های انضباطی احضار و تهدید به صدور احکام انضباطی سنگین مانند اخراج، محرومیت از تحصیل و تعلیق ترم های تحصیلی شده اند. همچنین برخی از این دانشجویان توسط وزارت اطلاعات تهدید تلفنی شده و به آنها اخطار گردیده در صورت ادامه مبارزه دستگیر خواهند شد. علاوه بر این مطابق گزارش دانشجو نیوز 14 تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به دلیل سردادن شعارهای شبانه بویژه شعار مرگ بر دیکتاتور درسالگرد کودتای انتخاباتی به کمیته انضباطی فراخوانده و مورد تهدید قرار گرفتند. در این باره دانشجو نیوز نوشت: "فعالین دانشگاه صنعتی شریف به دفتر پیگیری اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند." در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) نیز کودتاچیان برابعد فشارها بر جنبش دانشجویی افزوده اند. به گزارش هرانا 29 خرداد ماه، تاکنون کمیته های انضباطی، محرومیت بیش از 40 دانشجو را تایید و احکام تعلیق بیش از 15 نفر دیگر در دست بررسی است. هرانا می نویسد: "با صدور احکام جدید، بنابه اطلاعات واصله تعداد حکم های انضباطی به حداقل 60 عدد رسید، و این تعداد دانشجو به مدت حداقل دو ترم از تحصیل محروم و تا انتهای تحصیل نیز از خدمات رفاهی و خوابگاه دانشگاه محروم خواهند بود... اطلاعات سپاه پاسداران و همچنین ستاد تامین استان تهران مستقیماً پیگیری اوضاع دانشگاه را برعهده دارند...".

کشتی گیر سرشناس ایرانی به دلیل فقر به تیم جمهوری آذربایجان پیوست

خبرگزاری دولتی ایسنا در تاریخ 30 خرداد نوشت: ملی پوش کشتی فرنگی ایران در المپیک پکن و دارنده دو مدال برنز جهان و طلای آسیا در اقدامی تعجب برانگیز و بهت آور در مسابقات قهرمانی آذربایجان شرکت کرد. ایسنا گزارش داده است، سامان طهماسبی ملی پوش سالهای اخیر کشتی فرنگی ایران که دو بار بر سکوی سوم جهان ایستاد و مدال طلای آسیا را هم در کارنامه خود داشت، به دنبال مشکلات مالی به کشور آذربایجان رفت و در مسابقات قهرمانی کشور آنها به مقام قهرمانی رسید تا تمامی کشتی دوستان و حتی جامعه ورزش را شگفت زده کند. حال باید منتظر ماند و دید که آیا این کشتی گیر سنندجی دوبنده تیم ملی آذربایجان را در مسابقات جهانی 2010 مسکو خواهد پوشید یا خیر.

بنا بر اعلام رسانه های آذربایجان، طهماسبی در مسابقات قهرمانی این کشور شالوا گادابادزه نفر سوم اروپا را شکست داد و قهرمان شد.

طهماسبی با کسب مدال طلای این رقابت ها 5 هزار دلار جایزه گرفت و به مدت یکسال ماهانه 750 دلار دریافت خواهد کرد تا حداقل از مخارج یکسال خیالش راحت باشد.

اما مساله قابل تعمق عدم توجه به وضعیت قهرمانان ملی به خصوص کشتی ورزش اول ایران است. سوال اینجاست در جایی که فوتبال بیست های درجه چندم آن سالی چند صد میلیون پول به جیب می زنند، چرا باید کشتی گیر ملی به خاطر نداشتن کار و مسکن دست به چنین کارهایی بزند.

حتی جمشید خیرآبادی مربی وی در گفت‌وگو با سایت فدراسیون کشتی اعلام کرد که طهماسبی به خاطر نداشتن شهریه دانشگاه چند ماهی نیز تحصیل را رها کرده بود.

هر چند همه این مسائل باعث نمی‌شود یک ورزشکار ایرانی در پیراهن یک کشور دیگر به دنبال کسب افتخار باشد، اما این حرکت طهماسبی می‌تواند مسوولان ورزش را به فکر فرو برد تا به وضعیت زندگی قهرمانانشان توجه کند و حداقل جوایز آنها در مسابقات جهانی را قانونمند کند. آخرین مصاحبه سامان طهماسبی با ایسنا که دو هفته پیش انجام شد و همچنین گفت‌وگوی مربی وی با سایت فدراسیون کشتی در ادامه آمده است.

نه شغل دارم، نه مسکن

کسب دو مدال برنز کشتی فرنگی جهان و قهرمانی آسیا در کشتی فرنگی از سامان طهماسبی پرافتخارترین ورزشکار استان کردستان را ساخت، اما این کشتی‌گیر بیش از این که به کشتی فکر کند، در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زندگی است.

طهماسبی که پس از حمید سوریان پرافتخارترین فرنگی‌کار ایران در سال‌های اخیر محسوب می‌شود، گفت: حدود چهار سال است که تنها وعده شنیده‌ام و هر مسوولی هم بر سر کار می‌آید به فکر ما قهرمانان نیست. چند سال است که هم مشکل مسکن و هم مشکل کار دارم.

ملی‌پوش ایران در المپیک پکن ادامه داد: در این سال که دوبار بر سکوی جهانی ایستادم و قهرمان آسیا شدم، خیلی پی‌گیر حل مشکلاتم شدم، اما هر کسی آن را بر گردن دیگری می‌انداخت و کسی پاسخگو نبود. مشکلاتم زیاد است و بدتر آن است که یک قهرمان صبح تا شب دنبال مسوولان بدود، ولی نتیجه‌ای نگیرد.

طهماسبی در پاسخ به این سوال که تمرین‌های کشتی چگونه است، گفت: تمرین می‌کنم، اما چه فایده. از این طرف هیچ کس پاسخگو نیست، اما از طرف دیگر در حالی که مربی‌ام در اردوی تیم ملی است، به اردو هم دعوت نمی‌شوم تا بتوانم بهتر تمرین کنم. در شهرستان امکانات تمرین خوبی نداریم و با این شرایط انگیزه‌ای برایم نمانده است.

برنده دو مدال برنز جهان در پایان گفت: من به عنوان یک قهرمان ملی که افتخاراتی را به دست آوردم نه شغل دارم و نه مسکن. گوش شنوایی هم پیدا نمی‌شود و هیچ کس به فکر نیست.

خداحافظی از دنیای کشتی

جمشید خیرآبادی مربی ملی کشتی فرنگی بزرگسالان و همچنین مربی سازنده سامان طهماسبی در گفت و گو با روابط عمومی فدراسیون کشتی گفت: صریحاً اعلام می‌کنم که سامان طهماسبی به خاطر مشکلات فراوان در زندگی شخصی مجبور به ترک دانشگاه شده است و اگر این روند به همین صورت ادامه داشته باشد، به زودی او از دنیای کشتی نیز برای همیشه خداحافظی خواهد کرد، من به عنوان مربی سازنده او واقعا متأسفم که نمی‌توانیم این فرنگی‌کار بسیار خوب و جوان کشورمان که تازه به مرحله پختگی رسیده است را در اردوهای تیم ملی در اختیار داشته باشیم، آن هم به این خاطر که او به دلیل مشکلات مالی حتی برای سفر از کردستان به تهران نیز مشکل دارد.

وی افزود: در حالی که سایر کشورهای جهان از قهرمانان جهان و قاره‌ای خود بسیار مراقبت می‌کنند، ولی متأسفانه ما با دست‌خودمان شرایطی را بوجود می‌آوریم که امثال سامان طهماسبی برای همیشه از دنیای ورزش قهرمانی خداحافظی کنند.

خیرآبادی با بیان اینکه مسوولان استان کردستان نمی‌خواهند که برای این افتخار آفرین استان خود قدمی بردارند، تصریح کرد: مگر استخدام شدن فردی مثل طهماسبی یا یک کمک کوچک به او برای داشتن یک سرپناه برای مسوولان سیاسی یا ورزشی استان کردستان چه هزینه‌ای در بر دارد که آنها به‌رغم نامه‌نگاری‌های بسیار زیاد ما و خود طهماسبی تاکنون نسبت به این موضوع بی‌اعتنا بوده‌اند؟!

مربی سامان طهماسبی در پایان خاطرنشان کرد: طهماسبی حتی شهریه دانشگاه خود را نیز ندارد و به دلیل همین موضوع به ناچار چند ماهی است که دانشگاه را رها کرده است، من برای سامان بسیار متأسفم که در استانی زندگی می‌کند که مسوولان آن تا این حد نسبت به آینده او بی‌تفاوت هستند، شاید اگر مسوولان استان می‌دانستند که ورزش می‌تواند بسیاری از معضلات را کم کند با الگوی جوانان کردستانی این گونه برخورد نمی‌کردند!

نامه دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه بین‌المللی کارگران به محمود احمدی‌نژاد در باره بازداشت سعید ترابیان

جناب رئیس جمهور،

من از طرف کنفدراسیون اتحادیه بین‌المللی کارگران، که دارای 176 میلیون عضو در سراسر دنیا از جمله در بسیاری از کشورهای اسلامی است، به منظور اعتراض شدید به بازداشت سعید ترابیان، عضو مرکزی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه در تهران، این نامه را برای شما می‌نویسم.

کنفدراسیون اتحادیه بین‌المللی کارگران آگاه شده است که سعید ترابیان توسط ماموران امنیتی در تاریخ 9 جون در منزل خود بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل شده است. ماموران امنیتی لوازم شخصی و کامپیوتر او را نیز با خود برده‌اند.

کنفدراسیون اتحادیه بین‌المللی کارگران این بازداشت را، که آخرین مورد از سری بازداشت‌های اتحادیه‌های کارگران در ایران است، به شدت محکوم می‌کند.

من از اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران همچنان کارگران را تحت فشار قرار داده و حقوق اولیه آنها را پایمال می‌نماید، ابراز نگرانی می‌کنم.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو سازمان جهانی کار، متعهد است به آزادی فعالیت نهادها و نیز روابط کارگر و کارفرما احترام بگذارد. باور دارم که شما به این موضوع مهم توجه خواهید داشت و شرایط آزادی فوری سعید ترابیان را فراهم خواهید کرد. با احترام، دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه بین المللی کارگران

گای برنارد رایدر

30 خرداد 1389

گزارش سازمان بین المللی کار از احتمال عفو منصور اسانلو

سازمان بین المللی کار، آی ال او، در گزارش سالانه خود در مورد ایران اعلام کرد که قوه قضائیه جمهوری اسلامی با عفو منصور اسانلو، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، موافقت کرده است. اعتراض سازمان های بین المللی کارگری به پرونده سازی برای اسانلو اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به تهدیدها علیه اسانلو به گفته کمیته «آزادی تشکل» این سازمان، دولت ایران روز ۲۲ مه سال جاری به صورت رسمی اعلام کرد به منظور ارتقای گفت وگوهای اجتماعی و ایجاد زمینه برای اجرای مقاله نامه های بین المللی، رئیس قوه قضائیه با درخواست وزیر کار و امور اجتماعی جهت انجام اقدامات لازم برای عفو آقای اسانلو موافقت کرده است. آقای اسانلو در تیر سال ۱۳۸۶ بدون حکم دادگاه، توسط مأموران امنیتی در نزدیکی منزلش بازداشت و پس از محاکمه، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، به پنج سال زندان محکوم شد. این فعال کارگری هم اکنون در زندان رجایی شهر کرج زندانی است. تا پیش از این، مقام های جمهوری اسلامی ایران درخواست های وکلا و خانواده این فعال کارگر زندانی برای آزادی او را بی پاسخ گذاشته بودند. بر اساس قوانین ایران، هر زندانی می تواند پس از گذراندن نیمی از دوره محکومیت خود مورد عفو قرار گیرد. انعکاس موافقت قوه قضائیه، در گزارش سالانه سازمان بین المللی کار، در شرایطی است که چندی پیش، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه متهم به ارتباط با معارضین نظام شد. سازمان بین المللی کار، با ادای احترام به آقای اسانلو، از تلاش های وزیر کار و امور اجتماعی برای آزادی وی استقبال و اعلام کرده است که انتظار دارد این فعال کارگری به زودی آزاد شود. مسئول خاورمیانه ای این اتحادیه در این مورد با اشاره به اینکه موضوع برخوردهای امنیتی و قضایی با فعالان کارگری در ایران، یکی از مسایل مورد توجه سازمان بین المللی کار بوده است، به رادیو فردا می گوید: «آقای اسانلو در شرایطی زندانی است که در دو سه سال گذشته تحت فشار قرار داشته است و از جمله به بیماری های او توجه و رسیدگی نکردند و به جای آن، وی را به بند زندانیان متادونی فرستادند و حتی در موردی، آقای اسانلو مجبور بود بر روی زمین سیمانی بخوابد، در حالی که او کمر درد شدیدی دارد.» آقای کوهستانی نژاد می افزاید: «هر بار که دوره نشست های سازمان بین المللی کار فرا می رسد، بحث آزادی آقای اسانلو از سوی مقام ها و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران مطرح می شود. به همین خاطر، ما نمی توانیم تا زمان آزادی او، از اینگونه اخبار استقبال کنیم.» در گزارش انتشار یافته از سوی سازمان بین المللی کار، انتقادهای بسیاری از عملکرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص برخوردش با فعالان و تشکل های کارگری مطرح شده است. یکی از این انتقادات، مربوط به ادامه بازداشت ابراهیم مددی، نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، است. آقای مددی نیز به اتهام اقدام علیه امنیت ملی زندانی است. سازمان بین المللی کار، در گزارش سالانه خود از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا در زمینه آزادی سریع این فعال کارگری نیز اقدامات لازم را انجام دهد. این سازمان همچنین خواستار لغو اتهام های وارد شده به چند عضو دیگر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مانند عطا باباخانی، داوود رضوی، یعقوب سلیمی، ابراهیم نوری گوهری، همایون جابری، سعید ترابیان، ناصر غلامی، علی زاد حسین، عباس نژاد کودکی و منصور حیات غیبی شد. این درخواست در شرایطی عنوان شده است که آقای ترابیان همراه با رضا شهابی، دیگر عضو این تشکل مستقل کارگری، هفته گذشته توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند. بر اساس آخرین گزارش ها، این دو فعال کارگری در بند یک امنیتی زندان اوین نگهداری زندانی هستند و تاکنون اتهام آنان اعلام نشده است. علاوه بر این دو فعال کارگری، چند تن دیگر از فعالان کارگری مانند علیرضا اخوان نیز بازداشت شده اند. این بازداشت ها با انتقاد تشکل های کارگری در ایران مواجه شده است. در همین ارتباط، سازمان بین المللی کار از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا اگر همه اعضای

زندانی سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، فوراً آزاد شوند. اکر پیرهادی، از اعضای هیئت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در گفت‌وگو با رادیو فردا، با انتقاد از اینگونه بازداشت‌ها و اینکه جای فعالان کارگری نباید در زندان باشد، اشاره می‌کند که اعضای این سندیکا نیز تحت فشارهای گوناگون قرار دارند.

وی می‌گوید: «چند تن از اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکا هستند که هنوز احکام تعلیق از کار در شرکت واحد را دارند و هفت تن از آنان حکم بازگشت به کار نگرفته‌اند و در دیوان عدالت اداری سرگرداندند.»

آقای پیرهادی اضافه می‌کند: «نمی‌دانیم که مسئولان چگونه می‌خواهند پاسخگوی مشکلات کارگران باشند. آیا با این نحوه برخورد می‌توان مشکلات آنان باشند؟»

در همین ارتباط، دیوید کاکرافت، دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، با ارسال نامه‌ای به محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، خواستار آزادی فوری سعید ترابیان شده و برخوردهای صورت گرفته با فعالان کارگری در ایران را نیز مورد انتقاد قرار داده است.

مارتین مایر، مسئول بخش حمل و نقل جاده‌ای این فدراسیون، در گفت‌وگو با «رادیو اروپای آزاد/ رادیو آزادی» با ابراز نگرانی از اعمال فشار بر فعالان و تشکلهای کارگری می‌گوید: «ما می‌دانیم که مقام‌های ایرانی به دقت مراقب اقدامات ما برای اعلام اقدامات‌شان علیه فعالان کارگری هستند. ما می‌دانیم که این اقدام موجب شرمندگی آنان در مجامع بین‌المللی شده است. ما در عین حال، در پی ترتیب دادن دور جدیدی از اعتراض‌ها هستیم. ما در این مسیر تنها نیستیم و از حمایت سایر اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری و نیز فدراسیون آموزش بین‌الملل و سازمان عفو بین‌الملل برخورداریم.»

وی با اعلام اینکه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در کنار برادران و خواهران خود در ایران ایستاده است، به نتایج اعتراض‌ها و اعمال فشارهای گوناگون بر تهران ابراز خوش‌بینی می‌کند: «مردم بیشتری در جهان متوجه آنچه که در ایران می‌گذرد، می‌شوند و در عین حال، موجب ابراز نگرانی دوستان ایران در سطح جهان خواهد شد.»

سازمان بین‌المللی کار، در گزارش سالانه خود در عین حال از دولت جمهوری اسلامی ایران به خاطر احترام نگذاشتن به مقوله‌نامه‌های بین‌المللی ۸۷ و ۹۸ در خصوص آزادی تشکلیابی انتقاد کرده است.

این سازمان همچنین خواستار تأسیس و فعالیت تشکلهای کارگری در ایران از جمله سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و احترام دولت جمهوری اسلامی به آزادی تشکلهای شده است.

بهرروز کارونی - رادیو فردا - ۳۰/۰۳/۱۳۸۹

فدراسون جهانی کارگران حمل و نقل خواستار آزادی فعالان کارگری ایران شد

رادیو فردا : فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در بیانیه‌ای، با اعلام خبر بازداشت سعید ترابیان و رضا شهبابی، خواستار آزادی این دو فعال کارگری و نیز سایر فعالان کارگری شد که در زندانهای جمهوری اسلامی بسر می‌برند. در این بیانیه به نامه دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، به محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران اشاره شده که در آن، بازداشت فعالان کارگری بی دلیل توصیف شده است. بر اساس مقوله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار که ایران نیز آنها را امضا کرده است، کارگران از حق تشکل برخوردارند. آقای کاکرافت هم در نامه خود به محمود احمدی‌نژاد با اشاره به همین موضوع، تأکید کرده است که فعالان کارگری بازداشت شده به وظیفه سندیکایی خود عمل کرده‌اند و این موضوع نباید موجب بازداشت آنان شود. در سالیان اخیر، فعالان کارگری در ایران به اتهام‌های امنیتی، مانند اقدام علیه امنیت ملی و یا تشویش اذهان عمومی، بازداشت و زندانی شده‌اند.

دو تن از بازرسان آژانس اتمی ممنوع ورود شدند

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 خرداد نوشت: رئیس سازمان انرژی اتمی در رابطه با اظهارات رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس مبنی بر برخورد با بازرسانی که گزارشات نادرست از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه کرده‌اند، گفت: به دلیل ارائه اطلاعات غلط از سوی دو بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیرامون فعالیت‌های ایران، این دو نفر دیگر حق ورود به ایران را ندارند.

به گزارش ایلنا، علی‌اکبر صالحی در پاسخ به این که طبق مصوبه مجلس درخواست‌های بازرسی فراتر از مقررات آن‌پی‌تی رد خواهد شد، تحلیل شما در این رابطه چیست؟ گفت: ما هیچ وقت بازرسی فراتر از آن‌پی‌تی را اجازه نمی‌دادیم. ما فقط در یک برهه‌ای که پروتکل الحاقی را به صورت داوطلبانه اجرا کردیم، آن موقع بود که یک مقدار بازرسی‌ها فراتر از بازرسی‌های پادمانی بود. اما بعد از اینکه آن فعالیت متوقف شد دیگر بازرسی‌های ما در چارچوب تعهدات پادمانی است که داریم. یعنی ما همانطور که بارها اعلام کردیم به تعهدات بین‌المللی خود پایبندیم. البته ما چیزی را فراتر نخواهیم رفت و از حقوقمان هم کم نخواهیم گذاشت. یعنی نه فراتر از حقوقمان چیزی طلب می‌کنیم و نه آمادگی داریم که از حقوقمان بگذریم. لذا بازرسی‌ها دقیقاً در چارچوب پادمان انجام می‌گیرد.

صالحی در پاسخ به این که رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که برخی از بازرسان آژانس برخلاف مقررات اطلاعات غلط را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند. آیا جهت برخورد با این بازرسان تدابیری در نظر گرفته شده؟ تصریح کرد: بله. همان موردی که گفتم، اسامی دو تن از بازرسان را هفته پیش به آژانس اعلام کردیم که این دو تن دیگر حق ورود به ایران را ندارند با توجه به اینکه هم قبل از اینکه

به صورت رسمی به گزارش پرداخته شود، آن را برملا کردند، ضمن اینکه گزارش غیرحقیقی هم دادند. یعنی هر دو وجه آن و این سبب شد ما از ورود این دو تن بازرس به ایران جلوگیری کنیم.

سازمان بین المللی کار می گوید: قوه قضاییه با آزادی منصور اسانلو موافقت کرده

سحام نیوز در تاریخ 31 خرداد می نویسد : سازمان بین المللی کار، آی ال او، در گزارش سالانه خود در مورد ایران اعلام کرد که قوه قضاییه جمهوری اسلامی با عفو منصور اسانلو، رئیس زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، موافقت کرده است.

به گفته « کمیته آزادی تشکل » این سازمان، دولت ایران روز ۲۲ مه سال جاری به صورت رسمی اعلام کرد رئیس قوه قضاییه با درخواست وزیر کار و امور اجتماعی برای عفو آقای اسانلو موافقت کرده است. آقای اسانلو در تیر ماه سال ۱۳۸۶ بدون حکم دادگاه، توسط ماموران امنیتی در نزدیکی منزلش بازداشت و پس از محاکمه، به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، به پنج سال زندان محکوم شد. این فعال کارگری هم اکنون در زندان رجایی شهر کرج زندانی است. سازمان بین المللی کار همچنین خواستار آزادی ابراهیم مددی و لغو تمامی اتهام های وارد آمده به فعالان کارگری و نیز آزادی فعالیت تشکل های کارگری در ایران شد

امارات، ۴۰ شرکت را به دلیل نقض تحریم های ایران تعطیل کرد

سایت آفتاب در تاریخ 31 خرداد نوشت : یک روزنامه امارات متحده عربی خبر داده است که این شیخ نشین، از فعالیت ۴۰ شرکت بین المللی و محلی به دلیل «نقض تحریم های سازمان ملل و ارسال مواد و تجهیزات دارای کاربرد دوگانه» به ایران جلوگیری کرده است.

امارات متحده عربی در راستای اجرای تحریم های سازمان ملل علیه کشورمان از فعالیت ۴۰ شرکت بین المللی و محلی در این کشور به دلیل «نقض تحریم های سازمان ملل و ارسال مواد و تجهیزات دارای کاربرد دوگانه» به ایران جلوگیری کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، روزنامه «گلف نیوز» در شماره روز دوشنبه خود به نقل از یک مقام عالی رتبه اماراتی اعلام کرد، امارات متحده عربی ۴۰ شرکت بین المللی و محلی را در ارتباط با تحریم های سازمان ملل علیه ایران تعطیل کرده است.

اگر حقوق خودمان را تا ۲۰ تیر نگیریم همه چیز را به آتش میکشیم

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 31 خرداد آمده است : عوامل دولت کودتا، که میلیاردها تومان پول حقوق معوقه کارگران کارخانه آجر پزی سازمانیه را ، بالا کشیده اند، هنوز هم بعد از چند ماه ، با انواع بهانه ها، کارگران را دست بسر میکنند و هیچ جوابی بابت اینکه ، چه زمانی میخواهند این پول را به ۲۵۰ نفر از کارگران اخراجی این کارخانه پرداخت نکنند، نداده اند. کارگران کارخانه هم آخرین مهلتی که برای گرفتن حقوق خودشان مشخص کرده اند بیست ام تیرماه است که گفته اند که اگر تا این موقع حقوق خودشان را نگیرند، روز بیست ام با چند گالن بنزین در محل کارخانه تجمع دارند و همه چیز را میخواهند آتش بزنند. عوامل حاکمیت در دادگستری پاکدشت ، طی ماه های اخیر تلاش کردند که با دادن وعده های دروغ مانع برگزاری تجمعات اعتراضی این کارگران بخصوص در ماه خرداد بشوند.

تهدید و اخراج کارگران کارخانه صندوق نسوز خرم

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 31 خرداد آمده است : دولت قصد دارد کارخانه صندوق نسوز خرم را به يك شرکت خصوصی واگذار کند که در نتیجه این موضوع تمام کارگران این کارخانه قدیمی بیکار میشوند . کارفرمایان در جواب اعتراض کارگران به این موضوع آنها را تهدید کرده اند که اگر سر این موضوع هرگونه اعتراض یا تجمع اعتراضی راه بیندازند همه آنها را که قراردادی هستند ، اخراج میکنند و از ماه پیش هم قراردادهای کارگران را از سه ماه به قراردادهای یکماهه تنزل داده اند .

گزارشی از اعتصاب دسته جمعی کارگران سیرجان

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 31 خرداد نوشت :اعتصاب دسته جمعی کارگران مجتمع گندله سازی شرکت سنگ آهن گل گهر سیرجان که از روز دوشنبه ۲۴ خرداد آغاز شده، امروز وارد ششمین روز شد. کارگران اعتصاب کننده ظهر امروز در محل درب اصلی شرکت گل گهر اعتصاب شان را ادامه دادند و خواستار پاسخ گویی مسوولان این شرکت شدند. این کارگران در حالی خواستار حضور محمد جلال ماب مدیرعامل گل

گهر در جمع خود بودند که وی هم اکنون در تهران بسر می برد. به گزارش خبرنگار رهانا، کارگران معترض که شمارشان نزدیک به ۴۰۰ نفر اعلام شده است با برخی از مدیران گل گهر درگیری فیزیکی پیدا کردند در این زدوخوردها برخی نیروهای «حفاظت فیزیکی شرکت گل گهر» به ضرب و شتم کارگران معترض پرداختند. از وضعیت مجروحین احتمالی خبری در دست نیست گزارش ها همچنین حاکی از آن است که شورای تامین این شهرستان عصر امروز جلسه ای اضطراری برگزار کرده است. ۴۰۰ کارگر مجتمع گندله سازی گل گهر سیرجان (واقع در غرب استان کرمان) که از روز دوشنبه هفته گذشته بر سرکار خود حاضر نشده اند همچنان در اعتراض به اعلام نتایج آزمون استخدامی، در اعتصاب به سر می برند. این کارگران در پنج سال گذشته به عنوان نیروی کار پیمانکار مجری احداث و راه اندازی گندله سازی فعالیت کرده اند اما از فروردین ماه و پس از افتتاح این مجتمع از سوی محمود احمدی نژاد به آنان اعلام شد که باید کار خود را ترک کنند تا نیروهای جدیدی که از طریق آزمون جذب شده اند؛ جایگزین شان شوند. این مساله زمانی موجب بحرانی شدن اوضاع شد که از میان نیروهای فعلی تنها ۴۰ کارگر در آزمون استخدامی پذیرفته شدند. اعتصاب کارگران که از دوشنبه ۲۴ خرداد آغاز شده است با تجمع آنان در روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه در مقابل فرمانداری سیرجان، ادامه یافت. یکی از کارگران اعتصاب کننده در خصوص دلایل تداوم اعتصاب کارگران گفت: «مسئولان شهرستان جواب قانع کننده ای به ما ندادند و به همین دلیل تا زمان دریافت جواب قانع کننده به اعتصاب ادامه می دهیم.» او که خواست نامش فاش نشود، با اشاره به جلسه مسئولان امنیتی و اجرایی شهرستان سیرجان با سه تن از نمایندگان کارگران افزود: «متأسفانه در این جلسات کارگران فقط تهدید شده اند و هیچ راه حل عملی ای از سوی مسئولان اعلام نشد.» در چند روز گذشته مسئولان امنیتی شهرستان سیرجان طی تماس های مکرر با نشریات محلی این شهر از مسئولان نشریات خواسته اند تا خبر اعتصاب و تجمع کارگران را پوشش ندهند.

به گفته یک منبع آگاه «حساسیت مسئولان نهادهای امنیتی نسبت به اعتصاب و تجمع کارگران به این دلیل صورت می گیرد که تنها دو ماه از افتتاح مجتمع گندله سازی به دست رییس جمهوری می گذرد و مسئولان استدلالشان این است که این خبر موجب تضعیف دولت می شود.» در همین حال یکی از کارگران معترض با رد هر گونه انگیزه سیاسی در حرکت اعتراضی کارگران می گوید: «ما کاری به سیاست نداریم. تنها خواسته ما این است که شغل مان را از دست ندهیم، اگر بیکار شویم چه کسی جواب خانواده های مان را می دهد؟» اظهارات شاهدان عینی حاکی از آن است که تجمع کارگران معترض در مقابل فرمانداری شهرستان سیرجان با حاشیه هایی همراه بوده است. به گفته یک شاهد عینی نمایندگان کارگران معترض به دلیل عدم توافق با مسئولان به حالت اعتراض، جلسه را ترک کرده اند. هر چند کارگران معترض از صبح شنبه تجمع نداشته اند اما همچنان به اعتصاب خود ادامه داده اند.

مصاحبه جعفر عظیم زاده درباره فرانشیز

بابت خدمات درمانی مراکز تامین اجتماعی از قبل پول داده ایم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 خرداد آمده است: به اعتقاد يك فعال کارگري دریافت فرانشیز در مراکز درمانی متعلق به سازمان تامین اجتماعی در ادامه دست اندازي هاي چند سال گذشته به حقوق کارگران است .

جعفر عظیم زاده از اتحادیه آزاد کارگران ایران در گفت و گو با خبرنگار ایلنا گفت: تصمیم به دریافت فرانشیز از کارگران بیمه شده ای که به مراکز درمانی متعلق به این سازمان مراجعه می کنند اقدام تازه ای نیست و باید آن را در امتداد تحولاتی دانست که زیان کارگران را در پی داشته اند .

این فعال کارگري یادآور شد: در سال های گذشته شاهد گسترش بیشتر قراردادهای موقت کار و پیمانکاری، تضعیف امنیت شغلی و کاهش قدرت خرید کارگران با عدم افزایش واقعی دستمزدها بوده ایم که همگی به زیان بیشتر طبقه کارگر منجر شده است .

این فعال کارگري افزود: سازمان تامین اجتماعی در حالی قصد دارد تا بابت خدمات درمانی مراکز متعلق به خود از کارگران فرانشیز دریافت کند که باید در کیفیت و کمیت خدمات درمانی کنونی تجدید نظر شود .

وی گفت: اینکه تنها معدودی مرکز درمانی پیشرفته وجود داشته باشد کافی نیست بلکه باید خدمات مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی براساس نیازهای روز و پراکندگی جغرافیایی ارتقا یابند .

عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران گفت: حتی این ادعا که با دریافت فرانشیز می توان خدمات درمانی سازمان اجتماعی را در زمینه بیماری های خاص توسعه بخشید هم توجیه کننده در یافت فرانشیز نیست .

وی تصریح کرد: کارگران با پرداخت حق بیمه هزینه های سازمان تامین اجتماعی را تامین می کنند به همین دلیل نمی توان از آنها پول بیشتری دریافت کرد .

وی گفت: این تصور که دولت در مراکز درمانی سازمان به بیمه شدگان خدمات رایگان ارائه می دهد غلط است زیرا کارگران پول آنها را پیشتر پرداخت کرده اند .

پایان پیام

دستگیری رضا شهابی، سعید ترابیان، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا اخوان عجز و ناتوانی رژیم در مقابل کارگران

سعید ترابیان یکی از نمایندگان سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه و عضو هیات مدیره سندیکا را در مقابل چشمان اعضای خانواده‌هاش و در منزلش با دستبند، توسط مأمورین امنیتی رژیم دستگیر گردید.
دستگیری رضا شهابی، سعید ترابیان، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا اخوان عجز و ناتوانی رژیم در مقابل کارگران

سعید ترابیان یکی از نمایندگان سندیکای اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه و عضو هیات مدیره سندیکا را در مقابل چشمان اعضای خانواده‌هاش و در منزلش با دستبند، توسط مأمورین امنیتی رژیم دستگیر گردید. در تداوم چنین عملی آنهم بعد از سه روز از دستگیری ترابیان، یکی دیگر از هیات مدیره سندیکای کارگری شرکت واحد، رضا شهابی در ساعت 10 صبح 22 خرداد در اداره مرکزی اتوبوسرانی تهران و حومه دستگیر میشود. این دو فعال کارگری در شرایطی به اسارت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی درمیآیند، که منصور اسانلو دبیر اول و ابراهیم مددی معاون سندیکا هنوز در زندان بسر میبرند. بهنام ابراهیم زاده کارگر لوله سازی پلی اتیلن شور آباد شهر ری و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل آزاد کارگری روز شنبه 22 خرداد در تهران دستگیر و به شیوه وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در وضعیت وخیمی در زندان بسر میبرد. قابل به ذکر است که در تاریخ 13 خرداد، علیرضا اخوان از فعالین "کانون مدافعان حقوق کارگری" نیز دستگیر شده بود که هنوز در اسارت حاکمیت جهل و سرمایه قرار دارد.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری بازداشت رضا شهابی، سعید ترابیان، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا اخوان را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط همه اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی هستیم. ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی کارگری و نیز تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

زنده باد همبستگی بین المللی

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

13 ماه ژوئن 2010

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور

- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استراليا proletarianunite@gmail.com
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkargari@gmail.com
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه ssstiran@yahoo.fr
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه kanoonhf_2007@yahoo.de
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر kanon.hannover@yahoo.de
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد isask@comhem.se
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ kanounhambastegi@gmail.com
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk
- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm
- اتحاد چپ ایرانیان و اشنگتن leftalliance@yahoo.com
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا toronto_committee@yahoo.ca

پدرام نصرالهی دستگیر شد

بنا بر خبر رسیده به دست ما پدرام نصرالهی (نیز) عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

امروز مورخ 31/3/89 ساعت 12 ظهر توسط نیرو های امنیتی دستگیر و روانه زندان شد.

پدرام نصر الهی در تاریخ 21/8/88 به اتهام شرکت در راهپیمایی در اعتراض به اعدام احسان فتحیان دستگیر و مدتی در زندان بسر برد و سپس با قرار وثیقه از زندان آزاد شد .

نامبرده در دادگاه به 6 ماه حبس تعزیری محکوم شد ، سپس در اعتراض به حکم صادره در دادگاه تجدید نظر، 6 ماه حبس را به یک میلیون تومان جریمه نقدی تبدیل نمودند .

اما امروز 31/3/89 پدرام نصر الهی که از طرف اجرای احکام دادگستری احضار شده بود ، دستگیر و مجدداً برای اجرای حکم به زندان مرکزی سنندج انتقال داده شد .

ما عضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بازداشت پدram نصرالهی را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط وی و دیگر زندانیان سیاسی در بند می باشیم .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

31 خرداد 1389

تبرئه بیژن امیری و محسن حکیمی

امروز 89/3/31، شعبه سیزدهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران حکم تبرئه محسن حکیمی و بیژن امیری از اتهامات وارده را به آنان ابلاغ کرد. این اتهام ها به دستگیری این فعالان کارگری در زمستان 1387 مربوط می شد. صبح روز دوم دی ماه 87، بیژن امیری، فعال کارگری و کارگر کارخانه پارس خودرو، در مقابل کارخانه ایران خودرو واقع در جاده مخصوص کرج بازداشت شد. شب همان روز، حراست ایران خودرو، که بازداشت توسط او صورت گرفته بود، بیژن امیری را تحویل ماموران وزارت اطلاعات داد تا به زندان اوین برده شود. ماموران پیش از تحویل بیژن به زندان، منزل او را بازرسی و تفتیش کردند. در آنجا، محسن حکیمی نیز، که با شنیدن خبر بازداشت بیژن به کمک خانواده اش شتافته بود، به علت اعتراض به ماموران و به دستور مقام امنیتی مافوقی که تلفنی با این ماموران در تماس بود بازداشت شد. این دو فعال کارگری همان شب به سلول انفرادی در بند 209 اوین منتقل شدند و از آن پس مدام تحت بازجویی قرارداشتند. محسن حکیمی علاوه بر تحمل سلول انفرادی مورد ضرب و شتم نیز قرارگرفت. اتهامی که در نخستین جلسه بازپرسی به تاریخ 87/10/3 در شعبه دوم بازپرسی معاونت امنیت دادگاه انقلاب اسلامی به این دو فعال کارگری تفهیم شد، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی بود. در آخرین جلسه بازپرسی از محسن حکیمی به تاریخ اول اسفند 87، اتهام دیگری به او تفهیم شد و آن اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور بود. بیژن پس از 40 روز تحمل حبس با قرار کفالت آزاد شد و محسن نیز پس از دوماه زندان با قرار وثیقه صد میلیون تومانی از اوین بیرون آمد.

حدود یک سال پس از این آزادی، این دو فعال کارگری از سوی شعبه 13 دادگاه انقلاب اسلامی تهران به دادگاه فراخوانده شدند. آن ها ضمن حضور در دادگاه، برای استفاده از وکیل تقاضای مهلت کردند و دادگاه دو ماه مهلت داد تا وکیل خود را معرفی کنند. در اسفند 88، محمد شریف به عنوان وکیل این فعالان کارگری خود را به دادگاه معرفی کرد و دادگاه پرونده را برای مطالعه در اختیار او گذاشت و نیز تاریخ برگزاری جلسه دادرسی را 89/3/23 تعیین کرد. روز یکشنبه 23 خرداد 89، بیژن امیری و محسن حکیمی همراه محمد شریف به عنوان وکیل خود در دادگاه حاضر شدند و در مقابل اتهامات وارده از خود دفاع کردند. محمد شریف علاوه بر دفاع شفاهی در جلسه دادگاه، لایحه دفاع کتبی خود را نیز تسلیم دادگاه نمود. یک هفته پس از این جلسه، شعبه 13 دادگاه انقلاب اسلامی تهران رای تبرئه بیژن امیری و محسن حکیمی را صادر و به آنان ابلاغ کرد.

ما ضمن تحسین مقاومت و دفاع پیگیر این فعالان کارگری از جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر، این حکم تبرئه را به آنان و خانواده هایشان و به کل طبقه کارگر شادباش می گوئیم و برای آن ها آرزوی تندرستی و سرفرازی و ایستادگی بیش از پیش می کنیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

31 خرداد 1389

احتمال «عفو» منصور اسانلو

سازمان بین المللی کار از موافقت قوه قضاییه ایران با "عفو" منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای واحد خبر داده و افزوده که هدف این تصمیم، زمینه سازی برای اجرای مقاله نامه های بین المللی و ارتقای گفت وگوهای اجتماعی است.

به نقل از کمیته "آزادی تشکل" سازمان بین المللی کار، دولت ایران در روز ۲۲ ماه مه سال جاری به صورت رسمی اعلام کرده که رییس قوه قضاییه با درخواست وزیر کار و امور اجتماعی برای انجام اقدامات لازم جهت "عفو" آقای اسانلو موافقت کرده است.

طبق قوانین جمهوری اسلامی، هر زندانی می تواند پس از گذراندن نیمی از دوره محکومیت خود، مورد عفو قرار گیرد. سازمان بین المللی کار، با ادای احترام به منصور اسانلو و استقبال از تلاش های وزیر کار و امور اجتماعی برای آزادی وی، اعلام کرده که انتظار دارد این فعال کارگری به زودی آزاد شود. این سازمان، ضمن اعلام این خبر در گزارش سالانه خود، از دولت جمهوری اسلامی انتقاد کرده که به مقاله نامه های بین المللی ۸۷ و ۹۸ در خصوص آزادی تشکل احترام نگذاشته است.

منصور اسانلو در تیرماه سال ۸۶ در خیابان و در نزدیکی منزل خود بدون حکم دادگاه و توسط ماموران امنیتی دستگیر شد. وی پس از محاکمه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام، حکم ۵ سال زندان قطعی را دریافت کرد. آقای اسانلو هم اینک در زندان رجایی شهر کرج در بند زندانیان عادی نگاهداری می شود و از حساسیت پوستی و بیماری های ریوی و چشمی و کمردرد رنج می برد.

موافقت قوه قضاییه با عفو آقای اسانلو در حالی در گزارش سالانه سازمان بین‌المللی کار منعکس شده، که برای این فعال سندیکایی چندی قبل پرونده جدیدی به اتهام "ارتباط با معارضین نظام" گشوده شد.

همسر آقای اسانلو این خبر را در رسانه‌های اینترنتی خوانده و صحت و سقم آن را نمی‌داند. پروانه اسانلو به دوپچه وله می‌گوید، همسرش نیز از موضوع عفو بی‌اطلاع است و تنها از طریق تبریک زندانیان دیگر در جریان قرار گرفته است. خانم اسانلو امیدوار است که همسرش پس از سه سال حبس به مناسبت روز پدر (شنبه ۵ تیرماه) از زندان آزاد شود.

وکلاي منصور اسانلو نیز تاکنون از مجاری رسمی و حقوقی خبری در باره عفو وی دریافت نکرده‌اند. آقایان احمد خورشید و یوسف مولایی بر این نظرند که باید در استقبال از چنین خبری محتاط بود، صبر کرد و صحت این تصمیم را در عمل دید.

چگینی؛ کارگری که به خاطر آزادی و رای اش شهید شد ناگفته های زندگی و شهادت محرم چگینی در گفت و گو با همسرش

به نوشته سایت جرس در تاریخ 31 خرداد آمده است: شهید محرم چگینی سال گذشته در ۲۵ خرداد ماه در تظاهرات مسالمت آمیزی که مردم برای پس گرفتن رای شان به خیابان آمده بودند؛ مقابل پایگاه بسیج با ضرب گلوله کشته شد و حتی فیلم تیر خوردن، به زمین افتادن و بلند کردن پیکرش از روی زمین توسط دوربین های شاهدان به ثبت رسید. معصومه چگینی همسر محرم بارها و بارها در مصاحبه های خود تاکید کرده که تا آخرین لحظه ی زندگی اش شکایتش را پس نمی گیرد و می خواهد بداند قاتل همسرش کیست و چرا باید جنازه او در خیابان های فاز چهار اندیشه و دور از تهران پیدا شود. معصومه ۳۰ ساله از یک سالی می گوید که تلخ ترین و سخت ترین لحظه های زندگی اش را بدون همسرش سپری کرده است. خبرنگار کلمه، با معصومه چگینی بعد از برگزاری اولین سالگرد شهادت همسرش با وی به گفت و گو نشسته است.

اولین سالگرد شهید محرم چگینی ۲۵ خرداد ماه در بهشت زهرا برگزار شد. این مراسم چگونه بود؟

خیلی ها می گفتند مراسم اولین سالگرد را پنج شنبه یعنی ۲۷ خرداد برگزار کنیم اما من دلم می خواست همان روز شهادت محرم یعنی ۲۵ خرداد باشد تا این روز به یاد ماندنی و تاریخی ثبت شود. تا عمر دارم در این روز تاریخی مراسم سالگرد همسرم را برگزار می کنم و راه این شهید را ادامه می دهم. من افتخار می کنم که محرم در این راه کشته شد و خوشحالم برای مردی فاتحه می خوانم که در راه وطن و آزادی کشته شده است و من نیز راه او را ادامه می دهم.

چگونه می خواهید راه شهید محرم چگینی را ادامه دهید؟

همین راه رسیدن به آزادی و جنبش سبز را ادامه می دهم. شوهرم به خاطر آزادی کشته شد. مگر او آن روز با حضورش در خیابان چه می خواست؟ مگر پس گرفتن رای اش، گناه بود که اینگونه او را کشتند؟ او یک کارگر ساده بود که به خاطر نشان دادن اعتراضش به وضعیت موجود به خیابان آمد اما آیا باید کشته می شد؟ خیلی ها می گویند این سرنوشت و قسمت محرم بوده است. اما من می گویم او راهش را انتخاب کرده بود و از این بابت که او جاننش را در راه آزادی از دست داده افتخار می کنم اما هم چنان این سوال را دارم که چرا این همه انسان بی گناه در آن روز کشته شدند؟

در بهشت زهرا مشکلی برای برگزاری مراسم اولین سالگرد ایجاد نشد؟ چرا که در آن روز بهشت زهرا کاملاً نظامی بود و همه کسانی که برای تسلیت گفتن آمده بودند تحت نظارت بودند؟

روز برگزاری مراسم سالگرد دو بسیجی به خانه ی مادر شوهرم آمدند و گفتند که چرا برای برگزاری مراسم از ما اجازه نگرفته اید؟ من نمی فهمم این چه ماجرابی است که حتی برای برگزاری مراسم عزادرای هم باید از آنها اجازه بگیریم. در بهشت زهرا نیز دو نفر از اول تا آخر مراسم بالای قبر ایستادند و همه افرادی را که می آمدند نظارت می کردند اما مشکلی به وجود نیامد.

چه گروههایی در اولین سالگرد شهید محرم چگینی در بهشت زهرا حضور داشتند؟

فضا به شدت امنیتی بود بنابراین آنها که می آمدند، نمی توانستند بگویند که چه کسی هستند. اما دانشجویان دانشگاه تهران و برخی از هواداران جنبش سبز آمدند و در گوش من گفتند که خون این شهید پایمال نخواهد شد و راهشان ادامه دارد. همچنین مادر شهید سهراب اعرابی نیز آمد و ابراز همدردی کرد. او که از بس غصه خورده

بسیار ضعیف شده بود و با این حال سری هم به ما زد. خانم شهید حسن پور نیز در تماسی تلفنی خود را همراه ما دانست. همه این ابراز همدردی ها مایه خوشحالی من است.

چندبار گفته اید که راه همسر شهیدت را ادامه می دهید. می خواهم بدانم اگر همسرت در این راه شهید نشده بود آیا باز هم اینقدر نسبت به وضعیت موجود معترض بودید؟

بله! چرا که سهراب ها و نداها در این راه کشته شده اند. آنها نیز مانند خواهران و برادران من هستند که باید برای اینکه خون شان پایمال نشود در پی یافتن حقیقت تلاش کنیم. آنها نیز جرمی نداشتند جز این که به خیابان بیایند و رای شان را بخواهند. مگر مادر سهراب و دو فرزند شهید حسن پور با من چه فرقی دارند؟ آنها هم هزینه داده اند و من نیز برای آنها در این راه تلاش می کنم. اما کشته شدن شوهرم در این راه انگیزه مرا تقویت کرده است و وقتی مادر سهراب را می بینم انگیزه ام دو چندان می شود و مصمم تر می شوم.

اما نگفتید که راهی را که در آن قدم گذاشته اید چگونه می خواهید ادامه دهید؟

با پیگیری شکایتم و شناسایی قاتل شوهرم. تا عمر دارم به دنبال قاتل شوهرم می روم حتی اگر این راه هزینه های فراوانی داشته باشد.

از ۲۵ خرداد سال گذشته تا کنون دقیقا یک سال گذشته است. این یک سال با تمام حوادثی که برای شما و خانواده تان داشت ؛ چگونه گذشت؟

این یک ساله برای من به اندازه صد سال طول کشید. سالی که فقط نفس کشیدم اما زندگی نکردم. من ۱۳ سال با محرم در وضعیت مالی بد زندگی کردم اما هیچ وقت به اندازه این یک سال عذاب ندیدم. این یک سال آنقدر سخت گذشت که حالا با داروی اعصاب و تحت نظر دکتر هستم

چه زمان هایی بیشتر احساس دلتنگی می کنی؟

موقع غروب آفتاب. همان زمانی که محرم از سر کار بر می گشت و من چشم انتظار او می ماندم. هنوز با گذشت یک سال تحمل این غروب ها برایم سخت است.

موقع دلتنگی هایت چه کار می کنی؟

گریه می کنم. شبی نیست که بدون گریه سرم را روی بالش بگذارم. جواب این گریه های مرا چه کسی می خواهد بدهد؟ تنها دلخوشی های من این است که به بهشت زهرا بروم و حرف هایم را با همسرم بر سر مزارش در میان بگذارم.

چه حرف هایی را با همسر شهیدت در میان می گذاری؟

می گویم چرا من را تنها گذاشته ای؟ مدام خاطرات شیرین گذشته را با او مرور می کنم و دلم می سوزد به روزهای گذشته ی شادی که با شوهرم داشتم. او آنقدر خوب بود که در این ۱۳ سال هیچ وقت مرا نرنجاند و بدی ای در حق من نکرد.

اگر همسر شهیدت زنده بود چه جمله ای به او می گفتی؟

می گفتم محرم هیچ وقت مرا تنها نگذار و روزهای خوش را از من نگیر.

چه کسی روزهای خوش تو را گرفته است؟

همین هایی که شوهر مرا کشته اند. یک عمر زندگی و آرزو را از من گرفته اند. شوهرم آرزو داشت روزی بچه دار شود و به من قول داده بود که بعد از تمام شدن قسط هایمان یک خانه برای من بخرد. اما او حتی خریدن یک ماشین را به گور برد.

بزرگ ترین درد این روزهایتان چیست؟

این تنهایی عذاب آور و بلا تکلیفی ام.

شهید محرم چگینی تا چه اندازه پیگیر اخبار انتخابات بود و نگرش اش نسبت به مسایل سیاسی چه بود؟

او اصلا آدم سیاسی ای نبود. منتهی مناظره های قبل از انتخابات را نگاه می کردیم و با هم درباره کاندیداهای ریاست جمهوری حرف می زدیم و حتی با دیدن آن مناظره ها تصمیم گرفتیم که به چه کسی رای بدهیم.

خب ! در نهایت به چه کسی رای دادید؟

به مهندس موسوی . اصلا فکرش را نمی کردیم که فضای ، بعد از انتخابات اینگونه شود و انسان های بی گناه در خیابان ها کشته شوند.

چرا به مهندس موسوی رای دادید؟

شوهرم و همه همکارانش به مهندس موسوی رای دادند. آنها به دنبال آزادی بودند . حال سوال من این است که احمدی نژاد رییس جمهور شد اما چرا این همه آدم کشته شدند؟

بعد از اعلام نتیجه انتخابات واکنش شهید محرم چگینی چه بود؟

خیلی متعجب بود . روز یکشنبه برای تظاهرات توانست برود اما روز دوشنبه ۲۵ خرداد با شعار رای من کجاست به خیابان رفت که گلوله خورد و جنازه اش در فاز چهار اندیشه پیدا شد. به تازگی جز فیلم به شهادت رسیدنش فیلم دیگری منتشر شده که نشان می دهد پیکر محرم را بعد از گلوله خوردن داخل پیکان می برند. با این مستنداتی که داریم اما هنوز قالتش شناسایی نشده و شکایت ما را نادیده می گیرند و آن وقت می گویند از موسوی و کروبوی شکایت کنیم.

چند روز پیش هم برادرشوهرتان در مصاحبه ای گفته بود که بسیج از شما خواسته تا علیه موسوی و کروبوی به عنوان قاتل شکایت کنید. قاتل همسر شما کیست؟

چرا موسوی باید قاتل باشد؟ مگر موسوی آنجا بود و مردم را تیرباران کرد؟ او فقط در اعتراض به نتایج انتخابات راهپیمایی راه انداخت مثل هزاران راهپیمایی که در این ۳۰ ساله بعد از انقلاب برگزار شده است . من از موسوی نه تنها شکایتی ندارم بلکه بسیار ممنونم که در این یک ساله نمایندگانش را بارها برای دلجویی و رسیدگی به مسائل زندگی زنی تنها مثل من به سراغم فرستاده است. اعضای کمیته مردمی دفتر موسوی احوال مرا مدام می پرسند و در حد امکاناتشان به مشکلات من رسیدگی می کنند، در این یکساله به جز اعضای کمیته مردمی مهندس موسوی کسی در خانه ی مرا نزده است و اصلا نمی پرسند که آیا تو به تنهایی می توانی زندگی ات را بچرخانی؟ و در این یک ساله چه بر سر تو و زندگی ات آمده است.

اگر دوباره انتخاباتی برگزار شود به چه کسی رای می دهی؟

باز هم به موسوی

چرا؟

چون او به دنبال عدالت و حق مردم است . سوال من از مقامات این است که اگر بد بود چرا کاندیدا شدنش را تایید کردید؟ او که از خارج نیامده و مورد تایید هم بوده است اما حالا چرا یکهو از نظر آنها بد شده است.

به نظر خودت چرا موسوی از سوی حاکمیت فعلی تبدیل به یک آدم بد شده است؟

نمی دانم. اما وقتی می بینم از طرف بسیج می آیند و به ما می گویند که از او به عنوان قاتل شکایت کنید با خودم فکر می کنم که موسوی که شوهر مرا نکشته است؟ پس حتما دلیلی وجود دارد که می خواهند او را قاتل معرفی کنند واقعیتی که غیر از این است. من در این یک ساله خیلی چیزها را فهمیده ام.

چه چیزهایی؟ آیا می توانی بگویی معصومه چگینی سال گذشته با امسال چه تفاوتی کرده است؟

بسیار روشن شدم و فهمیدم که دنیا دست کیست. فهمیدم که برای دفاع از حق کشته می شوی. اینکه ظالم به خاطر زوری که دارد هر کاری دلش بخواهد با مظلوم می کند. ظلمی که به شوهرم شد و او را کشتند و ظلمی که به من شد و مرا تنها در این دنیا گذاشتند. فهمیدم که حرف حق زدن مساوی است با کشته شدن و اگر سکوت نکنی تو را می کشند.

شما چگونه؟ آیا سکوت می کنی؟

نه اصلا. من تا آخرین نفسم راه شوهرم را ادامه می دهم.

محرم چگینی یک کارگری بود که به قول خودت از صبح تا شب به دنبال یک لقمه نان حلال تلاش و کار می کرد. به نظرت چرا مفهومی مانند آزادی برای او مهم بود؟

او همیشه معترض بود که چرا ماهانه ۳۰۰ هزار تومان حقوق می گیرد که نیمی از آن را اجاره خانه می دهد و ۵۰ هزار تومان خرج رفت و آمد به سر کار است و در نهایت آنچه برای ما می ماند ۵۰ هزار تومان بود. یکی از دلایل بچه دار نشدنیان هم همین بود که این نان بخور و نمیر برای تربیت بچه کافی نبود. برای همین او به وضعیت موجود اعتراض داشت و معتقد بود تا آزادی نباشد و نتواند اعتراضش را بیان کند عدالتی هم در کار نخواهد بود.

اگر روزی موسوی، کروی و رهنورد را ببینید به آنها چه می گوید؟

می گویم تو را به خدایی که قبولش دارید حالا که این همه آدم کشته شده اند شما راهشان را ادامه دهید و نگذارید خون این شهدا پایمال شود. نکند سالگرد این شهدا تمام شده است با خودشان فکر کنند که همه چیز تمام شده و راهشان فراموش شود؟ به آنها می گویم که راه این شهدا ادامه دارد و نگذارید خون شان پایمال شود.

آیا تا کنون ملاقاتی با مهندس موسوی و یا کروی داشته اید تا درد دل ها و مشکلاتتان را به آنها بگویید؟

راستش را بخواهید همین اواخر به مناسبت روز زن گروهی از زنان با مهندس موسوی و دکتر زهرا رهنورد دیدار داشتند. من هم به این مراسم دعوت شدم و قرار بود با آقای موسوی و خانم رهنورد دیداری داشته باشم اما متأسفانه برخی از اعضای خانواده ام گفتند که به خاطر خطرات احتمالی که من را تهدید می کند، نروم. من نمی ترسم اما دلم نمی خواهد روی حرفشان حرف بزنم و دلگیرشان کنم. اما یک بار موفق شدم به دیدار مهدی کروی بروم او نیز با روی گشاده حضور مرا پذیرفت و به حرف های من گوش داد. راستش همین که می فهمم که رهبران جنبش سبز خانواده های شهدا از جمله ما را فراموش نکرده اند، قوت قلبی برای من می شود و کمتر احساس تنهایی می کنم.

گزارشی از تشکیل هسته مخفی توسط ما کارگران زن فهیمة جلوه

به گزارش ویلاک جهان زنان آمده است: گزارش بسیار جالبی از کارخانه شین بافت سنندج خواندم و به این فکر افتادم تجربه خودم را از تشکیل هسته مخفی کارگری در دهه ۶۰ بنویسم. چندین سال است فضای یادگانی بر بسیاری از کارخانه های ایران حاکم است. کارگران لحظه به لحظه توسط دوربین مداربسته کنترل می شوند. به دلیل چندین ساعت غیبت و تاخیر جریمه و در صورت تکرار اخراج می شوند. و... که این فضا را به خوبی گزارشی تحت عنوان "شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شین بافت و پیروز بافت سنندج" به تاریخ هشتم خرداد ۱۳۸۹ که یکی از کارگران اخراجی این کارخانه نوشته است توصیف کرده است. اما آن چه مرا به فکر نوشتن این تجربه انداخت این بود که به رغم چنین وضعیتی یک کارگر مبارز و انقلابی همواره می تواند و باید با گسترش شناخت خود از وضعیت محیطی که در آن فعالیت و مبارزه می کند به سازماندهی بپردازد. ما هم در دهه ۶۰ مجبور شدیم هسته مخفی کارخانه تشکیل دهیم. در آن زمان هم اعدام های گسترده فعالان سیاسی در زندان های ایران وجود داشت و بسیاری از عاشقان و شیفتگان طبقه کارگر جان خود را بر سر این راه گذاردند و حالا هم هزاران جوان در زندان های جمهوری اسلامی در زیر شکنجه قرار دارند و شماری از آنان در حال حاضر با مرگ دست و پنجه نرم میکنند و خطر اعدام آنان را تهدید می کند. اگرچه از بسیاری جهات تفاوت زیادی میان شرایط کنونی و زمان تشکیل هسته مخفی کارخانه توسط ما وجود دارد، اما در یک چیز اشتراک وجود دارد آن هم این که به رغم گسترش مبارزات توده ای و به خیابان آمدن میلیونی مردم در یک سال گذشته هم چنان فضا برای فعالان جنبش های مختلف فضایی سخت است و هم چنان فعالان از هیچ گونه امنیتی برخوردار نیستند. در چنین شرایطی کار مخفی اهمیت ویژه ای می یابد و باید به عنوان مقوله ای جدی به آن نگریسته شود. این شباهتی است که میان وضعیت فعلی ما در دهه ۶۰ با امروز برای یک فعال کارگری وجود دارد ما هسته مخفی کارگری مرکب از ۴ نفر تشکیل دادیم. دقیقا یادم نیست فکر می کنم سال ۶۴ یا سال ۶۵ بود. که به طور منظم

۴ نفره می نشستیم و در مورد مسائل مختلف با هم صحبت می کردیم. از مسائل ریز درون کارخانه تا مسائل سیاسی. اما باید بگویم قبل از آن مدت ها بود من و دوست بسیار نزدیکم که بعد ها به رفقای بسیار صمیمی برای هم تبدیل شدیم زمینه سازی می کردیم. و از هر فرصتی استفاده می کردیم تا ضرورت تشکیل جلسات منظم را یاد آوری کنیم. مثلاً وقتی خبر اعتصاب معدنچیان انگلیس از تلویزیون پخش شد، ما به چند نفر از کارگران زن که توانسته بودیم دوستی نزدیکی بین خودمان و آن ها برقرار کنیم می گفتیم ببینید آن ها اگر ۱۰ ماه اعتصابشان دوام می آورد چون اتحادیه دارند و این که میتوانند ۱۰ ماه بدون حقوق زندگی کنند اما هم چنان به اعتصاب ادامه دهند. اما اینجا کارگران یک ماه حقوق نگیرند دوام نمی آورند. برای این که هیچ پشتوانه ای ندارند. ما نه صندوق داریم و نه هیچ چیز دیگر. و از فرصت های مختلفی که پیش می آمد استفاده می کردیم تا توضیح دهیم لازم است ما جلساتی داشته باشیم تا در مورد این مسائل صحبت کنیم. مثلاً وقتی به یکبار مدیریت تصمیم می گیرد طرح طبقه بندی مشاغل را که قرار است در کارخانه پیاده شود- از دور خارج کند آن ها با هم جلسه می گذارند و با هم به توافق می رسند چگونه به کارگران توضیح دهند که باعث اعتراض ما کارگران نشود و بهانه هایی که می آورند همه قبلاً با هم برسر آن توافق کرده اند. آن ها بارها جلسه می گذارند تا به یک تصمیم گیری برسند. برای همین هم هست که ما همیشه در ضعفیم. چون از قبل فکر شده و توافق شده جلو نمی رویم. اما برای همه این ها باید کار با برنامه کرد. و لازم است ما هم مثل آن ها با هم در مورد این مسائل صحبت کنیم و بدانیم چه می خواهیم و چگونه می خواهیم پیش برویم. برای همین لازم است بدون این که مدیریت متوجه شود از قبل با هم بر سر هر مسئله صحبت کنیم و بدانیم چه کار می خواهیم بکنیم. من فکر می کنم برای یک کارگر مبارز که می خواهد دوستانش را به کار منظم ترغیب کند توجه دوستان کارگرش به ضرورت این کار از همه چیز مهم تر است. چون وقتی کارگران کاملاً قانع بشوند منافعشان ایجاب می کند کارجمعی باید بکنند و یا لازم است با هم در مورد مسائل درون کارخانه صحبت بکنند و... آن گاه موانع فرعی می شود. در آن صورت برای رفع موانع می شود به راه حل هایی رسید و حتماً هم راه حل هایی برای رفع مشکلات وجود دارد. اما در این رابطه همه کارگران از یک سطح آگاهی و یا یک پتانسیل مساوی برخوردار نیستند. در این میان عده ای از کارگران نسبت به بقیه جلوترند و نسبت به مسائل بهتر فکر می کنند و یا در محیط بهتر ظاهر می شوند. در دوران ما به دلیل فضای سخت پلیسی حاکم لازم بود هسته مخفی کوچک باشد تا بتوانیم امنیت آن را بهتر تامین کنیم. به همین دلیل هم بود که سالها این هسته مخفی توانست به کار خود ادامه دهد و دستاوردهای خوبی داشته باشد. من فکر می کنم وقتی پای سازماندهی کارگری به میان می آید بخشی از کار باید مخفی باشد. کارگران برای کسب مطالبات خود با یک مانع مواجه نیستند. آنها هم با کارفرما و عوامل آن مواجهند، هم با رژیم که حالا دیگر شمشیر را از رو بسته و در عین حال با کارگران نا آگاهی که ضرورت تشکیلات کارگری را تشخیص نمی دهند. اما کارگر مبارز و انقلابی نه به دنباله روی از توده بی شکل کارگران و نه در عین حال بر فراز آنان باید حرکت کند. این که حتا جمعی هم بوجود بیاید اما نتواند ارتباط لازم و وسیع را با توده کارگران داشته باشد باز هم نمی تواند در سازماندهی کارگری منشا اثر باشد. در نتیجه باز هم نمی توان از تشکیلات کارگری صحبت کرد. بنابر این در شرایط کنونی که کار مخفی اهمیت ویژه ای می یابد، سازماندهی کارگری درحالی که باید مناسب با شرایط کنونی تلفیق درستی از کار مخفی و علنی باشد در عین حال باید بتواند توده کارگران را به حرکت درآورد از این رو گسترش ارتباط با توده های کارگران بخش اصلی و مهم زدن تشکیلات کارگری به حساب می آید. امری که گویا لازم است امروز تاکید بیشتری بر آن داشته باشیم. چون به نظرم بسیاری از فعالان کارگری امروز اهمیت لازم را به گسترش ارتباط با بدنه طبقه کارگر نمی دهند.

شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شین بافت و پیروز بافت سندج

نام کارخانه و نوع محصول تولیدی:

کارخانه شین بافت و پیروز بافت سندج و تولید کننده پارچه.

چرا کارخانه دو اسم دارد؟ جهت استنمار هر چه بیشتر کارگران و کسب حداکثر سود و فرار از قوانین و مقررات موجود، و.....

سرمایه گذاران (کارفرمایان): از نوادگان خوانین منطقه دیواندره، اقایان عطاءالله و کیومرث امینی.

تعداد کارگران: ۷۴ نفر (۲۵ نفر رسمی و ۴۹ نفر قراردادی، از نوع سفید امضاء). فاقد طرح طبقه بندی مشاغل. در کارخانه هیچ گونه تشکل و یا نماینده کارگری، حتی از نوع دولتی آن هم ندارد. اصولاً بردگی مزدی در این شرکت قوانین خودش را دارد. کارگران در سه شیفت در طول شبانه روز و به صورت چرخشی کار می کنند. البته کارگران دارای شماره تماس شبانه روزی بوده و در صورت تماس مدیریت با آنها، باید خارج از شیفت و به صورت اضافه کار و در حالت فوری و اجباری، در کارخانه حضور یابند.

نحوه استخدام پرسنل: قانون مشخصی ندارد. سلسله مراتب مانند ارباب و رعیتی می باشد و اقوام خان نیروهای ستادی را تشکیل داده و در کل هر کسی بیشتر جان بکند! می تواند افرادی مانند خود را به استخدام درآورد. فرد به کار گرفته شده باید بتواند برای اجتماعی نمودن خویش کارش را از شستن ماشین خان شروع کرده و اگر تحمل کرد، می تواند وارد مرحله بعدی یعنی نظافت کارخانه و شرکت در بارگیری و تخلیه بارشود! در تمامی این مراحل راه رفتن او باید شبیه آهو باشد و البته مطیع سایر کارگران! به این ترتیب کارگر قرارداد یک ماهه را به صورت شفاهی و سپس قرارداد سفید کتبی امضاء می نماید.

مجموعه قوانین و مقررات بردگان مزدی کارخانه شین بافت:

۱- کارگر یک ساعت قبل از شروع به کار شیفت، باید از منزل خارج شود تا بتواند خود را به مسیر تنها سرویس کارخانه برساند. بیشتر کارگران با مسیر تعیین شده سرویس فاصله دارند.

۲- داخل سرویس صحبت کردن بر خلاف میل کارفرما پیگرد انضباطی دارد.

۳- کارگران بعد از پیاده شدن از سرویس باید مانند زندانی دست بر سر، مورد بازدید بدنی قرار گرفته و از جلو

دوربین مدار بسته وارد سالن تولید شده و دستگاه تولیدی را تحویل بگیرند. این کار (تحویل گرفتن دستگاه) به معنای بدون اشکال بودن می باشد، که در غیر اینصورت جریمه انضباطی (کسر حقوق) به دنبال دارد.

۴- برای گرفتن مرخصی استحقاقی باید هفت خان را طی کرد. مرخصی استعلاجی بدون اجازه، پیگرد دارد و باید پزشک متخصص آن را تایید کند و بیشتر از یک روز، کارگر مورد بی مهری شدید کارفرما قرار می گیرد و در صورت تکرار، تمدید قرارداد را به مخاطره می اندازد و در ضمن از مرخصی استحقاقی هم کسر می گردد. مرخصی کارگران فامیل در کارخانه برای شرکت در مراسم ختم، فقط برای یک نفر از آنها امکان پذیر می باشد. البته مرخصی اجباری هم وجود دارد. آن هم در صورتی که کارفرما بخواهد از قوانین مالی فرار کند، ۱۰ الی ۱۵ روز مرخصی اجباری به کارگران داده می شود. در این مدت با دعوت کردن از همه ی رؤسای قانونی به کارخانه، آنها را فریفته و مسئله اشتغال زایی استان را در خطر تعریف می کند. از سوی دیگر مرخصی استحقاقی کارگران نیز تمام شده و تسلط بیشتری بر کارگران پیدا خواهد کرد.

۵- جریمه: کارفرما هر زمانی که اراده کند با دلایل واهی، کارگران را جریمه می کند. اگر کسی هم معترض شود، جوابش این است: اعتراضی داری می توانی تسویه نموده و کار نکنی!

۶- سلسله مراتب شبیه پادگان است و در آن بالا، خانهای امینی قرار دارند!

۷- دوربین های مدار بسته شبانه روزی کنترل شده و گزارش آن به مدیریت داده می شود. این دوربین ها بسیار سودآور بوده و هر گونه حرکت انسانی را مشمول جریمه و بازخواست قرار می دهند.

۸- اضافه کاری اجباری: این اضافه کاری ها تاکنون بسیاری از کارگران را بیمار و حتی یکی از کارگران زحمتکش (به شهادت خود کارگران) به اسم بهرام فرزام راد، بر اثر همین اضافه کاری سخته کرده و جان باخته است. البته مزایای اضافه کاری برای کارفرما بر کسی پوشیده نیست! در طول سال به طور متوسط هر کارگر ۱۵۰۰ ساعت اضافه کاری اجباری دارد. اگر فروش خوب باشد، اضافه کاری اجباری حتمی است و در صورت کساد بازار، مدیریت بنا به تصمیم خودش، تعطیلات را جابجا و کارگران را به مرخصی اجباری می فرستد.

۹- شرح وظیفه در مقابل دستور مافوق بی اعتبار است!

۱۰- ایستادن و نشستن در طول ساعات کاری جرمی نابخشودنی است.

۱۱- دستمزد مطابق حداقل حقوق قانون کار است. البته اگر کارگر جریمه نشود.

۱۲- رعب و وحشت از کارفرما و محیط کار و ترس از بازخواست و جریمه شدن کابوس های شبانه کارگران در هنگام خواب محسوب می شود!

۱۳- شین بافت یک پادگان نظامی است که تمامی صفات مدیریت و برخورد با کارگران غیرانسانی است و کارگر آزاری به هر شیوه ی ممکن اجرا می شود. (۴۰ روز یکی از کارگران بنام ابوبکر فطنی، در حیاط کارخانه به صورت ایستاده، مورد اذیت و آزار روحی و جسمی قرار گرفت. کارگری با نام خانوادگی درویشی، توسط کیومرث امینی و دو نفر از عواملش مورد کتک کاری شدید قرار گرفت و...)

۱۴- هر کدام از ابزار و وسایل تحویلی کارگران، در صورت شکسته شدن و یا اسقاط و گم شدن، بنا به تشخیص کارفرما باید دوباره توسط کارگر خریداری شود.

۱۵- از قانون کار حرف زدن در محیط کار جرم محسوب می شود و کسر حقوق به دنبال دارد.

۱۶- عضویت در تشکل های کارگری، حتی خارج از کارخانه جرم است و اخراج را در پی دارد.

۱۷- اربابان این کارخانه، در کاخ های خود در کانادا مقیم هستند و هر ماه با مسافرت های هوایی، مغضوب شدگان را عذاب می دهند. البته باید همیشه خزانه ارباب پر باشد، چون که درآمد ایشان به ریال است و خرج به دلار!

۱۸- دوستی جرم است و یکی از وظایف مدیریت ایجاد تفرقه میان کارگران است و داد و فریاد و توهین از اصول اخلاقی آنهاست.

۱۹- این کارخانه هیچگونه حمایت مالی و اسپانسرری در قبال کارگران انجام نمی دهد و هر روز صاحبان کارخانه با مکیدن خون کارگران جاق تر می شوند. طوری که کیومرث امینی به بیماری نقرس مبتلا می باشد.

۲۰- شیوه مدیریت به گفته بسیاری از نزدیکان کارفرما شبیه مدیریت عهد قاجار است!

۲۱- مداحان و تملق گوینان و گزارشگران مدیریت، که معمولاً اقوام کارفرما هستند، از نیروهای ستادی و اداری مدیریت محسوب می شوند، که گاهی اوقات برای لشکرکشی ها خارج از وظایف مورد استفاده قرار می گیرند و پست کاری آنها با هیچ کارگر مریضی قابل تعویض نیست.

من ۲۱ مورد را گفتم، اگر باور ندارید به طور خصوصی از یکی از کارگران سوال کنید. امکان دارد آنقدر مرعوب شده باشد که حتی جرات حرف زدن را نداشته باشد.

خلاصه کنم: شین بافت کارخانه جهنمی است که من حدود ده سال به عنوان فردی مرعوب شده در آنجا کار کردم.

اعتراض و اعتصاب:

اعتصاب تا به حال نداشته است و اعتراض به صورت انفرادی و غیر متشکل و پراکنده صورت گرفته و فرد معترض اخراج شده است. ایجاد رعب و وحشت و ترس و تحقیر و تهدید به اخراج از دلایل عمده ی عدم اعتراض دسته جمعی عنوان می شود.

اخراج: اگر بخواهند کارگر رسمی را اخراج کنند آنقدر او را عذاب می دهند تا خود فرار کند. کارگر قراردادی هم که حق حرف زدن ندارد.

شرایط فیزیولوژیک کارخانه: رطوبت بالای ۸۰ درجه، گرما بالای ۳۰ درجه، گرد و غبار نخ به غلظت گردباد، شدت صدای ماشین آلات به حدی است که هیچ کس نمی تواند حتی در فاصله اندک با هم حرف بزند. جا به جا نمودن و بارگیری و تخلیه بدون ماشین، استفاده از مواد شیمیایی آهار، نور صد درصد مصنوعی. در طول ساعات کاری استراحت معنی ندارد.

بیماری‌های ناشی از کار و رعایت نکردن بهداشت و ایمنی: دیسک کمر، آلرژی، بیماری‌های پوستی، سنگ کلیه، سوزش چشم، بیماری‌های تنفسی، آسم و بیماری‌های قلبی و روانی... جمعی از کارگران به اسامی حسین احمدی، ابوبکر فطنی، حبیب اله هاشمی، سید حسام سعیدی، فردین درویشی که دچار بسیاری از بیماری‌های فوق شده‌اند، مجبور به ترک کار و استفاده از بیمه بیکاری شدند و به مراجع قضایی شکایت نموده‌اند. در نتیجه این بیماری‌ها، از قدرت بدنی کارگر کاسته می‌شود. آنها قبل از شکایت تقاضای تغییر و جابجایی شغلی کرده بودند. در این کارخانه به جای اول ایمنی بعد کار، شعار اول ایمنی بعد کار عملی شده است! بسیاری از بیماری‌ها به علت عدم توجه کارفرما به مسائل ایمنی به وجود آمده است. به تازگی هم به تعدادی از کارگران، اخطار پزشکی داده شده که باید بیماری‌های ناشی از کار را درمان و یا ترک کار کنند. جالب تر اینکه بعد از ۱۸ سال کار، به کارگران فشار آورده‌اند که برگه ای را امضا کنند که کارخانه وسایل ایمنی، از قبیل ماسک، گوشی و کفش به تعدادی تحویل داده است و اگر کارگری دچار بیماری شود، مدیریت کارخانه هیچ مسئولیتی ندارد. این وسایل، دو سه سالی است که مرتب داده می‌شود. جواب کارفرما در مقابل بیماری کارگران: اینجا گداخانه نیست، تنها تو نیستی!

اداره کار و قانون: بدون تردید اداره کار به جای اجرای قانون، به اشتغال با دیدی کاملاً حمایت گزانه از سرمایه می‌نگرد و همیشه و در همه جا به دنبال هموار کردن موانع سرمایه گذاری، یعنی سرکوب کارگران می‌باشد. انتخاب نماینده کارفرمایان و مدیران ضد کارگری برای ریاست اداره کار جای تعجب ندارد و هر کس از حقوق کارگران دفاع می‌کند به نام کمونیست و ضد انقلاب دادگاهی می‌گردد. البته رای‌هایی هم که در قانون به نفع کارگر داده می‌شود، ضمانت اجرایی ندارد. کلام آخر: به چه کسی پناه ببرم که بی پناهم، با کی صحبت کنم که مصاحبتم جرم نباشد، کدام چه باید کرد را عمل نمایم، تا اعمالم به سر منزل مقصود برسد. من خواهان برابریم، برابری، برابری ...

یکی از کارگران اخراجی کارخانه شین بافت سنندج - اردیبهشت ۱۳۸۹

[/http://jahanezan.wordpress.com/2010/07/14/tanin-351](http://jahanezan.wordpress.com/2010/07/14/tanin-351)